



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تغییر جنسیت

از منظر فقه و حقوق

تفحص و تصدیق کرده‌اند

معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی

نویسنده:

محمد مهدی کریمی نیا

ناشر چاپی:

مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۳۸	مقدمه معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار
۴۰	پیش گفتار
۴۴	مقدمه
۴۴	اشاره
۴۴	۱. بیان و شناسایی موضوع تحقیق
۴۵	۲. اهمیت و جایگاه موضوع تغییر جنسیت
۴۸	۳. هدف تحقیق
۵۰	۴. سؤالات اصلی و فرعی تغییر جنسیت
۵۲	۵. پیشینه تحقیق
۵۹	بخش اول: تعاریف و کلیات
۵۹	اشاره
۶۱	فصل اول: تعریف تغییر جنسیت
۶۱	اشاره
۶۱	مبحث اول: تغییر جنسیت در لغت
۶۱	اشاره
۶۳	جمع بندی و بیان نظریه مختار
۶۳	مبحث دوم: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی
۶۴	مبحث سوم: تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی
۶۴	اشاره
۶۷	جمع بندی و بیان نظریه مختار

۶۹	فصل دوم: تاریخچه تغییر جنسیت
۶۹	طرح بحث
۷۰	مبحث اول: اولین تغییر جنسیت در ایران
۷۰	اشاره
۷۱	بررسی و تحلیل
۷۳	مبحث دوم: تغییر جنسیت در خارج ایران
۷۳	اشاره
۷۳	گفتار اول: اولین تغییر جنسیت در انگلستان
۷۳	گفتار دوم: اولین تغییر جنسیت در آمریکا
۷۴	گفتار سوم: اولین تغییر جنسیت در مصر
۷۴	جمع بندی و بیان نظریه مختار
۷۷	فصل سوم: اقسام تغییر جنسیت
۷۷	اشاره
۷۷	مبحث اول: تغییر جنسیت در افراد سالم
۷۸	مبحث دوم: تغییر جنسیت در دوجنسی ها (خنثی ها)
۷۹	مبحث سوم: تغییر جنسیت در افراد ممسوح
۷۹	مبحث چهارم: تغییر جنسیت در تراجنسیتی ها(ناراضیان جنسی)
۸۰	مبحث پنجم: تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت
۸۰	مبحث ششم: تغییر جنسیت در حیوانات
۸۲	مبحث هفتم: تغییر جنسیت در گیاهان
۸۳	فصل چهارم: اختلال هویت جنسی؛ تراجنسیتی (ترانس سکشوال)
۸۳	مبحث اول: طرح مسأله و اهمیت آن
۸۴	مبحث دوم: هویت جنسی
۸۵	مبحث سوم: نقش جنسی و گرایش جنسی
۸۶	مبحث چهارم: میل جنسی
۸۹	مبحث پنجم: علت شناسی پدیده تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)

۸۹ اشاره
۹۰ گفتار اول: عوامل زیست شناختی
۹۱ گفتار دوم: عوامل عصب شناسی
۹۱ گفتار سوم: عوامل روان شناخت
۹۱ بند اول: نظریه روانی - اجتماعی
۹۱ بند دوم: نظریه روانی - جنسی
۹۲ مبحث ششم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)
۹۲ اشاره
۹۲ گفتار اول: تعریف تراجنسیتی (ترانس سکشوال)
۹۴ گفتار دوم: بررسی واژه ترانس سکشوال
۹۵ گفتار سوم: تراجنسیتی در کودکان
۹۷ گفتار چهارم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) در نوجوانان و بزرگسالان
۹۸ گفتار پنجم: علائم و نشانه های اختصاصی
۱۰۱ گفتار ششم: اقسام تراجنسیتی (ترانس سکشوال)
۱۰۱ اشاره
۱۰۱ بند اول: ترانس سکشوال مذکر
۱۰۱ اشاره
۱۰۲ گزارش یک مورد ترانس سکشوال مذکر
۱۰۴ بند دوم - تراجنسیتی (ترانس سکشوال) مؤنث
۱۰۴ اشاره
۱۰۶ گزارش یک مورد ترانس سکشوال مؤنث
۱۰۸ گفتار هفتم: میزان بیماری تراجنسیتی (ترانس سکشوال)
۱۰۸ بند اول: میزان بیماری تراجنسیتی در مقیاس جهانی
۱۰۹ بند دوم: میزان بیماری تراجنسیتی در ایران
۱۱۱ گفتار هشتم: درمان اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی)
۱۱۴ جمع بندی و بیان نظریه مختار

۱۱۷	فصل پنجم: اختلال هویت جنسی؛ دو جنسی ها (خنثی ها)
۱۱۷	مبحث اول: اهمیت و طرح بحث
۱۱۸	مبحث دوم: علت بروز دو جنسیتی (خنثی)
۱۱۹	مبحث سوم: خنثی در لغت
۱۱۹	اشاره
۱۲۱	گفتار اول: معنای مشهور خنثی
۱۲۲	گفتار دوم: معنای غیر مشهور درباره خنثی
۱۲۲	اشاره
۱۲۴	نظریه مختار
۱۲۴	مبحث چهارم: تاریخچه خنثی ها (دو جنسی ها)
۱۲۴	اشاره
۱۲۹	بررسی و تحلیل
۱۳۲	مبحث پنجم: خنثی (دو جنسی) و مسأله جنس سوم
۱۳۲	اشاره
۱۳۲	گفتار اول: دیدگاه مشهور
۱۳۲	اشاره
۱۳۲	بند اول: نظر مشهور در عدم وجود جنس سوم
۱۳۵	بند دوم: ادله مشهور بر عدم وجود جنس سوم
۱۳۷	گفتار دوم: دیدگاه غیر مشهور
۱۳۹	مبحث ششم: اقسام خنثی
۱۳۹	گفتار اول: اقسام خنثی از نظر فقه اسلامی
۱۳۹	اشاره
۱۳۹	بند اول: خنثای مشکل
۱۳۹	بند دوم: خنثای غیر مشکل
۱۴۱	بند سوم: اقسام خنثای غیر مشکل
۱۴۲	گفتار دوم: اقسام خنثی (دو جنسی) از نظر پزشکی

- ۱۴۲ اشاره
- ۱۴۳ نظریهٔ مختار
- ۱۴۳ مبحث هفتم: معیار و مبنای تعیین جنسیت در دو جنسی ها (خنثی ها)
- ۱۵۰ مبحث هشتم: تعیین جنسیت خنثی از دیدگاه روایات اسلامی
- ۱۵۲ مبحث نهم: احکام ویژهٔ خنثای مشکل (دو جنسی کامل)
- ۱۵۶ فصل ششم: تغییر جنسیت از نظر حقوق ایران
- ۱۵۶ اشاره
- ۱۵۷ مبحث اول: نگارش کتاب تحریر الوسیله و بیان مسألهٔ تغییر جنسیت
- ۱۵۷ گفتار اول: بیان اهمیت مسأله
- ۱۵۸ گفتار دوم: دیدگاه امام خمینی دربارهٔ تغییر جنسیت
- ۱۵۸ بند اول: جواز تغییر جنسیت
- ۱۵۸ بند دوم: تبدیل جنس واقعی
- ۱۵۸ بند سوم: تبدیل جنس واقعی
- ۱۵۸ بند چهارم: تغییر جنسیت پس از ازدواج
- ۱۵۹ بند پنجم: تغییر جنسیت زن و شوهر با هم
- ۱۵۹ بند ششم: سقوط عده
- ۱۵۹ بند هفتم: تغییر عناوین
- ۱۵۹ بند هشتم: ارث
- ۱۶۰ بند نهم: محرمیت
- ۱۶۰ بند دهم: نسبت به نزدیکان رضاعی
- ۱۶۰ بند یازدهم: کشف جنس واقعی
- ۱۶۱ مبحث دوم: استفتای جدید از امام خمینی دربارهٔ تغییر جنسیت
- ۱۶۱ گفتار اول: شرح ماجرا
- ۱۶۱ گفتار دوم: فتوای امام خمینی در جواز تغییر جنسیت
- ۱۶۲ مبحث سوم: مقررات پزشکی قانونی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران
- ۱۶۳ مبحث چهارم: رأی ادارهٔ حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

- ۱۶۴ ----- مبحث پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت
- ۱۶۴ ----- گفتار اول: وضعیت شناسنامه جدید در دو جنسی ها
- ۱۶۵ ----- گفتار دوم: وضعیت شناسنامه جدید در تراجنسیتی ها
- ۱۶۵ ----- مبحث ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت
- ۱۶۵ ----- اشاره
- ۱۶۶ ----- جمع بندی و بیان نظریه مختار
- ۱۶۸ ----- بخش دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت
- ۱۶۸ ----- اشاره
- ۱۷۰ ----- طرح بحث
- ۱۷۶ ----- فصل اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی (دوجنسی ها)
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۷۶ ----- مبحث اول: نظرات در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد خنثی
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۷۷ ----- گفتار اول: نظرات اهل سنت در تغییر جنسیت افراد خنثی
- ۱۷۸ ----- گفتار دوم: نظرات فقیهان شیعه در تغییر جنسیت افراد خنثی
- ۱۷۸ ----- اشاره
- ۱۷۹ ----- بند اول: جواز در تغییر جنسیت افراد خنثی مطلقا - اعم از مشکل و غیر مشکل -
- ۱۸۴ ----- بند دوم: و جوب تغییر جنسیت در افراد خنثی
- ۱۸۶ ----- بند سوم: عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی
- ۱۸۸ ----- بند چهارم: عدم صدق عنوان «تغییر جنسیت» در خنثی
- ۱۸۹ ----- جمع بندی و بیان نظریه مختار
- ۱۹۰ ----- مبحث دوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای مشکل
- ۱۹۰ ----- اشاره
- ۱۹۰ ----- گفتار اول: تمسک به قاعده اضطرار
- ۱۹۳ ----- گفتار دوم: تمسک به قاعده نفی عسرو حرج
- ۱۹۳ ----- اشاره

- بند اول: کتاب ۱۹۵
- بند دوم: سنت ۱۹۶
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار ۲۰۰
- مبحث سوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل ۲۰۱
- اشاره ۲۰۱
- گفتار اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای انثی ۲۰۴
- اشاره ۲۰۴
- بند اول: تبدیل خنثای انثی به زن کامل ۲۰۴
- بند دوم: تبدیل خنثای انثی به مرد ۲۰۶
- گفتار دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مذکر ۲۱۰
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار ۲۱۲
- فصل دوم: تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت ۲۱۳
- اشاره ۲۱۳
- مبحث اول: بطلان و حرمت تغییر جنسیت ظاهری ۲۱۴
- مبحث دوم: انجام تکالیف براساس جنسیت واقعی ۲۱۵
- مبحث سوم: جواز یا وجوب عمل جراحی برای کشف واقع ۲۱۶
- مبحث چهارم: تکلیف شرعی قبل از عمل ۲۲۰
- اشاره ۲۲۰
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار ۲۲۰
- فصل سوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد سالم و افراد تراجنسیتی (ترانس ها) ۲۲۳
- اشاره ۲۲۳
- مبحث اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم ۲۲۳
- مبحث دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در تراجنسیتی (ترانس سکشوال یا خنثای روانی) ۲۲۴
- اشاره ۲۲۴
- گفتار اول: ادلهٔ موافقین تغییر جنسیت ۲۲۴
- اشاره ۲۲۴

- بند اول: دیدگاه امام خمینی(ره) در جواز تغییر جنسیت ۲۲۵
- بند دوم: ادله موافقین تغییر جنسیت ۲۲۹
- گفتار دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت ۲۴۰
- اشاره ۲۴۰
- بند اول: نظرات مخالفین تغییر جنسیت ۲۴۰
- بند دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت ۲۴۳
- فصل چهارم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در حیوانات ۲۷۷
- اشاره ۲۷۷
- مبحث اول: دیدگاه فقیهان شیعه در تغییر جنسیت حیوانات ۲۷۸
- مبحث دوم: دیدگاه فقیهان اهل سنت در تغییر جنسیت حیوانات ۲۷۹
- مبحث سوم: بررسی و تحلیل ۲۸۰
- گفتار اول: روایات اسلامی در بحث اخته کردن حیوانات ۲۸۰
- گفتار دوم: جواز تغییر جنسیت حیوانات ۲۸۱
- بخش سوم: روابط زوجین پس از تغییر جنسیت ۲۸۳
- اشاره ۲۸۳
- فصل اول: مسأله بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت ۲۸۵
- طرح بحث ۲۸۵
- مبحث اول: بقا یا عدم بقای ازدواج در تغییر جنسیت مرد یا زن به جنس مخالف ۲۸۸
- اشاره ۲۸۸
- گفتار اول: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت مرد به زن ۲۸۹
- گفتار دوم: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت زن به مرد ۲۹۰
- گفتار سوم: تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان (غیر مقارن) ۲۹۰
- گفتار چهارم: تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان (مقارن) ۲۹۱
- گفتار پنجم: دیدگاه امام خمینی در مورد تغییر جنسیت همزمان ۲۹۴
- گفتار ششم: دیدگاه مراجع تقلید و فقیهان اسلامی درباره تأثیر تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج ۲۹۵
- اشاره ۲۹۵

- ۳۰۰ جمع بندی و بیان نظریه مختار
- ۳۰۲ مبحث دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای مشکل
- ۳۰۳ مبحث سوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل
- ۳۰۴ مبحث چهارم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثی
- ۳۰۷ فصل دوم: مسأله نفقهٔ زوجه پس از تغییر جنسیت
- ۳۰۷ طرح بحث:
- ۳۰۸ مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقهٔ زوجه در عقد دائم
- ۳۰۸ اشاره
- ۳۰۸ گفتار اول: تبدیل مرد به زن: بطلان نکاح و سقوط نفقه
- ۳۰۹ گفتار دوم: تبدیل زن به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه
- ۳۰۹ گفتار سوم: تبدیل مرد به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه
- ۳۱۰ گفتار چهارم: تبدیل زن به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه
- ۳۱۰ گفتار پنجم: تبدیل مرد به خنثای غیرمشکل
- ۳۱۱ گفتار ششم: تبدیل زن به خنثای غیر مشکل
- ۳۱۱ گفتار هفتم: تبدیل خنثای غیر مشکل (مذکر)
- ۳۱۱ گفتار هشتم: تبدیل خنثای غیرمشکل (مؤنث)
- ۳۱۳ مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه در عقد موقت
- ۳۱۳ اشاره
- ۳۱۴ گفتار اول: عدم وجوب نفقه در عقد موقت
- ۳۱۴ گفتار دوم: اشتراط نفقه در عقد موقت
- ۳۱۴ جمع بندی و بیان نظریه مختار
- ۳۱۷ فصل سوم: تغییر جنسیت و مسأله مهریه زن
- ۳۱۷ طرح بحث
- ۳۱۷ مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله مهریه زوجه در عقد دائم
- ۳۱۷ اشاره
- ۳۱۸ گفتار اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقاً

- گفتار دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقاً - - - - - ۳۲۰
- گفتار سوم: وجوب پرداخت کل مهر در صورت نزدیکی و تنصیف در غیر نزدیکی - - - - - ۳۲۷
- گفتار چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازهٔ زوجه از زوج - - - - - ۳۲۹
- اشاره - - - - - ۳۲۹
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار - - - - - ۳۳۱
- مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسألهٔ مهریه در عقد موقت - - - - - ۳۳۱
- اشاره - - - - - ۳۳۱
- گفتار اول: تغییر جنسیت زوج در عقد موقت و مسألهٔ مهریه - - - - - ۳۳۲
- گفتار دوم: تغییر جنسیت زوجه در عقد موقت و مسألهٔ مهریه - - - - - ۳۳۲
- اشاره - - - - - ۳۳۲
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار - - - - - ۳۳۴
- فصل چهارم: تغییر جنسیت و مسألهٔ عده - - - - - ۳۳۵
- طرح بحث - - - - - ۳۳۵
- مبحث اول: تغییر جنسیت زوجه و مسألهٔ عده - - - - - ۳۳۶
- مبحث دوم: تغییر جنسیت زوج (شوهر) و مسألهٔ عده - - - - - ۳۳۷
- مبحث سوم: تغییر جنسیت زوجه در زمان عده - - - - - ۳۳۸
- مبحث چهارم: بررسی و تحلیل چند فتوای فقهی در بحث «تغییر جنسیت و عده» - - - - - ۳۴۰
- اشاره - - - - - ۳۴۰
- جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار - - - - - ۳۴۲
- بخش چهارم: روابط زوجین پس از تغییر جنسیت نسبت به اولاد - - - - - ۳۴۴
- اشاره - - - - - ۳۴۴
- فصل اول: تغییر جنسیت و مسألهٔ عناوین نسبی - - - - - ۳۴۶
- اشاره - - - - - ۳۴۶
- مبحث اول: تغییر جنسیت برادر یا خواهر - - - - - ۳۴۷
- اشاره - - - - - ۳۴۷
- گفتار اول: تأثیر تغییر جنسیت بر قرابت های سببی و رضاعی - - - - - ۳۴۸

- گفتار دوم: تغییر جنسیت دو برادر ۳۴۸
- گفتار سوم: تغییر جنسیت دو خواهر ۳۴۸
- مبحث دوم: تغییر جنسیت عمو و عمه ۳۴۸
- مبحث سوم: تغییر جنسیت دایی و خاله ۳۴۹
- مبحث چهارم: تغییر جنسیت پدر یا مادر ۳۴۹
- اشاره ۳۴۹
- دلیل اول: عرفی بودن عناوین نسبی ۳۵۰
- دلیل دوم: صدق عنوان پدر و مادر براساس زمان انعقاد نطفه ۳۵۱
- مبحث پنجم: تغییر جنسیت پدر بزرگ و مادر بزرگ و عناوین نسبی ۳۵۲
- اشاره ۳۵۲
- جمع بندی و بیان نظریه مختار ۳۵۲
- فصل دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان و والدین ۳۵۴
- اشاره ۳۵۴
- مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان ۳۵۴
- اشاره ۳۵۴
- گفتار اول: تغییر جنسیت پدر و مسأله نفقه فرزندان ۳۵۵
- گفتار دوم: تغییر جنسیت مادر و مسأله نفقه فرزندان ۳۵۷
- اشاره ۳۵۷
- حالت اول: تغییر جنسیت مادر با وجود پدر یا جد پدری ۳۵۷
- حالت دوم: تغییر جنسیت مادر با نبود پدر و جد پدری ۳۵۹
- مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه والدین ۳۶۰
- اشاره ۳۶۰
- جمع بندی و بیان نظریه مختار ۳۶۱
- فصل سوم: تغییر جنسیت و مسأله ولایت و حضانت کودکان ۳۶۳
- اشاره ۳۶۳
- مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان ۳۶۳

۳۶۳ اشاره

۳۶۴ گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

۳۶۴ اشاره

۳۶۵ دلیل اول: ثبوت ولایت بر صغار برای عنوان پدر

۳۶۵ دلیل دوم: معنای پدر از نظر شرعی

۳۶۶ گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

۳۶۶ اشاره

۳۶۶ دیدگاه اول: تغییر جنسیت پدر موجب سقوط ولایت وی است

۳۶۶ اشاره

۳۶۶ دلیل اول: ولایت برای عنوان پدری است

۳۶۸ دلیل دوم: ولایت برای عنوان رجولیت (مردی) است

۳۶۹ دیدگاه دوم: تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد

۳۶۹ مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله حضانت کودکان

۳۶۹ اشاره

۳۷۰ گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله حضانت کودکان

۳۷۱ گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله حضانت کودکان

۳۷۱ اشاره

۳۷۲ جمع بندی و بیان نظریه مختار

۳۷۴ فصل چهارم: تغییر جنسیت و مسأله ارث

۳۷۴ اشاره

۳۷۴ مبحث اول: ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش

۳۷۴ اشاره

۳۷۵ گفتار اول: تغییر جنسیت قبل از فوت یکی از والدین

۳۷۶ گفتار دوم: تغییر جنسیت بعد از فوت یکی از والدین

۳۷۷ مبحث دوم: ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش

۳۷۷ اشاره

- گفتار اول: والدین تغییر جنسیت داده از فرزند ارث نمی برند - - - - - ۳۷۷
- گفتار دوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می برد. - - - - - ۳۷۸
- اشاره - - - - - ۳۷۸
- دلیل اول: ثبوت ارث به دلیل قرابت و خویشاوندی - - - - - ۳۷۸
- دلیل دوم: ثبوت ارث به دلیل اولی الارحام - - - - - ۳۷۹
- دلیل سوم: استمرار قرابت نسبی پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر - - - - - ۳۸۰
- گفتار سوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می برند - - - - - ۳۸۳
- خاتمه و نتیجه گیری - - - - - ۳۸۶
- اشاره - - - - - ۳۸۶
۱. نتیجه گیری - - - - - ۳۸۶
- الف) توجه فقیهان شیعه به بحث تغییر جنسیت - - - - - ۳۸۶
- ب) اهمیت بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت تغییر جنسیت - - - - - ۳۸۷
- ج) اهمیت بحث تغییر در خلقت خدا - - - - - ۳۸۷
- د) جایگاه ویژه تغییر جنسیت در حقوق ایران - - - - - ۳۸۸
- ه) ارتباط تغییر جنسیت با بیماران جسمی و روحی - - - - - ۳۸۸
۲. پاسخ به پرسش های اصلی تحقیق - - - - - ۳۸۹
۳. مشکلات تحقیق - - - - - ۳۹۵
- اشاره - - - - - ۳۹۵
- الف) کمبود منابع - - - - - ۳۹۵
- ب) تغییر جنسیت به عنوان موضوع نوپیدا - - - - - ۳۹۵
۴. پیشنهادات - - - - - ۳۹۶
- الف) ضرورت شناخت ابعاد مختلف تغییر جنسیت - - - - - ۳۹۶
- ب) ضرورت تدوین قانون یا آیین نامه مربوط به تغییر جنسیت - - - - - ۳۹۷
- ج) ضرورت پیشنهاد عناوین و موضوعات مرتبط - - - - - ۳۹۷
- د) تشکیل نشست های علمی ویژه - - - - - ۳۹۸
- ه) ضرورت کار میدانی - - - - - ۳۹۸

ضمائم -	۴۰۰
اشاره	۴۰۰
ضمیمه ۱: گفت و گو با برخی بیماران اختلال هویت جنسی	۴۰۲
گزارش میدانی اول: گزارشی از یک مطب تغییر جنسیت	۴۰۲
گزارش میدانی دوم: چند گفت و گو دیگر	۴۰۹
ضمیمه ۲: گزارش تفصیلی از اولین تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران	۴۱۶
۱. اولین تغییر جنسیت در ایران	۴۱۶
۲. اولین تغییر جنسیت در انگلستان	۴۱۷
۳. اولین تغییر جنسیت در آمریکا	۴۲۲
۴. اولین تغییر جنسیت در مصر	۴۲۳
ضمیمه ۳: گفت و گو با اولین کسی که فتوای جواز تغییر جنسیت را از حضرت امام خمینی(ره) دریافت کرد	۴۲۶
ضمیمه ۴: فتاوی و دیدگاه های مراجع و فقیهان شیعه	۴۴۴
فتاوی امام خمینی(ره) درباره تغییر جنسیت	۴۴۴
اشاره	۴۴۴
دیدگاه آیت الله شیخ محمد علی اراکی درباره تغییر جنسیت	۴۴۹
دیدگاه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی درباره تغییر جنسیت	۴۵۰
دیدگاه آیت الله سید ابوالقاسم خوئی درباره تغییر جنسیت	۴۵۰
دیدگاه آیت الله محمد فاضل لنکرانی درباره تغییر جنسیت	۴۵۱
دیدگاه آیت الله محمدتقی بهجت درباره تغییر جنسیت	۴۵۸
دیدگاه آیت الله میرزا جواد تبریزی درباره تغییر جنسیت	۴۵۹
دیدگاه آیت الله سید علی سیستانی درباره تغییر جنسیت	۴۶۰
دیدگاه آیت الله سید علی خامنه ای درباره تغییر جنسیت	۴۶۲
دیدگاه آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی درباره تغییر جنسیت	۴۶۴
دیدگاه آیت الله حسین علی منتظری درباره تغییر جنسیت	۴۶۸
دیدگاه آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی درباره تغییر جنسیت	۴۷۴
دیدگاه کلی آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی	۴۷۸

- ۴۷۹ دیدگاه آیت الله ناصر مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت
- ۴۸۵ دیدگاه آیت الله شیخ یوسف صانعی درباره تغییر جنسیت
- ۴۸۸ دیدگاه آیت الله سید صادق شیرازی درباره تغییر جنسیت
- ۴۸۸ دیدگاه آیت الله حسین نوری همدانی
- ۴۸۹ دیدگاه آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی در احکام مربوط به تغییر جنسیت
- ۴۹۲ دیدگاه آیت الله محمد ابراهیم جناتی درباره تغییر جنسیت
- ۴۹۴ دیدگاه آیت الله سید محسن خرازی درباره تغییر جنسیت
- ۴۹۵ دیدگاه آیت الله محمد مؤمن درباره تغییر جنسیت
- ۴۹۷ درباره مرکز

تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی

مشخصات کتاب

سرشناسه: کریمی نیا، محمد مهدی

عنوان و نام پدیدآور: تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی / محمد مهدی کریمی نیا

تعداد صفحات: ۴۶۷ص

زبان: فارسی

موضوع: حقوق تمایل به تغییر جنسیت

موضوع: فقه

موضوع: زنان

موضوع: مردان

موضوع: ازدواج هرmafrodیتسم

موضوع: طلاق

موضوع: کودکان

موضوع: ارتشاء سرپرستی

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵-۸۹۴۱

ص: ۱

اشاره

تغییر جنسیت از منظر فقهی و حقوقی

محمد مهدی کریمی نیا

ص: ۳

فهرست مطالب

ص: ۵

فهرست مطالب

ص: ۶

فهرست مطالب

ص: ۷

فهرست مطالب

ص: ۸

فهرست مطالب

ص: ۹

فهرست مطالب

ص: ۱۰

فهرست مطالب

ص: ۱۲

فهرست مطالب

ص: ۱۳

فهرست مطالب

ص: ۱۷

بررسی مسائل نوپیدا همواره امری رایج و بایسته در میان فقیهان بوده است، اما در روزگار ما با پیشرفت های شگرف علمی و تحولات چشمگیر در عرصه های فناوری، انبوهی از این مسائل در زمینه های گوناگون رخ نموده که بخش زیادی از توانمندی عالمان دینی و فقه پژوهان را مبذول هموردی با آنها کرده است.

یکی از این زمینه ها، حوزه پزشکی است که دستخوش تحولات و دگرگونی های بسیاری گشته و به دنبال آن مسائل نوپیدا و پرسش های فقهی بسیاری در این حوزه جلوه گر شده است.

مرکز فقهی ائمه اطهار: که به اهتمام مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) بنیان نهاده شده، بیش از یک دهه است که با تربیت دانش آموختگان، فراهم آوردن امکانات و بسترهای مناسب، ایجاد کتابخانه تخصصی و سامان دهی گروه های پژوهشی در تبیین مسائل فقهی و پاسخ دهی به پرسش های این گونه کوشیده و به تدوین پژوهش های دقیق و جامع در کشف و بازآفرینی آموزه های اسلام ناب محمدی ۶ همت گماشته است. از آن جمله ایجاد گروه پژوهشی فقه پزشکی است که از رهاوردهای آن کتاب های ارزنده ای چون: المبسوط فی فقه المبسوط المعاصره، المسائل الطیبه در ۲ جلد، تلقیح مصنوعی (به زبان فارسی و عربی)، احکام پزشکان و بیماران (مطابق با فتوای مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (قدس سره) می باشد.

و اینک کتاب حاضر با عنوان: «تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق» به جامعه علمی کشور تقدیم می گردد، کتابی که حاصل تلاش ارزشمند حجه الاسلام والمسلمین

محمد مهدی کریمی نیا است. ایشان به عنوان دانش پژوه این مرکز، سالیانی در دوره های اجتهادی و تخصصی حضوری موفق داشته اند و هم اکنون به عنوان «مدیر گروه پژوهشی فقه پزشکی» به پژوهش و سامان بخشی تحقیقات این واحد اهتمام دارند.

باید اذعان نمود که مسأله تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نوظهور پزشکی پرسش های فراوانی در پی داشته است، چه با پیشرفت دانش پزشکی و تکنولوژی جراحی این امکان فراهم آمده که جنسیت افراد از مؤنث به مذکر و برعکس تغییر یابد و این امر نه تنها در مورد بیمارانی چون هرمافرودیسیم (دوجنسی ها) صورت می گیرد، بلکه در مورد افراد سالم نیز قابل انجام گردیده است. از این رو، جواز این اقدام و تأثیر آن در روابط میان زوجین از نظر بقای ازدواج، نفقه، مهریه، ولایت، ارث و... و نیز در روابط با فرزندان جای مطالعه و تحقیق بسیار دارد.

محقق محترم جناب آقای محمد مهدی کریمی نیا با همت والا و کوشش مجدانه این رسالت علمی را دریافته و اثری را آفریده اند که جای بسی تقدیر و سپاس دارد. موضوع شناسی دقیق و مطالعه ابعاد تغییر جنسیت، بررسی اقسام آن و پرداختن به مسائلی چون اختلال هویت جنسی و علت شناسی این پدیده، بررسی فقهی مسأله خنثی، تبیین دیدگاه حقوقی ایران و سایر کشورها، بیان تفصیلی مبانی فقهی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت و نقد و تحلیل ادله و همچنین مطالعه کامل آثار تغییر جنسیت در روابط زوجین و اولاد و در نهایت جمع بندی و ارائه پیشنهادها و راهکارهای مناسب از ویژگی های قابل ذکر این اثر است.

معاونت پژوهشی مرکز فقهی ائمه اطهار: ضمن تقدیر و تشکر از زحمات نویسنده محترم، از اندیشمندان دیگری که در سامان یافتن کتاب حاضر نقش داشته اند، از جمله: آیت الله شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (قدس سره)، آیت الله مهدی هادوی تهرانی و حجت الاسلام والمسلمین آقای دکتر سید علی علوی قزوینی (ارزیاب علمی) قدردانی می کند و امید آن دارد که این اثر مورد استقبال و استفاده دانشوران، فقه پژوهان و جامعه علمی و پزشکی کشور قرار گیرد.

محمد مهدی مقدادی - معاون پژوهشی

سال‌ها پیش که دانشجوی رشته حقوق در مقطع کارشناسی بودم، قضیه‌ای سرنوشت‌زنگی من را دگرگون ساخت؛ حادثه‌ای که بیش از ده سال کم و بیش درباره آن فکر کرده و یا مطالعه می‌کنم. جریان از این قرار بود که استاد در کلاس درس، موضوعاتی را به عنوان کار تحقیق پیشنهاد نمود. هر دانشجویی می‌بایست یک موضوع جهت کار تحقیقی و نگارش مقاله انتخاب می‌کرد. یکی از آن موضوعات که هیچ‌کس آن را انتخاب نکرد و در عین حال، مورد توجه این جانب واقع شد، موضوع «تغییر جنسیت» بود. به دشواری کار تحقیق درباره تغییر جنسیت آگاهی داشتم؛ چه این که، موضوع فوق از مسایل نو پیدا و جدید بود که درباره آن کار چندانی صورت نگرفته بود، و منابع و مآخذ کافی در باب آن یافت نمی‌شد. با این حال، از اشتیاق این جانب برای تحقیق و مطالعه، چیزی کاسته نشد.

پس از چندی، پژوهش مورد نظر به پایان رسید و در قالب یک کنفرانس، برای دانشجویان کلاس ارایه شد، که مورد استقبال واقع گردید، و چند ماه بعد در قالب یک مقاله، در مجله معرفت، شماره ۳۶ به چاپ رسید.

در خرداد ۱۳۸۳ کنگره‌ای تحت عنوان «اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی» در تهران برگزار شد. مقاله پیش‌گفته، برای کنگره فوق‌الذکر ارسال کردم. از این جانب برای شرکت در کنگره و ارایه مقاله دعوت به عمل آمد. این کار انجام شد. از ماجراهای حاشیه‌ای و مبارک این کنگره، آشنایی با پروفیسور بهرام میرجلالی، جراح

تغییر جنسیت و آقای حسین زمانی، تکنیسین اتاق عمل بود. این دوستی و آشنایی باعث شد که پروفسور میرجلالی برای دیدن بیماران دو جنسی و تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)^(۱) از این جانب دعوت به عمل آورد.

از این بعد، مطالعه و تحقیق من، تنها جنبه نظری و تئوری نداشت، بلکه به مطب پزشک نامبرده رفتم و از نزدیک با بیماران آشنا شدم و با تعدادی از آنان مصاحبه و گفت و گو کردم و اطلاعات بیش تری رابه دست آوردم.

در نهایت به فکر افتادم که بحث «تغییر جنسیت» را به عنوان موضوع پایان نامه سطح ۴ (دکتری) به واحد مدارج علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم پیشنهاد دهم. این کار انجام شد، که مورد موافقت واحد مربوطه قرار گرفت. پس از چندی این اثر علمی مورد توجه ریاست محترم مرکز فقهی ائمه اطهار، آیت الله شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی (قدس سره) قرار گرفت. به دستور ایشان، این کتاب در گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار: مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت و برای چاپ آماده گردید.

برخورد لازم می بینم از بذل توجه و پی گیری ایشان و نیز آیت الله مهدی هادوی تهرانی (استاد راهنما)، حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید علی علوی قزوینی (ارزیاب کتاب)، دکتر محمد مهدی مقصدی (معاون پژوهش مرکز فقهی ائمه اطهار): و آقای مهدی پاشازاده (تایپیست) تشکر کنم.

برخوانندگان عزیز پوشیده نیست که نوشتار حاضر، کتاب فتوا یا رساله عملیه نیست و افراد می بایستی برای کسب تکالیف شرعی خویش به رساله عملیه مرجع تقلید اعلم مراجعه فرمایند. از آن جایی که این تألیف، یک کتاب استدلالی و تحلیلی بوده، تلاش شده تا اقوال و نظرات همه فقها و حقوقدانان، از نقطه نظر علمی مورد بررسی و ارزیابی منصفانه قرار گیرد. بنابراین، ذکر اسامی آن بزرگواران به منزله تأیید همه دیدگاه ها و نظرات علمی، اجتماعی و سیاسی آنان نیست.

همچنین در تدوین این اثر علمی از همکاری و مساعدت علمی عده ای از عزیزان

ص: ۲۲

بهره مند بودم که لازم می بینم از افراد ذیل نیز تقدیر و تشکر کنم:

پروفسور بهرام میر جلالی (جراح تغییر جنسیت)، دکتر مهدی صابری (روان پزشک)، دکتر فریدون مهربانی (متخصص روان پزشکی)، دکتر علی رضا کاهانی (متخصص پزشکی قانونی)، دکتر محمدرضا محمدی (روانشناس)، فرشید تقی زاده (محقق)، محمدجواد شمس علی (مترجم)، خانم مریم مُلک آرا، دکتر فریدون یموت پور (متخصص جراحی عمومی و دستیار جراح تغییر جنسیت)، آقای حسین زمانی (تکنسین اتاق عمل و سرپرست بخش GRS و خانم ها گل بانو و یاس بانو میرجلالی (مدیریت کلینیک GRS).

در پایان از زحمات همسر و فرزندانم (موسی و علی رضا) که در طول نگارش این کتاب مرا یاری نمودند سپاسگزاری می کنم.

پیشاپیش از همه صاحب نظران و اندیشمندی که با بیان نظرات اصلاحی خویش، به رفع نواقص و اشتباهات این کتاب کمک می کنند تقدیر می نمایم.

پاداش معنوی این کتاب را به روح مادر عزیزم مرحومه فاطمه حججی و نیز برادر شهیدم علی نقی کریمی نیا تقدیم می دارم. امید است این اثر ناچیز مقبول ایزد منان و حضرت امام مهدی (ارواحنا فداه) قرار گرفته و زمینه ای برای پژوهش های بیش تر باشد.

وما توفیقی الا بالله، علیه توکلت والیه انیبُ

محمد مهدی کریمی نیا

۲۸ بهمن ۱۳۸۸

Kariminiyao@yahoo.com

xpars@yahoo.com

ص: ۲۳

مباحث مقدماتی مربوط به «بررسی فقهی - حقوقی تغییر جنسیت» را در ضمن چند قسمت زیر ارایه می شود:

۱. بیان و شناسایی موضوع تحقیق

آن چه در این کتاب مد نظر است، بررسی «فقهی و حقوقی» تغییر جنسیت است. البته در بسیاری موارد، نتیجه بحث فقهی و حقوقی یک سان است؛ چه این که حقوق ایران، مخصوصاً «قانون مدنی ایران» و «قانون مجازات اسلامی» بر اساس فقه امامیه تدوین شده است. نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی، قوانین مدوّنۀ ایران، باید براساس موازین اسلامی باشد.^(۱)

ص: ۲۵

۱- (۱) اصل چهارم قانون اساسی: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». هم چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و شصت و هفتم درباره وظیفه قاضی می گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا در قوانین مدوّنه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

با توجه به عنوان کتاب، در پی آن هستیم که تغییر جنسیت از دو بُعد «فقهی» و «حقوقی» مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، و هرگاه دیدگاه فقیهان اسلامی در مسأله ای مورد توجه قرار گیرد، دیدگاه قوانین موضوعه ایران نیز بیان گردد. از این رو، لازم است استنادات حقوقی مسأله، مانند «قانون مدنی ایران» ذکر شود.

تغییر جنسیت به معنای تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، به عنوان یک پدیده خارجی و نو ظهور، زمینه ساز پرسش های فراوان فقهی و حقوقی است، که عمدتاً این مباحث در باب «حقوق خانواده» است. مانند: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، بقا یا عدم بقای ازدواج پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، ولایت و سرپرستی شخص پس از تغییر جنسیت، مسأله ارث، نفقه، مهریه، عناوین خانوادگی و غیره، که در این رساله مورد بررسی قرار می گیرد.

در هر حال، مسأله تغییر جنسیت از موضوعات بسیار گسترده و چند جانبه است که ارایه تحقیقی جامع در مورد تمام زوایای آن امری دشوار به نظر می رسد. ارتباط این موضوع با مسایل فقهی، حقوقی و قانونی، از یک سو و نیز پیوند آن با مسائل پزشکی، روان پزشکی و ارزشی و اخلاقی و حتی تاریخی و فلسفی و احیاناً اسطوره ای، از روی دیگر از تغییر جنسیت موضوعی ساخته اند که بحث کامل و جامع درباره آن را دور از انتظار ساخته است.

۲. اهمیت و جایگاه موضوع تغییر جنسیت

امروزه بررسی مسأله «تغییر جنسیت» نه تنها از منظر پزشکی اهمیت دارد، بلکه به لحاظ مباحث فقهی و حقوقی نیز حائز اهمیت است. البته مباحث مربوط به افراد «خنثی» یا «دو جنسی» یک پدیده نو و امری نو ظهوری محسوب نمی شود؛ زیرا از گذشته تاکنون همواره افرادی به عنوان خنثی یا بیمار جنسی در جوامع بشری می زیسته اند. بر این اساس، در روایات دینی و فقه اسلامی پیرامون وضعیت فقهی این گونه افراد نیز سخن گفته شده است.

آن چه موضوع تغییر جنسیت را از اهمیت ویژه برخوردار ساخته است، پیشرفت

تکنولوژی و توسعه دانش جراحی و امکان تغییر جنسیت است. همواره اخباری مبنی بر تغییر جنسیت افراد به گوش می رسد. این امر نه تنها در مورد افراد بیمار جسمی، مانند دو جنسی ها (هرمافرودیسیم) (۱) صورت می گیرد، بلکه تغییر جنسیت در مورد افراد سالم نیز قابل تحقق است. در گذشته تغییر جنسیت و تبدیل پسر به دختر و برعکس، یک امری غیر ممکن تلقی می شد، اما در دهه های اخیر، هزاران عمل تغییر جنسیت به وقوع پیوسته است؛ به طوری که یکی از پزشکان جراح در ایران، می گوید: در مدت ۱۵ سال گذشته، حدود ۵۰۰ عمل تغییر جنسیت انجام داده ام، به گونه ای که اگر کسی این افراد را ببیند، باور نمی کند که جنسیت فعلی آنان، با جنسیت پیشین آنان متفاوت بوده است.

یکی از علل اهمیت بحث فوق، پرسش های فراوانی است که همواره درباره تغییر جنسیت مطرح می شود. تقریباً تمام مراجع تقلید معاصر، در رساله جدید خویش، موسوم به «رساله استفتاء آت» درباره تغییر جنسیت اظهار نظر کرده اند. این امر، نشانه آن است که پرسش های فراوانی در این باره، برای جامعه دینی ایران مطرح است. نگاهی گذرا به رساله های استفتاء آت، شاهدی بر این مدعا است. از این رو، هر چند تغییر جنسیت یک بحث نو و جدید است، ولی گستره و دامنه آن فراگیر است.

اهمیت دیگر قضیه این است که تغییر جنسیت، تقریباً در تمام کشورها مورد بحث و گفت و گو است؛ به گونه ای که فقیهان و حقوق دانان اهل سنت و نیز کلیسای مسیحی در این باره اظهار نظر کرده اند. همواره اخباری به گوش می رسد که در کشورهای مختلف، عمل تغییر جنسیت صورت می پذیرد و بر این اساس، پرسش های حقوقی فقهی و اخلاقی فراوان در این باره برای جوامع بین المللی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی مطرح است.

اهمیت دیگر مسأله تغییر جنسیت، آن است که این عمل نه تنها در مورد بیماران جنسی، مانند افراد خنثی انجام می شود، بلکه در مورد افرادی که از نظر ظاهری، سالم اند نیز صورت

ص: ۲۷

می پذیرد. امروزه افرادی به عنوان خنثای روانی یا تراجنسیتی (ترانس سکسوالیسم)^(۱) شناخته می شوند که از نظر ظاهر، مرد یا زن هستند، ولی از نظر روان و روح، به جنس مخالف تعلق دارند. این عده دچار «اختلال هویت جنسی» بوده و نمی دانند که آیا مرد هستند یا زن؟! یکی از پزشکان^(۲) به این گونه بیماران روانی، عنوان «روان دگر جنسی» اطلاق می کند؛ یعنی کسانی که از نظر روانی، به جنس مخالف تعلق دارند.

از نظر عده ای از پزشکان، درمان ویژه در مورد این افراد، انجام عمل تغییر جنسیت است که در بیش تر کشورها، این کار انجام می شود. تقریباً ۴ تا ۶ نفر در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر، به عنوان بیمار ترانس (تراجنسیتی) شناخته شده است. این آمار در تمام کشورها، یک سان است^(۳) و برای مثال، در ایران ۲۸۰۰۰ تا ۴۸۰۰۰ نفر از این بیماران وجود دارند. بیش ترین گفت و گوها و بحث های فقهی و حقوقی در مورد این افراد می باشد.

بررسی های فقهی و حقوقی درباره تغییر جنسیت می تواند مکمل مباحث پزشکی، روان پزشکی و.... باشد. بنابراین، بُعد فقهی و حقوقی این مسأله، تنها بخشی از ابعاد مختلف پدیده تغییر جنسیت است. پژوهش های مربوطه باید همه جانبه و کامل باشد. تنها در صورت جامعیت نگری می توان چارچوب های علمی صحیح و درستی را تدوین نمود. برخی دیدگاه های مطرح شده، بدون توجه به واقعیت های خارجی است. گاه دیدگاهی به عنوان «منع و حرام» مطرح می شود، که با توجه به نیازهای جدید و مصالح و نیز ملاحظه فقه حکومتی و مدیریت جامعه، موجبات «تجویز و ترخیص» را فراهم می سازد.

البته به این نکته توجه داریم که باید مستندات فقهی از خود اسلام و فقه پویای اسلامی پیدا شود، نه این که چون در جهان غرب تجویز شده، پس ما هم می توانیم تجویز کنیم! به عبارت دیگر، قواعد و مبانی فقهی قابلیت انعطاف لازم را دارا بوده و مبانی اجتهادی آن، به قدر کافی پویایی و غنا را دارد که متناسب با نیازهای زمان و

ص: ۲۸

۱- (۱) . Transsexual

۲- (۲) پروفیسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت در ایران.

۳- (۳) بهرام میر جلالی، بیماری ترانسکسوالیته را بهتر بشناسیم (روان اگر جنسی)، یادداشت کوتاه، ص ۱.

پیشرفت های پزشکی حرکت کرده و پاسخ های لازم را ارایه دهد و حقوق و مصالح اجتماعی حفظ شود، و در عین حال، ارزش های نظام اسلامی حفظ گردد.

مجامع حقوقی، فقهی و مانند آن بایستی هم زمان با تحولات و پیشرفت های پزشکی حرکت نمایند و چارچوب های حقوقی و فقهی پدیده های جدید پزشکی را روشن سازند. فقط به عنوان نمونه، به یک مسأله فقهی و حقوقی اشاره می شود تا توجه خوانندگان محترم جلب شود:

بعید نیست تا چند سال آینده فردی متولد شود که پدر و مادر او یک فرد باشد. برای مثال، فردی به نام **A** هم به عنوان پدر و هم به عنوان مادر برای فردی دیگر به نام **B** باشد. با این توضیح که **A** که مرد است قبل از تغییر جنسیت، اسپرم خویش را در بانک اسپرم ذخیره می سازد، و آن گاه تغییر جنسیت داده و برای او پیوند رحم نیز صورت می پذیرد. در نهایت، اسپرم سابق او را به وی تزریق نموده و صاحب فرزندی به نام **B** می گردد. در این حالت، **A** هم پدر و هم مادر **B** است.

ممکن است در ابتدا گفته شود چنین عملی حرام و یا غیر اخلاقی و یا غیر قانونی است، ولی پرسش اساسی این است که اگر چنین پدیده ای اتفاق افتد، آیا آثار فقهی و حقوقی آن از سوی مجامع علمی و دانشمندان مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است؟ آیا از نظر فقهی و حقوقی یک فرد می تواند هم پدر و هم مادر شخص دیگر باشد؟! ولایت و سرپرستی کودک به عهده کیست؟ وضعیت محارم نسبی و سببی کودک چگونه خواهد بود؟ آیا برادران فرد اول (**A**) به عنوان عموی **B** هستند یا دایی؟! نیز خواهران فرد اول (**A**) آیا به عنوان عمه **B** هستند یا خاله؟! آیا در اسناد هویت مانند شناسنامه ممکن است **A** هم به عنوان پدر و هم مادر معرف گردد؟! و ده ها پرسش دیگر که در این زمینه قابل طرح است.

۳. هدف تحقیق

موارد زیر به عنوان هدف تحقیق می باشد:

الف) عدم وجود کتاب مستقل درباره تغییر جنسیت: تا آن جا که بررسی ها

نشان می دهد، در این باره هیچ کتاب مستقلی نگاشته نشده است. از آن جایی مایلیم کار جدید انجام دهیم، از این رو، موضوع فوق را انتخاب کردم.

ب) بنیادی و کاربردی بودن موضوع تغییر جنسیت: موضوع فوق، بنیادی یا نظری است. به عبارت دیگر، در این باره، پرسش های بنیادی وجود دارد. مثل این که گفته شده که آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند متعال نیست؟ پاسخ به این پرسش، از مباحث نظری تغییر جنسیت محسوب می شود، که برای بسیاری از مسلمانان و حتی غیر مسلمانان این شبهه خود نمایی می کند.

علاوه بر این، تحقیق درباره تغییر جنسیت، کاربردی بوده و در حل بسیاری از پرونده های دادگستری راه گشا خواهد بود؛ چه این که، تغییر جنسیت با مباحث حقوق خانواده ارتباط نزدیکی دارد. مانند ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت و سرپرستی کودکان، ارث و غیره. با حصول تغییر جنسیت و تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، موضوع بسیاری از احکام فقهی و حقوقی نیز دچار تحول و تغییر خواهد شد. قاضی در رسیدگی به دعاوی مربوط به تغییر جنسیت، لازم است اطلاع کافی از مسأله تغییر جنسیت داشته باشد، تا در نهایت بتواند حکم قضایی، متناسب با موضوع جدید صادر نماید.

ج) پاسخ به پرسش های مطرح شده: علاوه بر مطالب فوق، درباره تغییر جنسیت، پرسش های فقهی و حقوقی فراوانی مطرح شده است. این پرسش ها، تنها در حوزه کشور ایران نیست، بلکه در مجامع علمی دنیا، اعم از اسلامی و غیر اسلامی نیز وجود دارد، که لازم است بر اساس دیدگاه اسلام و مخصوصاً فقه امامیه، این پرسش ها مورد بررسی قرار گیرد.

د) معرفی پویایی فقه امامیه: یکی از اهداف تحقیق، معرفی فقه شیعه به عنوان فقهی پویا است، و این که فقه شیعه به خوبی این بیماری را شناخته و متناسب با پدیده نو ظهور تغییر جنسیت، مباحث فقهی و حقوقی آن را مطرح ساخته است؛ امری که در سایر ادیان و مکاتب وجود ندارد. همان طور که در تاریخچه بحث تغییر جنسیت خواهد آمد، امام خمینی (ره) اولین فقیه و دانشمند در دنیا است که مباحث فقهی و

حقوقی تغییر جنسیت را مطرح ساخته است. وی این مباحث را در سال ۱۳۴۲ خورشیدی و در جلد دوم تحریر الوسیله به رشته تحریر در آورده است.

۴. سؤالات اصلی و فرعی تغییر جنسیت

تغییر جنسیت زمینه ساز سؤالات متعددی است. در زیر به برخی از این سؤالات توجه می شود:

الف) سؤالات اصلی تغییر جنسیت:

۱. آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند متعال است؟ به عبارت دیگر، این خدای متعال است که برخی را پسر و برخی را دختر آفریده است. آیا با تغییر جنسیت و تبدیل جنس پسر به دختر و یا برعکس، خلقت خداوند متعال، دست کاری نمی شود؟!

۲. وضعیت ازدواج، پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ توضیح آن که در ازدواج لازم است دو نفر از جنس مخالف با یکدیگر پیمان نکاح ببندند. چنان چه یکی از زوجین یا هر دو زوج، به جنس مخالف تبدیل شوند، آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی است، یا آن که آن دو، خود به خود از یکدیگر جدا می شوند، یا آن که برای جدایی از هم، لازم است عاملی مانند: طلاق و فسخ پدید آید؟

۳. هرگاه زن، پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، آیا می تواند مهریه ازدواج پیشین را مطالبه نماید؟ نیز در صورت تغییر جنسیت مرد، آیا وی موظف به دادن مهریه ازدواج پیشین می باشد یا خیر؟

۴. وضعیت نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ چنان چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن جنسیت خویش را تبدیل نماید، آیا در مورد نفقه زوجه تغییری حاصل می شود؟

۵. ولایت و سرپرستی کودکان تا سن خاص برای مادر، و پس از آن برای پدر خواهد بود. حال چنان چه، مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست می دهد؟ آیا چنان چه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، می تواند ولایت و سرپرستی کودکان را به دست آورد؟

۶. آیا میزان ارث، پس از تغییر جنسیت تغییر می کند؟ مطابق مقررات اسلامی سهم الارث پسر دو برابر سهم الارث دختر است. حال چنان چه، پسر تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل گردد، سهم الارث او چه مقدار است؟ آیا سهم او براساس جنسیت فعلی او است، یا بر طبق جنسیت سابق سهم الارث دریافت می کند؟

همین پرسش در صورتی که دختر به پسر تبدیل گردد نیز مطرح است، آیا سهم الارث او افزایش می یابد؟

هم چنین اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، آیا در میزان سهم الارث آنان از فرزند مرده خویش، تغییری پیش می آید؟

۷. مسأله عناوین نسبی، مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو و دایی، خاله پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی پیدا می کند؟

ب - سؤالات فرعی تحقیق:

علاوه بر سؤالات پیش گفته، سؤالات دیگری نیز قابل طرح است:

۱. از نظر فقهی، چه تعریف یا ملاکی برای جنس مذکر یا جنس مؤنث وجود دارد؟

۲. چنان چه به مشروعیت تغییر جنسیت معتقد شویم، و شخص بخواهد پس از تغییر جنسیت به جنسیت سابق خویش باز گردد، آیا تغییر جنسیت مجدد جایز است یا خیر؟

۳. به طور کلی، شرایط جواز تغییر جنسیت چیست؟

۴. آیا زوجه، برای تغییر جنسیت خویش، لازم است از شوهر خویش کسب اجازه نماید؟

۵. آیا فرزند - اعم از دختر و پسر - بخواهد تغییر جنسیت دهد، لازم است از والدین خویش کسب اجازه نماید؟ حال چنان چه، میان پدر و مادر در تغییر جنسیت فرزند اختلاف پیش آید، تکلیف چیست؟

۶. از دیدگاه فقها، تعریف خنثی چیست؟ و چه تفاوتی با دو جنسی دارد؟

۷. وضعیت فقهی و حقوقی تراجنسیتی ها (خنثای روانی) چگونه است؟

۸. آیا در افراد سالم، می توان به جواز تغییر جنسیت معتقد شد؟

۹. کسانی که به حرمت تغییر جنسیت معتقد هستند، آیا بین افراد مختلفی که

خواهان تغییر جنسیت هستند، فرقی قائل نیستند؟ و آیا در مورد همه آنان به حرمت تغییر جنسیت معتقدند؟

توضیح آن که عده ای از بیماران از نظر جسمی دچار مشکل می باشند، مانند: دو جنسی ها و خنثی ها؛ و عده ای دیگر از نظر روحی و روانی با مشکل مواجه بوده و خواهان تغییر جنسیت می باشند. آیا بیماری، اعم از جسمی و روانی، مجوزی برای تغییر جنسیت نمی باشد؟

۱۰. در تغییر جنسیت عوامل و شرایط گوناگونی دخالت دارند. برای مثال، شخصی که از نظر جسمی سالم است، چنان چه تغییر جنسیت دهد، عقیم شده و قدرت باروری را از دست خواهد داد. آیا عقیم شدن فرد به دلیل تغییر جنسیت، می تواند دلیل حرمت این عمل باشد؟

۵. پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه بحث تغییر جنسیت، حداقل دارای دو بُعد یا رویکرد زیر است:

- رویکرد پزشکی: منظور از آن این است که عمل جراحی تغییر جنسیت، برای اولین بار چه زمان و در کجا اتفاق افتاده است.

- رویکرد فقهی و حقوقی: منظور آن است که اولین مباحث فقهی و حقوقی مربوط به این مسأله در چه زمانی و از سوی چه کسانی مطرح گردیده است.

رویکرد پزشکی تغییر جنسیت (قسمت اول) در مباحث آینده و در بخش کلیات خواهد آمد. آن چه در این جا ضرورت دارد، بیان پیشینه فقهی و حقوقی تغییر جنسیت است. تا کنون درباره بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، کتاب مستقلی تألیف نشده است، و منابع موجود در این زمینه، غالباً به صورت مقالات، گفت و گوها و نیز استفتاءات از مراجع عظام تقلید است، که در ذیل به شرح تفصیلی آن می پردازیم:

الف) دیدگاه حضرت امام خمینی (ره):

وی اولین فقیهی است که درباره مباحث فقهی تغییر جنسیت و در سال ۱۳۴۳ شمسی اظهار نظر نموده است. نظریات ایشان در جلد دوم کتاب «تحریر الوسيله»، و در بخش «مسائل مستحدثه» وجود دارد. توضیح این که، مرحوم امام خمینی، قیام خویش علیه شاه ایران در سال ۱۳۴۲ شمسی به اوج خود رسانید و در سال ۱۳۴۳ شمسی از سوی شاه به

ترکیه تبعید شد. محل سکونت امام خمینی در ترکیه، شهری به نام «بورسا» بود که ایشان نیز در مقدمه جلد اول کتاب «تحریر الوسيله» بدان اشاره کرده است (۱). در هر حال، کتاب «تحریر الوسيله» در مدت شش ماه به نگارش در آمد که در انتهای جلد دوم مباحثی چند درباره مسایل جدید فقهی، از جمله «تغییر جنسیت» مطرح شده است.

ب) استفتاءات، کتاب های فقهی و...:

با پیشرفت علم پزشکی و افزایش جراحی های تغییر جنسیت، پرسش های فقهی متعددی از سوی مقلدین و مردم متدین مطرح شده است. تقریباً تمام رساله هایی که تحت عنوان: رساله استفتاءات، احکام پزشکی و مانند آن از سوی مراجع تقلید انتشار یافته است، مسأله تغییر جنسیت را نیز مورد بررسی قرار داده است. این امر نشان می دهد که این مسأله، پر دامنه و مورد پرسش عدّه زیادی از مردم، جامعه پزشکی و مراکز علمی و دانشگاهی بوده است. مراجع و فقیهان زیادی در این باره، اظهار نظر کرده اند که بیان دیدگاه ها و نظرات آن در بخش های آتی این رساله خواهد آمد. در این جا، به عنوان بیان «پیشینه تحقیق» اسامی تعدادی از آنان را می آوریم:

۱. آیت الله سید ابوالقاسم خویی:

ر. ک: الف - ابوالقاسم موسوی خویی؛ استفتاءات: پرسش و پاسخ.

ب - ابوالقاسم موسوی خویی؛ منیه السائل؛ استفتاءات هامة، تدوین از: موسی مفیدالدین عاصی عاملی، چاپ سوم.

ج - سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، و وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد.

۲. آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی:

ر. ک: سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، وفقاً لفتاوی عشره آن مراجع التقليد.

ص: ۳۴

۱- (۱) امام خمینی در مقدمه تحریر الوسيله چنین می گوید: «این جانب قبلاً حاشیه ای بر کتاب «وسيله النجاه» مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی نوشته بودم، ولی زمانی که از شهر قم به خاطر رویدادهای غم انگیزی که برای اسلام و مسلمین پیش آمد - که شاید تاریخ آن ها را ضبط کند - در اواخر ماه جمادی الثانی ۱۳۸۴ ق. [۱۳۴۲ ش.] به «بورسا» از شهرهای ترکیه تبعید شدم، و تحت نظر و مراقبت، فارغ البال بودم، تصمیم گرفتم به منظور سهولت استفاده، آن حاشیه را در متن کتاب مذکور مندرج نمایم، و اگر خدای تعالی توفیق دهد مسائل دیگری را هم که زیاد مورد ابتلا است به آن بیفزایم...»

۳. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

ر. ک: الف - محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) جامع المسائل؛ استفتاء آت، جلد دوم.

ب - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۴۲۵.

ج - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

د - سایت اینترنتی به آدرس: www.LANKARANI.ORG

ه -- غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی (قدس سره)).

۴. آیت الله محمد تقی بهجت:

ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه سؤالات فقهی - قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

۵. آیت الله میرزا جواد تبریزی:

ر. ک: الف - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال شماره ۵۷۵۱.

ب - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی و قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

ج - سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد.

۶. آیت الله سید علی سیستانی:

ر. ک: سایت اینترنتی ایشان به آدرس: www.SISTANI.ORG

۷. آیت الله سید علی خامنه ای:

ر. ک: الف - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶، ۵۲۸۰ و ۵۷۵۱.

ب - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱).

ج - سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد.

د - سید علی خامنه ای؛ رساله اجوبه الاستفتاء آت.

۸. آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی:

ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

۹. آیت الله ناصر مکارم شیرازی:

ر. ک: الف - ناصر مکارم شیرازی؛ مجموعه رساله استفتاءات، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، جلد اول.

ب - ناصر مکارم شیرازی؛ رساله احکام برای بانوان، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی.

ج - سید حسین الحسینی؛ احکام المغتربین، وفقا لفتاوی عشره من مراجع التقليد.

د - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸، ۵۲۸۰ و ۶۲۹۳.

ه -- دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۰. آیت الله حسین علی منتظری:

ر. ک: الف - حسین علی منتظری؛ رساله استفتاءات، جلد دوم.

ب - حسین علی منتظری؛ احکام پزشکی.

ج - حسین علی منتظری؛ دراسات فی المكاسب المحرمه؛ جلد دوم.

۱۱. آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی:

ر. ک: الف - مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸ و ۵۸۶۹.

ب - دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۲. آیت الله محمد ابراهیم جنّاتی:

ر. ک: محمد ابراهیم جنّاتی؛ رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲.

۱۳. آیت الله سید صادق شیرازی:

ر. ک: آیت الله سید صادق شیرازی، المسائل الطیبه.

۱۴. آیت الله یوسف صانعی:

ر. ک: الف - یوسف صانعی؛ استفتاء آت پزشکی.

ب - یوسف صانعی؛ مجمع المسائل، استفتاء آت، جلد اول.

ج - دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۵. آیت الله سید محمد حسین فضل الله:

ر. ک: احمد احمد و عادل القاضی؛ فقه الحیاه، حوار مع محمد حسین فضل الله.

۱۶. آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی:

ر. ک: الف - سید یوسف مدنی تبریزی؛ المسائل المستحدثه، جلد اول.

ب - دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، جلد دوم.

۱۷. آیت الله سید محمد وحیدی، مجمع المسائل والاحکام، مسأله ۷۴۶.

ج) مقالات

در زمینه تغییر جنسیت، چند مقاله فقهی یا حقوقی منتشر شده است که در ذیل به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

۱ - دکتر علی رضا باریک لو؛ «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵، سال اول (۱۳۸۲).

۲ - دکتر علی رضا باریک لو؛ «آثار حقوقی تغییر جنسیت»، مجله فصلنامه علمی - پژوهشی مدرّس، سال ۱۳۸۳.

۳ - آیت الله سید محسن خرازی؛ «تغییر الجنسیه»، مجله فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۲۳، سال ششم (۱۳۷۹).

۴ - آیت الله سید محمد صدر؛ «تبدیل الجنس»، ماوراء الفقه (مجموعه مقالات)، جلد ششم.

۵ - محمد مهدی کریمی نیا؛ «بررسی فقهی - حقوقی تغییر جنسیت»، مجله معرفت، ش ۳۶، سال ۱۳۷۹.

۶ - آیت الله محمد مؤمن؛ کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة (مجموعه مقالات).

۷ - آیت الله محمد مؤمن؛ «سخنی درباره تغییر جنسیت»، مجله فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۷، سال دوم (۱۳۷۵).

۸- آیت الله محمد آصف محسنی؛ الفقه و مسائل طبیه (مجموعه مقالات).

۹- آیت الله علی مشکینی؛ مصطلحات الفقه؛ واژه تغییر الجنسیه.

۱۰- حجت الاسلام والمسلمین استاد شیخ محمد قائی، المسائل الطیبه، جلد دوم.

۱۱- آیت الله شیخ هادی نجفی، الآراء الفقهیه.

۱۲- آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، مجموعه مقالات، جلد ششم.

ه (-) گفت و گوها:

۱. ر. ک: دکتر حسین فتاحی؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، جلد دوم، شامل مباحث مختلف از جمله گفت و گوهای افراد ذیل با یک دیگر درباره دو جنسی و مسأله تغییر جنسیت:

۱. دکتر حسن زاده نظری

۲. دکتر حسین فتاحی

۳. دکتر قدسیه سیدی علوی

۴. حجه الاسلام دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی

۵. آیت الله مهدی هادوی تهرانی

۶. آیه الله سید حسن مرعشی

۷. آیت الله سید محسن خرازی

۸. دکتر لطف علی زاده

۹. دکتر حسن توفیقی

۱۰. حجه الاسلام محمد جواد حجتی کرمانی

۱۱. دکتر تقوی

۱۲. دکتر رزاقی

۲. بخشی از منابع تحقیق شامل مصاحبه و گفت و گوی نگارنده با پزشکان، روان پزشکان و عده زیادی از بیماران اختلال هویت جنسی می باشد.

ص: ۲۸

بخش اول: تعاریف و کلیات

اشاره

ص: ۳۹

اشاره

در ذیل، «تغییر جنسیت» را از نظر لغت، اصطلاح پزشکان و اصطلاح فقهی مورد بررسی قرار می دهیم.

مبحث اول: تغییر جنسیت در لغت

اشاره

واژه «تغییر جنسیت» از دو کلمه «تغییر» و «جنسیت» تشکیل شده است. در ادامه توضیح مختصری در مورد واژه های تغییر، جنس و جنسیت داده می شود:

مراد از «تغییر» هر گونه تبدیل و دگرگونی است که ممکن است وضعیت یا حالت یک شیء را عوض کند به گونه ای که وضعیت جدید با وضعیت سابق از یک جهت یا جهات متعدد دارای تفاوت و گوناگونی باشد. این معنا در زبان فارسی و عربی یکسان است که در ذیل به چند نمونه از اقوال اهل لغت اشاره می شود:

در مورد معنای واژه «تغییر» گفته شده است:

غَيْرَ الشَّيْءِ: حَوْلَهُ وَ بَدَلَهُ بِهِ غَيْرَةً، جَعَلَهُ غَيْرًا مَا كَانَ؛ (۱)

ص: ۴۱

تغییر شیء، یعنی تحویل و تبدیل آن به یک شیء دیگر، یا آن که آن شیء را به غیر آن چه هست تبدیل نماید.

مؤلف کتاب التعريفات در این باره می گوید:

التغییرُ هو احدثُ شیءٍ لم یکن قبله؛^(۱)

تغییر عبارت است از ایجاد یک شیء، به گونه ای که قبل از آن چنین نبود.

و نیز در لغت فارسی چنین آمده است:

تغییر: از حالی به حالی برگردانیدن، دگرگون کردن، چیزی را به شکل و حالت دیگر در آوردن است.^(۲) در مورد «جنس» چنین گفته شده است:

الجنس جمعه اجناس، ماهیه تعم انواعاً متعددة كالحيوانیه فی الانسان و فی الفرس. كلُّ ضَرْبٍ مِنَ الشَّيْءِ، فَالِابِلُ مثلاً جنسٍ مِنَ البهائم؛^(۳)

جنس که جمع آن اجناس است عبارت از ماهیتی است که انواع متعددی را شامل می شود. مثلاً حیوانیت به عنوان یک جنس، شامل انسان و اسب می شود. نیز جنس عبارت است از هر نوعی از یک شیء. پس شتر مثلاً جنسی از حیوانات است.

جنس در لغت فارسی نیز شبیه معنای آن در زبان عربی است:

جنس: آن چه که شامل انواع متعدده باشد، مثل جنس حیوان که شامل انسان و سایر جانداران است. در اصطلاح منطق، جنس آن است که شامل انواع باشد و نوع شامل اصناف و صنف شامل افراد. به معنی کالا و متاع هم می گویند. اجناس جمع.^(۴) «جنسی» (sexual) به معنای: تناسلی، آلت تناسلی، دارای جنس، دارای خاصیت

ص: ۴۲

۱- (۱) سید شریف علی بن محمد جرجانی؛ کتاب التعريفات، ص ۲۸.

۲- (۲) حسن عمید؛ فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۵۳۹.

۳- (۳) لوئیس معلوف؛ پیشین، ص ۱۰۵.

۴- (۴) حسن عمید؛ پیشین، ج ۱، ص ۷۰۶.

جنسی و نیز نر و ماده است. (۱) «جنسیت» **sexuality** به معنای: حالت یا ماهیت جنس، دارا بودن تمایلات جنسی، تمایلات جنسی. (۲)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

«تغییر» در لغت، اعم از زبان فارسی و عربی، عبارت است از هر گونه تغییر و تبدیل در یک شیء، به طوری که وضعیت فعلی آن با وضعیت سابق متفاوت باشد. «جنس» نیز در لغت، اعم از فارسی و عربی، به معنای ماهیتی است که شامل انواع متعددی می گردد. مانند ماهیت «حیوان» که شامل انسان و انواع حیوان می شود و نیز به معنای کالا و متاع (شیء) آمده است.

جنس به معنای «نر و ماده»، معنایی است که در مرحله ثانویه پدید آمده است، و گرنه معنای اصلی و اولیه جنس، «نر و ماده» نیست. «جنسیت» نیز به معنای حالت یا ماهیت جنس است. هر چند در کتاب های لغت، «تغییر جنسیت» تعریف نشده است، ولی منظور از آن هر گونه تبدیل و تحول در جنس نر، ماده یا خنثی می باشد، به گونه ای که وضعیت کنونی، با وضعیت سابق متفاوت باشد.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی

به نظر می رسد: واژه «تغییر جنسیت» در اصطلاح پزشکی، با معنای لغوی آن و آن چه که در میان مردم شایع است، تفاوت چندانی نداشته باشد و منظور از آن تبدیل یا اصلاح آلت تناسلی است به گونه ای که جنس زن به مرد و یا برعکس تبدیل گردد، و نیز تبدیل خنثی و یا دوجنسی (هرما فرودیت) (۳) به یکی از دو جنس مرد یا زن، به معنای تغییر جنسیت است.

ص: ۴۳

۱- (۱) ر. ک: دکتر جمیل صلیبا؛ فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، ص ۲۸۹؛ حسن عمید؛ فرهنگ فارسی

عمید، ص ۷۰۶؛ عباس آریان پور و منوچهر آریان پور؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیس به فارسی، ج ۲، ص ۲۰۱۲.

۲- (۲) عباس آریان پور و منوچهر آریان پور، پیشین، ج ۲، ص ۲۰۱۲.

۳- (۳) Hermaterodit.

در یک کلام می توان گفت: هر گونه تبدیل، اصلاح و یا تغییر که در جنس فرد به وجود آید، به گونه ای که وضعیت فعلی او از نظر زن یا مرد بودن با حالت سابق او، دارای تفاوت باشد، عنوان «تغییر جنسیت» صادق است. بنابراین، تغییر جنسیت، با «تغییر ژنتیکی» یا «تغییر کروموزوم ها» متفاوت است، زیرا در این گونه اعمال، جنسیت فرد تغییر نمی کند، بلکه تغییرات یا اصلاحاتی نسبت به «ژن» یا «کروموزوم» افراد صورت می پذیرد. البته بدیهی است که با تغییر یا اصلاح ژن ها، دگرگونی هایی در رفتار، اخلاق و حالات شخص پدید می آید، ولی هیچ گاه به وضعیت جدید به وجود آمده، «تغییر جنسیت» گفته نمی شود.

به عبارت دیگر، تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکان، همراه با «عمل جراحی آلت تناسلی» است، که این امر هم در تغییر جنسیت افراد خنثی و دو جنسی صادق است و هم در تغییر جنسیت اشخاص تراجنسیتی (خنثای روانی) (۱) جریان دارد، به گونه ای که در این افراد تنها با «عمل جراحی آلت تناسلی» تغییر جنسیت حاصل می شود. در واقعیت خارجی هم، تغییر جنسیت با تاریخچه عمل جراحی مدرن پیوند خورده و ارتباط نزدیکی دارد. آن گاه که عمل جراحی قلب، کلیه، چشم، معده و مانند آن رایج گشت، چنین پدیده ای در «عمل جراحی آلت تناسلی» هم اتفاق افتاد، ولی عمل جراحی در آلت تناسلی بیماران، با حساسیت و توجه خاصی همراه بوده است؛ چه این که با این کار، جنس فرد از مرد بودن یا زن بودن تغییر می کند.

به طور خلاصه می توان گفت: تغییر جنسیت در اصطلاح پزشکی با تغییر ژن ها متفاوت است و آن عبارت است از عمل جراحی در آلت تناسلی، به گونه ای که مرد به زن یا زن به مرد تبدیل گردد، و یا فرد خنثی و دو جنسی به جنس مرد یا زن تبدیل گردد.

مبحث سوم: تغییر جنسیت در اصطلاح فقهی

اشاره

فقیهانی که درباره تغییر جنسیت سخن گفته اند معمولاً درباره معنای فقهی آن سخنی بیان نداشته اند و در حقیقت منظور آن بزرگواران از این لفظ همان معنای لغوی و عرفی

ص: ۴۴

تغییر جنسیت بوده است. از این رو، آیت الله علی مشکینی در این باره چنین می گوید:

عنوان تغییر جنسیت در مفهوم لغوی آن، روشن و آشکار است و غرض از آن بیان حکم شرعی مردی است که تغییر کرده و به زن تبدیل شده است، و نیز بیان حکم شرعی زنی که به مرد تبدیل شده است (۱).

تنها عده کمی از فقیهان درباره معنای فقهی تغییر جنسیت سخن گفته اند که در زیر به چند مورد آن اشاره می شود:

آیت الله محمد آصف محسنی در این باره می گوید:

تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل مرد به زن یا برعکس. در مورد اول، یعنی تغییر جنسیت مرد به زن، این گونه است که عضو تناسلی مرد برداشته می شود و به جای آن مهبل قرار داده می شود و نیز پستان ها بزرگ می شود. و در مورد دوم، یعنی تغییر جنسیت زن به مرد، این گونه است که پستان ها با عمل جراحی برداشته می شود. نیز دستگاه تناسلی زنانه با عمل جراحی برداشته می شود و به جای آن آلت تناسلی مردانه قرار داده می شود. همراه با عمل جراحی در هر کدام از موارد فوق، روان درمانی و هورمون درمانی نیز صورت می پذیرد (۲).

برخی از فقیهان از تغییر جنسیت به «تبدیل جنسیت» یاد کرده اند، آیت الله محمد صدر در این باره می گوید:

تبدیل جنسیت گاهی از طریق عمل جراحی طبی جدید به وجود می آید، به این که مرد به زن تبدیل شود یا این که زن به مرد تبدیل شود که ما از آن به «تبدیل جنس» یاد کردیم (۳).

ص: ۴۵

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳: «العنوانُ بِمَفْهُومِهِ اللَّغَوِيُّ بَيِّنٌ وَ الْغَرَضُ بَيَانُ حُكْمِ أَنْ يُعَيَّرَ الرَّجُلُ فَيَجْعَلَ إِمْرَأَةً، أَوْ تَعَيَّرَ الْمَرْأَةُ فَتَجْعَلَ رَجُلًا...»

۲- (۲) محمد آصف محسنی؛ الفقه و المسائل الطیبه، ج ۱، ص ۱۱۱: «تحويل الذکر إلى انثی أو العکس، وفي الأول یجری استئصال العضو الذکری وبناء مهبل و عملیه خصاء و تکبیر ثدیین. وفي الحاله الثانیه استئصال الثدیین و بنا عضو ذکری و إلغاء القناه التناسلیه الأثنویه بدرجات متفاوتة، و یصحب کل ذلك علاج نفسی و هرمونی.»

۳- (۳) محمد صدر؛ ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳: «تبدیل الجنس قد یحصل بطرق الجراحه الطیبه الحدیثه امکان ان یتحول الرجل إلى إمراه [و] ان تتحول امرأه إلى رجل و هو الذی سمیناه بتبدیل الجنس فی العنوان.»

نیز فقیه فوق، در جای دیگر «تبدیل جنسیت» را این گونه تعریف می کند:

منظور ما از تبدیل جنسیت، این است که شخص خودش را از مرد بودن به زن بودن تبدیل کند و یا برعکس (۱).

آیت الله یوسف صانعی می گوید:

«تغییر جنسیت فرد، مانند تبدیل مرد به زن و بالعکس» (۲). آیت الله ناصر مکارم شیرازی تغییر جنسیت را به دو قسم ظاهری و واقعی تقسیم می کند و در تعریف تغییر جنسیت واقعی می گوید:

«تغییر جنسیت، گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی مخالف ظاهر می گردد» (۳). با توجه به آن چه گذشت در تعریف «تبدیل جنسیت» یا «تغییر جنسیت» تنها تبدیل مرد به زن یا برعکس آن، بیان شده است. به عبارت دیگر، در تعریف تغییر جنسیت، از تبدیل خنثی به مرد یا زن سخنی به میان نیامده است.

در این میان، برخی از فقیهان، تغییر جنسیت را به گونه ای تعریف کرده اند که تنها شامل تبدیل مذکر به مؤنث است و نه برعکس آن. البته بیش ترین نوع تغییر جنسیت که امروزه توسط پزشکان صورت می پذیرد، تغییر جنسیت مرد به زن است. آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی در تعریف تغییر جنسیت می گوید:

«عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی مرد و درست کردن مهبل برای او» (۴). نکته دیگر آن که منظور از «جنس» جنس منطقی نیست. مانند: «جنس انسان» در

مقابل «جنس حیوان»، بلکه مراد از «جنس» مفهوم «مذکر، مؤنث و خنثی» است. بنابراین، منظور از تغییر جنسیت، تبدیل انسان به حیوان و یا تبدیل حیوان به انسان نیست.

ص: ۴۶

۱- (۱) محمد صدر؛ منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲: «تبدیل الجنس و نرید به هنا تحویل فرد نفسه من الذکوره إلى الأنوثة أو بالعکس».

۲- (۲) یوسف صانعی؛ استفتاءات پزشکی، ص ۹۲.

۳- (۳) ناصر مکارم شیرازی؛ استفتاءات جدید، به کوشش ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۲، ص ۶۱۸.

۴- (۴) یوسف مدنی تبریزی؛ المسائل المستحدثه، ج ۱، ص ۴۳.

برخی از فقیهان بزرگوار، از «تغییر جنسیت» تعریفی ارائه نداده اند. شاید دلیل این امر، بداهت و وضوح معنای این اصطلاح باشد. در این حالت، منظور آنان از «تغییر جنسیت» همان معنای موجود در نزد عرف است؛ یعنی تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد. برخی از فقیهان در تعریف واژه فوق، تنها به تبدیل مرد به زن بسنده کرده اند و از تبدیل زن به مرد سخنی به میان نیاورده اند؛ البته این نوع اخیر نیز، مورد نظر آنان بوده است، هر چند بدان تصریح نکرده اند. عده دیگری از فقیهان، تغییر جنسیت را شامل تبدیل مرد به زن و برعکس می دانند و درباره تغییر جنسیت فرد خنثی به مرد یا زن اظهار نظر نکرده اند.

به نظر می رسد واژه «تغییر جنسیت» در مفهوم اعم و گسترده آن، شامل تبدیل خنثی به مرد، یا خنثی به زن نیز می شود، ولی در تعریف اخص و محدود آن، تنها شامل تبدیل مرد به زن، یا تبدیل زن به مرد است. از آن جایی که در عمل جراحی پزشکی، گاه افراد دو جنسی به مرد یا زن تبدیل می شوند، باید تعریف فقهی به گونه ای باشد که شامل این قسم از تغییر جنسیت هم بشود. بنابراین، تعریف فقهی بیان شده از سوی فقیهان بزرگوار، جامع افراد نیست و تنها شامل بخشی از تغییر جنسیت مرسوم میان پزشکان جراح است.

نکته دیگر آن که، در تعاریف سابق، به «اقسام تغییر جنسیت» هم اشاره شده است. به عبارت دیگر، «تعریف همراه با تقسیم» یا «تعریف به اقسام» است. این امر نشان دهنده آن است که «تغییر جنسیت» دارای معنای عرفی بوده و فقیهان اسلامی از معنا و مفهوم عرفی آن تبعیت کرده اند و آن عبارت است از: تبدیل و تغییر جنسیت فرد از یک حالت به حالت دیگر.

با این توضیح می توان در تعریف تغییر جنسیت گفت: «تغییر جنسیت عبارت است از تبدیل یا تغییر جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث یا از مؤنث به مذکر یا از خنثی به مذکر یا از خنثی به مؤنث یا از مذکر به خنثی و یا از مؤنث به خنثی».

البته دو مورد اخیر یعنی: «تبدیل مذکر به خنثی یا تبدیل مؤنث به خنثی» کم تر اتفاق

می افتد و هیچ انگیزه عقلایی برای انجام این نوع تغییر جنسیت وجود ندارد. (۱)

طرح بحث

با توجه به متون فقهی و روایی روشن می شود که از صدر اسلام تاکنون، افرادی به صورت نادر به عنوان خنثی یا دو جنسی در جامعه زیست می کرده اند. گاه از امامان شیعه (علیه السلام) درباره کیفیت تعیین جنسیت، کیفیت نماز جماعت و غسل و مانند آن پرسش می شده است. به دنبال آن، مباحث فقهی افراد خنثی در کتاب های فقهای اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، می توان گفت از آغاز خلقت، همواره افرادی از نارسایی جسمی و جنسی برخوردار بوده اند. بنابراین، پدیده خنثی یا دو جنسی ها، یک امر نوظهوری محسوب نمی شود.

آن چه این مسأله را از اهمیت بیش تری برخوردار ساخته است، امکان تغییر جنسیت به وسیله عمل جراحی است. بخشی از این تغییر جنسیت در مورد افراد دو جنسی یا خنثی است که با عمل جراحی به یکی از دو جنس مرد یا زن تبدیل می شوند. بخشی دیگر از تغییر جنسیت در مورد افرادی است که با عمل جراحی، جنسیت نهفته آنان ظاهر می شود. ولی از همه مهم تر و عجیب تر، مسأله تغییر جنسیت در مورد افرادی است

که از نظر ظاهری سالم هستند، ولی از نظر روحی و روانی خود را متعلق به جنس مخالف می دانند.

به عبارت دیگر، گاه در جامعه مردانی یافت می شوند که خود را زن می دانند و در مواردی، زنانی هستند که خود را مرد می دانند. این عده گاه این امکان را پیدا می کنند که با عمل جراحی به جنس مخالف تبدیل شوند که در زبان عربی از آنان به «خنثای روانی» و در زبان انگلیسی به «ترنس سکسوال»^(۱) یاد می شود. در زبان فارسی برای آن معادل بیان نشده است، ولی می توان واژه «تراجنسیتی» یا واژه «اختلال هویت جنسی» را پیشنهاد داد.

در هر حال، علی رغم سابقه طولانی وجود افراد دو جنسی یا خنثی ها، مسأله تغییر جنسیت پدیده نو ظهوری محسوب می شود. این مسأله، پیوند زیادی با عمل جراحی و درمان مدرن پزشکی مانند جراحی پلاستیک دارد. از این رو، این بحث در کتاب های فقهی پیشین مطرح نشده است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، تاریخچه تغییر جنسیت را در دو قسمت می آوریم:

الف) اولین تغییر جنسیت در ایران

ب) تغییر جنسیت در خارج ایران

مبحث اول: اولین تغییر جنسیت در ایران

اشاره

اولین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ ش. (۱۹۳۰ م.) اتفاق افتاد که براساس آن، مردی در یک عمل جراحی، به یک زن تبدیل شد. عمل جراحی مزبور، توسط پزشکی به نام دکتر خلعتبری انجام شد که وی با عمل جراحی خویش، پسر هیجده ساله ای را به زن تبدیل کرد و خبر آن در روزنامه های آن زمان چاپ شد. از آن جایی که این عمل جراحی، در نوع خود کم نظیر و بلکه بی نظیر بود، با دقت و وسواس

ص: ۵۰

زیادی، از جمله اخذ رضایت نامه کامل از بیمار، انجام شد. براساس این گزارش، بیمار چنین می گوید:

این جانب با طیب خاطر، بدون این که دارای اختلال حواس باشم، حاضریم که مرا عمل کرده و از حالت مردی مرا به زن تبدیل کنند و اگر هم مرا عمل نکنید، خودم را خواهم گشت. (۱)

بررسی و تحلیل

۱. اولین تغییر جنسیت در ایران، با توجه به درج با اهمیت آن در روزنامه آن زمان، مربوط به تغییر جنسیت افرادی است که از نظر ظاهر، سالم بوده، ولی از نظر روحی خود را متعلق به جنس مقابل می دانند، که امروزه از آنان به «خنثای روانی» یا «ترانس سکشوال» یا «تراجنسیتی» یاد می شود.

توضیح آن که از گذشته تاکنون، بویژه در دو قرن اخیر که عمل جراحی رایج بوده، این امکان برای افراد دو جنسی (هرمافرودیت) وجود داشته که بتوانند با حذف یکی از دو آلت تناسلی خود، جنسیت واحدی را برای خویش تثبیت نمایند. بنابراین، عمل جراحی فوق که در روزنامه آن زمان بسیار با اهمیت تلقی شده، باید مربوط به تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی (T.S) باشد نه دو جنسیتی ها، که امری رایج و معمولی در آن زمان به شمار می رفته است؛ مخصوصاً از آن جهت که در این گزارش آمده است که: «این عمل جراحی، فصل جدیدی در تاریخ طبی و صحت مملکت باز و شایان دقت و توجه علما است». (۲) فصل جدید و رویکرد نو، دقیقاً از آن جهت بوده که این فرد از نظر جسمی و ظاهری، مرد بوده و توانسته است با تغییر جنسیت به زن تبدیل گردد. نیز در بخش دیگری از این گزارش به تغییر جنسیت فرد تراجنسیتی اشاره دارد، آن جا که آمده

ص: ۵۱

۱- (۱) ر. ک: مردی که زن شد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴. گزارش کامل این خبر را در ضمیمه ملاحظه کنید.

۲- (۲) همان.

است: «او از حیث هیكل، قیافه و استخوان بندی یک مرد کامل العیاری است، اما احساسات و نشانه های انائیت (زن بودن) بیش تر بر او غلبه داشته است» (۱). ۲. عمدتاً تغییر جنسیت در مورد این افراد در سنین ۱۸ تا ۲۸ سال صورت می پذیرد؛ یعنی کسانی که دوران نوجوانی و بلوغ را سپری نموده و وارد دوران جوانی شده اند. دلیل این امر دقیقاً روشن نیست. شاید این امر از آن جهت است که افراد در این سن، بیش تر امکان بروز شخصیت پیدا کرده و می توانند خواسته های خویش را بیان کنند، و یا این که افراد در سنین ۱۸ تا ۲۸ سال غالباً از نظر ازدواج تحت فشار هستند که با جنس مخالف ازدواج کنند، در حالی که اساساً افراد تراجنسیتی، هیچ علاقه ای به ازدواج ندارند. به عبارت دیگر، «تراجنسیتی مذکر» به هیچ وجه تمایل ندارد با یک زن ازدواج کند، چه این که او خود را زن می داند. نیز «تراجنسیتی مؤنث» به هیچ وجه تمایل ندارد که با یک مرد ازدواج کند، چه این که او خود را مرد می داند.

۳. افرادی که دچار اختلال هویت جنسی هستند، مخصوصاً از نوع حاد آن، به راحتی به عمل جراحی های سنگین و خطر آفرین تن می دهند. در گزارش فوق آمده است که: «این جانب با طیب خاطر، بدون این که دارای اختلال حواس باشم حاضریم که مرا عمل کرده و از حالت مردی مرا تبدیل به زن کنید و اگر هم مرا عمل نکنید خودم را خواهم گشت» (۲). این امر نشان دهنده اوج «اختلال هویت جنسی» آنان است، چون دچار عدم تطابق جنسی هستند. به عبارت دیگر، از نظر ظاهر همانند مردان می باشند، ولی از نظر روانی خود را کاملاً زن می دانند، و یا بر عکس. این عده فکر می کنند چنان چه عمل جراحی کنند، از حالت «عدم تطابق جنسی» و یا «اختلال هویت جنسی» رهایی پیدا می کنند، در مواردی که با تغییر جنسیت آنان موافقت نشده است، دست به خودکشی می زنند.

با توجه به اطلاعاتی که نگارنده این سطور از این افراد بیمار به دست آورده است، تراجنسیتی ها فوق العاده احساساتی و زود رنج می باشند، مخصوصاً از آن جهت که آنان

ص: ۵۲

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

انتظار حمایت و همدردی اطرافیان، اقوام و بستگان را دارند، که در عمل چندان با آنان همدردی صورت نمی‌پذیرد، بلکه در عوض این احساس در اقوام و دوستان وجود دارد که آنان بوالهوس و تابع امیال نفسانی هستند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در خارج ایران

اشاره

از باب نمونه، تنها به چند مورد از تغییر جنسیت در خارج ایران، اشاره می‌شود تا قلمرو موضوع با توجه به سابقه آن روشن شود:

گفتار اول: اولین تغییر جنسیت در انگلستان

اولین عمل تغییر جنسیت در فاصله سال‌های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ م. در انگلستان انجام شد، که طی آن شخصی به نام «لورا دیلون»، دختر یک اشراف زاده ایرلندی، توسط پزشکی به نام «مکلندو» به مرد تغییر جنسیت داد و نام خویش را به «مایکل دیلون» تغییر داد. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م. افراد بیش تری برای تغییر جنسیت به پزشکان و جراحان مراجعه کردند. تلاش‌های زیادی از سوی بیماران، خانواده‌ها و افراد دیگر برای به رسمیت شناختن بیماری تراجنسیتی و کسب شناسنامه جدید انجام شد که با مخالفت دولت انگلیس روبه‌رو شد، ولی در نهایت در سال ۲۰۰۲ م. دولت انگلیس اعلام کرد که مشاوره‌هایی را به منظور به تصویب رساندن «قانون بازشناسی جنسیت» در دست انجام دارد، که این قانون در سال ۲۰۰۴ م. به تصویب رسید و از سال ۲۰۰۵ م. تراجنسیتی‌های انگلیس توانستند تقاضای شناسنامه جدید کنند. حدود ۵۰۰۰ نفر از این بیماران در انگلستان زندگی می‌کنند. (۱)

گفتار دوم: اولین تغییر جنسیت در آمریکا

در سال ۱۹۵۲ م. اولین تغییر جنسیت در آمریکا اتفاق افتاد و روزنامه نیویورک تایمز با درج یک تیترا جذاب، تغییر جنسیت او را به عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح و

ص: ۵۳

۱- (۱) پاملا هانت، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان؛ این مقاله توسط خانم پاملا هانت، از طریق ایمیل از لندن، برای نگارنده ارسال شده است، گزارش کامل آن را در بخش ضمیمه ملاحظه فرمایید.

توجه افکار عمومی را به آن جلب کرد. (۱)

گفتار سوم: اولین تغییر جنسیت در مصر

در سال ۱۹۸۲ م. فردی به نام «سید عبدالله»، که یک جوان نوزده ساله، و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه الازهر مصر بود، با یک روان پزشک تماس گرفت و افسردگی شدید و ناراحتی روحی خود را با او در میان گذاشت. روان پزشک متوجه شد که او از یک بحران و «اختلال هویت جنسی» در رنج و عذاب است، و به تعبیر دیگر، او خنثای روانی (ترانجسیتی) است. چند سال معالجات هورمون درمانی ادامه پیدا کرد، ولی نتیجه ای نداد و در نهایت در سال ۱۹۸۸ م. جراح با عمل جراحی، ممیز و علائم جنسیت مذکر را از او برداشت و برای او مجرای مصنوعی خروج ادرار و ممیز مصنوعی زنانه درست کرد و بیمار، نام «سالی» را برای خود انتخاب کرد. این امر، به یک مسأله روز در کشور مصر تبدیل شد و مقامات رسمی از دادن مجوز برای اخذ شناسنامه جدید، خودداری می کردند و در نهایت «سالی» موفق شد در سال ۱۹۸۹ م. شناسنامه جدید دریافت کند. (۲)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

۱. با توجه به تاریخچه تغییر جنسیت، و بر اساس اسناد موجود، اولین تغییر جنسیت در مورد افراد ترانجسیتی در ایران صورت پذیرفته است، چه این که اولین تغییر جنسیت در ایران، که توضیح آن پیش تر گذشت، در سال ۱۹۳۰ میلادی یا ۱۳۰۹ شمسی روی داده و اولین تغییر جنسیت در خارج ایران در کشور انگلستان در حدود سال ۱۹۴۲ میلادی رخ داده است.

۲. ذکر چند نمونه از تغییر جنسیت در خارج از ایران، نشان دهنده بُعد جهانی این قضیه است. به عبارت دیگر، این بیماری مربوط به یک سرزمین یا حتی یک قاره

ص: ۵۴

۱- (۱) علی رضا باریک لو، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۶۴-۶۵؛ حمیدرضا عطار و مریم رسولیان، تشخیص اولیه هویت جنسی، اندیشه و رفتار، ش ۳ (۱۳۸۲)، ص ۷.

۲- (۲) علی رضا باریک لو، وضعیت تغییر جنسیت، اندیشه های حقوقی، سال ۱، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۶۶-۶۸.

خاصی نمی باشد، بلکه چنین پدیده ای، در هر سرزمینی امکان بروز و ظهور دارد.

۳. مباحث پزشکی تغییر جنسیت با مباحث حقوقی، فقهی و اخلاقی این مسأله، ارتباط تنگاتنگی دارد. در هر کشوری که پدیده تغییر جنسیت به وجود آمده و یا در شرف وقوع بوده، هم زمان با آن در مراکز علمی و دانشگاهی از روایی یا ناروایی، یا مشروعیت و عدم مشروعیت آن سخن به میان آمده است. در جوامع اسلامی، عمدتاً تحت عنوان: «جواز یا عدم جواز» و یا تحت عنوان: «حرام یا حلال» مورد ارزیابی قرار گرفته است و در جوامع غیر اسلامی عمدتاً تحت عنوان: «غیر اخلاقی بودن یا اخلاقی بودن» و یا «قانونی یا غیر قانونی بودن» مورد ارزش گذاری قرار گرفته است.

۴. پدیده تغییر جنسیت، علاوه بر جدید و نو بودن آن، با انعکاس و سر و صدای فراوان همراه بوده است. همیشه افکار عمومی و رسانه های تبلیغاتی به صورت مثبت یا منفی در مقابل آن موضع گرفته اند. ذکر این امر، از آن جهت مهم است که بیماران تراجنسیتی (خنثای روانی یا TS) چه قبل از عمل جراحی و چه پس از آن، از مشکلات و ناراحتی های روانی، اجتماعی و خانوادگی رنج می برند. هرگاه پس از تغییر جنسیت، بیماری اختلال هویت جنسی آنان درمان یابد، تازه برخی مشکلات و ناراحتی های جدید نمایان شده و شدیداً آنان را آسیب پذیر می سازد.

ناگفته نماند که این مشکل، خاص ایران نیست، بلکه در همه جوامع و کشورها به صورت کم یا زیاد وجود دارد. علل و عوامل گوناگونی در این امر نقش دارد. از جمله عدم اطلاع رسانی صحیح می باشد. رسانه های صوتی و تصویری به این مسأله توجه نکرده اند و رسانه های نوشتاری مانند: روزنامه ها، هفته نامه ها، مجلات و سایت های اینترنتی به صورت دلسوزانه آن را مورد بررسی و تحلیل قرار نداده اند، بلکه به آن به عنوان یک خبر داغ و جلب کننده مشتری نگریسته شده است. برخی گزارش های حاکی از آن است که درصد کمی از بیماران اختلال هویت جنسی که موفق به تغییر جنسیت شده اند، به دلیل عملکرد منفی خانواده یا اقوام و دوستان دست به خودکشی زده اند. اساساً آمار دقیقی از افرادی که تغییر جنسیت یافته اند، در اختیار نداریم و این افراد پس

از عمل جراحی، در جامعه رها شده اند؛ در حالی که آنان نیازمند بیشترین حمایت‌های معنوی، مادی و اجتماعی می‌باشند. گویا هیچ سازمان دولتی و یا غیردولتی در مقابل این معضل مهم و اساسی - که بیماران اختلال هویت جنسی و خانواده‌های آنان با آن دست‌به‌گریبان هستند - احساس مسئولیت نمی‌کند!

ص: ۵۶

اشاره

اکنون این پرسش مطرح است که تغییر جنسیت چند قسم است. این بحث در هیچ کتاب یا مقاله ای مورد بررسی قرار نگرفته است. ولی با توجه به اطلاعات محدود و تجارب اندک نگارنده به موارد زیر اشاره می شود. البته منظور از تغییر جنسیت در این فصل یک مفهوم عام و گسترده است به نحوی که شامل «اصلاح جنسیت» نیز می شود.

مبحث اول: تغییر جنسیت در افراد سالم

منظور آن است که عده ای (مذکر یا مؤنث) که فاقد مشکل جسمی بوده و از نظر ظاهر، کاملاً مرد یا زن هستند، ولی از روی هوس و تمایلات زودگذر، خواهان تغییر جنسیت می باشند. به عبارت دیگر، در این قبیل افراد هیچ گونه بیماری جسمی یا روحی وجود نداشته و برای تغییر جنسیت، اضطراب یا توجیه عقلانی وجود ندارد. در عمل، پزشکان با تغییر جنسیت این گروه مخالف هستند و مصادیق خارجی این گونه تغییر جنسیت ها، بسیار اندک است.

برخی از حقوق دانان، تحقق چنین تغییر جنسیتی را منکر هستند. دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسد الله امامی در این باره چنین می گویند:

ص: ۵۷

به نظر می‌رسد که تغییر جنسیت به معنی دقیق کلمه، فرضی بیش نیست، به طوری که کارشناسان پزشکی گفته‌اند: تغییر جنسیت در افرادی که زن یا مرد کامل هستند و ابهام در آن‌ها مشاهده نمی‌شود، به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست و فقط در مورد افراد دو جنسی (هرمافرودیت) که ابهام و اختلال جنسی از نوع ژنتیکی و کروموزومی و نشانه‌های دیگر از این قبیل دارند، تعیین جنسیت با آزمایش‌های پزشکی و بررسی‌های علمی ممکن است؛ یعنی با این گونه آزمایش‌ها و بررسی‌ها معلوم می‌شود که مرد یا زن معرفی شده، از جنس دیگر بوده است. (۱) می‌توان گفت تغییر جنسیت در افراد کاملاً سالم، شبیه تغییر جنسیت در افراد تراجنسیتی (ترانس سکشوال) است که امروزه به تعداد فراوان انجام می‌شود، حتی عده‌ای پس از تغییر جنسیت، ازدواج هم کرده‌اند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت در دو جنسی‌ها (خنثی‌ها)

پدیده خنثی، پدیده نو ظهور و جدید محسوب نمی‌شود. از گذشته تا کنون جوامع انسانی، کم و بیش با این گونه افراد مواجه بوده است. در برخی روایات اسلامی و منابع فقهی به این گونه افراد اشاره شده، و احکام فقهی آنان مانند ارث بیان گردیده است. می‌توان گفت: بیش‌ترین بحث فقهی از این گروه در «کتاب ارث» از کتب فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

در جراحی تغییر جنسیت، یکی از دو آلت تناسلی که ضعیف، کوچک یا غیر مناسب تشخیص داده شده است، حذف و دیگری تقویت می‌شود. در این حالت، بیمار دو جنسی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث تبدیل می‌شود. این نوع تغییر جنسیت‌ها از گذشته تا کنون وجود داشته و اساساً هیچ مخالفتی برای آن وجود ندارد؛ چون بیماری آنان محرز و ثابت است و حتی فقیهان و حقوق دانان اهل سنت که با تغییر جنسیت مخالف هستند، با تغییر جنسیت گروه فوق مخالفتی ندارند، و در واقع تغییر جنسیت به منزله معالجه و خروج شخص خنثی یا دو جنسی از بلا تکلیفی جنسی است.

ص: ۵۸

۱- (۱) سید حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۴۵.

در زبان فقه، منظور از ممسوح، شخصی است که نه آلت مردانه داشته باشد و نه آلت زنانه. (۱) این گروه نیز با عمل جراحی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نزدیک یا تبدیل می شوند.

مبحث چهارم: تغییر جنسیت در تراجنسیتی ها (ناراضیان جنسی)

برخی بیماران روحی، خود را به جنس مخالف متعلق می دانند. نگارنده با تعداد قابل توجهی از این بیماران مصاحبه و گفت و گو داشته است و گزارش هایی در این زمینه تهیه کرده ام. (۲) در مواردی این گونه بیماران از طریق روان درمانی یا هورمون درمانی معالجه می شوند و شخص بیمار، جنسیت فعلی خویش را پذیرا می شود، ولی براساس شواهد و قرائن، و نیز براساس گفته های روان پزشکان، در اغلب موارد این گونه بیماران غیر قابل معالجه هستند. دکتر محمد رضا محمدی، روان شناس و رئیس مرکز تحقیقات علوم پزشکی ایران به نگارنده گفت: من با بیماران روانی فراوانی ملاقات داشته ام. تقریباً تمام بیماران روانی قابل معالجه و درمان هستند، اما بیماران تراجنسیتی (ترانس ها یا TS ها)، بیماران بسیار مرموز و نادر هستند. گاه تمام راه های درمانی که آموخته ایم و یا در تجربه به دست آورده ایم، در مقابل این گونه بیماران بی فایده است. در این صورت، هیچ راهی برای درمان آنان غیر از تغییر جنسیت وجود ندارد.

پروفسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت، می گوید:

می بایست بیماران مشکوک به مبتلا بودن به این بیماری را طی دوره های متعدد درمانی، روان کاوی و روان درمانی قرار داده تا در صورت امکان، روان درمانی گردند و جسم خود را بپذیرند، و در صورت عدم موفقیت این دوره درمانی، تشخیص ترانس سکسوالیته آنان مستعجل گردیده. لذا می بایست از

ص: ۵۹

۱- (۱) عبدالکریم بی آزار شیرازی؛ رساله نوین، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲- (۲) به بخش ضmann مراجعه فرمایید.

طریق روان پزشکان برای عمل جراحی به جراحان سپرده شوند تا جسم آن‌ها تا حدی تبدیل به خواسته روان آن‌ها گردد.

(۱)

مبحث پنجم: تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت

مواردی است که به علت عدم رشد کامل جنسی، تکوین دستگاه تناسلی خارجی صورت تکامل نپذیرفته و جنسیت حقیقی پنهان مانده است و والدین با نگرستن به ظواهر امر، برای نوزادی که در حقیقت پسر است، شناسنامه دختر گرفته و یا بالعکس برای دختر، شناسنامه پسر می‌گیرند و تحصیلات آنان نیز بر همین پایه انجام می‌گیرد. این عده تا در سن کودکی هستند، متوجه گرفتاری خود نمی‌شوند، اما وقتی بالغ شدند، از آن‌جا که به جنس مخالف تمایلی پیدا نمی‌کنند، متوجه نقص خود شده و اغلب به تصور خود، چون چاره‌ای برای مشکلات خود نمی‌بینند، دست به خودکشی می‌زنند و اگر از مرگ رهایی یابند، تازه به نقص آنان پی برده می‌شود و برای چاره‌جویی به پزشک مراجعه نموده و سرانجام با راهنمایی پزشک معالج، از طریق مقامات قضایی، به پزشکی قانونی اعزام می‌گردند. اگر والدین این‌گونه افراد به فرزندان خود و خلق و خوی آنان توجه کنند، خیلی زود می‌توانند به نقص آنان پی برده و قبل از وقوع عواقب وخیم، مانند خودکشی یا فرار یا مبتلا شدن به بیماری روانی، با مراجعه به مقامات قضایی به رفع مشکل آنان پردازند. (۲)

مبحث ششم: تغییر جنسیت در حیوانات

تغییر جنسیت در حیوانات نیز اتفاق می‌افتد. گاه این تغییر به دست بشر روی می‌دهد و گاه حیوانات به دلیل عوامل طبیعی، تغییر جنسیت می‌دهند. حالت دوم، خارج از مباحث فقهی است، چه این‌که فقه، متکفل بیان احکام شرعی افعال انسان‌ها می‌باشد. بنابراین، هرگاه به دلیل عوامل طبیعی، حوادثی مانند تغییر جنسیت در حیوانات اتفاق

ص: ۶۰

۱- (۱) بهرام میرجلالی؛ بیماری ترانسکسوالیته را بیشتر بشناسیم (روان دگر جنسی)، یادداشت کوتاه، ص ۲.

۲- (۲) فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ص ۶۱۲.

می افتد، بحث فقهی درباره آن بی مورد است.

آن چه به دست بشر اتفاق می افتد و از گذشته تاکنون معمول بوده است، خصا یا اخته کردن حیوانات حلال گوشت بوده است. هدف از این کار، بهبود و افزایش حیوانات حلال گوشت، مانند گوسفند است. در مباحث آینده در مورد جواز یا عدم جواز اخته کردن و تغییر جنسیت حیوانات سخن خواهیم گفت.

موضوع تغییر جنسیت به عنوان یک پدیده نو و جدید در ماهیان آزاد نیز مشاهده شده است. بنا به گزارش «جیمز ناگلر»^(۱) زیست شناس تکوینی از دانشگاه آیداهو، ماهی های آزاد شنوک، بزرگ ترین ماهی های آزاد اقیانوس آرام، سالانه، اقیانوس آرام را به قصد سفر به رودخانه های محل تولد خود ترک کرده و در خلاف جهت رودخانه شنا می کنند. این ماهی های ۶-۴ ساله معمولاً پس از رسیدن به رودخانه، در آن جا تخم ریزی کرده و سپس می میرند. طبق جدیدترین مطالعات انجام شده، ماهی های ماده یکی از بزرگ ترین جمعیت های تولیدمثل کننده ایالت واشنگتن، تغییر جنسیت داده و زندگی خود را به عنوان ماهی های نر آغاز می کنند.

از نظر زیست شناسی این مسأله کاملاً غیر عادی است و «ناگلر» اعلام کرد که تعدادی از آلاینده ها قادرند جنسیت جنین یا نوزدان نر ماهی های شنوک را به ماهی هایی تغییر دهند که ظاهراً نر هستند، ولی در واقع همانند یک ماهی ماده عمل می کنند....^(۲) در روزنامه همشهری در خصوص تغییر جنسیت قورباغه ها چنین آمده است:

«هم چنین دانشمندان فهمیده اند که آلاینده های صنعتی می تواند باعث تغییر جنسیت قورباغه شود. پنجاه نفر از پژوهشگران زیست محیطی در پروژه ای ۳۷۰ میلیون دلاری، با این هدف که تمام گونه های قورباغه از خطر انقراض در اثر شهرسازی، افزایش گرمایش زمین و آلودگی صنعتی محافظت شوند، کارشان را شروع کردند.

ص: ۶۱

۱- (۱) . J.nagler

۲- (۲) ر. ک: زهرا سرچشمه پور، بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۴، ص ۴۲-۴۴.

در روند این مطالعات، محققان سوئدی دریافته‌اند که قورباغه‌هایی که با جنسیت نر متولد شده‌اند، بعد از مدتی به جنس ماده تبدیل شده‌اند! در این مطالعه مشخص شد که حتی کم‌ترین مقدار استروژن موجود در بچه قورباغه‌های یکی از این دو گروه هم برای تغییر جنسیت آن‌ها به نوع ماده کافی است». (۱)

مبحث هفتم: تغییر جنسیت در گیاهان

تغییر جنسیت در گیاهان نیز قابل تصور است و منظور از آن تبدیل یک گیاه یا درخت نر به گیاه یا درخت ماده و برعکس می‌باشد. هر چند که تا به حال شنیده نشده است که گیاهان به طور طبیعی تغییر جنسیت داده باشند، ولی می‌توان فرض کرد که انسان‌ها با استفاده از پیشرفت‌های علمی، تغییراتی در گیاهان به وجود آورده و گیاه نر را به گیاه ماده و یا برعکس تبدیل کنند. آن‌چه در عمل بیش‌تر اتفاق می‌افتد، تغییرات ژنتیکی گیاهان و یا پیوند میان گیاهان و درختان است که اساساً این امر خارج از بحث تغییر جنسیت است.

تا به حال هیچ فقیهی درباره «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت گیاهان» سخن نگفته است، ولی قطعاً این کار جایز بوده و هیچ منعی برای آن قابل تصور نیست. بنابراین، انسان‌ها می‌توانند برای بهره‌برداری و استفاده هر چه بیش‌تر از گیاهان، تغییراتی از جمله تغییر جنسیت در گیاهان به وجود آورند.

برخی منابع خبری اعلام کردند که عده‌ای از متخصصین چینی موفق شدند با تزریق موادی به درخت سپیدار و بید باعث تغییر جنسیت این درختان شوند. (۲) این منبع خبری توضیح بیش‌تری در این باره ندارد. یک احتمال آن است که منظور از تغییر جنسیت سپیدار و بید، همان معنای مصطلح یعنی تبدیل گیاه نر به ماده و یا برعکس باشد، ولی احتمال دیگر آن است که منظور از تغییر جنسیت، تغییرات ژنتیکی است که در گیاه به وجود می‌آید.

ص: ۶۲

۱- (۱) سایت اینترنتی روزنامه همشهری به آدرس: www.Hamshahri.Net/news/?Id-k

۲- (۲) شبکه خبر تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، پنج‌شنبه ۱۳۸۶/۱/۳۰، ساعت ۱۷.

فصل چهارم: اختلال هویت جنسی؛ تراجنسیتی (ترانس سکسوال)

مبحث اول: طرح مسأله و اهمیت آن

زندگی هر انسان از عمل لقاح اسپرم (از پدر) و اوول یا تخمک (از مادر) با یکدیگر شروع می شود و در حدود سه ماه پس از آن، جنسیت فیزیولوژیک فرد شکل می گیرد و بعد از گذشت شش ماه پس از شکل گیری جنسیت، فرد به دنیا می آید.

پدر و مادر پس از مشاهده وضعیت فیزیولوژیکی کودک، جنسیت او را به همگان اعلام می دارند. اعلام جنسیت به اطرافیان سبب آفریده شدن انتظاراتی مطابق با جنسیت از کودک می شود. جامعه برای هر جنس وظایف و الگوهای رفتاری را تعیین کرده است، که مبنای انتظارات دیگران از هر جنس است. قابل ذکر است که این انتظارات از همان سال های اولیه شکل می گیرد و کودک هم مطابق با همان انتظارات و نوع جنسیتی که تعیین شده رفتار می نماید.

اما در این بین، ما شاهد کودکانی هستیم که هیچ گاه مطابق با جنسیتشان رفتار نمی کنند؛ چرا که آن ها خود را متعلق به جنسیت معرفی شده نمی دانند؛ یعنی افرادی که

از جنسیت فیزیولوژیکی خود ناراضی بوده و هیچ گاه در صدد پذیرش این جنسیت و رفتار طبق آن بر نمی آیند، و در این حالت، ما با افرادی به نام «ناراضیان جنسی» یا «ترانس سکشوال»^(۱) رو به رو هستیم. افرادی که از نظر فیزیکی هیچ گونه اختلال جنسیتی ندارند، اما از نظر هویتی و روانی حاضر به پذیرش جنسیت خود نیستند. از این رو، این افراد به اعمال نابهنجاری مانند پوشیدن لباس جنس مخالف و رفتار به سبک و شیوه جنس مخالف روی می آورند که این اعمال به هیچ وجه از سوی خانواده و جامعه مورد پذیرش واقع نمی شود و همین امر باعث برخورد جامعه با این افراد می شود و از این جا مشکلات این افراد شروع می شود؛ افرادی با هویتی مخالف جنسیت خود، که نه خانواده پذیرای این افراد است و نه جامعه.

در هر حال، یکی از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، مسأله «اختلال هویت جنسی» است. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت به نوعی با بحث «اختلال هویت جنسی» پیوند خورده است. برخی از اشخاص که خواهان تغییر جنسیت هستند، کسانی اند که از اختلال هویت جنسی رنج می برند.

مبحث دوم: هویت جنسی

«هویت جنسی»^(۲) را می توان چنین تعریف کرد: احساس زنانگی یا مردانگی در شخص، یا به تعریف کمپبل، «اعتقاد درونی شخص به این مسأله که او فردی است مذکر، مؤنث، دوسوگرا یا خنثی».^(۳)

به عبارت دیگر، هویت جنسی یک حالت روان شناختی است که بازتاب احساس درونی شخص از مرد یا زن بودن خویش است. هویت جنسی بر یک رشته نگرش ها، الگوهای رفتاری و سایر صفاتی که معمولاً با مردانگی و زنانگی مربوطند و توسط فرهنگ خاص افراد تعیین می شوند متکی است. کسی که از نظر هویت جنسی سالم

ص: ۶۴

۱- (۱) .Transsexual.

۲- (۲) .Gender Identity.

۳- (۳) فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۱۸.

است، با اطمینان می تواند بگوید: «من یک مرد هستم» یا «من یک زن هستم». (۱) هم چنین در مورد هویت جنسی گفته شده است: آگاهی فرد از مرد یا زن بودن خویش، و این که فرد خود را یک مرد یا یک زن بداند. (۲)

مبحث سوم: نقش جنسی و گرایش جنسی

باید توجه داشت که «هویت جنسی» با «نقش جنسی» (۳) متفاوت است؛ چه این که، نقش جنسی، الگوی رفتاری بیرونی است که منعکس کننده احساس درونی شخص از هویت جنسی خویش است. نقش جنسی اعلام عمومی جنسی است؛ یعنی انتقال تصویر مرد بودن در مقابل زن بودن به دیگران.

تحت شرایط ایده آل، هویت جنسی و نقش جنسی هماهنگی دارند؛ یعنی زنی که احساس زن بودن می کند، با رفتار به گونه یک زن، این احساس را به دنیای بیرونی منتقل می کند؛ همین طور، مردی که خود را مرد می داند به گونه یک مرد عمل می کند. نقش جنسی، رفتار و گفتاری است که شخص برای نشان دادن میزان مرد بودن یا زن بودن خود ابراز می کند. هویت جنسی و نقش جنسی باید از sex (که جنس زیست شناختی هم نامیده می شود)، که منحصراً به ویژگی های تشریحی و فیزیولوژیکی نشان دهنده مرد بودن یا زن بودن شخص (مثلاً داشتن قضیب یا مهبل) محدود است، تفکیک شود.

همه این اصطلاحات، باید از «گرایش جنسی»، (۴) یعنی تمایل یا پاسخ شهوانی فرد تفکیک شود. گرایش جنسی بر انتخاب شیء (مرد یا زن) و زندگی تخیلی شخص - مثلاً تخیلات شهوانی در مورد مرد یا زن یا هر دو - متکی است. (۵)

ص: ۶۵

-
- ۱- (۱) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه پورافکاری، ج ۲، ص ۳۸۱.
 - ۲- (۲) محمدرضا نیکخو، زندگی جنسی مردان، ص ۲۱۳؛ شایسته جهان فر و میترا مولایی نژاد؛ درس نامه اختلالات جنسی، ص ۱۰۶.
 - ۳- (۳) Gender Role.
 - ۴- (۴) Sexual orientation.
 - ۵- (۵) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین، خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۱.

(۱)

میل جنسی، یک میل غریزی است که خالق هوشیار آن را در وجود مرد و زن به ودیعت گذاشته است، تا هر یک از آن دو، به دیگری تمایل یابد، و به این طریق ازدواج انجام گیرد و نسل بشری دوام پیدا کند. این میل جنسی، با اعضای تناسلی هر یک از مرد و زن ارتباط تنگاتنگ دارد. در این میان، هورمون های جنسی، نقش آفرین می باشند. هورمون های جنسی مردانه از طریق بیضه ها ترشح می شود و هورمون های جنسی زنانه، از طریق تخمدان به وجود می آید. در این میان، هورمون های دیگری نیز وجود دارد که از سایر غدد درونی، حاصل می شوند. برخی از این هورمون ها، فقط در بدن مردان است و برخی فقط در بدن زنان وجود دارد و برخی دیگر به صورت مشترک، و البته به نسبت متفاوت در بدن زن و مرد یافت می شوند و به هر حال، این هورمون ها در میل جنسی مردان و زنان نقش عمده ای ایفا می کنند. البته عوامل و شرایط دیگری هم در میل جنسی، نقش ایفا می کنند، مانند: تربیت، محیط اجتماعی و شخصیت فردی. (۲) بسیاری از تعالیم اسلام در راستای تربیت منضبط جنسی انسان است و به انسان ها توصیه می کند که میل جنسی خود را از طریق صحیح به کار گیرد و به وسیله مشروع، خود را ارضا کند. بر این اساس، از انسان خواسته شده که خود را از گرداب گناه زنا، لواط و منکرات دیگر حفظ نماید. قرآن کریم نیز از میل جنسی یاد می کند، آن گاه که حضرت یوسف (علیه السلام) گرفتار کید و مکر عده ای از زنان قرار گرفته بود، در مناجات با خدای خویش چنین می گوید:

وَالَّذِي كَفَرْتُ بِهٖٓ اِنْ كُنْتُ مُجْرِمًا لِّمَلَآئِكَةٍ وَاَلَّذِي نَجَّيْتُكَ مِنَ الْكَلْبِ اِنَّكَ لَكَاۤءِبٌۭۙ (۳)

و اگر مکر و نیرنگ آن ها را از من باز نگردانی، قلب من به آن ها متمایل می گردد و از جاهلان خواهم بود.

ص: ۶۶

۱- (۱) . Sexual drive

۲- (۲) احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیه، ص ۲۸۱.

۳- (۳) یوسف (۱۲)، آیه ۳۳.

نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز از میل جنسی یاد کرده، آن گاه که فرمود:

حُبَّبَ الی مِنَ الدنیا النساءُ و الطیبُ، و جُعِلَتْ قُرَّةُ عینی فی الصَّلَاةِ؛^(۱)

از دنیا فقط زنان و عطر را دوست دارم و چشم روشنی من، در نماز قرار داده شده است.

این سخن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) شاید از آن جهت است که عده ای این میل جنسی را انکار یا سرکوب می کردند و به انگیزه زهد و پارسایی، از ازدواج با زنان خودداری می کردند. عده ای مناجات، راز و نیاز و عبادت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را مشاهده کردند، آن گاه با یکدیگر چنین گفتند:

فَقَالَ أَحَدُهُمْ: اما أنا فَإِنِّي اصْبِلِي اللَّيْلَ اِبْدَاءً. و قَالَ آخَرُ: انا اصومُ الدَّهْرَ و لا افطُرُ. و قَالَ آخَرُ: انا اعْتَرَلُ النِّسَاءَ فَلَا اتَزَوَّجُ اِبْدَاءً. فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) إِلَيْهِمْ، فَقَالَ: انتم الَّذِينَ قُلْتُمْ كَذَا كَذَا؟ اما وَ اللَّهِ إِنِّي لَأَخْشَاكُمْ لِلَّهِ وَ اتَّقَاكُمْ لَهُ، وَ لَكِنِّي اصومُ وَ افطُرُ وَ اصْبِلِي وَ اِرْقُدُ وَ اتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَن سِيَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛^(۲) یکی از آن ها گفت: همانا من تمام شب ها را نماز می گزارم. دیگری گفت: من تمام عمر از روزه خواهم گرفت. و دیگری گفت: من از زنان کناره گیری خواهم کرد و هیچ گاه ازدواج نخواهم کرد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیش آنان آمد و فرمود: آیا شما این گونه می گویی؟! همانا قَسَمَ به خدا! من بیش تر از شما از خداوند می ترسم و بیش از شما پرهیزکارم، با این وجود، گاه روزه می گیرم و گاه افطار می کنم. گاه نماز می خوانم گاه استراحت می کنم و [نیز] با زنان ازدواج می کنم. [این است سنت و روش من]، هر کس از سنت و روش من، روی گردان شود از من نیست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در کلام دیگری از مسلمان می خواهد که میل جنسی را از طریق آمیزش حلال کنترل نمایند.

ص: ۶۷

۱- (۱) شیخ صدوق، خصال، ص ۱۶۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲- (۲) ابن حجر، فتح الباری، ج ۲، ص ۹۰؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۸۰؛ بیهقی، السنن، ج ۷، ص ۷۷.

آن حضرت فرمود:

إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً فَأَعْجَبْتَهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ، فَإِنَّ ذَاكَ يُرَدُّ مَا فِي نَفْسِهِ؛^(۱)

هرگاه یکی از شما زنی را دید که او را خوش آمد، پس با همسر خویش نزدیکی کند، همانا این عمل، آن چه را در نفس او پدید آورده [از تمایل به زن نامحرم] از بین خواهد برد.

نیز، در روایت دیگری آن حضرت فرمود:

إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى، فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَى قَلْبِهِ سَبِيلًا؛^(۲)

هرگاه یکی از شما زنی را دید که او را خوش آمد، پس با همسرش نزدیکی کند؛ همانا نزد همسرش مثل آن چیزی است که دیده است؛ پس در قلب خویش راهی برای شیطان باز نکند.

این میل جنسی هرگاه از طریق حلال و شرعی پاسخ داده شود، موجب ثواب و اجر اخروی است؛ چون از این طریق، عفت خویش را پاسداری نموده و خود را از آلودگی به گناه باز داشته است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

وَفِي بُضْعِ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيَاتِي أَحَدُنَا شَهْوَتَهُ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهَا اجْرٌ؟ قَالَ: إِرَائْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟ فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ اجْرٌ؛^(۳)

در همبستر شدن با همسر ثواب صدقه وجود دارد. عده ای گفتند: ای رسول خدا! آیا اگر کسی پیش همسرش رفته و شهوت خویش را اشباع کند برای او پاداش و اجر اخروی است؟! حضرت فرمود: آیا اگر شهوت خویش را در راه حرام قرار می داد برای او گناه نبود؟! پس همین طور، اگر آن را در طریق حلال قرار دهد برای او اجر اخروی خواهد بود.

ص: ۶۸

۱- (۱) احمد محمد کنعانی، الموسوعة الطيبة الفقهية، ص ۲۸۳.

۲- (۲) شیخ صدوق، خصال، ص ۶۳۷؛ تحف العقول، ص ۱۲۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۵.

۳- (۳) محی الدین النووی، المجموع، ج ۶، ص ۲۴۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۴، حدیث ۱۰.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پیوسته برای کنترل میل جنسی به ازدواج توصیه می فرمود، و برای کسانی که قادر به ازدواج نبودند، توصیه می فرمود که روزه گرفتن، میل جنسی را از انحراف و گناه باز می دارد.

یا مَعَشَرَ الشَّبَابِ مَنِ اسْتِطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاهُ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصِيرِ، وَ احْصَيْنِ لِلْفَرْجِ، وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُصُمْ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءُ؛^(۱)

ای گروه جوانان! هر کس توانایی ازدواج دارد پس ازدواج کند، همانا ازدواج برای حفظ چشم و عورت بهتر است، و هر کس توانایی ازدواج ندارد پس بر او باد که روزه بگیرد، همانا روزه برای او موجب حفظ است.

مبحث پنجم: علت شناسی پدیده تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)

اشاره

(۲)

ترانس سکشوالیسم عبارت است از «واژگونی هویت جنسی در یک فرد با فرمول کروموزیک XY (مرد) یا XX (زن)»، یا «همانندسازی قوی و مستمر با جنس مقابل»، یا «شواهد ناراحتی مداوم شخص از جنسیت خود یا احساس نامتناسب بودن در نقش جنسیتی خود».

توجه داریم که این تشخیص زمانی برای بیمار گذاشته می شود که فرد مبتلا به یک عارضه جسمی دو جنسیتی نباشد و نیز این احساس توأم با بیماری عمده روان پزشکی دیگری هم چون اسکیزوفرنیا^(۳) نباشد.

علی رغم این که این بیماری بیش از هفتاد سال شناخته شده است، ولی هنوز از سوی هیچ سازمان علمی جهان و یا کتب و منابع پزشکی، علت قطعی و دقیق این

ص: ۶۹

۱- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۳، ج ۲۱؛ نیز شبیه این روایت نگاه کنید به: کافی، ج ۴، ص ۱۸۰، حدیث ۲؛ و ج ۵، ص ۳۳۰، حدیث ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۱۰، حدیث ۱؛ روضه الواعظین نیشابوری، ص ۳۷۴.

۲- (۲) مطالب این قسمت با استفاده از جزوه دست نویس آقایان دکتر فرشید تقی زاده (روان پزشک) و حسین زمانی تکنیسین اتاق عمل (جراحی تغییر جنسیت) است که تحت عنوان: «Transsexual» تنظیم شده است.

۳- (۳) .schizopronia

بیماری بیان نشده است. با این وجود، فرضیه‌هایی در این زمینه وجود دارد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

گفتار اول: عوامل زیست‌شناختی

(۱)

بند ۱. ژنتیک: (۲) در برخی کتب ذکر شده که ژن حامل این صفت بر روی کروموزوم X در پایه Q وجود دارد، ولی هنوز وجود این ژن به قطعیت نرسیده است.

بند ۲. اثرات هورمونی: (۳) در انسان حالت سلولی هورمونی اولیه به صورت زن است و مجاری و غدد جنسی اولیه بی تفاوت می‌باشد و با رشد جنین فقط با افزایش آندروژن (که از کروموزوم Y منشأ می‌گیرد) جنس مرد پدید می‌آید. در غیاب بیضه‌ها و آندروژن، سیستم تناسلی خارجی به شکل زنانه در می‌آید. بنابراین، مردانگی یا زنانگی به آندروژن‌های دوران جنینی بستگی دارد.

هنوز نمی‌دانیم که آیا مصرف داروهای هورمونی در دوران حاملگی و یا حتی داروهای غیرهورمونی می‌تواند در روند تعیین جنسیت جنین نقش داشته باشد یا نه. در یک مطالعه بزرگ، پسرانِ مادران دیابتی که در طی دوران حاملگی، ترکیبی از استروژن و پروژسترون دریافت کرده بودند بررسی شدند. نتایج، نشان دهنده آن بود که این پسرها در مقایسه با گروه، گواه کم‌تر تهاجمی و کم‌تر مردانه بودند. بنابراین سطوح هورمونی جنسی قبل از زمان تولد می‌تواند بر روی رفتار جنسی و هم‌چنین تجارب اجتماعی اولیه کودک مؤثر باشد.

در مطالعه‌ای دیگر بر روی مردان آلمانی متولد شده در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ میلادی که سال‌های پر استرس و اضطراب جنگ جهانی دوم بود، درصد بالایی از انحراف‌های جنسی مشاهده شد. از این رو، استرس بر روی «هویت جنسی» و نیز «نقش جنسی» (۴) نقش مهمی دارد. دکتر فرشید تقی زاده، روان‌پزشک می‌گوید:

ص: ۷۰

۱- (۱) . Biologic Factors

۲- (۲) . Genetics

۳- (۳) . Hermonal Effects

۴- (۴) . Sexuel Role

ما در کلینک جراحی تغییر جنسیت از مادران بیماران اختلال هویت جنسی این سؤال را می پرسیم که: آیا در طی دوران حاملگی به ویژه سه ماهه اول حاملگی استرس و اضطراب داشته اند یا نه؟ آیا حادثه ناگواری برای آن ها پیش آمده است یا نه؟ حدود ۹۰ درصد مادران، وجود یک عامل استرس زا را بیان می کنند.

گفتار دوم: عوامل عصب شناسی

در مطالعاتی که انجام شده است نتایجی در رابطه با اندازه هسته های هیپوتالاموس به دست آمده است که بسیار جالب است، ولی هنوز جای تردید وجود دارد و قطعیت نیافته است. بر اساس این مطالعات، اندازه هسته های هیپوتالاموس، در بیماران اختلال هویت جنسی نسبت به افراد سالم کوچک تر است. از این رو، این فرضیه شکل گرفته است که کوچکی اندازه هسته های هیپوتالاموس، منشأ بروز این بیماری شده است.

گفتار سوم: عوامل روان شناخت

بند اول: نظریه روانی - اجتماعی

طبق این تئوری، احتمال داده می شود که عوامل و برخوردهای اجتماعی می تواند تا حدودی در تعیین هویت جنسی فرد تأثیر گذار باشد. برای مثال، مردانگی زدایی مادر با فرزند پسرش، می تواند یکی از این عوامل باشد. به عبارت دیگر، هرگاه والدین خواهان فرزند دختر باشند و با پسر خویش، همانند یک دختر رفتار کنند، این فرزند به تدریج به سوی این بیماری سوق داده می شود؛ به گونه ای که وی که کاملاً دارای آلت تناسلی مردانه است، خود را دختر می داند.

بند دوم: نظریه روانی - جنسی

بر اساس این تئوری، تربیت روانی - جنسی کودک و نیز برخوردهای جنسی والدین در حضور کودک می تواند تجارب منفی به بار آورد. دکتر فرشید تقی زاده، روان پزشک می گوید:

لازم می دانم شرح یک پرونده روان پزشکی یکی از بیمارانم را به رشته تحریر در آورم. ماجرا از این قرار بود که یک روز صبح تابستانی وقتی در

درمانگاه روان پزشکی مشغول مطالعه بودم، مرد ۲۵ ساله ای برای مشاوره نزد من آمده بود. مشککش را جویا شدم. اصل ماجرا از این قرار بود که آقای ب. ا، بیست و پنج ساله، لیسانس کامپیوتر، در دوران کودکی با صحنه هایی از روابط پدر و مادر مواجه شده بود و این رفتار، استرس و نگرانی های زیادی را در وی ایجاد کرده بود. وی فکر می کرد که پدرش، مادر را مورد آزار و اذیت قرار می داده است و نیز تا به این سن که رسیده است، هر وقت به یاد چنین صحنه هایی می افتد سریعاً دچار اضطراب می شده است. از این رو، از ازدواج متنفر بود.

مبحث ششم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم)

اشاره

(۱)

یکی از انواع و بلکه مهم ترین مورد اختلاف هویت جنسی، افراد تراجنسیتی یا ترانس سکشوالیسم است که با بحث تغییر جنسیت ارتباط زیادی دارد؛ چه این که این عده، از جنسیت خویش به شدت ناراضی بوده و مایلند با عمل جراحی تغییر جنسیت، به جنسیت مقابل درآیند.

گفتار اول: تعریف تراجنسیتی (ترانس سکشوال)

تراجنسیتی حالت کسی است که دارای جنسیت مشخص و معین است، ولی قویاً اعتقاد دارد که او متعلق به جنس مخالف است. رفتارش را با رفتار جنس مطلوب خود مطابقت می دهد و سعی می کند که با استفاده از امکانات پزشکی و جراحی، جسم خود را نیز مطابق جنس مطلوب در آورد و شناسنامه خود را عوض کند. (۲) هم چنین در تعریف تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) چنین گفته شده است: ترانس سکشوالیسم یا زنانه گرایی یا مردانه گرایی جنس مخالف عبارت است از احساس مبرم ناراحتی و عدم سنجی از ساخت آناتومیکی جنسی خود، و آرزوی مبرم به خلاصی از اعضای تناسلی خویش، و زندگی کردن به صورت فردی از جنس مقابل. تشخیص

ص: ۷۲

۱- (۱) .Transsexualim

۲- (۲) صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۵۶۸.

فوق فقط وقتی داده می شود که این آشفتگی اقلأً به مدت دو سال ادامه داشته باشد و محدود به دوره استرس نباشد و علت آن، اختلال روانی دیگری مانند اسکیزوفرنی (۱) نبوده و یا توأم با نابهنجاری کالبد شناسی جنسی یا ژنتیک نیز نباشد. چنین اشخاصی معمولاً از لباس مخصوص جنس آناتومیك خود ناراحتند و بارها این ناراحتی، منجر به پوشیدن لباس جنس مخالف می شود و غالباً به فعالیت هایی مربوط به جنس مقابل دست می زنند. (۲) برای توضیح بیش تر اصطلاح فوق، توضیح و تعریف سومی نیز آورده می شود: ترانس سکشوالیسم کسی است که جنس روانی وی با سایر ملاک های تعیین جنس، یعنی جنس کروموزومیك، هورمونال و آناتومیك او در تعارض است. چنین شخصی خود را قربانی یک اشتباه نابخشدنی طبیعت یا پدر و مادر تلقی می کند؛ زیرا از نظر وی، در حالی که جنس روانی وی اقتضای مرد بودن داشته، جنس ظاهری وی در شکل زن متجلی شده است. لذا این فرد سعی می کند که چاره ای برای معالجه این نقص و یا برطرف ساختن این عدم انطباق بیابد.

از این رو، می توانیم ترانس سکشوالیسم را چنین تعریف نماییم: تعارض جنس روان شناسانه و یا جنس رفتاری یا جنس ظاهری که معمولاً جنس ظاهری نیز به نوبه خود نتیجه جنس کروموزومیك و هورمونال می باشد.

با این تعریف، ترانس سکشوالیسم، حالت فردی است که این دو جنس وی با هم در تعارض باشند و الا پس از عمل جراحی برای انطباق جنس ظاهری بر جنس روانی و یا جنس روانی بر جنس ظاهری، دیگر به وی ترانس سکشوال نباید اطلاق نمود. هم چنین باید ترانس سکشوالیسم را از فرد خنثی یا دو جنسی (هرمافروdit) (۳) تمیز داد. فرد خنثی، تعارض جنسی اش در همان مرحله جنسی آناتومیك است؛ یعنی هم ظاهر و آلت

ص: ۷۳

۱- (۱) .Schizopronia

۲- (۲) فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۱۹.

۳- (۳) .Hermafrodit

جنسی مردانه دارد و هم زنانه، در حالی که در ترانس سکشوالیسم این تعارض در دو ملاک از ملاک های تعیین جنس می باشد. (۱)

گفتار دوم: بررسی واژه ترانس سکشوال

واژه Transsexual که از دو بخش « trans » و « sexual » تشکیل شده است، گاه «ترانس سکشوال» تلفظ می شود و بیش تر «ترانس سکسوال» تلفظ می گردد.

واژه Transsexual از اصطلاحات جدید پزشکی و روان پزشکی است که هنوز هیچ معادل رسمی از سوی «فرهنگستان زبان فارسی» برای آن ابداع نشده است. نویسندگان، پزشکان و روان پزشکان هر یک به سلیقه خویش، معنای خاصی را برای آن بیان می کنند. گاه معادل آن «ناراضیان جنسی» (۲) بیان شده، در مواردی واژه فوق به «دگر جنسیت جوها» (۳) ترجمه شده است. برخی پزشکان معادل «روان دگر جنسی» (۴) را پیشنهاد می کنند.

به نظر می رسد هیچ کدام از معانی بیان شده، چه از لحاظ ساخت واژه ای و چه از لحاظ انتقال بار معنایی قابل نمی باشند؛ چون در زبان لاتین واژه Trans به معنای انتقال یا حالتی معلق در بین دو وضعیت است و از آن، واژه های زیادی هم چون: Transportation (حمل و نقل، بارکشی و انتقال) (۵)، Transiation (ترجمه، تفسیر، انتقال، حرکت انتقالی) و غیره ساخته شده است.

در مقابل، در زبان فارسی ما واژه «ترا» را داریم که دقیقاً معنای «انتقال و یا حالتی

ص: ۷۴

۱- (۱) عبدالرسول دیانی؛ «حقوق اخلاقی پزشکی (بیواتیک) و اصلاح جنسیت»، مجله دادرسی، ش ۲۹ (آذرودی ۱۳۸۰)، ص ۱۰.

۲- (۲) زینب کوچکیان زلبوا؛ بررسی وضعیت و مشکلات ناراضیان جنسی، پایان نامه مقطع کارشناسی دانشگاه تربیت مدرس، ص ۱.

۳- (۳) علی رضا کاهانی؛ اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت جوها.

۴- (۴) بهرام میرجلالی؛ بیماری روان دگر جنسی را بهتر بشناسیم (یادداشت کوتاه).

۵- (۵) عباس آریان پورکاشانی و منوچهر آریان پورکاشانی؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی - فارسی، دوره دو جلدی، ج ۲، ص ۲۳۵۲.

معلق در بین دو وضعیت» را در بر دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد معادل «ترانجسیتی» برای Transsexual (ترانس سکشوال) نه تنها از لحاظ لفظی، شیوایی و روانی بیش تری دارد، بلکه به راحتی معنای آن را نیز منتقل می‌کند.

گفتار سوم: ترانجسیتی در کودکان

کودکان هماهنگ با جنسی که با آن پرورش می‌یابند (۱) که جنس تعیین شده (۲) نیز نامیده می‌شود و بر پایه مزاج کودک، کیفیات والدین و تعامل بین آن‌ها متکی است، هویت جنسی پیدا می‌کنند. از نظر جنسی نقش‌های جنسی مقبولی وجود دارد: از پسرها انتظار نمی‌رود که دختر صفت بار آیند و از دختری انتظار پسروراری نمی‌رود. بازی‌های پسرانه (مثل دزد و داروغه) و بازی‌ها دخترانه (مثل عروسک و خانه عروسکی) وجود دارد. این نقش‌ها آموخته می‌شود، هر چند برخی از محققین معتقدند که بعضی از پسرها مزاجاً ظریف و حساس هستند و برخی از دخترها پرخاشگرتر و پرانرژی‌ترند؛ یعنی صفاتی که به طور کلیشه‌ای در فرهنگ ما به ترتیب به زنانگی و مردانگی تعبیر می‌شوند.

کیفیت رابطه مادر - کودک در سال‌های اول زندگی، اهمیت فوق‌العاده‌ای در برقراری هویت جنسی دارد. ضمن این سال‌ها مادر احساس غرور نسبت به جنس خود را در کودک بیدار می‌کند. مادر خشن و بی‌ارزش‌کننده، می‌تواند در رشد هویت جنسی کودک اختلال ایجاد کند. برخی از کودکان با این پیام مواجه می‌گردند که اگر هویت جنسی جنس مقابل را بپذیرند، مطلوب‌تر خواهند بود. کودکان آزار دیده و مطرود ممکن است طبق این باور رفتار کنند که اگر متعلق به جنس مقابل باشند، مدارای بهتری با آنان خواهد شد. مسایل «هویت جنسی» ممکن است در نتیجه مرگ، غیبت طولانی یا افسردگی مادر نمود بیش تری پیدا کند. در این حالت، پسر بچه کوچک ممکن است با همانندسازی کامل به او واکنش نشان دهد؛ یعنی تبدیل به مادر شدن به منظور جایگزینی پدید آید.

ص: ۷۵

۱- (۱) . Sex of rearing

۲- (۲) . Assigned sex

نقش پدر نیز در این سال‌های اولیه حائز اهمیت است. فقدان پدر و جایگزین شدن مادر به جای او، کودکان را با مخاطرات شدیدی روبه‌رو می‌سازد. برای دختر بیچه، پدر نمونه‌شیء محبوب آتی است و برای پسر بیچه، پدر الگویی برای همانندسازی مردانه است (۱). خصوصیت اساسی «اختلال هویت جنسی» وجود ناراحتی شدید و مستمر در کودک در مورد جنس معین شده خود و میل شدید یا اصرار بر متعلق بودن به جنس مقابل است. دخترها و پسرها از لباس پوشیدن کلیشه‌ای طبیعی دخترانه یا پسرانه منحرف شده، و خصوصیات تشریحی خاص خود را رد می‌کنند. در منتهی‌الیه طیف اختلال هویت جنسی کودکان، پسرهایی قرار دارند که طبق معیارهای فرهنگ خود، دخترانه‌تر از هر دختری هستند، و دخترهایی که مرد صفت‌تر از هر پسری هستند. در طیف اختلال هویت جنسی مرز واضحی بین کودکان که مستحق تشخیص رسمی هستند و آن‌هایی که چنین استحقاقی ندارند، نمی‌توان تعیین کرد. به همین علت، میزان شیوع آن نامعلوم است. دختران مبتلا به این اختلال معمولاً همنشین‌های پسر دارند و علاقه‌آزمندانه بر ورزش‌های خشن و بازی‌های بی‌نظم و ترتیب‌نشان می‌دهند و علاقه‌ای به عروسک‌بازی و بازی‌خانه‌نشان نمی‌دهند. ندرتاً دختر مبتلا به این اختلال از ادرار کردن در حالت نشسته امتناع کرده و ادعا می‌کند که آلت مردانه دارد یا پیدا خواهد کرد و تمایلی به داشتن پستان و قاعده شدن نشان نمی‌دهند و قاطعانه اظهار می‌کند که وقتی بزرگ شد مرد خواهد شد.

پسرهای مبتلا به این اختلال، با فعالیت‌های دخترانه اشتغال ذهنی پیدا می‌کنند. ممکن است ترجیح دهند که لباس دخترانه یا زنانه بپوشند. این پسرها میل شدیدی برای شرکت در بازی‌ها و وقت‌گذرانی‌های دخترانه دارند. عروسک‌های ماده، اسباب‌بازی مورد علاقه آن‌ها است و هم‌بازی‌های مورد علاقه آن‌ها را نیز دخترها تشکیل می‌دهند. در بازی «خانه» چنین پسرانی، نقش زن‌ها را انتخاب می‌کنند. ادا و اطوار و اعمال آن‌ها

ص: ۷۶

طبق معیارهای فرهنگی خاص دخترها تلقی می شود و معمولاً چنین پسرهایی در گروه های همتا مورد اذیت و آزار قرار گرفته یا طرد می شوند. در حالی که تا سن بلوغ همین جریان در مجمع دخترها نیز روی می دهد. پسرهای مبتلا به این اختلال ممکن است اظهار کنند که تبدیل به زن خواهند شد. در موارد نادر، پسری با این اختلال، مدعی می گردد که آلت تناسلی و بیضه های او در حال تغییر شکل است، یا از بین خواهد رفت و یا بهتر است که شخص آلت مردانه یا بیضه نداشته باشد.

بعضی از کودکان به خاطر تمسخر سایر بچه ها و فشار مدرسه برای ملبس شدن به لباس کلیشه ای جنس معین شده آن ها، از رفتن به مدرسه خودداری می کنند. اکثر کودکان مبتلا به این بیماری، این اختلال را تکذیب می کنند. (۱) این افراد در کودکی با نشانه های زیر خود را نشان می دهند:

در پسرها قاطعیت بر این که بیضه ها و آلت تناسلی، چیزی نفرت آور هستند. از بازی های پسرانه بیزارند، بازی های پسرانه را نمی پسندند و تمایل به پوشیدن لباس های دخترانه دارند و گاهی بدان جا می رسد که اقدام به قطع آلت و در آوردن بیضه ها می کنند. در دخترها تمایلی به رشد سینه خود و شروع عادت ماهانه ندارند، از پوشیدن لباس های معمولی دختران متنفرند، امتنا از ادرار کردن در حالت نشسته دارند.

بیماران مؤنث از دو نقطه نظر با مردهای شبیه خودشان متفاوتند:

الف) رفتار ناشی از اختلال هویتشان کم تر اغراق آمیز است و بیش تر کیفیت متقاعدکننده دارد.

ب) میزان علاقه به فعالیت جنسی در آن ها شدیدتر می باشد. (۲)

گفتار چهارم: تراجنسیتی (ترانس سکشوالیسم) در نوجوانان و بزرگسالان

در نوجوانان و بزرگسالان نیز علائم و نشانه هایی مشابه وجود دارد. نوجوانان و افراد بالغ مبتلا به این اختلال، آرزوی جنس مقابل بودن را آشکارا ابراز می کنند. فراوان سعی

ص: ۷۷

۱- (۱) پیشین، ص ۳۸۲-۳۸۳.

۲- (۲) دکتر علی رضا کاهانی: اختلال هویت جنسی، دگر جنسیت جوها، ص ۲۹.

می کنند که به عنوان عضو جنس مقابل پذیرفته شوند و آرزو می کنند که مثل فردی متعلق به جنس مقابل زندگی کنند و مورد مدارا قرار بگیرند. علاوه بر این، سعی می کنند که ویژگی های جنس مقابل را کسب کنند. ممکن است معتقد باشند که با جنس عوضی متولد شده اند و عبارات مشخص در این ردیف بیان می کنند: «احساس می کنم زنی هستم که در جسم مردانه به دام افتاده ام»، یا برعکس.

این نوجوانان و بزرگسالان غالباً درخواست اقدامات طبی و اعمال جراحی برای تغییر جنسیت یا تغییر دادن ظاهر جسمی خود دارند. بسیاری از پزشکان از اصطلاح «ترانس سکشوال» یا «TS» یا «اختلال هویت جنسی» استفاده می کنند. خود این افراد نیز در اشاره به خود، از اصطلاح «ترانس سکشوال» استفاده می کنند. شخص ترانس سکشوال، اشتغال ذهنی مستمر با از بین بردن صفات جنسی اولیه و ثانوی خود و کسب صفات جنس مقابل دارد. میل به ملبس شدن و زندگی کردن به صورت عضوی از جنس مقابل همیشه وجود دارد. دستگاه تناسلی آن ها برای خودشان نفرت آور است و به همین دلیل، مصرّانه در خواست عمل جراحی می کنند. این میل ممکن است بر تمام امیال شخص غلبه کند.

گفتار پنجم: علائم و نشانه های اختصاصی

هر چند پیش تر به نوعی به برخی علائم و نشانه های تراجنسیتی (ترانس سکشوال) به صورت پراکنده اشاره شده است، ولی در زیر به طور مشخص به چند نشانه این بیماری اشاره می شود:

بند اول: تشخیص ترانس سکشوالیسم موقعی داده می شود که شخص مبتلا، دارای جنسیت مشخص و قطعی، چه از نظر جسمانی و چه از نظر بیولوژی باشد و هیچ گونه شکی از این نظر وجود نداشته باشد. جنسیت توارثی (ژنتیک) و گونادها و گونادوفورها و اعضای تناسلی خارجی و خصوصیات جنسی ثانوی همگی به طور قطعی، مشخص جنسیت آن شخص باشد.

بند دوم: از نظر روانی هم این افراد به طور قاطع خود را متعلق به جنس مخالف خود

دانسته و کاملاً وضع روانی جنس مزبور را دارند. از پزشک می خواهند تغییر جنسیت آن ها را عملی سازد. اگر چه مدت ها از نظر روانی سالم می مانند، ولی امکان این که در اثر یأس از تغییر جنسیت، دچار دپرسیون شده و قصد خودکشی کنند وجود دارد. در معاینه این افراد که معمولاً لباس جنس مخالف را پوشیده اند، نزد مردان ژینکوماستی در اثر به کار بردن هورمون های زنانه و احتمالاً تغییرات اعضای تناسلی خارجی در اثر عمل جراحی مشاهده می شود. تغییرات عکس نزد زنان به علت دشواری تهیه دستگاه تناسلی خارجی مردانه به کمک جراحی هم چنین از بین بردن پستان ها کم تر دیده می شود. (۱)

بند سوم: آسیب بدنی به خود: خطراتی برای آسیب به آلت تناسلی در مردان مبتلا، به طور نسبتاً شایع وجود دارد. اگر چه نادر است که عملاً به خود آسیب برسانند، اما به هر حال، ممکن است اتفاق افتد، که شامل قطع آلت تناسلی و بیضه ها می شود. (۲) «کریگر» (۳) در سال ۱۹۸۲ م. سه مورد از این نمونه را در یک دوره دو ساله در «سانفرانسیکو» ذکر کرده است که به علت نداشتن پول کافی برای پرداخت هزینه عمل جراحی ترمیمی تبدیل جنسی، دست به این کار زده بودند. (۴) پروفیسور بهرام میرجلالی، جراح تغییر جنسیت در ایران، به نگارنده گفت: سه تن از ترانس سکشوال های مذکر، به دلیل نفرت شدید از جنسیت خود، دست به خودکشی زدند که خودکشی آنان به صورت قطع آلت تناسلی و بیضه ها بود که متأسفانه دو تن از آن ها جان خویش را از دست دادند و ما موفق شدیم با عمل جراحی، فرد سوم را تغییر جنسیت داده و جان او را نجات دهیم.

بند چهارم: خشونت و رفتار غیر قانونی: تجربه اکثر پزشکان نشان می دهد که این بیماران به ندرت رفتار خشونت آور با رزی از خود نشان می دهند. (۵)

ص: ۷۹

۱- (۱) دکتر صمد قضایی؛ پزشکی قانونی، ص ۵۶۸-۵۶۹.

۲- (۲) فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

۳- (۳) Krieger.

۴- (۴) همان، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

۵- (۵) همان، ج ۲، ص ۱۲۹۴.

در پایان این بخش برای تکمیل بحث، دیدگاه مدیر کل دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی را می آوریم. دکتر سید هادی معتمدی درباره پدیده ترانسیسیتی چنین می گوید: در میان بیماران مبتلا به اختلالات هویت جنسی، به دلیل وضعیت خاص روحی و روانی آن ها، افزایش تمایل به خودکشی وجود دارد. عمل جراحی تغییر جنسیت بین ۱۵ تا ۲۰ میلیون تومان هزینه در بر دارد که با بودجه ای که هر ساله در اختیار این دفتر قرار داده می شود، فقط می توان هزینه جراحی یک بیمار را تأمین کرد، ولی خوشبختانه با سایر کمک هایی که می شود سالانه می توان حدود ۲۰ نفر را تحت پوشش قرار داد. این بیماری پدیده جدیدی نیست، ولی نسبت به سایر بیماری های هویتی شیوع بالایی دارد که در بسیاری از موارد نیز خانواده ها مقصرند. ترانس سکشوال (۱) به معنی دگر جنس خواهی، یک اختلال هویتی شناخته شده روان پزشکی است که در آن فرد به طور مستمر از جنسیتی که دارد ناراضی است و با جنس مخالف خود همانند سازی می کند. تغییر جنسیت، زیر مجموعه ای از یک اختلال هویتی است که تمامی افراد دارای اختلال هویتی به آن نمی رسند، بلکه تنها ۱۰ درصد افراد دارای اختلال هویتی، به مرحله تغییر جنسیت می رسند. این در حالی است که در این بیماری، زمینه های فردی وجود دارد که در مجاورت با شرایط محیطی موجب بروز این مشکل می شود. بنابراین، از نظر علمی، عمل جراحی برای این افراد ضروری است؛ زیرا فرد به مرحله ای رسیده که نمی تواند جنسیت خود را بپذیرد و در رفتارهای اجتماعی خود نیز دچار مشکل می شود. به همین دلیل، برای افرادی که به این مرحله برسند، عمل جراحی در مورد آلت تناسلی توصیه می شود. تعداد افراد دارای اختلال هویتی مشخص نیست و اکثر افراد دارای اختلال هویتی به پزشک مراجعه نمی کنند. در سال ۱۳۸۰ ش. یک کمیته کشوری برای رسیدگی به وضعیت این بیماران تشکیل شد و بخش حمایتی این کمیته، به عهده سازمان بهزیستی گذاشته و در حال حاضر افرادی که برای تغییر جنسیت مراجعه می کنند به روان

ص: ۸۰

شناسان معرفی و تحت درمان قرار می گیرند که طی سه سال گذشته حدود ۶۰ نفر از این بیماران تحت حمایت بهزیستی قرار گرفته اند. (۱)

گفتار ششم: اقسام ترانسنسیتی (ترانس سکشوال)

اشاره

بیماری فوق هم در مردان و هم در زنان یافت می شود، با این تفاوت، این بیماری در مردان بیش از زنان است، که در ذیل ترانس سکشوال مذکر و ترانس سکشوال مؤنث جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد:

بند اول: ترانس سکشوال مذکر

اشاره

مردان ترانس سکشوال برای ایجاد پستان و سایر انحنایهای بدنی زنانه از استروژن استفاده می کنند. با الکترولیز، موهای مردانه خود را از بین می برند و برای برداشتن قضیب و بیضه ها و ایجاد مهبل مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می گیرند. (۲) مردان دچار این اختلال با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک زن، اشتغال ذهنی پیدا می کنند. این قبیل مردان در جامعه به «اواخواهر» معروفند. این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک زن، یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی زنانه از راه مصرف هورمون های زنانه یا جراحی تغییر جنسیت، نشان داده شود. مردان دچار این اختلال، از این که توسط دیگران به عنوان یک مرد در نظر گرفته شوند، یا اعمالشان در جامعه بر اساس جنسیت اصلی آن ها (یعنی همان مرد بودن) تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می گردند.

این قبیل مردان رفتار، لباس پوشیدن و اطوارگری های زنانه را به درجات مختلف نشان می دهند. برای مثال، آرایش زنانه می کنند و موهای خود را به شکل زنانه در می آورند، موهای صورت و بدن را به وسیله الکترولیز یا سایر مواد موبر از بین می برند، سعی می کنند صدای خود را تغییر دهند و با آهنگی زنانه و عشوه گرانه صحبت کنند و بیش تر در پی مشاغل زنانه از جمله آشپزی، دوخت و دوز و منشی گری بر می آیند. این

ص: ۸۱

۱- (۱) سید هادی معتمدی؛ خبرگزاری مهر، ۱۳۸۳/۸/۲۹ (MEHRNEWS.COM).

۲- (۲) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۵.

افراد احتمال دارد به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را صرف مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به یک زن صرف نمایند. لازم به توضیح است که رفتار مبدل پوشی این افراد به منظور کسب لذت انجام نمی شود (آن گونه که در مبدل پوشی انجام می شود) و از سوی دیگر، این قبیل بیماران بر خلاف مبدل پوشان جنسی، آلت تناسلی خود را به عنوان یک منبع لذت نگاه نمی کنند، بلکه از آن انزجار دارند و مصرانه خواستار آنند که با عمل جراحی، بیضه ها و قضیب آن ها برداشته شود.

بسیاری از مردان دچار نارضایتی جنسیتی، از وضع ناجور خود در رنجند. ابتلا به افسردگی در آنان شایع است و ویژگی های شخصیتی هم چون خودمدار بودن، پرتوقعی و توجه طلبی را از خود نشان می دهند. در برخی از پژوهش ها، عنوان شده است که تقریباً یک سوم این افراد ازدواج می کنند و نیمی از این ازدواج ها به طلاق می انجامد! هم چنین سابقه اقدام به خودکشی در تعداد قابل توجهی از آنان (تقریباً ۱۶ درصد) گزارش شده است. (۱) مردان دچار نارضایتی جنسیتی معمولاً از پزشک یا درمان گر خود انتظار دارند که اندام تناسلی و پستان های آن ها را به شکل زنان در آورد. از این رو، نخستین درخواست آنان از پزشکان، تجویز استروژن برای بزرگ شدن پستان هایشان است، و به دنبال این تقاضا، خواستار انجام عمل جراحی روی پستان ها، اخته کردن، قطع آلت تناسلی مردانه و حتی ایجاد یک اندام تناسلی زنانه می شوند. لازم به ذکر است که چنین تقاضاهایی را باید جدی گرفت؛ زیرا در اغلب موارد، طرح چنین درخواست هایی با توسل به تهدید و خودکشی و یا قطع عضو همراه است. بعضی از این بیماران اقدام به اخته کردن خود نموده و چنین وانمود می کنند که آسیب تصادفی بوده است. (۲)

گزارش یک مورد ترانس سکشوال مذکر

در زیر شرح حال مردی که به بیماری اختلال هویت جنسی مبتلا بود، می پردازیم:

این جانب خ. م متولد ۱۳۲۹ خلاصه فهرست وار جهت آگاهی از مشکل و

ص: ۸۲

۱- (۱) محمد رضا نیکخو؛ زندگی جنسی مردان، ص ۲۱۳-۲۱۹.

۲- (۲) همان.

بیماری ام را خدمتتان ارسال می دارم. اولین علایم روحی یا دو جنسی بودن و عدم تلفیق جسم و روح در سنین کودکی به گواهی مادر و اطرافیانم بدین صورت بروز کرده که با گچ و وسایل دیگر، صورت خود را آرایش کرده و لباس پسرانه را از تن بیرون می کردم و در خواست لباس دخترانه (دامن،....) تا سن ۱۷-۱۸ سالگی می کردم که فکر می کردم من تنها در دنیا دارای چنین وضعیت نابهنجاری هستم. روحیه ای کاملاً زنانه داشتم و جسمی مردانه و همیشه در آرزوی معجزه ای بودم که جسمم هم مانند روحم به یک زن تبدیل شود و تمام رؤیاهایم و خواسته هایم و رفتارهایم و سایر اعمال حسی و حرکتی و.... مثل یک زن بوده است. خانواده ام به این خاطر، چندین بار مرا به دکتر بردند. بعد از سنین بلوغ که اولین حس عاطفی (عاشق شدن) را تجربه کردم (نسبت به یک پسر همسایه). وی چند سال از من بزرگ تر بود که می دانستم این عشق ممنوع است. در سن ۱۴ سالگی بنا به اتفاق در یک بیمارستان با دکتری که مشکل بیماری مرا می دانست برخورد کردم که به من بفهماند من یک بیماری دو جنس روحی دارم و در چه وضعیتی هستم و باید از خودم مراقبت کنم و دنبال عمل تغییر جنسیت باشم و نباید بگذارم به خاطر یک سری ارضای مسایل عاطفی، جسمم را وسیله قرار بدهم، که بعد از مدتی دچار بیماری خاص انحراف جنسی خواهم شد و این خود برایم بزرگ ترین درس و شانس بود. بعدها در سن ۱۸ سالگی وارد شغلی شدم که آن ها نیز به رفتار غیر عادی و بیماری ام پی بردند که به مرکز بهداشت معرفی ام کردند. از آن زمان (سال ۵۴-۵۳) درمان من شروع شد که به خرج خودم و برای ادامه معالجات به خارج کشور فرستادند، ولی چون مسأله شرعی و عقیدتی این بیماری برایم مهم بود از چند مرجع سؤال کردم و آن ها با سؤال و جواب ها و آزمایشاتی، تکلیف یک زن را بر من واجب کردند، اما به خاطر مشکلات محیطی و خانوادگی و مالی در قبل از انقلاب نتوانستم تغییر جنسیت بدهم، ولی به حجاب در آمدم که این خود باعث شد پدرم به طور کلی مرا طرد کرده و مادرم به اجبار با من شروع به زندگی کرد. هم او

کار می کرد و هم من. بعد از انقلاب و از سال ۶۱-۱۳۶۰ ش، تا سال ۶۴-۱۳۶۳ ش. درگیر مشکلات محیطی بعد از انقلاب بودم و زجر می کشیدم. مرا از حجاب بیرون آوردند و چون از سال ۵۴-۵۵ بنا به پیشنهاد و تجویز پزشک معالج هورمون مصرف می کردم دوباره در لباس مردانه محصور بودم. در سال ۶۵-۱۳۶۴ ش. بنا به فتوای مرحوم حضرت امام خمینی دوباره به حجاب در آمدم و شروع به فعالیت اجتماعی در همین مورد نموده و چون می دانستم این جراحی در ایران موفقیت آمیز نیست و نیز از آن جایی که جراحی تغییر جنسیت برای اولین بار در تاریخ ایران رسماً و قانوناً حل شده بود، به یکی از کشورهای خارجی که در آن جا سابقه نیز داشتم رفته و در آن جا عمل کردم.

من یک پدیده و آفرینش ویژه هستم و با راهنمایی قرآن کریم (سوره طه، آیه ۵۰) دوباره ازدواج کرده ام. الان در لباس و حجاب زنانه هستم و تکلیفات واجب یک زن را رعایت می کنم و هیچ وقت در بدترین شرایط اجتماعی - خصوصی از وضعیت نابسامان خود پشیمان نبودم. (۱)

بند دوم - تراجنسیتی (ترانس سکشوال) مؤنث

اشاره

زن های ترانس سکشوال، پستان های خود را سفت می بندند، یا به ماستکتومی دو طرفه، هیستروکتومی، برداشتن تخمدان ها متوسل می شوند. برای ایجاد توده عضلانی مردانه و کلفت کردن صدا تستسترون مصرف می کنند، و به قصد ایجاد آلت تناسلی مردانه مصنوعی، تحت عمل جراحی قرار می گیرند. این اعمال ممکن است شخص را از جنس مقابل تفکیک ناپذیر سازد. (۲) زنان دچار این اختلال با آرزوی زندگی کردن به عنوان یک مرد اشتغال ذهنی پیدا می کنند. این اشتغال ذهنی ممکن است به صورت میل شدید برای ایفای نقش اجتماعی یک مرد یا به دست آوردن ظاهر جسمانی و جنسی مردانه از راه مصرف

ص: ۸۴

۱- (۱) دکتر علی رضا کاهانی؛ اختلال هویت جنسی، ص ۷۴-۷۵.

۲- (۲) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ص ۳۸۵.

هورمون های مردانه یا جراحی تغییر جنسیت، نشان داده شود. زنان دچار این اختلال، از این که توسط دیگران به عنوان یک زن در نظر گرفته شوند، یا اعمالشان در جامعه براساس جنسیت اصلی آن ها (یعنی همان زن بودن) تعبیر و تفسیر شود، بسیار ناخشنود می گردند.

دختران دچار «اختلال هویت جنسی» در مقابل انتظارات یا تلاش های والدین برای پوشیدن لباس ها یا سایر آرایش های زنانه، واکنش منفی شدیدی نشان می دهند. برخی ممکن است از رفتن به مدرسه یا شرکت در نشست های اجتماعی که مستلزم پوشیدن لباس دخترانه یا زنانه است، اجتناب کنند. آن ها پوشش و موی کوتاه پسرانه را ترجیح می دهند. اغلب از سوی غریبه ها به جای پسران اشتباه گرفته می شوند و ممکن است در خواست کنند تا آن ها را با یک نام پسرانه صدا بزنند. قهرمانان خیالی شان اغلب مردان ستر تن مانند حسین رضا زاده و یا قهرمانان فوتبال هم چون علی دایی هستند. آن ها علاقه ای به عروسک ها یا هر شکل از اسباب بازی با پوشش زنانه یا فعالیت های مربوط به ایفای نقش زنانه نشان نمی دهند.

دختران دچار این اختلال، ممکن است گاهی از ادرار کردن در وضعیت نشسته پرهیز کنند. احتمال دارد ادعا کنند که دارای آلت تناسلی مذکر هستند، یا این آلت در آن ها رشد خواهد کرد و بالاخره هم چون مردان خواهند شد. آن ها ممکن است خواهان عدم رشد پستان ها یا بروز قاعدگی باشند. این قبیل دختران معمولاً در ایفای نقش، رؤیاها و خیال پردازی هایشان، هویت جنسی مخالف را به شکل آشکاری نشان می دهند.

زنان بزرگسال که دچار اختلال هویت جنسی هستند، ممکن است به طور پنهانی وقت بسیار زیادی را برای مبدل پوشی و تلاش برای تبدیل ظاهر خود به شکل جنسی مخالف صرف کنند. این عده می کوشند تا در جمع، به صورت یک مرد ظاهر شوند. پریشانی یا آشفتگی روانی در مبتلایان به اختلال هویت جنسی، در سراسر دوره زندگی به گونه ای متفاوت ظاهر می شود. در کودکان به صورت ابراز ناخشنودی از جنسیت خویش جلوه گر

می شود و ممکن است به دلیل تمسخر یا فشار برای پوشیدن لباس دخترانه، از رفتن به مدرسه خود داری کنند. در نوجوانان و بزرگسالان، اشتغال ذهنی با آرزوهای اتخاذ هویت جنسی مردانه، اغلب با فعالیت های عادی تداخل می کند و موجب افت تحصیلی یا کارکرد شغلی و سرانجام موجب ابتلا به افسردگی و اضطراب می شود.

گزارش یک مورد ترانس سکشوال مؤنث

در زیر شرح حال خانمی حدود چهل ساله که به بیماری «اختلال هویت جنسی» مبتلا شده بود، می پردازیم:

این خانم در خانواده ای به دنیا آمد که با وجود کثرت اولاد، همه فرزندان دختر بوده و پدر و مادر دیوانه وار مشتاق داشتن فرزند پسری بودند. هنگام تولد او، پدر با دیدن نوزاد دختر دیگر، خانواده را ترک گفت و مادر نیز که در اشتیاق پسری بود نامی مردانه برای دخترش انتخاب کرد!

پدر پس از چندی که به خانه بازگشت، برای دخترش شناسنامه ای با نام دخترانه گرفت، در حالی که افراد خانواده دختر را به نام پسرانه ای صدا میزدند و به او البسه پسرانه می پوشانیدند و موی او را مانند پسران کوتاه کرده و وی را وادار به حرکاتی می کردند که از پسران سر می زد. تعلیم و تربیت غلط کار را به جایی رساند که از کودکی در محیط خانوادگی مشتاق فرزند مذکر، او خود را مانند پسری تصور کرده و برخواهران خود حکم روایی می کرد و اگر کسی به او دختر خطاب می کرد به شدت تنبیه می شد و به همین علت تحصیلات او در کلاس های ابتدایی متوقف ماند؛ زیرا مدارس پسرانه از ثبت نام او خودداری می نمودند و پدر و مادر که تازه به خطای خود پی برده بودند، به نصیحت کودک پرداخته و او را که در سنین ده سالگی بود وادار به پوشیدن لباس دخترانه و رفتن به مدرسه دخترانه نمودند، ولی وی که هنوز کودکی بیش نبود، حاضر به تغییر لباس و پوشیدن پوشش دخترانه نشد و حتی چندین بار به قصد خودکشی اقدام به غرق نمودن خود در استخر و رودخانه و پرتاب نمودن خود از پشت بام کرد. تشویقات و تنبیهاتی که به کار رفت، هیچ یک مؤثر واقع نشد. پزشکان نیز

از درمان وی درماندند و پدر و مادر به ناچار از فرستادن وی به مدرسه خودداری کردند و او جوانی بی تربیت و بی سواد با پوشش مردانه باقی ماند و برای پسر جلوه دادن خویش در اجتماع به اغوای دختران، که از راز او بی خبر بودند، پرداخت و چندین بار نیز اقدام به ربودن دختران با ماشین خود کرد و هر بار مقامات قضایی محل را در اتخاذ تصمیم دچار سرگردانی نمود و چون در ایران پزشکان قانونی با تغییر جنسیت او مخالفت نمودند، به عنوان گردش به اروپا رفت و در آن جا با عمل جراحی ترمیمی، تخمدان و رحم او را خارج کردند و با مسدود نمودن مهبل و ایجاد دستگاه تناسلی ظاهراً مردانه و تجویز هورمون های جنسی مذکر، او را روانه ایران نمودند. فقدان هورمون های جنسی زنانه به تدریج او را به زنی چروکیده تبدیل کرد؛ در حالی که هنوز در اوج جوانی بود و عدم کارآیی هورمون های مردانه نیز روز به روز آشکارتر شد. نویدی از دست یافتن به قوه مردی و پشیمانی از دست زدن به عمل جراحی به تدریج در او قوت گرفت و با از دست دادن پدر و مادر به مواد مخدر پناه برد و آرامش ناشی از استعمال افیون او را به تفکر در مورد گذشته و جوانی تباه شده خود واداشت و تازه در این هنگام بود که به فکر چاره جویی افتاد و لباس مردانه را از خود دور کرد و زنی کامل عیار شد، ولی افسوس که سپری شدن دوران جوانی و از همه بدتر فقدان دستگاه تناسلی زنانه و برداشتن تخمدان ها، دیگر آب رفته را به جوی باز نمی گرداند و او به صورت خانمی معتاد به مواد مخدر و فردی خنثی، به انتظار مرگ روز خود را می گذرانید، در حالی که ثروت و مکنت باقی مانده از پدر و مادر برای او مفید فایده ای نبود.

سرانجام به این جانب مراجعه نمود و اکنون به توصیه من کودک بی سرپرستی را به فرزندگی قبول کرده و مواد مخدر را ترک گفته و اوقات خود را صرف تربیت آن کودک می نماید و تنها عشق به آینده این کودک است که او را زنده نگه داشته است. (۱).

ص: ۸۷

بند اول: میزان بیماری تراجنسیتی در مقیاس جهانی

در مورد میزان شیوع این بیماری در مقیاس جهانی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. پروفیسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت، که حدود ۵۰۰ بیمار را در ایران تغییر جنسیت داده، می‌گوید:

«این بیماری روان دگر جنسی در تمام اجتماعات وجود دارد و تعداد بیماران ترانس سکس در کلیه آمارهای ممالک در حدود ۴ تا ۶ درصد هزار تولد می‌باشد و این تعداد به هیچ وجه به ملیت، نژاد، فرهنگ و تربیت گرا اجتماعی بستگی ندارد و در تمام دنیا این بیماران با همین نسبت وجود دارند.» (۱) دکتر کاپلان و سادوک معتقدند که در زمینه شیوع این بیماری، آمار دقیقی در دست نیست، اما به نظر می‌رسد در میان مردان شایع‌تر است، به طوری که در مردان یک در سی هزار و در زنان یک در صد هزار گزارش شده است. (۲)

دکتر صمد قضایی درباره آمار این بیماری می‌گوید:

«این بیماری نادر است. از هر یک صد هزار نفر مرد، یک نفر بدین عارضه مبتلا می‌شود، در صورتی که این نسبت در زنان بیمار، یک در برابر هر چهار صد هزار نفر می‌باشد.» (۳) طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، از هر یکصد هزار پسر و از هر چهار صد هزار زن در جهان یک نفر تغییر جنسیت می‌دهند و علاقه به تغییر جنسیت در پسران به مراتب بیش‌تر از دختران است. (۴)

ص: ۸۸

-
- ۱- (۱) بهرام میر جلالی، بیماری ترانسکسو الیته را بهتر بشناسیم (روان دگر جنسی)، یادداشت کوتاه ص ۱.
 - ۲- (۲) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پورافکاری، ص ۳۸۵؛ دکتر حمیدرضا عطار و مریم رسولیان، «تشخیص اولیه اختلال هویت جنسی، گزارش موردی»، فصلنامه اندیشه و رفتار، ش ۳ (زمستان ۸۲)، ص ۶.
 - ۳- (۳) صمد قضایی؛ پزشکی قانونی، ص ۵۶۸.
 - ۴- (۴) مقاله: «تغییر جنسیت، پدیده قرن ۲۱ در ایران و جهان»، سایت: (۲۸/۱۰/۲۰۰۵) www.persian-tools.com

forums htm

با توجه به مطالب فوق، اولاً- به دلایل مختلف در این باره، آمار دقیقی وجود ندارد؛ ثانیاً با توجه به آمار فوق و نیز بر اساس شواهد و قرائن دیگر، درصد این بیماری در مردان بیش از زنان است. به عبارت دیگر، تراجنسیتی مذکر که خواهان تبدیل شدن به جنس زن هستند، بیش از تراجنسیتی مؤنث است که خواهان تبدیل شدن به جنس مرد می باشند. از این رو، دکتر علی رضا کاهانی، متخصص پزشکی قانونی می گوید:

«نمونه های کلینکی نشان داده اند که میزان پسران دچار اختلال هویت جنسی نسبت به دختران، در حدود ۱:۷ (هفت پسر در مقابل یک دختر) است.»^(۱) دکتر عبدالرسول مهرسای که تاکنون مواردی از این افراد را عمل کرده است، در این باره می گوید:

«من بیش از ۱۰ تا ۱۵ جراحی انجام داده ام که فقط یک مورد از آن ها دختر به پسر بوده است و بقیه پسر به دختر. معمولاً این افراد قبل از عمل بسیار ناراحت و غمگین هستند و دعا می کنند در حالت فکری، روانی مورد علاقه شان باشند و شدیداً التماس می کنند که ما را از این وضعیت نجات دهید، و گرنه دست به خودکشی می زنیم.»^(۲)

بند دوم: میزان بیماری تراجنسیتی در ایران

در ایران نیز همانند سایر نقاط جهان آمار دقیقی در مورد بیماری تراجنسیتی وجود ندارد؛ چون مکانیسم دقیقی برای شمارش این بیماران طراحی نشده است و همه این بیماران به مراکز درمانی مراجعه نمی کنند، بلکه فقط برخی از این بیماران جهت معالجه مراجعه می کنند. تعداد مراجعین به پزشکی قانونی، جهت کسب مجوز تغییر جنسیت، از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۰ حدود ۲۷۰ نفر بوده اند، که از این تعداد، ۲۰۰ نفر مرد و ۷۰ نفر زن بوده اند که در نمودار زیر ملاحظه می کنید:

ص: ۸۹

۱- (۱) علی رضا کاهانی، اختلاف هویت جنسی، دگر جنسیت جوها، ص ۴۶.

۲- (۲) احمد جلالی فراهانی، «مهرداد می خواهد شیدا شود»، روزنامه ایران، ۱۳۸۳/۱/۱۸.

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: در حال حاضر به طور متوسط روزانه سه نفر بیمار دارای اختلال هویت جنسی (TS) به بهزیستی برای درمان و تغییر جنسیت مراجعه می کنند. محمدرضا خباز در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با بیان این مطلب افزود: هم اکنون از هر صد هزار نفر ۴ تا ۶ نفر دچار اختلال هویت جنسی هستند و با توجه به این که «اختلال هویت جنسی» یک نوع بیماری محسوب می شود، بنابراین، برای رفع مشکل و بیماری این افراد مانند بیماری های دیگر، باید اقدامات لازم از سوی مسئولین و هم چنین خانواده های آن ها فراهم شود.

وی با اشاره به این که نقش اصلی در درمان این بیماری بر عهده خانواده ها است، خاطر نشان کرد: خانواده ها نباید با این بیماران مقابله و یا مبارزه کنند. ۷۵ درصد از بیماران دارای «اختلال هویت جنسی» به خانواده ها مربوط می شود و چنان چه این افراد از سوی خانواده های خود طرد شوند، مشکلات و آسیب های بسیاری، گریبان گیر آن ها خواهد شد. از سوی سازمان بهزیستی برای درمان بیماران دارای اختلال هویت جنسی در سال ۱۳۸۴ ش. برنامه ریزی و سیاست های لازم در نظر گرفته شده است و هم چنین ۲۰ میلیون تومان به این امر اختصاص یافته است. اعتبارات اختصاص یافته با توجه به تعداد مراجعین و افراد بیمار موجود در کشور، کافی نیست و نمی توان تمام این بیماران را مداوا کرد. بنابراین، در تلاش هستیم تا در سال ۱۳۸۵ ش. اعتبارات بیش تری به این امر اختصاص دهیم. (۱)

ص: ۹۰

بیماری تراجنسیتی (ناراضیان جنسی) پیچیده تر از آن است که به سادگی بتوان در مورد درمان و یا لافل کاهش عوارضی و ناراحتی های آن سخن گفت: گروه های مختلفی از پزشکان و متخصصان با این نوع بیماری گریبان گیر بوده اند. پزشکی قانونی برای تأیید بیماری اختلال هویت جنسی (TS) روزانه با پرونده هایی از این دست رو به رو هستند. برخی از «پزشکان غدد و هورمون» از طریق هورمون درمانی، به معالجه آنان پرداخته اند و عده ای از روان پزشکان از طریق معالجات روانی و راه کارهای ویژه خود، تلاش قابل تحسینی انجام داده اند، و در نهایت پزشکان جراح تغییر جنسیت، با عمل جراحی برخی از این بیماران، به کاهش آلام مبتلایان به بیماری تراجنسیتی کمک کرده اند.

اما پرسش اساسی این است که واقعاً چه راهی برای درمان این گروه از بیماران وجود دارد و اساساً چه موقع باید برای این گونه بیماران عمل جراحی تغییر جنسیت توصیه نمود، تا پشیمانی در پی نداشته باشد؟ عمل جراحی تغییر جنسیت دارای عوارض و هزینه های فراوانی است و در مواردی برخی افراد، پس از تغییر جنسیت از کرده خویش پشیمان هستند و خواهان بازگشت به جنسیت سابق خویش می باشند، دکتر کاپلان معتقد است حدود ۷۰ درصد مردها و ۸۰ درصد زن هایی که تحت درمان با جراحی قرار می گیرند، احساس رضایت می کنند. خودکشی در کسانی که تحت عمل جراحی برای تغییر جنس قرار گرفته اند تا ۲ درصد گزارش شده است. عمل جراحی برای تغییر جنس دادن، روشی بحث انگیز است که باید مورد مذاقه مستمر قرار گیرد. (۱) برخی گزارش ها و تحقیقات پزشکی نشان می دهد در مواردی «درمان غیر هورمونی و غیر جراحی» در بیماران اختلال هویت جنسی مؤثر می باشد و باعث تثبیت هویت جنسی مشابه با ساختار ژنتیکی و جسمی آن ها می گردد. اختلال هویت جنسی طی گذشت زمان شدت و ضعف پیدا می کند و این شدت و ضعف متأخر از آسیب شناسی روانی همراه و در پاسخ به تجربیات جنسی و حوادث زندگی تغییر می یابد. حتی

ص: ۹۱

گزارش‌هایی از بهبودی خود به خود در بالغین مبتلا به اختلال هویت جنسی ذکر شده است. می‌توان با روش‌های درمانی ذکر شده به تخفیف علائم، حصول بهبودی و نیز درمان آسیب‌های روانی کمک کرد.^(۱) گاهی بیمارانی با تظاهر به اختلال هویت جنسی مراجعه می‌کنند که در واقع موارد هم‌جنس‌گرا و یا دگروپوشی یادگار خواهانه می‌باشند که انجام روان‌درمانی به تشخیص بهتر اختلال و نیز درمان آن‌ها منجر خواهد شد و توصیه به عمل جراحی تغییر جنسیت در این موارد تشخیصی، یک تصمیم نادرست می‌باشد.^(۲) بنابراین، این پیشنهاد لازم به نظر می‌رسد که در مورد بیماران هویت جنسی چه نوجوان، چه بزرگسال از تصمیم زود هنگام به ویژه در مورد انجام جراحی تغییر جنسیت پرهیز شود. قبل از آن که راه حل جراحی مدنظر قرار گیرد، یک «دوره روان‌درمانی» یک ساله انجام شود و نیز یک «دوره آزمون زندگی» واقعی هم انجام گیرد و بیمار حداقل ۱۸ سال سن داشته باشد. لازم به ذکر است که افزودن «درمان دارویی» به منظور کاهش میل جنسی و تضعیف مقاومت بیمار در برابر اجرای دستورات درمانی بسیار مفید است. مخصوصاً در افرادی که تجربه جنسی مکرر داشته‌اند، میزان همکاری درمانی تا قبل از تجویز دارو، بسیار ضعیف بود و با تجویز نورو لپتیک، توانمندی انجام دستورات و ادامه همکاری بسیار چشم‌گیر شد.

دکتر فرامرز گودرزی، متخصص پزشکی قانونی، در مورد زمان توصیه به تغییر جنسیت و انجام عمل جراحی معتقد است که تشخیص فوق‌وقتی داده می‌شود که این آشفتگی اقلأً به مدت دو سال ادامه داشته باشد و محدود به دوره استرس نباشد و علت آن اختلال روانی دیگری مانند اسکیزوفرنیا نبوده باشد و یا توأم با نابهنجاری‌های

ص: ۹۲

۱- (۱) . Mars I, Green R, Matrix – cols D. Adult gender identity disorder can remit, p . - به نقل از: علی رض - اظه - یرالدین و دی - گران؛ «روان‌درم - انی موفقیت‌آمیز - ز چه - ار مورد اختلال هویت جنسی»، مجله پزشکی قانونی، ش ۳۷ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۳۹-۴۰.

۲- (۲) . Meyenburg B. Gender , Identity disorder in adolescence: out come of . psychotherapy , p - به نقل از: علی رضا ظهیر الدین و دیگران؛ پیشین، ص ۴۰.

کالبد شناسی جنسی یا ژنتیک نیز نباشد. چنین اشخاصی معمولاً از پوشیدن لباس مخصوص جنس آناتومیکی خود ناراحت هستند و بارها این ناراحتی، منجر به پوشیدن لباس جنس مخالف می شود و غالباً به فعالیت های مربوط به جنس مقابل دست می زنند. در مردان ممکن است به طور اولیه (آغاز در جنین اولیه و باقی ماندن در تمام طول زندگی) یا ثانویه (شروع بعد از کودکی در مراحل بعدی زندگی) باشد. این اختلال در زنانی دیده می شود که از اوان کودکی خود را به صورت جنس مذکر دیده و زندگی زنانه نداشته اند.^(۱)

دکتر کاپلان بر «درمان هورمونی» تأکید بیش تری دارد. البته وی معالجات روانی را نفی نمی کند، ولی به اعتقاد او «درمان هورمونی» تأثیر بیش تر و زودتری در معالجه «ترانس سکشوال» یا «اختلال هویت جنسی» دارد. وی معتقد است که به جای جراحی می توان هورمون درمانی کرد. مردهای بیولوژیک از استروژن، و زن های بیولوژیک از تستسترون استفاده می کنند. بیمارانی که استروژن مصرف می کنند، براساس احساس آرامش، دفعات کم تر نعوظ، و تظاهرات معدودتر انگیزه جنسی نسبت به قبل از درمان با هورمون، رضایت روان شناختی فوری گزارش می کنند. سترونی تازه آن ها موجب نگرانشان نمی گردد. پس از چند ماه، انحناهای بدن گودتر می گردند. بزرگی محدود اما راضی کننده در پستان ظاهر می شود و حجم بیضه ها کاهش می یابد. کیفیت صدا تغییر نمی یابد. این بیماران نیاز دارند که از نظر فشار خون، هیپرگلیسمی، اختلال کنشی جنسی و پدیده های ترومبوآمبولیک تحت مراقبت قرار گیرند.^(۲) زن هایی که آندروژن مصرف می کنند، به سرعت متوجه افزایش انگیزه جنسی، بزرگ شدن و سرزنش ناحیه کلیتوریس، و پس از چند ماه قطع قاعدگی و خشونت صدای خود می گردند. اگر اقدام به وزنه برداری شود، بزودی افزایش حجم عضلات مشاهده می شود. بسته به نحوه توزیع قبلی موها، بیماران ممکن است افزایش متوسط در

ص: ۹۳

۱- (۱) فرامرز گودرزی؛ پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۲۹۳-۱۲۹۴.

۲- (۲) کاپلان هارولد، سادوک بنیامین؛ خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پور افکاری، ص ۳۹۰.

مقدار و میزان زبری موهای صورت و بدن پیدا کنند. در بعضی طاسی ناحیه پیشانی پدید می آید. پدیده های تروموآمبولیک، اختلال کار کبد و افزایش کلسترول و تری گلیسیرید امکان پذیر است. (۱) حتی پزشکان جراح تغییر جنسیت، بر پرهیز از عجله در عمل جراحی تأکید دارند. به اعتقاد آنان، روان کاوی و روان درمانی بر جراحی تغییر جنسیت مقدم است. معالجات روانی، اگر مؤثر واقع شود، هزینه و عوارض بسیار کم تری دارد و در نهایت بیمار تراجنسیتی، ممکن است جنسیت فعلی خویش را بپذیرد و از حالت «عدم تطابق جنسی» خارج گردد. پروفیسور بهرام میر جلالی، جراح تغییر جنسیت در تأکید مطلب فوق می گوید:

می بایست بیماران مشکوک به مبتلا بودن به این بیماری را طی دوره های متعدد، روان کاوی و روان درمانی قرار داده، تا در صورت امکان، درمان روانی گردند و جسم خود را بپذیرند، و در صورت عدم موفقیت این دوره درمانی، تشخیص ترانس سکسوالیته [اختلال هویت جنسی] آنان مستعجل گردیده، لذا می بایست از طریق روان پزشکان برای عمل جراحی به جراحان سپرده گردند تا جسم آن ها تا حدی تبدیل به خواسته روان آن ها گردد. (۲)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

با توجه به مطالب پیش گفته می توان گفت: اصولاً در علم پزشکی برای درمان اختلال هویت جنسی از نوع تراجنسیتی، به ترتیب یکی از سه روش زیر مدنظر است:

روش اول - روان درمانی: بیماری تراجنسیتی (ناراضیان جنسی) یک بیماری روحی و روانی است و شخص دچار عدم تطابق جنسی است. اعتقاد او به جنسیت خویش، بر خلاف ظاهر جسمی او است. بنابراین، در وهله اول، بایستی معالجات روان درمانی انجام پذیرد. هدف از این معالجه، پذیرش جنسیت ظاهری از سوی شخص بیمار

ص: ۹۴

۱- (۱) همان، ص ۳۹۰.

۲- (۲) بهرام میر جلالی؛ بیماری ترانس سکسوالیته را بیش تر بشناسیم (روان دگر جنسی)، (یادداشت کوتاه)، ص ۲.

است. به اعتقاد برخی روان شناسان، این نوع بیماری، از پیچیده ترین بیماری های روحی محسوب می شود. از این رو، در صد موفقیت این نوع معالجات نسبت به بیماران اختلال هویت جنسی، بسیار کم است. بنابراین، روش های دیگر مورد توجه قرار می گیرد.

روش دوم - هورمون درمانی: این روش به صورت مستقل و یا به صورت روش تکمیلی در کنار روش اول و روش سوم مورد توجه قرار می گیرد. پزشکان با تقویت هورمون جنسیتی که علائم آن در بدن شخص ظاهر است، تلاش می کنند که بین بدن و روان او توافق و هماهنگی ایجاد نمایند. علاوه بر این، این روش می تواند در تمیز غالبیت جنسیتی بر جنسیت دیگر در دو جنسی (خنثای بدنی) نیز استفاده شود؛ زیرا در دو جنسی نیز قبل از برداشت علائم یکی از دو جنسیت، باید برای پزشک جراح، اثبات شود که بقای علائم کدام جنسیت برای شخص مناسب تر و مفیدتر است و هورمون درمانی می تواند در تشخیص جنسیت مناسب به جراح کمک نماید. (1) روش سوم - انجام جراحی تغییر جنسیت: در این روش شخص به جنسیتی ملحق می شود که در نتیجه آزمایشات برای پزشک متخصص، هماهنگی و توافق آن نسبت به بدن و روان شخص بیش تر است. در نتیجه، در این روش علائم جنسی بدنی ترا جنسیتی (ترانس سکشوال) برداشته می شود و برای او علائم مصنوعی جنسیتی درست می شود که او به آن جنسیت ملحق شده است.

ضمناً انجام جراحی تغییر جنسیت در دو جنسی ها نیز مورد توجه پزشکان جراح است. در این حالت، ممیزی یکی از دو جنس نامناسب نسبت به وضع و تمایلات روانی شخص برداشته می شود و علائم بدنی جنسیت مناسب جایگزین می گردد.

ص: ۹۵

مبحث اول: اهمیت و طرح بحث

بسیاری از احکام فقهی و حقوقی متناسب با جنس مرد یا زن است. به عبارت دیگر، برخی احکام و مسایل، ویژه مردان است و مسایل دیگری ویژه زنان. مانند: ارث، حجاب، نفقه، ولایت و سرپرستی. ولی وضعیت جنسیت دو جنسی ها (خنثی ها) در هاله ای از ابهام است. آیا این گروه، وظایف و تکالیف شرعی و نیز نقش اجتماعی خویش را به عنوان «زن» ایفا کنند، یا به عنوان «مرد»؟ بنابراین، تعیین جنسیت در مورد دو جنسی ها از اهمیت زیادی برخوردار است. توضیح این نکته ضروری است که واژه «خنثی» در ادبیات عرب، فقه و روایات اسلامی به کار می رود، ولی در زبان فارسی از آن به «دو جنسی» یا «نر ماده»^(۱) یاد می شود، و در زبان انگلیسی و علم پزشکی به «هرمافروdit»^(۲) شناخته می شود.

در هر حال، «ابهام جنسی» یکی از مسایل مهم فقه و دانش پزشکی است. تشخیص

ص: ۹۷

۱- (۱) علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷؛ حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱.

۲- (۲) .Hermafrodit.

به موقع عارضه، و تصمیم گیری سریع برای درمان و تبدیل دو جنسی ها (خنثی) به جنسیت مناسب، در پیش گیری از بسیاری از عوارض، از جمله عوارض روانی، اثر بسزایی روی دو جنسی و خانواده وی خواهد داشت.

با این وجود، طرح مباحث دو جنسی ها، بدین معنا نیست در جامعه، عدد کسانی که به این بیماری مبتلا هستند زیاد است. هر چند تعداد آنان کم است، ولی لازم است وضعیت فقهی و حقوقی آنان روشن شود.

مبحث دوم: علت بروز دو جنسیتی (خنثی)

بار ژنتیکی در داخل سلول های انسان و بسیاری از موجودات زنده، به صورت رشته هایی که کروموزم (۱) نامیده می شوند حضور دارد. انسان دارای ۴۶ کروموزم است. کروموزم ها دو نوع هستند: کروموزم های جنسی (۲) و کروموزم های غیر جنسی که اصطلاحاً کروموزم های آتوزم (۳) نامیده می شوند.

کروموزم های غیر جنسی در واقع تعیین کننده اکثر خصوصیات هر دو جنس هستند که میان آن ها مشترک است، ولی کروموزم های جنسی، صفات ویژه هر جنس را تعیین می کنند.

در انسان، در جنس مؤنث دو کروموزم جنسی یکسان هستند (XX)، اما در مرد یک کروموزم جنسی همانند زن است (کروموزم X) و کروموزم دیگر که کوچک تر است و در خانم ها یافت نمی شود و اصطلاحاً کروموزم Y نامیده می شود؛ یعنی تابلوی کروموزم های جنسی مرد (XY) است. صفات خاص هر جنس شامل خصوصیات بدنی و فیزیولوژیک ویژه آن جنس با کروموزم های جنسی آن جنس مرتبط است و نیز اختلال در کروموزم های جنسی، سبب اختلال های خاص هر جنس می شود. (۴) به طور کلی، تعیین جنسیت یک جنین به لقاح اوول زن (تخمک) که حامل

ص: ۹۸

۱- (۱) .Chromosome

۲- (۲) .Sex chromosome

۳- (۳) .Autosome

۴- (۴) نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد، اسلام و فمینیسم (مجموعه مقالات)، ج ۱، ص ۲۷۲-

کروموزوم XX است با اسپرم مرد که حامل کروموزوم X و Y است، بستگی دارد. از ترکیب کروموزوم X و X، جنین مؤنث، و از ترکیب کروموزوم X و Y، جنین مذکر پدید می آید؛ اما این بدان معنا نیست که همیشه ترکیب اسپرم حامل کروموزوم X با تخمک زن، منجر به تشکیل جنین مؤنث و از آن Y باعث جنین مذکر گردد؛ چرا که در یک گناد اندیفرانسیه جنین در حال رشد (هفته ۷-۱۴) هم مجرای «وُلَف» (۱) و هم کانال «مولر» (۲) وجود دارد. رشد مجرای مولر، جنین را به سمت مؤنث شدن، و در صورت رشد مجرای وُلَف و رویش مجرای مولر، جنین به سمت مذکر شدن سوق پیدا می کند. بنابراین، وضعیت کروموزومی XX (مؤنث) و XY (مذکر) زمانی تعیین کننده جنسیت خواهد بود که اختلالی در رشد طبیعی مجرای مولر در جنین مؤنث و وُلَف در جنین مذکر به وجود نیاید. هرگونه اختلال در این روند تکاملی، جنین را به سمت «دو جنسی شدن» یا «هرمافرودیسم» سوق خواهد داد. (۳) به عبارت دیگر، هرمافرودیسم به تمام حالاتی اطلاق می شود که در آن ها پدیده های عضوی غیر طبیعی ناشی از اختلال عمل تمایز یافتن دو جنس وجود داشته باشد. (۴)

مبحث سوم: خنثی در لغت

اشاره

خنثی در اصل لغوی از واژه «خَنَث» به معنای: لین، نرمی و ملایمت اخذ شده است و جمع آن خَنَاثی و خِنَاث است. (۵) خنثی گاه به معنای: شبیه بودن و تمایل داشتن به چیزی آمده است. در لغت چنین گفته شده است:

خَنَثَ الرَّجُلُ كَلَامَهُ: إِذَا شَبَّهَهُ بِكَلَامِ النِّسَاءِ لِينًا وَرُخَامَةً؛ (۶)

ص: ۹۹

۱- (۱) .Wolff

۲- (۲) .Muller

۳- (۳) محمد حسن زاده نظرآبادی، «هرمافرودیسم حقیقی (دو جنسی)»، مجموعه مقالات سمینار دیدگاه های اسلام در

پزشکی، به کوشش سید حسین فتاحی معصوم، ج ۲، ص ۷۳-۷۴.

۴- (۴) صمد قضایی، پزشکی قانونی، ص ۵۶۱.

۵- (۵) شریف علی بن محمد جرجانی، التعریفات، ص ۴۵.

۶- (۶) سعدی ابوجیب، القاموس الفقہی لغه و اصطلاحاً، ص ۱۲۴.

وقتی گفته می شود: مرد کلامش را خنثی کرد، منظور این است که سخن خویش را شبیه زنان نرم و آهسته نموده است.

ابن عباس، چنین می گوید:

لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): الْمُخَنَّثِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ الْمُتَرَجِّلِينَ مِنَ النِّسَاءِ؛(۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، مردی که خودش را شبیه زنان در آورد، و زنی که خویش را شبیه مردان در آورد، لعنت کرده است.

خنثی در معنای مجازی آن در زبان فارسی، و شاید در زبان عربی، در مورد کسی یا چیزی به کار می رود که خصوصیت نوع خود را به طور آشکار یا فعال ندارد. به عبارت دیگر، با حالتی بدون علاقه به طرفین امری، یا بی تفاوت گاه گفته می شود: فلانی طوری خنثی رفتار می کند که هیچ کس متوجه تمایلاتش نمی شود.(۲) نقش دوگانه خنثی، یا رفتار بی طرفانه خنثی، گاه در اشعار فارسی به کار می رود، که در زیر به چند نمونه اشاره می شود:

هم چو خنثی مباش نر ماده یا همه سوز باش یا همه ساز

(سنایی)

او دو آلت دارد و خنثی بود فعل هر دو بی گمان پیدا شود

(مولوی)

لاف مردی زنی و زن باشی هم چو خنثی مباش نر و ماده

(سعدی)(۳)

به تناسب همین معنایی که در لغت برای واژه «خنثی» وجود دارد، در فقه نیز از آن استفاده شده است. بنابراین، معنای خنثی در اصطلاح فقه، به معنای لغوی آن نزدیک است. خنثی در فقه به کسی می گویند که نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، بلکه به هر

ص: ۱۰۰

۱- (۱) همان، ص ۱۲۴.

۲- (۲) حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱.

۳- (۳) حسن انوری، فرهنگ سخن، ج ۴، ص ۲۸۳۱؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

دو تمایل دارد، و شاید اساساً به هیچ یک از دو گروه تمایل نداشته باشد. در توضیح معنای فقهی خنثی نکات زیر بیان می شود:

گفتار اول: معنای مشهور خنثی

در معنای مشهور فقهی، خنثی کسی است که هم آلت مردانه و هم آلت زنانه، هر دو را دارد. (۱) صاحب «معجم اصطلاحات فقهی» می گوید:

خنثی کسی است که در جسم خویش، مذکر بودن و مؤنث بودن را دارا می باشد. (۲) وی در توضیح بیش تر درباره خنثی می گوید:

در علم گیاه شناسی، خنثی عبارت است از گلی که اعضای مذکر و مؤنث را در بردارد، و در بیش تر موارد، این اصطلاح به شخص - خواه مرد یا زن - گفته می شود که صفات جنس مخالف را دارا است و از این رو، به او خنثای کاذب گفته می شود. (۳) معنای فوق، از سوی بسیاری از فقیهان اسلامی بیان شده است. از نظر آنان، «خنثی» یا «دو جنسی» کسی است که هر دو آلت مردانه و زنانه را دارد. فخرالمحققین در تعریف خنثی می گوید:

الخنثی و هو مَنْ لَهُ فَرْجَان؛ (۴)

خنثی کسی است که دارای دو آلت [مردانه و زنانه] است.

ص: ۱۰۱

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲؛ محمدحسین مختاری و علی اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۷۷.

۲- (۲) جرجس جرجس، معجم المصطلحات الفقهیه و القانونیه، ص ۱۵۴: «الخنثی مَنْ يَجْمَعُ فِي تَكْوِينِهِ الْجَسَدَ بَيْنَ الذُّكُورِ وَ الْأُنْثَى».

۳- (۳) همان، ص ۱۵۴: «وفي علم النبات، الخنثی هی زهرة تحمل اعضاء الذکوره والانوثة، واکثر ما تطلق هذه العبارة علی الشخص، أکان اثنی او ذکراً، الذی یحمل صفات جنسیه ظاهره من الجنس الاخر وهذا ما یسمى بالخنوثة الکاذبه».

۴- (۴) فخر المحققین، تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ص ۱۷۷.

عَلَّامه حَلِّي می گوید:

الخنثی مَنْ له فرج الرجال و النساء؛^(۱)

خنثی کسی است که برای او آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد.

امام خمینی در تحریر الوسيله می گوید:

الخنثی، بِأَن كان له فرج الرجال و النساء؛^(۲)

خنثی، به این معنا که برای شخص آلت تناسلی مردان و زنان وجود دارد

از نظر این عده از لغوی ها و فقیهان اسلامی، اساساً کسی که هیچ کدام از آلت تناسلی مردانه و زنانه را ندارد، داخل در تعریف «خنثی» نیست، بلکه به چنین فرد اصطلاحاً «ممسوح» می گویند.^(۳)

گفتار دوم: معنای غیر مشهور درباره خنثی

اشاره

گاه در معنای خنثی گفته می شود: خنثی کسی است که یا دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه است، و یا اساساً فاقد آلت تناسلی مردانه و زنانه است (ممسوح).

این معنا، از سوی برخی لغوی ها و عده ای از فقیهان اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. لغت نامه دهخدا می گوید:

خنثی آن کسی است که هر دو اندام را دارد، و یا آن که هیچ یک از دو اندام را ندارد؛ نه مرد و نه زن.^(۴) نیز در تعریف خنثی گفته شده است:

خنثی، کسی است که [هر دو] آلت مردانگی و زنانگی در او هست؛ یا کسی که از سوراخی ادرار می کند، و آلت مرد و زن را ندارد.^(۵)

ص: ۱۰۲

۱- (۱) علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، ج ۲، ص ۱۷۴.

۲- (۲) امام خمینی، تحریر الوسيله، ج ۲، ص ۳۹۹، کتاب الارث.

۳- (۳) محمد حسین مختاری و علی اصغر مرادی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۱۷۸.

۴- (۴) علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

۵- (۵) دڪٽر سيد محمد حسيني، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهي، ص ۲۰۸.

شریف جرجانی در این باره می گوید:

خنثی در شریعت اسلام به کسی گفته می شود که دارای هر دو آلت مردانه و زنانه است، یا این که اساساً هیچ کدام از دو آلت مردانه و زنانه را ندارد. (۱) آیت الله محمد صدر در تعریف خنثی می گوید:

همانا خنثی، انسانی است که دو آلت مردانه و زنانه را در وجود خویش جمع کرده، یا این که دو آلت در او مفقود است. (۲)

نظریه مختار

به نظر می رسد که تعریف دوم، در مورد واژه «خنثی» - هر چند مشهور نیست - بهتر و دقیق تر از معنای اول - هر چند مشهور است - باشد. به عبارت دیگر، خنثی از نظر لغت و فقه دارای دو مصداق است: مصداق اول، کسانی اند که دارای هر دو آلت مردانه و زنانه هستند؛ مصداق دوم، کسانی اند که اصلاً هیچ کدام از دو آلت را ندارند، که به این عده اخیر، «ممسوح» نیز گفته می شود.

از آن جایی که در فقه، احکام شرعی ویژه افراد ممسوح با افراد خنثی (دو جنسی ها) تفاوتی ندارد، بنابراین، در یک تعریف کلی، خنثی شامل هر دو مصداق می شود. مضافاً به این که مشکل تعیین جنسیت، در هر دو گروه وجود دارد.

مبحث چهارم: تاریخچه خنثی ها (دو جنسی ها)

اشاره

از گذشته تا کنون، خنثی ها (دو جنسی ها) در تمام جوامع یافت می شده است. این امر، پدیده جدیدی نیست که بشر امروزی آن را کشف کرده باشد. به عبارت دیگر، می توان گفت از گذشته بسیار دور و تقریباً از زمانی که انسان پا به گره زمین نهاده

است، افراد خنثی نیز کم و بیش وجود داشته اند. مؤید این مسأله، برخی روایات اسلامی

ص: ۱۰۳

۱- (۱) شریف علی بن محمد جرجانی، التعریفات، حرف خاء، واژه خنثی؛ سعدی ابوجیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً، ص ۱۲۴: «الخنثی فی الشریعه شخص له آلتا الرجال و النساء اولیس له شیء منها اصلاً».

۲- (۲) محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۴: «انّ الخنثی هو الانسان الذی یجمع بین عورتی الرجل و المرأه، او تنعدم لدیه کلتا العورتین».

است که در مورد خنثی‌ها (دو جنسی‌ها) می‌باشد. فقه اسلامی که سابقه‌ای بیش از هزار سال دارد همواره در مورد مسایل فقهی این گروه سخن گفته است، مانند: ارث، ازدواج، حجاب، نماز و....

در ذیل به یک واقعه تاریخی در مورد یک دو جنسی که در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اتفاق افتاده است اشاره می‌کنیم:

شُرّیح قاضی در حالی که در مجلس قضاوت حضور داشت، ناگهان زنی وارد شد و گفت: ای قاضی! میان من و دشمنم قضاوت کن.

شریح به آن زن گفت: دشمنت کیست؟

زن گفت: تو هستی.

شریح گفت: راهش دهید.

او را راه دادند و او وارد مجلس شد.

سپس قاضی به او گفت: شکایت چیست؟

گفت: من، هم آن چه را مردان دارند دارم و هم آن چه را زنان دارند.

شریح گفت: امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بر اساس مجرای ادرار قضاوت می‌کند.

وی گفت: من از هر دو مجرا ادرار می‌کنم و از هر دو با هم قطع می‌شود.

شریح گفت: به خداوند سوگند! من چیزی شگفت‌انگیزتر از این نشنیدم.

زن گفت: شگفت‌انگیزتر از این هم است.

شریح گفت: آن چیست؟

گفت: شوهرم بامن آمیزش کرد و من از او بچه آوردم و نیز من با کنیزم آمیزش کردم و او از من بچه آورد!

شریح - با شنیدن این خبر - در حالی که بشدت شگفت زده بود، دست بر دست زد.

آن گاه امیرمؤمنان (علیه السلام) آمد و شریح گفت: ای امیر مؤمنان! بر من چیزی وارد شده که شگفت‌آورتر از آن را نشنیدم.

سپس داستان آن زن را حکایت کرد. آن گاه امیرمؤمنان (علیه السلام) در این باره، از آن زن پرسید.

او، در پاسخ گفت: قضیه از همین قرار است.

ص: ۱۰۴

امیر مؤمنان(علیه السلام) به او فرمود: شوهرت کیست؟

گفت: فلانی.

امام کسی را به دنبال او فرستاد و او را فراخواند و فرمود: آیا این زن را می شناسی؟

او گفت: بله، او همسر من است.

آن گاه از وی، درباره آن چه آن زن گفته بود پرسید.

مرد گفت: قضیه همین طور است.

امیر مؤمنان(علیه السلام) به وی فرمود: تو شجاع تر از کسی هستی که بر شیر سوار می شود؛ زیرا با این وضعیت به وی نزدیک می شوی.

آن گاه امیر مؤمنان(علیه السلام) فرمود: ای قنبر! این زن را به همراه یک زن دیگر به داخل خانه ای ببر تا دنده های او را بشمارد.

شوهر زن گفت: ای امیر مؤمنان! من نه مردی را نسبت به وی امین می دانم و نه زنی را.

امیر مؤمنان(علیه السلام) فرمود: دینارِ خواجه - که از صالحان کوفه و مورد اعتماد بود - را نزد من بیاورید.

آن حضرت فرمود: ای دینار! به همراه این زن، وارد خانه ای شو و او را برهنه کن و به وی دستور بده که لنگی بر خود بیند و دنده های او را بشمار.

دینار این کار را انجام داد و شمار دنده های او را در سمت راست هفده و در سمت چپ هجده تا بود. از این روی، امیر مؤمنان(علیه السلام) لباس، کلاه و کفش مردانه بر تن او کرد و ردایی بر شانه او انداخت و او را جزء مردان به حساب آورد.

شوهر زن گفت: یا امیر مؤمنان! او دختر عمویم است و از من بچه دارد و در این حال، شما او را جزء مردان به شمار می آورید؟

حضرت فرمود: من درباره او حکم خدا را صادر کردم؛ زیرا خدای بزرگ حوا را از پهلوی آدم آفرید و از این روی شمار دنده های مردان ناقص و دنده های

زنان کامل است. (۱)

١- (١) شيخ حر عاملي، وسائل الشيعه، ج ١٧، ص ٥٧٦، ابواب ميراث الخثى، باب ٢، حديث ٥: «إن شريحا القاضى بينما هو فى مجلس القضاء إذا أته امرأه فقالت: أيها القاضى اقض بينى وبين خصمى، فقال لها: ومن خصمك؟ قالت: أنت، قال: افرجوا لها، فدخلت. فقال لها: ما ظلامتك؟ فقالت: إن لى ما للرجال و ما للنساء، قال شريح: فإن اميرالمؤمنين عليه السلام يقضى على المبال، قالت: فإنى أبول بهما جميعاً و يسكنان معاً، قال شريح: و الله ما سمعت بأعجب من هذا، قالت: و أعجب من هذا، قال: و ما هو؟ قالت: جامعنى زوجى فولدتُ منه، و جامعت جاريتى فولدتُ منى. فضرب شريح إحدى يديه على الأخرى متعجباً! ثم جاء إلى اميرالمؤمنين عليه السلام فقال: يا اميرالمؤمنين لقد ورد علىّ شئ ما سمعت بأعجب منه، ثم قصّ عليه قصّيه المرأه، فسألها اميرالمؤمنين عليه السلام عن ذلك فقالت: هو كما ذكر، فقال لها: و من زوجك؟ قالت: فلان. فبعث إليه فدعاه، فقال: أتعرف هذه؟ قال: نعم هى زوجتى، فسأله عمّا قالت. فقال: هو كذلك، فقال له أميرالمؤمنين عليه السلام: لأنت أجزأ من راكب الأسد، حيث تقدم عليه بهذه الحال. ثم قال: يا قنبر أدخلها بيتاً مع امرأه تعدّ أضلاعها، فقال زوجها: يا أميرالمؤمنين لا آمن عليها رجلاً و لا ائتمن عليها امرأه. فقال أميرالمؤمنين عليه السلام: علىّ بدينار الخصى - و كان من صالحى الكوفه و كان يثق به - فقال له: يا دينار أدخلها بيتاً، و عزّها من ثيابها، و مرها أن تشدّ مئزرًا و عدّ اضلاعها. ففعل دينار ذلك، و كان أضلاعها سبعة عشر تسعه فى اليمين و ثمانية فى اليسار. فألبسها عليه السلام ثياب الرجال و القلنسوه و النعلين و ألقى عليها الرداء و ألحقه بالرجال. فقال زوجها: يا اميرالمؤمنين بنت عمى و قد ولدت منى تلحقها بالرجال؟ فقال: أنى حكمت عليها بحكم الله، إن الله تبارك و تعالى خلق حواء من ضلع آدم الايسر الأقصى و أضلاع الرجال تنقص و أضلاع النساء تمام.»

علامه محمد باقر مجلسی در ذیل این حدیث نوشته است:

این خبر در بین عامه [اهل سنت] مشهور و در کتاب های ایشان ثبت است. از این روی، سید مرتضی، مفید و ابن ادریس، علی رغم این که به خبر واحد عمل نمی کنند، به این روایت عمل کرده اند. (۱) علامه حلی، سند روایت را صحیح دانسته و گفته است:

کسانی که این خبر را ضعیف دانسته اند، به سند آن توجه نداشته اند. (۲) شیخ طوسی، این روایت را در کتاب تهذیب با تفاوت در برخی الفاظ، از «میسره بن

شریح» نقل کرده است. (۳)

ص: ۱۰۶

۱- (۱) محمد باقر مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۱، ص ۳۶۴.

۲- (۲) همان، ج ۱۱، ص ۳۶۴.

۳- (۳) شیخ طوسی، تهذیب، ج ۹، ص ۳۵۴، حدیث ۵؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ۵۷۵، ابواب میراث ختنی، باب ۲، حدیث ۳.

هم چنین، شیخ مفید، این روایت را در کتاب «ارشاد»، در بخش قضایای امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل کرده است. (۱) با توجه به آن چه که گذشت، این روایت بین فقهای شیعه و سنی مشهور، و حتی برخی از فقیهان براساس آن، فتوا داده اند، مانند: شیخ مفید و سید مرتضی و ابن ادریس حلی در سرائر، (۲) آیت الله محمد حسن نجفی، صاحب جواهر الکلام، (۳) امام خمینی (۴) و آیت الله علی مشکینی. (۵) صاحب کتاب «جواهر الکلام» از صحت مضمون روایت بشدت دفاع می کند و قول کسانی که مدعی اند تعداد دنده های زن و مرد مساوی است را قاطعانه رد می کند. (۶) با این وجود، در مورد فرازهایی از محتوای روایت تردیدهایی بیان شده است:

الف) آیت الله محمد مؤمن قمی، پس از نقل روایت فوق می گوید:

به اعتقاد من، روایت یاد شده این معنا را در بردارد که آن شخص، هم نقش مرد و هم نقش زن را ایفا می کرده، با این وجود، امیر مؤمنان (علیه السلام) او را به مردان ملحق کرده است. من درباره مضمون این روایت با چندتن از پزشکان گفت و گو کردم، آنان گفتند: تاریخ پزشکی چنین چیزی را یاد نمی دهد. (۷) ب) از طرف دیگر، مسأله تفاوت دنده ها میان زن و مرد پذیرفتنی نیست؛ چه این که، زن و مرد در تعداد دنده های طرف راست و چپ تفاوتی ندارند. از این رو،

ص: ۱۰۷

۱- (۱) محمد بن محمد (شیخ مفید)، ارشاد، ج ۱، ص ۲۱۳.

۲- (۲) به نقل از: میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۹.

۳- (۳) به نقل از: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۳-۲۸۴.

۴- (۴) به نقل از: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۵- (۵) به نقل از: علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳.

۶- (۶) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۵-۲۸۶.

۷- (۷) محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۷؛ مجله فقه اهل بیت (فارسی)، سال ۲ (پاییز ۷۵)، ش ۷،

ص ۹۴.

حجت الاسلام دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، با تحقیقی که در این زمینه به عمل آورده اند، این حدیث را جعلی می دانند. (۱) نیز آیت الله سید حسن مرعشی در صحت مضمون آن تردید دارند. (۲) ج) اساساً عده ای از فقیهان، این روایت را ضعیف دانسته و در سند روایت اشکال می کنند. آیت الله میرزا حسن بجنوردی می گوید:

روایت ضعیف است و مشهور فقها از عمل و فتوا براساس آن روایت، اعراض کرده اند، ادعای اجماع، با وجود مخالفت مشهور، از غرابت خالی نیست. (۳) محقق حلی، صاحب کتاب «شرایع الاسلام» بعد از نقل روایت فوق می گوید:

روایت ضعیف است و اجماع - ادعایی - را به دست نیاوردیم. (۴) با توجه به آن چه گذشت، اگر فرضاً بپذیریم که یک فرد هم نقش زن را ایفا کند و هم نقش مرد را ایفا کند، تفاوت دنده ها میان زن و مرد قابل پذیرش نیست، چه این که، علم پزشکی، به وضوح تساوی دنده ها را بیان می کند. با این حال، فرازهای آغازین روایت، که ملاک جنسیت را براساس مجرای بول بیان می کند، مورد پذیرش است؛ چون چنین مضمونی، در روایت های متعدد دیگر، مورد تأکید قرار گرفته است؛ بنابراین، این فرد اگر از مجرای زنانه بول کند زن است، و گرنه مرد است. این مطلب، بارها از زبان حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) نقل شده است:

إِنَّ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ: الْخَنَثِيُّ يَوْرَثُ مِنْ حَيْثُ يَبُولُ.... (۵)

امام علی (علیه السلام) پیوسته می فرمود: میراث خنثی بر اساس مجرای بول تعیین می شود.

ص: ۱۰۸

-
- ۱- (۱) سخنرانی عبدالکریم بی آزار شیرازی، کنگره پزشکی قانونی، تهران، تیرماه ۸۳.
 - ۲- (۲) سیدحسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳.
 - ۳- (۳) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۹: «الروایه ضعیفه و المشهور اعرضوا عن العمل بها و ادعاء الاجماع مع مخالفه المشهور لا یخلو من غرابه».
 - ۴- (۴) به نقل از: جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۸۴: «والروایه ضعیفه و الاجماع لم نتحققه».
 - ۵- (۵) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الخنثی، باب ۱، حدیث ۱.

اشاره

یکی از پرسش‌های مهم این است که آیا «خنثی‌ها» یا دو جنسی‌ها، طبیعت و جنس سوم محسوب می‌شوند، یا این که این گروه، در واقع یا مرد هستند یا زن؟ در این باره، دو دیدگاه وجود دارد:

گفتار اول: دیدگاه مشهور

اشاره

در ابتدا نظر مشهور مبنی بر عدم وجود جنس سوم توضیح داده می‌شود و آن گاه ادله مشهور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

بند اول: نظر مشهور در عدم وجود جنس سوم

از نظر، طرف داران دیدگاه فوق، انسان‌ها یا مرد هستند و یا زن، و جنس سومی در میان نیست. در مورد خنثی‌ها این مشکل وجود دارد که نمی‌دانیم که این گروه مرد هستند یا زن، ولی این جهل ما، دلیل بر وجود جنسیت سوم نیست، بلکه این افراد، در واقع، یا مرد و یا زن هستند، و از طریق برخی امارات و نشانه‌ها می‌توان جنسیت واقعی آنان را تشخیص داد، و چنان چه، از طریق این علائم، نتوان جنسیت آنان را تشخیص داد، «خنثای مشکل» هستند. با این وجود، حتی «خنثای مشکل» هم جنسیت سوم یا طبیعت ثالثه محسوب نمی‌شود.

این دیدگاه، به مشهور فقهای شیعه منسوب است. (۱) آیت الله محمد حسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام» این قول را پذیرفته است. وی می‌گوید:

خنثی، در واقع، یا مذکر است و یا مؤنث، چون براساس آیات قرآن کریم و سنت، انسان و بلکه همه انواع حیوانات، به مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند و

واسطه [جنس سوم] وجود ندارد، به گونه‌ای که جایی برای انکار وجود ندارد. (۲)

ص: ۱۰۹

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲.

۲- (۲) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۷۷-۲۷۸: «الخنثی التي هي أمّا ذكر او انثى في الواقع، لعدم الواسطه المستفاد من تقسيم الانسان، بل مطلق الحيوان الى الذكر و الأنثى في جميع الاصناف في الكتاب والسنة على وجه لا يستطاع

از مجموع کلام مرحوم شیخ انصاری نیز استفاده می شود که از نظر ایشان، خنثی، طبیعت ثالثه نیست، بلکه یا زن و یا مرد است، ولی ما نمی دانیم که چیست. البته شیخ انصاری برای سخن خویش دلیلی نمی آورد وی می گوید:

گاه در حکم ثابت برای شخصی که مردد بین دو موضوع [مذکر و مؤنث] است، بحث و گفت و گو پیش می آید، مانند حکم خنثی، که مردد بین مذکر و مؤنث است. (۱) صاحب کتاب «بلغه الفقیه» می گوید:

اما الخنثی المشکل..... سواء قلنا بكونها طبيعه ثالثه او مردده بین الطبیعتین؛ (۲)

اما خنثی مشکل، خواه بگوییم که خنثی، جنس سوم است، یا این که وی مردد بین دو طبیعت [مذکر و مؤنث] بدانیم.

از نظر نویسنده کتاب «بلغه الفقیه»، معلوم نمی شود که خنثی، جنس سوم است یا مردد بین زن و مرد است. نیز از نظر آیت الله ابوالقاسم خوئی، خنثی، یا مرد است یا زن و جنس سوم محسوب نمی شود. ایشان معتقد است که اگر چه در خارج، موجود یا جنسیت سومی به نام خنثی یافت می شود، الا- این که قانون گذار الهی آن را اعتبار نکرده است و به لحاظ تعبد و شریعت اسلامی، انسان ها به دو قسم: مرد و زن تقسیم شده اند و بنابراین، خنثی ها تحت یکی از آن دو جنس مذکر یا مؤنث قرار می گیرند. (۳) دیدگاه فوق، آن قدر مشهور است که گویا به صورت یک اصل مُسَلَّم فقهی در

آمده است. آیت الله مهدی هادوی تهرانی می گوید:

از نظر فقهی، یک اصل مُسَلَّم پذیرفته شده وجود دارد که انسان ها یا واقعاً مرد هستند و یا واقعاً زن، و جنس سوم وجود ندارد. (۴)

ص: ۱۱۰

۱- (۱) شیخ مرتضی انصاری، فرائد الاصول (رسائل)، ج ۱، ص ۸۳: «وقد يقع فی الحکم الثابت لشخص من جهة تردده بین موضوعین، کحکم الخنثی المردد بین الذکر و الأُنثی».

۲- (۲) به نقل از: جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۲۲.

۳- (۳) به نقل از: ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

۴- (۴) حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰.

با توجه به مطالب پیش گفته، حداقل دو دلیل بر عدم وجود جنس سوم بیان شد که عبارت است از: ۱. اصل مسلم فقهی؛ ۲. ظهور آیات و روایات.

از آن جا که این «اصل فقهی» از ادله شرعی دیگر، مانند آیات و روایات استفاده شده است، بنابراین، «اصل فقهی» نمی تواند فی حد نفسه یک دلیل مستقل محسوب شود. هم چنین، آیت الله محمد حسن نجفی، صاحب کتاب «جواهر الکلام» به «ظهور مستفاد از کتاب و سنت» بر عدم وجود جنس سوم استناد کرده است، اما در عین حال، وی با صراحت به هیچ آیه یا روایتی اشاره نمی کند. (۱) با این وجود، برخی فقیهان دیگر، به آیاتی از کلام الله مجید استناد کرده که در ادامه به مهم ترین آن اشاره می شود:

دلیل اول: **لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَورَ؛ (۲)**

فرمانروایی [مطلق] آسمان ها و زمین از آن خداست؛ هر چه بخواهد می آفریند؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد.

وجه استدلال: ظاهر موهوب و بخشش در آیه فوق آن است که منحصر در پسر و دختر است. (۳)

دلیل دوم: **وَإِنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجِينَ الذَّكَرَ وَالْإُنْثَى مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى؛ (۴)**

و اوست که دو زوج نر و ماده را آفرید، از نطفه ای هنگامی که خارج می شود

(و در رحم می ریزد).

وجه استدلال: ظاهر مخلوق در آیه فوق آن است که مخلوق منحصر در دو نوع مذکر و مؤنث است. (۵)

ص: ۱۱۱

۱- (۱) جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۲- (۲) سوره شوری (۴۲)، آیه ۴۹.

۳- (۳) آیت الله میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۵.

۴- (۴) سوره نجم (۵۳)، آیه ۴۵-۴۶.

۵- (۵) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۵.

رد استدلال: چنین انحصاری از آیه شریفه به دست نمی آید و اساساً آیه شریفه در مقام حصر مخلوقات در مذکر و مؤنث نمی باشد، بلکه می فرماید که موجود نر و ماده از نطفه آفریده شده است.

دلیل سوم: *يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ*؛ (۱)

خداوند به شما درباره فرزندانتان سفارش می کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است.

وجه استدلال: آیت الله میرزا حسن بجنوردی در وجه استدلال آیه فوق، بر عدم وجود طبیعت ثالثه می گوید:

آیه شریفه، فقط به جنس پسر و دختر اشاره نموده است، اگر جنس سوم وجود داشته باشد، لازم می آید که خداوند یک قسم از اولاد را مهمل و بیهوده گذاشته باشد و حکم شرعی ارث او را بیان نکرده باشد، و چنین امری خیلی بعید است. واژه «اولاد کم» در صدر آیه شریفه، دلالت بر این دارد که وصیت الهی درباره تمام اولاد است، نه قسم خاصی از اولاد. همانا جمع مضاف - اضافه واژه «اولاد» به «کم» - دلالت بر عموم دارد. (۲) رد استدلال: استدلال فوق قابل قبول نیست؛ چه این که، آیه شریفه در مقام بیان نفی جنس سوم نیست، بلکه در نظام بیان این نکته است که اگر اولاد شما مذکر و مؤنث باشد، برای مذکر، دو برابر سهم مؤنث، ارث در نظر گرفته شده است. اساساً برخی احکام شرعی ارث، با توجه به روایات اسلامی به دست می آید. در برخی روایات اسلامی آمده که ارث

خنتای مشکل، مجموع نصف ارث پسر و نصف ارث دختر است. بنابراین، عدم بیان حکم ارث خنتی، در آیه فوق، به معنای اهمال حکم شرعی در مورد خنتی نیست.

علاوه بر آیات فوق، به آیات دیگری بر عدم وجود جنس سوم استناد شده است، (۳)

ص: ۱۱۲

۱- (۱). نساء: ۱۱.

۲- (۲) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۵.

۳- (۳) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، پاورقی ص ۲۷۸.

که این آیات از این قرار است: زخرف (۴۳)، آیه ۱۲؛ حجرات (۴۹)، آیه ۱۳؛ نجم (۵۳)، آیه ۴۵؛ قیامت (۷۵)، آیه ۳۹؛ لیل (۹۲)، آیه ۳۹.

گفتار دوم: دیدگاه غیر مشهور

عده ای معتقدند که خنثی، طبیعت ثالثه است. بر این اساس، خنثی یا دو جنسی، نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، و بعید نیست که یک انسان، مصداق حقیقی دو صفت مذکر و مؤنث باشد و در واقع، هم مذکر و هم مؤنث باشد. گاه این گروه، می توانند در ازدواج، هم نقش زن و هم نقش مرد را ایفا کنند و به عبارت دیگر، اگر با یک مرد ازدواج کند می تواند به عنوان مادر، صاحب بچه گردد، و اگر با یک زن ازدواج کند، می تواند به عنوان پدر صاحب فرزند گردد، و حتی می توان فرض کرد که این شخص صاحب فرزندی گردد که پدر و مادر این طفل، همان شخص دو جنسی باشد؛ به این صورت که اسپرم تولید شده از او با اوول خودش ترکیب شود و وی صاحب بچه گردد. (۱) البته این سخن پذیرفتنی است که خنثی یا دو جنسی - که دارای آلت تناسلی زنانه و مردانه هر دو است - می تواند در ازدواج نقش زن یا مرد را ایفا کند، ولی از آن جا که عموم دو جنسی ها عقیم هستند، صاحب فرزند نمی شوند. بنابراین، فرض فوق که خنثی می تواند به عنوان «مادر» یا «پدر» صاحب فرزند گردد، تنها یک فرض عقلی است. نیز ترکیب اسپرم یک دو جنسی با اوول خودش غیر ممکن است و کلام فوق نیز تنها یک فرض عقلی است.

برخی محققان می گویند: با چند تن از پزشکان گفت و گو کرده ام. آنان معتقدند

که تاریخ پزشکی سراغ ندارد که یک خنثی صاحب فرزند شده باشد. (۲) شهید آیت الله محمد صدر، پس از بیان دیدگاه اول - نفی جنسیت سوم - چنین می گوید:

ص: ۱۱۳

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۲.

۲- (۲) محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۰۷.

این سخن، فاقد دلیل است؛ چون تحقیقات پزشکی نشان داده است که در بدن تمام انسان ها، مخلوطی از هورمون های مذکر و مؤنث وجود دارد. البته با این توضیح که در وجود مرد، نسبت ضعیفی از هورمون مؤنث وجود دارد، و نیز در وجود زن، درصد کمی از هورمون مرد وجود دارد. پس در بدن هر انسانی، درصدی از هورمون های جنس مخالف وجود دارد.

نتیجه ای که گرفته می شود این است چنان چه میزان هورمون های زنانه و مردانه در بدن یک شخص به اندازه پنجاه پنجاه باشد، این انسان، خنثای حقیقی است، یعنی نه مرد است و نه زن؛ پس در این حالت «جنس سوم» شکل می گیرد.

بنابراین، در تقسیم بندی خارجی یا حقیقی باید گفت: انسان ها یا مرد هستند یا زن، و یا نه زن و نه مرد. البته در تقسیم بندی شرعی یا تشریحی، یا مرد هستند و یا زن. به عبارت دیگر، از نظر شارع مقدس، خنثی به عنوان «جنسیت سوم» شناخته نشده است، بلکه چنین فردی ناچاراً یا تحت عنوان انسان های مذکر و یا تحت انسان های مؤنث قرار می گیرند. (۱) آیت الله شهید محمد صدر پس از نقل دیدگاه آیت الله خوئی - مبنی بر نفی جنسیت سوم - آن را نقد کرده و می گوید:

اساساً ما هیچ دلیلی نداریم که انسان ها به دو قسم زن و مرد تقسیم می شوند و هیچ دلیل قطعی و جزمی بر حصر تبعیدی انسان ها به دو قسم

ص: ۱۱۴

۱- (۱) محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۴-۱۳۵: «وهذا الكلام مما لا دليل عليه. لأنَّ التحقیق الطبی أفاد أنَّ كلَّ النَّاس تختلط فیهم هرمونات الذکوره مع هرمونات الأنوثة. ومعنی ذلك: أنَّ الرَّجُل فی نسبه ضعیفه من الأنوثة والأُنثی فیها نسبه ضعیفه من الذکوره. کل ما فی الأمر أنَّ خلقه الجسد تتبع أغلب النسبتین من الهرمونات وأكثرها. ینتج من ذلك أنَّ نسبه الهرمونات لو تساوتا بمقدار ۵۰ أو نحوها كان الإنسان خنثی حقیقه، لا- هو رجل ولا- هو امرأه. فإن انضاف إلى ذلك أن خلقته الجسديه تساعد علی كونه خنثی مشكل. فقد حصلنا علی نوع ثالث غیر الرجل والمرأه. هذا. وأما معنی كون الانقسام تشریحياً، فهو أننا ولو قلنا: إنَّه فی الانقسام الواقعی يوجد قسم ثالث هو الخنثی إلا أنَّ الشارع أسقطه عن نظر الاعتبار ولم يجعل له حكماً. بل حکم تبعداً بانقسام النَّاس الی القسمین الرئيسین. حتی الخنثی لا بد أن یندرجوا تحت أحد القسمین تشریحياً».

مذکر و مؤنث وجود ندارد. و نیز دلیل قطعی بر اسقاط خنثی ها از شمول احکام شرعی وجود ندارد. (۱)

مبحث ششم: اقسام خنثی

گفتار اول: اقسام خنثی از نظر فقه اسلامی

اشاره

در فقه، خنثی یا دو جنسی به دو قسم کلی تقسیم می شود که در ذیل بیان می شود:

بند اول: خنثای مشکل

خنثای مشکل کسی است که از طریق امارات طبیعی یا علائم شرعی معلوم نمی شود که آیا زن است یا مرد. شهید ثانی در توضیح خنثای مشکل می گوید:

لأنه لا ترجیح لذکوریته علی انوثيته و لأنوثيته علی ذکوریته؛ (۲) چون در خنثای مشکل، مذکر بودن وی بر مؤنث بودن وی ترجیح ندارد و نیز مؤنث بودن وی، بر مذکر بودن وی، ترجیحی ندارد.

آیت الله میرزا حسن بجنوردی در تعریف خنثای مشکل می گوید:

الخنثی المشکل الذی لایحکم بآنه رجل و كذلك لایحکم علیه بآنه إمرأه لفقد أمارات الطرفين أو لتعارضها؛ (۳) خنثای مشکل کسی است که حکم نمی شود که او مرد است و نیز حکم

نمی شود که وی زن است، چون علائم و نشانه های مرد و زن در وی مفقود است، یا علائم مرد و زن در وجود وی با یکدیگر تعارض دارند.

بند دوم: خنثای غیر مشکل

و آن خنثایی است که از طریق علائم و امارات، هرچند امارات ظنی می توان فهمید

ص: ۱۱۵

۱- (۱). همان، ج ۶، ص ۱۳۵: «إلا أنه لا دلیل علیه. إذ لا دلیل جزماً علی الحصر التعبدی بالقسمین الرئيسین ولا علی إسقاط الخنثائی عن الأحكام».

۲- (۲) شهید ثانی، لمعه، ج ۸، ص ۱۹۴.

که به زن یا مرد ملحق است (۱)، که گاه از آن به خنثای واضح یاد می شود. (۲) در تعریف خنثای غیرمشکل چنین گفته شده است:

خنثای غیرمشکل عبارت از شخصی است که به وسیله امارات و قرائن - که قانون گذار الهی برای تشخیص در نظر گرفته است - حکم می شود که وی از گروه مردان است، یا به واسطه همین امارات و قرائن شرعی حکم می شود که وی زن است. پس این خنثی، خنثای مشکل نخواهد بود؛ چون اساساً به وسیله امارات و علائم، جنسیت وی قابل تشخیص خواهد بود و اشکال جنسیت برطرف خواهد شد. (۳)

بند سوم: اقسام خنثای غیرمشکل

با توجه به توضیحاتی که گذشت، خنثای غیرمشکل، دو قسم است:

۱. خنثای مؤنث: هرگاه در خنثی، حالت زنی بر حالت مردی غالب باشد، چنین خنثایی را «خنثای مؤنث» یا «خنثای انثی» نامند. به عبارت دیگر، خنثای مؤنث آن دو جنسی است که به زن ملحق شده است. مانند: نداشتن ریش، حمل، حیض، رقت منی، برآمده نبودن استخوان حلقوم، خروج پیشاب از آلت زنی.

۲. خنثای مذکر: هرگاه در خنثی، حالت مردی بر حالت زنی غلبه داشته باشد،

چنین کسی را «خنثای مذکر» نامند. به عبارت دیگر، خنثای مذکر آن دو جنسی است که به مردان ملحق شده است. (۴) تقسیم بندی فوق، اگر چه از سوی برخی اصحاب لغت بیان شده است، ولی مورد تأیید فقیهان اسلامی نیز هست، هر چند در کلمات فقیهان اسلامی به صراحت درباره آن

ص: ۱۱۶

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴.

۲- (۲) شهید ثانی، لمعه، کتاب ارث.

۳- (۳) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۴-۵۵: «أنَّ الخنثی غیر المشکل عبارة عمن یحکم علیه بأنَّه من الرجال بواسطة الأمارات التي جعلها الشارع اماره التشخیص او یحکم علیها بأنَّها من النساء ایضاً بواسطة الامارات التي جعلها الشارع اماره کونها مرأه، فهذا لیس بمشکل، لأنَّه بالتشخیص بواسطة الامارات یرتفع الاشکال».

۴- (۴) علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۹۷۷.

توضیح داده نشده است. از نظر فقیهان اسلامی، خنثای غیر مشکل، خنثایی است که با توجه به علائم و امارات بیان شده در فقه، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می شود. بنابراین، از نظر آنان نیز خنثای غیر مشکل شامل دو قسم است: خنثای مؤنث و خنثای مذکر.

گفتار دوم: اقسام خنثی (دو جنسی) از نظر پزشکی

اشاره

طبقه بندی استاندارد افراد هرmafrodisism (دو جنسی) براساس شکل ظاهری غده جنسی صورت می گیرد، و بر همین اساس، اشخاص هرmafrodit را، به سه دسته تقسیم بندی کرده اند:

دسته اول - هرmafrodisism کاذب مذکر (مردان زن نما): اعضای داخلی این افراد مردانه است؛ یعنی آن که این اشخاص مردانی هستند که دارای جنس ژنتیک مذکر (XY) بوده و دارای بیضه هستند، اما اعضای خارجی آن ها به صورت طبیعی مذکر نبوده، بلکه اعضای بیرونی آن ها زنانه و با درجات مختلف ابهام است. وضع هورمونی معمولاً مردانه بوده، ولی به علت کمی نسج بیضه تغییراتی در آن دیده می شود. ضمناً تست کروماتین این افراد نیز منفی است. (۱) دسته دوم - هرmafrodisism کاذب مؤنث (زنان مردنما): اعضای داخلی این افراد زنانه است؛ یعنی آن که این افراد زنانی هستند که دارای جنس ژنتیک مؤنث (XX) و نیز اعضای داخلی زنانه (تخمدان) هستند، ولی دستگاه تناسلی خارجی آن ها، نمای زنانه

طبیعی را ندارد و اعضای خارجی مردانه یا مبهم دارند. از لحاظ هورمونی مؤنث هستند و تست کروماتین آن ها مثبت است. (۲) دسته سوم - هرmafrodisism حقیقی: به فردی اطلاق می شود که دارای هر دو گناد بیضه و تخمدان بوده و هر دو آن ها ممکن است فعال باشند. طرز قرار گرفتن گنادها در مبتلایان، به صور مختلف گزارش شده است به طوری که ممکن است تخمدان ها در

ص: ۱۱۷

۱- (۱) مجتبی جعفری، جایگاه جنسیت در حقوق کیفری ایران، ص ۱۷-۱۸.

۲- (۲) همان.

یک طرف و بیضه ها در طرف دیگر باشد، اما در اغلب بیماران، مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان به صورت *ouotestis* در یک طرف و یا در هر دو طرف مشاهده شده است. در هر حال، وجود بیضه و تخمدان در فرد مبتلا به هرمافرودیسم حقیقی، جنسیت بینابینی را مطرح می کند. (۱) ممکن است خواص مردی یا زنی رجحان داشته باشد. از لحاظ وضع هورمونی اطلاعاتی در دسترس نیست و تست کروماتین در ۷۵ بیماران مثبت است (مونث). (۲)

نظریهٔ مختار

در خاتمه می توان گفت که از نظر پزشکی، شخص خنثی (هرمافرودیسم) به سه گروه: هرمافرودیسم کاذب مذکر، هرمافرودیسم کاذب مؤنث و هرمافرودیسم حقیقی تقسیم بندی می شوند. نوع اول و دوم (هرمافرودیسم کاذب مذکر و مؤنث) حالتی است که شخص یکی از گونادهای مذکر و مؤنث را دارا است، ولی دستگاه تناسلی خارجی با گوناد موجود مغایرت داشته باشد. دستگاه تناسلی در چنین اشخاصی ممکن است کوچک یا بزرگ باشد و هرمافرودیسم حقیقی شامل آن دسته از افرادی می شود که هر دو دستگاه تناسلی زنانه یا مردانه را دارا هستند.

منظور فقیهان اسلامی از «خنثی» فقط گروه سوم (هرمافرودیسم حقیقی) را شامل می شود؛ یعنی مشهور فقیهان، تنها کسانی را خنثی می دانند که هر دو آلت تناسلی زنانه

و مردانه را دارا هستند و گروه اول و دوم را از شمول تعریف خنثی خارج می دانند و به عبارتی عرف را ملاک تشخیص جنس مذکر و مؤنث می دانند.

مبحث هفتم: معیار و مبنای تعیین جنسیت در دو جنسی ها (خنثی ها)

برای تعیین جنسیت و رفع ابهام جنسی در مورد دو جنسی ها، ملاک ها و معیارهای گوناگونی از سوی پزشکان پیشنهاد شده است، که برخی از آن ها از این قرار است:

ص: ۱۱۸

۱- (۱) محمد حسن زاده نظرآبادی، «هرمافرودیسم حقیقی (دو جنسی)»، مجموعه مقالات سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، به کوشش سید حسین فتاحی معصوم، ج ۲، ص ۷۲.

۲- (۲) مجتبی جعفری، جایگاه جنسیت در حقوق کیفری ایران، ص ۱۹.

۱. وضعیت کروموزومی شخص؛

۲. میزان هورمون های مردانه یا زنانه؛

۳. عامل روانی و روحی؛

۴. اندام های تناسلی.

آن چه در فقه اسلامی مطرح شده و مورد اتفاق و اجماع فقیهان است، ملاک اخیر است، و اساساً جنسیت براساس اندام تناسلی است. از این رو، علایمی که برای خنثی مطرح شده است، بیش تر به آلت تناسلی مربوط می شود. برای مثال، اگر فرد واجد هر دو آلت تناسلی است و تنها از یکی از آن ها ادار می کند، همان ملاک تعیین جنسیت است. پس اگر از آلت تناسلی مردانه ادرار دفع می شود، مرد تلقی می شود و احکام مرد بر وی بار می شود، و اگر از آلت تناسلی زنانه، ادرار دفع می شود، حکم زن را دارد. البته ملاک روحی - روانی ممکن است به عنوان عامل ثانوی مورد توجه قرار گیرد. (۱) وضعیت کروموزومی به عنوان عاملی برای تعیین جنسیت مردانگی یا زنانگی، مورد تسالم نیست، و برخی گزارش های متناقض هم وجود دارد. از این رو، پزشکان گاه به معیار یا علایم روحی - روانی، و بعضی با تأکید بر اندام های تناسلی، جنسیت مذکر یا مؤنث بودن را معین می سازند. (۲) در فقه اسلامی، راه حل های گوناگونی در چگونگی تشخیص جنسیت خنثی بیان

شده است که به مهم ترین آن اشاره می شود:

۱. ملاک ادار: اگر خنثی، از یکی از دو آلت تناسلی مردانه یا زنانه، بول کند، به همان جنس ملحق است. پس اگر از آلت تناسلی مردانه بول کند، مرد است، و اگر از آلت تناسلی زنانه، بول کند، به زنان ملحق است.

۲. سبقت بول از مجرای زنانه یا مردانه: گاه فرد خنثی از هر دو آلت، بول

ص: ۱۱۹

۱- (۱) مهدی هادوی تهرانی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰-۸۱.

۲- (۲) حسن زاده نظرآبادی، رحیم تقوی، قدسیه سید علوی، همان، ج ۲، ص ۷۳-۷۹.

می کند. در این حالت، ملاک جنسیت، سبقت بول از مجرای زنانه یا مردانه است. به عبارت دیگر، اگر از مجرای مردانه، زودتر بول کند، به مردان ملحق است، و الا به گروه زنان ملحق است.

۳. تأخیر قطع ادرار بول از مجرای زنانه یا مردانه: چنان چه، فرد خنثی از هر دو مجرای مردانه و زنانه، هم زمان شروع به ادرار می کند، در این حالت، ملاک اخیر مورد توجه قرار می گیرد. به عبارت دیگر، از هر کدام از دو مجرای زنانه یا مردانه، بول دیرتر قطع شود، به همان جنس ملحق می شود. پس اگر ادرار، دیرتر از مجرای مردانه قطع شود، به مردان ملحق است، و اگر از مجرای زنانه، ادرار دیرتر قطع شود، پس به زنان ملحق است.

۴. شمارش دنده های کمر: اگر راه های پیش گفته، نتیجه ندهد، به اعتقاد برخی فقیهان، ملاک و مبنای تعیین جنسیت، شمارش دنده های کمر است. پس اگر شمار دنده های طرف راست و چپ، مساوی باشد، زن است، و اگر متفاوت باشد، مرد است. (۱) ۵. راه حل نهایی: چنان چه، راه های پیش گفته نتیجه ندهد، فرد دو جنسی به عنوان «خنثای مشکل» شناخته می شود. وی باید در مسائل شرعی، رعایت احتیاط نماید، که توضیح بیش تر در آینده خواهد آمد.

سید مرتضی علم الهدی می گوید:

میراث خنثای مشکل را از نحوه ادرار کردن او تعیین می کنیم. بدین صورت که اگر ادرار از آلت مردانه خارج شود، خنثی، ارث یک مرد را می برد و اگر

ادرار از آلت زنانه خنثی خارج شود، ارث یک زن نصیب خنثی می شود. حال اگر ادرار از هر دو آلت خنثی خارج شد بررسی می کنیم تا مشخص شود که ادرار از کدام آلت بیش تر خارج می شود پس بدان عمل می کنیم و اگر از هر دو آلت ادرار به تساوی خارج شود، تعداد اضلاع ملاک اعتبار است. پس اگر اضلاع برابر بود میراث زنان، اگر نابرابر بود میراث مردان را می برد. (۲)

ص: ۱۲۰

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳. (در مباحث گذشته، این علامت یعنی شمارش دنده های کمر به عنوان ملاک و مبنای تعیین جنسیت، مورد نقد قرار گرفت).

۲- (۲) ابی القاسم علی بن الحسین الموسوی (سید مرتضی علم الهدی)، الانتصار، ص ۳۰۶.

امام خمینی بر این عقیده است که:

اگر کسی از ورثه میت، خنثی باشد؛ یعنی هم عورت خاص مردان را داشته باشد و هم عورت خاص زنان، در صورتی که تشخیص و تعیین مرد بودن یا زن بودن او ممکن باشد و از نظر مرجحاتی که شارع معین فرموده یکی از دو طرف احتمال رجحان یابد، چنین خنثایی غیر مشکل است و بر طبق مرجحات و معیارهای شرعی عمل می شود و در غیر این صورت، خنثای مشکل است. مرجحاتی که شارع آن ها را معتبر دانسته چند چیز است:

اول، این که دائماً و یا غالباً از یکی از آن دو مجرا بول کند، به طوری که بیرون آمدن بول از آن مجرای دیگر، نادر شمرده شود و اگر خروجش از آن دیگری نادر نباشد محل اشکال است. پس ارث خنثی مطابق تشخیص است که از طریق بول کردن یکی از دو مجرا به دست می آید: اگر از عورت مردانه اش بول می کند، ارث مردان را می برد، و اگر از عورت زنانه اش بول کند، ارث زنان را می برد.

دوم، این که اگر از هر دو مجرا بول کند، باید ببیند دائماً یا غالباً از کدام مجرا زودتر بول می آید، به طوری که اگر یک نوبت از دیگری زودتر خارج شود، نادر شمرده می شود. بنابراین، اگر بول او غالباً از مجرای مردانه اش زودتر بیرون می آید، او مرد است، و اگر از مجرای زنانه اش زودتر بیرون می آید، او زن است.

سوم، این که ببیند دیرتر قطع شدن بول از کدام مجرا است. اگر در خنثایی هیچ یک از مرجح قبلی وجود نداشت؛ اگر دائماً یا غالباً از یکی از دو مجرا دیرتر قطع می شود، طبق همان مجرا ارث می برد، ولی در مرجح بودن این معیار اشکال است.

چهارم، شمردن دنده های خنثی است: اگر شماره دنده های راستش بیش تر از دنده های چپش باشد، او مرد است، و اگر در هر دو طرف برابر باشد او زن است.

پنجم، اگر علامت هایی که در شرع وارد شده در مورد خنثایی وجود نداشت: اگر چنان چه از نشانه های مخصوص زنان، مانند حیض دیدن همان طور که زنان می بینند و یا از نشانه های مردان، مانند روئیدن محاسن بر صورت در آن خنثی وجود داشته باشد؛ به طوری که اطمینان بیاورد، به حسب همان نشانه ها

عمل می شود، و گرنه خنثای مشکل است؛ یعنی خنثای مشکل هیچ یک از مرجحات منصوصه و علامت اطمینان آور در او نیست. (۱)

به منظور توضیح بیشتر چند تذکر داده می شود:

تذکر ۱. لزوم تکرار آزمایش: اختبار و آزمایش در مورد خنثی یا دو جنسی، به یک بار کافی نیست، بلکه ملاک حصول یقین یا لااقل ظن غالب است. از این رو، برخی فقیهان اسلامی بر تکرار آزمایش - دو یا چندین مرتبه - تأکید دارند، تا ظن غالب بر مرد بودن یا زن بودن خنثی حاصل شود. (۲) تذکر ۲. الحاق خنثی به گروه زنان: به اعتقاد برخی فقیهان اهل سنت، خنثی ها، اساساً زن حساب می شوند. سرخسی می گوید: «فعلى قولنا الخنثائی اناث»؛ (۳) براساس قول و نظر ما، خنثی ها، زن هستند. ولی آیت الله محمد حسن نجفی، از فقیهان بزرگ شیعه، معتقد است: تنها خنثای مشکل، به گروه زنان ملحق است. (۴) تذکر ۳. اتفاق فقیهان شیعه در علائم تشخیص جنسیت خنثی: راه های ترتیبی فوق، مورد اتفاق و اجماع فقیهان شیعه است و چنین راه حل هایی از فقیهان اهل سنت، مورد توجه چندانی واقع نشده است. سید مرتضی علم الهدی می گوید:

و نیافتم کسی از علمای اهل سنت که در مورد خنثی، آن امور ترتیبی که ما در خنثی ذکر کردیم، معتبر دانسته باشد، بلکه بزرگان اهل سنت بر خلاف آن، اتفاق پیدا کرده اند. در مورد فردی که فاقد هم آلت تناسلی مردانه و هم آلت تناسلی زنانه است، علمای امامیه براساس قرعه، اتفاق نظر دارند، در حالی که در این مسأله از علمای اهل سنت قولی نیافتم. (۵)

ص: ۱۲۲

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۲۳۴-۲۳۵.

۲- (۲) البکری الدمیاطی، اعانه الطالبین، ج ۳، ص ۸۵.

۳- (۳) سرخسی، المبسوط، ج ۳۰، ص ۹۷.

۴- (۴) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۸، ص ۱۲۲.

۵- (۵) سید مرتضی علم الهدی، الانتصار فی الانفرادات الامامیه، ص ۵۹۵: «ولم اجد احداً من العامه يعتبر فی الخنثی ما ذکرناه علی الترتیب الذی وصفناه، بل ائمه متفقیهم علی خلافه فی الاحکام. واتفقت الامامیه فیمن لیس له ما للرجال وما للنساء ان یورث بالقرعه ولم اجد للعامه فی هذه المسأله قول».

صاحب کتاب «الاعلام بما اتفقت علیه الاماميه من الاحكام» در مورد اتفاق فقیهان شیعه در علائم تشخیص جنسیت خنثی، چنین می گوید:

فقهای شیعه امامیه در مورد ارث خنثی (دو جنسی) بر اساس مجرای ادرار اتفاق نظر دارند: پس اگر فقط از مجرای مردانه، خروج بول صورت پذیرد، ارث مرد را می برد، و اگر فقط از مجرای زنانه خروج بول صورت پذیرد، ارث زن را می برد، و اگر از هر دو مجرای زنانه و مردانه بول می کند، پس ملاحظه این نکته می شود که از کدام مجرا بیش تر بول می کند، پس براساس همان [مجرای مردانه یا زنانه] ارث می برد. اگر خروج بول از هر دو مجرا به گونه مساوی باشد، دنده های کمر او شمارش می شود؛ پس اگر تعداد دنده های سمت چپ و راست مساوی باشد، ارث زن را می برد، و اگر تعداد دنده های سمت چپ و راست مختلف باشد، ارث مرد را می برد. (۱) تذکر ۴. حل مشکل تعیین جنسیت به وسیله امارات و علایم شرعی: با توجه به اماره ها و نشانه هایی که از طریق روایات اسلامی برای شناخت خنثای مشکل و رفع تحیر بیان شده است، مشکل خنثای مشکل از جهت انجام وظایف شرعی حل می شود.

این گونه نیست که هیچ کدام از این اماره ها و نشانه ها در شخص خنثای مشکل وجود نداشته باشد. (۲) در هر حال، در موارد نادر و هنگامی که با این روش های بیان شده، مشکل جنسیت دو جنسی حل نشود، این فرد، به عنوان «خنثای مشکل» یا «دو جنسی کامل» بوده و بایستی بر اساس احتیاطهای شرعی عمل کند.

تذکر ۵. ترتیبی بودن امارات و نشانه ها: امارات و نشانه هایی که در مورد تعیین جنسیت افراد خنثی و رفع ابهام جنسی آنان بیان شده است، به صورت ترتیبی است.

ص: ۱۲۳

۱- (۱) محمد بن محمد نعمان (شیخ مفید) الاعلام بما اتفقت علیه الاماميه من الاحكام، در ضمن کتاب: التذکره باصول الفقه، ص ۶۳: «واتفقت الاماميه فی توريث الخنثی علی اعتباره بالمبال: فان كان خروج البول مما يكون للرجل خاصة ورث ميراث الذکور، وان كان خروجه مما يكون للنساء حسب ورث ميراث الاناث، وان بال منهما جميعاً نظر الى الاغلب منهما بالكثره فوقت علیه، فان تساوى ما يخرج من الموضوعين اعتبر باتفاق الاضلاع واختلافها، فان اتفقت ورث ميراث الاناث، وان اختلفت ورث ميراث الرجال».

۲- (۲) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۲، ص ۵۶.

یعنی تا هنگامی که اولین نشانه وجود نداشته باشد، نوبت به نشانه و امارهٔ دوم می‌رسد. بنابراین، روش‌های بیان شده در طول یکدیگرند و نه در عرض هم. از این رو، هیچ‌گاه بین آن‌ها تعارض به وجود نمی‌آید. ظاهر روایات اسلامی نیز، بر ترتیبی بودن امارات و علایم می‌باشد. (۱)

تذکر ۶. جایگاه فقه و پزشکی در تعیین جنسیت خنثی (دو جنسی): یکی از پرسش‌های مطرح این است که آیا دانش فقه یا دانش پزشکی، کدام یک باید جنسیت مشکوک فرد خنثی را مشخص کند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد امروزه برای تعیین جنسیت، ملاک‌ها و معیارهای گوناگونی مطرح می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت است از: تعیین جنسیت براساس کروموزوم؛ تعیین جنسیت براساس تمایلات روحی و روانی فرد، و تعیین جنسیت براساس اندام تناسلی ظاهری.

از آن‌جایی که مورد اول و دوم میان پزشکان مورد اختلاف و گفت‌وگو است و نظر واحدی در این باره وجود ندارد، تعیین جنسیت براساس ملاک اندام تناسلی، طرفدار بیش‌تری دارد و همین‌مبنا و معیار، از نظر فقه مورد پذیرش واقع شده است. از نظر فقیهان اسلامی، کسی که دارای اندام تناسلی مردانه است، مرد است و اگر دارای اندام تناسلی زنانه است زن می‌باشد، و اگر از هر دو آلت را داشت، خنثی است.

البته نظر فقها در این باره، همان نظر عرف بوده است. هر کس از نظر عرف، مرد

شناخته می‌شده، مرد است، و هر کس عرفاً زن تشخیص داده شده، از نظر فقهی نیز زن است و در مواردی که مشتبه بوده، خنثی می‌نامیده‌اند. (۲) اگر در گذشته به عرف مراجعه می‌شده است، از این جهت بوده که به نظر نمی‌رسیده که مرد بودن یا زن بودن امری پیچیده باشد و با توجه به همین آلت تناسلی ظاهری جنسیت را تعیین می‌کرده‌اند. اکنون می‌توان با توجه به تحولات عظیم علمی و پیشرفت دانش پزشکی از این

ص: ۱۲۴

۱- (۱) همان.

۲- (۲) سید حسن مرعشی، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳.

تخصص در تشخیص جنسیت استفاده کرد و اساساً مغایرتی با فقه هم ندارد، بلکه در تعیین جنسیت کمک بسزایی می کند. به عبارت دیگر، در تشخیص وضعیت بدنی و اندام های تناسلی، تشخیص طب و متخصصان فن کار ساز است.

نتیجه آن که اگر این علائم از نظر علمی مسلم باشد و مرد بودن و زن بودن مشخص باشد، حکم مرد یا زن بودن بر او بار خواهد شد، ولی اگر از نظر علمی مشکوک است، از نظر فقهی می بایست به احکام ختنای مشکل عمل کند.

تذکر ۷. ملائک احتلام یا حیض: در برخی روایات اسلامی، ملائک احتلام یا حیض به عنوان مبنایی برای تعیین جنسیت در مورد افراد ختنی مطرح شده است؛ پس اگر ختنی محتمل گردد، پسر است و اگر حیض شود، زن است.

عن الحسن بن علی (علیه السلام) أنه سئل عن المؤبت فقال: هو الذی لایدی ذکر هو او أنثی فأنه ینتظر به فان کان ذکراً احتلم، و ان کان انثی حاضت و بدا ثدیها...؛ (۱) از امام حسن (علیه السلام) درباره «مؤبت» پرسش شد. آن حضرت فرمود: مؤبت، کسی است که مرد بودن یا زن بودن او دانسته نشده است؛ پس منتظر می مانیم: اگر مرد باشد محتمل می شود، و اگر زن باشد حیض می گردد و دو پستانش ظاهر می گردد.

مبحث هشتم: تعیین جنسیت ختنی از دیدگاه روایات اسلامی

پیش تر به دیدگاه فقیهان اسلامی درباره تعیین جنسیت افراد ختنی یا دو جنسی ها اشاره شد. نظر فقها براساس روایات اسلامی است، که از باب نمونه به چند مورد اشاره می شود:

۱. عن أبی عبدالله (علیه السلام) قال: سئل عن مولود ولد، له قُبُل و ذکر کیف یورث؟ قال: إن کان یبول من ذکره فله میراث الذکر، و إن کان یبول من القُبُل فله میراث الأنثی؛ (۲)

ص: ۱۲۵

۱- (۱) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۷-۵۷۸، ابواب میراث الختنی، باب ۲، حدیث ۷.

۲- (۲) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الختنی، باب ۱، حدیث ۱.

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند که اگر کودکی به دنیا آید که هم آلت مردانه دارد و هم آلت زنانه، چگونه ارث می برد؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر از مجرای مردانه بول می کند، برای او ارث مرد است، و اگر از مجرای زنانه بول می کند، پس برای او ارث زن است.

۲. عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: كان امير المؤمنين (عليه السلام) يورث الخنثى من حيث يبول؛ (۱)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که پیوسته حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) ارث خنثی را براساس مجرای بول تعیین می فرمود.

۳. عن أبي عبدالله (عليه السلام) في المولود له ما للرجال و له ما للنساء يبول منهما جميعاً قال: من أيهما سبق، قيل: فإن خرج منهما جميعاً قال: فمن أيهما استدر، قيل: فإن استدرًا جميعاً قال: فمن أبعدهما؛ (۲)

از امام صادق (علیه السلام) در مورد بچه به دنیا آمده ای سؤال شد که وی دارای آلت تناسلی مردانه و زنانه هر دو است و از هر دو مجرا بول می کند. امام فرمود: [ملاک جنسیت وی] براساس مجرای خواهد بود که بول زودتر از آن مجرا خارج می شود.

سؤال شد: اگر بول از هر دو [همزمان] خارج شود، فرمود: ملاک مجرای خواهد بود که از آن بول بیش تر خارج شود. سؤال شد: اگر بول از هر دو مجرا زیاد

خارج شود، فرمود: ملاک مجرای خواهد بود که بول از آن دیرتر قطع می شود.

۴. عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: قلت له: المولود يولد، له ما للرجال و له ما للنساء، قال: يورث من حيث يبول من حيث سبق بوله فإن خرج منهما سواء فمن حيث ينبعث، فإن كانا سواء ورث ميراث الرجال و ميراث النساء؛ (۳)

از امام صادق (علیه السلام) در مورد بچه به دنیا آمده ای سؤال شد که وی دارای آلت تناسلی مردانه و زنانه هر دو است، [و از هر دو مجرا بول می کند]؟

ص: ۱۲۶

۱- (۱) همان، حدیث ۲.

۲- (۲) همان، حدیث ۴.

۳- (۳) همان، ص ۵۷۵، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، حدیث ۱.

امام فرمود: ارث وی براساس مجرای بول خواهد بود که بول زودتر از آن خارج می شود. پس اگر بول از هر دو مجرا همزمان خارج می شود، ملاک مجرای بولی خواهد بود که دیرتر قطع می شود، و اگر قطع بول از هر دو مجرا همزمان باشد، [وی خنثای مشکل یا دو جنسی کامل خواهد بود و] ارث وی مجموع نصف ارث مرد و ارث زن خواهد بود.

مبحث نهم: احکام ویژه خنثای مشکل (دو جنسی کامل)

به طور کلی، خنثای مشکل یا دو جنسی کامل باید رعایت احتیاط شرعی بنمایند؛ چه این که این عده با توجه به علائم و امارات شرعی پیش گفته، معلوم نشده اند که مرد هستند یا زن. البته رعایت احتیاطهای شرعی، تا جایی است که امکان داشته و انجام آن موجب عُسر و حرج نباشد. براساس قانون احتیاط، وی باید میان واجبات مرد و زن جمع کند. به عبارت دیگر، هم اموری را که بر مرد واجب است انجام دهد و هم اموری که بر زن واجب است انجام دهد، و نیز اموری که بر مرد و زن حرام است ترک نماید. (۱) برخی مصادیق احتیاطهای شرعی از این قرار است:

الف. حرمت پوشیدن حریر خالص و حرمت استفاده از طلای زرد: برای مردان، استفاده از طلای زرد و لباس حریر خالص حرام است. از آن جایی که احتمال

می رود خنثای مشکل، در واقع مرد باشد، پس باید از این امور اجتناب کند. (۲) ب. بطلان نماز در صورت استفاده از طلا و حریر خالص: توضیح آن که مردان چنان چه هنگام نماز خواندن از طلا و حریر خالص استفاده کنند، نماز باطل است. از آن جایی که خنثای مشکل ممکن است در واقع امر مرد باشد، پس نباید هنگام نماز از حریر خالص و طلای زرد استفاده کند. (۳) ج. لزوم پوشش کامل: از آن جایی که ممکن است خنثای مشکل یا دو جنسی

ص: ۱۲۷

۱- (۱) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

۲- (۲) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۲۳۳.

۳- (۳) همان، ص ۲۳۳.

کامل، در واقع زن باشد، پس باید همانند زنان پوشش کامل را - مگر صورت و دو دست تا مچ - رعایت کند. هم چنین لازم است هنگام قرائت نماز، پوشش متناسب را رعایت کند. (۱)د. ممنوعیت امامت جماعت برای مردان: از آن جایی که احتمال می رود خنثای مشکل در واقع زن باشد، پس مانند زنان نمی تواند برای مردان به عنوان امام جماعت، اقامه نماز نماید. (۲)ه. ممنوعیت استفاده از لباس دوخته در حال احرام: وی موظف است، در هنگام احرام حج یا عمره، از پوشیدن لباس دوخته خودداری کند. (۳) چون احتمال است وی در واقع مرد باشد و مردها برخلاف زنان، نباید در حال احرام لباس دوخته بپوشند.

و. تشخیص بلوغ از طریق سن: یکی از راه های شناخت بلوغ، ملاک سن است. چنان چه راه شناخت بلوغ خنثای مشکل، براساس ملاک سن باشد، راه احتیاط آن است که حداقل سن بلوغ که ۹ سال است معیار قرار گیرد. پس خنثای مشکل چنان چه به سن ۹ سالگی برسد، بلوغ شرعی پیدا کرده و باید وظایف شرعی خویش را، مانند: نماز،

روزه، حجاب و.... انجام دهد. (۴)ز. حرمت نگاه کردن خنثای مشکل: خنثای مشکل براساس احتیاط شرعی، نباید به بدن مرد یا زن نامحرم نگاه کند؛ چون احتمال دارد که نظر به جنس مخالف باشد. (۵)ح. حرمت ازدواج خنثای مشکل: از آن جایی که معلوم نیست خنثای مشکل مرد است یا زن، پس نمی تواند با مرد یا زن ازدواج کند؛ (۶) چون اگر با مرد ازدواج کند، احتمالاً با هم جنس خویش ازدواج کرده است، و همین طور اگر با زن ازدواج کند، ممکن است با هم جنس خویش وصلت کرده باشد.

ص: ۱۲۸

۱- (۱) همان، ص ۲۳۳

۲- (۲) همان، ص ۲۳۳

۳- (۳) همان، ص ۲۳۳

۴- (۴) همان، ص ۲۳۳.

۵- (۵) همان، ص ۲۳۴.

۶- (۶) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

ط. ارث: میزان ارث خنثای مشکل، مجموع نصف ارث مرد و نصف ارث زن است. (۱)

ی. قرائت نماز: در مورد جهر یا اخفات قرائت نماز، یعنی آیا حمد و سوره را در نماز صبح، مغرب و عشا، همانند مردان بلند بخواند، یا مانند زنان آهسته قرائت کند، برای خنثای مشکل، تخییر وجود دارد. وی می تواند به میل خود آهسته یا بلند بخواند. دلیل این امر آن است که راهی برای احتیاط وجود ندارد. (۲) ک. جواز نظر مرد یا زن به خنثای مشکل: از آن جایی که خنثای مشکل، احتمالاً در واقع مرد است، پس مردها می توانند به وی نگاه کنند، و از آن جایی که ممکن است در واقع زن باشد، پس زن ها می توانند به وی نگاه کنند. (۳) البته قول مخالف نیز وجود دارد و آن این که از باب احتیاط، مردها و زن ها نباید به خنثای مشکل گناه کنند؛ چون ممکن است از جنس مخالف آنان باشد. (۴) تذکر مهم: فقیهان اسلامی در بیان وظایف شرعی خنثای مشکل، به لزوم احتیاط معتقد شده اند. بر این اساس، خنثای مشکل (دو جنسی کامل) هم باید واجبات مردان و

هم واجبات زنان را انجام دهد و نیز باید از اموری که برای مردان و زنان وجود دارد اجتناب کند. همه این احکام و تکالیف شرعی، براساس تقسیم شرعی انسان ها، به زن و مرد است. به اعتقاد مشهور فقیهان اسلامی، انسان ها یا مرد هستند یا زن. از این رو، انجام احتیاطهای شرعی که در بالا بیان شد، برای خنثای مشکل، لازم و ضروری است.

اما چنان چه معتقد شویم که اساساً برای تقسیم فوق، هیچ دلیل یا مدرکی وجود ندارد، در بسیاری از احکام و تکالیف شرعی برای خنثای مشکل، می توان به برائت شرعی معتقد شد، البته مادامی که با علم اجمالی منجز در تعارض نباشد. (۵)

ص: ۱۲۹

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴.

۲- (۲) همان، ص ۱۵۴.

۳- (۳) همان، ص ۲۳۳.

۴- (۴) همان، ص ۱۵۴.

۵- (۵) ر. ک: میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقیهیه، ج ۲، ص ۵۶؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵.

اشاره

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید تمام قوانین ایران مطابق با موازین اسلامی باشد. اصل چهارم قانون اساسی در این باره می گوید: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید براساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است».

هم چنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل یکصد و شصت و هفتم درباره وظیفه قاضی می گوید: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».

بنابراین، «حقوق ایران» با «فقه اسلامی» پیوند خورده است و فقه اسلامی منبع بسیار مهمی برای قوانین جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. قواعد و مقررات مربوط به تغییر جنسیت، نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. مراحل تکوین این مقررات از قرار زیر است:

مرحله اول: نگارش تحریر الوسيله و بیان مسأله تغییر جنسیت

مرحله دوم: استفتای جدید از امام خمینی (ره)

مرحله سوم: قواعد و مقررات پزشکی قانونی

مرحله چهارم: رأی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

مرحله پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت

مرحله ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت

اینک در ذیل، هر یک از مراحل پنج گانه فوق را توضیح می دهیم:

مبحث اول: نگارش کتاب تحریر الوسيله و بیان مسأله تغییر جنسیت

گفتار اول: بیان اهمیت مسأله

این مرحله متأسفانه از سوی عده ای از نویسندگان و اصحاب جراید مورد غفلت قرار گرفته است. هر گاه از تاریخچه تغییر جنسیت در ایران سخن به میان می آید، به فتوای امام خمینی (ره) که در سال ۱۳۶۴ ش. صادر شده است، به عنوان «سرآغاز تغییر جنسیت» در ایران اشاره می شود؛ در حالی که ۲۲ سال قبل از این تاریخ، امام خمینی با صراحت تمام، مسأله عدم حرمت تغییر جنسیت و برخی مسایل دیگر را مطرح نموده بودند.

توضیح آن که مرحوم امام خمینی در سال ۱۳۴۳ ش. از سوی شاه ایران و در پی حوادث خونین پانزده خرداد و آغاز نهضت اسلامی، از قم به ترکیه تبعید شدند. در مدت اقامت ایشان در شهر «بورسا» - یکی از شهرهای ترکیه - کتابی به نام تحریر الوسيله، و در دو جلد به نگارش در آوردند که در اواخر جلد دوم، حدود ده مسأله مهم در باب مباحث فقهی تغییر جنسیت مطرح کرده اند. این کتاب، چهار سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۷ ش. در نجف اشرف به چاپ رسید. به نظر نگارنده، دیدگاه امام خمینی در این کتاب، سرآغاز مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در جهان است و با جرأت می توان گفت: قبل از ایشان، هیچ فقیه یا دانشمندی این مباحث را مطرح نکرده است. دیدگاه امام خمینی در تحریر الوسيله مهم ترین منبع فقهی برای تبیین جایگاه حقوقی

تغییر جنسیت در بعد از انقلاب اسلامی ایران است. در ادامه، ترجمه دیدگاه امام خمینی را در باب تغییر جنسیت می آوریم:

گفتار دوم: دیدگاه امام خمینی درباره تغییر جنسیت

بند اول: جواز تغییر جنسیت

تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

بند دوم: تبدیل جنس واقعی

آیا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثاری مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟

چنان چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالف واقعی خود بشود، واجب نیست.

بند سوم: تبدیل جنس واقعی

چنان چه شخصی قبل از عمل جراحی، در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی جنسیت وی را تغییر نمی دهد، بلکه آن چه را پنهان است آشکار می سازد، در این صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت کند، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است. بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن چه بر مردان واجب است بر وی واجب و آن چه بر مردان حرام است بر وی حرام می باشد. و اما تغییر شکل و کشف آن چه پنهان است، واجب نیست، مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی یا پاره ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت، تغییر شکل با عمل جراحی واجب می شود.

بند چهارم: تغییر جنسیت پس از ازدواج

اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید تمام

مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل، وقول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.

هم چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر، باطل می شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا به اقوی باید بپردازد.

بند پنجم: تغییر جنسیت زن و شوهر با هم

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد. حکم آن مانند سابق است. اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احوط این است که مجدداً ازدواج کنند، و زن با دیگری ازدواج نکند مگر این که با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آن ها هم چنان برقرار باشد.

بند ششم: سقوط عده

اگر زنی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود حتی عده وفات.

بند هفتم: تغییر عناوین

اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف در آید، نسبت به آن دو به یکدیگر قطع نمی شود، بلکه برادر، خواهر می شود و خواهر، برادر، و نیز اگر هر دو برادر با دو خواهر تغییر جنسیت دهند. و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمه و اگر عمه ای تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمو می شوند. هم چنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می گردند.

بند هشتم: ارث

اگر یکی از کسان پسر و دختری که تغییر جنسیت یافته است بمیرد، پسر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می برد. هم چنین در سایر طبقات ارث. لکن اشکال باقی می ماند در ارث پدر و مادر و جد و جدّه که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، نه پدر فعلی محسوب

می شود و نه مادر فعلی. و نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی، نه مادر است و نه پدر. در این صورت، آیا از نظر تولید، ارث می برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این که ارث نمی برند؟ در این مسأله تردید وجود دارد و بهتر این است که بگوییم ارث می برند و ارث آن ها به لحاظ حال انعقاد نطفه است.

بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه و برای مادر می باشد و احوط این است که با هم مصالحه کنند.

بند نهم: محرمیت

اگر مادر تغییر جنسیت دهد آیا بعد از مرد شدن، مانند پدر، کسانی که بر پسرش حلالند، بر وی محرمند یا نه؟ بعید نیست که محرم باشند، البته با اشکال.

اگر جنسیت پدر تغییر یابد، آیا اکنون که زن شده به پسرش محرم است، هر چند که مادر وی محسوب نمی شود؟ ظاهر این است که نسبت به وی محرم است.

اگر عروس (همسر پسر) تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا به مادر شوهر سابقش محرم است؟ بعید نیست که محرم باشد، البته با اشکال.

بند دهم: نسبت به نزدیکان رضاعی

آن چه در نزدیکان نسبی گفته شد، در نزدیکان رضاعی مانند پدر، مادر، برادر، خواهر و... رضاعی نیز جریان دارد.

بند یازدهم: کشف جنس واقعی

آن چه ذکر شد در مواردی است که تغییر جنسیت واقعی شخص باشد؛ اما اگر عمل جراحی کشف از واقعیت پنهانی بوده و کسی که بعد از عمل، مرد شده از اول مرد بوده است، با این عمل کشف می شود که آن چه بر مرد یا زن صوری مترتب شده، بر خلاف واقع بوده است و در این صورت، مسایل دیگری پیش خواهد آمد. (۱)

ص: ۱۳۵

۱- (۱) امام خمینی؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۲۶-۶۲۸؛ عبدالکریم بی آزار شیرازی؛ رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳-۶۵.

گفتار اول: شرح ماجرا

فردی به نام فریدون که بعداً با تغییر جنسیت، نام «مریم خاتون ملک آرا» را برگزید، قدم های مفیدی در این زمینه برداشته است. وی در سال ۱۳۵۶ ش. و یک سال قبل از انقلاب اسلامی ایران، نامه ای به امام خمینی نوشته و وضعیت بیماری خویش را برای ایشان شرح داد. در سال ۱۳۵۷ ش. به پاریس رفته و از نزدیک با امام خمینی ملاقات کرده و خواهان دریافت مجوز شرعی برای تغییر جنسیت شد، اما به دلیل شرایط حاد انقلاب اسلامی، قضیه مسکوت ماند. بعد از انقلاب اسلامی، و از طریق برخی مسئولین عالی رتبه نظام، به محضر امام خمینی رسیده و بار دیگر شرح ماجرای خود را بیان داشت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت نمود و دفتر امام خمینی در سال ۱۳۶۴ ش. این استفتا را صادر کرد. در ملاقاتی که با ایشان داشتیم، استفتای زیر را در اختیار این جانب قرار داد.

گفتار دوم: فتوای امام خمینی در جواز تغییر جنسیت

بسمه تعالی

تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده اید امید است مراعات حال شما را بکنند. دفتر امام خمینی

بخش استفتاء

و معلوم باشد که رفع اشکال در خنثی به یکی از امور زیر می شود:

۱. اگر دائماً یا غالباً از مجرای مرد بول می کند مرد است و اگر دائماً یا غالباً از مجرای زن بول می کند زن است.
۲. اگر از هر دو مجرا بول می کند، چنان چه در وقت بول کردن از مجرای مرد زودتر بول خارج می شود مرد است و اگر از مجرای زن زودتر خارج می شود زن است.
۳. چنان چه دنده های طرف راست بیش تر از دنده های طرف چپ باشد مرد

است، و گرنه زن است، و در صورتی که با این علائم نتواند تشخیص دهد، چنان چه از علائم دیگر مثل خون دیدن مانند زنان یا روئیدن ریش یا چیزهای دیگر اطمینان پیدا کند که زن یا مرد است باز حل مشکل می شود، و در غیر این صورت، خنثای مشکل است که اگر تکالیفی در محل ابتلای او است که یقین دارد یکی از آن ها را باید عمل کند، لازم است احتیاط را مراعات نماید.

دفتر امام خمینی

بخش استفتاء

مبحث سوم: مقررات پزشکی قانونی و دادگستری جمهوری اسلامی ایران

بعد از فتوای امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۴ ش. مبنی بر جواز تغییر جنسیت، بتدریج عمل های تغییر جنسیت و با مجوزهای قانونی انجام شد. خلاصه مقررات از این قرار است که افرادی که دچار اختلال هویت جنسی (تراجنسیتی) هستند، به پزشکی قانونی مراجعه کرده و پس از چندین جلسه مشاوره، تست و آزمایش، چنان چه بیماری اختلال جنسی آنان تأیید و احراز شد، نامه ای خطاب به دادگستری صادر می شود. دادگستری به استناد نامه پزشکی قانونی، مجوز تغییر جنسیت را صادر می کند و پزشک جراح، به استناد نامه دادگستری، عمل جراحی تغییر جنسیت را انجام می دهد. پروفیسور بهرام میرجلالی، جراح تغییر جنسیت، درباره مراحل قانونی انجام این نوع عمل جراحی چنین می گوید:

«در صورتی که روان پزشک وجود چنین بیماری را تشخیص دهد، بیمار را به یکی از دفاتر خدمات اجتماعی دادسرا ارجاع می دهد. بیمار از این طریق به پزشکی قانونی برای انجام تحقیقات قطعی معرفی می شود. پزشکی قانونی با استفاده از همکاری روان پزشکان، جراحان و متخصصان داخلی و غدد، قطعیت بیماری را بررسی می کند و بعد از محرز شدن آن، طی نامه ای به دادسرا اطلاع می دهد که بیمار مجوز انجام این عمل را دارد یا نه. به این ترتیب، در صورت رأی موافق پزشکی قانونی، دادسرا مجوز انجام جراحی را برای بیمارستان و پزشک جراح صادر می کند. اگر بیماری این مجوز را نداشته باشد، عمل جراحی برایش انجام نخواهد شد. نهایتاً وجود همین

ص: ۱۳۷

مجوز است که به بیمار کمک می کند که بتواند بعد از عمل جراحی، شناسنامه جدید بگیرد». (۱)

مبحث چهارم: رأی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران

پزشکی قانونی در تاریخ ۶۶/۹/۱۷ از اداره حقوقی دادگستری درباره تغییر جنسیت و مسایل مربوط به آن کسب تکلیف نموده است. اداره حقوقی دادگستری این پاسخ را ارایه نموده است:

بسمه تعالی

به: اداره کل پزشکی قانونی

بازگشت به استعلام شماره ۱۰۴/۷۳۸۹-۱۳۶۶/۹/۱۷ که برای اظهار نظر به این اداره ارجاع شده است، نظریه مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر اعلام می شود:

مسأله مطروحه دارای دو صورت است:

صورت اول آن که فردی از نظر پزشکی مرد است، در حالی که دارای آلت تناسلی زنان است یا بالعکس، در این صورت با انجام جراحی، تغییر جنسیت حاصل نمی شود، بلکه با عمل جراحی، جنسیت شخص ظاهر می شود و این امر از نظر حقوقی بلااشکال است. از نظر شرعی هم طبق فتوای حضرت امام خمینی مدظله العالی، در تحریرالوسیله جلد ۲ صفحه ۶۲۷ مسأله ۲ و مسأله ۱۰ بلا اشکال است و بعد از عمل، تمام احکام جنسی که ظاهر شده بر آن مترتب می گردد.

صورت دوم آن است که فردی که شخصاً مرد یا زن است و دارای آلت تناسلی جنس خود می باشد، تصمیم به تغییر جنسیت بگیرد و پزشکان امکان آن را تأیید نمایند. این امر نیز در قوانین منع نشده است، لیکن چون آثار حقوقی فراوانی دارد باید گفت: در صورت تغییر جنسیت این امر تأثیری در حقوق ثابتۀ ندارد و آن را جز در مواردی از

ص: ۱۳۸

۱- (۱) ر. ک: دکتر لاله میراسکندری؛ «روال قانونی برای حل یک مشکل مغزی»، روزنامه همشهری، چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۳، ص ۲۰ و نیز علی ملائکه، «در جسم خود نمی گنجد»، روزنامه شرق، شنبه ۳ مرداد ۱۳۸۳، ص ۳.

قبیل بطلان ازدواج و حلیت و حرمت تغییر نمی دهد. مثلاً اگر زنی بعد از عمل جراحی مرد شود، گرچه ازدواج او از زمان تغییر جنسیت، باطل می گردد، اما مهر او ساقط نمی شود، و یا اگر مردی بعد از عمل جراحی، زن شود، کماکان باید مهر زوجه اش را پردازد هر چند ازدواج او از تاریخ تغییر جنسیت باطل است. هم چنین اگر مادری پس از عمل جراحی تبدیل به مرد شود، ولایتی بر فرزندانش نخواهد داشت. فتوای حضرت امام خمینی مدظله العالی در مسایل ۱ و ۳ و ۶ و ۷ از مسایل تغییر جنسیت، در تحریر الوسیله جلد ۲ صفحات ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ در این مورد نیز بر جواز عمل جراحی و عدم تأثیر آن در حقوق مالی و ولایتی تحقق یافته از قبل، دلالت دارد.

رئیس اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران(۱)

مبحث پنجم: صدور شناسنامه جدید پس از تغییر جنسیت

گفتار اول: وضعیت شناسنامه جدید در دو جنسی ها

تغییر جنسیت در شناسنامه دو جنسی ها ثبت نمی شود. مدیر کل ثبت احوال استان تهران اعلام کرد: در شناسنامه جدید دو جنسی ها، تغییر جنسیت آن ها ثبت نمی شود. سید احمد قشمی در گفت و گو با خبرگزاری فارس با بیان این که در ده سال گذشته، فقط برای دو فرد دو جنسی در تهران، شناسنامه صادر شده است، افزود: در صفحه توضیحات شناسنامه جدید این گونه افراد، فقط تغییر نام ثبت می شود. حتی جزییات تغییر نام که از چه نامی به چه نامی تغییر کرده است، در شناسنامه جدید آورده نمی شود. برای صدور شناسنامه این گونه افراد حتماً باید پزشکی قانونی، تغییر جنسیت آن ها را تأیید و دادگاه نیز حکم لازم برای صدور مجدد شناسنامه را صادر کند. در صورت حکم دادگاه، ثبت احوال هیچ مشکلی در خصوص صدور مجدد شناسنامه برای دو جنسی ها ندارد.(۲)

ص: ۱۳۹

۱- (۱) به نقل از: دکتر فرامرز گودرزی، پزشکی قانونی، ج ۱۳۷۰، ص ۶۱۶.

۲- (۲) پایگاه خبرگزاری شریف نیوز، (sharifnews. Ir)، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۴.

تراجنسیتی ها همانند دیگر افراد جامعه دارای شناسنامه هستند. چنان چه تغییر جنسیت آنان با مجوز قانونی و از طریق پزشکی قانونی و دادگستری صورت گرفته باشد، به استناد همان مجوز می توانند شناسنامه جدید از اداره ثبت احوال دریافت کنند. هرگاه شناسنامه جدید و با نام متناسب با جنسیت جدیدشان به دست آوردند، می توانند به استناد آن سایر اسناد و مدارک را نیز تعویض نمایند.^(۱) مانند: مدارک دانشگاهی، کارت پایان خدمت، گواهی نامه راهنمایی و رانندگی و....

از نظر قانون ثبت احوال، انتخاب نام باید متناسب با جنسیت فرد باشد. پس هرگاه نام فرد، مخالف جنسیت فعلی وی باشد، ثبت احوال با درخواست متقاضی آن را تصحیح خواهد کرد و تشخیص این امر با «شورای عالی ثبت احوال» می باشد.

تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون ثبت احوال می گوید: «انتخاب نام هایی که موجب هتک حیثیت مقدسات اسلامی می گردد و همچنین انتخاب عناوین و القاب و نام های زننده و مستهجن یا نامتناسب با جنس، ممنوع است».

تبصره ۲ همین ماده می گوید: «تشخیص نام های ممنوع با شورای عالی ثبت احوال می باشد و این شورا نمونه های آن را تعیین و به سازمان اعلام می کند».

مبحث ششم: دیدگاه فقها و مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت

اشاره

یکی از منابع ارزشمند در این باره، پرسش هایی است که از برخی مراجع شیعه درباره تغییر جنسیت صورت گرفته است. اکثر فقها و مراجع شیعه، علاوه بر مرحوم امام خمینی، بر عدم حرمت تغییر جنسیت یا جواز تغییر جنسیت نظر داده اند. نام برخی از آنان از این قرار است:

۱. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

۲. آیت الله سید علی سیستانی

ص: ۱۴۰

۳. آیت الله ناصر مکارم شیرازی

۴. آیت الله سید علی خامنه ای

۵. آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

۶. آیت الله حسین علی منتظری

۷. آیت الله محمد ابراهیم جناتی

۸. آیت الله یوسف صانعی

۹. آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی

۱۰. آیت الله محمد مؤمن قمی

۱۱. آیت الله محسن خرازی و.... (۱)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

برای بررسی تغییر جنسیت از منظر حقوق ایران، باید نگارش کتاب تحریر الوسيله در بحث تغییر جنسیت را مد نظر قرار داد. امام خمینی با نگارش این مبحث، فصل جدیدی در حقوق ایران به وجود آورد. «حقوق ایران» با «فقه اسلامی» پیوند خورده است و فقه اسلامی منبع بسیار مهمی برای قوانین جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود. بنابراین، قواعد و مقررات مربوط به تغییر جنسیت نمی تواند از این قاعده مستثنی باشد. بر این اساس، «سازمان پزشکی قانونی ایران» و نیز «دادگستری جمهوری اسلامی ایران» مقررات و ضوابطی برای اعطای مجوز تغییر جنسیت تدوین نموده اند و پس از تغییر جنسیت، مجوزهای دیگر برای تعویض شناسنامه و مدارک تحصیلی صادر می گردد. در حالی که، تغییر جنسیت در سایر کشورهای اسلامی، از نظر حقوق آن کشورها غیر قانونی است. به نظر می رسد دلیل مهم این امر آن است که تغییر جنسیت از نظر فقهای اهل سنت حرام است.

ص: ۱۴۱

بخش دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت

اشاره

ص: ۱۴۳

طرح بحث

یکی از پرسش‌های اساسی، مسأله «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت» است. هر گاه در مجامع علمی و پزشکی، بحث تغییر جنسیت مطرح شده است، اولین پرسش فراروی افراد، این است که آیا از نظر شرعی، این اجازه وجود دارد که عده‌ای، جنسیت خویش را تغییر داده و به جنس مخالف تبدیل شوند؟ آیا این کار، تغییر در خلقت خداوند محسوب نمی‌شود؟ آیا آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیه السلام) این اجازه را داده است که فردی از جنسیت مردانه به جنسیت زنانه، و یا برعکس تبدیل شود؟ آیا تبدیل خنثی یا دو جنسی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث جایز است؟

تغییر جنسیت، دارای حالات و انواع گوناگونی است، مانند: تغییر جنسیت در انسان، تغییر جنسیت در حیوان و تغییر جنسیت در گیاهان. علاوه بر این، «تغییر جنسیت در انسان» نیز دارای موارد یا حالات گوناگون است، مانند: تغییر جنسیت مرد به زن، تغییر جنسیت زن به مرد، تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مردانه یا زنانه و تغییر جنسیت یک انسان کامل به خنثی.

برخی از اقسام تغییر جنسیت، عقلایی بوده و برخی دیگر از اقسام تغییر جنسیت، غیر عقلایی است. به عبارت دیگر، آن چه در عمل واقع می شود تغییر جنسیت مرد به زن و یا بر عکس و نیز تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن است. این که مرد یا زنی خواهان تبدیل به خنثی باشند، عقلایی نبوده و در عمل هم کم تر اتفاق می افتد. (۱) از جهت دیگر نیز ممکن است شخص سالم به خنثی تبدیل شود و آن در صورتی است که عمل جراحی تغییر جنسیت به صورت کامل صورت نپذیرد و از طرف دیگر امکان بازگشت به جنسیت سابق نیز منتفی باشد. از این رو آیت الله سید محمد صدر می گوید:

تبدیل (مرد یا زن) به خنثی، اگر چه هیچ گاه به طور طبیعی مطلوب و مورد درخواست بیمار و پزشک نیست، ولی از نظر فقهی می توان آن را فرض کرد (و به عنوان یک فرع فقهی مورد بررسی قرار داد). دلیل این امر آن است که گاهی عمل جراحی تغییر جنسیت از یک جنس به جنس دیگر به نتیجه نمی رسد و بیمار به جنس سابق خویش نیز باز نمی گردد. در نتیجه، فرد به خنثی (و برزخ بین جنس مذکر و مؤنث) تبدیل می شود که اصلاً هیچ یک از دو جنس مذکر و مؤنث نیست. (۲) سید محمد حسین فضل الله، معتقد است امکان تغییر جنسیت واقعی وجود ندارد و چنان چه با عمل جراحی، آلت تناسلی مردی برداشته شود و حفره ای به عنوان مهبل در شکم او تعبیه شود، در حقیقت به زن تبدیل نشده است، بلکه به خنثی تبدیل شده است، نهایت این که علائم و ظواهر زنانه در وی زیاد مشاهده می شود. (۳) در هر حال، اگر چه تغییر جنسیت، دارای حالات و انواع گوناگونی است، ولی بالاخره این پرسش، حد جامع و قدر مشترک همه آن موارد است که: آیا تغییر جنسیت

ص: ۱۴۶

۱- (۱) محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲.

۲- (۲) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳: «والتحول إلى الخنثی وإن لم یکن مطلوباً و لا مقصوداً بطبیعه الحال للمریض و لا للطیب، ولكن قد یفرض ذلك فقیهياً، من حیث إن عملیه التحول إلى الجنس الآخر لم تنتج، فلن یعود المریض إلى جنسه الأول، وإنما سیصبح خنثی لا بحسب علی أحد الجنسین أصلاً».

۳- (۳) ر. ک: احمد احمد و عادل القاضی، فقه الحیاه، حوار مع محمد حسین فضل الله، ص ۲۲۶-۲۲۷.

توجه به این نکته ضروری است که منظور از «جواز» یا «جواز فقهی» است، و یا «جواز قانونی و حقوقی» مورد نظر است. آثار و پیامدهای هر یک نیز متفاوت است. پس هرگاه این پرسش مطرح شود که: «آیا تغییر جنسیت جایز است یا خیر» و منظور از آن «جواز یا عدم جواز فقهی» باشد، در آن صورت، ضمانت اجرای آن «شرع» یا «قانون گذار الهی» خواهد بود. در این حالت، اگر گفته شود: «تغییر جنسیت جایز است»؛ یعنی خدای متعال از این کار راضی بوده، و در پی انجام تغییر جنسیت، مجازات اخروی وجود ندارد، اما در «جواز یا عدم جواز قانونی و حقوقی»، ضمانت اجرای دولتی نهفته است. بنابراین اگر این عمل، از نظر دولت یک سرزمین مجاز باشد، مرتکبین این عمل، از مجازات مصون خواهند بود، در غیر این صورت، عمل آنان، دارای قابلیت پیگرد است. به همین دلیل، اتباع برخی کشورها، برای تغییر جنسیت و مصون ماندن از مجازات دولت خویش، به کشورهای دیگر که این عمل مجاز است، سفر کرده و پس از تغییر جنسیت به کشور خویش باز می گردند. برای مثال، برخی اتباع کشورهای امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کویت برای تغییر جنسیت به ایران سفر کرده اند. دلیل این امر، عمدتاً ممنوعیت عمل تغییر جنسیت در این کشورها است.

در عین حال، ممکن است یک عمل هم از نظر شرعی و هم از نظر حقوقی، مجاز یا غیر مجاز باشد. از این رو، می توان برای آن حالت های چهارگانه در نظر گرفت:

۱. عمل تغییر جنسیت، از نظر شرعی و قانونی مجاز باشد.

۲. عمل تغییر جنسیت از نظر شرعی و قانونی، غیر مجاز باشد.

۳. عمل تغییر جنسیت از نظر شرعی مجاز، ولی از نظر قانونی غیر مجاز باشد.

۴. عمل تغییر جنسیت از نظر قانونی مجاز باشد، ولی از نظر شرعی غیر مجاز باشد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که تغییر جنسیت، به هر دلیل یا عاملی که اتفاق افتد، مورد توجه ما است. گاه تغییر جنسیت با اراده شخص و به وسیله پزشک جراح صورت می گیرد. در مواردی ممکن است خطای پزشک، موجب تغییر جنسیت، یا

لااقل موجب نارسایی جنسیت گردد. در مواردی، افراد به دلیل اکراه، ضطرار یا حرج به تغییر جنسیت رضایت می دهند و در مواردی ممکن است تبدیل جنسیت به خاطر استعمال هورمون های جنسی یا خود به خود به وجود می آید. (۱) به عبارت دیگر، آن چه از نظر فقه مهم است این است که آیا «تحول و تغییر موضوع» صورت گرفته است یا خیر. این که سبب تغییر و تبدیل چه بوده است، به صورت مستقیم مورد توجه فقه نیست. اگر به سبب و علت تغییر توجه شده است از آن جهت است که آیا این سبب، جایز بوده یا حرام. آیت الله سید محمد صدر در این باره می گوید:

سزاوار است به این مطلب توجه شود که آن چه از نظر فقه مهم است، مسأله تحول (تغییر جنسیت) است، و این که سبب آن چه بوده، از نظر فقه مهم نیست. گاه تغییر جنسیت به وسیله عمل جراحی صورت می پذیرد، همان طور که در عصر کنونی این گونه است و گاه تغییر به وسیله استفاده از غذای معین حاصل می شود، و یا از طریق سحر یا معجزه و یا از طریق هر سبب دیگر. (۲) تغییر و تبدیل جنسیت که به روش های گوناگون پدید می آید، اثر وضعی و تکلیفی خویش را به جای خواهد گذاشت. اثر وضعی عبارت است از خروج این بیمار، از جنس سابق، و الحاق او به جنس لاحق. برای مثال، اگر قبلاً مرد بوده، از گروه مردان خارج شده و جزو زنان محسوب می شود. اثر تکلیفی عبارت است از این که وی باید براساس جنسیت جدید، وظایف و تکالیف شرعی خویش را انجام دهد و انجام تکالیف جنس سابق، منتفی است. (۳) پس از بیان مطالب فوق به عنوان «طرح بحث» اکنون در ضمن چند فصل، مسأله جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت را پی می گیریم. در فصل اول جواز یا عدم جواز تغییر

ص: ۱۴۸

-
- ۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳-۶۴۵، مسأله ۳۷۰۴، ۳۷۱۱ و ۳۷۱۴.
- ۲- (۲) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵: «ینبغی الإلتفات الی أنّ المهم فقہیاً فیما یأتی هو «التحول»، ولکن لا یهم السبب. فقد یکون هو العملیه الجراحیه كما هو الموجود أحياناً فی عصرنا الحاضر وقد یکون سبباً آخر کقطع معین حصل تناوله صدفه او بالسحر او بالمعجزه أو بأی سبب آخر».
- ۳- (۳) همان، ج ۶، ص ۱۳۶.

جنسیت در خنثی (دو جنسی)، در فصل دوم، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت، در فصل سوم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم و افراد تراجنسیتی (خنثای روانی)، و در فصل چهارم جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت را در حیوانات مورد بررسی قرار می دهیم.

ص: ۱۴۹

فصل اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی (دوجنسی ها)

اشاره

همان طور که پیش تر بیان شد، از گذشته تاکنون افرادی در جامعه زیست می کرده اند که از نارسایی جنسی رنج می برند، که در ادبیات فقهی و روایی ما از آن ها به «خنثی» یاد می شود. برای این گروه، در گذشته امکان عمل جراحی وجود نداشت، ولی امروزه با گسترش دانش پزشکی، می توانند با عمل جراحی به یکی از دو جنس مرد یا زن ملحق شوند. آیا از نظر شرعی این عده مجاز به تغییر جنسیت هستند یا خیر؟

در ابتدا و در مبحث اول، نظرات و دیدگاه های فقهای اهل سنت و شیعه در این باره بیان می شود و آن گاه و در مبحث دوم، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مشکل مورد بررسی قرار می گیرد و بالاخره در مبحث سوم جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل بیان می گردد.

مبحث اول: نظرات در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد خنثی

اشاره

در ابتدا نظرات اهل سنت و آن گاه نظرات فقهای شیعه در بحث خنثی بیان می شود.

گفتار اول: نظرات اهل سنت در تغییر جنسیت افراد خنثی

غالب فقیهان و حقوقدانان اهل سنت با تغییر جنسیت مخالفند و تنها تغییر جنسیت در افراد خنثی یا دو جنسی ها را مجاز می دانند، دکتر احمد محمد کنعانی در این باره می گوید:

همانا قانون گذار الهی، تغییر جنسیت حرام کرده است؛ چون تغییر جنسیت مخالف فطرت الهی است، ولی از این تحریم، برخی حالات استثناء شده است، مانند خنثی، که در وی هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه، به گونه متفاوت وجود دارد. این حالت، موجب اضطراب ها و تشویق هایی در جسم و روح خنثی می گردد. پس در این گونه حالات، عمل جراحی برای تغییر جنسیت خنثی به جنس مناسب، طبق تشخیص پزشک، جایز است. (۱) با توجه به اطلاق مطلب فوق، جواز تغییر جنسیت برای هر دو گروه خنثی ها، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل وجود داشته و هر دو گروه مجاز به تغییر جنسیت هستند. تغییر جنسیت در خنثای مشکل، به معنای حذف یک آلت تناسلی و الحاق وی به جنس مقابل است و تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل، به معنای حذف آلت تناسلی ضعیف و الحاق وی به جنسیت غالب وی است.

در سخن فوق، خنثی کسی است که دارای هر دو آلت تناسلی است و اساساً از نظر نویسنده فوق الذکر، بیماری که فاقد هر دو آلت تناسلی است، جزو گروه «خنثی ها» قرار نمی گیرد. این عده به عنوان «ممسوح» شناخته می شوند.

آیا افراد ممسوح که فاقد هر دو آلت تناسلی هستند مجاز به تغییر جنسیت می باشند؟ کلام نویسنده فوق در این باره ساکت است. به نظر می رسد که ممسوح ها نیز باید مجاز به تغییر جنسیت و خروج از ابهام جنسی باشد تا از این طریق بتوانند به جنس مناسب، طبق نظر پزشک متخصص تبدیل شوند.

ص: ۱۵۲

۱- (۱) احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیة، ص ۲۸۵: «فقد حرّم الشارع تغییر الجنس لما فیه من مخالفه للفظه الالهیة، واستثنی من هذا التحريم بعض الحالات کالخنثی التي تختلط فیها أعضاء الذکوره و الأنوثة بدرجات متفاوتة فتؤدی الاضطرابات عضویة و نفسیة، ففی مثل هذه الحالات یجوز إجراء الجراحه لتغییر الجنس إلى الجنس الذی یوافق الحاله حسبما یراه أهل الطبّ».

البته فقیهان شیعه و فقیهان اهل سنت در بحث جواز تغییر جنسیت افراد خنثی اشتراک نظر دارند، اما توجه به این نکته ضروری است عده ای از آنان به وجوب تغییر جنسیت خنثی ها معتقدند^(۱). (۲) به عبارت دیگر، هرگاه انجام واجبات شرعی و ترک محرمات در مورد شخص خنثی وابسته به تغییر جنسیت و تعیین جنسیت واحد است و وی دارای تمکن مالی و جسمی باشد، واجب است تغییر جنسیت دهد.

برخی از اهل سنت برای جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی، دلیل های زیر را بیان داشته اند:

۱. خنثی ها بیمار هستند و ادله جواز معالجه و درمان اجازه می دهد که پزشک جراح به عمل جراحی خنثی ها مبادرت ورزند.

۲. این نوع عمل، تغییر خلق الله نیست؛ چون برای این عمل حاجت و ضرورت وجود دارد. پس عمل جراحی تغییر جنسیت در مورد خنثی ها، استثنایی بر حرمت تغییر خلق الله است.

۳. این که خنثی ها بر وضعیت فعلی خویش صبر نمایند و از عمل جراحی تغییر جنسیت خودداری ورزند، ضرر زیاد و مشقت فراوانی به دنبال دارد که شریعت اسلام خواهان دفع ضرر و تحصیل یسر (آسانی) است.

۴. در این نوع عمل جراحی تدلیس، تزویر و فریب کاری وجود ندارد؛ چون هدف از این نوع عمل جراحی، بازگشت به خلقت اصلی است. پس از نظر شرعی مجاز به تغییر جنسیت است. (۳)

گفتار دوم: نظرات فقیهان شیعه در تغییر جنسیت افراد خنثی

اشاره

بر خلاف اهل سنت، فقیهان شیعه به طور مبسوط، تغییر جنسیت در افراد خنثی را

ص: ۱۵۳

۱- (۱) مانند: میرزا جواد تبریزی، در استفتای شفاهی نگارنده از ایشان؛ مکارم شیرازی، رساله استفتائات، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۲، و گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸؛ منتظری؛ رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲- (۲) مانند طنطاوی، مفتی مصر، ر. ک: علی رضا باریک لو، «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵ (۸۲)، ص ۷۵.

۳- (۳) محمد خالد منصور، الاحکام الطبیة المتعلقة بالنساء فی الفقه الاسلامی، ص ۲۰۷.

مورد بررسی قرار داده اند. در این میان، برخی از فقیهان شیعه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثی را به صورت مطلق بیان داشته اند؛ یعنی بین «خنثای مشکل» و «خنثای غیر مشکل» تفصیل نداده اند، در حالی که عده ای دیگر از فقیهان بین آن دو، تفصیل داده اند. دیدگاه فقیهان شیعه در بحث تغییر جنسیت افراد خنثی را در ذیل بندهای زیر بیان می کنیم:

بند اول: جواز در تغییر جنسیت افراد خنثی مطلقاً - اعم از مشکل و غیر مشکل -

برخی از فقیهان شیعه معتقدند که افراد خنثی، اعم از خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل، مجاز به تغییر جنسیت هستند. البته گروهی از فقیهان در فتوای جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، بین خنثای مشکل و غیر مشکل تفکیک نموده اند و با توجه به اطلاق کلام ایشان، افراد خنثی، اعم از مشکل و غیر مشکل مجاز به تغییر جنسیت هستند. در این میان، برخی دیگر از فقیهان شیعه، افراد خنثی را در دو قسمت شامل: خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل مورد بررسی قرار داده اند، اگر چه در هر دو مورد قائل به جواز هستند. به عبارت دیگر، تفصیل خنثی ها به دو مورد خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل، به معنای تفاوت حکم آن در مورد نیست. در ادامه به کلام هر دو گروه اشاره می شود:

گروه اول

امام خمینی:

ایشان به عنوان اولین فقیهی که مباحث تغییر جنسیت را مطرح ساخته اند، در این باره می گوید:

تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست. آیا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟ چنان چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی

ص: ۱۵۴

می تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالف جنس واقعی خود بشود، واجب نیست. (۱) در توضیح عبارات فوق تذکر دو نکته ضروری است:

اول آن که، کلام امام خمینی در بحث خنثی، به گونه مطلق بیان شده است و شامل «خنثای غیر مشکل» و «خنثای مشکل» هر دو می شود.

دوم آن که، امام خمینی می فرماید: تغییر جنسیت خنثی حرام نیست. منظور از «حرام نیست»، همان «جواز» یا «اباحه» است. در مرحله دوم می فرماید: تغییر جنسیت واجب نیست. به عبارت دیگر، ممکن است کسی احتمال دهد که تغییر جنسیت در خنثی واجب است، که امام خمینی این احتمال وجوب را رد می کند. دلیل «احتمال وجوب» از آن جهت است که خنثی دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه است و در وی جنسیت واحد به صورت کامل و محرز وجود ندارد، تا وی بتواند احکام و وظایف شرعی خویش را متناسب با جنسیت مردانه یا زنانه انجام دهد.

به دیگر سخن، خنثی، اگر یک طرف مکلف به وظایف شرعی است که این احکام برای «مرد» یا «زن» است، و از طرفی، تغییر جنسیت برای او جایز است. از این رو، این احتمال داده می شود که تغییر جنسیت برای احراز قطعی جنسیت واحد، واجب است، تا وی بتواند بدون دغدغه، احکام شرعی خویش را متناسب با جنسیت مردانه یا زنانه انجام دهد. اما امام خمینی در پاسخ این پرسش مقدر، جواب می دهند که: تغییر جنسیت در خنثی واجب نیست؛ چون «صرف خنثی بودن» و نیز «مجرد امکان تغییر جنسیت» موجب تردید در وظیفه فعلی نمی گردد.

در هر حال، خنثی می تواند هم چنان بر وضعیت فعلی خویش باقی بماند، و با

ص: ۱۵۵

۱- (۱) ترجمه از: عبدالکریم بی ازار شیرازی، رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸-۵۵۹: «الظاهر عدم حرمة تغییر جنس الرجل بالمرأه بالعمل وبالعکس، وکذا لایحرم العمل فی الخنثی لیصیر ملحقاً بأحد الجنسین، وهل یجب ذلک لو رأی المرأه فی نفسها تماثلات من سنخ تماثلات الرّجل أو بعض آثار الرجولیه أو رأی المرأه فی نفسه تماثلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا کان الشخص حقیقه من جنس ولكن أمکن تغییر جنسیتة بما یخالفه».

توجه به ملاک ها و امارات شرعی، یکی از دو جنس را برای خویش تعریف و تثبیت کند و احکام و وظایف شرعی خویش را متناسب با جنسیت شناخته شده انجام دهد.

آیت الله محمدرضا گلپایگانی:

سؤال: حکم تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن چیست؟

جواب: ظاهراً جایز می باشد و بعد از تغییر جنسیت باید به وظایف جنسی که تغییر پیدا کرده عمل نماید. (۱) آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)

سؤال: آیا افراد خنثی می توانند تغییر جنسیت بدهند؛ یعنی به زن یا مرد تبدیل شوند؟

جواب: بلی، این افراد می توانند با عمل جراحی، خود را تبدیل به زن یا مرد کنند، و بعد از این که با عمل جراحی، جنس معین شد، تمام احکام آن جنس را خواهند داشت و می توانند با دیگری ازدواج کنند. (۲) آیت الله سید علی خامنه ای:

سؤال: تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به زن یا مرد، با عمل جراحی چه حکم دارد؟

پاسخ: در مورد خنثی، نیز در موردی که فائده معنی به عقلائی در تغییر جنسیت باشد اشکال ندارد. (۳) سؤال: حکم شرعی عمل جراحی برای ملحق ساختن خنثی به زن یا مرد چیست؟

پاسخ: فی حد نفسه مانعی ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام احتراز شود. (۴)

ص: ۱۵۶

۱- (۱) ر. ک: سایت گروه فقه و احکام مدرسه علمیه نرجس علیها السلام.

۲- (۲) محمد فاضل لنکرانی (قدس سره)، جامع المسائل، استفتاءات، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳- (۳) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶.

۴- (۴) همان، سؤال ۵۲۸۰: «سؤال: ماهو حکم إجراء العمليه الجراحیه لإلحاق الخنثی بالمرأه أو بالرجل؟ جواب - لایمانع من ذلك فی نفسه، و لكن يجب التحرز عن المقدمات المحرمه».

آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی:

سؤال: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی، در مورد دوجنسی ها، شرعاً جایز است؟

جواب: عمل جراحی مذکور فی نفسه اشکال ندارد، و الله العالم. (۱) آیت الله یوسف صانعی:

ناگفته نماند که این گونه تغییر جنسیت ها که به مشخص شدن جنس واقعی برای خنثی منجر می شود، چونه ظاهراً مفسده خارجیه ندارد، نمی توان گفت حرام است. (۲) آیت الله سید یوسف مدنی:

.... و اما خنثی، چون احتمال ذکوریت (مرد بودن) و انوئیت (زن بودن) در آن وجود دارد، لذا می تواند، بلکه لازم است به پزشک متخصص رجوع کند تا با عمل جراحی مرد بودن یا زن بودنش مشخص شود. (۳) گروه دوّم

آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی:

اگر مقصود، سؤال از تغییر جنسیت است، به نظر این جانب جایز است اگر درست انجام شود و واقعاً تغییر جنسیت محقق شده باشد؛ یعنی زن، مرد شود یا مرد، زن شود؛ خواه کسی که تغییر جنسیت داده، مرد باشد یا زن یا دو جنسی؛ یعنی خنثی و خواه خنثای مشکل باشد یا غیر مشکل. (۴) آیت الله محمد مؤمن قمی:

فردی که به حسب موازین شرع، زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل) نیز می تواند اقدام به از بین بردن این عضو ناقص نماید و یا عضو اصلی خود را از بین برده و با تقویت عضو

ص: ۱۵۷

۱- (۱) همان، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

۲- (۲) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲-۹۴؛ نیز: مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳- (۳) سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، ص ۴۴.

۴- (۴) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه سؤالات، پاسخ شماره ۵۸۶۹.

ناقص تغییر جنسیت دهد و در هر حال، این عمل جراحی باید طوری انجام گیرد که مستلزم هیچ گونه حرامی نباشد.

فردی که نه زن است و نه مرد (ختنای مشکل)، اصل اقدام به اصلاح و مشخص نمودن وضعیت خودش با عمل جراحی شرعاً جایز است، اما مشکل نظر و لمس نامحرم نسبت به عورت وی به قوت خود باقی است و باید عمل جراحی روی او مستلزم این حرام و یا حرام دیگری نباشد. (۱) آیت الله حسین علی منتظری

سؤال: دو جنسی های کاذب مؤنث که دارای وضعیت کروموزومی مؤنث می باشند، ولی ظاهری کاملاً مردانه دارند، اقدام پزشکی و جراحی برای تغییر ظاهر مردانه در صورت تمایل فرد چه حکمی دارد؟ مسائل محرّمیت و ازدواج او چگونه است؟ هم چنین دو جنسی های کاذب مذکر که دارای وضعیت کروموزومی مردانه هستند، ولی ظاهری کاملاً زنانه دارند، آیا عمل جراحی برای تغییر ظاهر زنانه آن ها جایز است؟ مسایل محرّمیت و ازدواج آن ها و... چگونه است؟

جواب: در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت تمام احکام بعد از تغییر، از حیث محرّمیت و ازدواج و غیر این ها جاری می شود.

سؤال: دو جنسی های حقیقی (ختنای مشکل) از نظر کروموزوم هر دو گوناد را دارا می باشند (تخمندان و بیضه). تبدیل وضعیت فرد چه حکمی دارد؟ آیا شرعاً پزشک یا جامعه مسؤل مشخص نمودن ماهیت جنس بیمار می باشند؟ آیا خواست بیماران صرفاً می تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد؟

جواب: دو جنسی حقیقی که آن را «ختنای مشکل» می نامند، اگر امکان داشته باشد با عمل جراحی از دو جنسی بودن خارج شود اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه درباره او محقق و ثابت است. (۲)

ص: ۱۵۸

۱- (۱) ر. ک: سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۶۹۰-۶۹۱.

۲- (۲) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

آیت الله محمد ابراهیم جناتی:

شخصی که بر طبق موازین شرع زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنثای غیر مشکل)، می تواند عضو اضافی و ناقص خود را از بین ببرد و نیز می تواند با تقویت عضو اضافی و ناقص، تغییر جنسیت دهد، البته اگر با عمل جراحی امکان پذیر باشد.

شخصی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل) جایز است از راه عمل جراحی توسط پزشک خُبره، زن بودن و یا مرد بودن خود را مشخص کند، ولی باید این کار مستلزم حرام نباشد و هر گاه مستلزم آن شود، مانع تشخیصی که برای او از راه جراحی پدید آمده، نمی شود. (۱)

بند دوم: و جوب تغییر جنسیت در افراد خنثی

برخی فقیهان شیعه به وجوب تغییر جنسیت در مورد خنثی ها معتقد شده اند. این حکم مخصوصاً در مورد خنثای مشکل و نیز خنثای غیر مشکل که تغییر جنسیت برای او ضرورت دارد صادق است، تا وی بتواند تکالیف شرعی خویش را انجام دهد.

آیت الله میرزا جواد تبریزی:

در استفتای شفاهی که توسط نگارنده از ایشان در مورد خنثای مشکل شد، اظهار داشتند:

خنثای مشکل اگر امکان [مالی، جسمی و....] داشته باشد واجب است تغییر جنسیت دهد.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی:

سؤال: به طور کلی دو جنسی ها (هرمافرودیت ها) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱. دو جنسی های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن که مشخصات مردانه در آن ها قوی تر باشد یا زنانه، با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲. شبه دو جنسی ها، با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

ص: ۱۵۹

۳. شبه دو جنسی ها، با ظاهر مردانه که واقعاً زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی.

بفرمایید: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعاً جایز است؟

جواب: انجام عمل جراحی در این فرض واجب است. (۱) سؤال: دختری از کودکی لباس مردانه می پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را مرد می داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است، آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می باشد؟

جواب: تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد [که] این امر در افراد دو جنسی واقع می شود به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است. (۲) آیت الله حسین علی منتظری:

سؤال: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می کنند و بعضاً اگر تغییر جنسیت ندهند، احتمال اقدام به خودکشی در آنان هست، آیا اصولاً تغییر جنسیت جایز است؟

جواب: به طور کلی، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن ها ضرورت داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد. (۳) از نظر ایشان، تغییر جنسیت در دو جنسی ها به دلیل اضطرار و اختلالات جسمی و روانی ضرورت دارد. علاوه بر این، مشکل دیگر این گروه وجود حرج از ناحیه انجام تکالیف شرعی است. از این رو، در تبیین وجوب تغییر جنسیت افراد خنثی می گوید:

ص: ۱۶۰

۱- (۱) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

۲- (۲) ناصر مکارم شیرازی، مجموعه رساله استفتاءات، تهیه ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۲؛ و نیز: مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶.

۳- (۳) حسین علی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸.

تغییر جنسیت گاهی ضرورت پیدا می کند، مثلاً گاهی افراد دو جنسی دچار بیماری ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدید می شوند، به طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می داند. علاوه بر این، برای دو جنسی های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن این که دو جنسی های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعی مشکلات بسیاری دارند، مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات و..... و تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آن هاست، تا این که به مردان ملحق شوند یا به زن. (۱)

بند سوم: عدم جواز تغییر جنسیت در افراد خنثی

تا آن جا که نگارنده به دست آورده است، تنها یکی از فقیهان شیعه با تغییر جنسیت خنثی، حتی خنثای مشکل مخالفت کرده است. آیت الله سیدصادق شیرازی معتقد است حتی تغییر جنسیت برای «کشف جنسیت» یا «اظهار جنسیت پنهان» جایز نیست و تنها تغییر جنسیت در حیوانات مجاز است.

در سؤال و جواب از ایشان چنین آمده است:

خنثای کاذب، یعنی کسی که مثلاً از نظر وراثتی مرد است، ولی آلت خارجی وی مخالف آن است و یا برعکس آن. اگر از طریق بررسی و تحقیق معلوم شود که در واقع مرد هستند، اگر چه شکل ظاهری آنان زن است، آیا در این حالت، از بین بردن علائم مردانه و الحاق وی به زن خالص جایز است؟ و همین طور عکس آن؟

جواب: تغییر جنسیت بنا بر قول نزدیک تر به صحت، جایز نیست، و الله العالم. (۲)

تغییر جنسیت مرد به زن و تغییر جنسیت زن به مرد جایز نیست و تغییر

ص: ۱۶۱

۱- (۱) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

۲- (۲) سید صادق حسینی شیرازی، المسائل الطبیة، ص ۱۱۹-۱۲۰: «سؤال: بالنسبة إلى الخنثی الكاذبه - أي أن الشخص فی خلایا جسمه من الناحیه الوراثیه ذكر مثلاً ولكن الآله الخارجیه غیر ذلك أو العکس؟ فإذا علم بالفحص أنه فی الواقع ذكر مثلاً وإن كان الشكل شكلاً أنثویاً فهل يجوز فی هذه الحاله إزالة عوارض الذكوره مثلاً صیورته أنثی خالصه أم لا يجوز ذلك، وكذا العکس؟ جواب: تغییر الجنس لا يجوز على الأقرب، والله العالم».

جنسیت در حیوانات جایز است. (۱) این پرسش مطرح می شود که حال از نظر فقیه فوق الذکر، حتی خنثای مشکل نیز مجاز به تغییر جنسیت نیست، پس وضعیت آنان از نظر ازدواج چگونه است؟ آیا تا آخر عمر باید از ازدواج محروم باشند؟ به اعتقاد آیت الله سید صادق شیرازی، وی می تواند یک جنسیت را برای خود انتخاب کند. به عبارت دیگر، وی در انتخاب جنسیت، دارای تخییر و حق انتخاب است. بنابراین، اگر جنسیت مردانه را برای خود انتخاب کند می تواند با زن ازدواج کند و چنان چه خود را زن می داند، می تواند با مرد ازدواج کند. وی می گوید:

ظاهر آن است که خنثای مشکل، که مرد بودن یا زن بودنش مشخص نیست، جنسیت مردانه انتخاب کند. پس یا خودش را مرد بداند و با دیگران به عنوان مرد تعامل داشته باشد، یا این که جنسیت زنانه را برگزیند، پس خودش را زن بداند و با دیگران به عنوان زن تعامل داشته باشد. (۲) البته فتوای فوق، مخالف فتوای مشهور فقیهان اسلامی اعم از قدما و معاصرین است؛ چه این که فقیهان شیعه بالاتفاق معتقدند که خنثای مشکل باید احتیاط کرده و از ازدواج با زن یا مرد خودداری ورزد. دلیل فتوای مشهور روشن است. از آن جایی که وضعیت جنسی خنثای مشکل با ابهام کامل همراه است و مرد بودن و زن بودن وی مشخص نیست، نمی تواند ازدواج کند؛ چه این که این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش ازدواج کرده و روابط جنسی وی، مصداق هم جنس بازی باشد که از دیدگاه اسلام ممنوع است.

ص: ۱۶۲

-
- ۱- (۱) همان، ص ۱۲۴: «لا يجوز تحويل الرجل إلى المرأة، ولا تحويل المرأة إلى رجل، ويجوز ذلك في الحيوانات».
- ۲- (۲) همان، ص ۱۱۹: «الأظهر أنّ للخنثى المشكل - التي لا يتعين ذكورتها من انوثتها - أن تختار الذكورية، فتعامل نفسها و يتعامل الآخرون معها معاملة الذكورية، أو تختار الأنوثة، فتعامل نفسها و يتعامل الآخرون معها تعامل الأنوثة».

از نظر برخی فقیهان شیعه، اساساً عمل جراحی، در مورد خنتی، اعم از خنتای مشکل یا خنتای غیر مشکل، تغییر جنسیت محسوب نمی شود، و حکم تغییر بر آن مترتب نمی شود. بنابراین، به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، اساساً در خنتی حرام نیست. آیت الله سید محسن خرازی می گوید:

در مورد خنتی - چه مشکل و چه غیر مشکل - قطع یکی از دو آلت تناسلی او برای تقویت دیگری، تغییر جنسیت نیست؛ زیرا یکی از دو آلت تناسلی، زاید است. در خنتای غیر مشکل، به خاطر روشن بودن زایدی یکی از دو آلت، قطع آن موجب تغییر جنسیت نمی شود.

در خنتای مشکل، عضو ممکن است زاید یا اصلی باشد؛ لذا قطع آن مردد بین تغییر و غیر تغییر است و این، شبهه موضوعیه تغییر است و حکم تغییر بر آن مترتب نمی شود و به فرض که تغییر جنسیت حرام باشد، در خنتی حرام نیست؛ چون صدق تغییر جنسیت، بر آن مسلم نیست. معالجه خنتی - مشکل یا غیر مشکل - اشکالی ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه، کارهای ممنوع را مباح می کند؛ اگر چه مستلزم نگاه و لمس باشد. از جهت ضرر رساندن نیز حرمتی نیست؛ زیرا گفتیم که این کار، برداشتن عضو زاید است نه ایجاد نقص، علاوه بر این که در خنتای مشکل، صدق نقص و ضرر، مسلم نیست. (۱)

ص: ۱۶۳

۱- (۱) سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، مجله فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۴۳: «وَأَمَّا الْخَنْثَى - سِوَاءَ كَانَتْ مُشْكَلاً أَوْ غَيْرَ مُشْكَلاً - فَتَقْلَعُ إِحْدَى آلْتَيْهِ لِتَقْوِيَةِ الْآخَرَى لَا يَكُونُ تَغْيِيرًا لِلْجَنْسِيَةِ؛ فَإِنَّ إِحْدَى الْآلْتَيْنِ فِي كُلِّ مِنْهُمَا زَائِدَةٌ. فَفِي غَيْرِ الْمَشْكَالِ تَكُونُ زِيَادَتُهُ وَاضِحَةً، فَتَقْلَعُ الزَّائِدَةَ لِأَيُّوجِبُ تَغْيِيرًا كَمَا هُوَ وَاضِحٌ، وَفِي الْمَشْكَالِ فَالْعَضْوُ يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ زَائِدًا كَمَا يُمْكِنُ أَنْ يَكُونَ عَضْوًا أَصْلِيًّا، فَلَقْلَعُ مَرْدَدٌ بَيْنَ كَوْنِهِ تَغْيِيرًا أَوْ غَيْرَ تَغْيِيرٍ، فَهُوَ شَبْهَةٌ مَوْضُوعِيَّةٌ لِلتَّغْيِيرِ فَلَا يَتَرْتَبُ عَلَيْهِ حُكْمُ التَّغْيِيرِ، فَلَوْ كَانِ التَّغْيِيرُ لِلْجَنْسِيَةِ مُحَرَّمًا لَمَا أُمْكِنَ الْقَوْلُ بِحَرْمِهِ ذَلِكَ فِي الْخَنْثَى؛ لِعَدَمِ إِحْرَازِ أَنَّ تَغْيِيرَ الْجَنْسِيَةِ. وَعِلَاجُ الْخَنْثَى - سِوَاءَ كَانَتْ مُشْكَلاً أَوْ غَيْرَ مُشْكَالٍ - لَا إِشْكَالَ فِيهِ؛ لِأَنَّ ضَرُورَةَ الْمَعَالِجَةِ تَبِيحُ الْمُحْظُورَاتِ وَ لَوْ كَانَتْ مُسْتَلْزِمَةً لِلنَّظَرِ وَالْمَسِّ، وَلَا حَرْمَةَ مِنْ جِهَةِ إِيرَادِ الضَّرَرِ؛ لَمَا عُرِفَتْ مِنْ أَنَّ رَفْعَ الزَّائِدَةِ لَا النِّقْصَ، وَ أَيْضًا لِعَدَمِ إِحْرَازِ أَنَّ نِقْصَ وَ ضَرَرَ فِي الْمَشْكَالِ».

از نظر اهل سنت، تغییر جنسیت تنها در افراد خنثی (دو جنسی ها) جایز است؛ چون در این افراد، اضطراب و تشویش فراوانی وجود دارد و برای رهایی از بلا تکلیفی جنسی، عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت ضرورت دارد.

فقیهان شیعه، بر خلاف اهل سنت، درباره تغییر جنسیت افراد خنثی با تفصیل بیش تری سخن گفته اند. به دلیل فوق الذکر، یعنی وجود اضطراب و ناهماهنگی جنسی، همه فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت در افراد خنثی جایز است. در این میان، تنها یکی از فقیهان شیعه، با نظر فوق مخالفت کرده است. از نظر وی، تغییر جنسیت مطلقاً، حتی در خنثی ها، ولو خنثای مشکل جایز نیست و با توجه به اطلاق کلام ایشان، تغییر جنسیت حتی برای کشف جنسیت نیز جایز نیست.

فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت خنثی ها یا دو جنسی ها نظر داده اند، معتقدند که باید از ملازمات حرام مثل لمس حرام و نظر حرام پرهیز شود، مگر این که عمل جراحی، غیر قابل اجتناب باشد. برای مثال، خنثای مشکل یا دو جنسی کامل که زن بودن و یا مرد بودنش روشن نیست، علاوه بر این که از نظر جسمی و روحی در اضطراب و بلا تکلیفی شدیدی گرفتار آمده است، از نظر شرعی نیز در حرج و گرفتاری است؛ به گونه ای که انجام احتیاطهای شرعی برای وی، با عسر و حرج شدید همراه است. از این رو، عده ای از فقیهان شیعه معتقدند: در صورت امکان مالی، جسمی و... تغییر جنسیت و عمل جراحی دو جنسی یا خنثی برای تبدیل به مرد یا زن واجب است.

به نظر می رسد ضرورت تغییر جنسیت برای خنثی ها به دلیل علائم جنسی دو گانه، غیر قابل انکار است و در این امر فرقی بین خنثای مشکل و خنثای غیر مشکل نیست. البته اضطراب و تشویش در مورد خنثای مشکل، به مراتب بیشتر از خنثای غیر مشکل است، ولی خنثای غیر مشکل نیز از وضعیت جنسی خویش به شدت رنج می برد و از نظر پزشکان تنها راه درمان، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت است و از این طریق، آلت تناسلی ضعیف حذف شده و جنسیت دیگر تقویت و کامل می شود.

خنثای مشکل به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دوگانه دارند و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. همان طور که پیش تر گذشت، ازدواج برای این گروه حرام است.^(۱) چون شرط ازدواج این است که دو «غیر هم جنس» با یکدیگر وصلت نمایند. از آن جایی که جنسیت واقعی خنثای مشکل روشن نیست، احتمال دارد که در صورت وقوع ازدواج، با «هم جنس» خویش ازدواج نماید. نیز خنثای مشکل باید رعایت احتیاطهای شرعی را بنماید؛ یعنی هم واجباتی که برای مرد لازم است انجام دهد و هم واجبات زن را انجام دهد. نیز خنثای مشکل، باید از امور حرامی که برای مردان و زنان وجود اجتناب نماید. البته این احکام در صورتی است که خنثی در طبیعت ثالثه ندانیم.

اکنون با توجه به وضعیت فوق، آیا جایز است که خنثای مشکل تغییر جنسیت دهد؟

در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت فی نفسه و بدون ملاحظه ملازمات حرام، حرام نیست و دلیلی از کتاب و سنت بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد. در مباحث آینده به تفصیل ادله قائلین به حرمت تغییر جنسیت بیان شده و پاسخ آن نیز آمده است. همچنین در ادامه، ادله قائلین به جواز تغییر جنسیت ذکر شده است. از این رو، از تکرار آن خودداری می کنیم.

علاوه بر این، خنثای مشکل، به دلیل اختلال شدید هویت جنسی و مشقت انجام احتیاطهای شرعی، مجاز به تغییر جنسیت است. بنابراین، با توجه به «قاعده اضطرار» و «قاعده نفی عسر و حرج» وی می تواند تغییر جنسیت دهد. در ادامه، توضیح بیش تری درباره دو قاعده فوق، و تطبیق آن به مسأله «خنثای مشکل» یا دو جنسی کامل داده می شود:

گفتار اول: تمسک به قاعده اضطرار

قاعده اضطرار، یکی از قواعد مشهور فقهی است که مستند آن، آیات متعدد قرآن

ص: ۱۶۵

۱- (۱) ر. ک: محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲؛ محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۵؛ علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵؛ محمد علی اراکی، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال ۵۸۶۸.

کریم و برخی روایات اسلامی است. از باب نمونه، تنها به یک آیه و دو روایت اشاره می شود:

أَمَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛(۱)
خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آن چه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شده، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۲) علامه طباطبایی، در تفسیر المیزان می گوید که «غیر باغ و لاعاد» از نظر نحوی، حال هستند؛ یعنی در حالی که ظالم و متجاوز نباشد. به عبارت دیگر، کسی که ناچار از خوردن بعضی از این محرّمات شود و این ناچاری و اضطرار در حالی باشد که ظالم و متجاوز از حد نباشد، مانعی ندارد که از آن ها بخورد؛ ولی اگر در حال ستم و تعدی، ناچار از خوردن شود، به این معنا که ستم و تعدی و تجاوز سبب اضطرار او شده باشد، خوردن محرّمات برای وی جایز نخواهد بود. (۳) و (۴) قال الصادق (ع)

(...لیس شیء مما حرّم الله الا و قد احلّه لمن اضطر اليه؛(۵)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: هیچ چیز نیست از آن چیزهایی که خداوند حرام کرده است، مگر این که آن را برای شخص مضطر حلال کرده است.

قال الصادق (علیه السلام):

مَنْ اضْطُرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِّ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ فَلَمْ يَأْكُلْ

ص: ۱۶۶

-
- ۱- (۱) سوره بقره (۲)، آیه ۱۷۳.
 - ۲- (۲) ترجمه از ناصر مکارم شیرازی.
 - ۳- (۳) محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ذیل آیه ۱۷۳ سوره بقره.
 - ۴- (۴) برای ملاحظه آیات دیگر که دلالت بر قاعده اضطرار دارد به آیه ۳ سوره مائده و آیه ۱۱۹ سوره انعام مراجعه کنید.
 - ۵- (۵) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۹۰، ابواب قیام، باب ۱، حدیث ۶ و ۷؛ همان، ج ۴، ص ۶۹۹، ابواب القیام، باب ۷، حدیث ۱؛ همان، ج ۱۶، ص ۱۶۵، ابواب الایمان، باب ۱۲، حدیث ۱۸.

شيئاً من ذلك حتى يموت فهو كافراً؛^(۱)

امام صادق(عليه السلام) فرمود: هر کس به گوشت مردار و خون و گوشت خوک مضطر شود و از آن ها تناول نکند تا بمیرد، [به حکم خدا] کفر ورزیده است.

گویا در این روایت، امام صادق(عليه السلام) رفع اضطرار را واجب شرعی تلقی کرده و امتناع از آن را مخالفت با خداوند متعال و مصداق کفر به حساب آورده است.

مقدس اردبیلی در تعریف اضطرار می گوید:

الاضطرارُ ما لم يَمَكِنِ الصَّبْرُ عَلَيْهِ مِثْلَ الْجُوعِ؛^(۲)

اضطرار آن است که صبر بر آن ممکن نباشد، مانند گرسنگی.

در تعریف دیگر از «اضطرار» گفته شده است:

واقع شدن شخص تحت شرایط و موقعیت تهدیدآمیز که خروج از آن مقتضی ارتکاب فعلی باشد.^(۳) خنثای مشکل یا دو جنسی کامل در اضطرار واقع شده است و زندگی وی مصداق آشکار اضطرار است و تغییر جنسیت برای وی یک امر ضروری و غیر قابل انکار است. او با تغییر جنسیت می تواند از «بلا تکلیفی جنسی» خارج شده و در این صورت، امکان شرعی ازدواج برای وی فراهم گشته و از «رعایت احتیاطهای شرعی» خلاصی پیدا می کند. وی دچار بیماری شدید جسمی است و برای بقای حیات خویش و کسب سلامتی، نیازمند عمل جراحی است. بنابراین، حتی اگر معتقد شویم که تغییر جنسیت، حرام است، این امر، برای خنثای مشکل، به دلیل بیماری شدید جسمی مجاز خواهد بود.

در تأیید مطلب فوق می توان گفت که برخی مراجع تقلید شیعه که تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را حرام می دانند، در مورد «خنثای مشکل» معتقدند که این گروه اگر توان مالی و جسمی دارند، برای آنان تغییر جنسیت واجب است چنان آن که آیت الله

ص: ۱۶۷

۱- (۱) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۲۰.

۲- (۲) محقق اردبیلی، زبده البیان فی احکام القرآن، ص ۳۶۳.

۳- (۳) عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۱، ص ۵۷۷.

میرزا جواد تبریزی، معتقد است که: تغییر جنسیت جایز نیست. (۱) با این حال، با استفتایی که نگارنده از ایشان در مورد «تغییر جنسیت خنثای مشکل» انجام داد، اظهار داشتند:

اگر برای آنان [خنثای مشکل] امکان [مالی، جسمی] وجود داشته باشد، واجب است تغییر جنسیت دهند.

فقها (۲) و حقوق دانان (۳) اهل سنت که عمدتاً با تغییر جنسیت مخالف هستند و آن را حرام می دانند، در مورد تغییر جنسیت افراد خنثی، بویژه خنثای مشکل به جواز آن اعتقاد دارند.

گفتار دوم: تمسک به قاعده نفی عسر و حرج

اشاره

قاعده نفی عسر و حرج، از قواعد معروف فقهی است که در تمام باب های فقه قابل جریان است. «عسر» ضد معنای «یسر» و به معنای: ضیق، تنگی، تنگنا و مشکل است. «حرج» نیز به معنای: تنگنا و سختی است. البته با این تفاوت که عسر از لحاظ معنا، خفیف تر از حرج است. به عبارت دیگر، حرج، تنگنا و مشکل بسیار شدید را گویند. (۴) در هر حال، هر دو از لحاظ حکم یکسان است؛ یعنی هر گاه تنگی و مشکل و شدت غیر قابل تحمل وجود داشته باشد، حکم برداشته شده است. اگر عسر و حرج ناشی از یک تکلیف خارج از طاقت انسان باشد و موجب اختلال نظام زندگی فرد و جامعه گردد، چنین حکمی از انسان برداشته می شود.

استفاده از قاعده نفی عسر و حرج یا نفی اضطرار در ارائه خدمات پزشکی توسط جنس مخالف، در واقع استمداد از «عناوین ثانویه» است. لذا بجاست ابتدا توضیح مختصری درباره این دو عنوان داده شود.

ص: ۱۶۸

۱- (۱) ر. ک: مرکز فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

۲- (۲) مانند یوسف قرضاوی، در کتاب: الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۶ ۱۵۵.

۳- (۳) مانند احمد محمد کنعانی، در کتاب: الموسوعه الطیبه الفقهیه، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۴- (۴) ر. ک: سید محمد کاظم مصطفوی، مائه قاعده فقهیه، ص ۲۹۸.

عناوین اولیه، احکامی هستند که صرف نظر از عوارض مختلفی که بر آن‌ها عارض می‌گردد، مورد توجه قرار گیرند. مانند: حرمت خوردن گوشت مردار و حرمت نظر و لمس بدن نامحرم. اما در عناوین ثانویه، با رعایت مصلحت - البته در چارچوب قواعد دقیق و شناخته شده فقهی و در مرزهای معین حکم شرعی - به صورتی متفاوت با آن چه که از عناوین اولیه استنباط می‌شود، جاری می‌گردد. مانند مجاز بودن خوردن همان گوشت مردار برای کسی که در اضطرار و خطر جانی قرار گرفته (البته تا مرز رفع خطر، نه بیش تر از آن)، یا لمس و نظر به بدن بیمار توسط پزشک و پرستار از جنس مخالف (البته در محدوده ضرورت قطعی، نه فراتر از آن). به عبارت دیگر، می‌توان تفاوت‌های زیر را در این دو مورد به شرح ذیل یافت:

۱. عناوین اولیه مشخص اند ولی عناوین ثانویه، تابع قاعده «الاهم فالاهم» می‌باشد.

۲. عناوین اولیه پایدار و ثابت است، اما عناوین ثانویه موقت و برحسب ضرورت، در مکان یا زمان معین و نزد شخص معینی جاری می‌گردد.

۳. عناوین اولیه نسبت به همه افراد یکسان است، اما عناوین ثانویه نسبت به اشخاص، متغیر است.

همان گونه که اشاره شد، بهره‌گیری از عناوین ثانویه تابع قواعد مشخص فقهی است و عمده‌ترین موارد رجوع به عناوین ثانویه عبارتند از: ضرورت و اضطرار، نفی عسر و حرج، مقدمه واجب، استفاده از قاعده لاضرر، حکم ولی فقیه در مصالح اجتماعی، حفظ نظام اسلامی و.....

در هر حال، از جمله قواعد فقهی که به کمک آن‌ها دشواری‌های غیر قابل تحمل بر طرف و بن بست‌ها موقتاً به خاطر مصلحت بزرگ‌تر گشوده می‌شود، «قاعده نفی عسر و حرج» است که در خدمات پزشکی قرن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، و حتی با فراهم کردن شرایط مناسب و غیر اضطراری نیز، هر لحظه که پای اضطرار و حرج، مجدداً به میان آید، توسل به آن‌ها میسر و کارگشا است. البته چنین توسلی باید در حریم تعیین شده صورت گیرد و به حداقل ضرورت اکتفا شود.

لازم است یادآور شویم که مسأله حرج و عسر با دشواری های قابل تحمل فرق دارد، زیرا اصولاً انجام برخی دستورات شرعی ذاتاً مشکل است و باید به خاطر مصالح مهمی که در کار است آن مشکلات را تحمل کرد، چنان که روزه، جهاد و مانند این ها هر کدام مشکلاتی دارند و از مصادیق حرج محسوب می شوند.

در این جا، از باب نمونه، تنها به چند دلیل، از آیات و روایات مربوط به قاعده نفی عسر و حرج اشاره می شود:

بند اول: کتاب

آیاتی از قرآن کریم بر قاعده نفی عسر و حرج دلالت دارد. برخی از آن ها از این قرار است:

۱. **وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ (۱)**

و خداوند در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار نداد.

۲. **يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ (۲)**

و خداوند راحتی شما را می خواهد و نه زحمت شما را.

۳. **مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ؛ (۳)**

خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند.

این آیات شریفه، دلالت واضح بر این امر دارند که خداوند متعال در دین مقدس اسلام، حکم حرجی تشریح نکرده است، بلکه دین اسلام، سهل و سمحه است و افراد متدین به این دین، از ناحیه احکام شرعی در وسعت و سعه هستند. از این رو، از ناحیه هر حکمی که حرج و استیصال و مشقت لازم آید، به دستور این آیات شریفه، این حکم برداشته شده است. (۴) امام صادق (علیه السلام) درباره خوارج نهروان - که زندگی خشک،

ص: ۱۷۰

۱- (۱) سوره حج (۲۲)، آیه ۷۸، با ترجمه مکارم شیرازی.

۲- (۲) سوره بقره (۲)، آیه ۱۸۵، با ترجمه مکارم شیرازی.

۳- (۳) سوره مائده (۵)، آیه ۶، با ترجمه مکارم شیرازی.

۴- (۴) میرزا حسن بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۵۶.

بی منطق و دشواری را برای خود انتخاب کرده بودند - فرمودند:

إِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيِّقُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِجَهَالَةٍ وَإِنَّ الدِّينَ أَوْسَعُ مِنْ ذَلِكَ؛ (۱)

همانا خوارج، از روی نادانی بر خویشتن سخت و تنگ گرفته بودند، در حالی که دین وسیع تر از آن است (که آن ها فکر می کنند).

بند دوم: سنت

روایت های متعددی از معصومان علیهم السلام نقل شده که مبنای قاعده نفی عسر و حرج قرار گرفته است. یکی از مهم ترین آن ها، روایت زیر است:

روایت عبد الاعلی آل سام:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعُ ظَفْرِي فَجَعَلْتُ عَلَىٰ اصْبَعِي مَرَارَةً فَكَيْفَ اصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ قَالَ: يَعْرِفُ هَذَا وَاشْبَاهَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: قَالَ اللَّهُ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرْجٍ، امْسَحْ عَلَيْهِ؛ (۲)

راوی به امام صادق (علیه السلام) می گوید: به زمین برخورد کردم و ناخنم جدا شد. انگشت را با پارچه ای بستم. حال چگونه وضو بگیرم؟ امام (علیه السلام) فرمود: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می شود، زیرا خداوند فرموده است در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است، پس بر آن مسح کن.

از این پاسخ امام صادق (علیه السلام) نکات زیر به دست می آید:

۱. نفی حرج، یک قاعده کلی است و طبق رهنمود امام (علیه السلام) می توان از آن برای رفع احکامی که برای مکلفان، مضیقه ساز و مشقت آور است، استفاده کرد.

۲. از این که امام (علیه السلام) به جای نفی حرج ذیل آیه وضو - که تناسب بیش تری با سوال دارد - به نفی حرج مذکور در آیه ۷۸ سوره حج استناد می کند، چنین بر می آید که

ص: ۱۷۱

۱- (۱) القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۲۵۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۷۱، ابواب النجاسات، باب ۵۰، حدیث ۳؛ تهذیب الاحکام، حدیث ۲، ص ۳۶۸، حدیث ۱۵۲۹، باب ما لایجوز الصلاه فیه، حدیث ۶۱؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۷، باب ما یصلی فیه و ما لایصلی فیه، حدیث ۷۹۱.

۲- (۲) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲۷؛ محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۱، ص ۱۱؛ محمد بن حسن طوسی،

لا حرج مذکور در آیه اخیر، علاوه بر این که از عمومیت و شمول بیش تری نسبت به آیه وضو برخوردار است، بیش تر مربوط به حرج عرفی است تا حرج ذاتی که در آیه وضو ذکر شده است. (۱) وضعیت جسمی در خنثای مشکل یا دو جنسی کامل، مصداقی روشن از عسر و حرج و مشقت است که زندگی را برای وی بسیار ناراحت کننده قرار داده است. رعایت احتیاطهای شرعی نیز برای آنان دشوار است. از این رو، آنان می توانند با تغییر جنسیت، خود را به جنس مطلوب تبدیل نمایند و چنان چه فرضاً تغییر جنسیت حرام باشد، به دلیل قاعده نفی عسر و حرج، حکم تکلیفی حرمت برداشته می شود.

آیت الله سید محمد صدر نیز معتقدات هر گاه کسی مانند خنثی، گرفتار حرج و مشکل فراوان شده باشد جایز است تغییر جنسیت داده و جنسیت واحد اختیار کند تا از جهت انجام تکالیف شرعی در مشکل واقع نشود. وی می گوید:

این که فرد از ناحیه جنسیت فعلی اش، و قبل از تغییر جنسیت، چه دنیوی و چه دینی، در دشواری و مشکل شدید باشد، مانند آن جایی که شخص، خنثی باشد. او از جهت رعایت احتیاطهای شرعی در سختی شدید است. او می خواهد به جنس مرد یا زن تغییر جنسیت دهد، تا به صورت معین و مشخص [و به عنوان مرد یا زن] وظایف شرعی خویش را انجام دهد. (۲) ایشان در ادامه کلام فوق می گوید: یکی از موانع شرعی برای تغییر جنسیت خنثای مشکل، وجود «ضرر» است. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت همراه با ضرر [جسمی یا مالی یا...] است، و هر کاری که همراه با ضرر و زیان باشد، از نظر شرعی ممنوع است.

اما در ادامه، ایشان از اشکال فوق این گونه پاسخ می دهد که تحمل این ضرر،

ص: ۱۷۲

۱- (۱) مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۸۵.

۲- (۲) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲: «أن يكون الفرد في حرج شديد من جنسه الفعلي قبل التبديل إما دنيوياً أو دينياً. كما لو كان خنثى، وهو متحرج من احكامه الشرعيه الاحتياطيّه، كما هو المشهور في حقه، فهو يريد أن يتحول إلى أحد الجنسين الاخرين، لكي يتقن عليه التكليف الشرعي».

عقلایی است؛ چه این که انجام احتیاطهای شرعی برای خنثای مشکل، بسیار سخت و دشوار است. برای مثال، خنثای مشکل نمی تواند با هیچ فردی، چه زن و یا مرد ازدواج کند. (۱) در حالی که اگر خنثای مشکل به مرد تبدیل گردد، احکام خنثی از او برداشته شده و احکام مردها برای او ثابت می گردد. نیز چنان چه خنثای مشکل به زن تبدیل شود، احکام زنان برای وی ثابت می گردد. (۲) علاوه بر این، گفته شده که تغییر جنسیت از نظر اخلاقی نیز مذموم است؛ چون اقدام به تغییر جنسیت، حاکی از «عدم رضایت فرد به خلقت خویشتن» و «تلاش برای تغییر خلقت الهی» است، تا جایی که گفته شده که تغییر جنسیت به این دلیل، حرام است. (۳) در ارتباط با کلام فوق چند نکته بیان می شود:

اولاً، به صرف وجود یک نکته اخلاقی، حرمت فقهی به عنوان یک حکم شرعی ثابت نمی شود. (۴) آن چه به عنوان منابع فقه ثابت شده است عبارتند از: کتاب، سنت، عقل و اجماع. بنابراین، استنباطات اخلاقی بدون استناد به یکی از منابع چهارگانه فقهی، حکم شرعی فقهی را اثبات نمی کند و هرگز نمی توان آن را به عنوان یک حکم شرعی به شارع مقدس یا قانون گذار الهی نسبت داد.

ثانیاً، اقدام خنثای مشکل به تغییر جنسیت و تلاش وی برای تبدیل به یکی از دو جنس مرد یا زن، به معنای: «عدم رضایت فرد از خلقت خویشتن» یا به معنای «تلاش برای تغییر خلقت الهی» نیست، بلکه به معنای کوشش وی برای درمان بیماری جسمی و خروج از اختلال هویت جنسی است. وی با تغییر جنسیت می تواند به یکی از دو جنس مرد یا زن تبدیل شده و از انجام احتیاطهای شرعی - که نوعاً خنثاهای مشکل قادر به انجام آن نیستند - نجات پیدا کند. برای مثال، امکان ازدواج با جنس مخالف خویش را پیدا می کند.

ص: ۱۷۳

۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسألة ۳۷۰۲.

۲- (۲) همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

۳- (۳) همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

۴- (۴) همان، ج ۳، ص ۶۴۳.

نیز، اقدام خنثای مشکل یا دو جنسی کامل به عمل جراحی، از نظر عقلاً پذیرفته شده است و تقریباً همه فقیهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی با تغییر جنسیت خنثای مشکل موافقتند که توضیح بیش تر در صفحات آینده می آید.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

خنثای مشکل، یا دو جنسی کامل یا هرمافرودیت حقیقی، به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی، جنسیت بینابین و دو گانه دارد و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده ملزم به رعایت احتیاطهای شرعی بوده، و برای مثال، ازدواج برای آنان حرام است، چه این که این احتمال وجود دارد که وی با هم جنس خویش وصلت کرده باشد، که در این صورت، ازدواج آنان باطل و روابط جنسی آنان نامشروع خواهد بود.

اگرچه برخی فقهای شیعه و تمام فقیهان اهل سنت به حرمت تغییر جنسیت در انسان سالم معتقدند، با این حال، در مورد خنثای مشکل یک وحدت عقیده وجود دارد و همه آنان به جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل معتقد شده اند. اما توجه به این نکته ضروری است که «جواز» به معنای «ضرورت و الزام به تغییر جنسیت» نیست. تنها در صورتی که امکان مالی و توان جسمی وجود داشته باشد برای رفع بلا تکلیفی و خروج از وضعیت مبهم جنسی، تغییر جنسیت واجب خواهد بود. بنابراین، سخن شیخ طنطاوی،^(۱) مفتی مصر، که به وجوب عمل جراحی برای خنثی معتقد شده است، قابل مناقشه است. لذا، نمی توان گفت که انجام عمل جراحی یا هورمون درمانی بر شخص واجب است؛ زیرا ممکن است افرادی باشند که از انجام عمل جراحی ترس داشته باشند و یا به علت کهولت سن و پیری، توان یا حوصله درمان را نداشته باشند و یا به دلیل بالا بودن هزینه درمان، توان مالی نداشته باشند.

نتیجه آن که در مشروعیت یا جواز تغییر جنسیت خنثای مشکل یا دو جنسی کامل، مخالفت خاصی وجود ندارد و این عده می توانند بر مبنای نظریه متخصص به جنسی ملحق شوند که متخصص برای آنان تشخیص داده است.

ص: ۱۷۴

۱- (۱) ر. ک: علی رضا باریک لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۵.

آن چه بیان شد جواز تغییر جنسیت افراد خنثی، با ملاحظه امر ثانوی یعنی وجود حرج و اضطراب است. از نظر اصلی اولی، تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. توضیح بیش تر این مسأله در فصل سوم خواهد آمد.

مبحث سوم: ادله جواز تغییر جنسیت در خنثای غیر مشکل

اشاره

خنثای غیر مشکل، با توجه به قرائن و امارات شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می شوند. به عبارت دیگر، تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس، می توانند ازدواج کنند و احکام شرعی دیگر را باید متناسب با جنسیت خویش انجام دهند.

اما این سخن به این معنا نیست که این گروه، فاقد مشکل جسمی هستند، بلکه مانند «خنثای مشکل» دارای ابهام و اشکال جنسی هستند و در مورد آنان، حالت برزخ جنسی به گونه ای است که گاه حالت های جنس مخالف در وجود آنان ظاهر شده و شدیداً آنان را آزار می دهد. برای رفع تحیر جنسی و خلاصی از بلا تکلیفی، عمل جراحی برای آنان ضرورت دارد تا کاملاً به یک جنس (مذکر یا مؤنث) سوق داده شوند. تغییر جنسیت در مورد آنان، به معنای تبدیل خنثی به مرد یا زن است. آیا این عمل حرام است؟

به نظر می رسد عمل جراحی و تغییر جنسیت جایز است. برخی از دلایلی که می توان برای جواز تغییر جنسیت «خنثای غیر مشکل» بیان کرد، همان است که در بحث «خنثای مشکل» گذشت. مانند: استناد به قاعده نفی عسر و حرج، استناد به قاعده نفی اضطراب و مانند آن. البته استناد به این دو قاعده، به عنوان «حکم ثانوی» است و تغییر جنسیت - همان طور که پیش تر تذکر داده شد و در آینده به تفصیل توضیح داده می شود - فی حد نفسه مجاز است و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

از نظر برخی فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت حقیقی؛ یعنی تبدیل مرد به زن و یا بر عکس، تا به حال اثبات نشده است، و بلکه یکی از مصادیق تغییر جنسیت، الحاق «خنثای غیر مشکل» به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث است. آیت الله علی مشکینی می گوید:

ظاهر آن است عمل جراحی تغییر جنسیت برای خنثی جایز است، پس اگر به

یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق شود و به صورت معین، آثار آن جنس در وی ظاهر شود، در این حالت، تغییر جنسیت صدق می کند و آثار شرعی جنس جدید [مرد یا زن] بر وی جاری خواهد شد، و اگر آثار هیچ کدام از دو جنس مذکر و مؤنث در وی ظاهر نشود، وی «خنثای مشکل» است. (۱) آیت الله محمد مؤمن قمی نیز معتقد است عنوان «تغییر جنسیت» در عمل جراحی خنثای غیر مشکل صدق می کند. وی می گوید:

اگر تغییر جنسیت صدق کند، تنها در خنثای غیر مشکل، در صورتی که آلتی را قطع کند که جنسیت از آن پیروی می کند، صدق خواهد کرد، مانند خنثایی که حکم به مرد بودن او شده، آلت تناسلی مردانگی خود را از بیخ برکند، تا جنبه زنانگی وی تقویت شود و به زنان پیوندد. (۲) از نظر برخی فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت دو نوع است: تغییر جنسیت واقعی و تغییر جنسیت ظاهری (صوری). به اعتقاد ایشان، تغییر جنسیت حقیقی تنها در «دوجنسی ها» اتفاق می افتد. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در این باره می گوید:

تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد [که] این امر در افراد دوجنسی واقع می شود، به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است. (۳) با توجه به کلام فوق، تغییر جنسیت افراد دوجنسی گاه جایز، و در برخی موارد واجب است. جایز بودن در صورتی است که هیچ واجبی، فوت نشود و هیچ حرامی انجام نشود اما چنان چه باقی ماندن بر حالت دو جنسی، موجب یکی از دو حالت فوق (ترک واجب یا

ص: ۱۷۶

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴: «فالظاهر جواز عملیه الجنسیه [الخنثی]، فإن ألحق بها بأحد الطرفين بأن ظهر فيه آثار، علی نحو التعین، صدق تغییر الجنسیه حیثئذ بالعمل، و یترتب آثار العنوان المنقلب إلیه و إن لم یظهر شیء منها فهو خنثی مشکل».

۲- (۲) محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۸: «إِنْ صَدَقَ تَغْيِيرُ الْجِنْسِيَةِ فَإِنَّمَا يَصْدُقُ فِي الْخَنْثَى غَيْرِ الْمَشْكَلِ إِذَا أَقْدَمَ عَلَى قَلْعِ آلِهِ يَتَّبِعُهَا جِنْسُهُ، كَمَا إِذَا أَقْدَمَ الْخَنْثَى الْمَحْكُومَ بِالرَّجُولِيَةِ عَلَى قَلْعِ مَا لَهُ مِنْ آلِهِ الرَّجَالِ بِالْمَرَّةِ وَ مِنْ أَصْلِهَا لِيَقْوَى جَانِبَ أَنْثَوِيَّتِهِ فَيُلْحَقُ بِالنِّسَاءِ».

۳- (۳) ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۱.

ارتکاب حرام) گردد، تغییر جنسیت با تمکن مالی و جسمی واجب خواهد شد.

«تغییر جنسیت» از عناوین و اصطلاحات جدید است که در متون دینی و کلمات فقیهان پیشین نیامده است. بنابراین، نمی توان در کتب قدما برای آن تعریفی پیدا کرد. تنها برخی از فقیهان معاصر از اصطلاح «تغییر جنسیت» تعریف ارائه داده اند. البته تعریف ارائه شده گاه غیر صریح و گاه صریح می باشد. برای مثال، در کلام امام خمینی آمده است که تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس مرد یا زن، با عمل جراحی حرام نیست.^(۱) از مفهوم کلام ایشان بر می آید که تغییر جنسیت دارای چهار حالت یا مصداق است: ۱. تبدیل مرد به زن. ۲. تبدیل زن به مرد. ۳. تبدیل خنثی به مرد. ۴. تبدیل خنثی به زن.

پیش تر بیان شد^(۲) که تغییر جنسیت در تعریف مشهور فقیهان معاصر^(۳) عبارت است از: «تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد». به نظر می رسد تغییر جنسیت در اصطلاح عرف عبارت است از: تبدیل مرد به زن یا بالعکس، تبدیل خنثی به مرد یا زن و تبدیل مرد یا زن به خنثی. بنابراین، از نظر عرف، تغییر جنسیت دارای شش مصداق یا حالت است که عبارتند از: ۱. تبدیل مرد به زن. ۲. تبدیل زن به مرد. ۳. تبدیل خنثی به مرد. ۴. تبدیل خنثی به زن. ۵. تبدیل مرد به خنثی. ۶. تبدیل زن به خنثی.

البته برخی فقیهان معاصر، اصطلاح «تغییر جنسیت» را شامل تبدیل و تغییر جنسیت حیوانات نیز دانسته اند. آیت الله سید محمد صدر می گوید:

.... إذ قد یخطر فی البال وجود المصلحه فی تحویل جنس الحیوان أيضاً؛^(۴) به نظر می رسد گاهی اوقات در تغییر جنسیت حیوان نیز مصلحت وجود دارد.

ص: ۱۷۷

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸.

۲- (۲) ر. ک: بخش کلیات، تعریف تغییر جنسیت، از همین نوشتار.

۳- (۳) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳؛ محمد آصف محسنی، الفقه و المسائل الطبییه، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳؛ سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲؛ یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲؛ محمد قائنی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصره، ج ۲، ص ۳۳۷.

۴- (۴) آیت الله سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۱۴۲.

باید توجه داشت که حکم جواز تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در مورد خنثای غیر مشکل، به صورت مطلق نیست. توضیح آن که، خنثای غیرمشکل دو قسم است: خنثای انثی و خنثای مذکر. در ادامه، جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در هر یک، مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

گفتار اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای انثی

اشاره

خنثای انثی، خنثای غیر مشکلی است که با توجه به علائم و امارات شرعی، به جنس مؤنث ملحق شده و احکام زن بر او جاری می شود. این فرد، حالت زن بودنش، به حالت مرد بودن وی غلبه و ترجیح دارد، و به گونه ضعیف و ناقص، حالت و صفات مردانه در او بروز و ظهور دارد.

تغییر جنسیت یا اصلاح جنسیت در خنثای انثی، به معنای حذف آلت مردانه است. وی به دلیل بیماری و حالت اضطراب و عُسر و حرج که گرفتار آن شده است، از نظر شرعی مجاز به عمل جراحی است؛ البته در صورتی که توان مالی و جسمی برای چنین عمل جراحی وجود داشته باشد.

در این حالت، این پرسش مطرح است که آیا خنثای انثی، مجاز است که با عمل جراحی، علائم زنانگی خویش را حذف نماید و خود را به مردان ملحق سازد؟

در پاسخ باید گفت که در خنثای انثی، دو گونه عمل جراحی ممکن است صورت پذیرد که لازم است هر یک به صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرد:

حالت اول: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای انثی به زن کامل و حذف آلت تناسلی مردانه.

حالت دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای انثی به مرد و حذف آلت تناسلی زنانه.

در ادامه، هر یک از دو حالت فوق را بررسی می کنیم:

بند اول: تبدیل خنثای انثی به زن کامل

عمل جراحی در این حالت، در واقع «اصلاح جنسیت» است و اطلاق عنوان «تغییر جنسیت» بر این فرض صحیح نیست؛ زیرا حالت زن بودن در وی غلبه و ترجیح دارد و

آلت مردانه که ضعیف است با عمل جراحی حذف می شود. نهایت چیزی که در این حالت اتفاق می افتد، تقویت جنسیت غالبِ خنثای غیر مشکل است و تبدیل موضوع (تبدیل مذکر به مؤنث یا بالعکس) نیز پدیدار نشده است و بعد از عمل هم، شخص موظف به انجام تکالیف خویش بر اساس جنسیت غالب است. از این رو، آیت الله سید محمد صدر می گوید:

هنگامی که خنثای غیر مشکل به غیر خنثی تبدیل می شود. در این حالت، خنثای غیر مشکل از نظر شرعی مرد یا زن خواهد بود، همان طور که توضیح آن در کتاب ارث گذشت.

یا خنثای غیر مشکل به همان جنسیتی که قبلاً برای او ثابت شده بود تبدیل می شود. برای مثال، خنثای غیر مشکل - براساس علائم و امارات شرعی - به عنوان مرد شناخته شده بود و بعد از عمل به مرد کامل تبدیل می گردد؛ یا این که خنثای غیر مشکل قبلاً به عنوان زن شناخته شده بود و بعد از عمل به زن کامل تبدیل می شود؛ در این حالت، هیچ حکمی از احکام شرعی این فرد تغییر نمی کند.

یا خنثای غیر مشکل به غیر آن جنسی تبدیل می شود که قبلاً برای او (از نظر شرعی) ثابت شده بود. (برای مثال، قبل از عمل جراحی، براساس علائم و امارات شرعی مرد شناخته شده بود، ولی بعد از عمل جراحی به زن تبدیل شده است، یا قبلاً زن شناخته شده بود و بعد از عمل جراحی به مرد تبدیل شده است)، این نوع عمل جراحی، از نوع تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد است که قبلاً توضیح آن گذشت. (۱) حالت اول که «اصلاح جنسیت» است در واقع، نوعی معالجه و درمان است و برای

ص: ۱۷۹

۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۱۰: «إذا تحولت الخنثی غیر المشکل إلى غیر الخنثی، فالخنثی غیر المشکل هو المحکوم شرعاً بالرجوله أو بالأنوثة، كما سبق فی کتاب الارث. فإما أن تتحول إلى نفس ما ثبت لها حکمه، كما لو تحول المحکوم بالرجوله إلى رجل کامل أو المحکوم بالأنوثة إلى انثی کامله، لم يتغير عندئذ منها حکم من الأحکام الشرعیه التي كانت ثابتة لها. و إما أن تتحول إلى الجنس الآخر التي لم تكن تابعه له. فتكون كما لو تحول الرجل إلى إمرأه أو الإمرأه إلى رجل. و قد سبق الحدیث عنها».

رفع «تحریر جنسی» و برطرف ساختن نارسایی جنسی، عمل جراحی بر طبق نظر پزشکان متخصص بلا اشکال است. این عمل جراحی، اگر به دلیل ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج باشد، نافی حرمت لمس و نظر حرام است. به عبارت دیگر، پزشک معالج، چنان چه مجبور به لمس و نظر به عورت بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است.

بند دوم: تبدیل خنثای انثی به مرد

عمل جراحی در حالت دوم، مصداق «تغییر جنسیت» است؛ چه این که با توجه به علائم و امارات شرعی، خنثای غیر مشکل به زنان ملحق شده است و از نظر شرعی، احکام زنان بر وی جاری است. پس اگر آلت تناسلی زنانه با عمل جراحی حذف شود، «تغییر جنسیت» صدق می کند.

به نظر می رسد دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد، نهایت آن که باید از ملازمات حرام پرهیز کرد (در مباحث آینده ادله جواز تغییر جنسیت خواهد آمد).

البته اگر برای چنین عمل جراحی، ضرورت و اضطرار وجود داشته باشد، عمل جراحی تغییر جنسیت بلا مانع است. از این رو، آیت الله محمد مؤمن قمی می گوید:

دلیلی بر حرام بودن این گونه عمل جراحی وجود ندارد؛ زیرا فردی که به این عمل می پردازد، پیش از عمل، جزء یکی از دو صنف (مرد یا زن) بوده و حکم یکی از این دو را داشته است، اما پس از انجام عمل جراحی، عنوان پیش بر او صدق نمی کند و در نتیجه، دلیل های احکام این عنوان هم او را در بر نمی گیرند، بلکه عنوان مقابل (عنوان جدید) بر او صدق می کند و بناگزی، دلیل احکام این عنوان هم، او را در بر می گیرد و هیچ مشکلی درباره وی تصور نمی شود.

بر این اساس، دو عنوان این جا (عنوان قدیم و عنوان جدید) همانند دو عنوان: حاضر و مسافرنند. بدین معنا که هیچ بازدارنده ای وجود ندارد که فردی از دایره یکی از دو عنوان بر آید و در دایره عنوان دیگر، در آید و دلیل عنوان پیشین هم او را در بر نمی گیرد، بلکه دلیل عنوان جدید او را در بر می گیرد و پس از

انجام عمل جراحی، حکم عنوان جدید بر او بار می شود.

بنابراین، هیچ دلیلی در این جا بر حرام بودن اصل عمل تغییر جنسیت، وجود ندارد، لکن این عمل، گاه مستلزم کار حرام است، از قبیل نگاه کردن به شرمگاه و لمس کردن آن در صورتی که حرام باشند.

در نتیجه، برای انجام جراحی هیچ راه شرعی وجود ندارد، مگر در کودک، پیش از آن که به سن بلوغ و تشخیص برسد و یا در موردی که پزشک جراح شوهر و یا همسر فردی باشد که روی او عمل جراحی انجام می شود. البته این هم، برابر دیدگاهی است که می گوید: فرد مورد عمل جراحی قرار گرفته، به صرف کندن آلت تناسلی و بخیه زدن محلی، از صنف قبلی خارج نمی شود. این دیدگاه در خور درنگ است. (۱) در رابطه با کلام فوق، چند نکته بیان می شود:

نکته اول

یکی از مهم ترین روش های تعیین جنسیت، وجود «آلت تناسلی مردانه یا زنانه» است. طبیعی است که با عمل جراحی و حذف آلت تناسلی، فرد از جنسیت سابق خارج می شود، و یا لاقل جنسیت سابق وی مورد تردید است. حال اگر فرضاً یکی از زوجین، خود مستقیماً به عمل جراحی اقدام نماید و همسر خویش را تغییر جنسیت دهد، ازدواج سابق منحل شده، و هیچ گاه در وضعیت جدید، رابطه زوجیت سابق وجود نخواهد داشت. از این رو، نویسندۀ فوق معتقد است: این که فرد با حذف آلت تناسلی، از

ص: ۱۸۱

۱- (۱) محمد مؤمن قمی، کلمات سدید فی مسائل جدیدۀ، ص ۱۰۸-۱۰۹: «لا دلیل علی حرمة أصل هذه العملية، فإنَّ المقدم عليها كان داخلًا في عنوان أحد الصنفين محكوماً عليه بحكمه، و بعد إجراء العملية لا يصدق عليه هذا العنوان، فلا يعمه أدله أحكامه، بل يصدق عليه العنوان المقابل، ولا محاله يعمه دليل أحكامه، و لا يتصور فيه محذور. فالعنوانان هنا مثل عنوان المسافر والحاضر، فإنه لا مانع من خروج أحد عن أحد العنوانين و دخوله في الآخر، فلا يعمه دليل العنوان السابق، ما يعمه دليل العنوان اللاحق، و يحكم عليه بعد العملية بحكم العنوان الجديد، كما هو واضح. فأصل عملية تغيير الجنس هنا لا دليل على المنع عنه، إلا أنه ربّما كانت ملازمه لأعمال محرمة كالنظر إلى العورة أو لمسها، و هما محرمان، فلا طريق إليه مشروع إلا في الطفل قبل بلوغه و تمييزه، أو فيما كان الطيب الجراح زوجاً أو زوجة لمن يقع العمل عليه، بناءً على أنه بمجرد القلع و خياطه المحل لا يخرج عن الصنف الذي كان فيه، فتأمل».

جنسیت خویش خارج نشود، در خور درنگ است.

نتیجه مطلب بالا این خواهد بود که حتی یکی از زوجین - اگر پزشک جراح باشد - نمی تواند همسر خویش را تغییر جنسیت دهد؛ چه این که به صرف عمل جراحی و حذف آلت تناسلی، ازدواج سابق باطل خواهد شد و بنابراین، محرمیت وجود نخواهد داشت. در نهایت، تداوم عمل جراحی حرام خواهد بود؛ چون مستلزم لمس حرام و نظر به نامحرم خواهد بود.

آیت الله محمد آصف محسنی نیز به حرمت تغییر جنسیت یکی از زوجین توسط دیگری معتقد است. وی در این باره چنین می گوید:

عمده مطلبی که عمل تغییر جنسیت را حرام می کند، عبارت است از لمس عورت و بدن و نظر به عورت و بدن، که این امر، هم برای جراح و هم برای شخص خواهان تغییر جنسیت، حرام است. بله، اگر بین پزشک و کسی که خواهان تغییر جنسیت است، رابطه زوجیت وجود داشته باشد، در جواز عمل جراحی، بحث و تردید وجود دارد؛ چون به مجرد خروج یکی از زوجین از جنسیت خویش، ازدواج باطل می شود و عمل جراحی، برای آن دو، در صورتی جایز خواهد بود که عقد ازدواج باطل نشود و بعد از عمل جراحی، حرام است؛ چون آن دو با یکدیگر اجنبی (نامحرم) خواهند بود. (۱) البته دیدگاه دومی نیز در این باره وجود دارد. از نظر برخی فقیهان، «تغییر جنسیت فرد توسط همسر» جایز است. آیت الله سید محمد صدر معتقد است: تنها دو راه برای جواز تغییر جنسیت وجود دارد که یکی از آن موارد «تغییر جنسیت توسط همسر» است. وی می گوید:

از نظر فقهی می توان دو طریق برای جواز تغییر جنسیت بیان کرد: طریق

ص: ۱۸۲

۱- (۱) محمد آصف محسنی، الفقه و المسائل الطیبه، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲: «فعمده ما یحرم العمل المذکور هو لمس العوره و البدن و النظر إلیهما، فإِنَّهما حرامان علی الفاعل و المفعول. نعم، إذا کان الطیب و طالبه التّغییر - أو الطیبه و طالبه - زوجان، و إن عقد أحدهما علی الآخر بالفعل للعملیه المذکوره، ففی جواز العمل بحث؛ لبطلان الزوجیه بمجرد خروج أحد الزوجین عن جنسه، فالعملیه المذکوره إنّما تجوز لهما ما لم یبطل عقد الزواج، و بعده تحرم، لأنّهما أجنیان».

اول، این که پزشک جراح برای بیمار حلال باشد، مثل آن جایی که پزشک، زوج یا زوجه بیمار باشد. طریق دوم، این که فرد در جنس فعلی اش، از نظر دنیایی یا دینی در حرج شدید باشد، مثل آن جایی که فرد خنثی است. (۱) در مورد «تغییر جنسیت فرد توسط همسر» دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول به حرمت این نوع تغییر جنسیت معتقد است که دلیل آن گذشت. دیدگاه دوم به جواز این نوع تغییر جنسیت معتقد است. در مورد قول دوم، دلیلی ذکر نشده است ولی از محتوای کلام آنان می توان این دلیل را بیان کرد که: زن و شوهر نسبت به یکدیگر محرم بوده و می توانند به تمام اعضای دیگر نگاه کنند. بنابراین، اقدام به عمل جراحی، توسط همسر هیچ محذور شرعی ندارد.

در مقابل، دیدگاه اول معتقد است اگر چه قبل از عمل جراحی، جواز لمس و نظر برای زوجین وجود دارد، ولی به محض عمل جراحی و قطع آلت تناسلی، فرد از جنسیت فعلی اش خارج شده و ازدواج نیز باطل می گردد. بنابراین، محرمیت و جواز نظر از بین می رود.

به عنوان نظر مختار می توان گفت: تغییر جنسیت فرد توسط همسر جایز است؛ چون قبل از عمل به دلیل این که زوجین محرم یکدیگرند، لمس و نظر به عورت حرام نخواهد بود، و در حین عمل و پس از حذف آلت تناسلی، اگر چه زوجیت از بین می رود، ولی جراح موظف است برای حفظ حیات بیمار، عمل جراحی را به اتمام برساند و حرمت لمس و نظر به دلیل ضرورت حفظ جان بیمار برداشته می شود.

نکته دوم

به طور کلی احکام شرعی تابع موضوعات است، به گونه ای که اگر موضوع

ص: ۱۸۳

۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۳، مسأله ۳۷۰۲: «یمکننا من الناحیه الفقهیة أن نتصور سببین لجواز التبدیل: أحدهما: أن یکون الطیب القائم بالتبدیل حلیلاً للمریض، كما لو كان زوجها أو كانت زوجته. ثانيهما: أن یکون الفرد فی حرج شدید من جنسه الفعلی قبل التبدیل إما دنیویاً أو دینیاً، كما لو كان خنثیاً».

عوض شود، حکم مربوطه نیز تغییر خواهد کرد.^(۱) بسیاری از احکام شرعی تابع جنس مردانه یا زنانه است. این که فرد، مرد باشد یا زن، حقوق و تکالیف وی نیز متفاوت خواهد بود.

با این توضیح، چنان چه خنثای غیر مشکل - که با توجه به علائم شرعی به گروه زنان ملحق شده است - تغییر جنسیت دهد و به جنس مرد تبدیل گردد، حقوق و تکالیف وی تابع جنسیت جدید وی خواهد بود. شبیه این مسأله، در عنوان «مسافر» و «حاضر» وجود دارد. چنان چه یکی از دو عنوان به عنوان دیگر تبدیل گردد، اولاً، تبدیل یک عنوان به عنوان دیگر، منع شرعی ندارد. ثانیاً، حکم اتمام یا قصر نماز، تابع عنوان جدید خواهد بود. از این رو، آیت الله سید محمد صدر می گوید:

اگر خنثای مشکل به مرد تبدیل شود، احکام و تکالیف مربوط به خنثی از او برداشته می شود و تکالیف مردان برای او ثابت می شود. و هنگامی که خنثای مشکل به زن تبدیل می شود، تکالیف زنان برای او ثابت خواهد شد.^(۲) نکته سوم

اصل عمل تغییر جنسیت. منع شرعی ندارد، اما باید از ملازمات حرام مثل لمس و نظر حرام اجتناب شود، مگر در مواردی که خنثای غیر مشکل که تن به عمل جراحی داده، غیر بالغ و غیر ممیز باشد و یا عمل جراحی تغییر جنسیت، بنا به دلایلی، ضرورت اجتناب ناپذیر داشته باشد.

گفتار دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در خنثای مذکر

یکی دیگر از اقسام خنثای غیر مشکل، «خنثای مذکر» است. خنثای مذکر، خنثای غیر مشکلی است که با توجه به علائم و قرائن شرعی به جنس مذکر ملحق شده و احکام مردان بر وی جاری است. این فرد، حالت مردانه اش بر حالت زنانه اش غلبه و

ص: ۱۸۴

۱- (۱) ر. ک: محمد قاننی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصره، ج ۱، ص ۲۷.

۲- (۲) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۹: «لو تحولت الخنثی المشکل إلى رجل إنتفت عنها احکام الخنثی، و ثبت لها احکام الرجل. و إذا تحولت إلى امرأة ثبتت لها احکام المرأة».

ترجیح دارد و به گونهٔ ضعیف، حالت و ویژگی زنانه در وی ظهور و بروز دارد.

آیا تغییر جنسیت برای وی جایز است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت در خنثای مذکر نیز مانند خنثای مؤنث دارای دو فرض است:

فرض اول: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به مرد کامل و حذف آلت تناسلی زنانه.

فرض دوم: عمل جراحی به منظور تبدیل خنثای مذکر به زن و حذف آلت تناسلی مردانه.

فرض اول، در واقع اصلاح جنسیت است و نه تغییر جنسیت؛ چه این که حالت مردانه در وی غلبه و ترجیح دارد و آلت تناسلی و علائم زنانگی که در وی به صورت ضعیف است به وسیلهٔ عمل جراحی و درمان پزشکی حذف می‌شود. وی چه قبل از عمل و چه بعد از عمل، به عنوان مرد شناخته می‌شود،^(۱) الا این که قبل از عمل براساس قرائن و امارات شرعی به عنوان مرد، موظف به انجام تکالیف شرعی بوده است، ولی بعد از عمل، به مرد کامل تبدیل شده و حقیقتاً به عنوان مرد (و نه براساس قرائن و امارات شرعی) وظایف و تکالیف شرعی خویش را انجام می‌دهد.

عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است؛ چه این که عمل جراحی به منظور معالجه و درمان و برای برطرف ساختن نارسایی جنسی و رفع تحیر جنسی و برطبق نظر پزشکان متخصص صورت گرفته است. بنابراین، منع شرعی وجود ندارد. این عمل جراحی که به دلیل ضرورت پزشکی و یا به دلیل عسر و حرج صورت پذیرفته، نافی حرمت لمس حرام و نظر حرام است و پزشک جراح و پرستار چنان چه مجبور به لمس و نظر به شرمگاه بیمار باشد، مرتکب فعل حرام نشده است.

در فرض دوم، دلیلی بر حرام بودن آن نداریم و شخص که براساس ملاک‌ها و علائم شرعی به گروه مردان ملحق شده بود، با عمل جراحی به جنس مقابل تبدیل گشته و از این به بعد، احکام زن بر وی جاری است، ولی این عمل گاه مستلزم کار حرام

ص: ۱۸۵

۱- (۱) ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۱۰.

است، از قبیل: نگاه به شرمگاه و لمس آن، مگر در مورد کودک پیش از آن که به سن بلوغ و تشخیص برسد. (۱)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

ختثای غیر مشکل، ختنایی است که با توجه به علائم و قرائن شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق است و از نظر شرعی، تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است و بر این اساس می تواند با جنس مخالف ازدواج کند و تکالیف شرعی خویش را طبق جنسیت غالب خویش انجام دهد.

اما سخن فوق به این معنا نیست که این گروه فاقد مشکل و عُسر و حرج هستند، بلکه مانند خنثی مشکل از دوگانگی جنسی رنج می برند. از این رو، انجام عمل جراحی، برای تغییر جنسیت و تبدیل شدن به جنسیت کامل ضرورت دارد.

ص: ۱۸۶

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۹؛ محمد مؤمن، سخنی درباره تغییر جنسیت، مجله فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۷، ص ۹۶.

عده ای دارای جنسیت پنهان هستند و آن چه در ظاهر مشاهده می شود، خلاف آن چیزی است که در واقع وجود دارد. تغییر جنسیت در مورد این عده به معنای «کشف جنسیت» است و در واقع تغییر جنسیت یا تبدیل جنسیت صورت نمی گیرد. اطلاق اصطلاح «تغییر جنسیت» به این نوع عمل جراحی، صوری و ظاهری است و علت اطلاق آن این است که در جامعه چنین فردی به عنوان «زن» شناخته می شده است و پس از عمل به عنوان «مرد» شناخته می شود و یا برعکس. چنین رخدادی در هر جامعه ای پدید آید، مردم از آن به «تغییر جنسیت» یاد می کنند، در حالی که این امر چیزی جز «کشف جنسیت» نیست.

در هر حال، در ابتدا دیدگاه امام خمینی درباره «تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت» می آوریم و آن گاه در توضیح کلام ایشان، چهار مبحث بیان می شود.

امام خمینی در مورد تغییر جنسیت این گروه چنین می گوید:

لو فرض العلم بأنّه داخل قبل العمل فی جنس مخالف و العمليه لا تبدل جنسه بأخر بل تكشف عما هو مستور فلا شبهه فی وجوب ترتيب آثار الجنس الواقعي و حرمة آثار الجنس الظاهر، فلو علم بأنّه رجل يجب

عليه ما يجب على الرجال و يحرم عليه ما يحرم عليهم و بالعكس، و أما وجوب تغيير صورته و كشف ما هو باطن فلا يجب إلا إذا توقف العمل بالتكاليف الشرعيه أو بعضها عليه و عدم إمكان الإحتراز عن المحرمات الإلهيه إلا به فيجب؛^(۱)

چنان چه شخصی قبل از عمل جراحی در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی، جنسیت وی را تغییر نمی دهد، بلکه آن چه را پنهان است آشکار می سازد، در این صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت نماید، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است.

بنابراین، اگر بداند که در واقع مرد است، آن چه بر مردان واجب است، بر وی واجب و آن چه بر مردان حرام است بر وی حرام می باشد. و اما تغییر شکل و کشف آن چه پنهان است، واجب نیست مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی یا پاره ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت تغییر شکل با عمل جراحی واجب می شود.^(۲) در توضیح کلام فوق چند مبحث بیان می شود:

مبحث اول: بطلان و حرمت تغییر جنسیت ظاهری

هرگاه از تغییر جنسیت سخن می گوئیم، منظور از آن «تغییر جنسیت واقعی» است و فقیهان اسلامی «تغییر جنسیت صوری یا ظاهری» را منع نموده و این کار را حرام و خلاف شرع می دانند و اگر بر اساس آن، ازدواجی صورت پذیرد، این ازدواج باطل است، چون این ازدواج، «ازدواج با هم جنس» است. آیت الله محمد فاضل لنکرانی می گوید:

تغییر جنسیت گاهی صرفاً ظاهری و صوری است، یعنی مثلاً طبیعت بدن مؤنث است و در واقع اثری از آلت انوئیت نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت مذکر ظاهر می گردد. این کار حرام

ص: ۱۸۸

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۲.

۲- (۲) ترجمه از: عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۳، ص ۶۳-۶۴.

است و باید به شدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی بر اساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است. (۱) آیت الله ناصر مکارم شیرازی نیز می گوید:

تغییر جنسیت گاهی ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست؛ فقط یک جراحی صوری در او انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می گردد، این کار جایز نمی باشد. (۲) و اگر ازدواجی براساس آن صورت گیرد حرام و باطل است و حد شرعی دارد. (۳) آیت الله سید محسن خرازی براین امر تأکید می ورزند که تغییر جنسیت باید واقعی و حقیقی باشد و تغییر جنسیت ظاهری مورد بحث و گفت و گو نیست. ایشان در این باره چنین می گوید:

مراد ما از تغییر جنسیت خصوص قطع آلت تناسلی و ایجاد حفره ای به جای آن نیست تا مرد در امکان نزدیکی، شبیه زن شود؛ زیرا چنین کاری موجب تغییر جنسیت نمی شود. بلکه مقصود ما از تغییر جنسیت آن است که هویت و جنسیت مرد به کلی تغییر کند. (۴)

مبحث دوم: انجام تکالیف براساس جنسیت واقعی

هرگاه جنسیت فرد مخفی باشد و او از این امر اطلاع داشته باشد، لازم است تکالیف و وظایف شرعی خویش را براساس جنسیت واقعی (که پنهان است) انجام دهد؛ چون هرگاه از «جنسیت» سخن می گوئیم، منظور از آن جنسیت واقعی فرد است و اساساً خطابات شارع مقدس (قانون گذار الهی) به موضوعات واقعی تعلق گرفته است. پس اگر فرد علم و یقین

ص: ۱۸۹

- ۱- (۱) غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۳۸.
- ۲- (۲) مرکز تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۲۸۰.
- ۳- (۳) ناصر مکارم شیرازی، استفتاءات جدید، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۲، ص ۶۱۸.
- ۴- (۴) سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، مجله فقه اهل البيت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۴۱: «لانعنی بتغییر الجنسیه صرف قطع آله التناسل و ایجاد حفره مکانها حتی یکون الرجل شیبهاً بالمرأه فی امکان المجامعه معه؛ لانه لا یوجب تغیر الجنسیه، بل نعنی بذلک تغیر هویه الرجل و جنسیته بالکل».

داشته باشد که مرد است، تکالیف شرعیه مخصوص مردان برای او ثابت است و اگر علم داشته باشد که زن است، تکالیف زنان برای وی ثابت است و صرف اشتباه ظاهری، تغییری در تعلق تکالیف به وجود نمی آورد. به عبارت دیگر، اگر فردی به صورت ظاهری زن است، ولی در واقع مرد است، تکالیف به واقع و حقیقت او تعلق گرفته و او موظف است تکالیف و وظایف مردان را انجام دهد. نیز اگر فردی به صورت ظاهری و صوری مرد است، ولی در واقع زن است، حقوق و تکالیف زنان برای وی ثابت است. (۱)

مبحث سوّم: جواز یا وجوب عمل جراحی برای کشف واقع

یکی از پرسش های اساسی این است که کسی که جنسیت واقعی اش پنهان است، آیا عمل جراحی به منظور کشف جنسیت واقعی اش واجب است یا هیچ الزامی وجود نداشته و این عمل صرفاً جایز (مباح) است؟

امام خمینی در این باره می گوید: تغییر جنسیت به منظور کشف باطن واجب نیست.

دلیل این امر آن است که هیچ دلیلی برای وجوب عمل جراحی وجود ندارد و هرگاه شخص به وظایف واقعی اش عمل کند، ضرورتی برای تغییر جنسیت وجود ندارد. آیت الله احمد مطهری در توضیح کلام امام خمینی می گوید:

چون دلیلی بر وجوب تغییر جنسیت ولو به عنوان وجوب مقدمی عقلی نداریم، البته اگر انجام وظایف شرعی به عمل جراحی تغییر جنسیت وابسته نباشد. (۲) همان طور که پیش تر گذشت، احکام و خطابات شرعی به «موضوعات واقعی» تعلق گرفته است و فرض آن است که شخص، وظایف خویش را براساس جنسیت واقعی اش (که پنهان است)، انجام می دهد. بنابراین از این جهت که تغییر جنسیت نداده، هیچ خلاف شرعی مرتکب نشده است. اما چنان چه از جهت عدم تغییر جنسیت، مرتکب

ص: ۱۹۰

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، (المسائل المستحدثه)، ص ۱۹۱-۱۹۲.

۲- (۲) همان، ص ۱۹۲: «لعدم الدلیل علی وجوبه ولو بالوجوب المقدمی العقلی إذا لم یکن القیام بوظائفه متوقفاً علی عملیه تغییر الصوره».

حرام می شود، واجب است به عنوان «مقدمه واجب» و به منظور انجام واجبات و پرهیز از ارتکاب محرمات، جنسیت خویش را تغییر دهد.

مطلب فوق مورد اتفاق فقیهان شیعه است که در ادامه به کلام برخی از فقیهان و مراجع تقلید اشاره می شود:

۱. آیت الله سید ابوالقاسم خوئی:

سؤال: در مورد خنثای کاذب؛ یعنی شخصی که از نظر وراثتی مذکر است، ولی آلت خارجی با آن مخالف است یا برعکس، آیا تغییر جنسیت به گونه ای که شکل خارجی با واقع امر هماهنگ شود جایز است؟

پاسخ: مانعی ندارد. (۱) ۲. آیت الله سید علی سیستانی:

هرگاه در واقعیت امر دارای دستگاه تناسلی است که پنهان است، برای او عمل جراحی به منظور آشکار ساختن آلت تناسلی جایز است. (۲) ۳. آیت الله یوسف صانعی:

آشکار نمودن جنس واقعی؛ یعنی کسی که در ظاهر، ویژگی های جنسی مخالف را دارد، ولی متعلق به آن دسته و گروه جنسی نیست که در این صورت می توان، بلکه لازم است با جراحی جنس واقعی او را آشکار کرد. انجام عمل جراحی برای آشکار نمودن جنس واقعی شخص جایز است، ولی باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم حرامی نباشد، و الا عمل حرام به حرمتش باقی است. (۳)

ص: ۱۹۱

۱- (۱) ابوالقاسم خوئی، منیه السائل، استفتاء آت هامه، جمع و تدوین از: موسی مفید الدین عاصی عاملی، ص ۱۲۰: «سؤال - بالنسبه الى الخنثی الكاذبه - ای أنّ الشخص فی خلایا جسمه من الناحیه الوراثیه ذكر مثلاً و لكن الآله الخارجیه تغایر ذلك او العكس، فهل يجوز تغییر الشكل الخارجی بما یوافق واقع الامر؟ جواب - لایمانع من ذلك».

۲- (۲) استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت الله سیستانی در قم، و نیز به این آدرس مراجعه کنید: www.Sistani.Org: «إذا كان فی واقعه یحمل جهاز معین و إن كان مضموراً فیجوز له إجراء عملیه لإبرازة».

۳- (۳) یوسف صانعی، استفتاء آت پزشکی، ص ۹۲؛ یوسف صانعی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۴۶۵.

سؤال: اگر در عمل جراحی، کشف از واقعیت پنهانی شده باشد، مثلاً کسی که در اثر عمل جراحی مرد شده، معلوم شود از اول مرد بوده، آیا احکام تغییر جنسیت بر آن جاری است؟

جواب: ظاهراً در فرض سؤال، تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود. (۱) آشکار کردن جنس واقعی، اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنس واقعی ممکن نیست، واجب است جنس واقعی را آشکار کنند، ولی اگر انجام تکلیف بدون آن ممکن باشد، واجب نیست، بلکه جایز است. (۲) ۵. آیت الله علی مشکینی:

ظاهر آن است که هیچ اشکالی در جواز تغییر جنسیت در دو معنای ذکر شده [کسی که جنسیت مذکر وی پنهان است و کسی که جنسیت مؤنث او پنهان است] وجود ندارد، بلکه گاه واجب می شود. (۳) ۶. آیت الله محمد ابراهیم جناتی:

زنی که در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان احساس می کند، یا برخی از آثار مردی را در خود می بیند، واجب نیست خود را تبدیل به جنس مخالف نماید، اگر چه بر آن تمکن و توانایی داشته باشد. (۴) اساساً از نظر آیت الله علی مشکینی، تغییر جنسیت به معنای واقعی، تنها در مورد «کشف جنسیت پنهان» حاصل می شود و حقیقتاً تغییر جنسیت مرد به زن و یا برعکس تاکنون ثابت نشده است. وی می گوید:

غرض از بحث تغییر جنسیت، بیان حکم تغییر مرد به زن، یا تغییر زن به مرد

ص: ۱۹۲

۱- (۱) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۶.

۳- (۳) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۴: «والظاهر أنه لا اشكال في جواز تغيير الجنيه بالمعنيين بل قد يكون واجباً».

۴- (۴) محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۴-۲۵۶.

است. و تحقق حقیقی تغییر جنسیت، به گونه ای که حال شخص تغییر یافته، در قبل و بعد از تغییر دانسته شود، و این که مردی به زن تبدیل شود یا برعکس، تا زمان کنونی ثابت نشده است، و چه بسا عادتاً تغییر جنسیت غیر ممکن باشد، ولی به هر حال، در فقه اسلامی از آن بحث شده و از جمله مسائل جدید محسوب می شود.

بله، ظاهر آن است که یک نوع دیگر تغییر جنسیت امکان دارد، و بلکه واقع هم شده است و آن عبارت است از کسی که ظاهراً متعلق به یک جنس (مذکر یا مؤنث) است، ولی با توجه به قرائن و شواهد، باطن وی بر خلاف جنس ظاهری اش می باشد. (۱) آن گاه آیت الله علی مشکینی برای تغییر جنسیت به معنای فوق (کشف جنسیت پنهان) دو مثال می زنند:

مورد اول: شخصی است که در آغاز تولدش در ظاهر پسر بوده، ولی بتدریج، در قبل یا بعد از بلوغ، آثار دختر بودن در جسم یا روان وی ظاهر می گردد، به گونه ای پزشکان متخصص تشخیص می دهند که اساساً وی دختر است و حتی دارای رحم و امکان زایمان است و آلت تناسلی مردانه، چیزی شبیه یک گوشت بوده که با عمل برداشته می شود و جنسیت مؤنث وی تکمیل می گردد، و بدین صورت تغییر جنسیت (کشف جنسیت پنهان) حاصل می شود.

مورد دوم: عکس مورد فوق است و آن کسی است که در آغاز تولد و در ظاهر، دختر تشخیص داده شده، ولی بتدریج آثار جسمی و روانی پسر در وی ظاهر شده است. با عمل جراحی، آلت تناسلی مردانه در وی ظاهر می گردد و بدین صورت،

ص: ۱۹۳

۱- (۱) علی مشکینی، مصطلحات الفقه، ص ۱۵۳: «والغرض بیان حکم أن یغیر الرجل فیجعل إمرأه، أو یغیر المرأه فتجعل رجلاً و تحقق هذا الامر حقیقه بحیث یعلم حال المتغیر قبله و بعده، و أنه کان رجلاً فصار إمرأه او عکسه لم یثبت إلی الآن و لعله غیر ممکن فی العاده، لکن وقع البحث عنه فی الفقه وعدّ من المسائل المستحدثه. نعم الظاهر إمكان أمر آخر بل وقوعه، و هو تغیر من کان ظاهره من أحد الجنسین إلی الجنس الاخر بعملیه الجرح بعد شهاده القرائن بکون باطنه علی خلاف ظاهره».

تغییر جنسیت (کشف جنسیت پنهان) حاصل می شود. (۱)

مبحث چهارم: تکلیف شرعی قبل از عمل

اشاره

شخصی که جنسیت واقعی اش پنهان است، چنان چه پیش از عمل جراحی به واقعیت امر، زن یا مرد بودن خویش یقین پیدا کند، بر وی واجب است که به تکالیف مربوط به جنس واقعی خود عمل کند؛ زیرا عنوان «جنس واقعی» بر او صدق می کند و در نتیجه، حکم مترتب بر این جنس او را در بر می گیرد. (۲)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در مواردی تغییر جنسیت برای «کشف جنسیت» است. برای مثال، ممکن است آلت تناسلی مردانه درون حفره شکمی بیمار قرار گرفته باشد. وی اگر چه در ظاهر به عنوان زن تلقی شده است، ولی در واقع مرد است. با عمل جراحی، جنسیت واقعی ظاهر می شود و در واقع، عنوان «تغییر جنسیت» محقق پیدا نکرده است، بلکه «اصلاح جنسیت» صورت گرفته است. این مطلب مورد تأکید برخی فقیهان شیعه قرار گرفته است. برای مثال، آیت الله حسین علی منتظری می گوید: [در این حالت] تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود. (۳) این فرع فقهی یعنی عمل جراحی به منظور کشف جنسیت از سوی اهل سنت مورد بررسی قرار نگرفته است، ولی حدود ده تن از فقیهان شیعه درباره آن اظهار نظر کرده اند. در هر حال، پرسش اصلی این است که آیا عمل جراحی به منظور «کشف جنسیت واقعی» واجب است؟ به نظر می رسد هیچ الزام شرعی وجود ندارد و دلیلی بر وجوب عمل جراحی وجود ندارد. آن چه مهم است این است که بیمار باید وظایف

ص: ۱۹۴

۱- (۱) همان، ص ۱۵۴.

۲- (۲) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۸؛ نیز محمد مؤمن، سخنی درباره تغییر جنسیت، مجله فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۷ (۱۳۷۵)، ص ۹۴-۹۵.

۳- (۳) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

شرعی را طبق جنسیت واقعی خویش انجام دهد. بنابراین، هرگاه شخص به وظایف واقعی اش عمل کند، ضرورتی برای تغییر جنسیت وجود ندارد. آری اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنسی واقعی ممکن نیست، واجب است جنس واقعی را آشکار کند.

ص: ۱۹۵

اشاره

مطالب مربوط به این فصل در ضمن دو مبحث می آوریم:

مبحث اول: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در افراد سالم

برخی افراد فاقد مشکل جسمی یا روحی هستند و صرفاً به دلیل تمایلات نفسانی و یا تنوع طلبی و یا انگیزه های دیگری مایل به تغییر جنسیت هستند. در عمل، پزشکان جراح با تغییر جنسیت این گروه مخالفت می کنند. مواردی که این گونه تغییر جنسیت ها صورت می پذیرد، بسیار نادر و انگشت شمار است، مانند تغییر جنسیت «مایکل جانسون» در آمریکا و تبدیل شدن ایشان به زن.

هر چند این گونه تغییر جنسیت ها کم اتفاق می افتد، ولی به هر حال، این پرسش مطرح است که آیا تغییر جنسیت در مورد افراد سالم جایز است یا نه؟

مباحث مربوط به تغییر جنسیت در افراد سالم با موضوع تغییر جنسیت در افراد تراجنسیتی (ترانس سکشوال یا خنثای روانی) یکسان است؛ زیرا هر دو مورد (افراد سالم

و افراد ترانس) از نظر جسمی و ظاهری سالم هستند و همانند دو جنسی ها، گرفتار بیماری جسمی نمی باشند و تنها تفاوت آن دو در این است که افراد ترانس به بیماری روانی شدیدی مبتلا بوده و تمایل آنان برای تغییر جنسیت بسیار زیاد است.

از این رو، برای تمرکز بحث و پرهیز از پراکندگی اقوال و دلایل، مسأله «جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت افراد سالم» را در ضمن تغییر جنسیت افراد ترانس (ترانجسیتی) مورد بررسی قرار می دهیم.

مبحث دوم: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در ترانجسیتی (ترانس سکشوال یا ختنای روانی)

اشاره

امروزه عمل تغییر جنسیت بیش تر مربوط به افراد ترانجسیتی است، یعنی کسانی که از نظر ظاهر سالم بوده، ولی از نظر روحی و روانی خود را متعلق به جنس مخالف می دانند. از آن جایی که معالجه اکثر آن ها امکان پذیر نیست، برای حل مشکل عدم تطابق جنسی، به آن ها عمل جراحی تغییر جنسیت پیشنهاد می شود، تا جنسیت آن ها با روح و روان آن ها تطابق پیدا کند.

آیا تغییر جنسیت این عده، جایز است یا خیر؟ این مسأله، معرکه آرا و انظار است و بیش ترین مباحث تغییر جنسیت، در اطراف این مسأله است. در ادامه، ابتدا دیدگاه امام خمینی (ره) درباره جواز تغییر جنسیت را می آوریم، سپس دیدگاه مخالفین و موافقین تغییر جنسیت بیان می شود. بنابراین، مباحث آینده به ترتیب زیر است:

گفتار اول - ادله موافقین تغییر جنسیت

گفتار دوم - ادله مخالفین تغییر جنسیت

گفتار اول: ادله موافقین تغییر جنسیت

اشاره

افرادی که از نظر ظاهر، هیچ نقص و عیبی ندارند و به عبارت دیگر، جزو خنثی ها (دو جنسی ها) نیستند، آیا می توانند تغییر جنسیت دهند یا نه؟ برخی فقیهان اسلامی به جواز یا اباحه تغییر جنسیت معتقد شده اند و از نظر آنان این عمل حرام نیست؛ البته با این

شرط اساسی که تغییر جنسیت نباید با امور حرام دیگر، مانند: لمس حرام یا نظر حرام همراه گردد. پس اگر تغییر جنسیت مستلزم لمس یا نظر حرام گردد، تغییر جنسیت حرام است، مگر در هنگام ضرورت و اضطرار، یا از باب معالجه و درمان، که در این صورت، تغییر جنسیت به دلیل لمس و نظر، حرام نخواهد بود. نتیجه آن که، اصل عمل تغییر جنسیت، از نظر این گروه از فقیهان اسلامی حرام نخواهد بود، مادامی که مستلزم حرام دیگر نباشد مگر از باب ضرورت و اضطرار.

در ابتدا نظر امام خمینی در جواز تغییر جنسیت آورده می شود و آن گاه به ادله موافقین تغییر جنسیت اشاره می شود:

بند اول: دیدگاه امام خمینی (ره) در جواز تغییر جنسیت

اولین فقهی که مسأله تغییر جنسیت را مطرح ساخت، مرحوم امام خمینی است که این بحث را در ضمن «مسائل مستحدثه» از کتاب تحریر الوسیله به رشته تحریر در آورده است. نظر صریح ایشان این گونه است:

الظاهر عدم حرمة تغییر جنس الرجل بالمرأه بالعمل و بالعکس، و کذا لا یحرم العمل فی الخثی لیصیر ملحقاً بأحد الجنسین، و هل یجب ذلک لو رأی المرأه فی نفسها تماثلات من سنخ تماثلات الرجل أو بعض آثار الرجولیه أو رأی المرأه فی نفسه تماثلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا کان الشخص حقیقه من جنس و لکن أمکن تغییر جنسیت بما یخالفه؛^(۱)

ظاهر آن است که تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

آیا اگر زنی در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغییر جنسیت دهد یا خیر؟

ص: ۱۹۹

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۸.

چنان چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می تواند جنس خود را تغییر دهد و تبدیل به جنس مخالف جنس خود بشود، واجب نیست. (۱) در فتوای امام خمینی نکاتی قابل توجه است که بدان اشاره می شود:

۱. فتوای صریح امام خمینی شامل تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد، و نیز شامل تغییر جنسیت خنثی (دو جنسی، هرمافروdit) به یکی از دو جنس زن یا مرد می شود. بنابراین، از نظر امام خمینی، تغییر جنسیت تنها شامل تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد نمی شود، بلکه از نظر ایشان، تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نیز مصداقی از تغییر جنسیت است.

این مطلب از آن جهت مهم است که ممکن است تصور شود که دیدگاه امام خمینی مبنی بر جواز تغییر جنسیت، تنها شامل خنثی ها یا دو جنسی ها می شود؛ یعنی همان کسانی که از نظر جسمی بیمار بوده و نیازمند عمل جراحی تغییر جنسیت هستند، در حالی که امام خمینی با صراحت تمام، تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را مجاز می شمرد؛ چه این که امام خمینی با صراحت تمام بحث خنثی ها را قسیم مورد اول (تبدیل مرد به زن و زن به مرد) قرار داده اند و از نظر ایشان، تغییر جنسیت مطلقاً جایز است؛ خواه تغییر جنسیت مرد به زن یا بر عکس و خواه تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مرد و زن.

مؤید این مطلب، استفتایی است که از امام خمینی در این باره صادر شده است. توضیح آن که، فردی به نام فریدون که تراجنسیتی (ترانس یا خنثای روانی) بوده است پس از پی گیری فراوان توانست به همراه برخی مسؤولان بلندپایه مملکتی، به محضر امام خمینی رسیده و بیماری خویش را برای امام خمینی توضیح دهد. وی هر چند از نظر ظاهری همانند دیگر مردان بوده است، ولی از نظر روانی و روحی خود را متعلق به جنس مقابل می دانست.

توجه داشته باشید که وی «دوجنسی» نبوده، بلکه ترانس سکشوال (خنثای روانی)

ص: ۲۰۰

است. با این حال، امام خمینی با تغییر جنسیت وی موافقت نمود. متن پاسخ امام خمینی که خانم مریم ملک آرا (فریدون سابق) در اختیار نگارنده قرار داده است از این قرار است:

تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد، اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده اید امید است مراعات حال شما را بکنند.

۲. امام خمینی در بیان فتوای خویش، دلیل یا مدرکی ذکر نمی کند. دلیل این امر آن است که کتاب تحریر الوسیله، کتاب استدلالی هم چون کتاب «جواهر الکلام» نیست، بلکه کتاب ایشان، کتاب فتوا و بیان مسائل شرعی است و اساساً ایشان در صدد بیان دلیل و مدرک فتوا نبوده اند. برخی شاگردان ایشان، ادله ای برای فتوای فوق ذکر کرده اند که در ادامه خواهد آمد.

۳. چنان چه ضرورت و اضطراری در تغییر جنسیت افراد سالم در میان نباشد و شخص در عسر و حرج واقع نشده باشد، جواز تغییر جنسیت دارای یک شرط اساسی است و آن این که، نباید تغییر جنسیت ملازم با امور حرام و غیر شرعی مانند: لمس حرام و نظر حرام باشد. بنابراین، تغییر جنسیت کودک نابالغ که به سنّ تشخیص نرسیده با اجازه ولی کودک بلامانع است. (۱) نیز چنانچه فرضاً کسی از طریق استفاده از هورمون، تغییر جنسیت دهد، یا لاقول آثار جنس مخالف را در خود پدید آورد، مرتکب فعل حرام نشده است.

البته شرط فوق، یعنی این که تغییر جنسیت نباید ملازم با امور حرام و غیر شرعی باشد در کلام امام خمینی (ره) نیامده است؛ گویا آن را مفروغ عنه گرفته اند، ولی برخی شاگردان ایشان به شرط فوق تصریح نموده اند. (۲) ۴. در کلام امام خمینی، جواز تغییر جنسیت شامل ترانس ها یا خنثای روانی نیز

ص: ۲۰۱

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن قمی، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۹.

۲- (۲) مانند: محمد مؤمن، پیشین، ص ۱۰۹؛ سید محمد خرازی، تغییر الجنس، مجله فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۴۱.

می شود؛ چه این که ایشان می گوید:

لو رأَت المرأه فی نفسها تمائلات من سنخ تمائلات الرجل..... او رأى المرء فی نفسه تمائلات الجنس المخالف.....؛(۱)

اگر زن در وجود خویش تمایلات جنس مرد را احساس کند و یا مرد در وجود خویش تمایلات جنس مخالف را احساس کند.....

کلام فوق دقیقاً بر تراجنسیتی ها یا خنثای روانی تطبیق می کند؛ چه این که این عده اساساً از نظر جسمی هیچ مشکلی ندارند، بلکه از نظر روانی و روحی خود را متعلق به جنس مخالف می بینند. گاه معالجات در مورد آنان بی فایده است، به ناچار پزشک معالج، اجازه تغییر جنسیت می دهد.

۵. کلام امام خمینی صراحت دارد که تغییر جنسیت حرام نیست، که معنای دیگر آن «جواز» یا «اباحه» است. در ادامه تصریح می کنند که چنین تغییر جنسیتی، واجب نیست. بنابراین، حتی دو جنسی ها که دارای آثار جنس مخالف هستند، یا تراجنسیتی (ترانس ها) که دارای تمایلات جنس مخالف هستند، موظف به تغییر جنسیت نیستند. بنابراین، با توجه به کلام فوق، خنثی ها و حتی «خنثای مشکل» لازم نیست تن به عمل جراحی داده و خود را از دوگانگی جنسی یا ابهام جنسی رها سازند. البته این سخن در صورتی است که واجبات شرعی ترک نشود و یا ارتکابِ محرمات پیش نیاید. از این رو، چنان چه باقی ماندن بر حالتِ دو جنسی، موجب ترک واجبات و یا ارتکاب محرمات شود و شخص توان مالی و جسمی برای تغییر جنسیت داشته باشد، بر او لازم است به تغییر جنسیت و رفع ابهام جنسی اقدام نماید.

۶. یکی از اقسام تغییر جنسیت، تبدیل مرد یا زن به خنثی است. چنین تغییر جنسیتی در کلام امام خمینی نیامده است؛ چه این که ایشان تبدیل مرد به زن یا برعکس و نیز تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث را بیان داشته است. البته به طور طبیعی، هیچ گاه افراد تمایل ندارند که جنسیت مردانه یا زنانه خویش را به خنثی تبدیل کنند،

ص: ۲۰۲

ولی در گذشته چنین مسأله ای در دربار پادشاهان مرسوم بوده که عده ای را برای حراست از حرمسراها، اخته یا خنثی می نمودند، و نیز این احتمال وجود دارد که عمل جراحی تغییر جنسیت به صورت ناقص انجام شود. در نتیجه، شخص کاملاً به جنس مخالف تبدیل نشود و از طرفی، امکان بازگشت به جنس سابق هم وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، به طور ناخواسته، فردی به خنثی تبدیل شده است. آیت الله سید محمد صدر در این باره می گوید:

به طور طبیعی، برای بیمار یا پزشک، تبدیل مرد یا زن به خنثی، مطلوب و مقصود نیست، ولی از نظر فقهی فرض آن ممکن است؛ مثل آن جایی که عمل جراحی برای تبدیل یک جنس به جنس دیگر، رضایت بخش و کامل نباشد، و از طرفی بیمار به جنسیت اولیه خویش نیز باز نگردد. در این حالت، وی خنثی خواهد شد و مرد یا زن محسوب نمی شود. (۱) ایشان در جای دیگر تصریح می کند که اساساً این امر عقلایی نیست که یک فرد بخواهد به خنثی تبدیل شود:

از نظر عقلایی این امر صحیح نیست که مرد یا زنی بخواهد خنثی گردد. (۲) در هر حال، این پرسش به عنوان یک فرع فقهی مطرح است که آیا تغییر جنسیت مرد به خنثی و یا تغییر جنسیت زن به خنثی جایز است یا نه؟ توضیح بیشتر در مباحث آینده خواهد آمد.

بند دوم: ادله موافقین تغییر جنسیت

در ادامه به چند دلیل که از سوی فقیهان اسلامی در جواز تغییر جنسیت بیان شده است، اشاره می شود:

ص: ۲۰۳

۱- (۱) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۳: «والتحول إلى الخنثی وإن لم یکن مطلوباً ولا مقصوداً بطبیعة الحال للمریض ولا للطیب، ولكن قد یفرض ذلك فقہیاً، من حیث أن عملیه التحول إلى الجنس الآخر لم تنجح، فلن یعود المریض إلى جنسه الأول، وإنما سیصبح خنثی لا یحسب علی أحد الجنسین أصلاً».

۲- (۲) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۲: «ولا یصح عقلاً أن یرید الرجل او المرأه أن تكون خنثی».

دلیل اول: جواز تغییر جنسیت به دلیل عدم وجود دلیل بر حرمت آن

یکی از مهم ترین ادله ای که در جواز تغییر جنسیت بیان شده است این است که اساساً بر حرمت تغییر جنسیت، دلیلی وجود ندارد. آیت الله حسین علی منتظری می گوید:

ظاهر آن است که فی حد نفسه، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، ولی اگر مقدمات تغییر جنسیت از نظر شرعی حرام باشد، مانند: نظر نامحرم به عورت شخص یا لمس آن، در این صورت جایز نیست، مگر هنگامی که ضرورت وجود داشته باشد، مثل آن جایی که تمایلات جنس مخالف در وجود وی شدید بوده و مقتضیات طبیعت جنس مخالف در وی غلبه داشته باشد، به گونه ای که از نظر طبیعی از مصادیق جنس مخالف بوده یا لااقل نزدیک به جنس مخالف باشد و ابراز این طبیعت (نهفته) و درمان وی، جز به عمل جراحی ممکن نیست. در این صورت، مانعی برای تغییر جنسیت وجود ندارد؛ چون درمان و ضرورت صدق می کند، بلکه زمانی که عمل به وظایف شرعی به عمل جراحی وابسته باشد، چه بسا عمل جراحی تغییر جنسیت واجب است. (۱) ایشان در جای دیگر تأکید می کند که تغییر جنسیت منع شرعی ندارد. وی می گوید:

تغییر جنسیت به خودی خود، منع شرعی ندارد. بنابراین، کسانی که زن هستند و تمایلات شدید مردانه دارند یا برعکس، می توانند تغییر جنسیت دهند، ولی اگر عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا هر گونه اعمال دیگر مستلزم حرام (از قبیل: لمس و نگاه به عورت و...) باشد تغییر جایز نیست، مگر در موارد ضرورت. (۲)

ص: ۲۰۴

۱- (۱) حسین علی منتظری، دراسات فی مکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸: «والظاهر أنه لا دلیل علی حرمته ذاتاً ولکن إذا كانت مقدماته محرمة شرعاً كنظر الأجنبي إلى عورته أو لمسه لها فلا يجوز إلا مع صدق الضرورة، كما إذا فرض وجود تمایلات الجنس المخالف فيه شديداً وغلبت فيه مقتضيات طبعه بحيث يكون بحسب الطبع من مصاديقه أو قريباً منه ولم يكن إبرازه وعلاجه إلا بالعلمية، ففي هذه الصورة لا مانع منه، لصدق العلاج و الضرورة عليه، بل ربما يجب إذا توقف العمل بالوظائف الشرعية على ذلك».

۲- (۲) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

تقریباً تمام فقیهان که به «جواز تغییر جنسیت» معتقدند، بر این باورند که برای حرمت تغییر جنسیت، دلیل قاطع و روشنی وجود ندارد و ادله ای که مخالفین تغییر جنسیت بیان کرده اند، از نظر این عده، غیر قابل قبول بوده و اثبات کننده منع نیست.

به اعتقاد این گروه از فقیهان اسلامی، تغییر جنسیت در حالت عادی که هیچ گونه ضرورت یا اضطراری برای آن وجود ندارد، اگر چه فی حد ذاته جایز بوده و برای آن منعی وجود ندارد، ولی از آن جایی که این عمل جراحی، با برخی امور حرام همراه است، باید از انجام آن خود داری شود، ولی هرگاه انجام عمل جراحی تغییر جنسیت به عنوان راهی برای درمان بیماری باشد، به طوری که عمل جراحی تنها راه باشد، در این صورت تغییر جنسیت جایز بوده و از جهت ملازمات حرام، منعی وجود نخواهد داشت.

دلیل دوم: جواز تغییر جنسیت با استناد به اصل حلیت و اصل اباحه

بعد از آن که گفته شد که هیچ دلیلی - از کتاب و سنت - در حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، به دلیل «اصالت حلیت» و «اصل اباحه» استناد شده است. آیت الله سید محسن خرازی در این باره می گوید:

مقتضی أصالة الحلیه و أصاله البرائه هو الجواز؛^(۱)

مفاد اصل حلیت و اصل برائت، جواز تغییر جنسیت است.

بر طبق اصالت اباحه، اصل بر جواز تصرفات است مگر این که دلیلی بر ممنوعیت وجود داشته باشد. پس، از آن جایی که دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت، وجود ندارد، بنابراین، تغییر جنسیت جایز است. معنای قاعده «اصاله الاباحه» این است که: هر چیزی که بین حلال و حرام مشتبّه باشد، بر حلال حمل می شود و بین فقها تمسک به این قاعده در موارد شک بین حرمت و حلیت، معروف و مشهور است.

ص: ۲۰۵

۱- (۱) سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۴۱.

در توضیح مطلب فوق، دو نکته بیان می شود:

نکته اول. قاعده اصالت اباحه، از مباحث مشهور میان فقیهان و اصولی ها است که برای آن، دلیل های متعددی بیان شده است. در ادامه به چند روایت در اثبات اصالت اباحه اشاره می شود:

۱. عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: كل شيء فيه حلال و حرام فهو لك حلال أبداً حتى تعرف الحرام منه بعينه فتدعه؛^(۱) عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که وی فرمود: هر چیزی که (احتمال) حلال و حرام در آن است، برای تو همیشه حلال است، تا این که به طور عینی حرام بودن آن شناخته شود، پس در این صورت آن را ترک کن.

۲. خبر عبدالله بن سلیمان، قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن الجبن فقال:.... كل ما كان فيه حلال و حرام فهو لك حلال، حتى تعرف الحرام بعينه فتدعه؛^(۲) عبدالله بن سلیمان می گوید: از امام باقر (علیه السلام) درباره جن پرسیدم. آن حضرت فرمود: هر چیزی که (احتمال) حلال و حرام در آن است، برای تو حلال است، تا این که به طور عینی حرام بودن آن شناخته شود، پس آن را ترک کن.

۳. مقبوله مسعده بن صدقه عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: سمعته يقول: كل شيء هو لك حلال حتى تعلم أنه حرام بعينه (إلى أن قال): والأشياء كلها على هذا حتى يستبين لك غير ذلك أو تقوم به البينه؛^(۳) مسعده ابن صدقه می گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود: هر چیزی برای تو حلال است تا این که به طور عینی حرام بودن آن را بشناسی. و همه اشیا بر همین رویکرد (اصالت اباحه) است، تا این که خلاف آن برای تو آشکار گردد، یا بینه برخلاف آن اقامه گردد.

ص: ۲۰۶

۱- (۱) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۹، باب ۴، از ابواب ما یکتب به، حدیث ۱.

۲- (۲) همان، ج ۱۷، ص ۹۰-۹۱، باب ۶۱، از ابواب الاطعمه المباحه، حدیث ۱ و ۷.

۳- (۳) همان، ج ۱۲، ص ۶۰، باب ۴، از ابواب ما یکتسب به، حدیث ۴.

آیت الله سید ابوالقاسم خوئی در ذیل حدیث فوق می گوید:

منظور (روایات فوق) این است که همه اشیا خارجی مباح هستند تا این که حرمت آن با علم وجدانی ظاهر گردد، یا این که بینه ای بر حرمت آن اقامه گردد. (۱) با توجه به کلام فوق هرگاه علم وجدانی یا بینه در حرمت یک شی وجود داشته باشد، باید از اصل اباحه دست کشید، اما پرسشی که در این جا مطرح است این است که منظور از «بینه» چیست؟

در پاسخ باید گفت منظور از «بینه» در این جا مطلق حجت یا دلیل واضح است که به وسیله آن بتوان حکم شی مشکوک را یافت.

نکته دوم. در تمسک به اصل اباحه گفته شده است که عمل تغییر جنسیت از یک طرف به پزشک و از طرف دیگر به بیمار مربوط است. نهایت چیزی که از اصل فوق به دست می آید این است که اصل عمل تغییر جنسیت برای بیمار مجاز است، ولی آیا اقدام پزشک برای عمل جراحی تغییر جنسیت نیز براساس اصل فوق مجاز خواهد بود؟ (۲) به نظر می رسد که عمل پزشک از قبیل «اجاره اشخاص» است و براساس «قواعد باب اجاره» باید آن را حل و فصل کرد. یکی از مهم ترین شرایط اجاره این است که عمل مورد اجاره، باید دارای منفعت عقلایی و مشروع باشد. برای احراز شرط فوق باید تغییر جنسیت مشروط به شرایطی باشد، از جمله این که، بیماری که تن به عمل جراحی می دهد، تغییر جنسیت برای او ضرورت داشته و گزینه دیگری برای آن وجود نداشته باشد، در غیر این صورت، اقدام پزشک غیر مشروع خواهد بود.

البته ممکن است گفته شود در غیر فرض ضرورت نیز می توان به استناد «اصل اباحه» مشروعیت تغییر جنسیت را فی حد نفسه به اثبات رساند و براساس مشروعیت آن، عمل پزشک نیز که در راه انجام عمل مباح است محکوم به جواز خواهد شد.

ص: ۲۰۷

۱- (۱) ابوالقاسم خوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۲۷۴: «فیکون المراد أنّ الاشياء الخارجیه کُلّها علی الاباحه، حتی تظهر حرمتها بالعلم الوجدانی أو تقوم بها البینه».

۲- (۲) ر. ک: علی رضا باریک لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵، (۱۳۸۲)، ص ۷۲.

دلیل سوم: جواز تغییر جنسیت با استناد به قاعده تسلیط

براساس قاعده فقهی تسلیط، انسان می تواند در حدود عقلایی در مال و یا جان خویش تصرف داشته باشد. برخی صاحب نظران می گویند:

علاوه بر این، می توان به قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم وانفسهم» (مردم بر مال هایشان و جان هایشان تسلط دارند) بر جواز تغییر جنسیت استناد کرد، البته بنابراین که این قاعده، یک قاعده عقلایی باشد. دقت کنید. (۱)

بررسی و تحلیل

در ارتباط با کلام فوق دو نکته بیان می شود:

نکته اول. مفهوم قاعده تسلیط

قاعده تسلیط شامل حق تسلط مردم بر مال و حق تسلط بر بدن است. براساس این قاعده، مردم همان طور که بر مال خویش تسلط دارند، بر بدن خویش نیز تسلط داشته و می توانند در بدن خویش تصرفات معقول و مجاز داشته باشند.

مسأله تسلیط بر مال و جان علاوه بر این که مستند به شرع است، به «روش عقلا» نیز مستند است. به عبارت دیگر، این مسأله که انسان بر خودش ولایت دارد و زمام تمام کارهایش نیز به دست اوست، امری عقلایی و مورد پذیرش عقلا است و از ناحیه شارع مقدس هیچ ردعی مبنی بر عدم رضایت به این نوع تصرفات نرسیده است. (۲) البته تأکید می کنیم که منظور ما از تصرف در بدن، تصرفات معقول و متعارف است، و الا انسان به هیچ وجه نمی تواند به استناد به قاعده فوق به خودکشی دست زند.

در حدیث منقول از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تنها به تسلط بر اموال تصریح شده است (الناس مسلطون علی اموالهم)، اما فقیهان معاصر با اضافه کردن قاعده اولویت، تسلط بر

ص: ۲۰۸

۱- (۱) سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۴۱: «هذا مضافاً إلى قاعدة: «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» بناءً علی أنّها قاعدة عقلائیه، فتأمل».

۲- (۲) دکتر سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه، ج ۱، ص ۲۳۳.

امکان یا عدم امکان تغییر جنسیت با استناد به قاعده تسلیط

اکنون این پرسش مطرح است که آیا تصرف بیماری که خواهان تغییر جنسیت است در بدن خویش، معقول و عقلایی است؟ آیا تصرف های وی زاید، لغو و دارای مفسد اجتماعی نیست؟ و آیا امکان اجرای قاعده تسلیط در این جا وجود دارد؟

به نظر می رسد: برای حصول اطمینان از تصرفات معقول، باید تغییر جنسیت همراه با شرایط ویژه باشد و تنها بیماران خاص و کسانی که واقعاً به عمل جراحی اضطرار دارند به عمل جراحی تغییر جنسیت اقدام نمایند. نتیجه آن که، با استناد به قاعده تسلیط نمی توان تصرفات غیر متعارف و غیر معقول در بدن داشت و تنها بیماران دو جنسی یا ترانس هایی که دارای مشکل شدید جسمی یا روحی هستند، می توانند به تغییر جنسیت اقدام ورزند. از این رو، پیشنهاد می شود که مقامات رسمی برای دادن مجوز تغییر جنسیت، با تشکیل کمیسیون های خاص پزشکی، ضرورت عمل جراحی تغییر جنسیت را احراز نمایند. در غیر این صورت، از دادن مجوز خودداری نمایند.

بنابراین، تغییر جنسیت در صورتی مشروع است که خواهان تغییر جنسیت، دارای مشکل جنسی و یا روحی لاعلاج باشد. با این حال، تأکید می کنیم که باید درک درستی از موضوع تغییر جنسیت و بیماران جسمی و روحی وجود داشته باشد تا بتوان متناسب با آن حکم فقهی صادر نمود.

دلیل چهارم: جواز تغییر جنسیت براساس قاعده اضطرار

بر اساس قاعده اضطرار می توان به جواز تغییر جنسیت قائل شد، چون براساس آیات و روایات هرگاه مکلف به واسطه قرار گرفتن در شرایط خاصی ناچار به انجام فعلی

ص: ۲۰۹

۱- (۱) ر. ک: سید محسن حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۷. آیت الله حکیم درباره این نکته که آیا انجام عبادات صبی، مشروط به اذن والدین یا بدر هست یا خیر، می گوید: «انجام عبادات صبی مشروط به اذن والدین یا پدر نیست؛ چرا که چنین شرطی با اصل تسلط بر نفس که بنا بر قاعده اولویت از اصل تسلط بر اموال استفاده می گردد مخالف است».

گردد که در حالت عادی ممنوع و حرام است مؤاخذه و عقاب نمی شود، بلکه فعل ممنوع، مباح و جایز می گردد. بنابراین، اضطراب عبارت از وضعیتی است که انسان برای رهایی از ضرورت و تنگنایی که ایجاد شده است فعلی را بر خلاف تمایل خود و تحت تأثیر آن شرایط انجام می دهد و یا از ارتکاب عملی خودداری می کند.

کسانی که به عمل جراحی تغییر جنسیت اقدام می نمایند، در بیش تر موارد گرفتار اختلالات هویت جنسی و ناراحتی روانی و افسردگی شدید هستند که حتی اگر به حرمت تغییر جنسیت در شرایط عادی معتقد باشیم، به دلیل وضعیت اضطراری آنان، می توانند زیر نظر متخصصان اقدام به عمل جراحی تغییر جنسیت نمایند.

مضافاً به این که عمل تغییر جنسیت، حکم معالجه و تداوی دارد و تداوی به حرام در شرایط اضطراب جایز است. البته تذکر این نکته ضروری است که این قاعده، تغییر جنسیت را در محدوده اضطراب به عنوان حکم ثانوی اثبات می کند و نه به عنوان حکم اولی.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با مطلب فوق، دو نکته بیان می شود:

نکته اول. ضابطه اضطراب

دامنه اضطراب در فقه اسلامی گسترده است و از طهارت تا دیات کاربرد دارد. در اضطراب پای کسی در میان نیست، بلکه فاعل در حالتی قرار گرفته است که اگر بخواهد از آن حالت بیرون بیاید، باید فعلی را که در حال اختیار از آن کراهت دارد انجام دهد. به طور کلی، به عنوان «ضابطه اضطراب» می توان گفت: هر ضرری که تحمل آن سخت و مشکل باشد، به گونه ای که برای نوع مردم یا خود شخص غیر قابل تحمل باشد. از این رو، مشهور فقیهان در حد و مرز اضطراب گفته اند:

اضطراب با چند چیز محقق می شود: خوف از تلف که اگر نخورد می میرد، خوف از مرض، یعنی اگر گوشت میته را نخورد مریض می شود هر چند بداند که نمی میرد؛ خوف از ضعف که موجب شود آدمی در مسافرت از قافله عقب بماند و باعث مشقت او گردد؛^(۱) یا اگر بترسد که دیگری متضرر می شود، مانند زن

ص: ۲۱۰

۱- (۱) محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۳۰۷.

حامل یا شیرده که می ترسد اگر میته را نخورد جنین در رحم او به ضرر می افتد و یا بچه شیرخوارش گرسنه می ماند. در نتیجه مریض می شود یا می میرد، یا مریضی بترسد که اگر نخورد مرضش طول می کشد یا معالجه اش سخت می شود. در جمیع این صور چنین شخصی مضطر محسوب می شود. (۱) نکته دوم. اضطراب مبنای جواز تغییر جنسیت در فتاوی فقیهان

برخی فقیهان و مراجع تقلید معتقدند: چنان چه تغییر جنسیت به حد ضرورت رسیده باشد، یا از باب تداوی و معالجه باشد جایز است. این مطلب در چندین پرسش و پاسخ آمده است که به چند نمونه آن اشاره می شود:

الف) آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: پسری هستم ۲۴ ساله که تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانیده و در حال حاضر آماده اعزام به خدمت مقدس سربازی هستم. حدود چند سالی است که متوجه وجود تفاوت شدیدی بین خود و هم سن و سالانم شده ام. مشکل من این است که از لحاظ جنسی با هم جنسان خود تفاوت بسیار شدیدی دارم؛ به این معنا که از لحاظ جنسی به جای این که به غیر هم جنس متمایل باشم، تمایل شدیدی به هم جنسان خود دارم و از داشتن ارتباط با غیر هم جنس بشدت بی زارم. در واقع به جای داشتن احساسات مردانه، تمام خصلت ها و خصوصیات و احساسات زنانه را در وجود خودم حس می کنم. به عبارت دیگر، از جنسیت خودم ناراضی هستم و این مسأله برای من مشکل ساز شده است. در نتیجه، نمی توانم به عنوان یک مرد، نقش اجتماعی و جنسی خود را ایفا کنم و قادر به مسؤولیت هایی که شرع و قانون بر عهده مرد گذاشته است نمی باشم. لازم به ذکر است که این مسأله به عنوان یک بیماری شناخته شده، و در علم روان شناسی به آن «اختلال هویت جنسی» (Gender Identity) می گویند.

تا به حال، چندین بار به روان پزشکان و روان شناسان مختلف مراجعه کرده ام، ولی نتیجه ای عاید نشده است. از لحاظ علم پزشکی این بیماری، خوب شدنی نیست و تنها راه حل آن «تغییر جنسیت» می باشد.

ص: ۲۱۱

حال سؤال من این است که شرع مقدس، برای افرادی همانند من، با توجه به خصوصیات‌ی که در فوق ذکر کردم؛ یعنی داشتن عواطف و احساسات زنانه به جای احساسات مردانه، چه تکلیفی را معین کرده است؟ چون من نمی‌توانم ازدواج کنم و در صورت ازدواج مطمئناً زندگی ناموفقی خواهم داشت، آیا اجازه تغییر جنسیت می‌دهد؟ ما برای ادامه زندگی چه باید بکنیم؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید و تکلیف شرعی من را معین نمایید. قبلاً از همکاری شما متشکرم.

پاسخ: عمل جراحی برای تغییر جنسیت اگر ضرر نداشته باشد، به خودی خود اشکال ندارد، لکن اگر به عنوان یک زن با ساختمانی بدنی زن تغییر جنسیت دادید، باید به وظایف زنان از حجاب و پوشش از نامحرم و احکام دیگر عمل کنید. (۱)ب) آیت الله سید علی خامنه‌ای: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش:.... مواردی اطبا مواجه اند که شخص از نظر ظواهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد و تا به حال این مسأله پیش آمده است.... آیا اصولاً این عمل برای خود این شخص حرام است یا جایز؟

پاسخ: تغییر جنسیت برای شخص و به درخواست شخص اشکال ندارد حتی اگر چه جلوگیری از اقدام بر انتحار متوقف بر آن نباشد و یا اصلاً خطر انتحاری در بین نباشد. (۲)

ج) آیت الله سید محسن خرازی: بخشی از دیدگاه ایشان درباره تغییر جنسیت چنین است:

تغییر جنسیت در زمانی که معالجه باشد، یا در آن مصلحت لزوم آور مهم تری باشد جایز است و در غیر این صورت اشکال دارد. (۳)

ص: ۲۱۲

۱- (۱) استفتاء اخذ شده از مرکز رایانه دفتر آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره).

۲- (۲) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰.

۳- (۳) سید محسن خرازی، تغییر جنسیت، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، ص ۶۲.

د) آیت الله حسین علی منتظری: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می کنند و بعضاً اگر تغییر جنسیت ندهند احتمال اقدام به خودکشی در آنان هست. آیا اصولاً تغییر جنسیت جایز است؟

پاسخ: به طور کلی، دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن ها ضرورت داشته باشد بعید نیست که واجب باشد. (۱) در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت تمام احکام بعد از تغییر از حیث محرمیت و ازدواج و غیر این ها جاری می شود. (۲) دلیل پنجم: جواز تغییر جنسیت به دلیل حدیث رفع

علاوه بر مطالب پیش گفته، به استناد حدیث رفع بر جواز تغییر جنسیت استناد شده است. برخی صاحب نظران در این باره می گویند:

چون دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، و مقتضای حدیث رفع، جواز ظاهری تغییر جنسیت است. (۳) امام صادق (علیه السلام) به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می گویند:

نه چیز از امت من برداشته شده است: اشتباه، فراموشی، اکراه، آن چه نمی دانند، آن چه بر آن توانایی ندارند، آن چه بر آن مضطر شده اند، حسد، تفرأ و اندیشه های وسوسه آمیز درباره مردم تا زمانی که بر زبان نیاورده اند. (۴) براساس حدیث فوق، چنان چه فردی را از روی جهل انجام داده باشد (ما لا یعلمون) از نظر شرعی مواخذه نخواهد شد. از آن جایی که، مفروض این است که برای حرمت

ص: ۲۱۳

۱- (۱) حسین علی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲- (۲) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۳- (۳) احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله (المسائل المستحدثه)، ص ۱۹۰: «لعدم الدلیل علی الحرمة، و مقتضی حدیث الرفع جوازه ظاهراً».

۴- (۴) شیخ صدوق، الخصال، ص ۴۱۷.

تغییر جنسیت دلیلی وجود ندارد، بنابراین، عمل جراحی تغییر جنسیت، بدون اشکال خواهد بود.

توجه به این نکته ضروری است که استناد به حدیث رفع یا همان اصل برائت در صورتی تمام است که دلایل قائلین به تحریم تمام نباشد.

گفتار دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت

اشاره

همان طور که پیش تر بیان شد، تغییر جنسیت در افراد سالم و تغییر جنسیت در ترانس ها (ختنای روانی) معرکه آرا و محل انظار صاحب نظران است. عمدتاً دو دیدگاه مخالف و موافق در این زمینه وجود دارد. تا آن جایی که نگارنده تحقیق نموده است، همه صاحب نظران اهل سنت، اعم از فقیهان و حقوق دانان به حرمت تغییر جنسیت در افراد فوق معتقد شده اند و البته عده کمی از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده اند. در ادامه، نظرات مخالفین تغییر جنسیت و سپس ادله مخالفین تغییر جنسیت آورده می شود.

بند اول: نظرات مخالفین تغییر جنسیت

در ابتدا نظرات اهل سنت و سپس نظرات برخی فقیهان شیعه در حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت تغییر خلق الله بیان می شود.

الف. استناد به کلام اهل سنت در حرمت تغییر خلق خدا

۱. دکتر احمد محمد کنعانی، از حقوق دانان اهل سنت درباره حرمت تغییر جنسیت چنین می گوید:

در برخی جوامع که از فطرت الهی منحرف گشته اند، اشخاص سالم تغییر جنسیت می دهند، که این کار قطعاً حرام است؛ چون این کار [اولاً] باعث تغییر خلق الله است، در حالی که هیچ گونه ضرورت شرعی برای آن وجود ندارد. و [ثانیاً] این کار در واقع پاسخ مثبت به دعوت شیطان است که وعده داده از طریق این گونه کارهای حرام، انسان را منحرف سازد. شیطان گفت: «و به

تحقیق به بنی آدم دستور خواهم داد، پس آنان خلق الهی را تغییر خواهند داد».^{(۱)۲}. شیخ یوسف قرضاوی از مفتی های معروف اهل سنت و از مخالفین سرسخت تغییر جنسیت است که در مصاحبه ها و گفت و گوهای متعددش، کارهایی مثل تغییر جنسیت، شبیه سازی را حرام اعلام کرده و این گونه اعمال را «تغییر در خلق الله» و از مصادیق کارهای شیطانی می داند. وی حتی غلو یا زیاده روی در زینت را مصداقی از تغییر خلق الله می داند.^{(۲)۳}. مجمع فقهی مکه مکرمه: مجمع فقه اسلامی مستقر در مکه مکرمه در فتوایی که درباره تغییر جنسیت در تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۰۹ (۱۹ فوریه ۱۹۸۹ م) صادر کرد چنین گفت:

۱. آلت تناسلی مردانه و زنانه که خلقت آن کامل و بدون نقص است، جایز نیست یکی به دیگری تبدیل شود. و هر کس این کار را انجام دهد، مرتکب حرام شده و مستحق مجازات می باشد؛ چون این کار، تغییر در خلق خدا است و خداوند سبحان این کار را حرام نموده است و در قرآن کریم از قول شیطان می گوید: به تحقیق به انسان ها دستور می دهم، پس خلق خدا را تغییر می دهند...

۲. هر کسی که هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه را دارد باید حالت غالب ملاحظه شود:

پس اگر غلبه با حالت مردانگی است جایز است امری که موجب اشتباه می گردد زایل کند (یعنی حذف آلت تناسلی زنانه که ضعیف است) و اگر غلبه با حالت زنانگی است جایز است امری که موجب اشتباه می گردد زایل کند (یعنی حذف آلت تناسلی مردانه که ضعیف است)؛ خواه معالجه از طریق

جراحی باشد یا از طریق هورمون. چون این شخص مریض بود و به دنبال

ص: ۲۱۵

۱- (۱) دکتر احمد محمد کنعانی، الموسوعة الطیبه الفقهیه، ص ۲۸۴-۲۸۵: «أما ما ظهر فی بعض المجتمعات المنحرفه عن فطره الله تعالى من جراحات لتغییر الجنس عند اشخاص اسویا الخلقه فهو حرام قطعاً، لما فیہ من تغیر لخلق الله تعالى دون ضروره مشروعه، ولأنه إستجابہ لدعوه الشیطان الذی توعد باغواء بنی آدم بمثل هذه الأفعال المحرمه، فقال: «وَلَا مَرَّ نَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ»».

۲- (۲) یوسف قرضاوی، الحلال و الحرام فی الاسلام، با تعلیقه حسن محمد تقی جواهری، ص ۱۵۵-۱۵۶.

بهبودی و شفا می باشد و این کار وی تغییر در خلق خدای بزرگ نیست. (۱)ب. استناد به کلام شیعه در حرمت تغییر خلق الله

اندکی از فقیهان شیعه به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده اند. دلیل برخی از آنان دقیقاً همان دلیل صاحب نظران اهل سنت است که معتقدند: تغییر جنسیت، «تغییر خلق الله» است. در ادامه به کلام برخی از آنان اشاره می شود:

۱. آیت الله میرزا جواد تبریزی: در سؤال و جواب فقهی از ایشان چنین آمده است:

سؤال: حکم این مسأله که مردی، آلت تناسلی مردانه خویش را به فرج زنانه تبدیل کند چیست، یا این که زنی فرج زنانه خویش را به آلت تناسلی مردانه تبدیل کند، آن هم با عمل جراحی که امروزه پزشکان انجام می دهند؟ البته اگر این کار فقط به انگیزه میل شهوانی باشد، یا این کار به منظور تولید مثل باشد. برای مثال، شخص خواهان تغییر جنسیت، گرفتار نازایی غیر قابل علاج شده و برای علاقه اش به داشتن فرزند، آلت تناسلی خویش را تغییر می دهد؟

پاسخ: این کار غیر جایز است؛ چون تغییر خلق خداوند متعال است. (۲) ۲. آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری: ایشان این نکته را به صورت یک احتمال

مطرح می کند که آیه شریفه: «فلیغیرن خلق الله» شامل هر نوع تغییر می شود که با خلق

ص: ۲۱۶

۱- (۱) محمد بن حسین الجیزانی، فقه النوازل، (دمام «عربستان سعودی» و قاهره؛ دار ابن الجوزی، ۲۰۰۸ م. چاپ دوم، ج ۴، ص ۹۶-۹۷: «اولاً الذکر الذی کملت أعضاء ذکوره والأُنثی التي کملت أعضاء انوثتها لایحل تحویل أحدهما إلی النوع الآخر. ومحاولة التحویل جریمه یرتفع فاعلها العقوبه؛ لأنه تغیر لخلق الله، وقد حرّم سبحانه هذا التغیر بقوله تعالی مخبراً عن قول الشیطان: وَلَا مُرْتَبِّهٌ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ. ثانیاً، أما من اجتمع فی أعضائه علامات النساء والرجال فینظر فیہ إلی الغالب من حاله. فإن غلبت علیه الذکوره جاز علاجه طیباً بما یرزق الاشباه فی ذکوره. ومن غلبت علیه علامات الأنوثة جاز علاجه طیباً بما یرزق الاشباه فی انوثته؛ سواء أکان العلاج بالجراحه أو بالهرمونات؛ لأنّ هذا مرض، والعلاج یقصد به الشفاء منه، ولیس تغیراً لخلق الله عزّ وجلّ».

۲- (۲) ر. ک: سید حسین حسینی، احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹: «سؤال: ما هو حکم استبدال الرجل ذکره بفرج انثی، او استبدال الأنثی فرجها بذکر رجل، بالعمليات التي یجریها أطباء العصر؟ إذا کان هذا لغرض شهوانی فقط، أو کان لغرض الإنجاب کأن یرتفع المستبدل مصاباً بعقم لایشفی و لحبه النسل استبدال فرجه؟ جواب: هذا غیر جائز، لأنه من تغیر خلق الله تعالی سبحانه و تعالی».

الله در تعارض باشد. مانند: تغییر در انسان، تغییر در حیوان و تغییر در گیاهان.^(۱)

البته همان طور که اشاره شد ایشان این وجه را به صورت یک «احتمال» مطرح می سازد و به صورت قطعی نظر ایشان این نیست که تغییر جنسیت در انسان به دلیل آیه فوق، حرام است.

۳. آیت الله شیخ هادی نجفی: ایشان نیز تغییر جنسیت را مشمول آیه «فلیغیرن خلق الله» دانسته و معتقدند این کار شرعا حرام است.^(۲) عبدالکریم بی آزار شیرازی: ایشان که نویسنده کتاب «رساله نوین امام خمینی» است، معتقد است که تغییر جنسیت تنها در مورد خنثی ها جایز است و تغییر جنسیت در افراد سالم، مصداق «تغییر خلق الله» است. وی می گوید:

این که تغییر ماهیت بدهند کسی که ماهیت و حقیقتش مرد است یا کسی که ماهیتش زن است بخواهند مردش کنند، این از نظر شرعی جایز نیست، و لیغیرن خلق الله می شود.^(۳)

بند دوم: ادله مخالفین تغییر جنسیت

بعد از بیان نظرات مخالفین تغییر جنسیت، ادله آنان بیان می شود:

دلیل اول: حرمت تغییر جنسیت به دلیل تغییر خلق خدا

یکی از مهم ترین دلیل هایی که برای حرمت تغییر جنسیت بیان شده است این است که تغییر جنسیت، موجب «تغییر خلقت» یا «تغییر خلق الله» است و قرآن کریم آن را به عنوان یکی از کارهای شیطانی یاد می کند.

بررسی و تحلیل دلیل اول مخالفین تغییر جنسیت (مسأله تغییر خلق الله)

همان طور که گذشت یکی از مهم ترین دلیل های مخالفین تغییر جنسیت، مسأله تغییر

خلق الله و استناد به آیه تغییر است. در ادامه، ابتدا آیه تغییر خلق الله و سپس نظر مفسرین

ص: ۲۱۷

۱- (۱) سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۵.

۲- (۲) . شیخ هادی نجفی، الآراء الفقهیه، ص ۱۶۲ به بعد.

۳- (۳) ر. ک: دکتر فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۸۰.

شیعه و سنی را می آوریم و بالاخره به این پرسش، پاسخ می دهیم که آیا آیه مورد بحث، ناظر به مسأله تغییر جنسیت هست یا نه؟

آیه تغییر خلق الله

قرآن کریم می فرماید:

وَلَا ضِرَّ لَنَّهُمْ وَلَا مَنِينُهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا؛ (۱)

ترجمه: و آن ها را گمراه می کنم و به آرزوها سرگرم می سازم و به آن ها دستور می دهم (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهار پایان رابشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (فطرت توحید را به شرک بیالایند) و آن ها که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند زیان آشکاری کرده اند. (۲) ترجمه دیگر: و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد و وادارشان می کنم تا گوش های دام ها را شکاف داده، و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند. و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دچار زیان آشکاری شده است. (۳) بررسی آیات قبل از آیه ۱۱۹ سوره نساء

برای بررسی مفهوم و مقصود «تغییر خلق الله»، به سه آیه قبل از آیه مورد بحث توجه می کنیم تا مقصود آیه مورد نظر از تغییر خلقت خدا روشن تر گردد.

آیه ۱۱۶ سوره نساء: در این آیه شریفه، به اهمیت گناه بزرگ شرک اشاره شده است؛ گناهی که غیر قابل عفو و بخشش بوده و هیچ گناهی بالاتر از آن متصور نیست. مضمون همین آیه با کمی تفاوت در آیه ۴۸ سوره نساء نیز آمده است. (۴) آیه ۱۱۷ سوره نساء: در این آیه، به این نکته اشاره شده است که مشرکین به

ص: ۲۱۸

۱- (۱) سوره نساء (۴)، آیه ۱۱۹.

۲- (۲) ترجمه از ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۳۴.

۳- (۳) ترجمه از محمد مهدی فولادوند.

۴- (۴) ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۳۲.

قدری کوتاه فکرنند که خالق و آفریدگار جهان هستی را رها کرده و در برابر موجوداتی سر تعظیم فرود می آورند که کم ترین اثر مثبتی ندارند، و بلکه گاهی همانند شیطان، ویران گر و گمراه کننده نیز می باشند. (۱) آیه ۱۱۸ سوره نساء: در این آیه شریفه، شیطان لعنت شده است و این که شیطان گفته است: از بندگان تو سهم معینی خواهم گرفت. (۲) آیه ۱۱۹ که آیه مورد بحث ما است، در ادامه آیات قبل است و این که شیطان چگونه از بندگان نصیب و بهره می برد:

وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ: آن ها را گمراه می کنم.

وَلَا مَمْنَيْنَهُمْ: با آرزوهای دور و دراز و رنگارنگ، آن ها را سرگرم می کنم.

وَلَمَّا مَرَّنَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ: آن ها را به اعمال خرافی دعوت می کنم، از جمله این که فرمان می دهم که گوش های چهارپایان را بشکافند و یا قطع کنند.

وَلَمَّا مَرَّنَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ: آن ها را وادار می سازم که آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند.

با توجه به آیه مورد بحث، می توان فهمید که «تغییر در خلقت» تنها تغییر ظاهری و فیزیکی نیست، بلکه تغییر بر دو قسم است: ۱. تغییر ظاهری و فیزیکی ۲. تغییر معنوی، مانند: گمراه ساختن انسان ها و سرگرم ساختن آن ها به آرزوها.

در هر حال، هر دو نوع تغییر، در این ویژگی شریک هستند که در راستای اهداف

شیطان و باعث دور ساختن فطرت انسان ها از بندگی خداوند متعال است. بنابراین، هر

ص: ۲۱۹

۱- (۱) همان، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲- (۲) ترجمه آیه ۱۱۶ تا ۱۱۸ سوره نساء از این قرار است: «آیه ۱۱۶: خداوند، شرک به او را نمی آمرزد؛ (ولی) کمتر از آن را برای هر کسی بخواهد (وشایسته بداند) می آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است. آیه ۱۱۷: آن چه غیر از خدا می خوانند، فقط بتهایی است (بی روح)، که هیچ اثری ندارد؛ و (یا) شیطان سرکش و ویرانگر است. آیه ۱۱۸: خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: از بندگاه تو، سهم معینی خواهم گرفت» (با ترجمه ناصر مکارم شیرازی).

نوع تغییر و تحریفی که به انگیزه شیطانی و اهداف و کارهای غیر الهی صورت پذیرد، مذموم و غیر شرعی است.

در زمان جاهلیت، هرگاه شتر چند بار می زایید، گوش آن را می بریدند و یا شکاف می دادند و آن را در راه بت قرار می دادند. از آن پس، از سوار شدن و ذبح آن خودداری می کردند و در واقع، شتر در راه بت ها وقف می شد! در مواردی، چشم حیوان را در می آوردند و آن را در راه بت قرار می دادند!

خداوند متعال، در آیات مورد نظر، از این گونه کارها نهی کرده و آن را «تغییر در خلق الله» می داند؛ چه این که، هدف از خلق این گونه حیوانات، استفاده از گوشت آن و بهره برداری از سواری و حمل بار است. این گونه نعمت ها، برای استفاده انسان ها آفریده شده است تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند. در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده اند.

تغییر در خلقت به طور مطلق نمی تواند ناپسند و ناشی از خواست و کار شیطان باشد؛ چرا که انجام برخی کارها از قبیل: ختنه کردن، قطع کردن بند ناف جنین، چیدن موهای زائد بدن و کوتاه کردن موهای سر از اموری است که قانون گذار الهی نه تنها ما را از انجام آن ها باز نداشته، بلکه به انجام آن نیز امر کرده است.

بنابراین، باید مقصود آیه شریفه، نوعی خاص از تغییر باشد. مفسران در این که مراد از تغییر در مخلوقات الهی چیست با هم اختلاف نظر دارند. در ادامه، ابتدا دیدگاه مفسرین شیعه و آن گاه دیدگاه مفسرین سنی را می آوریم:

دیدگاه مفسرین شیعه در آیه تغییر خلق الله

۱. تفسیر مجمع البیان: طبرسی در ذیل آیه «فلیغیرن خلق الله» می گوید:

یعنی شیطان مردم را به تغییر خلق خدا امر می کند و آن ها نیز خلق خدا را تغییر می دهند. در معنای آیه شریفه اختلاف شده است. از ابن عباس و عده ای دیگر نقل شده که منظور تغییر دین خدا و تغییر امر خدا است. و همین معنا از امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است و این معنا با آیه ۳۰ سوره روم تأیید

می شود که در آن «لا تبدل لخلق الله» آمده که به معنای «لا تبدل لدین

الله است و منظور از تغییر یا تبدیل خلق الله، تحریم حلال و تحلیل حرام است. عکر مه و عده ای دیگر از ابن عباس نقل کرده اند که منظور اخصا (اخته کردن) است و این عده، اخته کردن حیوانات را مکروه می شمردند.

از ابن عباس نقل شده که منظور وشم (وصل موی مصنوعی) است. از زجاج نقل شده که منظور آیه شریفه خورشید، ماه و سنگ است که مردم از انتفاع آن رویگردان شده و در عوض به عبادت آن ها مشغول شده اند. (۱) ۲. تفسیر تبیان: شیخ طوسی در تفسیر تبیان می گوید: در معنای «تغییر خلق الله» اختلاف شده است. ابن عباس و عده ای دیگر می گویند که مراد خواهی کردن و اخته کردن است و حتی اخته کردن حیوانات مکروه است. عده ای دیگر گفته اند: مراد «تغییر دین الله» است که این معنا از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است و عده ای زیاد گفته اند منظور دین الله است که فطرت مردم بر آن است که خداوند درباره آن می فرماید: فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين القيم. عده ای گفته اند مراد وشم است.

برخی گفته اند: منظور حیوانات است که خداوند آن ها را برای استفاده انسان ها آفریده است، ولی عده ای آن ها را برای خود حرام کرده اند و خلقت خورشید، ماه، سنگ و.... برای استفاده انسان ها است، ولی عده ای از مسیر طبیعی آن خارج شده و این ها را معبود خویش قرار داده اند.

صاحب تفسیر تبیان معتقد است: بهترین معنا و صحیح ترین آن این است که «تغییر خلق الله»

به معنای تغییر دین الله است و تمام تفسیرهای دیگر در ذیل همین معنا قابل ارزیابی است. (۲)

ص: ۲۲۱

۱- (۱) ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۸۸: «ای و لأمرئهم بتغییر خلق الله فلیغیره، و اختلف فی معناه، فقیل: یرید دین الله و أمره، عن ابن عباس و إبراهیم و مجاهد و الحسن و قتاده و جماعه. و هو المروى عن أبی عبدالله (علیه السلام). ویؤیده قوله سبحانه و تعالی: «فطره الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله» و أراد بذلك تحریم الحلال و تحلیل الحرام، و قیل: أراد معنی الإخصاء عن عکر مه و شهر بن حوشب و أبی صالح عن ابن عباس و کرهوا الإخصاء فی البهائم. و قیل: أنه الوشم عن ابن مسعود. و قیل: أنه أراد الشمس و القمر و الحجارة عدلوا عن الإنتفاع بها إلى عبادتها عن الزجاج».

۲- (۲) محمد بن الحسن طوسی، تفسیر التبیان، ج ۳، ص ۳۳۳.

۳. تفسیر عیاشی: از نظر این تفسیر، تغییر خلق الله به معنای «تغییر دین خدا و تغییر امر خدا» است. وی برای اثبات مدعای خویش به روایاتی استناد می کند از این قرار:

۱. عن ابی جعفر (علیه السلام) فی قول الله: «ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله» قال: دین الله.

۲. عن ابی جعفر (علیه السلام) فی قول الله: «ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله»، قال: أمر الله بما امر به. (۱)

۴. تفسیر المیزان: علامه محمد حسین طباطبائی در ذیل آیه مورد بحث چنین می گوید:

و شیطان به ایشان دستور می دهد که گوش حیوانات را ببرند و آن چه را خدای متعال حلال کرده حرام کند و به ایشان دستور می دهد که خلق الله را تغییر دهد. این امر بر اموری مانند: اخته کردن، مثله کردن، لواط و مساحقه منطبق می شود. بعید نیست که مراد از تغییر خلق الله، خروج از فطرت الهی و ترک دین حنیف است. خداوند متعال می فرماید: پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییر پذیر نیست. این است همان دین پایدار. (۲) با توجه به آن چه گذشت، از نظر علامه طباطبائی «تغییر خلق الله» به معنای خروج از فطرت الهی و ترک تعالیم دین است.

۵. تفسیر صافی: مولی محسن فیض کاشانی در ابتدا توضیح می دهد که در زمان جاهلیت عده ای از مردم گوش حیوانات را از بیخ قطع می کردند و این کار آنان تغییر

در خلقت و منهی است و این مطلب نیز از امام صادق (علیه السلام) نیز روایت شده است. وی می گوید: سخن فوق به وسیله این آیه شریفه تأیید می شود: فطرت الله التي فطر الناس

ص: ۲۲۲

۱- (۱) به نقل از: محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۹۶.

۲- (۲) محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۵: «ولآمرنهم بشق آذان الانعام و تحریر ما أحلّ الله سبحانه، ولا- مرئهم بتغییر خلق الله وینطبق علی مثل الاخصاء وأنواع المثله واللواط والسحق. و لیس من البعید أن یکون المراد بتغییر خلق الله، الخروج عن حکم الفطره و ترک الدین الحنیف، قال تعالی: فاقم وجهک للدين حنیفاً فطر الله التي فطرت الناس علیها لاتبدیل لخلق الله ذلك الدین القیم».

علیها لا تبدیل لخلق الله.

در ادامه، فیض کاشانی می گوید: هر نوع تغییر صوری صفتی که بدون اذن الهی انجام شود، تغییر در خلقت الهی بوده و حرام است. مانند کاری که در زمان جاهلیت انجام می شد که چشم حیوان را در می آوردند و آن را از سواری و بارکشیدن معاف می دانستند، یا آن که بردگان را خواجه می کردند و یا هر نوع مثله.

در ادامه فیض کاشانی می گوید: تفسیر فوق با این تفسیر منافاتی ندارد که تغییر خلق الله به «تغییر دین الله» و «تغییر امر الله» معنا کرده است؛ چون تمام این موارد ذکر شده (خصوصاً، مثله و...) داخل در همان دو معنا «تغییر دین الله و تغییر امر الله است» (۱).

۶. تفسیر جوامع الجامع: طبرسی در این تفسیر می گوید: در زمان جاهلیت هر گاه شتری شش بار وضع حمل می نمود و بچه ششم شتر، نر باشد، در این صورت، گوش شتر مادر را بریده و یا چشم او را در می آوردند. در این حالت، دیگر سوار آن شتر نمی شدند. عده ای گفته اند: منظور اخته کردن است و برخی می گویند: منظور تغییر فطرت و تغییر دین اسلام و تغییر امر الهی است. (۲) ۷. تفسیر الکاشف: محمد جواد مغنیه در این تفسیر می گوید: عرب ها در زمان جاهلیت گوش برخی حیوانات را می بریدند و آن ها را وقف بت ها قرار می دادند و سوار شدن بر آن شترها را حرام می دانستند.

در ادامه صاحب تفسیر کاشف می گوید: شیطان در عصر جاهلیت دستور می دهد که از طریق بریدن گوش حیوانات، در خلقت الهی تغییر به وجود آورند و در عصر حاضر شیطان به حزب خویش دستور می دهد که بمب ناپالم را بر سر زنان و کودکان

فرو ریزند و بمب اتمی را بر شهر هیروشیما و ناگازاکی بیندازد تا خلق الله نابود شوند. (۳)

ص: ۲۲۳

۱- (۱) مولی محسن فیض کاشانی، الصافی، ج ۱، ص ۴۶۳-۴۶۴.

۲- (۲) امین الدین ابوعلی بن الحسن الطبرسی، تفسیر جوامع الجامع، با تصحیح ابوالقاسم گرجی، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳- (۳) محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ج ۲، ص ۴۴۳؛ و همین مطلب در ج ۳، ص ۱۳۷ با تفاوت تکرار شده است.

۸. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن: آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری در ذیل آیه مورد بحث مطالبی را مطرح کرده اند که در قالب سه عنوان ذیل بیان می گردد:

الف: انواع تغییر در خلقت: از نظر ایشان تغییر بر دو قسم است که عنوان «تغییر خلق الله» شامل هر دو می شود:

۱. تغییر حسی (صفتی و صورتی)، مانند: خواجه ساختن، مثله کردن و انواع تغییرهای فیزیکی بدن.

۲. تغییر معنوی، که مصداق بارز آن خروج از فطرت الهی و دوری از دین و تعالیم الهی و تحریف و تغییر دین، یا انجام انواع کارهای پست و رذیله، یا دوری گزیدن از راه مستقیم عقل و فطرت و یا ترویج باطل و فحشا.

خلاصه آن که «فطرت انسانی» اساس کمالات و منبع خیرات و اصل کارهای نیک است و همین فطرت بر جمیع مشاعر و حواس آدمی حاکم است و انسان را به سوی کارهای نیک فرا می خواند، مگر این که به دلیل گمراهی ها و ضلالت ها، فطرت انسانی فاسد و دور از حقیقت شده باشد که دیگر منبع و منشأ کار خیر نخواهد بود.

ب: عدم شمول «فلیغیرن خلق الله» نسبت به هر تغییر: آیه فوق دلالت می کند که تغییر در خلقت خداوند، کار ناپسند و منهی است و اساساً تغییر در خلقت و تصرف در موجودات از شؤون و اختصاصات خداوند متعال است و این حق بالاصاله برای غیر خداوند وجود ندارد. اما باید به این نکته توجه کرد که آیه فوق شامل هر نوع تغییر و تبدیل نمی شود و هر تغییر و تبدیل خلقت، حرام نیست، مخصوصاً آن تغییراتی که از سوی شارع مقدس اذن و اجازه وجود دارد، مانند: ختنه کردن، کوتاه کردن ناخن، خضاب نمودن و قطع عضو زائد و فاسد.

ج: بحث فقهی تغییر خلق الله (حرمت یا جواز): آیا تغییر در خلقت الهی جایز است یا حرام؟ پیش تر گذشت که مراد از خلق در آیه شریفه «فلیغیرن خلق الله» اعم از خلق صوری (طبیعی) و فطری (دین) است. تغییر از جهتی بر دو قسم است:

۱. تغییراتی که در حرمت آن شکی وجود ندارد، چه این که از ناحیه شارع مقدس نهی صریح و بالخصوص وارد شده است، مانند مجسمه سازی، خواجه ساختن انسان، ریش تراشی و کارهای دیگری که نهی شرعی دارد.

۲. تغییراتی که نهی صریح و بالخصوص ندارد، مانند تبدیل حیوان پیر به حیوان جوان، جراحی های پلاستیک و زیباسازی که این بر دو قسم است:

- تغییراتی که همراه با غرض عقلایی است، برای مثال، تغییراتی که برای دفع ضرر یا تأمین سلامتی صورت می پذیرد. در این حالت، این تغییرات جایز بوده و نمی توان گفت حرام است.

- تغییراتی که هیچ گونه غرض عقلایی و انگیزه معقول ندارد. آیا این کار حرام است؟ دو وجه وجود دارد:

وجه اول: براساس مقتضای عمومات و اطلاقات (غیر آیه فوق الذکر) که غیر قابل تقیید است، این کار حرام است. پس تغییر یک حیوان و تبدیل آن به حیوان دیگر حرام است.

وجه دوم: براساس مناط و ملاکی که از «خلق الله» به دست می آید، این است که حرمت تغییر در صورتی است که از طریق ایجاد خلقت جدید، با خلق و آفرینش الهی مقابله کند. پس در این حالت، حرمت وجود دارد.

بنابراین، هر نوع تغییر، چه در انسان، چه در حیوان و چه در گیاهان، مادامی که به عنوان معارض و ضدیت با آفرینش الهی محسوب نشود، حرام نیست. البته این مطلب در صورتی است که در تغییر اذیت، آزار رسانی و اسراف وجود نداشته باشد، و گرنه حکم آن واضح است (حرمت). (۱)۹. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن: صاحب تفسیر الفرقان می گوید: قطع گوش

شتر به تنهایی کار شیطان محسوب نمی شود، بلکه اگر قطع گوش به عنوان «علامت تحریم» یا به عنوان «عبادت بت ها» باشد حرام است. توضیح آن که عده ای گوش شتر را به عنوان تشریح و دستور خداوند قطع می کردند و بدین وسیله از سوار شدن و استفاده از

ص: ۲۲۵

گوشت شتر خودداری می کردند و استفاده از حیوان را بر خود حرام می کردند.

وی می گوید: شکی نیست که تغییر خلقت خداوند همیشه به عنوان امر شیطان و کار شیطان محسوب نمی شود، بلکه اساساً بعضی از تغییرها مشروع بوده و دارای امر شرعی است، مانند: ختنه، قطع ناف بچه از مادر، تراشیدن موی زائد بدن و کوتاه کردن موی سر و ریش. پس مقصود از «خلق الله» خلق خاص و مقصود از «تغییر خلق الله» تغییر خاص است که شناخت آن میسر نیست مگر از طریق آیات و روایات. (۱) جمع بندی دیدگاه مفسرین شیعه

روایاتی از امام صادق و امام باقر (علیه السلام) وارد شده که منظور از «تغییر خلق الله» عبارت است از: «تغییر دین الله» و «تغییر امر الله». از این رو، مفسرین شیعه، اعم از مفسرین قدیم و جدید بر این مطلب متفق القول هستند که هرگاه اشیا و مخلوقات از مسیر خلقت خویش خارج شوند و به گونه تشریح و بدعت گذاری، اموری جعل گردد (تحلیل حرام و تحریم حلال)، این امر تغییر در خلقت الهی بوده و مذموم است.

دیدگاه مفسرین اهل سنت در آیه تغییر خلق الله

۱. تفسیر کبیر: امام فخر رازی در پاسخ این پرسش که منظور از «تغییر خلق الله» چیست می گوید: مفسرین در این باره دو قول دارند:

قول اول: آن که مراد از تغییر خلق الله، تغییر دین الله است. توضیح و تقریر این قول آن است که خداوند متعال انسان را در عالم ذر بر فطرت اسلام آفرید و از ایشان شاهد گرفت که او خدای ایشان است و به او ایمان آورد. پس هر کس کفر ورزد، فطرت الهی را تغییر داده است و بر همین اساس این روایت از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) وارد شده

است که: کل مولود یولد علی الفطره و لکن ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه.

وجه دیگر در تقریر قول اول آن است که مراد از تغییر دین الله، تبدیل حلال به حرام است.

ص: ۲۲۶

۱- (۱) محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، ج ۹، ص ۳۴۵-۳۴۶.

قول دوم: آن که مراد از تغییر، تغییر ظاهری است که برای آن وجوهی ذکر شده است مانند: ۱. موی مصنوعی ۲. قطع گوش و در آوردن چشم حیوان یا اخته کردن ۳. تشبیه مرد به زن (تَخْتُت) و نیز مساحقه ۴. خداوند، حیوانات را برای انتفاع انسان ها آفرید که سوار آن شوند و از گوشت آن استفاده کنند، پس حرام کردن حیوانات، تغییر خلق الله است. نیز خداوند متعال خورشید، ماه و ستاره ها را برای انسان ها آفرید، پس پرستش این موجودات، تغییر خلق الله است.

فخر رازی در پایان نتیجه می گیرد که تمام معانی فوق می تواند مدنظر و مورد توجه باشد و وی همه معانی را می پذیرد. (۱) ۲. تفسیر جامع البیان (تفسیر طبری): محمد بن جریر طبری در این تفسیر از بزرگان اهل سنت، تأویل آیه «فلیغرن خلق الله» را بیان می کند: پانزده نفر از بزرگان اهل سنت می گویند: منظور اخصا است. بیست نفر از بزرگان اهل سنت می گویند: منظور از تغییر خلق الله، تغییر دین است. و هفت نفر از اهل سنت می گویند: منظور وشم و زینت های فریبنده است.

آن گاه طبری از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که منظور از «خلق الله»، دین الله است به دلیل آیه ۳۰ سوره روم. طبری می گوید: اگر این معنا را در نظر بگیریم در این صورت، هر کاری که از سوی خداوند متعال نهی شده باشد، داخل معنای فوق خواهد بود، مانند: خصا، وشم و وشره.

نیز هر کاری که ترک دستور الهی در آن نهفته باشد، کار شیطانی است؛ چون شیطان انسان ها را به ترک دستورات الهی وانجام گناهان دعوت می کند و او از این

طریق نصیب می گیرد و در کار انسان ها شریک می شود و از این طریق، تغییر خلق الله که همان تغییر دین الله است، تحقق پیدا می کند. (۲) ۳. تفسیر المنار: شیخ محمد عبده، نویسنده تفسیر المنار می گوید: تغییر خلق الله و

ص: ۲۲۷

۱- (۱) فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۴، ص ۲۲۳.

۲- (۲) محمد بن جریر طبری، تفسیر جامع البیان عن تفسیر آی القرآن (تفسیر طبری)، ج ۴، ص ۳۶۲-۳۶۷.

سوء تصرف در خلقت الهی، شامل تغییرهای حسی، مانند اخته کردن می شود و نیز شامل تغییرهای معنوی می شود؛ یعنی همان اموری که شرع اسلام آن را حرام کرده است. پس تبعیت و پیروی از پادشاهان ظالم یک نوع تغییر معنوی است. از ابن عباس روایت شده که مراد از «تغییر خلق الله»، تغییر دین است. هم چنین در روایتی، به موی مصنوعی و مانند آن تعبیر شده است، که هدف از آن، زینت فرینده باشد، و از همین قبیل است نقش هایی که روی دست، صورت یا سینه حکاکی می کنند و در پایان نتیجه گیری می کند که تغییرهای ظاهری (صوری) وقتی مذموم بوده و از کارهای شیطانی محسوب می شود که باعث تشویش و فریب کاری گردد. (۱) ۴. تفسیر روح المعانی (تفسیر آلوسی): شهاب الدین آلوسی می گوید: تغییر یا صوری (ظاهری) است یا صفتی (معنوی). بر این اساس هر نوع تغییر، مصداق تغییر خلق الله است، مانند: در آوردن چشم شتر، خصاء عید، وشم، وشر، لواط، مساحقه و عبادت خورشید، ماه و سنگ. (۲) اگرچه آلوسی از «تغییر دین الله» سخنی به میان نیاورده است، ولی با توجه به این که ایشان تغییر معنوی را مصداقی از تغییر می دانند، به دست می آید که تغییر دین الله نیز منظور ایشان بوده است.

۵. تفسیر الکشف و البیان: امام احمد ثعلبی این معانی را نقل می کند: دین الله،

خضاب، وشم، قطع گوش و در آوردن چشم. (۳) آن گاه در ادامه می گوید:

اهل معنا می گویند: معنای قول خداوند که می فرماید: «فلیغیرن خلق الله» این است که خداوند حیوانات را خلق کرد تا انسان ها سوار آن شوند و از گوشت آن استفاده کنند، ولی آن ها این ها را بر خویشتن حرام کردند و خداوند خورشید و ماه و سنگ را در اختیار انسان قرار داد تا از آن نفع ببرند ولی

ص: ۲۲۸

۱- (۱) محمد عبده، تفسیر المنار، ج ۵، ص ۳۶۱.

۲- (۲) شهاب الدین محمود آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۵-۶، ص ۱۹۵.

۳- (۳) احمد ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۸۹.

مشركان، آن‌ها را پرستش نموده و از این طریق خلق خدا را تغییر دادند. (۱)۶. تفسیر محاسن التأویل: جمال الدین قاسمی صاحب کتاب محاسن التأویل برای خلق الله در آیه «فلیغیرن خلق الله» معنایایی ذکر می‌کند که عبارت است از: دین الله، امر الله، اخصاء حیوانات و اخصاء انسان، وصل موی مصنوعی و نیز عبادت خورشید، ماه، ستاره و پرهیز از استفاده حیوانات. (۲) وی در ادامه می‌گوید:

مخفی نماند که عموم آیه شریفه بر همه معناها صدق می‌کند؛ چون همه آن‌ها تغییر خلق الله است. پس مانعی نیست که آیه را بر آن معناها حمل کنیم. (۳)۷. تفسیر الثمرات الیانه: یوسف بن احمد معروف به فقیه یوسف پس از نقل معانی متعدد می‌گوید:

برخی مفسرین گفته‌اند: معنای «تغییر خلق الله» عبارت است از تغییر آن حلال‌ها و حرام‌هایی است که خداوند خلق کرده است. پس داخل در این معنا می‌شود تغییر هر حرامی که حلال گشته، و هر حلالی که حرام گشته است. و این مطلب از ابی مسلم روایت شده است. پس تحریم حلال در این نهی داخل است. حاکم و زمخشری گفته‌اند: هر کس که کار مباحی را حرام کند،

گناه کار است. (۴) جمع بندی دیدگاه مفسرین اهل سنت

تقریباً تمام مفسرین اهل سنت به معنای «تغییر دین الله» اشاره داشتند. به عبارت

ص: ۲۲۹

-
- ۱- (۱) همان، ص ۳۸۹: «قال أهل المعانی: معنی قوله «فلیغیرن خلق الله» أنّ الله خلق الأنعام لتركبها و تأكلوا فحرموها علی أنفسهم، و خلق الشمس و القمر و الحجارة مسخرة للناس ینتفعون بها فعبد المشركون فغیروا خلق الله».
 - ۲- (۲) محمد جمال الدین قاسمی، محاسن التأویل (تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۶.
 - ۳- (۳) همان: «ولا يخفی أنّ عموم الآیه یصدق علی جمیع المعانی. إذ كلها من تغییر خلق الله، فلا مانع من حمل الآیه علیها».
 - ۴- (۴) یوسف بن احمد (فقیه یوسف)، تفسیر الثمرات الیانه و الاحکام الواضحة القاطعه، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸: «وقال بعض المفسرین: معنی تغییر خلق الله ای: تغییر ما خلق الله لأجله من التحلیل والتحریم. فیدخل تغییر کل محرم بإباحته، وکل محلل بتحریمه، و هذا مروی عن أبی مسلم، فیدخل فی هذا النهی عن تحریم الحلال، وقد ذکر الحاکم والزمخشری: أنّ من حرّم المباح كان آثمًا».

دیگر، از نظر آنان «تغییر خلق الله» یعنی تغییر دین الله، و این معنا را شبیه «لا تبدیل لخلق الله» می دانند که به معنای «لا تبدیل لدین الله» است.

علاوه بر این، مفسرین اهل سنت، مصادیق بیش تر و معانی متعددی برای تغییر خلق الله بیان داشته اند، مانند: اخته کردن انسان، وشم، بریدن گوش حیوان، در آوردن چشم حیوان، تحریم گوشت حیوان حلال گوشت، پرستش ماه، خورشید و.....

برخی از مفسرین سنی تأکید دارند که تمام معانی ذکر شده می تواند مصداقی از معنای «تغییر خلق الله» یا همان «تغییر دین الله» باشد و بنابراین، می توان یک قاعده کلی ذکر کرد و آن این که: هر کاری که از قبیل: «تحریم حلال و تحلیل حلال» باشد، به عنوان کار شیطانی محسوب شده و مصداقی از تغییر دین خداوند است. پس تغییر خلق الله، یعنی خروج از طاعت الهی و ورود به طاعت شیطان و اطاعت از وسوسه های شیطانی است.

بنابراین، اساساً تغییر خلق الله در آیه شریفه ناظر به تغییر فیزیکی و ظاهری نیست، بلکه بیان گر یک قاعده کلی است که هر کاری که خلاف دستورات الهی باشد و یا از قبیل «تحریم حلال و تحلیل حرام» باشد، مصداق تغییر خلق الله است و از این رو، آیه فوق نمی تواند ناظر به تغییر جنسیت باشد و آیه شریفه این مصداق را در بر نمی گیرد، بلکه باید سراغ ادله و قرائن دیگر رفت و ببینیم که آیا تغییر جنسیت حلال است یا حرام.

جمع بندی نهایی در مسأله تغییر خلق الله و نظریه مختار

همان طور که در شرح و تفسیر آیه تغییر (نساء: ۱۱۹) بیان شد، عده ای از اعراب

جاهلی، بر اساس اعتقاد خرافی خویش، برخی حلال ها را بر خویشتن حرام می کردند، از جمله در مواقع خاص، گوش حیوان را می بریدند و یا چشم آن را در می آوردند و از سوار شدن یا استفاده از گوشت حیوان حلال گوشت خودداری می کردند.

خداوند متعال از این کار ایشان به عنوان «تغییر خلق الله» یاد می کند که براساس روایاتی که از امام باقر و امام صادق (علیه السلام) وارد شده است، منظور از «خلق الله»، دین الله است، به قرینه آیه: «لا تبدیل لخلق الله» (روم: ۳۰) که به معنای: «لا تبدیل لدین الله» است.

بر این اساس، «تحریم حلال و تحلیل حرام» تغییر دین خداوند و مصداقی از تغییر خلق الله است. خداوند متعال، در آیه مورد نظر، از این گونه کارها نهی کرده و آن را تغییر در خلق خدا می داند؛ چه این که، هدف از خلق این گونه حیوانات، استفاده از گوشت آن و بهره برداری از سواری و حمل بار است. این گونه نعمت ها، برای استفاده انسان ها آفریده شده تا توان لازم برای عبادت و بندگی خداوند پیدا کنند. در غیر این صورت، از اهداف خلقت دور افتاده اند.

بنابراین، آیه شریفه بر این مطلب ناظر است که برخی اشیا به منظور خاص و امور ویژه ساخته شده است و هرگاه از مسیر اصلی منحرف شود، تغییر در خلقت الهی است. برای مثال، شترها برای استفاده از گوشت و یا سواری آفریده شده اند و هرگاه انسان ها، به خیال واهی آن را بر خود حرام کنند، تشریح و بدعت گذاری بوده و تغییر مذموم است. (۱)

به عبارت دیگر آیه شریفه ناظر بر این نکته است که هر نوع تغییر و تبدیل که به منظور تشریح و بدعت گذاری در دین و شریعت باشد، حرام و مذموم است؛ چه این که شهوت باید در مسیر ازدواج قرار گیرد. در غیر این صورت، تغییر مذموم است. (۲) با این توضیح، روشن می شود که آیه تغییر (نساء: ۱۱۹) به بحث مورد نظرما، یعنی تبدیل مذکر به مؤنث و برعکس، مربوط نمی شود و استشهاد به این آیه برای اثبات

حرمت تغییر جنسیت ناصواب است، و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده اند، از این آیه شریفه، حرمت تغییر جنسیت استفاده نکرده اند.

علاوه بر این، اگر بنا باشد صرفاً ظاهر آیه شریفه مبنا و ملاک باشد و تغییر در مخلوقات حرام باشد، لازم می آید که تمام تغییرات و تبدیل هایی که بشر در اشیای عالم به وجود می آورد، حرام و مصداق کار شیطانی باشد، مانند: حفر تونل در کوه ها، تصرف در جنگل ها، ورود به اعماق زمین و استفاده از معادن و نفت و گاز، ورود به کره ماه و مریخ و هزاران تغییرهایی که در طبیعت به دست ابنای بشر صورت می پذیرد.

ص: ۲۳۱

۱- (۱) ر. ک: محمد قاننی، المبسوط فی المسائل الطیبه، ج ۱، ص ۲۲۰.

۲- (۲) همان.

ممکن است در مقابل گفته شود که این موارد استثنا شده و آیه تغییر این مصادیق را در بر نمی گیرد.

ولی در پاسخ باید گفت: سخن فوق موجب تخصیص اکثر است؛ یعنی لازم می آید در ابتدا گفته شود: هر نوع تغییر در مخلوقات الهی حرام است، آن گاه میلیاردها تغییر و تبدیل که به دست انسان ها صورت می گیرد استثنا گردد و در تحت عام، تنها چند مورد باقی می ماند که شامل خصا، بریدن گوش، در آوردن چشم و مانند آن است.

مضافاً به این که در اکثر قریب به اتفاق موارد، تغییر جنسیت به دلیل بیماری جسمی و یا بیماری روحی صورت می گیرد. هر گاه تغییر جنسیت به منظور معالجه بیمار باشد و راه دیگری برای درمان وجود نداشته باشد، آیا هم چنان می توان پای فشرده و معتقد شد که تغییر جنسیت، تغییر در خلق الله است و یک کار شیطانی محسوب می شود؟!

دلیل دوم: حرمت تغییر جنسیت به علت تشبه مرد به زن و برعکس

دلیل دیگری که برای حرمت تغییر جنسیت بیان شده است این است که تغییر جنسیت عاملی برای «تشبه مرد به زن و تشبه زن به مرد» خواهد بود که در اسلام از آن نهی شده است و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مردانی که خود را شبیه زنان می کنند و نیز زنانی که شبیه مردان می شوند، مورد لعن خویش قرار داده است. توجه به این نکته ضروری است که دلیل فوق از سوی صاحب نظران اهل سنت بیان شده است. دکتر احمد محمد کنعانی در این باره می گوید:

وقد ورد فی الصحیح ایضاً: «لعن رسول الله (صلی الله علیه و آله) المتشبهین من الرجال بالنساء، و المتشبهات من النساء بالرجال» (۱) و هذا ان كان مجرد تشبه

ص: ۲۳۲

۱- (۱) این روایت از روایت های مشهور میان شیعه و اهل سنت است که به ذکر چند منبع اکتفا می شود: کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ ج ۸، ص ۷۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۰۲؛ ثواب الاعمال، ص ۲۶۷؛ وسائل الشیعه (آل البیت)، ج ۱۷، ص ۲۸۴؛ ج ۲۰، ص ۳۳۸؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۳۶؛ ج ۷۶، ص ۶۵؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۸؛ ج ۱۱۰، ص ۱۶۶. نیز فقیهان شیعه در موارد متعددی به این روایت استناد نموده اند، مانند: الحدائق الناضره، ج ۱۸، ص ۱۹۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۱۱۵؛ ریاض المسائل، ج ۸، ص ۷۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۳؛ مکاسب شیخ انصاری، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مستمسک العروه الوثقی، ج ۵، ص ۳۹۴؛ جامع المدارک، ج ۳، ص ۳۴؛ مصباح الفقاهه خوینی، ج ۱، ص ۳۳۴؛ فقه الصادق روحانی، ج ۱۴، ص ۲۰۲؛ منهاج الفقاهه روحانی، ج ۱، ص ۲۵۴.

ظاهری، فکیف به ان کان تغییراً فعلیاً فی البنیة العضویة؟! (۱)

در کتاب صحیح [از کتاب های اهل سنت] چنین آمده است: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردانی که خود را شبیه زنان در آورند، و زنانی که خود شبیه مردان می کنند، لعنت کرده است.

این کلام پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مورد شباهت ظاهری است، پس چگونه است وقتی تغییر خارجی (شباهت واقعی مرد به زن و برعکس) در اعضای بدن صورت پذیرد.

نویسنده فوق، خواسته از قیاس اولویت استفاده کند. از نظر وی، تغییر جنسیت نوعی تشبه واقعی مرد به زن یا برعکس است. وی معتقد است: وقتی تشبه ظاهری مرد به زن و برعکس حرام باشد، پس تغییر جنسیت به دلیل تشبه واقعی به دلیل اولویت حرام خواهد بود.

پاسخ دلیل فوق

این که گفته شود تغییر جنسیت، نوعی تشبه مرد به زن یا برعکس است، سخنی ناصواب است؛ چون تشبه مرد به زن یا برعکس، به معنای شباهت داشتن در نحوه زندگی، یا لباس پوشیدن یا تشبه در رابطه جنسی با حفظ اصل جنسیت است. اما تغییر

جنسیت، یک نوع تغییر کلی و ماهوی است، به گونه ای که موضوع عوض می شود. در این حالت، اصلاً صدق تشبه نمی کند. (۲) به عبارت دیگر، در تشبه یا شباهت یک جنس به جنس دیگر، موضوع عوض نمی شود، بلکه با حفظ موضوع یعنی حفظ جنس مرد یا زن، از لحاظ زندگی یا لباس پوشیدن یا نوع رابطه جنسی، به جنس مخالف شبیه می شود؛ مرد با حفظ جنس خود، شبیه زن می شود یا زن با حفظ جنس خود، شبیه مرد می شود؛ در حالی که تغییر

ص: ۲۳۳

۱- (۱) احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطبیه الفقهیه، ص ۲۸۵.

۲- (۲) ر. ک: حسین علی منتظری، دراسات فی المکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۱۷.

جنسیت، تبدیل و تغییر موضوع است. پس اساساً «تغییر جنسیت مرد به زن» با «تشبه مرد به زن» تفاوت دارد. نیز «تغییر جنسیت زن به مرد» با «تشبه زن به مرد» تفاوت دارد.

آری اگر فرض کنیم تغییر جنسیت، واقعی و بنیادی نباشد، بلکه صرفاً یک تغییر ظاهری مثلاً با استفاده از دارو یا هورمون حاصل شده و از این طریق صرفاً قیافه شخص تغییر کرده و آلت تناسلی او تغییر نکرده است، در این حالت، شاید تشبه مرد به زن یا برعکس صادق باشد. (۱) دلیل سوم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل رواج هم جنس بازی

برخی صاحب نظران عرب معتقدند: تغییر جنسیت مرد به زن و ازدواج وی با مرد دیگر، در واقع ازدواج مرد با مرد و زمینه ای برای گناه لواط است. نیز تغییر جنسیت زن به مرد و ازدواج وی با زن دیگر، در واقع ازدواج زن با زن و زمینه ای برای گناه مساحقه است. (۲) این عده معتقدند: تغییر جنسیت یک پوشش حقوقی و قانونی برای ازدواج هم جنس بازان است که امروزه در جوامع منحرف رواج پیدا کرده است.

پاسخ به دلیل فوق

در پاسخ به استدلال فوق، نکاتی قابل توجه است:

الف. جواب نقضی به کلام فوق آن است که اگر تغییر جنسیت مرد به زن یا

برعکس موجب ترویج هم جنس بازی است، لازم می آید که تغییر جنسیت خنثای مشکل نیز مروج این عمل پلید باشد، حال آن که نویسندۀ فوق می گوید: خنثی ها از حرمت تغییر جنسیت استثنا شده اند.

توضیح آن که خنثای مشکل کسی است که مرد بودن یا زن بودن وی شدیداً مورد تردید و شبهه است و با علائم و قرائن شرعی نمی توان وضعیت جنسی او را معین ساخت. وی می تواند با تغییر جنسیت، یکی از دو جنس مرد یا زن را برای خویش برگزیند. حال اگر در وضعیت جدید، مرد شود، چه بسا در واقع زن بوده است و اگر در

ص: ۲۳۴

۱- (۱) همان، ج ۲، ص ۵۱۷.

۲- (۲) احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطیبه الفقیه، ص ۲۸۵.

وضعیت جدید، زن شود، چه بسا در واقع مرد بوده است. در این حالت، همان مشکلی که نویسنده فوق مطرح ساخت پیش می آید؛ یعنی ترویج هم جنس بازی.

ب. این سخن که تغییر جنسیت موجب رواج هم جنس بازی، مانند لواط و مساحقه است دور از صواب است؛ چه این که هم جنس بازی عبارت است از روابط جنسی دو مرد با یکدیگر و یا دو زن با یکدیگر. حال اگر مردی به هر دلیل تغییر جنسیت داده و کاملاً به زن تبدیل گردد و آن گاه با مرد دیگری ازدواج کند، آیا این عمل، مصداق ازدواج است یا هم جنس بازی؟!

افزون به این که کسانی که به جواز تغییر جنسیت معتقد شده اند، منظورشان «تغییر جنسیت کامل» است و بدین وسیله «تبدیل عنوان» صورت می گیرد؛ یعنی عنوان «مرد بودن» به عنوان «زن بودن» و یا برعکس تبدیل می شود. در وضعیت جدید، مردی که تغییر جنسیت داده، می تواند با مرد دیگر ازدواج کند و نیز زنی که تغییر جنسیت داده می تواند با زن دیگر ازدواج کند.

ج. نکته ای که نویسنده فوق از آن غفلت ورزیده و ما همواره بر آن تاکید داریم این است که در بررسی جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، لازم است این مسأله را فی حد نفسه و بدون ملاحظه ملازمات و لوازم جانبی آن مورد بررسی قرار داد. برای مثال، جمعی از فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست.^(۱) تغییر جنسیت فی حد نفسه، هیچ تلازمی با هم جنس بازی ندارد. چه بسا شخص، تغییر جنسیت داده و در وضعیت جدید با هیچ کس ازدواج نمی کند، بلکه به صورت مجرد باقی می ماند. آیا در این حالت هم مسأله هم جنس بازی پیش می آید؟! پاسخ منفی است.

ص: ۲۳۵

۱- (۱) سید علی خامنه ای، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰؛ محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۴؛ سید علی سیستانی، سایت اینترنتی (www. Sistani. Org) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲؛ فاضل لنکرانی (استفتاء نگارنده)؛ مکارم شیرازی، گنجینه سوالات فقهی - قضایی، پاسخ شماره ۵۲۸۰؛ حسین علی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ موسوی اردبیلی، گنجینه سوالات فقهی - قضایی، پاسخ شماره ۵۸۶۸؛ محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدید، ص ۱۰۹؛ سید محسن خرازی، مجله فقه اهل بیت (فارسی)، ش ۲۳، ص ۱۰۴.

توضیح آن که در برخی موارد، افراد بیمار، تغییر جنسیت داده و بعد از عمل جراحی هم به هر دلیل از ازدواج خودداری می کنند. آنان از این که در جنسیت جدید زندگی می کنند احساس رضایت می کنند.

د. یکی از بیمارهای موجود در جهان غرب، رواج هم جنس بازی و کاهش ازدواج و توالد و تناسل است. نویسنده فوق معتقد است که تغییر جنسیت موجب رواج هم جنس بازی است. لازمه این سخن آن است که کثرت هم جنس بازی که امروزه در کشورهای غربی مشاهده می شود، معلول کثرت تغییر جنسیت باشد؛ حال آن که این گونه نیست؛ چه این که شیوع هم جنس بازی در غرب، معلول عوامل و شرایط متعددی غیر از تغییر جنسیت است که در این پژوهش، مجال بحث از عوامل و علل هم جنس بازی نیست.

دلیل چهارم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل از بین رفتن اعضای اصلی بدن و ایجاد نقص

برخی از مخالفین تغییر جنسیت معتقدند که مجاز بودن تغییر جنسیت مستلزم مجاز بودن برداشت و از بین بردن برخی از اعضای بدن است؛ در حالی که حرمت از بین بردن اعضای بدن و حرمت صدمه به بدن از ضروریات فقه است. بنابراین، برای پرهیز از

انجام محرمات فوق، باید از انجام تغییر جنسیت پرهیز نمود. آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی می گوید:

لازمه تغییر جنسیت این است که اعضای را چه از مرد، چه از زن از بین ببرند و اعضای دیگر را جایگزین آن کنند و این عمل شرعاً جایز نیست. (۱)

نیز ایشان می گویند:

تغییر جنسیت از طریق عمل جراحی در فردی که اصالتاً مرد یا زن است، جایز نیست و شرعاً درست نیست با عمل جراحی، بیضه و آلت تناسلی مرد را بردارند و برای او مهبل درست کنند و لو این که او از لحاظ روحی خود را زن

ص: ۲۳۶

حس می کند و به وسیله خوردن دارو پستان هایش هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می کند.^(۱) و هکذا در فردی که اصالتاً زن است جایز نیست با عمل جراحی برای او بیضه و آلت تناسلی درست کنند، ولو این که او از لحاظ روحی خود را مرد حس می کند.^(۲) پاسخ به دلیل فوق

حرمت از بین بردن اعضای بدن در صورتی است که هیچ گونه ضرورت و اضطراری برای آن وجود نداشته باشد. در نتیجه، برداشت یا از بین بردن عضوی از بدن در موارد اضطرار و ناچاری امری مشروع است. بنابراین، به استناد مطلب فوق نمی توان تغییر جنسیت را به طور مطلق ممنوع نمود. به عبارت دیگر، برای افراد سالم جسمی و روحی، تغییر جنسیت حرام است؛ چون مستلزم ضرر و زیان به جسم است که هیچ توجیه عقلی و شرعی برای آن وجود ندارد، اما اگر شخصی در نتیجه بیماری روانی یا جسمانی ناچار به برداشت عضوی از اعضا گردد، قاعده مجاز بودن ممنوعات در موارد اضطرار و ناچاری، حاکم بر این دلیل می شود.^(۳)

دلیل پنجم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل عدم امکان تغییر جنسیت

آیت الله سید یوسف مدنی در این باره می گوید:

کسی که اصالتاً مرد یا زن خلق شده، تغییر و تبدیل آن به جنس مخالف، مثلاً- تغییر و تبدیل مرد به زن به تمام معنی یا بالعکس، غیر ممکن و از توان علم بشر خارج است؛ زیرا این دو جنس «مذکر» و «مونث» در عالم انسان دگرگونی هایی که از لحاظ انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می دهد و ویژگی هایی که هر یک از دو جنس به تناسب فعالیتشان دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است که همه از نشانه ها و آیات آفریدگار حکیم حکایت می کند و هیچ قدرتی نمی تواند آن را تغییر دهد.

ص: ۲۳۷

۱- (۱) همان، ج ۱، ص ۴۳.

۲- (۲) همان، ج ۱، ص ۴۳-۴۴.

۳- (۳) ر. ک: علی رضا باریک لو، «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۷۰.

پس به وسیله عمل جراحی و خوردن دارو، اگر موی صورت مرد بریزد و پستان هایش بزرگ شود و برای او مهبل درست کنند، در واقع زن نشده است و هم چنین بالعکس، روئیدن مو در رخسار زن و کوچک شدن پستان ها و با درست شدن بیضه و آلت تناسلی در وجود آن دلالت نمی کند که او واقعاً مرد شده است و اگر به این عمل غیرمشروع اقدام کرد، معصیت کرده و از نظر تکالیف شرعیه، حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

به عبارت دیگر، با تغییر بعضی از اعضا، موضوع مرد بودن یا زن بودن از بین نمی رود، تا گفته شود که حکم هم تغییر پیدا می کند و این موضوع «غیر ممکن بودن تغییر جنسیت به معنی واقعی» را فی الجمله می توان از بعضی آیات قرآن کریم استفاده کرد، مانند: آیه های ۴۹ و ۵۰ از سوره شوری که می فرماید:

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ اُنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيْمًا؛

یعنی: هر چه را بخواهد می آفریند و به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد.

خلاصه، این مسأله مهم مختص علم لایتناهی قادر متعال است و در سیطره

قدرت او می باشد و مخلوق چنین توانی را هرگز نخواهد داشت. (۱) این دیدگاه معتقد است که تغییر جنسیت اساساً غیر ممکن است و هیچ گاه نمی توان مرد را به زن یا زن را به مرد تغییر جنسیت داد. به عبارت دیگر، موضوع همواره، چه قبل از تغییر جنسیت و چه بعد از آن ثابت است. نهایت آن که یک سری تغییرات صوری و ظاهری از طریق عمل جراحی به وجود آمده است. پس چون موضوع تغییرناپذیر است، حکم آن نیز ثابت بوده و غیر قابل تغییر است. از نظر این دیدگاه، خداوند انسان را مذکر و یا مؤنث آفریده است و این صفت یا ویژگی همواره با انسان بوده و هیچ قدرتی نمی تواند مذکر را به مؤنث یا مؤنث را به مذکر تبدیل کند.

ص: ۲۳۸

۱- (۱) سید یوسف مدنی، المسائل المستحدثه، ج ۲، ص ۴۲-۴۷.

در ارتباط با استدلال فوق نکاتی بیان می شود:

نکته اول. به نظر نگارنده یکی از مشکلات فقه و پزشکی، تعریف «مذکر و مؤنث» است. اساساً مذکر و مؤنث کیست؟ تا آن جایی که تفحص شده است، تعریف واضح و روشنی در این باره وجود ندارد. در برخی تعابیر آمده که مذکر یعنی ضد مؤنث، و مؤنث یعنی ضد مذکر. ولی از مجموع تعابیر فقهی به دست می آید که «تعریف فقهی» از مذکر و مؤنث، همان «تعریف عرفی» و نظر عرف در این باره است؛ یعنی مذکر آن است که عرفاً آن را مذکر بدانند و مؤنث آن است که از نظر عرف مؤنث است، و در بیش تر موارد، مذکر از نظر فقه کسی است که دارای آلت تناسلی مردانه است و مؤنث کسی است که دارای آلت تناسلی زنانه است.

در یک جمع بندی می توان گفت: ملاک مذکر و مؤنث از نظر فقه و عرف به نوع آلت تناسلی وابسته است و خنثی کسی است که یا هر دو آلت را دارد یا اساساً فاقد آلت تناسلی است، که نام دیگرش «ممسوح» است.

حال که ملاک مذکر و مؤنث بودن، به داشتن آلت تناسلی ویژه جنس است. پس تغییر جنسیت با تغییر آلت تناسلی صورت می گیرد. از این رو، اگر مردی از طریق عمل جراحی، آلت تناسلی اش برداشته شود و به جای آن مهبل پیوند زده شود و به همراه آن یک سری ویژگی ها و علائم زنانه در وی به وجود آید (مانند رشد پستان)، وی به زن تبدیل شده است و برعکس.

چنین پدیده ای در عمل های جراحی تغییر جنسیت، در عصر کنونی صورت می پذیرد. بنابراین، تغییر جنسیت حاصل می شود. به عبارت دیگر، تغییر موضوع، یعنی تبدل موضوع مذکر به موضوع مؤنث و برعکس، غیر قابل خدشه است، و از نظر عرف هم کسانی که این گونه تغییرات در آن ها به وجود می آید، به عنوان افراد تغییر جنسیت یافته، تلقی می شود. بنابراین، هیچ مشکلی از جهت «تغییر موضوع» به وجود نمی آید و مفهوماً و مصداقاً، تغییر و تبدل موضوع حاصل شده است.

نکته دوم. همان طور که برخی فقیهان اسلامی بیان داشته اند و نگارنده نیز عمیقاً بدان اعتقاد دارد، تنها تغییر جنسیت واقعی مورد پذیرش و قبول است، نه تغییر جنسیت صوری و ظاهری. بنابراین، هرگاه تغییر جنسیت، ناقص صورت گیرد، یا تنها یک سری علائم جنس مخالف در وی پدید آید، تبدیل موضوع مذکر به مؤنث و برعکس تحقق نیافته است.

نکته سوم. مهم ترین وظیفه فقیه بیان احکام شرعی است نه تبیین موضوع. بنابراین، این که آیا تغییر جنسیت حاصل می شود یا نه، در صلاحیت فقیه نیست؛ بلکه بحث فقهی در فرض «وجود موضوع» است. به عبارت دیگر، فقیه به این پرسش پاسخ می دهد که: «اگر تغییر جنسیت حاصل شود، احکام و شرایط آن چیست». در فقه، کم نیست فروضی که صرف فرض است، با این حال فقیهان گرانقدر با تلاش تحسین برانگیز خویش این موضوعات فرضی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند و احکام شرعی ویژه آن موضوعات را بیان داشته اند.^(۱) با توضیح فوق، می توان این نتیجه را گرفت که فقیه می بایست در بحث تغییر جنسیت، حکم آن را از نظر جواز یا عدم جواز و نیز شرایط آن در صورت جواز و بالاخره آثار و پیامدهای آن را بیان دارد. این که تغییر جنسیت واقع شده است یا نه، قضاوت آن به عهده عرف است.

حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت تردید وجود داشته باشد، باز می توان از نظر فقهی درباره آن به صورت «اگری» بحث و گفت و گو کرد؛ یعنی اگر تغییر جنسیت امکان تحقق داشته باشد، آیا جایز است یا نه، و احکام و شرایط آن چیست؟

بنابراین، با استناد به این که تغییر جنسیت، امکان وقوعی ندارد و حقیقتاً مرد به زن یا برعکس تبدیل نمی شود، نمی توان تغییر جنسیت را به طور مطلق، غیر مشروع دانست. مراجعه به متخصص جهت تشخیص جنسیت اصلی و از بین بردن علائم جنسیت غیر اصلی در خنثای بدنی و خنثای روانی (ترانس ها) نه تنها امری ممنوع نمی تواند باشد، بلکه امری شایسته و پسندیده است.^(۲)

ص: ۲۴۰

۱- (۱) برای توضیح بیش تر مراجعه کنید به: محمد قائمی، المبسوط فی المسائل الطیبه، ج ۱، ص ۹۷ به بعد.

۲- (۲) ر. ک: علی رضا باریک لو، وضعیت تغییر جنسیت، مجله اندیشه های حقوقی، ش ۵، (۱۳۸۲)، ص ۷۱.

دلیل ششم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالفت با فطرت الهی

از نظر عده ای، تغییر جنسیت باعث مخالفت با فطرت الهی است. دکتر احمد محمد کنعانی در این باره می گوید:

همانا وجود مذکر و مؤنث در میان موجودات زنده، امری لازم برای ازدواج و تکثیر نسل و ادامه نسل بشری است و خداوند متعال مذکر و مؤنث را آفریده که هر یک دیگری را تکمیل کنند و هر یک وظیفه خاص خویش را انجام دهند. از این رو، قانون گذار الهی تغییر جنسیت را حرام کرده، چون با فطرت الهی مخالفت دارد. از این تحریم، برخی حالات تغییر جنسیت استثنا شده است، مانند «خنثی» که دارای هر دو آلت مذکر و مؤنث به مقدار متفاوت است که در نتیجه، منجر به اضطراب های جسمی و روحی شده است. پس در این صورت، عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است تا به جنسی تبدیل شود که پزشکان برای او تجویز کرده اند. (۱) با توجه به کلام نویسنده فوق، وجود مرد و زن، برای ازدواج و تکثیر نسل و دوام خلقت انسان ها است و نیز مرد و زن برای تکمیل یکدیگر آفریده شده اند و هر یک باید وظیفه خاص خویش - که خلقتشان بر اساس آن است - انجام دهند. امور فوق، امور فطری بوده که خداوند انسان ها را بر این فطرت آفریده است و تغییر جنسیت باعث تغییر امور فطری فوق می گردد.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با استدلال فوق دو نکته بیان می شود:

نکته اول - این مطلب که ازدواج و تکثیر نسل از امور لازم و ضروری برای

ص: ۲۴۱

۱- (۱) احمد محمد کنعانی، الموسوعه الطیبه الفقهیه، ص ۲۸۴: «إنَّ وجود الذکر و الأُنثی فی مختلف أنواع المخلوقات الحیه هو أمر لازم للتزاوج والتکثیر و دوام النوع، و قد خلق الله عزوجل الذکر و الأُنثی لیکمل أحدهما الآخر و لیمارس کل منهما الوظیفه التي خلق من أجلها، و لهذه الأسباب فقد حرم الشارع تغییر الجنس لما فيه من مخالفه للفطره الالهیه و استثنی من هذا التحريم بعض الحالات کالخنثی التي تختلط فيها أعضاء الذکوره و الأنوثة بدرجات متفاوتة فتودی لإضطرابات عضویه و نفسیه، ففي مثل هذه الحالات يجوز إجراء الجراحه لتغيير الجنس إلى الجنس الذي يوافق الحاله جسمًا يراه أهل الطب».

انسان هاست مورد پذیرش است، امّا این گونه نیست اگر کسی ازدواج نکند، یا ازدواج کرده، ولی مایل به داشتن فرزند نیست، مرتکب حرام شده باشد.

نکته دوم - بر فرض که بپذیریم که یکی از امور فطری انسان ها، ازدواج و تکثیر نسل است، اما تغییر جنسیت موجب تغییر فطرت الهی نیست و انسان از انسانیت خویش خارج نمی شود. نهایت این که یکی از صفات انسان - که عبارت از مرد بودن یا زن بودن است - تغییر کرده است و موجودی که قبلاً به عنوان مرد بوده، در وضعیت جدید به عنوان زن انجام وظیفه می کند.

دلیل هفتم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل مخالف آن با مصالح عمومی

برخی حقوق دانان معتقدند که عمل تغییر جنسیت، عملی برخلاف مصالح عمومی است که این مصالح عمومی مورد توافق همگان است و حفظ و حراست آن بر همگان ضروری است. آقای دکتر ناصر کاتوزیان در این باره می گوید:

قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع نشده است. هدف مهم این گونه قواعد، تأمین مصالح عمومی است. به همین خاطر اشخاص نمی توانند بر خلاف آن ها با یکدیگر توافق کنند؛ چنان که به وسیله قرار داد نمی توان تابعیت و جنسیت کسی را تغییر داد. (۱) بررسی و تحلیل

به نظر می رسد که تغییر جنسیت هیچ گاه با مصالح عمومی جامعه در تضاد نیست و هرگاه شخص با توجه به تشخیص پزشکان و به دلیل داشتن اضطراب، به عمل جراحی تغییر جنسیت دست زند، رفتارش مصالح عمومی را تهدید نمی کند.

مضافاً به این که سخن نویسنده فوق، مبهم است؛ زیرا ضابطه و محدوده مصالح عمومی مشخص نشده است. «مصالح عمومی» از عناوین قابل انعطاف و دارای تأویل ها و تفسیرهای متفاوتی است که نمی توان برای آن دیدگاه واحدی یافت.

ص: ۲۴۲

آری اگر تغییر جنسیت بدون ضابطه و قانون باشد و عده زیادی از افراد جامعه بدان گرایش پیدا کنند و همانند یک بیماری مسری، در جامعه رو به گسترش و شیوع باشد، مصالح عمومی و نظم اجتماعی دچار آسیب شده و باید از این جهت نگران بود، حال آن که تغییر جنسیت در بیش تر کشورها همراه با شرایط و ضوابط خاص است و تنها عده بسیار کمی مجوز تغییر جنسیت را دریافت می کنند. در این حالت، هیچ آسیبی به مصالح عمومی وارد نخواهد شد.

دلیل هشتم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت نگاه و لمس عورت نامحرم

از آن جایی که یکی از محرمات شرعی، نگاه به شرمگاه و لمس عورت نامحرم است، ممکن است تصور شود که تغییر جنسیت به دلیل نگاه و لمس نامحرم، حرام است. با این استدلال که بر فرض که دلایل دیگر حرمت تغییر جنسیت، قوت کافی نداشته باشد، ولی به هر حال، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، ملازم و همراه با نظر به عورت نامحرم و گاه لمس عورت است. از این رو، لازم است برای پرهیز از ارتکاب این حرام مسلم، از تغییر جنسیت پرهیز شود.

قرآن کریم در حرمت نگاه به نامحرم می فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ.....(۱)

به مؤمنان بگو: چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه تر است؛ و خداوند از آن چه انجام می دهند آگاه است. و به زنان با ایمان بگو: چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند.....

روایات متعددی نیز در حرمت نظر به عورت وارد شده است که از باب نمونه به دو

روایت اشاره می شود:

ص: ۲۴۳

۱. إِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَحَاطِرْ عَلَى عَوْرَتِهِ؛^(۱)

هر گاه یکی از شما خود را می شوید عورت خویش را بپوشاند.

۲. عن النبي (صلى الله عليه و آله): يا علي، اياك و دُخُولَ الْحَمَامِ بِغَيْرِ مِثْرٍ، مَعْلُونُ النَّاطِرُ و الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ؛^(۲)

از پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله) نقل شده که فرمود: ای علی! هرگز بدون پوشش وارد حمام مشو. نگاه شونده و نگاه کننده به عورت ملعونند.

بررسی و تحلیل

در ارتباط با استدلال فوق دو نکته بیان می شود:

نکته اول - لمس حرام یا نظر به عورت از «ملازمات تغییر جنسیت» است و در بررسی

جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت لازم است خود مسأله «تغییر جنسیت» مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد، نه این مسأله، همراه با ملازمات و امور جانبی آن مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا تغییر جنسیت فی حدنفسه، و بدون ملاحظه ملازمات و امور جانبی آن، جایز است یا نه.

تمام فقیهانی که به جواز تغییر جنسیت معتقد شده اند، به ملازمات حرام این عمل جراحی توجه داشته اند. از این رو، معتقدند که تغییر جنسیت «فی حدنفسه» و بدون ملاحظه ملازمات حرام، منع شرعی ندارد. نتیجه سخن فوق این است که چنان چه تغییر جنسیت همراه با ملازمات حرام باشد و هیچ ضرورت و اضطراری برای این عمل جراحی وجود نداشته باشد، از انجام آن خودداری شود. در ذیل به کلام تعدادی از فقهای شیعه اشاره می شود:

آیت الله محمد فاضل لنکرانی می گوید:

چون [تغییر جنسیت] مستلزم نگاه به عورت است بدون ضرورت جایز نیست.^(۳)

ص: ۲۴۴

۱- (۱) حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۹۹، باب اول از ابواب احکام الخلوۃ، حدیث ۲.

۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۳۳، باب ۳ از ابواب آداب الحمام، حدیث ۵.

۳- (۳) استفتاء اخذ شده از دفتر آیت الله فاضل لنکرانی.

آیت الله سید علی سیستانی می گوید:

لا مانع فی حد ذاته علی تقدیر تحقق؛(۱) تغییر جنسیت بر فرض تحقق، فی حد ذاته مانعی ندارد.

آیت الله لطف الله صافی می گوید:

عمل جراحی فی نفسه اشکال ندارد.(۲) در پرسش و پاسخ از آیت الله سید علی خامنه ای چنین آمده است:

سؤال: حکم شرعی عمل جراحی تغییر جنسیت برای الحاق خنثی به زن یا مرد چیست ؟

پاسخ: مانعی ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام اجتناب شود.(۳) آیت الله محمد ابراهیم جناتی می گوید:

تغییر جنسیت به جنس مخالف در شخصی که واقعاً مرد یا زن باشد، هرگاه از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره ممکن باشد مانعی ندارد، ولی باید از مقدمات حرام که لمس و نظر باشد اجتناب شود.(۴) آیت الله محمد مؤمن قمی می گوید:

تغییر جنسیت حقیقی در مورد کسی که واقعاً مرد یا زن است و هیچ نقص خلقتی ندارد و با عمل جراحی به جنس مخالف تغییر جنسیت می دهد، هرگاه ممکن باشد، به نفسه مانع شرعی ندارد. البته نظر یا لمس عورت او از ناحیه نامحرم جایز نیست و باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد.(۵)

ص: ۲۴۵

۱- (۱) استفتاء اخذ شده از دفتر آیت الله سیستانی.

۲- (۲) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ شماره ۵۸۶۸.

۳- (۳) مرکز فقهی تحقیقات قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ پرسش ۵۲۸۰: «سؤال: ما هو حکم إجراء العمليه الجراحیه لإلحاق الخنثی بالمرأه أو بالرجل؟ جواب: لا مانع من ذلك، و لكن يجب التحرز عن المقدمات المحرمه».

۴- (۴) محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۴.

۵- (۵) ر. ک: سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲،

ص ۶۹۰-۶۹۱.

آیت الله یوسف صانعی می گوید:

تغییر جنسیت، فی حد نفسه باقطع نظر از مفسد مترتبه را نمی توان گفت حرام است. (۱) آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی می گوید:

انجام عمل جراحی برای تغییر جنسیت واقعی یا تبدیل خنثی به مرد یا زن، فی حد ذاته جایز است، مگر ملازم با حرام باشد که آن وقت مقید به حد ضرورت است. (۲) آیت الله حسین علی منتظری می گوید:

ظاهر آن است که فی حد ذاته دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت وجود ندارد، ولی

اگر مقدمات این کار از نظر شرعی حرام است، مانند نظر اجنبی به عورت یا لمس آن، در این صورت جایز نیست مگر در هنگام ضرورت. (۳) نکته دوم - نگاه و لمس عورت نامحرم در شرایط عادی - که هیچ گونه اضطرار و ضرورت برای آن وجود نداشته باشد - حرام است و این حکم در موارد ضرورت رفع شده است. از جمله موارد ضرورت، مسأله درمان و توقف درمان به نگاه و لمس پزشک است. به عبارت دیگر، هر گاه در موقع درمان، پزشک ناچار به لمس یا نظر به عورت شود، به گونه ای که درمان و معالجه، جز با لمس یا نظر حاصل نشود، در این صورت، حکم حرمت برداشته شده است.

علاوه بر کلام صریح فقیهان، بر این مطلب روایاتی نیز از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده است که از باب نمونه به دو مورد آن اشاره می شود:

۱. عن الباقر (علیه السلام): أنه سئل عن المرأة تصيبها العلل في جسدها أیصلح أن

ص: ۲۴۶

۱- (۱) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲.

۲- (۲) مرکز تحقیقاتی فقهی قوه قضائیه، پیشین، پاسخ شماره ۵۸۶۸.

۳- (۳) حسین علی منتظری، دراسات فی مکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸: «والظاهر انه لا دلیل علی حرمته ذاتاً ولکن اذا كانت مقدماته محرمة شرعاً کنظر الاجنبی الی عورته او لمسه لها فلا يجوز الا مع صدق الضروره».

يعالجها الرجل. قال: إذا اضطرت إلى ذلك فلا بأس؛^(۱)

از امام باقر(علیه السلام) درباره زنی سؤال شد که گرفتار بیماری شده است، آیا جایز است [پزشک] مرد او را مداوا کند. حضرت فرمودند: اگر ناچار به آن شد اشکالی ندارد.

۲. سألته عن المرأة المسلمة تصيبها البلاء في جسدها أما كسر أو حرج في مكان لا يصلح النظر إليه فيكون الرجل ارفق بعلاجه من النساء، ا يصلح له النظر اليه ؟ قال: إذا اضطرت إليه فليعالجها ان شاءت؛^(۲)

از امام صادق(علیه السلام) در مورد زنی مسلمانی پرسیدم که در بدنش بیماری وجود داشت، یا شکستگی یا زخمی در جایی که مرد نمی تواند بدان بنگرد و مرد معالج از زنان حاذق تر است، آیا مرد معالج می تواند برای درمان به او بنگرد؟

امام فرمودند: وقتی زن ناچار از معالجه مرد باشد، اگر بخواهد می تواند مرد او را معالجه کند.

از این رو، برخی فقیهان معتقدند: چنان چه تغییر جنسیت به حد ضرورت مراجعه به پزشک باشد، جایز بوده و از جهت نظر و لمس منعی وجود ندارد. آیت الله ناصر مکارم شیرازی می گوید:

تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود؛ یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر این که به حد ضرورت هم چون ضرورت معالجه به طیب رسیده باشد، که در این صورت جایز است.^(۳) دلیل نهم: حرمت تغییر جنسیت به دلیل حرمت ایجاد ناباروری

یکی از مهم ترین دلیل هایی که می توان برای حرمت تغییر جنسیت بیان کرد این است که تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس موجب ناباروری و عقیم شدن مرد یا زن خواهد شد. از آن جایی که عقیم ساختن مرد یا زن از امور مسلم میان فقیهان اسلامی

ص: ۲۴۷

۱- (۱) محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۷۴.

۲- (۲) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۲، کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۳.

۳- (۳) ناصر مکارم شیرازی، مجموعه رساله استفتاءات، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۰.

است، باید از تغییر جنسیت اجتناب کرد.

البته در یک حالت، امکان باروری باقی خواهد ماند و آن عبارت است از تبدیل شدن مرد به زن و پیوند رحم به وی. گاه در تغییر جنسیت مرد به زن، آلت تناسلی مردانه حذف شده و به جای آن رحم و تخمدان زن دیگر به وی پیوند زده می شود. در وضعیت جدید، شخص به عنوان یک زن می تواند قدرت باروری داشته باشد. باید توجه داشت این گونه تغییر جنسیت که باعث بقای باروری نیز شده باشد، در عمل کم واقع شده است و در اکثر موارد تغییر جنسیت ها، شخص به فرد نابارور و عقیم تبدیل می گردد. در این حالت، تمام دلیل هایی که برای حرمت عقیم شدن بیان شده است، قابل استناد است. فقط در یک صورت، حرمت یا منع برداشته می شود و آن هنگامی است که ضرورت و اضطرار برای تغییر جنسیت وجود داشته باشد.

در ادامه، به کلام برخی فقیهان در حرمت ایجاد ناباروی یا عقیم سازی اشاره می شود:

۱. امام خمینی می گوید:

خوردن هر چیزی که به بدن ضرر می رساند حرام است، خواه آن چیز موجب مرگ انسان شود، مانند: خوردن سم کشنده، یا این که زن حامله چیزی بخورد که موجب سقط جنین گردد؛ خواه آن چیز موجب تغییر مزاج یا از بین رفتن برخی حواس ظاهری یا باطنی گردد، یا این که برخی قوای انسانی از بین برود، مانند این که مردی چیزی بنوشد که نیروی جنسی و شهوانی اش از بین برود، یا این که زن چیزی بخورد که عقیم شده و دیگر صاحب فرزند نشود. (۱) ۲. آیت الله سید ابوالقاسم خوئی می گوید:

بنابر احتیاط واجب، برای زن یا مرد جایز نیست که خویشتن را نازا کند به

ص: ۲۴۸

۱- (۱) امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۴: «یحرم تناول کل ما یضر بالبدن سواء كان موجباً للهلاک، کشرب السموم القاتله، و شرب الحامل ما یوجب سقط الجنین، أو سبباً لانحراف المزاج أو لتعطیل بعض الحواس الظاهره أو الباطنه أو لفقد بعض القوى، کالرجل یشرب ما یقطع به قوه الباه و التناسل، أو المرأه تشرّب ما به تصیر عقیماً لاتلد».

گونه ای که بعداً قدرت باروری نداشته باشد. (۱) ۳. آیت الله محمد فاضل لنکرانی می گوید:

لا يجوز للانسان تعقيم نفسه، لأن العقم نقص؛ (۲)

برای انسان جایز نیست که خویش را عقیم سازد؛ چون عقیم شدن نقص است.

۴. آیت الله ناصر مکارم شیرازی می گوید:

از جمله امور حرام، استفاده از چیزهایی است که باعث ناباروری در مردان یا

زنان می گردد، خواه به خوردن برخی داروها، یا به بستن لوله های تناسلی در مردان یا زنان، یا اموری مشابه آن، که این هم

غیر جایز است. (۳) ۵. آیت الله جعفر سبحانی می گوید:

تردیدی نیست ضرر به بدن حرام است زمانی که منجر به قتل نفس گردد، یا باعث قطع عضوی از اعضای بدن، یا از بین رفتن قوه ای از بدن مانند حالت مردانگی یا قدرت باروری شود، حرام است که در این حکم اختلافی نیست. به عنوان دلیل بر مطلب فوق، کلام خداوند متعال که می فرماید: «با دستان خودتان، خویشتان را به هلاکت نیندازید» کفایت می کند.

(۴) بررسی و تحلیل

در این که در بیش تر موارد، تغییر جنسیت به عقیم شدن شخص منجر می شود،

ص: ۲۴۹

۱- (۱) ابوالقاسم خوئی، صراط النجاه؛ ج ۱، ص ۳۶۰: «لا يجوز للمرأة او الرجل تعقيم نفسيهما بحيث لا يتمكنان بعد ذلك من الانجاب ابداً على الاحوط».

۲- (۲) ر. ک: قدرت الله انصاری و دیگران، موسوعه الاحکام الاطفال و ادلتها، ج ۱، ص ۱۱۴؛ جامع المسائل، ج ۱، ص ۴۸۸؛ ج ۲، ص ۴۴۸.

۳- (۳) ناصر مکارم شیرازی، بحوث فقهیه هامه، ص ۲۸۳-۲۸۴: «ومنها استعمال ما يوجب العقم في الرجال أو النساء اما بتناول بعض الأدوية، أو بسد الأنابيب التناسليه في الرجل أو المرأة، أو ما يشابه ذلك، وهذا أيضا غير جائز».

۴- (۴) ر. ک: سید محسن خرازی، کنترل جمعیت و عقیم سازی، فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۲۱، ص ۶۱-۶۳: «لاشك أن الإضرار بالنفس إذا انتهى إلى قتل النفس أو قطع عضو من الأعضاء أو إخماد قوه من القوى كالرجولية و الإنجاب فهو محرم لاخلاف فيه، ويكفي في ذلك قوله سبحانه: ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكه».

تردیدی وجود ندارد و از نظر فقیهان اسلامی این کار حرام است، ولی آیا اضرار به خویشتن به صورت مطلق و برای همیشه حرام است؟

به نظر می رسد هرگاه راه درمان یا جلوگیری و پیش گیری از ضرر بزرگ تر، به تحمل ضرر کوچک تر وابسته باشد، در این حالت، مجوزی برای ارتکاب ضرر کوچک تر وجود دارد. نتیجه آن که، تغییر جنسیت افراد سالم به علت منجر شدن به عقیم سازی چنان چه ضرورت مهم تر وجود نداشته باشد، حرام است.

ص: ۲۵۰

تغییر جنسیت در حیوانات نیز امکان تحقق دارد. گاه این تغییر به وسیله عوامل طبیعی صورت می گیرد و گاه با دست بشر در حیوانات، تغییر جنسیت حاصل می شود. آن چه معمولاً درباره آن بحث و گفت و گو می شود، تغییر جنسیت در انسان ها است. بحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت در حیوانات چندان مورد توجه صاحب نظران نبوده است. شاید پاسخ این مسأله برای همگان روشن بوده است و این که تغییر جنسیت در حیوانات مجاز بوده و انسان ها می توانند به طور معقول در حیوانات دخل و تصرف نمایند تا هر چه بیش تر بتوانند از منافع حیوانات بهره برند.

در هر حال، این پرسش به عنوان یک فرع فقهی مطرح است که آیا انسان می تواند در حیوانات تغییر جنسیت ایجاد کند و برخی از آن ها را از نر به ماده یا بر عکس تبدیل کند؟ آیا انسان مجاز است حیوانات را اخته کند؟

همان طور که گذشت تنها عده کمی از فقیهان اسلامی اعم از شیعه و سنی در این باره اظهار نظر کرده اند. این بحث را در دو قسمت دیدگاه فقیهان شیعه و فقیهان سنی پی می گیریم:

آیت الله سید محمد صدر به جواز تغییر جنسیت حیوانات معتقد است. وی می گوید:

تبدیل جنس حیوان (به جنس مخالف) مطلقاً جایز است، چون نظر به عورت حیوان مطلقاً جایز است، کما این که ضرر رساندن به حیوان به صورت غیر متعارف، از نظر شرعی حرام نیست. (۱) برخی از اساتید معتقدند که اخته کردن حیوانات، مادامی که به تشریح و بدعت گذاری منجر نشود، جایز است. حتی ایشان معتقد است که چه بسا بتوان از اطلاق روایات شیعی استفاده کرد که اخته کردن (خواجه کردن) انسان جایز است، البته در صورتی که برای آن غرض عقلایی وجود داشته باشد. دلیل ایشان، روایاتی است که در ادامه خواهد آمد. (۲) برخی از فقهای معاصر معتقدند: با توجه به واژه «خلق الله» در آیه شریفه «فلیغرن خلق الله» معلوم می شود مناط و ملاک در حرمت، معارضه و ضدیت با «خلق الله» است و به وسیله ایجاد خلقت جدید، چه بسا معارضه و ضدیت با «خلق الله» ایجاد شود.

البته نظر ایشان درباره کل تغییرهایی است که ممکن است در حیوان صورت بگیرد که در واقع، تغییر جنسیت بخشی از آن است. نیز ایشان می گویند: منظور ما، وضعیت و حالت عادی است که هیچ گونه غرض عقلایی مانند: دفع ضرر یا حفظ صحت و سلامتی متوقف بر تغییر نباشد. بنابراین، هر گاه به انگیزه دفع ضرر یا حفظ صحت و سلامتی، تغییر و تبدیل در حیوان صورت پذیرد، این تغییر جایز خواهد بود. (۳)

ص: ۲۵۲

۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصادقین، ج ۳، ص ۶۴۲: «تبدیل جنس الحيوان جائز مطلقاً، لأنَّ النظر إلى عورته جائز مطلقاً، كما أنَّ إضراره بشكل غير معتد به غير محرم شرعاً».

۲- (۲) ر. ک: محمد قاننی، المبسوط فی المسائل الطیبه، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳- (۳) سید عبدالاعلی سبزواری، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۰۵.

صاحب نظران اهل سنت عمدتاً در ذیل آیه شریفه: «فلیغیرن خلق الله»^(۱) و تحت عنوان «خصاء الحيوان» (اخته کردن حیوانات) اظهار نظر کرده اند و دیدگاه واحدی هم در این زمینه وجود ندارد. صاحب تفسیر «محاسن التأویل» با استناد به آیه فوق و نیز برخی روایات اهل سنت معتقد است که اخته کردن حیوانات حرام است.^(۲) جارالله زمخشری، صاحب تفسیر «الکشاف» معتقد است که اخته کردن حیوانات در نزد علمای اهل سنت جایز است.^(۳) صاحب تفسیر «غرائب القرآن» نیز دیدگاه زمخشری را بیان می کند.^(۴) نووی، شارح صحیح مسلم در این باره معتقد است که تغییر در حیوانات به منظور بهبود گوشت آنان جایز است، ولی در حیوانات دیگر جایز نیست. وی می گوید:

حیواناتی که در سن کم یا زیاد بوده و خورده نمی شوند (گوشتی نیستند)، جایز نیست اخته گردند، اما حیواناتی که گوشتی هستند، جایز است در سن کم اخته گردند؛ چون در آن یک هدفی وجود دارد و آن عبارت است از بهبود گوشت حیوان و جایز نیست حیوانات گوشتی در سن زیاد اخته گردند.^(۵) عکرمه و گروهی از مفسرین اهل سنت معتقدند که تغییر در حیوانات (اخته کردن) جایز است؛ چون ظاهراً در این کار یک غرض عقلایی وجود دارد.^(۶)

ص: ۲۵۳

-
- ۱- (۱) سورة نساء (۴)، آیه ۱۱۹.
 - ۲- (۲) محمد جمال الدین القاسمی، محاسن التأویل (تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۴.
 - ۳- (۳) جار الله زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۱۵۶۴-۱۵۶۵، به نقل از: یوسف بن احمد بن عثمان (فقیه یوسف)، تفسیر الثمرات الیائعه و الاحکام الواضحه القاطعه، ج ۲، ص ۴۹۷-۴۹۸.
 - ۴- (۴) ر. ک: محمد بن الحسین القمی النیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص ۴۹۹.
 - ۵- (۵) ر. ک: صحیح مسلم با شرح نووی، ج ۹، ص ۱۷۷، به نقل از: سید محمود آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۵-۶، ص ۱۹۵: «لا يجوز خصاء الحيوان لا يؤكل في صغره ولا في كبره و يجوز إخصاء المأكول في صغره لأن فيه غرضاً و هو طيب لحمه و لا يجوز في كبره».
 - ۶- (۶) حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی، تفسیر البغوی، ج ۱، ص ۷۰۳.

گفتار اول: روایات اسلامی در بحث اخته کردن حیوانات

فقیهان شیعه در جواز اخته کردن حیوانات، به برخی روایات اسلامی استناد کرده اند که در ذیل، تنها به دو روایت اشاره می شود:

روایت اول: موثقه یونس بن یعقوب: سألت أبا عبد الله (عليه السلام) عن الإخفاء فلم يجبني، فسألت أبا الحسن (عليه السلام) قال: لا بأس به. (۱) یونس بن یعقوب می گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره اخته کردن پرسیدم، آن حضرت جوابم نداد. پس این سؤال را از امام کاظم (علیه السلام) پرسیدم، آن حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

روایت دوم: معتبره یونس بن یعقوب عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: سألته عن إخفاء الغنم، قال: لا بأس. (۲)

یونس بن یعقوب می گوید: از امام کاظم (علیه السلام) درباره اخته کردن گوسفند پرسیدم، حضرت فرمود: اشکالی ندارد.

اهل سنت در حرمت اخته کردن حیوانات به روایاتی استناد کرده اند که در ذیل به دو روایت اشاره می شود:

روایت اول: روی ابن عساکر عن ابن عمر قال: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن الإخفاء؛ (۳) ابن عساکر از ابن عمر چنین نقل می کند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از اخته کردن نهی فرموده است.

روایت دوم: امام احمد عن ابن عمر: نهى رسول الله (صلى الله عليه و آله) عن خصاء الخيل و البهائم؛ (۴)

ص: ۲۵۴

-
- ۱- (۱) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۲، باب ۳۶ از احکام الدواب، حدیث ۲.
 - ۲- (۲) همان، حدیث ۶.
 - ۳- (۳) محمد جمال الدین قاسمی، محاسن التأویل (تفسیر القاسمی)، ج ۳، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۴.
 - ۴- (۴) همان.

امام احمد از ابن عمر نقل می کند: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از اخته کردن اسب و حیوانات نهی فرموده است.

گفتار دوم: جواز تغییر جنسیت حیوانات

فقیهان شیعه به طور عمده به جواز تغییر جنسیت حیوانات معتقدند. یکی از دلایل های این دیدگاه، جواز نظر به عورت حیوانات است، در حالی که نظر به عورت انسان جایز نیست. همان طور که پیش تر بیان شد یکی از موانع تغییر جنسیت، مسأله حرمت لمس و نظر به عورت نامحرم در غیر حالت اضطرار است. علاوه بر این، انسان ها مجازند هر چه بیش تر از منافع حیوانات بهره برند. یکی از مهم ترین منافع اخته کردن حیوانات حلال گوشت، بهبود و افزایش گوشت آن ها است. بنابراین، هرگاه غرض عقلایی و یا ضرورتی برای تغییر و تبدیل جنسیت حیوانات وجود داشته باشد می توان این کار را انجام داد.

عده ای از اهل سنت با اخته کردن حیوانات مخالفت کرده و این کار را مصداق «تغییر خلق الله» می دانند. علاوه بر این، به روایاتی که در ممنوعیت اخته کردن وجود دارد استناد می کنند. با این وجود، عده بیش تری از اهل سنت معتقدند: چنان چه اخته کردن حیوانات همراه با یک غرض عقلایی، مانند بهبود یا افزایش گوشت حیوان حلال گوشت باشد، اخته کردن حیوان جایز است.

ص: ۲۵۵

بخش سوم: روابط زوجین پس از تغییر جنسیت

اشاره

ص: ۲۵۷

طرح بحث

در مواردی مرد یا زن پس از ازدواج، به دلیل بیماری یا هر دلیل دیگر، تغییر جنسیت می دهد. تغییر جنسیت چه تأثیری بر ازدواج دارد؟ آیا ازدواج هم چنان به حال خود باقی بوده و آن دو می توانند به عنوان زوجین با یکدیگر زندگی کنند؟

همان طور که پیش تر بیان شد، تغییر جنسیت دارای حالات و انواع گوناگون است مانند: تبدیل مرد یا زن به جنس مخالف، تبدیل خنثای مشکل (دو جنسی کامل) به مرد یا زن، تبدیل خنثای غیر مشکل (دو جنسی ناقص) به مرد یا زن، تبدیل مرد به خنثای مشکل یا خنثای غیر مشکل، تبدیل زن به خنثای مشکل یا خنثای غیر مشکل.

قبل از توضیح حالات فوق، به عنوان یک قاعده کلی در ازدواج، به مسأله «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» اشاره کرده و آن گاه حالات فوق را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم:

زوجیت از نظر فلسفی، همانند اخوت و بنوت مفهومی است «اضافی»، که اعتبار یا ملاحظه این مفهوم، ممکن نیست مگر این که دو نفر به نحو مشخص، وجود خارجی

داشته باشند، تا میان آنان رابطهٔ زوجیت، یا رابطهٔ برادری و یا رابطهٔ پدر و فرزندی ایجاد گردد و بدون وجود طرفین اضافه، چنین رابطه ای برقرار نخواهد شد. بنابراین، همان گونه که مفهوم عاشق و یا ضارب بدون آن که معشوقی و یا مضروبیبی وجود داشته باشد تحقق نمی یابد، همان طور هم زوجیت نیز که مفهومی از همین قبیل است، نمی تواند بدون وجود واقعی دو طرف اضافه اعتبار شود.

بعد از آن که معلوم شد مفهوم زوجیت، رابطه ای است میان دو نفر، باید دانست که این رابطه، تنها میان «مرد و زن» واقع می شود. یکی از مسائل بدیهی و مهم در فقه و حقوق، «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» است و ازدواج مرد با مرد یا ازدواج زن با زن مشروع نیست.^(۱) یکی از گناهان کبیره که حد شرعی نیز به دنبال دارد لواط یا هم جنس بازی مرد با مرد و نیز مساحقه یا هم جنس بازی زن با زن است. حتی در مواردی که ازدواج شرعی و رسمی صورت گرفته و بعداً کشف خلاف شود، ازدواج سابق باطل بوده و مجوزی برای بقای آن وجود ندارد و آن دو خود به خود از یکدیگر جدا می شوند. بنابراین، هرگاه مردی ازدواج کرده و بعداً معلوم شود که جنسیت واقعی وی مردانه نبوده، ازدواج سابق باطل است و نیز هرگاه زنی به عنوان زوجه ازدواج کند و بعداً خلاف آن ثابت گردد، ازدواج سابق بلا اثر و باطل است.

نکاح در لغت به معنای تقابل است و در زبان هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند گفته می شود: تناكح الجبلین، یعنی دو کوه در مقابل هم واقع شده اند.^(۲) معانی دیگری نیز برای این واژه بیان شده است مانند: سُلطه و غلبه، وصول و اختلاط، ضم، وطی، عقد.^(۳)

ص: ۲۶۰

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۰؛ همو، سخنی دربارهٔ تغییر جنسیت، مجلهٔ فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۷، ص ۹۷؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، مجلهٔ فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۴۷؛ همو، تغییر جنسیت، مجلهٔ فقه اهل بیت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۱۱۲؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸.

۲- (۲) لوئیس معلوف، المنجد، واژهٔ نکح.

۳- (۳) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵-۶.

مشهور فقیهان اسلامی بر دو معنای اخیر یعنی وطی و عقد تأکید دارند.^(۱) با توجه به آن چه گذشت از نظر لغت و نیز اصطلاح فقه، به صورت صریح یا غیر صریح به مفهوم «تقابل» اشاره شده است، ولی به «لزوم اختلاف دو جنس» اشاره نشده است و در واقع، این امر به بداهت آن واگذاشته شده است، ولی برخی حقوق دانان در تعریف نکاح به «لزوم اختلاف دو جنس» اشاره کرده اند که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

- نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم متحد می شوند.^(۲) - نکاح رابطه ای است بین زن و مرد برای تشکیل خانواده.^(۳) - نکاح رابطه ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می شود و به آن ها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه، حق تمتع جنسی است.^(۴) قانون مدنی ایران، به لزوم اختلاف جنس در ازدواج اشاره دارد که برای نمونه می توان از مواد ۱۰۳۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۷، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۴ یاد نمود. در ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی آماده است:

تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت نکاح است.

در عمل، هنگامی که سر دفتر بخواهد نکاحی را واقع و ثبت کند، برای احراز اختلاف جنس به شناسنامه طرفین رجوع می کند و در صورتی که شناسنامه، حاکی از این اختلاف باشد می تواند عقد نکاح را جاری کند و آن را در دفتر رسمی ازدواج به ثبت برساند. البته ممکن است شناسنامه، گویای حقیقت نبوده و در واقع، عقد نکاح بین دو هم جنس بسته شده باشد. این نکاح بی شک باطل است. ولی برای ابطال سند نکاح و

ص: ۲۶۱

-
- ۱- (۱) همان، و نیز محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) تفصیل الشریعه، کتاب النکاح، ص ۳ به بعد.
 - ۲- (۲) ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۲۰.
 - ۳- (۳) سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۲۶۸.
 - ۴- (۴) مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۲۲.

شناسنامه، باید به دادگاه رجوع کرد و دادگاه با ارجاع امر به کارشناس (پزشک)، اگر تشخیص دهد که طرفین هم جنس هستند، حکم به طلاق نکاح و ابطال سند آن و اصلاح شناسنامه می نماید. می توان فرض کرد که یک نفر خنثی (دو جنسی) که جنبه مردی یا زنی او غالب است با شخص دیگری از جنس مخالف ازدواج کند، ولی به مرور زمان در اثر تحولاتی که در وضع جسمی او روی داده آثار تغییر جنسیت، بر فرض که امکان داشته باشد، در او آشکار شود و بالاخره با یک عمل جراحی، تغییر جنسیت تحقق یابد و بدین سان اختلاف جنس که هنگام عقد نکاح وجود داشته از میان برود. در این صورت، آیا ازدواجی که صحیحاً بسته شده باطل می شود یا نه؟

چون اختلاف جنس را هم هنگام عقد و هم در دوران زناشویی باید شرط نکاح دانست و به عبارت دیگر، اختلاف جنس هم ابتدائاً و هم در ادامه شرط است. از این رو، آیا نکاح با تغییر جنسیت باطل خواهد شد یا خیر؟

ذیلاً این موضوع را مورد بررسی قرار خواهیم داد و البته بر فرض بطلان نکاح. این دادگاه است که باید تغییر جنسیت را براساس نظر کارشناس احراز و حکم به بطلان نکاح از تاریخ تحقق تغییر جنسیت کند. (۱)

مبحث اول: بقاء یا عدم بقای ازدواج در تغییر جنسیت مرد یا زن به جنس مخالف

اشاره

یکی از انواع تغییر جنسیت، تبدیل مرد به زن یا برعکس است. تأثیر این نوع تغییر جنسیت بر ازدواج چیست؟ بیش تر مباحث فقیهان اسلامی در بحث «اثر تغییر جنسیت بر ازدواج»، در ذیل «تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس» مطرح شده است. به عبارت دیگر، تأثیر تغییر جنسیت بر ازدواج، در انواع دیگر تغییر جنسیت ها، مانند تغییر جنسیت در خنثی ها (دو جنسی ها) مورد توجه واقع نشده است.

پس از ازدواج مرد و زن، به هر دلیلی ممکن است یکی از زوجین به تغییر جنسیت روی می آورد. مهم ترین پرسش بعد از عمل جراحی، بقا یا عدم بقای ازدواج و نیز جواز

ص: ۲۶۲

یا عدم جواز روابط زناشویی آن دو به عنوان «زوجین» است.

بررسی این نوع تغییر جنسیت نیز، دارای انواع و حالات گوناگونی است. به عبارت دیگر، گاه تنها مرد یا تنها زن تغییر جنسیت می دهد و در مواردی ممکن است هر دو به تغییر جنسیت روی آورند.

البته این که زن و شوهر هر دو تن به تغییر جنسیت دهند بسیار نادر است و تا به حال چنین تغییری جنسیتی گزارش نشده است، اما در هر حال، این مسأله به عنوان یک «فرع فقهی» مورد توجه فقیهان اسلامی واقع شده است.

علاوه بر این، در تغییر جنسیت زوجین، این مسأله نیز مورد توجه فقیهان شیعه واقع شده است، که گاه زوجین «همزمان» به تغییر جنسیت روی می آورند و در مواردی ممکن است این عمل در یک فاصله زمانی و «غیر همزمان» صورت پذیرد. برای مثال، ممکن است در سال اول، مرد تغییر جنسیت دهد و در سال بعد زن تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل می شود. به طور خلاصه می توان «تغییر جنسیت زوجین» را به صورت زیر ترسیم کرد:

۱. تغییر جنسیت یکی از زوجین:

الف) تغییر جنسیت مرد به زن

ب) تغییر جنسیت زن به مرد.

۲. تغییر جنسیت هر دو زوجین:

الف) تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان

ب) تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان

در ادامه، هر یک از موارد فوق را مورد بررسی قرار می دهیم:

گفتار اول: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت مرد به زن

هر گاه پس از ازدواج مرد و زن، مرد تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، چنانچه این عمل جراحی کامل باشد، در وضعیت جدید، زندگی زوجین سابق، به «زندگی دو زن» تبدیل خواهد شد. طبیعی است که ازدواج دو زن از نظر اسلام مردود

است و بنابراین، ازدواج سابق به طور کلی باطل و بلا- اثر می شود. دلیل این امر، واضح است؛ چه این که از ارکان مهم «ازدواج» وجود دو فرد به عنوان «زن و شوهر» می باشد. چنانچه این رکن مهم از بین برود، «موضوع ازدواج» منتفی شده و بنابراین، حکم مسأله، یعنی «ازدواج» نیز از بین خواهد رفت. امام خمینی در این باره می گوید:

و كذا لو تزوجت إمرأه برجل فغير جنسه بطل التزويج من حين التغيير؛^(۱) هم چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و آن گاه مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، ازدواج از هنگام تغییر جنسیت باطل می شود.

گفتار دوم: وضعیت ازدواج در تغییر جنسیت زن به مرد

این مورد نیز مانند صورت قبل است. به عبارت دیگر، هرگاه پس از ازدواج مرد و زن، زن به مرد تبدیل شود، موضوع ازدواج، یعنی عنوان «زن و شوهر» از بین رفته و ازدواج سابق باطل و بلا اثر خواهد بود. امام خمینی در این باره می گوید:

لو تزوج إمرأه فتغير جنسها فصارت رجلاً بطل التزويج من حين التغيير؛^(۲) هرگاه زنی ازدواج کند، آن گاه زن جنسیت خویش را تغییر دهد و مرد گردد، ازدواج از هنگام تغییر جنسیت باطل می گردد.

با توجه به کلام فوق، با عمل جراحی تغییر جنسیت، موضوع ازدواج یعنی «مرد و زن» تغییر کرده و موضوع جدید، یعنی «مرد و مرد» به وجود می آید. از این رو، بطلان ازدواج، یک امر قهری خواهد بود.

گفتار سوم: تغییر جنسیت زوجین به صورت غیر همزمان (غیر مقارن)

گاه زوجین هر دو به تغییر جنسیت روی می آورند؛ البته با این توضیح که تغییر جنسیت زن و شوهر، با یک فاصله زمانی نسبتاً زیاد، مثلاً یک سال یا دو سال صورت می پذیرد. در این فرض، فرقی نمی کند که در ابتدا مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن تغییر

ص: ۲۶۴

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

در این حالت، همانند حالت سابق، ازدواج باطل است؛ چون مجوز شرعی برای ابقای ازدواج سابق وجود ندارد. به محض این که یکی از زوجین جنس خود را تغییر دهد، مثلاً جنس مرد به زن تبدیل گردد، در حالت جدید هر دو هم جنس خواهند شد و ازدواج سابق از بین خواهد رفت. حال اگر زن نیز بعد از مدتی تغییر جنسیت دهد، علقهٔ زوجیت حاصل نمی شود، بلکه نیاز به اجرای خطبه عقد جدید است.

امام خمینی در این باره می گوید:

لو تغير الزوجان جنسهما إلى المخالف فصار الرجل إمرأه و بالعكس، فإن كان التغيير غير متقارن فالحكم كما مرّ [البطلان]. (۱)

اگر زن و شوهر، جنسیت خود را به جنس مخالف تبدیل کنند، به گونه ای که شوهر به زن تبدیل شود و زن به مرد تبدیل گردد، چنان چه تغییر آن دو به صورت غیر مقارن (غیر همزمان) باشد، حکم آن مانند مورد قبل [بطلان] است.

گفتار چهارم: تغییر جنسیت زوجین به صورت همزمان (مقارن)

می توان تصور کرد که گاه زن و شوهر در زمان واحد تغییر جنسیت می دهند. هر گاه زن و شوهر، همزمان جنسیت خویش را تغییر دهند، در این که آیا ازدواج سابق با برجاست یا باطل شده است، دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: این که ازدواج سابق همچنان دارای دوام و بقا می باشد. توضیح این که، حقیقت ازدواج، زوجیت هر یک، نسبت به دیگری است و نه بیش تر. در این صورت، تنها حالت و چگونگی آن، در قبل و پس از عمل جراحی تغییر کرده است. بنابراین، زوج فعلی، قبلاً زوجه بوده، و زوجهٔ فعلی، قبلاً زوج بوده که در این وضعیت جدید، حقیقت ازدواج، یعنی زوجیت هر یک نسبت به دیگری، هم چنان به حال خودش باقی است. نهایت آن که، وظیفهٔ هر یک با وضعیت سابق متفاوت است. مرد فعلی (بعد از تغییر جنسیت)، قبلاً وظایف یک زن (زوجه) را به عهده داشت و زن فعلی

ص: ۲۶۵

(بعد از تغییر جنسیت) قبلاً وظایف یک مرد (زوج) را عهده دار بود.

برخی فقیهان شیعه در توضیح مطلب فوق، یعنی دوام ازدواج سابق - که هر دو زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت داده اند - معتقدند: در این حالت این احتمال وجود دارد که بتوان «اصل ازدواج سابق» را استصحاب کرد و اگر چه در وضعیت جدید، برخی خصوصیات و صفات تغییر کرده است، ولی از بین رفتن برخی خصوصیات و اوصاف سابق، به بقای موضوع و وحدت آن ضرری نمی رساند. پس اگر در بقا یا عدم بقای ازدواج سابق شک داشته باشیم، می توانیم استصحاب ازدواج را جاری سازیم. (۱) منظور از «تغییر اوصاف و خصوصیات»، تغییر صفت «مذکر بودن» و صفت «مؤنث بودن» است؛ چه این که در تغییر جنسیت همزمان زوجین، مرد جدید، قبلاً با صفت مؤنث شناخته می شد. نیز زن جدید، قبلاً با صفت مذکر شناخته می شده است. پس از تغییر جنسیت، صفات مذکر و مؤنث زوجین تغییر کرده است، ولی «اصل ازدواج» و رابطه زوجیت میان آن دو را می توان استصحاب کرد.

آیت الله محمد مؤمن (۲) در توضیح و توجیه احتمال باقی ماندن ازدواج - در صورت تغییر جنسیت همزمان زوجین - معتقد است:

بر فرض این که بر بقای عقد نکاح این زن و شوهر [در صورت همزمان بودن تغییر] قایل شویم، می توان آن را بدین ترتیب بیان کرد: حقیقت اعتبار نکاح، صرفاً عبارت از این است که هر کدام از آن دو، همسر دیگری است. پس این دو، زن و

ص: ۲۶۶

۱- (۱) احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۹: «و ذلك من جهة استصحاب أصل الزواج و إن تبدلت خصوصياته، و لكن زوال الخصوصيات و الأوصاف لا يضر ببقاء الموضوع و وحدته عرفاً، فيستصحب الزواج عند الشك فيه من جهة تبدل بعض الخصوصيات».

۲- (۲) محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۰: «و تقریب القول بالبقاء أن یقال: إن حقیقه اعتبار النکاح لیست إلا مجرد کون کلّ منهما زوجاً للآخر، فهما زوجان، و النکاح هو زوجیه کلّ منهما للآخر لیس إلا ثمّ إن کلاً من الزوجین لخصوصیه التکوینیة تترتب علیه أحكام خاصّه به، كما أنّ لكلّ منهما آثاره الطبیعه المرتبه علیه، و هو لا ینافی کون حقیقه النکاح الاعتباریه مجرد الزواج و الزوجیه، و حیثئذٍ فإذا تغيرت جنسیه الزوجین فی زمان واحد أمکن بقاء زوجیتها، فإذا لم یکن دلیل علی ارتفاعها کان مقتضی الاستصحاب بقاءها، هذا».

شوهرند و نکاح به معنای همسری هر یک از این دو برای دیگری است.

و انگهی، هر کدام از زن و شوهر، خصوصیت تکوینی خود را دارد که احکام خاصی بر آن مترتب است؛ همان گونه که هر کدام از آنان آثار طبیعی خود را نیز دارد و این امر، هیچ ناسازگاری با این موضوع ندارد که حقیقت نکاح اعتباری، صرفاً، عبارت باشد از زوجیت و همسری. بنابراین، اگر جنسیت زن و شوهر، در یک زمان تغییر کند، باقی ماندن زوجیت این دو امکان پذیر خواهد بود و اگر دلیلی بر رفع این زوجیت وجود نداشته باشد، استصحاب جاری می شود و اقتضای استصحاب، باقی ماندن زوجیت است.

احتمال دوم: این که ازدواج سابق دوام نداشته باشد، و در وضعیت جدید باطل گشته است؛ با این بیان که در ازدواج علاوه بر نسبت زوجیت بین طرفین، امر دیگری نیز لازم است و آن این که، این مرد، زوج باشد برای زنی که همسر اوست که در اصطلاح منطبق به آن «نسبت و اضافه غیر متشابه الاطراف» می گویند؛ یعنی بین دو چیز، فقط از یک طرف یک نسبت خاص وجود دارد که از طرف دیگر آن نسبت وجود ندارد. برای مثال، رابطه «پدری» که بین علی و جواد وجود دارد، یک جانبه است و آن این که علی «پدر» جواد است؛ هم چنین است رابطه «پسری» که منحصراً یک جانبه است. در حالی که رابطه «خواهری» که بین دو زن وجود دارد یا رابطه «برادری» که بین دو مرد وجود دارد، دو جانبه است که در منطبق به آن «نسبت یا رابطه متشابه الاطراف» می گویند.

رابطه بین زن و شوهر، از نوع «غیر متشابه الاطراف» است که این نسبت و رابطه، پس از تغییر جنسیت زوجین، از بین رفته است. بنابراین، عقد ازدواج سابق، باطل گشته و طرفین برای ادامه زندگی با یکدیگر، نیاز به عقد ازدواج جدید دارند.

برخی فقیهان شیعه در توضیح مطلب فوق، یعنی بطلان ازدواج سابق - که هر دو زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت داده اند - معتقدند که ازدواج سابق را نمی توان بدون ملاحظه شرائط و ضوابط شرعی آن استصحاب کرد؛ چه این که ازدواج سابق به گونه ای واقع شده که مرد به دادن نفقه و مهریه و مانند آن موظف شده است. نیز زوجه براساس ازدواج سابق موظف به انجام تکالیف خاص است. چنان چه آن دو تغییر

جنسیت دهند، نمی توان از نظر عقلی و شرعی ازدواج سابق را با اوصاف و ویژگی های خاص خودش (مانند: نفقه، مهریه، تمکین و....) استصحاب نمود.^(۱) توضیح بیش تر آن که مرد جدید، در وضعیت سابق زن بود، و بنابراین الان نمی توان او را به دادن نفقه، مهریه و مانند آن ملزم ساخت. نیز زن جدید، در وضعیت سابق، مرد بود، و بنابراین نمی توان او را به وظایف خاص زوجه، مانند تمکین ملزم ساخت.

خلاصه آن که، در استصحاب ازدواج سابق، براساس ارتکاز عرفی، بایستی مرد بر صفت «رجولیت» (مرد بودن) و زن بر صفت «انوثیت» (زن بودن) باقی باشد؛ حال آن که پس از تغییر جنسیت، موضوع با این خصوصیت، از بین رفته است. بنابراین، برای استصحاب ازدواج سابق، موضوع وجود ندارد.

گفتار پنجم: دیدگاه امام خمینی در مورد تغییر جنسیت همزمان

امام خمینی در تحریر الوسیله، ابتدا احتمال دوم، (عدم بقای ازدواج زوجین، پس از تغییر جنسیت همزمان زن و شوهر) را به صورت احتیاط واجب می پذیرند، ولی در نهایت، احتمال اول (بقای ازدواج زوجین) را ترجیح می دهند. ایشان می گویند:

اگر زن و شوهر به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند، آیا نکاح باطل می شود یا نکاح آن دو باقی است، و اگر چه احکام و وظایف تغییر می کند: [یعنی] بر مرد فعلی (که قبلاً زن بوده) دادن نفقه و بر زن فعلی (که قبلاً مرد بوده) اطاعت از شوهر واجب می شود؟

احتیاط واجب این است که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکنند، مگر این که با اجازه هر دو طلاق بگیرد؛ هر چند بعید نیست ازدواج آن ها هم چنان برقرار باشد.^(۲)

ص: ۲۶۸

۱- (۱) احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۹: «و ذلك من جهة أن الزواج على ما وقع غير قابل للبقاء كما تقدم، و تعهد المرأة الفعلية بما على المرأة في وظائف الزواج و تعهد الرجل الفعلي بما يكون على الرجال في الزواج أمر لا بدّ من الانشاء و التعهد و القرار و لم يصدر منهما تعهد و قرار على ذلك».

۲- (۲) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۴: «وإن قارن التغيرات فهل يبطل النكاح أو بقيا على نكاحهما وإن اختلفت الاحكام، فيجب على الرجل الفعلي النفقه وعلى المرأة الاطاعة؟ الاحوط تجديد النكاح وعدم زواج المرأة الفعلية بغير الرجل الذي كان زوجته إلا بالطلاق بإذنهما وإن لا يبعد بقاء نكاحهما».

دلیل احتیاط فوق این است که ازدواج سابق براساس شرایط و ضوابط سابقش قابل بقا و دوام نیست و متعهد ساختن زن فعلی به «وظایف زوجه در ازدواج» و نیز متعهد ساختن مرد فعلی به «وظایف شوهر در ازدواج» یک امر جدیدی است که هنوز هیچ تعهد و انشای جدیدی برای آن صورت نپذیرفته است.

از طرف دیگر، این احتمال ولو به صورت ضعیف وجود دارد که هنوز ازدواج سابق دارای بقا و استمرار است. بنابراین، پس از تغییر جنسیت همزمان زوجین، مرد جدید و زن جدید، فقط با همسر سابق خویش ازدواج کند و یا این که با رضایت از یکدیگر طلاق گیرند. در این صورت قطع و یقین حاصل می شود که زوجیت سابق از بین رفته است، آن گاه هر یک می تواند بدون هیچ مشکلی با فرد دیگری ازدواج نماید. (۱)

گفتار ششم: دیدگاه مراجع تقلید و فقیهان اسلامی درباره تأثیر تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج

اشاره

در ادامه دیدگاه عده ای از فقیهان و مراجع تقلید درباره تأثیر تغییر جنسیت یکی از زوجین یا هر دو زوجین بر ازدواج را بیان می کنیم:

۱. آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) ایشان در مورد تغییر جنسیت پس از ازدواج چنین می گویند:

تغییر جنسیت در دو همسر [زوجین] به چند صورت ممکن است:

الف - اگر تنها یکی از آن ها تغییر جنسیت دهد، عقد زوجیت آن دو باطل می گردد؛

ب - اگر هر دو همسر تغییر جنسیت دهند، ولی یکی جلوتر و دیگری در زمان بعد، در این صورت نیز عقد نکاح باطل می شود؛

ج - اگر تغییر جنسیت در دو همسر همزمان صورت گیرد، زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می گردد، ولی می توانند مجدداً در شکل جدید - بعد از تغییر

ص: ۲۶۹

جنسیت - عقد ازدواج بخوانند و احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا زمان عده بگذرد. (۱) ۲. آیت الله ناصر مکارم شیرازی: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آن ها چیست؟

پاسخ: اگر تغییر حقیقی باشد، زوجیت بلافاصله فسخ می شود و می توانند مجدداً عقد ازدواج را در شکل جدید بخوانند، ولی احتیاط آن است زمان عده بگذرد. (۲) ۳. آیت الله سید علی خامنه ای: در پرسش و پاسخ از ایشان چنین آمده است:

پرسش: اگر زن یا مرد پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج قبلی چگونه است؟

پاسخ: ازدواج از حال تغییر [جنسیت] باطل می شود. (۳) ۴. آیت الله لطف الله صافی: وی در این باره می گوید:

... اگر با عمل جراحی، زنی که شوهر دارد مرد شود از همان لحظه، نکاح آن ها باطل می شود. (۴) ۵. آیت الله حسین علی منتظری در این باره می گوید:

اگر زن و شوهر تغییر جنسیت دهند، عقد باطل می شود. (۵) ۶. آیت الله احمد مطهری: دیدگاه ایشان را در ضمن سه بند می آوریم:

بند الف) تغییر جنسیت زوجه و تبدیل وی به مرد: آیت الله احمد مطهری در مورد تغییر جنسیت زوجه و تبدیل وی به مرد معتقد است که ازدواج وی از زمان تغییر

ص: ۲۷۰

۱- (۱) غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی (قدس سره))، ص ۱۴۱، مساله ۳۵۱.
۲- (۲) ناصر مکارم شیرازی، رساله احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم از: ابوالقاسم علیان نژادی، ص ۲۳۶؛ همو، مجموعه استفتاءات، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۲.

۳- (۳) ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۸۰.

۴- (۴) ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۸۶۸.

۵- (۵) حسین علی منتظری، رساله استفتاءات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

جنسیت باطل می شود. دلیل ایشان آن است که بعد از تغییر جنسیتِ زوجه به مرد، ازدواج قابلیت بقا و استمرار را از دست می دهد. بنابراین، زوجیت و ازدواج آن دو با یکدیگر، به دلیل از بین رفتن موضوع ازدواج یعنی «وجود مرد و زن» از بین می رود. (۱) بند ب) تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن: ایشان در مورد تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن معتقد است که این ازدواج نیز از زمان تغییر جنسیت باطل خواهد بود؛ چون اعتبار شرعی ازدواج به وجود مرد و زن است نه دو مرد. (۲) بند ج) تغییر جنسیت غیر همزمان زوجین: نیز ایشان در مورد تغییر جنسیت غیر همزمان (غیر متقارن) زوجین معتقد است این ازدواج باطل است و امکان بقا برای آن وجود ندارد؛ چون اساساً این نکاح از نظر عقلی، شرعی و عرفی فاقد متعلق است. (۳) توضیح بیش تر آن که ازدواج یک رابطه طرفینی میان زوج و زوجه است. هرگاه یکی از طرفین به تغییر جنسیت روی آورد، این ازدواج فاقد طرف مقابل یا فاقد متعلق است. از این رو، ریسمان ازدواج میان آن دو گسسته می شود. اگر چه طبق فرض، طرف مقابل نیز تغییر جنسیت می دهد، ولی از آن جایی که تغییر جنسیت دوم در یک فاصله زمانی صورت پذیرفته است، ازدواجی که در گذشته باطل شده، دگر بار برقراری نمی شود و قابل استصحاب نیست، مگر آن که مجدداً میان آن دو عقد نکاح جدیدی منعقد شود.

۷. آیت الله محمد مؤمن: دیدگاه ایشان را در ضمن سه بند زیر می آوریم:

بند الف) تغییر جنسیت یکی از زوجین: از نظر ایشان، اگر جنسیت یکی از زن و شوهر تغییر کند، از هنگام پدید آمدن تغییر، عقد نکاح آن دو باطل می شود؛ زیرا باقی ماندن آن دیگر امکان پذیر نیست؛ چرا که ازدواج مرد با مرد و یا زن با زن مشروع نیست. (۴)

ص: ۲۷۱

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۲: «لعدم قابلیه بقاء التزویج بعد تغییر جنسیه المراه بالرجل فتنتفی الزوجیه بانتفاء موضوعها».

۲- (۲) ر. ک: همان، ص ۱۹۸: «و ذلک من جهة ارتفاع موضوع الازدواج کما تقدم، حیث إنّ الزواج شرعاً لا یعتبر إلاّ بین الرجل و المراه لا بین الرجلین».

۳- (۳) ر. ک: همان، ص ۱۹۹: «ای یبطل النکاح و الزواج من جهة عدم امکان بقاء النکاح بدون المتعلق عقلاً و شرعاً و عرفاً».

۴- (۴) محمد مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، ص ۱۰۹-۱۱۰: «لو تغییرت جنسیة أحد الزوجین بطل نکاحهما من حین حدوث التغير، لعدم امکان بقائه، فإنه لا مشروعیه لزواج رجل برجل او إمراه بامرأه اخرى».

بند ب) تغییر جنسیت غیر همزمان زوجین: از نظر ایشان، اگر جنسیت زن و شوهر تغییر کند و این تغییر، همزمان نباشد، باز هم عقد نکاح این دو باطل می شود. (۱) بند ج) تغییر جنسیت همزمان زوجین: اما هرگاه تغییر جنسیت همزمان باشد، در باقی ماندن نکاح آنان اشکال است. نزدیک به صواب این نظریه است که در صورت تغییر جنسیت زن و شوهر به طور همزمان، نکاح باطل می شود، هر چند استاد ما، امام خمینی (ره)، دیدگاه باقی ماندن نکاح را در تحریر الوسیله برگزیده اند. (۲) ۸. آیت الله سید محسن خرازی: دیدگاه ایشان را در ضمن سه بند می آوریم:

بند الف - تغییر جنسیت یکی از زوجین: اگر زنی تغییر جنسیت بدهد و مرد شود، ازدواج از زمان تغییر باطل می شود [و نیز اگر شوهر تغییر جنسیت بدهد، ازدواج باطل می شود]. (۳) بند ب - تغییر جنسیت غیر همزمان هر دو زوجین: نیز اگر مرد، پس از تغییر جنسیت زن، جنس خود را تغییر دهد، در بطلان ازدواج بحثی وجود ندارد؛ زیرا به مجرد این که زن تغییر جنسیت داد، زوجیت بین آن ها باطل می شود و اگر بعد از تبدیل شدن مرد به زن، بخواهد زوجیت برگرد محتاج دلیل یا عقد جدید هستیم، در حالی که وجود ندارد. (۴)

ص: ۲۷۲

۱- (۱) همان، ص ۱۱۰، «ولو تغيرت جنسیه کلیهما فکذلک إذا کانا غیر مقارنین».

۲- (۲) همان، ص ۱۱۰: «وَأَمَّا إِذَا تَقَارَنَا فِي بَقَاءِ نِكَاحِهِمَا - وَإِنْ اِنْعَكَسَ حُكْمُ كُلِّ مِنْهُمَا فَيَتَرْتَّبُ عَلَى الزَّوْجِ السَّابِقِ أَحْكَامُ الزَّوْجِ وَعَلَى الزَّوْجِ السَّابِقِ أَحْكَامُ الزَّوْجِ - إِشْكَالٌ..... الْأَقْرَبُ عَدَمُ بَقَاءِ النِّكَاحِ وَإِنْ اسْتَقْرَبَ سَيِّدُنَا الْأَسْتَاذُ الْأَمَامُ الرَّاحِلُ قَدَّسَ سِرَّهُ فِي تَحْرِيرِ الْوَسِيلَةِ بِقَائِهِ وَاللَّهُ الْعَالِمُ».

۳- (۳) سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البيت عليهم السلام (عربی)، ش ۲۳ (پاییز ۱۳۷۹)، ص ۲۴۷: «لو تزوّجت إمراة فغيرت جنسها فصارت رجلاً - بطل التزويج من حين التغيير؛ لعدم إمكان بقاء الزواج بعد صيروره المرأة رجلاً؛ فإنه لا مشروع له لزواج رجل مع رجل أو إمراة مع مماثلتها فبطل التزويج بعدم بقاء موضوعه». نیز نگاه کنید به: سید شهاب الدین صدر، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی، ص ۶۲.

۴- (۴) سید محسن خرازی، پیشین: «بل لا كلام فيما إذا غير الرجل جنسه بعد تغيير المرأة جنسها؛ فإنّ الزوجيه بينهما صارت باطله بمجرد تغيير المرأة جنسها، وعودها بعد صيروره الرجل مرأه محتاج الى دليل أو عقد جديد و هو مفقود».

ج - تغییر جنسیت همزمان زوجین: اگر تغییر جنسیت در زن و مرد همزمان باشد، استاد بزرگوار ما، امام خمینی می گوید: بعید نمی دانم که ازدواج آن دو باقی باشد، ولی مطلب فوق با اشکال روبه رو است؛ چه این که حقیقت زوجیت مذکور با تغییر جنسیت قطعاً از بین می رود. (۱) ۹. آیت الله سید محمد صدر: ایشان تنها به تغییر زن یا شوهر به تنهایی اشاره کرده اند و در مورد تغییر جنسیت همزمان یا غیر همزمان زن و شوهر سخنی بیان نکرده اند. کلام ایشان را در ضمن دو بند می آوریم:

الف - تغییر جنسیت شوهر: با تغییر جنسیت شوهر و تبدیل وی به زن، ارتباط او با زوجه اش قطع می شود و عقد نکاح آن دو باطل می شود، بدون این که نیازمند به طلاق باشد و سزاوار نیست که زوجه اش نسبت به وی تمکین داشته باشد، بلکه عمل جنسی میان آن دو، چه کم یا زیاد، حرام است؛ چون این عمل جنسی، عمل جنسی میان دو زن است. (۲) ب - تغییر جنسیت زن (زوجه): نیز اگر زن (زوجه) تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، زوجیت و ارتباط وی با شوهرش قطع می شود، بدون این که نیازمند طلاق باشد و طبیعی است که جایز نیست برای وی که نسبت به شوهر سابقش تمکین جنسی داشته باشد. (۳) ۱۰. آیت الله محمد ابراهیم جناتی: ایشان در مورد تغییر جنسیت زن یا شوهر چنین می گوید:

اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و مرد شود ازدواج او از هنگامی که

ص: ۲۷۳

۱- (۱) سید محسن خرازی، همان، ص ۲۴۷-۲۴۸: «و إنّما الکلام فیما إذا تقارن التّغییر فیهما فهل یبطل النکاح أو یبقیان علی نکاحهما و إن اختلفت الاحکام، فیجب علی الرجل الفعّلی النّفقه و علی المرأه الاطاعه ؟ ذهب سیدنا الامام المجاهد قدس سره إلی أنّه لا- یبعد بقاء نکاحهما، و إن کان الأحوط تجدید النکاح.... [و لکن] حقیقه الزوجیه المذكوره مقطوعه الارتفاع بتغییر الجنسیه».

۲- (۲) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸: «إمّا عن علاقته بزوجه، فتنقطع العلاقه الزوجیه و یبطل عقدها بدون حاجه إلی طلاق. و لا یستحق علی زوجته التمکین الجنسی کما کان سابقاً، بل یحرم تماماً ماقل منه أو کثر، لانه عمل جنسی بین إمراةین».

۳- (۳) سید محمد صدر، همان، ص ۱۴۵: «و أمّا زوجها فتبطل الزوجیه معه بدون طلاق، و لا یجوز له التمکین الجنسی لهذا الزوج بطبیعه الحال».

تغییر جنسیت برای او حاصل شد باطل می شود.... هم چنین است حکم مردی که پس از ازدواج با زنی تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگامی که تغییر پدید آمد، باطل می شود. (۱) ۱۱. آیت الله یوسف صانعی: وی در این باره می گوید:

تغییر جنسیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضرر و اذیت دیگری می شود حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسیت، ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود. (۲) هم چنین ایشان در مورد «تغییر جنسیت همزمان» یا «تغییر جنسیت غیر همزمان» زوجین چنین می گوید:

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد، حکم آن مانند سابق است؛ اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احوط آن است که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکند، مگر این که با اجازه طرفین طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آن ها هم چنان برقرار باشد. (۳)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

از ارکان مسلم ازدواج، وجود «زن و مرد» به عنوان «زوجین» است. هر گاه این امر به هر دلیلی از جمله تغییر جنسیت، مخدوش گردد، ازدواج، باطل می شود. پس وجود «زن و زن» یا «مرد و مرد» به عنوان «زوجین» غیر شرعی است.

پس از ازدواج، گاه مرد تغییر جنسیت می دهد و گاه زن، جنسیت خویش را تغییر می دهد. در هر حال، ازدواج گذشته باطل یا منحل می شود. این مسأله مورد اتفاق فقیهان شیعه است و حتی یک مخالف هم وجود ندارد.

در مواردی، زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت می دهند. این نوع تغییر جنسیت، گاه غیر همزمان (غیر متقارن) است؛ یعنی تغییر جنسیت زن و شوهر با یک فاصله زمانی

ص: ۲۷۴

۱- (۱) محمد ابراهیم جناتی، رساله توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲- (۲) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۳- (۳) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ همو، مجمع المسائل (استفتاءات)، ج ۱، ص ۴۶۵.

صورت می پذیرد. برای مثال، زوج در سال اول و زوجه در سال دوم تغییر جنسیت می دهد. این نوع تغییر جنسیت نیز موجب بطلان ازدواج سابق می شود؛ چه این که با تغییر جنسیت اول (مثلاً- زوج)، ازدواج سابق باطل می شود و تغییر جنسیت دوم (مثلاً- زوجه) تأثیری در حکم مسأله (بطلان نکاح سابق) ندارد. به عبارت دیگر، تغییر جنسیت دوم، تأثیری در ابقای ازدواج سابق ندارد. نهایت آن که زن و شوهر پس از تغییر جنسیت می توانند با یکدیگر مجدداً ازدواج کنند. مطلب فوق، یعنی بطلان نکاح زوجین در تغییر جنسیت غیرهمزمان مورد اتفاق همه فقیهان شیعه است و حتی یک مخالف هم وجود ندارد.

هرگاه زن و شوهر به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند (متقارن)، امام خمینی در تحریر الوسیله، بقای ازدواج سابق را ترجیح می دهد و می گوید: بقای نکاح آن دو بعید نیست، ولی احتیاط آن است که ازدواج میان دو، تجدید شود.

اگر چه امام خمینی برای «بقای ازدواج سابق» دلیلی ارائه نداده اند، ولی برخی فقیهان شیعه در توضیح کلام فوق گفته اند که «اصل ازدواج سابق» قابل استصحاب است، اگر چه برخی صفات و خصوصیات زوجین، یعنی صفت «مذکر بودن» و صفت «مؤنث بودن» پس از تغییر جنسیت، تغییر کرده است، ولی این مطلب به اصل ازدواج میان زوجین خللی وارد نمی سازد.

عده ای از فقیهان شیعه، اساساً فرع فوق، یعنی تأثیر تغییر جنسیت همزمان زوجین بر ازدواج سابق را مورد توجه قرار نداده اند. گروهی از فقیهان که فرع فوق را مورد توجه قرار داده اند، خود دو گروهند:

یکی از فقیهان مانند آیت الله یوسف صانعی، همانند امام خمینی معتقد است که: بعید نیست ازدواج آن ها هم چنان برقرار باشد.

اما بقیه فقیهان شیعه مانند: آیت الله احمد مطهری، آیت الله محمد مؤمن، آیت الله سید محسن خرازی، آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) و آیت الله ناصر مکارم شیرازی معتقدند که اساساً «تغییر جنسیت همزمان زوجین» تأثیری در حکم (بطلان ازدواج سابق) ندارد.

در هر حال، تغییر جنسیت همزمان زوجین، مانند تغییر جنسیت غیر همزمان زوجین، موجب بطلان ازدواج سابق می شود.

یکی از دلایل مطلب فوق این است که ازدواج سابق را نمی توان بدون ملاحظه شرایط و ضوابط شرعی استصحاب کرد؛ چون در ازدواج سابق، مرد به عنوان «زوج» به دادن نفقه و مهریه موظف بود، همان طور که زن به عنوان «زوجه» موظف به تمکین بوده است. پس از تغییر جنسیت همزمان آن دو، مرد جدید را نمی توان به دادن نفقه و مهریه موظف نمود، همان طور که زن جدید را نمی توان به تمکین موظف نمود؛ چون این امر، یک تعهد و الزام جدید است که اساساً برای آن، عقد یا توافقی صورت نگرفته است و عقد و توافق سابق نیز برای ایجاد الزام جدید کافی نخواهد بود.

بنابراین، ازدواج سابق اساساً باطل و منحل شده و آن دو برای زندگی به عنوان «زن و شوهر» نیازمند عقد جدید هستند (قول مختار).

مبحث دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای مشکل

فرض این است که خنثای مشکل با فرد دیگری ازدواج کرده است. آن گاه خنثای مشکل، تغییر جنسیت داده و به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث تبدیل می شود. این مسأله دارای دو فرض است:

فرض اول - ازدواج خنثای مشکل با یک مرد

فرض دوم - ازدواج خنثای مشکل با یک زن

اکنون باید بررسی کنیم که تغییر جنسیت خنثای مشکل چه تأثیری بر ازدواج وی دارد. همان طور که پیش تر بیان شد، در مورد «جواز یا عدم جواز ازدواج خنثای مشکل» دو نظر وجود دارد:

نظر مشهور در خنثای مشکل: مشهور فقیهان اسلامی معتقدند از آن جایی که جنسیت واقعی خنثای مشکل معلوم نیست، پس وی شرعاً مجاز به ازدواج نمی باشد، چه این که اگر با مرد ازدواج کند، شاید که وی در واقع مرد باشد و در نتیجه ازدواج وی از قبیل «ازدواج مرد با مرد» باشد، و اگر با زن ازدواج کند، شاید که خنثای مشکل در واقع

زن باشد و در نتیجه، ازدواج وی از قبیل «ازدواج زن با زن» باشد که در حرمت آن شکی وجود ندارد.

نظر غیر مشهور در خنثای غیر مشکل: در مقابل نظر مشهور، یک نظر نادر وجود دارد که معتقد است که خنثای مشکل می تواند یک جنسیت را برای خویش انتخاب کند و همین جنسیت تا آخر عمر برای وی حاکم خواهد بود.^(۱) اکنون با توجه به نظرات مشهور و غیر مشهور، تأثیر تغییر جنسیت خنثای مشکل بر ازدواج وی را مورد بررسی قرار می دهیم:

براساس نظر مشهور، ازدواج خنثای مشکل چه در فرض اول و چه در فرض دوم باطل بوده است؛ چون وی به دلیل ابهام کامل جنسی حق ازدواج با مرد یا زن نداشته است. بنابراین، تغییر جنسیت، تأثیری در مسأله، یعنی بطلان ازدواج سابق ندارد. از این رو، در فرض اول، حتی اگر خنثای مشکل تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود، ازدواج سابق تصحیح نخواهد شد، بلکه آن دو در وضعیت جدید، برای ادامه زندگی زناشویی، باید عقد نکاح جدیدی را منعقد سازند.

براساس نظر غیر مشهور، اگر خنثای مشکل، جنسیت زنانه را انتخاب کرده، پس ازدواج وی از اول صحیح بوده است؛ حال چنان چه خنثای مشکل تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود، ازدواج سابق ابقا می شود، ولی اگر به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق باطل می شود.

نیز در فرض دوم، اگر خنثای مشکل، جنسیت مردانه را انتخاب کرده است، پس ازدواج وی صحیح بوده است؛ حال چنان چه تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق ابقا می شود؛ ولی اگر به زن تبدیل شود، ازدواج سابق باطل می شود.

مبحث سوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل

همان طور که پیش تر بیان شد، «خنثای غیر مشکل» خنثایی است که با توجه به امارات و قرائن شرعی، به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می شود. بنابراین، لازم

ص: ۲۷۷

۱- (۱) ر. ک: سید صادق شیرازی، الفقه و المسائل الطیبه، ص ۱۲۲.

است جنسیت غالب خنثای غیر مشکل مشخص شود. بر این اساس، گاه خنثای غیر مشکل به مرد ملحق می شود و گاه به زن ملحق می شود.

در حالت اول، وی حق دارد با زن ازدواج کند، و در حالت دوم وی بایستی با مرد ازدواج کند. از این رو، اگر خنثای غیر مشکل که دارای جنسیت غالب مردانه است با مرد ازدواج کند، این ازدواج باطل و بلا اثر است، و چنان چه خنثای غیر مشکل که دارای جنسیت غالب زنانه است، با یک زن ازدواج کند، این ازدواج نیز باطل و بلا اثر است. تنها می توان دو فرض برای «ازدواج صحیح خنثای غیر مشکل» در نظر گرفت:

فرض اول: ازدواج خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب مردانه) با یک زن

فرض دوم: ازدواج خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب زنانه) با یک مرد

اکنون لازم است بررسی کنیم که تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل چه تأثیری در ازدواج وی دارد:

در فرض اول، چنان چه خنثای غیر مشکل، تغییر جنسیت داده و به مرد کامل تبدیل گردد، تأثیری در ازدواج وی ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج وی هم چنان برقرار است. دلیل آن واضح است؛ چون وی قبل از تغییر جنسیت با توجه به علائم و امارات شرعی به عنوان مرد شناخته شده است و با عمل جراحی تغییر جنسیت نیز به مرد کامل تبدیل شده است. پس ازدواج وی، چه قبل از تغییر جنسیت و چه بعد از آن، با موضوع «مرد و زن» بوده است.

در همین فرض دوم، چنان چه خنثای غیر مشکل، تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق وی باطل می شود؛ چون در وضعیت جدید، ازدواج «مرد با مرد» خواهد بود که باطل و غیر شرعی است.

مبحث چهارم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثی

می توان این فرض را در نظر گرفت که مرد یا زن پس از تغییر جنسیت به خنثی تبدیل شود. اگرچه به لحاظ مصداق خارجی هیچ کس طالب تغییر جنسیت و تبدیل به خنثی نیست، ولی می توان به عنوان یک فرع فقهی از آن بحث و گفت و گو کرد.
به

طور کلی می توان فرض های زیر را در نظر گرفت:

فرض اول: تغییر جنسیت مرد به خنثای مشکل

فرض دوم: تغییر جنسیت زن به خنثای مشکل

فرض سوم: تغییر جنسیت مرد به خنثای غیر مشکل:

۱-۳ - با جنسیت غالب مردانه

۲-۳ - با جنسیت غالب زنانه

فرض چهارم: تغییر جنسیت زن به خنثای غیر مشکل:

۱-۴ - با جنسیت غالب زنانه

۲-۴ - با جنسیت غالب مردانه.

در فرض اول و دوم که مرد یا زن به خنثای مشکل تبدیل می شود، از نظر مشهور فقیهان اسلامی ازدواج سابق باطل خواهد بود؛ چه این که خنثای مشکل دارای ابهام کامل جنسی است و مرد بودن یا زن بودن وی معلوم نیست.

البته با فرض این که خنثای مشکل در واقع ملحق به یکی از دو جنس است و طبیعت ثالثه نیست، می توان استصحاب بقای زوجیت نمود و در نتیجه، پس از تغییر جنسیت مرد یا زن به خنثای مشکل، ازدواج سابق همچنان باقی است.

در فرض سوم که مرد به خنثای غیر مشکل تبدیل می شود خود دارای دو حالت است:

حالت ۱-۳ - مرد در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات و قرائن شرعی دارای جنسیت غالب مردانه است. در نتیجه تغییر جنسیت، و در وضعیت جدید، ازدواج «زن با مرد» به وجود می آید. بنابراین، پس از تغییر جنسیت، ازدواج سابق هم چنان برقرار خواهد بود. البته با این توضیح که مرد قبل از تغییر، دارای جنسیت کامل مردانه بود و پس از آن، براساس امارات و قرائن شرعی دارای جنسیت غالب مردانه شده است.

حالت ۲-۳ - مرد در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از

نظر امارات شرعی دارای جنسیت غالب زنانه است. پس از تغییر و در وضعیت جدید، شاهد ازدواج «زن با زن» خواهیم بود. بنابراین، تغییر جنسیت موجب بطلان ازدواج سابق خواهد شد.

در فرض چهارم که زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است، دارای دو حالت زیر است:

حالت ۴-۱ - زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات و قرائن شرعی، وی به زن ملحق شده است. تغییر جنسیت تأثیری در ازدواج سابق ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج آن دو هم چنان برقرار است. نهایت آن که، قبل از تغییر جنسیت، زن دارای جنسیت کامل زنانه بود، ولی پس از آن، دارای جنسیت غالب زنانه است.

حالت ۴-۲ - زن در تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل تبدیل شده است که از نظر امارات شرعی دارای جنسیت غالب مردانه است. پس از تغییر جنسیت و در وضعیت جدید ما شاهد ازدواج «مرد با مرد» خواهیم بود که غیر شرعی است. بنابراین، تغییر جنسیت موجب بطلان ازدواج سابق خواهد شد.

طرح بحث:

از نظر اسلام تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن (زوجه) به عهده شوهر است، و زن از این نظر هیچ گونه مسؤولیتی ندارد. البته تأمین هزینه های شخصی زن توسط شوهر، اختصاص به موردی ندارد که زن از تأمین آن عاجز باشد، بلکه حتی اگر وی دارای ثروت کلانی هم باشد، الزامی ندارد که از اموال شخصی خود، مخارج و مایحتاج خویشتن را تأمین نماید. وجوب پرداخت نفقه از مسلمات فقه و حقوق اسلامی است، و مبتنی بر آیات (۱) و روایات (۲) می باشد.

شرط وجوب نفقه دو چیز است:

۱. دایم بودن نکاح

۲. تمکین زوجه

یکی از مباحث مهم پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، مسأله «نفقه زوجه» است.

ص: ۲۸۱

۱- (۱) بقره (۲)، آیه ۲۳۲؛ طلاق (۶۵)، آیه ۷.

۲- (۲) ر. ک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۱ از ابواب نفقات.

هرگاه زوج یا زوجه تغییر جنسیت دهد و این تغییر جنسیت، واقعی باشد، طبیعی است که ازدواج سابق باطل می شود. احکام زوجیت، مانند نفقه نیز به تبع انتفای موضوع (ازدواج سابق) از بین می رود. چه این که احکام، دائر مدار موضوعات هستند و با انتفای موضوع، حکم آن نیز از بین می رود. بنابراین، به عنوان یک «قاعده کلی» می توان گفت: هرگاه «نکاح دائم» بوده و علاوه بر آن، تمکین (عدم نشوز) نیز موجود باشد، «وجوب نفقه» به عنوان یک حکم شرعی ثابت است، و هرگاه یکی از آن دو شرط منتفی گردد، وجوب اعطای نفقه نیز مرتفع می شود.

طبیعی است که پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، یکی از آن دو شرط یعنی «ازدواج دائم» از بین می رود. بنابراین، نفقه نیز از میان خواهد رفت. مسأله «سقوط نفقه» به دلیل «تغییر جنسیت»، آن قدر بدیهی و روشن است که فقیهان اسلامی از آن ذکری به میان نیاورده اند. اما برای توضیح بیش تر، حالت های مختلف تغییر جنسیت را بیان کرده و مسأله «وجوب نفقه» یا «سقوط نفقه» را در ذیل هر حالت توضیح می دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه زوجه در عقد دائم

اشاره

به طور کلی می توان گفت: هرگاه پس از ازدواج دائم، تغییر جنسیت روی دهد، در بحث «وجوب نفقه» یا «سقوط نفقه» می توان فروض مختلف را در نظر گرفت، که در ضمن چند گفتار زیر بیان می شود:

گفتار اول: تبدیل مرد به زن: بطلان نکاح و سقوط نفقه

هرگاه پس از ازدواج، مرد تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل، و پرداخت نفقه نیز واجب نخواهد بود.^(۱) ممکن است این پرسش مطرح شود که پس از تغییر جنسیت و در وضعیت جدید، درباره وجوب یا عدم وجوب نفقه شک و تردید داریم، از آن جایی که قبل از تغییر،

ص: ۲۸۲

۱- (۱) ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶: «إذا تحول الرجل الى امرأة وكان زوجاً..... بطلت نكاحه..... و لم يجب عليه العده و لانفقه زوجته و لا اولاده».

پرداخت نفقه واجب بود، پس از تغییر نیز، استصحاب وجوب نفقه جاری می‌کنیم. بنابراین، مرد سابق هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه سابق خویش است.

در پاسخ می‌گوییم: از شرایط اساسی استصحاب، «بقای موضوع» است. در این جا یقین داریم که موضوع «مرد و زن» عوض شده و در وضعیت جدید، شاهد وجود «دو مرد» یا «دو زن» هستیم. بنابراین، حکم نیز عوض شده است و مجالی برای استصحاب وجوب نفقه و سایر احکام زوجیت وجود ندارد. (۱)

گفتار دوم: تبدیل زن به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

هرگاه پس از ازدواج، زن تغییر جنسیت دهد و مرد گردد، ازدواج سابق باطل و پرداخت نفقه به عنوان یک حکم شرعی، به دلیل انتفای موضوع (ازدواج سابق) از بین خواهد رفت. (۲) به تعبیر دیگر، موضوع وجوب نفقه عبارت بود «زوجه» است، و پس از تغییر جنسیت زن، وی دیگر متصف به عنوان «زوجه» را نیست، و پس از تبدیل قطعی موضوع، مجالی برای استصحاب وجوب نفقه وجود ندارد. (۳)

گفتار سوم: تبدیل مرد به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

هرگاه مرد تغییر جنسیت دهد و به خنثای مشکل تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل خواهد شد؛ زیرا طبق نظر فقیهان اسلامی، خنثای مشکل دارای ابهام کامل جنسی بوده و مرد بودن یا زن بودن وی نامعلوم است. از این رو، ازدواج خنثای مشکل باطل است. پس از تغییر جنسیت، و تبدیل مرد به خنثای مشکل، ازدواج فاقد موضوع «مرد و زن» است؛ چون طبق فرض، جنسیت مرد تغییر کرده و در حال حاضر، مرد بودن یا زن بودن وی مشکوک است.

احتمال قوی تر آن است که گفته شود: پس از تغییر جنسیت مرد، و تبدیل وی به

ص: ۲۸۳

۱- (۱) ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۴۵.

۲- (۲) ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسألة ۳۷۰۸: «لو تحولت المرأة الى رجل وكانت زوجه انتفت عنها واجبات الزوجه وحقوقها... وارتفع وجوب النفقه وحق الحضانه».

۳- (۳) ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۵.

خنثای مشکل، در مورد مرد بودن یا زن بودن وی شک و تردید داریم؛ در این حالت، وضعیت سابق (مرد بودن) استصحاب می شود. از این رو، وی هم چنان از نظر شرعی مرد محسوب می شود. بنابراین، موضوع ازدواج، یعنی «مرد و زن» پس از تغییر ثابت باقی خواهد ماند. پس خنثای مشکل هم چنان موظف است نفقه زوجه را پرداخت کند.

گفتار چهارم: تبدیل زن به خنثای مشکل: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

یک احتمال آن است که ازدواج در اثر تغییر جنسیت زن به خنثای مشکل، باطل شود. بنابراین، پرداخت نفقه به وی واجب نخواهد بود. احتمال دیگر، که خالی از قوت نیست آن است که چون در مرد بودن یا زن بودن خنثای مشکل تردید داریم، حالت سابق (زن بودن) استصحاب می گردد. بنابراین، زوجیت سابق استمرار پیدا کرده و به دنبال آن، پرداخت نفقه به زوجه سابق (خنثای مشکل) هم چنان واجب خواهد بود.

گفتار پنجم: تبدیل مرد به خنثای غیر مشکل

بند ۱. خنثای مذکر: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند ۲. خنثای مؤنث: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

هرگاه مرد به خنثای غیر مشکل تبدیل شود، باید ملاحظه نمود براساس قرائن و امارات شرعی، وی به کدام جنس (مرد یا زن) ملحق است. هرگاه به جنس مرد ملحق باشد (خنثای مذکر)، بنابراین، تغییری در ازدواج سابق پدید نمی آید. نهایت آن که وی قبل از تغییر، مرد کامل بود و پس از تغییر براساس قرائن و شواهد، به مرد ملحق شده است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه خویش است.

اما چنان چه وی به خنثای مؤنث تبدیل گردد، یعنی خنثایی که براساس قرائن شرعی، به گروه زنان ملحق است، در این حالت، ازدواج سابق باطل و وجوب اعطای نفقه نیز ساقط است. بنابراین، وی (خنثای مؤنث) موظف به پرداخت نفقه، به زوجه سابق خویش نیست.

گفتار ششم: تبدیل زن به خنثای غیر مشکل

بند اول: خنثای مؤنث: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند دوم: خنثای مذکر: بطلان و سقوط نفقه

هرگاه زن تغییر جنسیت داده و به خنثای غیرمشکل، آن هم از نوع خنثای مؤنث تبدیل شود، ازدواج سابق وی برقرار خواهد بود و هم چنان می تواند از زوج خویش مطالبه نفقه نماید؛ نهایت این که، وی قبل از تغییر، زن کامل بود و اکنون پس از تغییر جنسیت، از نظر شرعی به زن ملحق شده است.

اما چنان چه وی به خنثای مذکر تبدیل گردد، ازدواج سابق فاقد موضوع «مرد و زن» است؛ چون در وضعیت جدید، ما شاهد «دو مرد» هستیم. بنابراین، ازدواج سابق باطل و پرداخت نفقه نیز واجب نخواهد بود.

گفتار هفتم: تبدیل خنثای غیر مشکل (مذکر)

بند اول - به مذکر: بقای ازدواج و بقای استمرار نفقه

بند دوم - به مؤنث: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

در تبدیل خنثای مذکر به مذکر، ازدواج سابق برقرار بوده و وجوب نفقه نیز استمرار دارد؛ نهایت این که شوهر، قبل از تغییر جنسیت، براساس علائم شرعی به گروه مردان (خنثای مذکر) ملحق بود، ولی پس از تغییر، به مرد کامل تبدیل شده است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه به زوجه خویش است.

اما چنان چه خنثای مذکر، به زن تبدیل گردد، ازدواج سابق باطل و وجوب نفقه نیز ساقط می گردد. بنابراین، وی موظف به پرداخت نفقه نیست.

گفتار هشتم: تبدیل خنثای غیر مشکل (مؤنث)

بند اول - به زن: بقای ازدواج و استمرار وجوب نفقه

بند دوم - به مرد: بطلان ازدواج و سقوط نفقه

چنان چه خنثای غیر مشکل، از نوع خنثای مؤنث به زن تبدیل شود، ازدواج سابق

برقرار و وجوب نفقه نیز استمرار خواهد داشت. نهایت این که، وی قبل از تغییر، براساس علائم شرعی به زن بودن محکوم شده بود و پس از تغییر، به زن کامل تبدیل شده است. از این رو، وی هم چنان می تواند از زوج خویش، مطالبه نفقه کند.

اما چنان چه خنثای مؤنث به مرد تبدیل شود، ازدواج سابق باطل و وجوب نفقه نیز ساقط می گردد؛ زیرا در وضعیت جدید، موضوع ازدواج به «دو مرد» تبدیل شده است.

شایان ذکر است که تبدیل «خنثای مشکل به مرد یا زن» منشأ آثار فقهی نیست؛ زیرا اساساً ازدواج خنثای مشکل حرام و باطل است و احکام زوجیت مانند: محرمیت، نفقه، تمکین و مانند آن بر این ازدواج ثابت نمی شود. بنابراین، بحث از تبدیل خنثای مشکل به مرد یا زن پس از ازدواج، بی مورد است. نتیجه آن که، اگر خنثای مشکل، تغییر جنسیت دهد و برای مثال، به زن تبدیل شود و طرف مقابل وی، مرد باشد، تأثیری در مطلب نخواهد داشت و ازدواج باطل گذشته را تصحیح نخواهد کرد.

پس از تغییر جنسیت، باید این نکته مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرد که آیا «موضوع ازدواج»، یعنی وجود «مرد و زن» تغییر کرده یا نه. پس اگر تغییر کند و برای مثال به «دو مرد» یا «دو زن» تبدیل شود، ازدواج سابق باطل شده و احکام ازدواج و از جمله نفقه نیز منتفی خواهد شد.

در تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل نیز باید مطلب فوق مورد توجه قرار گیرد. خنثای غیر مشکل نیز دو گونه است: ۱. خنثای مذکر، یعنی خنثی با جنسیت غالب مردانه؛ ۲. خنثای مؤنث، یعنی خنثی با جنسیت غالب زنانه.

چنان چه خنثای مذکر (که قبلاً با یک زن ازدواج کرده بود) تغییر جنسیت دهد و به مرد کامل تبدیل شود، تأثیری در ازدواج سابق وی نخواهد داشت و بنابراین، احکام زوجیت مانند نفقه نیز استمرار خواهد داشت؛ چون پس از تغییر جنسیت، به چیزی تبدیل شده است که قبلاً از نظر شرعی به آن جنسیت ملحق شده بود،^(۱) ولی چنان چه وی به یک زن تبدیل شود، در وضعیت جدید، به جای وجود «مرد و زن»

ص: ۲۸۶

۱- (۱) ر. ک: سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴.

ما شاهد وجود «دو زن» خواهیم بود. در نتیجه، ازدواج سابق باطل و احکام زوجیت از جمله نفقه نیز منتفی خواهد شد.

نیز چنان چه خنثای مؤنث (که قبلاً با یک مرد ازدواج کرده بود)، تغییر جنسیت دهد و به زن کامل تبدیل شود، تأثیری در ازدواج سابق وی نخواهد داشت و بنابراین، احکام زوجیت مانند نفقه نیز استمرار خواهد داشت، ولی چنان چه وی به یک مرد تبدیل شود، در وضعیت جدید ما شاهد وجود «دو مرد» به جای «مرد و زن» خواهیم بود. بنابراین، ازدواج به دلیل انتفای موضوع آن، باطل می شود. آیت الله سید محمد صدر در مورد «تغییر جنسیت خنثای غیر مشکل» چنین می گوید:

هرگاه خنثای غیر مشکل، به غیر خنثی تبدیل شود؛ خنثای غیر مشکل از نظر شرعی یا به مرد بودن یا به زن بودن محکوم شده است، که بحث آن در کتاب ارث گذشت، در این هنگام یا این خنثای غیر مشکل، به همان جنسی تبدیل می شود که قبلاً به آن محکوم شده بود، مثل این که خنثای غیر مشکل محکوم به رجولیت (مرد بودن)، به مرد کامل تبدیل شود، یا خنثایی که به زن بودن محکوم شده بود، به زن کامل تبدیل شود. در این هنگام، احکام شرعی ای که قبلاً برای وی ثابت بوده، تغییر نخواهد کرد، ولی اگر به جنس دیگری تبدیل شود که قبلاً تابع آن نبوده، در این حالت مثل این است که مرد به زن، یا زن به مرد تبدیل شده است که قبلاً در مورد آن صحبت شد. (۱)

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه در عقد موقت

اشاره

هرگاه در عقد موقت، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، این مسأله چه تأثیری در نفقه زوجه خواهد داشت؟ این مطلب را در ضمن دو گفتار زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

ص: ۲۸۷

۱- (۱) همان، ج ۳، ص ۶۴۴ مسأله ۳۷۱۰: «إذا تحولت الخنثی غیر المشکل إلى غیر الخنثی، فالخنثی غیر المشکل هو المحکوم شرعاً بالرجولیه او بالأنوثة، كما سبق فی کتاب الإیرث. فإمّا أن تتحول إلى نفس ما ثبت لها حکمه، كما لو تحول المحکوم بالرجولیه إلى رجل کامل أو المحکوم بالأنوثة إلى أنثی کامله، لم يتغير عندئذٍ منها حکم من الأحکام الشرعیه التي كانت ثابتة لها. و إمّا أن تتحول إلى جنس الاخر التي لم تكن تابعه له. فتكون كما لو تحول الرجل إلى إمراه أو الإمراه إلى رجل. و قد سبق الحدیث عنها».

گفتار اول: عدم وجوب نفقه در عقد موقت

در عقد موقت، دادن نفقه از سوی زوج به زوجه واجب نیست. حال چنان چه، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، طبیعی است که در مسأله نفقه، تغییری به وجود نمی آید؛ چه این که، نفقه از ابتدا بر زوج واجب و لازم نبوده و پس از تغییر جنسیت نیز همین گونه خواهد بود.

گفتار دوم: اشتراط نفقه در عقد موقت

هرگاه زوجه در عقد موقت، به پرداخت نفقه را شرط کند و زوج آن را پذیرفته و براساس آن، عقد موقت منعقد شود، اعطای نفقه همانند عقد دائم واجب خواهد بود. در این حالت، اگر یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، چه تأثیر بر نفقه خواهد گذاشت؟

طبیعی است که عقد موقت به دلیل تغییر جنسیت، فاقد موضوع شده و بنابراین، باطل خواهد بود. وجوب اعطای نفقه نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا «نفقه» به عنوان «شرط» و «عقد موقت» به عنوان «مشروط» است. هرگاه مشروط منتفی گردد، شرط آن نیز از بین خواهد رفت.

به عبارت دیگر، اگر تغییر جنسیت از انواعی باشد که سبب انحلال نکاح موقت نمی شود، وجوب نفقه به موجب شرط ثابت است و در مواردی که نکاح منحل می شود پرداخت نفقه هم منتفی خواهد بود..

جمع بندی و بین نظریه مختار

نفقه از آثار عقد دائم است که در عقد موقت، واجب نیست مگر آن که شرط شده باشد. هرگاه تغییر جنسیت روی دهد، طبیعی است که ازدواج دائم، منحل شده و بنابراین، آثار ازدواج، از جمله وجوب پرداخت نفقه نیز از بین خواهد رفت، ولی هرگاه در تغییر جنسیت، موضوع ازدواج (مرد و زن) از بین نرود، ازدواج سابق هم چنان باقی بوده و بنابراین، وجوب پرداخت نفقه نیز استمرار خواهد داشت.

تغییر جنسیت یکی از زوجین در عقد موقت، تأثیری در نفقه نخواهد داشت؛

چه این که پرداخت نفقه از ابتدا واجب نبوده است؛ پس از تغییر جنسیت نیز این گونه خواهد بود. هم چنین اگر از ابتدا عقد موقت مشروط به اعطای نفقه بوده، پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، به دلیل انتفای مشروط، شرط (نفقه) نیز منتفی خواهد شد.

ص: ۲۸۹

طرح بحث

هرگاه یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف تبدیل شود، با انحلال ازدواج گذشته، آیا زوجه حق مطالبه مهریه را از شوهر سابق دارد یا این که مهریه با تغییر جنسیت از بین رفته و مرد ملزم به پرداخت آن نمی باشد؟ از طرف دیگر، این پرسش مطرح است هرگاه تغییر جنسیت قبل از مباشرت اتفاق افتد، آیا زوجه مستحق تمام مهریه است یا نصف مهریه؟

بحث و بررسی درباره مهریه را باید در دو مبحث مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

۱. تغییر جنسیت و تأثیر آن بر مهریه زوجه در عقد دائم؛

۲. تغییر جنسیت و تأثیر آن بر مهریه زوجه در عقد موقت.

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله مهریه زوجه در عقد دائم

اشاره

هرگاه عقد نکاح دائم منعقد شود و پس از آن، تغییر جنسیت یکی از زوجین واقع شود، طبیعی است که ازدواج سابق منحل می شود، در مورد پرداخت مهریه چهار

احتمال (نظریه) وجود دارد، که عبارتند از:

احتمال اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقاً، چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوجه.

احتمال دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقاً، چه آمیزش صورت گرفته باشد یا نه، چه زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه.

احتمال سوم: وجوب پرداخت کل مهریه در صورت نزدیکی و تنصیف آن در صورت عدم آمیزش.

احتمال چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج.

اینک هر یک از احتمال های فوق را در ضمن چهار گفتار مورد بررسی قرار می دهیم:

گفتار اول: عدم وجوب پرداخت مهریه مطلقاً

احتمال اول آن است که به طور مطلق چیزی بر عهده زوج نیست، چه مباشرت صورت گرفته باشد و چه نه، نیز فرقی نمی کند که زوج تغییر جنسیت دهد یا زوجه. در هر حال، علاوه بر بطلان ازدواج سابق، زوج به پرداخت مهریه توافقی موظف نیست.

دلیل این احتمال را می توان این گونه توجیه کرد: حقیقت ازدواج عبارت است از معاوضه بضع زن (تمکین) با مهریه، و تغییر جنسیت سبب فسخ این معاوضه می شود و بناچار، هر یک از دو عوض به جای نخست خود باز می گردد و در نتیجه، تمام مهریه، ملک شوهر می گردد. بنابراین، چیزی به عهده او نیست، بلکه اگر وی، پیش از این، مهریه را پرداخت کرده باشد، مهریه یا عوض آن به او برگردانده می شود. (۱) در پاسخ باید گفت:

اولاً حقیقت نکاح معاوضه بضع زن (تمکین زن) با مهریه نیست، بلکه از دیدگاه خردمندان این است که مرد، شوهر زن، و زن، همسر مرد شود و یا هر کدام همسر دیگری

ص: ۲۹۲

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیدة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۱؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۵۲.

باشد و این امر اعتباری به وسیله «ایجاب و قبول» میان آن دو تحقق می یابد. بدین معنا که یکی از آنان همسری را ایجاب می کند و دیگری آن را می پذیرد. قوام نکاح، تنها به «ایجاب و قبول» است و «مهریه» به منزله هدیه ای است که مرد آن را به همسرش اهدا می کند و قانون گذار الهی آن را افزون بر ارکان نکاح، واجب کرده است. (۱) بنابراین، نکاح همانند یک داد و ستد نیست که چیزی معاوضه شود و مهریه به عنوان یکی از عوضین محسوب نمی شود. همان طور که پیش تر بیان شد، اگر در عقد نکاح دایم، مهریه ذکر نشود، یا از امور باطل باشد، مانند: خوک و شراب، عقد نکاح صحیح است. (۲) حتی اگر عقد نکاح، مشروط به عدم پرداخت مهریه منعقد شده باشد، عقد صحیح است هر چند شرط باطل است.

شاهد بر این امر، آن است که قرآن کریم از بسته شدن نکاح پیش از واجب شدن مهریه سخن گفته است:

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ؛ (۳)

اگر زنانی را که با آنان نزدیکی نکرده اید و مهری برایشان مقرر نداشته اید، طلاق گویند، گناهی نکرده اید. ولی آن ها را به چیزی در خور بهره مند سازید: توانگر به قدر توان خود و درویش به قدر توان خود. این کاری است شایسته نیکوکاران.

شاهد مثال آن است که در این آیه شریفه، طلاق، پیش از مهریه مقرر شده است و این امر نشان می دهد که نکاح پیش از مهریه بسته شده است و هرگاه مرد، زن را پیش از تعیین مهریه و پیش از نزدیکی با وی طلاق دهد، در اصل مهر بر او واجب نیست؛ هر

ص: ۲۹۳

۱- (۱) همان.

۲- (۲) ر. ک: شرح لمعه، ج ۲، ص ۹۷، فصل ششم؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۰.

۳- (۳) بقره (۲)، آیه ۲۳۶.

چند به شوهر واجب است که زن را به اندازه توان مالی خود بهره مند سازد، توانگر به قدر توان خود و نادار هم به قدر توان خود.

ثانیاً، حتی اگر بپذیریم که حقیقت نکاح عبارت از معاوضه است، ولی این ادعا را نمی‌پذیریم که باطل شدن نکاح به سبب تغییر جنسیت، به معنای فسخ آن است؛ زیرا فسخ نکاح، در صورتی قابل پذیرش است که از قبیل فسخ به سبب خیار باشد، ولی در این جا چنین نیست، بلکه انحلال نکاح، بر اثر عدم امکان بقای اعتبار زوجیت است؛ زیرا در این مثال [تغییر جنسیت] آن دو به دو مرد و یا دو زن تبدیل شده‌اند و دلیلی وجود ندارد بر این که عقد و قرار داد پیشین، از هنگام تغییر جنسیت فسخ شود، بلکه در نهایت این نتیجه به دست می‌آید که باقی ماندن اعتبار نکاح امکان پذیر نیست. (۱) به عبارت دیگر، ماهیت فسخ نکاح با انحلال آن به سبب فقدان موضوع متفاوت است و استرداد عوضین از آثار فسخ نکاح است نه مطلق انحلال ولو به علت فقدان موضوع.

گفتار دوم: وجوب پرداخت مهریه مطلقاً

احتمال دوم که عده ای از فقیهان شیعه بدان معتقد شده‌اند آن است که در صورت تغییر جنسیت و بطلان ازدواج سابق، زوج به پرداخت تمام مهریه موظف است، چه تغییر جنسیت قبل از مباشرت باشد و چه بعد از آن. امام خمینی در این باره می‌گوید:

لو تزوج امرأه فتغير جنسها فصارت رجلاً، بطل التزويج من حين التغيير و عليه المهر لو دخل بها قبل التغيير، فهل عليه نصفه مع عدم الدخول أو تمامه؟ فيه إشكال، و الأشبه التمام، و كذا لو تزوجت إمرأه برجل فغير جنسه بطل التزويج من حين التغيير، و عليه المهر مع الدخول، و كذا مع عدمه على الأقوى؛ (۲) اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می‌شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر

ص: ۲۹۴

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن قمی، همان، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ سید محسن خرازی تغییر الجنس، همان، ش ۲۳، ص ۲۵۳.

۲- (۲) امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۳.

جنسیت، باید تمام مهریه زن را بپردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل و قول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.

هم چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند، مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنا اقوی باید بپردازد.

با توجه به کلام امام خمینی، بین تغییر جنسیت زوجه و زوج تفاوت وجود دارد، و آن این که اگر زوجه قبل از آمیزش، تغییر جنسیت دهد، «اظهر» (بهتر) آن است که زوج تمام مهریه را پرداخت کند، ولی اگر زوج قبل از آمیزش تغییر جنسیت دهد، بنا بر «اقوی»، زوج باید تمام مهریه را بپردازد. به عبارت دیگر، اگر زوج با تغییر جنسیت خویش موجب بطلان ازدواج را فراهم آورد به طریق اولی بایستی تمام مهریه را پرداخت کند.

آیت الله محمد فاضل لنکرانی (قدس سره) در مورد مهریه پس از تغییر جنسیت چنین می گوید:

اگر تغییر جنسیت از طرف زن و با اذن شوهر انجام شود، در صورت عدم آمیزش قبل از تغییر، مهریه زن باید به طور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

اگر زن بدون اجازه شوهر، اقدام به تغییر جنسیت کرده باشد، در صورتی که باید با اذن شوهر اقدام به این کار می کرد، مرتکب گناه شده است، ولی از مهریه محروم نمی شد و طبق حکم شرعی، تمام مهریه به او می رسد. (۱)

با توجه به کلام فوق، عدم کسب اذن از شوهر، تنها حرمت تکلیفی دارد، یعنی زوجه با تغییر جنسیت مرتکب گناه شده است، ولی اثر وضعی ندارد و موجب از بین رفتن مهریه یا تنصیف مهریه نمی شود، یعنی در هر حال، پرداخت کل مهریه واجب است.

آیت الله حسین علی منتظری در این باره می گوید:

... در صورت تحقق دخول، مهر مستقر بر ذمه شوهر می باشد و در صورت عدم دخول، احوط تصالح است. (۲)

ص: ۲۹۵

۱- (۱) غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی (قدس سره))، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۲- (۲) حسین علی منتظری، رساله استفتاء آت، ج ۲، ص ۴۰۸؛ همو، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

آیت الله یوسف صانعی از جهت دیگر بین تغییر جنسیت زوج و زوجه تفاوت قائل شده اند. در ابتدا دیدگاه ایشان را می آوریم و آن گاه توضیح مختصری بیان می شود:

اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می شود. در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنابر اقوی باید بپردازد.^(۱) با توجه به کلام فوق، بین تغییر جنسیت زوج و زوجه تفاوت است و آن این که: هرگاه مرد تغییر جنسیت دهد، موظف است تمام مهریه را بپردازد، چه تغییر جنسیت بعد از آمیزش باشد و چه قبل از آن؛ اما هرگاه زوجه تغییر جنسیت دهد، به دلیل آن که وی باعث از بین رفتن ازدواج شده است، مهریه زوجه از بین می رود.^(۲) دلیل احتمال دوم

دلیل اول - ثبوت تمام مهریه به سبب انعقاد عقد نکاح

به مجرد عقد نکاح، مهریه بر ذمه زوج ثابت می شود و هرگاه دخول صورت گیرد، تمام مهریه مستقر می گردد و ازدواج چه بقا داشته باشد و چه نداشته باشد، در هر حال، تمام مهریه به عهده زوج است. پس اگر طلاق واقع شود و یا این که «موضوع ازدواج» به دلیل تغییر جنسیت منتفی گردد، تأثیر در اصل مطلب، یعنی «ثبوت تمام مهریه برای زوجه» ندارد.^(۳) روایات متعددی دلالت بر استقرار مهریه به سبب دخول دارد که به دو نمونه اشاره می شود:

۱. روایت داود بن سرحان: إذا أولجه فقد وجب الغسل و الجلد و الرجم و وجب المهر؛^(۴) هرگاه دخول صورت گیرد، غسل، تازیانه، سنگسار و مهریه واجب می شود.

ص: ۲۹۶

۱- (۱) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، چ دوم، ص ۹۲-۹۴.

۲- (۲) توضیح بیش تر در ضمن احتمال چهارم خواهد آمد.

۳- (۳) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، (مسائل مستحدثه)، ص ۱۹۲-۱۹۳.

۴- (۴) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۵، باب ۵۴ از ابواب المهور، حدیث ۵.

۲. روایت محمد بن مسلم: سألت أبا جعفر (عليه السلام): متى يجب المهر؟ قال إذا دخل بها؛ (۱) محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) پرسیدیم: چه موقع مهریه واجب می شود؟ فرمود: هرگاه مرد با زن مباشرت کند.

اما در بیان علت این که اگر تغییر جنسیت قبل از دخول باشد، تمام مهریه ثابت است، می توان گفت: مقتضای عقد نکاح این است که تمام مهریه در قبال ازدواج است. این گونه نیست که بخشی از مهریه در قبال دخول باشد. پس مقتضای عقد نکاح، ثبوت تمام مهریه به مجرد عقد قبل از دخول است.

پرسش: بر اساس آیه شریفه: «وإن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن و قد فرضتم لهن فريضة فنصف ما فرضتم إلا أن يعفون أو يعفو اللذي بيده عقده النكاح»؛ (۲) هرگاه طلاق قبل از دخول صورت پذیرد، پرداخت نصف مهریه به عهده زوج است. بنابراین، اگر تغییر جنسیت قبل از دخول صورت پذیرد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج است.

پاسخ: در بحث مورد نظر، طلاق واقع نشده است، بلکه زوجیت به دلیل تغییر جنسیت، فاقد موضوع شده و ازدواج باطل گشته است. بنابراین، قیاس «تغییر جنسیت» به «طلاق» صحیح نیست، و آیه شریفه، تنها در بیان «ثبوت نصف مهریه» به سبب «طلاق قبل از دخول» است. پس به مقتضای عقد نکاح، تمام مهریه به عهده زوج است، ولو این که تغییر جنسیت قبل از دخول واقع شده باشد. (۳) صاحب کتاب «جواهر الکلام» فرموده هرگاه طلاق قبل از دخول واقع شود، تنها نصف مهرالمسمی به عهده زوج است و بر این مطلب ادعای «عدم خلاف» و بلکه ادعای «اجماع» کرده است؛ (۴) اما باید توجه نمود که مورد اجماع صاحب جواهر (معقد

ص: ۲۹۷

۱- (۱) همان، حدیث ۷.

۲- (۲) بقره (۲)، آیه ۲۳۷.

۳- (۳) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۵ و ۱۹۸.

۴- (۴) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۸۰: «إذا طلق قبل الدخول كان عليه نصف المهر المسمى في العقد او المفروض بعده، بلاخلاف فيه بل الاجماع بقسميه عليه، مضافاً الى الكتاب و السنة.....».

اجماع)، «طلاق قبل از دخول» است و نه چیز دیگر. بنابراین، در بحث مورد نظر، یعنی «تغییر جنسیت قبل از دخول»، باید گفت: به مقتضای عقد نکاح، پرداخت تمام مهریه به عهدهٔ زوج است. (۱) خلاصه این که حقیقت مهریه، همان طور که در بررسی احتمال اول بیان شد، یک حکم شرعی مترتب بر ازدواج است و زوجه مالک کل مهریه است و می تواند هر گونه تصرفی در آن بنماید و مقتضای قاعدهٔ استصحاب این است که مهریه حتی بعد از بطلان عقد، به سبب تغییر جنسیت به ملکیت زن باقی باشد. (۲) پاسخ: براساس روایات مستفیض، واجب بودن تمام مهریه به سبب دخول است و هرگاه دخول صورت نگیرد، تمام مهریه ثابت نیست. پس اگر تغییر جنسیت قبل از دخول باشد تمام مهریه ثابت نیست.

۱. در صحیحہ عبدالله بن سنان، از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که گفت:

در حالی که من حضور داشتم، پدرم از آن حضرت دربارهٔ مردی پرسید که با زنی ازدواج کرده و این زن هم، بر او وارد شده است، لکن این مرد با او نزدیکی نکرده و به وی دست نیافته، تا این که او را طلاق داده است. آیا این زن باید عده نگه دارد؟ امام (علیه السلام) فرمود: عده از آثار آب [مرد] است. به او گفته شد: اگر مرد در مهبل زن نزدیکی کرده باشد و آب او انزال نشده باشد [چه حکمی دارد]؟

امام (علیه السلام) فرمود: هرگاه با او نزدیکی کند، غسل و مهر و عده واجب می شوند. (۳)

با وجود آن که مورد پرسش، عده و عامل آن است، امام (علیه السلام) دامنهٔ پاسخ را گسترش

ص: ۲۹۸

۱- (۱) مستند تحریر الوسیله، ص ۱۹۵.

۲- (۲) ر. ک: محمد مهدی کریمی نیا، بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، مجلهٔ معرفت، ش ۳۶ (۱۳۷۹)، ص ۷۹-۸۰.

۳- (۳) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۵-۶۶، باب ۵۴ از ابواب المهور، حدیث ۱: «فی صحیحہ عبدالله بن سنان عن ابي عبد الله (عليه السلام) قال: سأله ابي و أنا حاضر عن رجل تزوج امرأة، فأدخلت عليه، و لم يمسيها و لم يصل إليها حتى طلقها هل عليها عده منه؟ فقال: إنما العده من الماء، قيل له: فإن كان واقعها في الفرج و لم ينزل؟ فقال: إذا أدخله و جب الغسل و المهر و العده».

می دهد و بیان می کند که موضوع وجوب هر کدام از مهر و غسل و عده یک چیز است و آن نزدیکی و آمیزش است.

۲. صحیحہ حفص بن البخر عن الصادق (علیه السلام): إذا التقى الختانان وجب المهر والعده والغسل؛ (۱) هر گاه به اندازه ختنه گاه داخل شود، مهر و عده و غسل واجب می شود.

۳. صحیحہ داود بن سرحان عن الصادق (علیه السلام): إذا أولجه فقد وجب الغسل والجلد والرجم ووجب المهر؛ (۲) هر گاه دخول صورت گیرد غسل، تازیانه، سنگسار کردن و نیز مهر واجب می شوند.

امام (علیه السلام) آشکارا بیان فرموده است: آن چه سبب واجب شدن تمام مهریه می شود عبارت است از: نزدیکی، و هر گاه دخول صورت نگیرد، تمام مهر واجب نخواهد بود. بر این اساس، وقتی بر اثر تغییر جنسیت یکی از زن و شوهر، پیش از نزدیکی میان آن دو جدایی افتد، تمام مهر بر شوهر واجب نمی شود. (۳) بنابراین، صرف «عقد نکاح» در «ثبوت تمام مهریه» کفایت نمی کند و زوجه چنان چه قبل از مباشرت از زوج جدا شود، خواه طلاق یا به دلیل تغییر جنسیت، حق ندارد بیش از نصف مهریه را دریافت کند. (۴) پس روایات یاد شده به «خصوص مورد طلاق» انصراف ندارد و روایات در مقام بیان موضوع حکم مهر هستند، همان گونه که موضوع حکم عده و غسل و سنگسار را بیان می کنند. (۵) از این رو، در بحث مهریه بهتر است قائل به تفصیل شویم؛ بدین ترتیب که اگر

ص: ۲۹۹

۱- (۱) همان، حدیث ۲.

۲- (۲) همان، حدیث ۵.

۳- (۳) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۳.

۴- (۴) ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۷۷.

۵- (۵) ر. ک: محمد مؤمن، پیشین.

تغییر جنسیت پس از نزدیکی باشد، تمام مهر واجب است و اگر پیش از نزدیکی باشد، نصف آن واجب است؛ البته به مقتضای احتیاط بهتر است میان دو طرف مصالحه صورت گیرد.

دلیل دوم: مهریه یعنی اعتبار امری افزون بر زوجیت

دلیل دوم که می توان برای احتمال دوم؛ یعنی وجوب مهریه به صورت مطلق، بیان کرد آن است که مهریه اعتبار کردن چیزی است برای زوجه افزون بر زوجیت. بنابراین، مهر از قبیل شرط ضمن عقد است و هرگاه عقد با این شرط بسته شود و شارع مقدس و نیز عقلا آن را امضا کنند، اقتضای آن این است که زوجه، مالک مهر می شود و قاعده استصحاب ایجاب می کند که این مالکیت، حتی پس از باطل شدن عقد، به سبب تغییر جنسیت و بدون وجود تفاوت میان تمام مهریه و بعض مهریه آن باقی بماند. (۱) پاسخ:

پاسخ مطلب فوق از مطالب پیشین روشن می شود و آن این که، براساس روایات مستفیض و بلکه متواتر و نیز شهرت میان فقیهان اسلامی، پرداخت تمام مهریه، در صورت دخول است. از این رو، اگر به دلیل طلاق یا تغییر جنسیت یکی از زوجین، میان آن دو جدایی افتد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهده زوج خواهد بود.

دلیل سوم: نمای حاصل بین عقد و طلاق برای زن

در برخی روایات اسلامی آمده است که نمای حاصل بین عقد و طلاق برای زن است، مانند موثقه عبید بن زراره که می گوید:

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: مردی با زنی ازدواج کرد و مهر او را صد گوسفند قرار داد و سپس گوسفندان را به سوی او فرستاد و قبل از نزدیکی او را طلاق داد، در حالی که گوسفندان زاد و ولد کرده بودند. این بچه ها گوسفندها برای چه کسی است؟ امام (علیه السلام) فرمود: اگر گوسفندان، نزد مرد، حامله بوده اند باید نصف گوسفندان و نصف بچه های آن ها برگردانده شوند و اگر آن

ص: ۳۰۰

زمان حامله نبوده اند، نصف گوسفندان برگردانده می شوند؛ اما هیچ کدام از بچه ها برگردانده نمی شوند. (۱)

در حدیث فوق، ظاهر لفظ «رجوع» مالکیت زن به مجرد عقد است و وقتی به مجرد عقد، مالک مهر شد، هرگاه بعد از تغییر جنسیت شک کنیم آیا ملکیت او بر مهر باقی مانده یا خیر، مقتضای استصحاب بقای مهر در ملکیت اوست بدون تفصیل بین آمیزش قبل از تغییر جنسیت یا عدم آن. (۲) توضیح آن که اگر تغییر جنسیت بعد از آمیزش باشد مطلب فوق بحثی ندارد؛ زیرا با عقد، مهریه ملک زن می شود و با آمیزش، تمام آن در ملک زن استقرار پیدا می کند و هیچ سببی برای انتفای آن وجود ندارد، بلکه اگر آمیزش هم نکرده باشد، مطلب از این قرار است؛ زیرا گفتیم که مهر به مقتضای عقد است و بعد از تغییر جنسیت به مقتضای استصحاب نیز هم چنان در ملک زن باقی است و هیچ دلیلی برای الحاق تغییر جنسیت به طلاق در تفصیل دادن بین آمیزش و تمام مهر و عدم آن و نصف مهر، وجود ندارد؛ زیرا ادله، مخصوص طلاق است و شامل فرض تغییر جنسیت نمی شود. (۳) پاسخ:

مقتضای این که در روایات وجوب جمیع مهر منوط به نزدیکی شده این است که اگر تغییر جنسیت قبل از نزدیکی باشد، جمیع مهر واجب نیست. (۴)

گفتار سوم: وجوب پرداخت کل مهر در صورت نزدیکی و تنصیف در غیر نزدیکی

احتمال سوم در مورد مهریه آن است که گفته شود: هرگاه تغییر جنسیت یکی از

ص: ۳۰۱

۱- (۱) کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۰۶، حدیث ۴. «قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): رجل تزوج امرأة على مأه شاه، ثم ساق إليها الغنم، ثم طلقها قبل أن يدخل بها وقد ولدت الغنم، قال (عليه السلام): إن كانت الغنم حملت عنده رجع بنصفها و نصف أولادها، و إن لم يكن الحمل عنده رجع بنصفها و لم يرجع من الأولاد بشيء».

۲- (۲) سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البيت (عليه السلام)، عربی، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۴۹.

۳- (۳) همان، ص ۲۴۹.

۴- (۴) همان، ص ۲۴۹.

زوجین، پس از مباشرت صورت گیرد، پرداخت تمام مهریه به عهدهٔ زوج سابق است و هرگاه تغییر قبل مباشرت صورت گیرد، تنها پرداخت نصف مهریه بر عهدهٔ زوج است و چنان چه زوجه، بیش از نصف را دریافت کرده است، لازم است مازاد را به زوج سابق بازگرداند.

در ادامه به کلام چند تن از فقیهان شیعه در این باره اشاره می شود:

آیت الله محمد مؤمن می گوید:

اظهر آن است که تفصیل داده شود بین آن جایی که تغییر جنسیت بعد از دخول است، پس پرداخت تمام مهر واجب است و آن جایی که تغییر قبل از دخول است پس نصف مهریه واجب است و احتیاط آن است که مصالحه کنند. (۱) آیت الله محمد ابراهیم جناتی می گوید:

اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و مرد شود، ازدواج او از هنگامی که تغییر جنسیت برای او حاصل شد، باطل می شود و مرد باید نصف مهر را - در صورتی که با او آمیزش نکرده باشد - یا تمام مهر را - در صورتی که با او آمیزش کرده باشد - به وی بپردازد. هم چنین است حکم مردی که پس از ازدواج با زنی تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگامی که تغییر پدید آمد، باطل می شود و در صورت آمیزش تمام مهر و در غیر این صورت، نصف مهر را باید به او بدهد. (۲) دلیل احتمال سوم

با توجه به توضیح دلیل احتمال دوم و نیز پاسخ آن، احتمال سوم تقویت می شود. خلاصهٔ مطلب آن است که بر اساس روایات متواتر و نیز شهرت فتوایی، پرداخت تمام مهریه به سبب دخول است. پس هرگاه زوجین قبل از دخول، به دلیل طلاق یا تغییر جنسیت از یکدیگر جدا شوند، تنها پرداخت نصف مهریه واجب

ص: ۳۰۲

-
- ۱- (۱) آیت الله محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۴: «فالأظهر هو التفصیل بین أن یکون التغير بعد الدخول فیجب جمیع المهر و أن یکون قبله فنصفه، و طریق الاحتیاط التصالح، و الله العالم».
 - ۲- (۲) آیت الله محمد ابراهیم جناتی، رسالهٔ توضیح المسائل (استفتاءات)، ج ۲، ص ۲۵۵.

خواهد بود و هرگاه عمل جراحی تغییر جنسیت پس از دخول باشد، پرداخت تمام مهریه واجب خواهد بود.

قانون مدنی ایران به تبعیت از مشهور فقه، پرداخت کل مهریه را منوط به دخول می داند. در ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی چنین آمده است:

هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد، زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

مفهوم مخالف ماده فوق این است که هرگاه شوهر پس از نزدیکی، زن خود را طلاق دهد موظف است کل مهر او را پرداخت نماید.

گفتار چهارم: سقوط مهریه در صورت عدم کسب اجازه زوجه از زوج

اشاره

براساس این احتمال، اگر تغییر جنسیت از سوی زوجه و بدون رضایت زوج صورت پذیرد، چیزی بر عهده زوج نیست، ولی اگر زوج تغییر جنسیت دهد، بایستی مهریه زوجه را پرداخت کند. البته اگر تغییر زوج، پس از مباشرت باشد، تنها نصف مهریه بر عهده وی خواهد بود.

آیت الله یوسف صانعی که از دیدگاه فوق پیروی می کند، در این باره می گوید:

تغییر جنسیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضرر و اذیت دیگری می شود، حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسیت، ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود و زوج بدهکار مهر، هر چند بعد از دخول، نمی باشد و این خود زوجه است که سبب استفاده مهر را که همان استفاده عقد است، از بین برده و مورد مانند جایی است که زوجه ای سبب حرمت خود بر شوهرش به وسیله رضاع گردد؛ و به هر حال، بطلان هر عقدی مستلزم برگشت به حال سابق و قبل العقد می باشد و این گونه موارد غیر از باب طلاق و جدا شدن زن و مرد از حین طلاق است. (۱)

ص: ۳۰۳

۱- (۱) یوسف صانعی، مجمع المسائل، استفتاءات، ج ۱، ص ۴۶۵؛ همو، استفتاءات پزشکی، ج چهارم، ص ۱۰۵-۱۰۶.

دلیل اول: تغییر جنسیت زوجه موجب ضرر مالی بر زوج است:

دلیل کلام فوق را این گونه می توان توضیح داد که شوهر، بدین منظور اقدام به ازدواج و دادن مهر کرده که همسری داشته باشد که با او زندگی کند. بنابراین، کسی که همسر او را از دستش خارج کرده و او را تنها گذاشته، نوعی ضرر مالی بر وی وارد کرده است که موجب ضمان می شود؛ از این رو، همسری که اقدام به تغییر جنسیت خود کرده، ضامن مهر است و اگر مهر را پیش از این دریافت کرده، باید آن را رد کند و اگر هنوز آن را نگرفته، نباید بگیرد. (۱) پاسخ: هرگاه عقد ازدواج به طور صحیح و با تمام خصوصیاتش انجام شود، ایجاب می کند که زن به صرف اجرای عقد ازدواج، تمام مهر را مالک شود و مهر، پس از جاری شدن عقد، بر عهده شوهر واجب می گردد، در حالی که فرض این است که فرد اقدام کننده بر تغییر جنسیت (زن) مالی را تلف نکرده است. بنابراین، ضمانت زوجه، بلا وجه است. (۲)

به عبارت دیگر، هر چند زوجه با تغییر جنسیت خویش، موجب از بین رفتن «زوجیت» شده است، ولی «زوجیت» مال نیست و بنابراین، با از بین رفتن آن، ضمانت به عهده زوجه نمی آید. در هر حال، پرداخت مهریه واجب است، چه تغییر جنسیت زوجه با رضایت زوج صورت گرفته باشد و یا بدون رضایت آن به وسیله تغییر جنسیت، موضوع عقد دچار اختلال شده است و نه خود عقد و مقتضای عقد، مالکیت زن نسبت به همه مهر است. (۳) براساس ماده ۱۰۸۲ (۴) قانون مدنی ایران، مقتضای عقد ازدواج این است که زن به مجرد عقد، مالک جمیع مهریه می گردد و فرض هم این است که زن با اقدام به

ص: ۳۰۴

۱- (۱) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۴.

۲- (۲) ر. ک: همان.

۳- (۳) ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، عربی، ش ۲۳ (۱۳۷۹)، ص ۲۵۳.

۴- (۴) ماده ۱۰۸۲: «به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

تغییر جنسیت، حقیقتاً مالی را از شوهر تلف نموده است؛ مثلاً ملکی را تصرف نکرده، یا باغی را ویران نساخته، بلکه صرفاً در بدن خود تغییری به وجود آورده است، کما این که اگر زن از دنیا می رفت، یا حتی اگر خودکشی می کرد، مهریه ساقط نمی شد.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در بحث تغییر جنسیت و مسأله مهریه، در مجموع چهار احتمال یا نظریه بیان شد. با دقت در دلایل و اشکالات وارد بر هر نظریه، به نظر می رسد که نظریه اول، یعنی «عدم وجوب پرداخت مهریه» واضح البطلان است و نظریه چهارم نیز از قوت کافی برخوردار نیست. از میان دو نظریه دوم و سوم، به نظر می رسد که نظریه سوم (پرداخت کل مهریه در صورت دخول و پرداخت نصف در صورت عدم دخول) متقن تر و موافق نظر مشهور فقیهان اسلامی و روایات کثیره است. با این وجود، نظریه دوم (لزوم پرداخت کل مهریه مطلقاً) خالی از قوت نیست و البته همان طور که برخی فقیهان شیعه بیان کرده اند، احتیاط آن است که زوجین در مسأله مهریه پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، با یکدیگر مصالح کنند.

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله مهریه در عقد موقت

اشاره

یکی از تمایزهای اصلی نکاح موقت با نکاح دائم این است که مهر در نکاح دائم، رکن اصلی نیست، ولی در نکاح موقت، رکن اصلی محسوب است و از این رو، چنان چه در عقد موقت، مهر ذکر نشود نکاح باطل است. مبانی فقهی این وجه تمایز، آن است که نکاح موقت، به موجب روایات و نصوص واصله، هر چند از مصادیق اجاره نیست و از جهاتی با اجاره متفاوت است، ولی مشابهت زیادی با اجاره دارد و از این رو، مهریه در آن به منزله عوض در اجاره است و بنابراین، شرط صحت است. از جمله آن که امام (علیه السلام) می فرماید: **إِنَّهِنَّ مُسْتَأْجَرَاتٌ (۱)**، یعنی زنانی که

ص: ۳۰۵

۱- (۱) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۴ از ابواب متعه، حدیث ۲.

به نکاح موقت در می آیند (گویی) اجیر شده اند و به این مضمون روایات متعددی وارد شده است. (۱) در هر حال، هرگاه ازدواج موقت بین مرد و زنی منعقد شود و یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، وضعیت مهریه چگونه خواهد بود. این مسأله را در دو گفتار زیر بررسی می کنیم:

گفتار اول: تغییر جنسیت زوج در عقد موقت و مسأله مهریه

برای مثال، ازدواج موقت میان مرد و زنی برای مدت شش ماه و به مهریه شش عدد سکه منعقد شده است. آن گاه مرد پس از اتمام ماه سوم، تغییر جنسیت می دهد. طبیعی است که ازدواج موقت باطل می شود؛ چون موضوع ازدواج که «مرد و زن» بوده، به «دو زن» تبدیل شده است. هم چنین مرد سابق موظف است تمام مهریه را به زوجه سابق خویش پرداخت کند؛ چه این که وی خودش موجب بطلان ازدواج گشته است و موضوع ازدواج با تغییر جنسیت او از بین رفته است و زوجه در از بین بردن موضوع ازدواج، نقشی نداشته است. تغییر جنسیت زوج، مانند انصراف زوج از ادامه ازدواج موقت و یا بذل مدت می باشد. هرگاه زوج در عقد موقت، بقیه مدت را بذل کند و به ازدواج موقت خاتمه دهد، موظف است مهریه بقیه ایام را نیز به زوجه پرداخت کند. و هرگاه قبل از دخول، مدت را ببخشد و از ازدواج موقت منصرف گردد، باید نصف مهریه را پرداخت کند. (۲)

گفتار دوم: تغییر جنسیت زوجه در عقد موقت و مسأله مهریه

اشاره

هرگاه زوجه بدون کسب اجازه و توافق با زوج، تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری در مهریه دارد؟ می توان گفت: ظاهراً ازدواج موقت به مقتضای روایات اسلامی از «معاوضات» است. به چند روایت در این باره اشاره می شود:

ص: ۳۰۶

۱- (۱) آیت الله محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۶۲.

۲- (۲) همان، ج ۳۰، ص ۱۶۶؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الحدائق الناضره، ج ۵، ص ۱۵۵ به بعد.

الف - روایت عبید بن زرارہ از پدرش:

به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: آیا ازدواج موقت تا چهار زن جایز است؟ فرمود:

تزوج منهنّ الفاً فإنّهنّ مستأجرات؛^(۱)

با هزار زن ازدواج کن؛ زیرا چنین زنانی، مستأجر شما هستند.

ب - روایت محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام)، در مورد ازدواج موقت:

لیست من الأربع؛ لأنّها لا تطلق ولا ترث (ولا تورث)، و إنّما هی مستأجرة؛^(۲)

ازدواج موقت منحصر به چهار زن نیست؛ زیرا آن‌ها طلاق داده نمی‌شوند و ارث نمی‌برند (و از آن‌ها نیز ارث نمی‌برند). همانا چنین زنانی مستأجر هستند.

در هر حال، عقد موقت - چه به صورت تنزیلی یا حقیقی - از مصادیق اجاره محسوب می‌شود و مهریه از ارکان مهم عقد موقت است، به گونه‌ای که اگر مهریه وجود نداشته باشد، یا مهریه باطل باشد (مثل شراب و خوک) یا مهریه ملک غیر باشد، عقد موقت باطل خواهد بود، در حالی که در عقد دائم، اگر مهریه ذکر نشود یا عقد دائم مشروط به عدم مهریه منعقد شود، عقد دائم صحیح است، اگر چه شرط آن باطل است.

شاهد دیگر در اهمیت مهریه در عقد موقت آن است که فقیهان شیعه معتقدند چنان چه در عقد موقت، زوجه در بخشی از مدت، تخلف ورزد و از تمکین خودداری نماید، به همان نسبت از مقدار مهریه کاسته می‌شود.^(۳) نیز بسیاری از فقیهان شیعه در ازدواج موقت، مرگ زن در اثناء مدت عقد قبل از وقوع نزدیکی را موجب تنصیف مهر دانسته‌اند و مرگ زوجه پس از نزدیکی را موجب سقوط میزانی از مهر به نسبت کل مدت عقد می‌دانند.^(۴) از نظر حقوق دانان نیز هرگاه زوجه در عقد موقت بعد از نزدیکی تمکین نکند، زوج

ص: ۳۰۷

۱- (۱) جامع الاحادیث، ج ۲۱، ص ۲۴.

۲- (۲) همان، ص ۲۳.

۳- (۳) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۱۶۸؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴- (۴) همان، ج ۳۰، ص ۱۶۹.

می تواند به نسبت مدت باقی مانده از مهر او کم کند.^(۱)

بنابراین، در ازدواج موقت به مدت تخلف از مهر برگردانده می شود؛ از این رو، اگر زن تغییر جنسیت دهد، بر او واجب است که به مقدار زمان تخلف، مهر را برگرداند. البته اگر زوجه با اجازهٔ زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت داده باشد، ضامن نیست؛ زیرا در این صورت، خود شوهر بر آن اقدام کرده است و شاید اجازه دادن او به ابراء و بخشیدن مدت برگردد.^(۲)

جمع بندی و بیان نظریهٔ مختار

مهریه در عقد موقت بر خلاف عقد دائم، از ارکان مهم عقد می باشد و عقد موقت از «معاوضات» و یا شبیه «اجاره» می باشد که براساس آن، «مهریه» در مقابل «بُضع زن» یا تمکین زوجه است. هرگاه به این رکن مهم، یعنی مهریه خلل وارد شود (مثلاً مهریه ذکر نشود)، عقد موقت باطل است و اگر زوجه در بخشی از مدت عقد موقت، تمکین نکند، به همان میزان از مهریه کاسته می شود، ولی اگر زوج در عقد موقت، بقیهٔ مدت را بذل کند، باید تمام مهریه را پرداخت کند. براین اساس، اگر زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند؛ گویا که مدت را بذل کرده و از ادامهٔ زندگی منصرف شده است و اگر زوجه در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، به مقدار زمان تخلف، از میزان مهریه کاسته می شود.

ص: ۳۰۸

۱- (۱) سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۳۲۰.

۲- (۲) ر. ک: سید محسن خرازی، همان، فقه اهل البیت (علیه السلام)، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۵.

طرح بحث

عده در اصطلاح فقهی عبارت است از: مدتی که زن آزاد پس از جدایی از شوهر یا کسی که اشتباهاً با او نزدیکی کرده در حالت انتظار است؛ حال فرقی نمی کند علت جدایی طلاق باشد، یا فسخ نکاح یا موت یا بذل مدت و یا انقضای آن. و علت نگه داشتن عده برای زنی که رابطه زوجیت او منحل شده، جلوگیری از اختلاط نسب است. (۱) از تعریف عده معلوم می گردد که نزدیکی ناشی از زنا، عده ندارد، هر چند حامله باشد، ولی وطی به شبهه عده دارد، خواه شوهر داشته باشد یا خیر، و خواه شبهه، طرفینی باشد یا از طرف واطی. (۲) قانون مدنی ایران در تعریف عده چنین می گوید:

عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده

ص: ۳۰۹

۱- (۱) ر. ک: سید مصطفی محقق داماد، حقوق خانواده، ص ۴۴۷.

۲- (۲) ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۲، ص ۲۶۴؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۴۴.

است، نمی تواند شوهر دیگر اختیار کند. (۱)

یکی از پرسش های مطرح در بحث تغییر جنسیت یکی از زوجین، مسأله لزوم یا عدم لزوم عده پس از تغییر جنسیت یکی از آن دو است. آیا پس از تغییر جنسیت و بطلان نکاح سابق، عده (مانند: عده طلاق یا عده فسخ) لازم است یا خیر؟

این مسأله را در سه مبحث زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت زوجه و مسأله عده

هرگاه زوجه به هر دلیلی تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، چنان چه این فرد قصد ازدواج فوری داشته باشد، می تواند ازدواج کند، یا این که باید عده طلاق یا فسخ نکاح نگه دارد؟

البته عده طلاق یا عده فسخ در صورتی است که بین زوجین قبل از تغییر جنسیت آمیزش صورت گرفته باشد، ولی اگر قبل از تغییر، مباشرتی نبوده، لزوم عده منتفی می گردد.

توضیح بیش تر آن که، اگر زوجین به دلیل طلاق یا فسخ نکاح یا انفساخ از یکدیگر جدا شوند، از دو حالت خارج نیست: یا این که قبلاً میان آن دو آمیزش وجود داشته یا نه. در صورت اول، زوجه لازم است پس از جدایی به مدت سه طهر یا سه ماه، از ازدواج مجدد خودداری کند و پس از اتمام مدت عده، مجاز به ازدواج مجدد است، اما چنان چه قبل از جدایی میان آن دو مباشرتی نبوده و آن گاه به دلیل طلاق یا فسخ از یکدیگر جدا شوند، زن می تواند بلافاصله با مرد دیگری ازدواج مجدد نماید و سپری کردن دوران عده، لزومی ندارد. البته «عده وفات» در هر حال لازم است، چه میان آن دو مباشرتی صورت گرفته باشد یا نه.

با این توضیح، این پرسش مطرح است چنان چه میان زوجین که قبلاً آمیزش صورت

گرفته و زوجه تغییر جنسیت داده، آیا نگه داشتن عده (مانند: عده طلاق یا عده فسخ)

ص: ۳۱۰

لازم است یا وی پس از تغییر جنسیت می تواند با جنس مخالف ازدواج کند؟

در پاسخ می گوییم: نگه داشتن عده لازم نیست و زن پس از تغییر جنسیت می تواند بلافاصله با جنس مخالف ازدواج کند.

برای اثبات ادعای فوق باید گفت: عده و احکام دیگر مانند حیض و نفاس از احکام ویژه زنان است و وجوب این عناوین از نظر حدود و بقا دایره مدار وجود «زن» است. پس وقتی «زن» به دلیل تغییر جنسیت از «زن بودن» خارج گردد و تبدیل به مرد شود، لامحاله عده نیز ساقط می گردد. (۱) به عبارت دیگر، حکم عده، بدون تردید از احکامی است که به زنان اختصاص دارد و احتمال ثبوت آن بر مردان وجود ندارد. بنابراین، به صرف این که زن به مرد تغییر جنسیت پیدا کرد، از تحت موضوع حکم خارجی می شود و وجوب نگه داشتن عده از عهده وی ساقط می گردد، (۲) و معنا ندارد با از بین رفتن موضوع، حکم باقی باشد؛ چنان چه سایر احکام نیز با منتفی شدن موضوعشان باقی نمی مانند، مانند: حرمت نگاه کردن به او و وجوب پوشش بر او. (۳) آیت الله سید محمد صدر می گوید:

تردیدی نیست که زوجه پس از تغییر جنسیت، مشمول «احکام مردان» می گردد و «احکام زنان» از وی برداشته می شود. (۴)

مبحث دوم: تغییر جنسیت زوج (شوهر) و مسأله عده

اگر شوهر، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، طبیعی است که ازدواج سابق وی

منحل می گردد، ولی وی به عنوان «زن»، آیا موظف به نگه داشتن عده است یا نه؟

ص: ۳۱۱

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۰: «لأنَّ العده و الحيض و النفاس و غيرها من احکام النساء، فوجوبها حدوداً و بقاءً دائره مدار کونها امرأه، فمع زوال المرأه عن کونها مرأه يسقط حکم العده لا محاله».

۲- (۲) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سديده في مسائل جديده، ص ۱۱۵.

۳- (۳) ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، فقه اهل البيت عليهم السلام، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۴.

۴- (۴) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۴: «لا شك أنَّها بعد التحول تصیح مشموله لاحکام الرجال و تنتفی عنها أحکام المرأه».

این مسأله، یعنی تبدیل مرد به زن، تنها مورد توجه یک تن از فقیهان شیعه قرار گرفته است.

آیت الله سید محمد صدر معتقد است نگه داشتن عده لازم نیست. وی می گوید:

هرگاه مرد (شوهر) به زن تبدیل شود، ازدواجش باطل می شود و نگه داشتن عده بر وی واجب نیست. (۱) دلیل مطلب آن است که هر گاه میان زوجین مباشرت صورت گرفته باشد، نگه داشتن عده واجب می گردد، و فرض این است که شوهر به زن تبدیل گشته و وی (زن) پس از تغییر جنسیت، هنوز مباشرتی نداشته تا عده بر وی واجب باشد. از این رو، وی می تواند فوراً با جنس مخالف ازدواج کند. آیت الله سید محمد صدر در این باره چنین می گوید:

هنگامی که پس از تغییر جنسیت شوهر (تبدیل وی به زن) ازدواج منتفی گشت، عده بر وی واجب نیست؛ چون به طور قطع، وی «زوجه مدخول بها» نبوده است. پس وی این حق را دارد فوراً (و بدون نگه داشتن عده) با هر مردی که می خواهد ازدواج کند. (۲) پرسش دیگر آن است که هرگاه انحلال نکاح در اثر تغییر جنسیت زوج باشد، عده بر زن (زوجه) لازم است یا خیر؟ بی شک پاسخ مثبت است. چون فرض این است که زوجه قبلاً با زوج مباشرت داشته است و اکنون به دلیل تغییر جنسیت شوهرش، از وی جدا شده است. طبیعی است وی برای ازدواج مجدد باید عده نگاه دارد.

مبحث سوم: تغییر جنسیت زوجه در زمان عده

هرگاه زن در دوران عده باشد، مانند: عده طلاق یا عده فسخ یا عده وفات، و در این

هنگام تغییر جنسیت دهد، آیا لازم است ازدواج مجدد وی، پس اتمام عده باشد، یا وی

ص: ۳۱۲

۱- (۱) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسأله ۳۷۰۶: «إذا تحول الرجل إلى امرأة و كان زوجها... بطل نكاحه..... و لم تجب عليه العده».

۲- (۲) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸: «و إذا انتفى النكاح مع زوجته بعد التحول فلا يجب عليها العده لأنها ليست زوجه مدخولاً بها جزماً، بل لها أن تتزوج من تشاء من الرجال فوراً إن إرادت».

می تواند فوراً ازدواج کند؟ امام خمینی (ره) در این باره چنین می گوید:

لو تغير جنس المرأة في زمان عدتها سقطت العدة حتى عده الوفاة؛^(۱)

اگر زنی در زمان عده تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود حتی عده وفات.

این که عده در این هنگام ساقط است، به دلیل تبدل و تغییر موضوع است؛ چه این که زن به دلیل تغییر جنسیت، از زن بودن خارج شده و بنابراین، احکام خاص زنان از وی منتفی می گردد و احکام مردان بر وی جاری است و معنا ندارد وی در این حالت، موظف به تکمیل دوران عده باشد. ولی پرسش این است که چرا امام خمینی فرمود: «حتی عده الوفاة»؛ یعنی حتی عده وفات نیز مانند بقیه عده ها ساقط است؟ به عبارت دیگر، تأکید این امر و آوردن واژه «حتی» به چه منظور بوده است؟

پاسخ: رمز نهفته در عده وفات این است که عده وفات دارای ویژگی خاص است. هدف از عده وفات، براساس روایات اسلامی، «حَدَاد» یا «ترک زینت به منظور احترام میت» است. به همین دلیل، زمان آغاز عده وفات، همان زمان رسیدن خبر مرگ شوهر به زن است؛ چنان که در صحیحۀ محمد بن مسلم و بُرید بن معاویه و زُراره از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که حضرت در مورد زنی که شوهر غایبش بمیرد، فرمود:

المتوفى عنها تعتد من يوم يأتيها الخبر؛ لأنها تحدّ عليه؛^(۲) زنی که شوهرش فوت کرده از روزی که خبر مرگ شوهر به او می رسد باید عده نگه دارد؛ زیرا زن باید برای احترام شوهرش ترک زینت نماید.

هرگاه تغییر جنسیت زن، در زمان عده وفات صورت پذیرد، ممکن است این احتمال داده شود که وی فقط پس از اتمام دوران عده، می تواند با جنس مخالف ازدواج کند، ولی امام خمینی در پاسخ این احتمال می فرماید: حتی عده وفات نیز ساقط

است. بنابراین، وی می تواند پس از تغییر جنسیت بلافاصله ازدواج کند. دلیل آن واضح

ص: ۳۱۳

۱- (۱) امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- (۲) شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۴۶، باب ۲۸ از ابواب عده، حدیث ۳.

است؛ زیرا عده بر زنان واجب است و در صورتی که زن تغییر جنسیت بدهد از موضوع حکم خارج می شود و معنا ندارد با از بین رفتن موضوع، حکم باقی باشد.

مبحث چهارم: بررسی و تحلیل چند فتاوی فقهی در بحث «تغییر جنسیت و عده»

اشاره

در پرسش و پاسخ از آیت الله سید علی خامنه ای چنین آمده است:

آیا.... مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند، که همگی آن ها حامله شدنشان محال است، در نگه داشتن عده آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می شوند؟

پاسخ: ملحق نیستند. (۱) دلیل حکم فوق شاید این باشد که اساساً موضوع عوض شده و اگر تغییر جنسیت واقعی باشد، زن پس از تغییر جنسیت به گروه مردان ملحق است. بنابراین، الحاق آنان به دختران قبل از بلوغ و زنان یائسه بی معنا است. هم چنین آیت الله سید علی سیستانی (۲) و آیت الله محمد فاضل لنکرانی (۳) معتقدند که مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند، از نظر حکم عده، به دختران قبل از بلوغ و زنان یائسه ملحق نیستند.

نیز آیت الله محمد فاضل لنکرانی در جای دیگر چنین تأکید می کنند:

اگر زن هنگامی که در عده است تغییر جنسیت دهد، باقی مانده عده اش ساقط می شود و دیگر لازم نیست بقیه عده را نگه دارد حتی اگر در عده وفات باشد. (۴)

در پرسش و پاسخ از آیت الله محمد ابراهیم جناتی چنین آمده است:

سؤال: زنی که در زمان عده، تغییر جنسیت داده و وظیفه اش چیست؟

جواب: اگر کسی در زمان عده، تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط است حتی

عده وفات. (۵)

ص: ۳۱۴

۱- (۱) ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۸۰.

۲- (۲) ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، نکاح، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۳- (۳) ر. ک: همان، ص ۵۰-۵۳؛ گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سوال ۵۷۵۱.

۴- (۴) ر. ک: غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی آیت الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۴۱.

٥- (٥) محمد ابراهيم جناتى، رساله توضيح المسائل (استفتاء آت)، ج ٢، ص ٢٥٦.

با ملاحظه فتوای فوق، معلوم می شود که پاسخ به نوعی عام و کلی است؛ چه این که سؤال در مورد «زنی» است که در زمان عده، تغییر جنسیت داده است، ولی پاسخ در مورد «کسی» است که در این حالت شامل مرد هم می شود. بنابراین، اگر زوج (شوهر) نیز تغییر جنسیت دهد و زن گردد، موظف به نگه داشتن عده نیست (رجوع به گفتار دوم).

آیت الله سید محسن خرازی در مورد تغییر جنسیت زن در زمان عده، چنین می گوید:

اگر جنس زن در زمان عده او تغییر کند، عده او ساقط است حتی اگر عده وفات باشد. (۱)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

با توجه به مطالب پیش گفته، این نتیجه به عنوان یک «قاعده کلی» به دست می آید که هرگاه پس از ازدواج، یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، عده مطلقاً ساقط است؛ چه مرد (شوهر) تغییر جنسیت دهد، یا زن (زوجه)، و یا این که تغییر جنسیت زوجه در زمان عده باشد. در سقوط عده هم فرقی نیست بین انواع عده ها: چه عده طلاق باشد، یا عده فسخ و یا حتی عده وفات. مهم ترین دلیل در این باره، تبدل و تغییر موضوع است و این که عده، مخصوص زنان است. پس هرگاه موضوع عوض شود، حکم نیز عوض می شود. از این رو، عده ساقط است.

توجه به این نکته ضروری است که اگر تغییر جنسیت زن به مرد به صورت واقعی نباشد و بلکه تنها تغییر جنسیت به صورت ظاهری و غیر واقعی باشد و بر اثر این عمل، رحم زن اخراج گردد، عده این قبیل افراد (زنان فاقد رحم) ساقط نیست و بر حسب فتوای اکثر فقهای معاصر، عده آنان سه ماه است و مطابق نظر برخی از فقها (آیت الله

محمد مؤمن) عده آنها ساقط است. آری، اگر تغییر جنسیت به طور واقعی باشد، عده ساقط است.

ص: ۳۱۵

بخش چهارم: روابط زوجین پس از تغییر جنسیت نسبت به اولاد

اشاره

ص: ۳۱۷

منظور از «عناوین نسبی» عناوینی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، و نیز پدر و مادر است. منظور ما از «نَسَب»، «نَسَب شرعی» است و نه «نَسَب لغوی». و مراد از نَسَب شرعی، نَسَبی است که از نکاح صحیح یا ملک یمین پدید آید. اگر غیر این باشد، مانند نَسَب حاصل از زنا، نَسَب شرعی نیست، بلکه نَسَب لغوی است. البته نَسَب ناشی از وطی به شبهه، شرعی است. اطراف نَسَب عبارت است از: پدر و مادر، برادر و خواهر، عمو و عمه، دایی و خاله.

در تعریف نَسَب گفته شده است: نَسَب عبارت است از ارتباط دو نفر از طریق ولادت یکی از دیگری (مثل رابطه والدین و فرزندان)، یا دو نفر از یک منشأ واحد (مانند رابطه برادر و خواهر).^(۱) هرگاه فردی تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری بر این عناوین دارد؟ پاسخ به این پرسش را در ضمن چند مبحث مورد بررسی قرار می دهیم.

ص: ۳۱۹

۱- (۱) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۳۸؛ ج ۳۹، ص ۷: «النسب: الاتصال بالولادة یا انتها، احدهما إلى الآخر، او إنتهائهما إلى ثالث...».

هرگاه برادر تغییر جنسیت دهد، خواهر می شود و هرگاه خواهر تغییر جنسیت دهد، برادر می شود. به طور کلی، در تغییر جنسیت برادر یا خواهر باید دو نکته زیر را مد نظر قرار داد:

نکته اول آن که منظور از «انتساب»، «قرابت نسبی» است. منظور از قرابت نسبی، تولد یکی از دیگری، مانند رابطه یا نسبت میان «پدر و فرزند» یا «مادر و فرزند»؛ و یا تولد دو نفر از یک منشأ واحد، مثل نسبت دو برادر یا دو خواهر یا یک برادر و یک خواهر نسبت به یکدیگر.

پس از تغییر جنسیت، قرابت نسبی از بین نمی رود. چنان چه «فرزند» تغییر جنسیت دهد، وی هم چنان فرزند همان پدر و مادر است. به عبارت دیگر، رابطه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت «مادر و فرزند» در قبل و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی کند.

نکته دوم آن که هر عنوان نسبی، به قرینه خودش تبدیل می شود، یعنی عنوان برادر به خواهر و عنوان خواهر به برادر تبدیل می شود. برای تعویض نسبت می توان دو دلیل یا مؤید زیر را بیان داشت:

دلیل اول: عنوان «برادر» برای فرد مذکر است و نیز عنوان «خواهر» برای فرد مؤنث است. (۱) طبیعی است وقتی مرد به زن یا برعکس تبدیل می شود، عناوین آن نیز تغییر می کند. گویا عناوین «برادر و خواهر» همانند «حکم» هستند که به تبع تغییر موضوعات (مرد و زن)، تغییر می کنند.

دلیل دوم: معیار در صدق عناوینی مانند: برادر و خواهر، حالت کنونی آنان است. (۲) معنا ندارد که مردی به زن تبدیل شود، در عین حال، حالت سابق آن نیز باقی باشد.

ص: ۳۲۰

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۲.

۲- (۲) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۶-۱۱۷.

گفتار اول: تأثیر تغییر جنسیت بر قرابت های سببی و رضاعی

آن چه در مورد قرابت نسبی بیان شد، در مورد قرابت سببی و قرابت رضاعی نیز جاری است. برای مثال، قرابت یک شخص با برادر همسر یا خواهر همسر از نوع قرابت سببی است. پس هرگاه برادر همسر، تغییر جنسیت دهد، به «خواهر زن» تبدیل می شود و هرگاه خواهر همسر تغییر جنسیت دهد، به «برادر زن» تبدیل می شود.

نیز در مورد «قرابت رضاعی» همین حکم جاری است. برای مثال، خواهر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «برادر رضاعی» تبدیل می شود و برادر رضاعی پس از تغییر جنسیت به «خواهر رضاعی» تبدیل می شود.

گفتار دوم: تغییر جنسیت دو برادر

هرگاه دو برادر تغییر جنسیت دهند اولاً، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی رود؛ ثانیاً، دو برادر به دو خواهر تبدیل می شوند، خواه تغییر جنسیت آن دو به صورت همزمان (مقارن) باشد، یا به صورت غیر همزمان (غیر مقارن)، ولی در هر حال، فرض این است که دو تغییر جنسیت به وسیله دو برادر صورت گرفته است، در حالی که در مورد قبل، تنها یک تغییر جنسیت توسط برادر یا خواهر صورت گرفته بود.

گفتار سوم: تغییر جنسیت دو خواهر

هرگاه دو خواهر تغییر جنسیت دهند، اولاً انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی رود؛ ثانیاً، دو خواهر به دو برادر تبدیل می شوند. در این فرض همانند مورد قبل، دو تغییر جنسیت صورت گرفته است و فرقی نیست در این که تغییر جنسیت آن دو، به صورت همزمان (مقارن) باشد، یا به صورت غیر همزمان (غیر مقارن).

مبحث دوم: تغییر جنسیت عمو و عمه

در بحث تغییر جنسیت، «عمو» و «عمه» که قرینه یکدیگر محسوب می شوند. پس از تغییر جنسیت عمو، اولاً، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی رود. منظور از قرابت نسبی در این جا، ملاحظه عمو و عمه نسبت به فرد ثالث است، و گر نه ملاحظه

آن دو نسبت به یکدیگر، همان رابطه «برادر و خواهر» است که قبلاً توضیح آن گذشت.

ثانیاً، عمو به عمه و عمو به عمه تبدیل می شود. در این فرض، فرقی نمی کند که تنها یکی از آن دو تغییر جنسیت دهند، یا این که هر دو به تغییر جنسیت آورند. در هر حال، هر عنوان به قرینه آن عنوان، تبدیل می شود.

مبحث سوم: تغییر جنسیت دایی و خاله

این مورد نیز مانند مورد قبل در مقایسه با فرد ثالث است، و گرنه ملاحظه آن دو (دایی و خاله) نسبت به یکدیگر، همان عنوان «برادر و خواهر» است. در هر حال، هرگاه دایی یا خاله تغییر جنسیت دهد، اولاً، انتساب (قرابت نسبی) میان آن دو از بین نمی رود. ثانیاً، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می شود. در این حکم فرقی نمی کند که یکی از آن دو تغییر جنسیت دهد، یا هر دو به تغییر جنسیت روی آورند.

مبحث چهارم: تغییر جنسیت پدر یا مادر

اشاره

در این فرض، آن دو (پدر و مادر) نسبت به فرد ثالث (فرزند) ملاحظه می شود؛ چه این که هرگاه آن دو را نسبت به یکدیگر مقایسه کنیم، تغییر جنسیت یکی از آن دو، باعث بطلان ازدواج می شود؛ زیرا پس از تغییر جنسیت، موضوع ازدواج عوض می شود و در وضعیت جدید موضوع عبارت است از: «دو مرد» یا «دو زن». طبیعی است ازدواج دو مرد یا دو زن باطل و حرام است.

پرسش اساسی این است که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، آیا عنوان «مادر» را پیدا می کند؟ و چنان چه مادر تغییر جنسیت دهد آیا عنوان «پدر» را پیدا می کند؟

آن چه در مورد تغییر نسبت یا واژگونی نسبت در مورد «برادر، خواهر»، «عمو و عمه» و «خاله و دایی» بیان شد، در مورد «پدر و مادر» جاری نمی شود. به عبارت دیگر، هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد به «مادر» تبدیل نمی شود و نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد به عنوان «پدر» شناخته نمی شود. بنابراین، عناوین خانوادگی در بحث تغییر جنسیت پدر یا مادر، استثنایی بر بقیه موارد عناوین خانوادگی (مانند: برادر، خواهر، عمو و....) است. بر این مطلب می توان چند دلیل زیر را بیان کرد:

«عناوین نسبی» علاوه بر این که دارای آثار شرعی و حقوقی هستند، از یک نظر، عرفی نیز هستند. پس باید ملاحظه نمود که آیا این عناوین عرفاً قابل صدق است یا نه؟ اگر پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، آیا عرفاً «مادر» محسوب می شود یا نه؟ نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، آیا مرد فعلی، عرفاً «پدر» محسوب می شود یا نه؟

پاسخ منفی است؛ زیرا هرگاه افراد جامعه با چنین فردی مواجه شوند خواهند گفت: این «پدری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن است (نه مادر)؛ یا خواهند گفت: این «مادری» است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر مرد است (نه پدر). برخی فقیهان شیعه به دلیل «عرف»، به عنوان دلیلی برای اثبات عناوین خانوادگی اشاره کرده اند. آیت الله محمد مؤمن در این باره می گوید:

بعید نیست که ادعا شود: پس از تغییر جنسیت مادر، باز هم وی مادر فرزندانگش گفته می شود و دلیل این مدعا عرف است. (۱) و این در حالی است که در تغییر جنسیت «خواهر و برادر»، «عمو و عمه»، «دایی و خاله» این صدق عرفی مشاهده می شود. یعنی اگر خواهر، تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، عنوان «برادر» بر وی قابل صدق و جریان است. نیز اگر عمو تغییر جنسیت دهد و زن گردد، عرفاً عنوان «عمه» بر وی قابل صدق است و نیز اگر دایی تغییر جنسیت دهد، عرفاً عنوان خاله بر وی قابل جریان است. آیت الله سید محسن خرازی نیز به مسأله «صدق عرفی» به عنوان دلیلی برای اثبات یا نفی عناوین خانوادگی تأکید می کند:

بعد از تغییر جنسیت هم این شخص [پدر تغییر جنسیت داده] همان است. و لذا عنوان پدر در حال حاضر نیز حقیقتاً بر او صدق می کند از باب مشتق بر کسی که به مصدر این مشتق الان متصف است؛ زیرا اگر فرزند این زن بگوید:

ص: ۳۲۳

«پدر من همین زن است جز این که وی پیش از این مرد بوده و اکنون زن شده»، سخن او درست است و هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند. (۱)

دلیل دوم: صدق عنوان پدر و مادر بر اساس زمان انعقاد نطفه

از نظر شرعی، پدر کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمده باشد. پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، باید حالت سابق، یعنی زمان انعقاد نطفه را ملاحظه کرد و نه حالت کنونی. از این رو، امام خمینی می فرماید:

والظاهر أنّ اختلافهما في الإرث بلحاظ حال انعقاد النطفة؛ (۲)

ظاهر آن است که اختلاف آن دو در ارث، به لحاظ حال انعقاد نطفه است.

البته کلام فوق در بحث ارث است، ولی بحث «عناوین نسبی» با بحث «ارث» دارای ارتباط می باشد. بنابراین، می توان گفت: اگر پدر تغییر جنسیت دهد، زن فعلی، مادر محسوب نمی شود؛ چه این که، شخص فعلی، وضع حمل نداشته است و نسبت «مادر و فرزند» وقتی صحیح است که فرزند در رحم وی پرورش یافته باشد و آن زن، بچه را به دنیا آورده باشد.

البته در غالب موارد، «وضع حمل» و «تولد فرزند از مادر» وجود دارد و در برخی موارد شاهد تولدهای آزمایشگاهی یا تولدهای خارج رحم هستیم. پس تعبیر دقیق تر در مورد نسبت «مادر و فرزند» آن است که گفته شود: مادر کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده است.

با این توضیح معلوم می شود که هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، زن فعلی، مادر محسوب نمی شود؛ چون فرزند از تخمک او به وجود نیامده است. آیت الله محمد مؤمن می گوید:

پدر کسی است که از نطفه او، فرزند به وجود آمده باشد و این عنوان، بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زاییده، صدق نمی کند،

ص: ۳۲۴

۱- (۱) سید محسن خرازی، تغییر الجنسیة، فقه اهل البيت عليهم السلام، عربی، ش ۲۳، ص ۲۵۸.

۲- (۲) امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.

بلکه بعید نیست که ادعا شود: پس از تغییر جنسیت مادر، باز هم وی مادر فرزنداناش گفته می شود و دلیل این مدعا عرف است.

به عبارت دیگر، در صدق عنوان «پدر و مادر»، نمی توان حالت کنونی (وضعیت پس از تغییر جنسیت) را مد نظر قرار داد، در حالی که در صدق عنوان «برادر، خواهر، عمو و...» وضعیت کنونی ملاحظه می شود. به عبارت دیگر، در صدق عنوان «پدر و مادر» حالت سابقه، یعنی زمان انعقاد نطفه ملاحظه می شود. پس «پدر» کسی است که در زمان انعقاد نطفه، فرزند از اسپرم او به وجود آمده است و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده است و این وضعیت با تغییر جنسیت، عوض نمی شود.

مبحث پنجم: تغییر جنسیت پدر بزرگ و مادر بزرگ و عناوین نسبی

اشاره

مطلبی که در مورد «پدر و مادر» بیان شد، در مورد «پدر بزرگ و مادر بزرگ» نیز جاری و صادق است. به عبارت دیگر، اگر پدر بزرگ تغییر جنسیت دهد، به «مادر بزرگ» تبدیل نمی شود، و نیز تغییر جنسیت مادر بزرگ، وی را به «پدر بزرگ» تبدیل نمی کند. دلیل این امر، همان است که در مورد «پدر و مادر» بیان شد. آیت الله محمد مؤمن می گوید:

منحصر بودن عنوان پدری و مادری به پدر و مادر در حالت تشکیل نطفه بچه، تنها در خصوص پدر و مادر است و پدر بزرگ و مادر بزرگ نیز چه از لحاظ موضوعی و چه از لحاظ حکمی همانند این دو هستند. (۱)

جمع بندی و بیان نظریه مختار

منظور از «عناوین نسبی» یا «عناوین خانوادگی»، عناوینی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدر و مادر است. در این که آیا تغییر جنسیت در تغییر هر یک از عناوین فوق تأثیر دارد یا نه، باید گفت: عناوین فوق به طور کلی به دو قسم تقسیم می شوند:

ص: ۳۲۵

۱. عناوینی که تغییر جنسیت، باعث تبدیل آن عنوان به قرینه آن عنوان می شود، مانند: «برادر، و خواهر»، «دایی، خاله» و «عمو و عمه». پس «برادر» با تغییر جنسیت «خواهر» می شود و «خواهر» با تغییر جنسیت «برادر» می شود. همین مطلب در مورد عناوین «دایی، خاله» و «عمو و عمه» نیز جاری است

۲. عناوینی که تغییر جنسیت باعث تبدیل آن عنوان به قرینه آن نمی شود و منظور از آن، دو عنوان «پدر و مادر» است.

آن چه در مورد تغییر جنسیت یا واژگونی نسبت در بقیه عناوین گفته شد در مورد «پدر و مادر» جاری نیست. یعنی «پدر» با تغییر جنسیت «مادر» نمی شود و «مادر» پس از تغییر جنسیت عنوان «پدر» را پیدا نمی کند و در حقیقت، این مورد استثنایی بر بقیه عناوین است.

ص: ۳۲۶

اشاره

در بخش قبل درباره «نفقه زوجه» سخن گفتیم. خلاصه آن این بود که هرگاه یکی از زوجین تغییر جنسیت دهد، ازدواج آن دو باطل و منحل می‌گردد. از این رو، آثار ازدواج، از جمله نفقه نیز از بین می‌رود. اکنون تأثیر تغییر جنسیت را بر «نفقه فرزندان» و «نفقه والدین» مورد بررسی قرار می‌دهیم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله نفقه فرزندان

اشاره

تأمین مخارج فرزندان به عهده پدر می‌باشد و در صورت نبود پدر یا عدم توانایی وی، به عهده پدر بزرگ خواهد بود. چنانچه وی ناتوان باشد، به عهده مادر خواهد بود. این امر مورد تأکید فقه اسلامی و قانون مدنی ایران است. امام خمینی در این باره می‌گوید:

نفقه فرزند - مرد باشد یا زن - بر پدرش واجب است و اگر پدرش نباشد و یا فقیر باشد بر جد پدری واجب است و با نبود جد یا این که فقیر باشد، بر جد پدر واجب است و همین طور الاقرب فالاقرب بالا می‌رود و با نبود آن‌ها یا اگر توانایی مالی ندارند بر مادر فرزند واجب است و با نبود یا فقر او، بر پدر مادر و مادر پدر مادر، و پدر مادر مادر، و مادر مادر و

هم چنین بر الاقرب فالاقرب واجب است. (۱) قانون مدنی ایران هم در این باره چنین می گوید:

نفقة اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به عهده اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آن ها، نفقه بر عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقربیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تأدیه کنند.

اکنون این پرسش مطرح است که هرگاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، این امر چه تأثیری در نفقه فرزندان دارد. به عبارت دیگر، آیا پدر یا مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش هستند، یا وجوب نفقه ساقط می گردد؟ پاسخ را در ضمن دو گفتار زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

گفتار اول: تغییر جنسیت پدر و مسأله نفقه فرزندان

نفقه یا تأمین مخارج فرزندان در وهله اول به عهده پدر است. حال چنان چه وی، جنسیت خویش را تغییر دهد و به زن تبدیل شود، آیا زن فعلی هم چنان موظف به پرداخت نفقه هست یا نه؟ دو احتمال زیر قابل بررسی است:

احتمال اول: تغییر جنسیت پدر به زن، باعث سقوط تمام تکالیفی است که برای جنسیت سابق وضع شده است. بر این اساس، الزام به نفقه با تغییر جنسیت پدر به طور کلی از بین می رود.

دلیل: در توضیح احتمال فوق می توان گفت: وجوب نفقه از تکالیف «پدر» است و پدر کسی است که دارای صفت «رجولیت» (مردی) باشد و هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود از صفت «رجولیت» خارج می شود. بنابراین، هرگاه صفت رجولیت وجود نداشت و یا به هر علتی، از جمله با تغییر جنسیت از بین رفت، الزام به

ص: ۳۲۸

انفاق نیز ساقط می شود. به عبارت دیگر، در مورد زن فعلی، عنوان «پدر» صادق نیست تا به واسطه صدق این عنوان، او را ملزم به پرداخت نفقه فرزند کرد. آیت الله سید محمدصدر می گوید:

پس از تغییر جنسیت پدر، صفت پدری زایل می شود و به دنبال آن ولایت و وجوب نفقه ساقط می گردد.... چون این احکام برای پدر است و عرفاً این شخص پدر محسوب نمی شود، بلکه حقیقتاً پدر محسوب نمی شود و اگر چه قبلاً (قبل از تغییر جنسیت) این گونه بود. (۱)

احتمال دوم: تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

دلیل: دلیل احتمال فوق آن است که تغییر جنسیت پدر، وی را از «پدر بودن» خارج نمی سازد. به عبارت دیگر، یکی از دلایل این امر «صدق عرفی» (۲) است که توضیح بیش تر آن در فصل گذشته (عناوین نسبی) گذشت. هرگاه افراد جامعه با پدری که تغییر جنسیت یافته مواجه شوند، خواهند گفت: «او پدری است که تغییر جنسیت داده و در حال حاضر زن شده است». در حالی که اگر برادر، تغییر جنسیت دهد، عرفاً وی را «خواهر» می دانند و نیز هرگاه خواهر تغییر جنسیت دهد، وی از نظر عرف به عنوان «برادر» شناخته می شود. بنابراین، هر چند تغییر جنسیت پدر، وی را از صفت رجولیت (مرد بودن) خارج ساخته است، اما وی را از صفت «پدر بودن» خارج نساخته است و او در قبل و بعد از تغییر جنسیت، به عنوان «اب» (پدر) شناخته می شود و پرداخت نفقه فرزندان به عهده پدر است.

علاوه بر این، به اعتقاد فقیهان شیعه، (۳) «پدر» کسی است که از نطفه وی، فرزند به وجود

ص: ۳۲۹

۱- (۱) محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸: «تنتفی بعد التحول: صفة الأبوه عن أولاده بما يتبعها من انتفاء الولایه و وجوب النفقه.... لأین تلك الأحكام واره على الأب و هذه لیست أباً عرفاً بل لیست أباً حقیقه ایضاً، و إن كانت كذلك فی وقت سابق». و نیز نگاه کنید ص ۱۴۳ از همین کتاب.

۲- (۲) ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، فقه اهل البیت، ش ۲۳، ص ۲۵۸؛ محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۵.

۳- (۳) ر. ک: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده، ص ۱۱۵.

آمده باشد و این امر، با تغییر جنسیت پدر از بین نمی رود؛ زیرا پس از تغییر جنسیت می توان گفت: این فرزند از نطفه (اسپرم) مرد تغییر جنسیت یافته به وجود آمده است. از این رو، در صدق عنوان «پدر» حالت سابقه یا زمان انعقاد نطفه ملاحظه می شود.

از راه دیگر می توان وجوب نفقه فرزندان را اثبات کرد. البته این استدلال برای کسانی مفید است که معتقدند: با تغییر جنسیت پدر، وی به «مادر» تبدیل می شود.

بر اساس فقه اسلامی (۱) و قانون مدنی ایران (۲) هرگاه پدر یا جد پدری نباشد، یا توان مالی نداشته باشند و مادر دارای توان مالی باشد، نفقه فرزندان به عهده مادر است. براساس این فرض، پدر پس از تغییر جنسیت به مادر تبدیل شده است. از این رو، در وضعیت جدید، وی به عنوان مادر، موظف به تأمین مخارج فرزندان خواهد بود.

البته لازمه فرض فوق، دو مادری بودن فرزند است: یکی مادر اصلی که او را به دنیا آورده است، و دوم پدر که پس از تغییر جنسیت عنوان مادر را پیدا کرده است و این امر مستلزم آن است که نفقه میان این دو مادر تقسیم گردد.

نظریه مختار: با توجه به ادله و قرائن بیان شده در احتمال دوم، به نظر می رسد این احتمال بسیار قوی تر از احتمال اول است. بنابراین، پدر پس از تغییر جنسیت هم چنان موظف به پرداخت نفقه و مخارج فرزندان خویش است.

گفتار دوم: تغییر جنسیت مادر و مسأله نفقه فرزندان

اشاره

این مطلب را در دو حالت زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

حالت اول: تغییر جنسیت مادر با وجود پدر یا جد پدری

همان طور که گذشت تأمین مخارج فرزندان در وهله اول به عهده پدر است و چنان چه پدر وجود نداشته باشد و یا فاقد تمکن مالی باشد، نفقه به عهده جد پدری است.

چنان چه پدر یا جد پدری و یا هر دو وجود داشته باشند و حداقل یکی از آن ها

ص: ۳۳۰

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی نفقه الاقارب، مسأله ۱۲؛ محمد فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۶۱۶ به بعد.

دارای تمکن مالی باشند و آن گاه مادر، تغییر جنسیت دهد، این امر تأثیری در نفقه فرزندان نخواهد داشت؛ چه این که، این وظیفه از ابتدا به عهده مادر نبوده، تا آن گاه بحث شود که آیا پس از تغییر جنسیت، نفقه فرزندان به عهده وی هست یا خیر.

حالت دوم: تغییر جنسیت مادر با نبود پدر و جد پدری

چنان چه پدر یا جد پدری وجود نداشته باشند و یا وجود داشته ولی فاقد تمکن مالی باشند و مادر توان مالی داشته باشد، پرداخت مخارج فرزندان به عهده مادر خواهد بود. در این حالت که مادر موظف به پرداخت مخارج فرزندان است، اگر تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری در نفقه فرزندان خواهد داشت؟ آیا مادر هم چنان موظف به پرداخت نفقه است یا وجوب نفقه پس از تغییر جنسیت وی ساقط می شود؟ در پاسخ می توان دو احتمال زیر را بیان کرد:

احتمال اول: طبق فرض، پرداخت نفقه به عهده مادر بوده و اکنون پس از تغییر جنسیت از صفت «انوثیت» (زن بودن) و «مادر بودن» خارج شده است. بنابراین، وجوب پرداخت نفقه ساقط است.

احتمال دوم: هر چند مادر از صفت انوثیت (زن بودن) خارج شده است، ولی از صفت «مادر بودن» خارج نشده است؛ چه این که عرفاً اطلاق عنوان «مادر» بر وی صحیح است، یعنی افراد جامعه در برخورد با این شخص خواهند گفت: این شخص، مادری است که تغییر جنسیت داده و اکنون مرد شده است.

علاوه بر این، از نظر شرعی مادر کسی است که فرزند از تخمک وی به وجود آمده و در رحم وی پرورش یافته و مادر او را زاییده باشد. این صفت هم چنان برای مادر تغییر جنسیت یافته، قابل صدق و اطلاق است. بر خلاف تغییر جنسیت برادر، خواهر، عمو، عمه که تغییر جنسیت برادر، وی را به «خواهر» تبدیل می کند و تغییر جنسیت عمو، وی را به «عمه» تبدیل می کند؛ یعنی در این گونه موارد، تغییر جنسیت هر عنوان باعث به وجود آمدن قرینه آن عنوان می شود، ولی تغییر جنسیت مادر، وی را به قرینه آن یعنی عنوان «پدر» تبدیل نمی کند.

بنابراین، در قبل و بعد از تغییر جنسیت، تغییری در عنوان «أم» (مادر) به وجود نمی آید و وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

از طریق دیگر می توان وجوب اعطای نفقه فرزندان مادر تغییر جنسیت یافته را اثبات کرد. البته این استدلال برای کسانی مفید است که معتقدند: مادر پس از تغییر جنسیت به پدر تبدیل می شود. نحوه استدلال این گونه خواهد بود که مادر پس از تغییر جنسیت به پدر تبدیل شده است و وظیفه اعطای نفقه در وهله اول به عهده پدر است. بنابراین، وی هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است.

نظریه مختار: با توجه به ادله و قرائن، احتمال دوم بسیار قوی تر از احتمال اول است.

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله نفقه والدین

اشاره

نفقه اقارب [مانند پدر و مادر] عبارت است از: مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق. (۱) نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است. (۲) در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی، اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند. (۳) کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم نماید. (۴) کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهد بدون این که از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخص او در جامعه در نظر گرفته شود. (۵) از نظر فقه اسلامی نیز هرگاه پدر یا مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان وی

ص: ۳۳۲

۱- (۱) قانون مدنی ایران، ماده ۱۲۰۴.

۲- (۲) همان، ماده ۱۲۰۰.

۳- (۳) همان، ماده ۱۱۹۶.

۴- (۴) همان، ماده ۱۱۹۷.

۵- (۵) همان، ماده ۱۱۹۸.

که دارای توان مالی هستند، واجب است مخارج پدر و مادر را تأمین کنند. امام خمینی در این باره می گویند:

نفقه پدر و مادر - در وقتی که دستشان خالی است - بر فرزند است در صورتی که دارای تمکن باشد، مرد باشد یا زن، و با نبود فرزند یا این که فرزند فقیر باشد، پس بر فرزند فرزند (نوه) است؛ مقصود پسر پسر یا پسر دختر و دختر پسر یا دختر دختر و همین طور الاقرب فالاقرب.^(۱)

اکنون این پرسش مطرح است هرگاه فرزند، اعم از پسر یا دختر تغییر جنسیت دهد، چه تأثیری بر نفقه والدین آنان دارد؟

در پاسخ باید گفت: تغییر جنسیت فرزند، هیچ تأثیری در این حکم شرعی ندارد؛ چه این که این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن نیز تأثیری در این حکم شرعی ندارد.

دلیل این امر آن است که تغییر جنسیت فرزند، وی را از عنوان «فرزند بودن» خارج نمی سازد. در هر حال، پسر یا دختر، چنان چه توان مالی داشته باشند، پس از تغییر جنسیت نیز لازم است نفقه پدر و مادر فقیر خویش را پرداخت کنند.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

نفقه در یک تقسیم بندی شامل: نفقه زوجه، نفقه فرزندان و نفقه والدین است. تأثیر تغییر جنسیت بر نفقه زوجه را در بخش گذشته بیان کردیم.

تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او هم چنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است؛ چون تغییر جنسیت پدر، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی سازد و عرفاً وی به عنوان پدر شناخته می شود اگرچه در حال حاضر زن شده است؛ در حالی که اگر برادر تغییر جنسیت دهد، عرفاً وی را «خواهر» می دانند.

ص: ۳۳۳

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، القول فی نفقه الاقارب، مسأله ۱۲.

تغییر جنسیت مادر و تبدیل وی به مرد، تأثیری در نفقه فرزندان نخواهد داشت؛ زیرا این وظیفه از ابتدا به عهده مادر نبوده است، بلکه این وظیفه در ابتدا به عهده پدر است و در نبود پدر، وظیفه انفاق به عهده جد پدری است.

آری، با نبود پدر و جد پدری، و با فرض توان مالی مادر، وظیفه پرداخت نفقه فرزندان به عهده مادر خواهد بود و با تغییر جنسیت وی، این وظیفه همچنان به عهده وی خواهد بود.

ضمناً هرگاه پدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان وی که دارای توان مالی هستند واجب است مخارج پدر و مادر را تأمین کنند و تغییر جنسیت فرزند تأثیری در این حکم شرعی ندارد؛ زیرا این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن تأثیری در این حکم شرعی ندارد.

اشاره

از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت بر ولایت و حضانت کودکان است. این مسأله را در ضمن دو مبحث پی می گیریم:

مبحث اول: تغییر جنسیت و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

ولایت به معنی عام، سلطه ای است که شخص بر مال و جان دیگری پیدا می کند و شامل ولایت پدر و جد پدری و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و حاکم نیز می شود، ولی در روابط خانوادگی، عبارت از اقتداری است که قانون گذار به منظور اداره امور مالی و گاه تربیت کودک (یا سفیه و مجنون که حجرشان متصل به زمان صغر است) به پدر و جد پدری اعطا کرده است. گاه وصی منصوب از طرف پدر یا جد پدری را نیز در زمره اولیا می آورند،^(۱) چنان که ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی می گوید: «پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان، ولی خاص نامیده می شود».

ولی باید دانست که در عرف حقوق دانان دو اصطلاح «ولایت» و «وصایت» از

ص: ۳۳۵

۱- (۱) ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳.

یکدیگر جدا است و کم تر اتفاق می افتد که به «وصی» نیز «ولی» گفته شود. به ویژه که منبع اختیار «ولی» به طور مستقیم قانون است و اعطای این سمت به اراده اشخاص ارتباط ندارد، در حالی که وصی، نماینده ارادی ولی است و حدود اختیار او را نیز پدر یا جد پدری معین می کند. به همین جهت نیز در قانون مدنی، پدر و جد پدری را اولیای قهری نامیده اند. ولایت جد پدری، هر چند از نظر قانون و فقه مانند ولایت پدر است، ولی در رسوم اجتماعی ما منوط بر این است که ولایت پدر به دلیلی از بین رفته باشد. نیز مادر در هیچ فرضی ولایت قهری بر کودک ندارد. (۱) پرسش اساسی این است که هرگاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، این مسأله چه تأثیری در ولایت و سرپرستی کودکان دارد. این مطلب را در ضمن دو گفتار زیر پی می گیریم:

گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

هرگاه جنسیت مادر تغییر کند و به مرد تبدیل شود، در صورت نبود پدر یا جد پدری، آیا بر کودکان ولایت پیدا می کند یا خیر؟

در پاسخ باید گفت: هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکان ولایت پیدا نمی کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جد پدری و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود. امام خمینی - رحمه الله علیه - در این باره چنین می گوید:

لو تغير جنس المرأة لا يثبت لها الولاية على الصغار، فولایتهم للجدلاب، و مع فقهه للحاكم؛ (۲) اگر جنسیت زن تغییر کند [و به مرد تبدیل شود] برای وی، ولایت بر کودکان ثابت نمی شود، بلکه ولایت کودکان برای جد پدری است و در صورت نبود جد پدری، ولایت برای حاکم خواهد بود.

ص: ۳۳۶

۱- (۱) همان، ص ۲۰۳.

۲- (۲) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹، مسأله ۶.

دلیل اول: ثبوت ولایت بر صغار برای عنوان پدر

متفاهم عرفی از ادله ولایت، ثبوت ولایت بر صغار به عنوان «اب» (پدر) است و مادری که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده، عرفاً به عنوان پدر شناخته نمی شود و مقتضای اصل (استصحاب) عدم ثبوت ولایت است. (۱) توضیح بیش تر آن که، عنوان «پدر و مادر» از عناوین خاص هستند که هرگاه یکی از آن دو تغییر کند، به قرینه آن عنوان تبدیل نمی شود؛ در حالی که عناوینی مانند: «برادر و خواهر»، «عمو و عمه» و «دایی و خاله» از عناوین هستند که تغییر جنسیت هر یک، باعث به وجود آمدن قرینه آن عنوان است؛ یعنی برادر به خواهر، و خواهر به برادر تبدیل می شود. نیز عمو به عمه، و عمه به عمو و همچنین دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می شود. حال آن که تغییر جنسیت باعث تبدیل عنوان «پدر» به «مادر» و یا برعکس نمی شود.

بنابراین، در تغییر جنسیت مادر و تبدیل وی به مرد، عنوان «پدر» برای وی ثابت نیست، بلکه عرفاً گفته می شود: این شخص همان مادری است که مرد شده است (نه پدر). پس می توان گفت: ما علم داریم که عنوان «اب» حادث نشده است و لااقل در این امر شک داریم. در حالت شک می توان حالت سابقه را استصحاب کرد و حالت سابقه در فرض ما «نبود عنوان پدری» است. پس در حال حاضر هم عنوان پدری ثابت نیست و با انتفای عنوان پدری، عنوان ولایت نیز منتفی است.

با این توضیح معلوم می شود که با نبود پدر (طبق فرض) و عدم ثبوت ولایت برای مادر تغییر جنسیت یافته، ولایت برای جد پدری خواهد بود.

دلیل دوم: معنای پدر از نظر شرعی

از نظر شرعی، «پدر» کسی است که فرزند از منی او به وجود آمده باشد (۲) و این عنوان بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زائیده، صدق نمی کند، بلکه عرفاً مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان به عنوان مادر شناخته می شود. (۳)

ص: ۳۳۷

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۱؛ محمد مؤمن قمی، کلمات سدیده، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲- (۲) ر. ک: سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۴۵.

۳- (۳) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیده فی مسائل جدیده، ص ۱۱۵.

لازم به توضیح است که در شرع اصطلاح خاصی در تعریف پدر وارد نشده است و به اصطلاح «أب» (پدر) دارای حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه نیست، بلکه شرع نیز همان معنای عرفی «أب» را مورد امضاء قرار داده است و معنای عرفی پدر، کسی است که طفل از نطفه او به وجود آمده باشد.

گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسألة ولایت و سرپرستی کودکان

اشاره

هرگاه جنسیت پدر به وسیله عمل جراحی، تغییر کند، این امر چه تأثیری بر ولایت پدر بر فرزندان دارد؟ در پاسخ به این پرسش، دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول: تغییر جنسیت پدر موجب سقوط ولایت وی است

اشاره

امام خمینی در این باره می گوید:

لو تغير جنس الرجل إلى المخالف فالظاهر سقوط ولايته على صغاره؛^(۱) هرگاه جنس مرد به زن تغییر کند، ظاهر آن است که ولایت وی بر کودکانش ساقط می شود.

آیت الله سید محمد صدر نیز همین دیدگاه را مطرح می کند:

إذا تحول الرجل إلى امرأة و كان زوجاً، بطلت ولايته؛^(۲) هرگاه مرد (زوج) به زن تغییر جنسیت دهد، ولایتش باطل می شود.

دلیل اول: ولایت برای عنوان پدری است

ولایت اگرچه از امور واضح فقه است و تعداد زیادی از روایات بر آن دلالت دارد، ولی «ولایت» دائر مدار صدق «ابوت» (پدر بودن) است.^(۳) با تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، عنوان ابوت از وی زایل می شود. بنابراین، ولایت او بر کودکانش نیز ساقط می گردد.^(۴)

ص: ۳۳۸

۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- (۲) سید محمد صدر، منهج الصالحین، ج ۳، ص ۶۴۴، مسألة ۳۷۰۶.

۳- (۳) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، ص ۱۱۵.

٤-٤) ر. ك: احمد مطهرى، مستند تحرير الوسيلة، ص ٢٠٠-٢٠١.

دلیل دوم: ولایت برای عنوان رُجولیت (مردی) است

بر فرض بپذیریم که تغییر جنسیت پدر، وی را از عنوان «اب» (پدر) خارج نمی سازد، ولی باید گفت: عنوان «اب» باید همراه با صفت «رُجولیت» (مردانگی) باشد و فرض این است که پدر پس از تغییر جنسیت از عنوان مردی خارج شده و به زن تبدیل شده است. بنابراین عنوان ولایت از وی ساقط می گردد(۱).

بررسی دلیل اول و دوم

در جواب دلیل اول می توان گفت: به صرف تشکیل شدن نطفه از آب شخص (اسپرم)، عنوان پدری بر او صدق می کند. برای مثال، اگر مرد با همسرش مجامعت کند و سپس مرد برای همیشه غایب گردد و فرزند به وجود آید، شکی نیست که آن مرد، پدر فرزند محسوب می شود، در حالی که هیچ نقشی نداشته مگر ادخال منی در رحم مادر بچه و همین مقدار برای صدق عنوان «اب» کافی است، اگر چه جنسیت او تغییر یابد.(۲) همان طور که بارها بیان شد عنوان «اب و ام» از عناوین خاص است که پس از تغییر جنسیت هر یک، این عنوان زایل نشده و صدق عرفی در اطلاق اب و ام باقی خواهد بود. حتی به اعتقاد برخی فقیهان اسلامی می توان ولایتی که قبلاً برای این شخص وجود داشته، استصحاب کرد. آیت الله محمد مؤمن می گوید:

ممکن است برای کسی این توهم پیش آید که پس از تغییر جنسیت، موضوع استصحاب باقی نمی ماند. به چنین سخنی نباید گوش فرا داد، زیرا روشن است که این شخص، همان کسی است که در پیش، ولایت او بر فرزندانش ثابت شده بود [بنابراین موضوع باقی است].(۳) در مقابل، عده ای با استصحاب ولایت به دلیل تغییر موضوع، مخالفند.(۴)

ص: ۳۳۹

۱- (۱) ر. ک: کلمات سدید، ص ۱۱۵.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۵.

۳- (۳) همان، ص ۱۱۵.

۴- (۴) سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۸؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنسیه، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳.

در پاسخ دلیل دوم باید گفت: از ادله شرعیه مانند روایات نمی توان استظهار نمود که ولایت به حالت «رُجولیت» اختصاص دارد، بلکه این معنا قابل استظهار است که ولایت برای «پدر» است؛ یعنی آن کسی که در زندگی زناشویی، فرزند از منی او ایجاد شده است. بعد از تغییر جنسیت، بقای ولایت به وسیله استصحاب قابل اثبات است و نمی توان گفت موضوع تغییر کرده است؛ چون بدیهی است که این شخص همان کسی است که ولایت بر کودکانش، برای او ثابت بوده و الان استصحاب می گردد.

دیدگاه دوم: تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد

براساس این دیدگاه، تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، تأثیری در ولایت وی بر کودکانش ندارد و همانند حالت قبل از تغییر، دارای حق ولایت است. این دیدگاه از قوت بیش تری نسبت به دیدگاه اول برخوردار است. دلیل این دیدگاه همان نکاتی است که در پاسخ دیدگاه اول بیان شد. از این رو، از تکرار آن خودداری می شود.

مبحث دوم: تغییر جنسیت و مسأله حضانت کودکان

اشاره

حضانت در لغت به معنای کودک را در آغوش گرفتن و کودک را در بغل گرفتن است.^(۱) و در اصطلاح فقه^(۲) و حقوق مدنی^(۳) پرورش اطفال است به وسیله ابویین و اقارب او، که هم حق است و هم تکلیف. پرورش هم از لحاظ مادی است و هم معنوی و هم اخلاقی. قانون مدنی ایران درباره حضانت (نگاه داری کودک) چنین می گوید:

برای نگاه داری طفل، مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آن ها با مادر خواهد بود.^(۴)

ص: ۳۴۰

۱- (۱) لوئیس معلوف، المنجد، واژه حضن.

۲- (۲) ر. ک: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۴۸-۵۴۹؛ شیخ طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۱۶۶۶-۱۶۶۷.

۳- (۳) ر. ک: محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، ج ۲، واژه حضانت؛ ناصر کاتوزیان، حقوق خانواده، ج ۲.

۴- (۴) قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۶۸.

پرسشی که در بحث تغییر جنسیت مطرح است این است که هرگاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا هنوز هم اهلیت حضانت را دارا است یا نه؟ نیز هرگاه پدر در مدتی که حضانت طفل به او واگذار شده است به جنس مخالف تبدیل گردد و زن شود، آیا حق حضانت وی ساقط می شود یا خیر؟ این مطلب را در ضمن دو گفتار ذیل پی می گیریم:

گفتار اول: تغییر جنسیت مادر و مسأله حضانت کودکان

حضانت کودک اگر پسر باشد تا دو سال و اگر دختر باشد تا هفت سال به عهده مادر است. اگر در این مدت، مادر تغییر جنسیت دهد، وضعیت حضانت چگونه خواهد شد؟

توجه به این نکته ضروری است که «حضانت» در سنین اولیه زندگی کودک به «مادر» از آن جهت که «مادر» است سپرده شده است؛ چون کودک در این سن نیاز بیش تری به مادر دارد. قانون مدنی ایران در مواد ۱۱۶۹، ۱۱۷۰ و ۱۱۷۶ صریحاً حق حضانت را در سال های اولیه کودک به مادر واگذار کرده است.

حال این پرسش مطرح است چنان چه «مادر» تغییر جنسیت دهد، از عنوان «مادر بودن» خارج می شود؟ پاسخ منفی است؛ چون مکرراً گذشت که عنوان «پدر و مادر» از عناوین خاص بوده که با تغییر جنسیت عوض نمی شود و عرفاً عنوان «مادری» پس از تغییر جنسیت صادق است. علاوه بر این، مادر از نظر شرعی کسی است که فرزند از تخمک او به وجود آمده و در شکم وی رشد کرده و مادر، او را به دنیا آورده باشد. پس از تغییر جنسیت، این عنوان و ویژگی، تغییر نمی کند. از این رو، با اطمینان بیش تری می توان گفت که تغییر جنسیتِ مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. به عبارت دیگر، تنها «انوثیت» (زن بودن) مادر به وسیله تغییر جنسیت عوض شده و اکنون دارای صفت رجولیت (مردی) است، ولی با این وجود، عنوان «مادری» از وی زایل نشده است و نمی توان گفت با زوال صفت انوثیت، صفت «مادری» نیز زایل شده است. به عبارت دیگر، تفکیک میان دو عنوان «زن بودن» و «مادری» قابل تصور است.

با این وجود، می توان این احتمال را بیان داشت که هرگاه به تشخیص دادگاه، مادر

پس از تغییر جنسیت، فاقد صلاحیت لازم برای حضانت و نگهداری کودک باشد، این حق از او سلب می شود و به پدر کودک که واجد صلاحیت است واگذار شود. کما این که براساس ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، اگر مادر مجنون گردد، یا به دیگری شوهر کند، حق حضانت وی ساقط می گردد. مفهوم مستفاد از این ماده آن است که مادر باید برای نگه داری کودک واجد صلاحیت باشد. چنان چه مجنون گردد یا به دیگری شوهر کند فاقد صلاحیت می گردد. بر این اساس، می توان این احتمال را داد که تغییر جنسیت مادر، موجب سلب صلاحیت وی در امر حضانت می گردد، اگر چه از نظر عرف یا شرع، اطلاق عنوان «مادر» پس از تغییر جنسیت صحیح است. البته تأکید می کنیم که تشخیص این امر به عهده دادگاه صالح است.

گفتار دوم: تغییر جنسیت پدر و مسأله حضانت کودکان

اشاره

هرگاه پدر در مدتی که دارای حق حضانت و نگه داری کودک است، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل گردد، این امر چه تأثیری در امر حضانت وی دارد؟

در پاسخ می گوئیم که عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی شود و عرفاً شخص می تواند بگوید: این پدر من است که تغییر جنسیت داده و زن شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است. علاوه بر این، از نظر شرعی پدر کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود آمده باشد و این با تغییر جنسیت، تغییر نمی کند

احتمال دیگر، آن است که پدر با تغییر جنسیت خویش و تبدیل شدن به زن، از صلاحیت و شایستگی لازم برای حضانت برخوردار نباشد، مخصوصاً اگر پس از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، با مرد دیگری ازدواج کند که از مفهوم ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی عدم صلاحیت وی به دست می آید. علاوه بر این، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی می گوید:

هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل متقاضی بداند اقتضا کند.....

در ادامه ماده ۱۱۷۳ مصادیق عدم مواظبت و انحطاط اخلاقی هر یک از پدر و مادر بیان شده است.

با توجه به قرائن و شواهد فوق می توان گفت: هدف از حضانت، حفظ و نگه داری کودک در سنینی است که شدیداً به حمایت معنوی و روحی و فکری نیازمند است. و با تغییر جنسیت پدر، این حمایت ها از بین می رود و با تشخیص دادگاه، مادر کودک یا شخص صالح دیگر، حضانت و نگه داری کودک را به عهده خواهد گرفت.

جمع بندی و بیان نظریه مختار

در پاسخ این پرسش که تغییر جنسیت چه تأثیری بر ولایت و سرپرستی کودکان دارد، باید گفت: اگر مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، هیچ گاه بر فرزندانش ولایت پیدا نمی کند؛ چه این که ولایت ابتداءً برای پدر است و با نبود پدر ولایت برای جد پدری است و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان به عهده حاکم شرع خواهد بود.

و هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، این امر تأثیری بر ولایت وی بر کودکان ندارد و همانند حالت قبل از تغییر، دارای حق ولایت است.

و هرگاه مادر در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و مرد شود، وی همچنان دارای اهلیت حضانت است؛ زیرا با تغییر جنسیت، صفت «أنوئیت» (زن بودن) از وی زایل شده است، نه صفت مادری. به عبارت دیگر، مادر پس از تغییر جنسیت، همچنان دارای صفت مادری است و از این رو، حق حضانت از وی زایل نمی شود.

نیز اگر پدر در مدتی که دارای حق حضانت و نگه داری کودک است، تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، حق حضانت وی زایل نمی شود؛ چون حضانت کودک و پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است و عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی شود.

اشاره

یکی از مباحث مهم مربوط به تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت در ارث است. فردی که تغییر جنسیت داده، از والدین خود به چه سهمی ارث می برد، آیا جنسیت فعلی او ملاک است یا جنسیت قبل از تغییر؟ نیز پدر و مادری که تغییر جنسیت داده است، از فرزند خود به چه اندازه ای ارث می برد، آیا جنسیت فعلی او مورد نظر است، یا جنسیت قبل از تغییر؟

این مسأله را در دو حالت بررسی می کنیم:

اول - ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش؛

دوم - ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش.

مبحث اول: ارث بردن فرد تغییر جنس داده از والدین خودش

اشاره

در مواردی شخص قبل از فوت یکی از والدین خویش، تغییر جنسیت می دهد؛ یعنی پس از تغییر جنسیت، فوت یکی از والدین وی اتفاق می افتد، و در مواردی بعد از مرگ یک از والدین، و قبل از تقسیم ترکه، تغییر جنسیت صورت می گیرد. میزان ارث شخص را در دو حالت فوق را مورد بررسی قرار می دهیم:

هرگاه فردی، جنسیت خویش را تغییر دهد، و آن گاه یکی از والدین وی فوت کند، آیا بر اساس جنسیت فعلی ارث می برد یا بر اساس جنسیت سابق؟ برای مثال، اگر پسری به دختر تبدیل شود، آیا سهم الارث وی به اندازه پسر است یا به اندازه دختر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت: همه فقیهان شیعه که به این مسأله توجه کرده اند، ملاک ارث در این موارد را جنسیت فعلی فرزندان می دانند. (۱) همان طور که پیش تر بیان شد، هرگاه برادر و خواهر به جنس مخالف تبدیل شوند، نسبت یا قرابت نسبی میان آن دو از بین نمی رود، بلکه نسبت آن ها بر عکس می شود؛ یعنی برادر، خواهر و خواهر، برادر می شود. با وجود اشتراک آن ها در نسبت، و تولد آن ها از یک پدر و مادر، تبدیل شدن دو عنوان، آن ها را از «نسبت خواهر برادری» خارج نمی کند. (۲) به عبارت دیگر، عنوان «اخ» (برادر) برای جنس مذکر و عنوان «أخت» (خواهر) برای جنس مؤنث است. پس از تبدیل جنس مذکر و مؤنث، لامحاله عنوان «برادر و خواهر» نیز تغییر می کند. (۳) احکامی هم چون ارث و مانند آن بر عناوین مختص به مرد یا زن مانند: دختر، پسر، خواهر، برادر و مانند آن مترتب می شود و احکام با تغییر جنسیت به جهت این که موضوعشان هم اکنون صدق نمی کند، باقی نمی ماند. بنابراین، اگر شخصی پسر باشد و قبل از مرگ پدرش تغییر جنسیت دهد، مانند پسران ارث نمی برد، بلکه مانند دختر ارث می برد؛ زیرا ملاک آن است که این عناوین در حال مرگ مؤرث فعلیت داشته و صدق کند. لذا اگر مؤرث بمیرد و از او پسر جدید (بعد از تغییر جنسیت) و دختر جدید باقی بماند، مرد فعلی دو برابر زن ارث می برد. سایر طبقات نیز چنین است؛ (۴) زیرا ادله ارث اطلاق دارند و همان طور که شامل زن و مرد قبلی (قبل از تغییر جنسیت) می شوند،

ص: ۳۴۶

-
- ۱- (۱) روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۵۹؛ سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۱۳۹؛ محمد مؤمن، کلمات سدیة، ص ۱۱۷؛ سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳.
 - ۲- (۲) ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۵۹.
 - ۳- (۳) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۲.
 - ۴- (۴) ر. ک: سید محسن خرازی، پیشین، ص ۲۶۰.

شامل زن و مرد جدید هم می شوند؛ مانند این آیه:

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ (۱)

برای مردان، از آن چه پدر و مادر خویشاوندان از خود بر جای می گذارند، سهمی است و برای زنان نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان می گذارند، سهمی؛ خواه آن مال کم باشد یا زیاد. این سهمی تعیین شده و پرداختی است.

و مانند این قول خداوند بزرگ:

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ؛ (۲)

خداوند درباره فرزندانتان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد.

قانون مدنی ایران در ماده ۹۰۷ می گوید: «... اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آن ها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر دختر می برند».

این ماده قانونی نیز اطلاق دارد. بنابراین، پسر فعلی (دختر پس از تغییر جنسیت) دو برابر دختر فعلی (پسر پس از تغییر جنسیت) ارث می برد.

گفتار دوم: تغییر جنسیت بعد از فوت یکی از والدین

اگر بعد از مرگ پدر و قبل از تقسیم ترکه تغییر جنسیت صورت گیرد، آیا در پرداخت سهم الارث، جنسیت فعلی ملاک است یا جنسیت زمان موت مؤثر؟

به نظر می رسد در این حالت، باید جنسیت زمان موت مؤثر ملاک و مبنا باشد. دلیل این امر واضح است؛ چه این که فرد پس از فوت پدر یا مادرش تغییر جنسیت داده است. پس حقی برای وی ثابت شده است و تغییر جنسیت بعدی تأثیری در این مسأله ندارد. برای مثال، اگر پس از فوت پدرش تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل شود سهم

ص: ۳۴۷

۱- (۱) سوره نساء (۴)، آیه ۷.

۲- (۲) سوره نساء (۴)، آیه ۱۱.

الارث وی همانند برادرش می باشد. نیز اگر دختر پس از فوت پدرش تغییر جنسیت دهد و به پسر تبدیل شود، سهم الارث وی همانند خواهرش است.

مبحث دوم: ارث بردن والدین تغییر جنس داده از فرزند خویش

اشاره

هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، زن فعلی چه میزان سهم الارث می برد، آیا بر اساس جنسیت فعلی یا بر اساس جنسیت سابق خویش؟ نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، مرد فعلی چه مقدار سهم الارث از فرزند (میت) دریافت می کند؟

در مجموع سه احتمال وجود دارد: (۱) احتمال اول، این که رابطه توارث به طور کامل قطع می شود و والدین تغییر جنس داده از فرزند خود ارث نمی برند. احتمال دوم، این که رابطه توارث قطع نمی شود و پدر به اندازه دو ثلث () ارث می برد ولو این که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. نیز مادر یک ثلث () ارث می برد ولو این که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده باشد. احتمال سوم، این که رابطه توارث قطع نمی شود و مادر پس از تغییر جنسیت دو ثلث () و پدر پس از تغییر جنسیت یک ثلث () می برد.

اینک هر یک از سه احتمال فوق را در ضمن سه گفتار را مورد بررسی قرار می دهیم:

گفتار اول: والدین تغییر جنسیت داده از فرزند ارث نمی برند

احتمال اول آن بود که والدین تغییر جنس داده، اصلاً از فرزند خود ارث نمی برند و رابطه توارث، به طور کامل قطع گردد. در توجیه این احتمال می توان گفت: پس از مرگ فرزند، برای این که پدر و مادر از فرزند خویش ارث ببرند، لازم است عنوان «أب» و «أُم» در حین وفات فرزند باقی باشد، حال آن که این عنوان ها تغییر کرده است. به عبارت دیگر، پس از تغییر جنسیت پدر،

ص: ۳۴۸

زن فعلی، نه پدر محسوب می شود و نه مادر. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، مرد فعلی، نه پدر محسوب می شود و نه مادر. بنابراین، در حین فوت فرزند، عنوان «آب یا ام» وجود ندارد، تا براساس صدق این عنوان بتواند از فرزند خویش ارث ببرد. (۱) احتمال فوق بعید و غیر قابل قبول است و هیچ کس به آن معتقد نشده است، بلکه تنها به عنوان یک «احتمال» مورد بررسی قرار گرفته است. حتی اگر پس از تغییر جنسیت، در صدق عنوان «پدر و مادر» تردید داشته باشیم، نمی توان گفت: رابطه توارث به دلیل تغییر جنسیت بین «پدر و فرزند» و «مادر و فرزند» قطع می شود. به عبارت دیگر، «تغییر جنسیت» از موانع ارث محسوب نمی شود. قانون مدنی ایران که متخذ به فقه امامیه است، به مواردی از «موانع ارث» اشاره کرده است. در ماده ۸۸۰ می گوید: «قتل از موانع ارث است...»؛ در ماده ۸۸۱ می گوید: «کافر از مسیلم ارث نمی برد...»؛ و ماده ۸۸۲ و ۸۸۳ به مانع بودن «لعان» و «انکار سبیت» اشاره دارد؛ و در ماده ۸۸۴ به «ولد الزنا» اشاره دارد. (۲) بنابراین، نه در فقه امامیه و نه در قانون مدنی ایران به مانع بودن تغییر جنسیت اشاره ندارد و والدین تغییر جنس داده می توانند از فرزند خود ارث ببرند.

گفتار دوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می برد.

اشاره

احتمال دوم که قوی تر نیز هست این است که پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده اند، از فرزند (فوت شده) ارث می برند. امام خمینی و بقیه فقیهان اسلامی اصل وجود ارث را پذیرفته اند. برای اثبات وجود ارث، دلیل های زیر را می توان بیان کرد:

دلیل اول: ثبوت ارث به دلیل قرابت و خویشاوندی

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا؛ (۳)

ص: ۳۴۹

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۳.

۲- (۲) ر. ک: محمدمهدی کریمی نیا، تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق، مجله معرفت، ش ۳۶، ص ۸۰.

۳- (۳) نساء (۴)، آیه ۷؛ ترجمه آن پیش تر گذشت.

از آیه فوق می توان ثبوت ارث برای جمیع اقربا از مردان و زنان را استفاده کرد، و تردیدی نیست که این مرد یا زن فعلی، که قبلاً مادر یا پدر بوده اند، از نظر قرابت و خویشاوندی، نزدیک ترین فرد به میت (فرزند فوت شده) هستند، پس آن دو، از آن چه میت به جای می گذارد، نصیب می برند. (۱) با دلیل فوق، اصل ارث میان والدین و فرزند (میت اثبات می شود. با ضمیمه ادله دیگر از روایات اهل بیت علیهم السلام اثبات می شود که پدر و مادر از فرزند (میت) به ترتیب () و () ارث می برند. (۲)

دلیل دوم: ثبوت ارث به دلیل اولی الارحام

وَ اُولُو الْاِرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰی بِبَعْضٍ فِیْ كِتَابِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ؛ (۳)

و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. همانا خداوند به هر چیز داناست.

تردیدی نیست که مرد فعلی و زن فعلی (مادر یا پدر تغییر جنسیت یافته) از جمله افراد «اولی الارحام» نسبت به میت (فرزند فوت شده) می باشند. پس از اموال و حقوق مربوط به میت سهم الارث خواهند داشت. (۴) علاوه بر آیات فوق، روایات متعددی نیز وجود دارد که براساس آن ها، آن چه معیار قرار می گیرد تا شخص، وارث میت محسوب شود، اقریبیت در خویشاوندی نسبت به میت است و اقریبیت پدر و مادر که تغییر جنسیت داده اند هنوز ثابت است، پس طبق ضوابط، ایشان اولی به ارث بردن می باشند و حاجب طبقات بعد می شوند.

ص: ۳۵۰

۱- (۱) ر. ک: احمد مطهری، مستند تحریر الوسیله، ص ۲۰۳.

۲- (۲) در منابع روایی روایات متعددی به این مضمون وجود دارد: فی رجل مات و ترک أبویه، قال: للأب سهمان، ولِلْأُمِّ سهم. یعنی: مردی مرده و وارث وی پدر و مادر هستند. حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: برای پدر دو سهم () و برای مادر یک سهم () است (ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۲۶، باب ۹ از ابواب میراث الایوبین والاولاد؛ کافی، ج ۷، ص ۹۱؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۷۰)

۳- (۳) سورة انفال (۸)، آیه ۷۵.

۴- (۴) ر. ک: احمد مطهری، پیشین، ص ۲۰۴.

دلیل فوق نیز مانند دلیل اول، اصل توارث میان والدین و فرزند (میت) را اثبات می کند و با ضمیمه ادله دیگر از روایات اسلامی سهم الارث () برای پدر و سهم الارث () برای مادر ثابت می شود.

دلیل سوم: استمرار قرابت نسبی پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر

پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، نسبت میان «والدین» و «فرزندان» قطع نمی شود، بلکه فرزند عرفاً و شرعاً، فرزند پدر و مادر خویش حساب می شود. به مقتضای ثبوت نسب، ارث نیز ثابت است؛ یعنی گویا «نَسَب» به منزله «علت» و «ارث» به منزله «معلول» است، مگر در مواردی که مانع در کار باشد، مانند: قتل، لعان، انکار نسب، کفر؛ و تغییر جنسیت از موانع ارث محسوب نمی شود.

صاحب کتاب «جواهر الکلام» در تعریف «نَسَب» می گوید:

نسب عبارت است از اتصال از طریق ولادت یکی از دیگر، مانند: «پدر و پسر»، یا این که ولادت دو نفر به فرد ثالث منتهی شود، همراه با صدق عرفی نسب به نحو شرعی یا در حکم شرعی. پس متولد از زنا ارث نمی برد، به خلاف متولد از شبهه و نکاح اهل ملل فاسده. (۱)

ظاهر کلام فوق آن است که مسأله نَسَب مورد قبول همه فقیهان اسلامی بوده و هیچ اختلافی در این باره وجود ندارد. (۲) بنابراین، تعریف فوق درباره «نَسَب» یا «قرابت نسبی» در بحث ما صادق است؛ یعنی پس از تغییر جنسیت پدر و تبدیل وی به زن، از نظر عرفی و شرعی می توان گفت: این فرزند از این پدر متولد شده است، مگر این که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، از نظر عرفی و شرعی می توان گفت: این فرزند از این مادر متولد شده است، مگر این که تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شده است.

پرسشی که ممکن است در این جا مطرح شود این است که در وضعیت جدید،

ص: ۳۵۱

۱- (۱) محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۷.

۲- (۲) ر. ک: احمد مطهری، پیشین، ص ۲۰۴.

یعنی پس از تغییر جنسیت دربارهٔ صدق عنوان «پدر و مادر» شک داریم. بنابراین، می‌توان با استصحاب عنوان پدر و مادر، به بقای عنوان «پدر و مادر» حکم کرد و در این حالت، ارث آنان نیز ثابت می‌گردد؛ یا این که گفته شود: پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، به دلیل شک در ثبوت ارث، حالت سابقه، یعنی ثبوت ارث قبل از تغییر جنسیت را استصحاب می‌کنیم.

در پاسخ می‌گوییم: پس از تغییر جنسیت، عنوان «پدر و مادر» هم چنان صادق است و با وجود صدق عنوان «پدر و مادر» نیازی به استصحاب ارث آن دو نیست؛ زیرا اصل عملی وقتی ارزش دارد که دلیل اجتهادی وجود نداشته باشد^(۱) و با وجود صدق دو عنوان یاد شده، اطلاق ادلهٔ ارث شامل آن‌ها می‌شود و استصحاب موضوعیت ندارد؛ چون مجرای اصول، موارد شک است و در این فرض شک نداریم تا سراغ استصحاب رویم.^(۲) پرسش دیگر آن است که چگونه در بحث «تغییر جنسیت و ولایت»، استصحاب ولایت، پس از تغییر جنسیت پدر، جاری می‌شود، ولی در بحث «تغییر جنسیت و ارث»، امکان استصحاب ارث وجود ندارد؟

در پاسخ می‌گوییم: در «استصحاب ارث»، حالت سابقه وجود ندارد. از این رو، یکی از ارکان استصحاب ناتمام است. زیرا حکم جزئی - یعنی وارث بودن شخص مرد یا زن - بسته به مرگ مؤرث قبل از تغییر جنسیت است و طبق فرض، چنین چیزی واقع نشده است؛ لذا مقام مورد نظر قابل قیاس با استصحاب ولایت شخص پدر، قبل از تغییر جنسیت، نیست؛ زیرا در باب ولایت، حکم کلی شرعی (ولایت پدر) قبل از تغییر جنسیت نیز بر پدر منطبق است؛ زیرا موضوع آن فعلیت دارد، لیکن یک حکم جزئی (ولایت پدری که تغییر جنسیت داده) پدید آمده است. در این جا شک می‌کنیم در بقای آن حکم کلی و برای اثبات بقای آن بعد از تغییر جنسیت، استصحاب جاری می‌شود. اما در باب ارث، حکم کلی - یعنی ارث پدر و مادر - هم چنان باقی است و

ص: ۳۵۲

۱- (۱) الاصل دلیلٌ حیث لا دلیل له.

۲- (۲) ر. ک: سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البیت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۶۲.

تردیدی در آن وجود ندارد. اما فعلیت پیدا کردن حکم جزئی - یعنی مقدار ارث پدر و مادر در صورت تغییر جنسیت - به مرگ مورث بستگی دارد؛ در حالی که فرض این است که هنگام تغییر جنسیت، وی هنوز زنده است و زمانی هم که بمیرد، در آن جا حالت سابقه ای وجود ندارد تا استصحاب جاری شود؛ بنابراین، قیاس باب ارث به باب ولایت، قیاس مع الفارق است. (۱) بنابراین، در اصل ارث پدر و مادر، حتی پس از تغییر جنسیت، تردیدی نیست؛ چنان که این دو حاجب کسانی می شوند که از لحاظ خویشاوندی با میت در رتبه بعدی قرار دارند. (۲) و ملاک ارث، همان «اولویت» (نزدیک تر بودن به میت) پدر و مادر پس از تغییر جنسیت است.

به نظر می رسد میزان ارث پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده است، براساس «زمان انعقاد نطفه» است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، () است، هر چند بعداً تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شود و نیز برای مادر () است، هر چند تغییر جنسیت داده و به مرد تبدیل شود. دلیل این امر آن است که به مقتضای کتاب، سنت و اجماع، ارث ثابت شده است و هیچ ملاکی برای تقسیم ارث باقی نمی ماند مگر «ملاک تقسیم به لحاظ زمان انعقاد نطفه».

اما ملاک تقسیم ارث، بر اساس «زمان فوت فرزند» به این که، مرد فعلی (مادر پس از تغییر جنسیت) و زن فعلی (پدر پس از تغییر جنسیت)، قابل قبول نیست؛ چون این مبنا «و» برای عنوان «پدر و مادر» است، و مرد فعلی، پدر حساب نمی شود، چون فرزند از نطفه (اسپرم) او به وجود نیامده است. نیز زن فعلی، مادر حساب نمی شود، چون فرزند از تخمک او به وجود نیامده و در رحم او رشد نکرده است. پس هیچ مبنایی باقی نمی ماند جز بر اساس «زمان انعقاد نطفه»؛ یعنی برای پدر زمان انعقاد نطفه و برای مادر زمان انعقاد نطفه.

ص: ۳۵۳

۱- (۱) سید محسن خرازی، تغییر جنسیت، فقه اهل بیت (علیه السلام)، فارسی، ش ۲۳، ص ۱۳۵.

۲- (۲) ر. ک: محمد مؤمن، کلمات سدیة، ص ۱۱۷-۱۱۸.

ممکن است این پرسش مطرح شود که مطلب فوق، یعنی سهم الارث برای پدر و برای مادر، فرع بر صدق عنوان «پدر و مادر» است، حال آن که پس از تغییر جنسیت پدر و مادر، صدق عنوان «پدر و مادر» مشکوک است. پس سهم الارث فوق، ثابت نیست.

در جواب می‌گوییم: سهم الارث فوق، براساس «قرابت نسبی» است که در تعریف آن گفته شده است: تولد یکی از دیگری، یا تولد دو نفر از یک منشأ واحد، و پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، قرابت نسبی هم چنان وجود دارد و می‌توان گفت: این فرد از آن پدر به دنیا آمده است، الا این که به زن تبدیل شده است. نیز می‌توان گفت: این فرد از آن مادر به دنیا آمده است، الا این که به مرد تبدیل شده است.

گفتار سوم: پدر تغییر جنس داده و مادر تغییر جنس داده ارث می‌برند

بر اساس این ملاک، زن فعلی (پدر تغییر جنس داده) و مرد فعلی (مادر تغییر جنس داده) ارث می‌برد. گویا مرد فعلی، پدر است و زن فعلی، مادر.

این احتمال ضعیف بوده و هیچ دلیلی در تأیید آن وجود ندارد؛ چون نمی‌توان گفت: مادر پس از تغییر جنسیت، به عنوان «پدر» شناخته می‌شود. نیز پدر پس از تغییر جنسیت، به عنوان «مادر» شناخته نمی‌شود. به عبارت دیگر، تفاوت پدر و مادر در مقدار ارث، به لحاظ بسته شدن زمان انعقاد نطفه است. پس برای پدر - که فرزند از اسپرم او به وجود آمده - و برای مادر - که فرزند از تخمک او به وجود آمده - ارث وجود دارد؛ اگر چه امام خمینی (ره) معتقد است: احتیاط (مستحب) آن است که آن دو با یکدیگر مصالحه کنند. (۱) به نظر می‌رسد، مجالی برای «مصالحه بین پدر و مادر» وجود ندارد؛ چون اگر عنوان «پدر و مادر» پس از تغییر جنسیت صادق است، مصالحه لازم نیست، و اگر صادق نیست، مصالحه بین آن دو و سایر وارث ها لازم است. آیت الله سید محسن خرازی در

ص: ۳۵۴

۱- (۱) ر. ک: روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۰، مسأله ۷.

این باره می گوید:

حال بنابر مراعات احتیاط (چنان که در تحریر الوسيله آمده است) آیا مصالحه فقط بین پدر و مادر است یا بین آن دو و سایر وارث ها نیز مصالحه لازم است؟

اگر اصل ارث آن دو را به ملاک نزدیک تر بودن (اولویت) بپذیریم، مجالی برای مصالحه بین آن ها و سایر ورثه نیست؛ زیرا آن ها در ارث بردن بر بقیه مقدمند. اما اگر در این جهت شک کنیم و به لزوم صدق عنوان پدر و مادر قائل شویم در حالی که این دو عنوان صادق نمی باشند - بنا بر عدم صدق آن دو با تغییر جنسیت - در این صورت مصالحه، بین آن دو و بین سایر ورثه که در طبقه آن ها یا در طبقه پایین تر قرار دارند، می باشد.

از نظر ما مصالحه بین آن دو لازم نیست؛ زیرا بعد از تغییر جنسیت نیز عنوان «پدر» و «مادر» صدق می کند؛ زیرا در صدق آن دو، حدوث مبدء کفایت می کند، اگرچه صدق عنوان پدر و مادر را نپذیریم و مقتضای صدق این عنوان آن است که هر کدام به مقداری که تعیین شده است، ارث ببرند، یعنی در صورت نبود فرزند، دو سوم در پدر و یک سوم در مادر. (۱) پرسش دیگر آن است که اگر اقارب طبقه دوم و سوم تغییر جنسیت دهند، به چه میزان از میت ارث می برند؟ آیا جنسیت فعلی آنان ملاک است یا جنسیت قبل از تغییر جنسیت؟

قبل از پاسخ سؤال فوق، توجه به این نکته ضروری است که: «اشخاصی که به موجب نَسب ارث می برند سه طبقه اند:

۱. پدر و مادر و اولاد و اولادِ اولاد.

۲. اجداد و برادر و خواهر و اولادِ آنها.

۳. اعمام و عمات و احوال و خالات، و اولادِ آنها. (۲) و بر اساس ماده ۸۶۳ قانون مدنی: «وارثین طبقه بعد وقتی ارث می برند که از وارثین طبقه قبل کسی نباشد».

ص: ۳۵۵

۱- (۱) ر. ک: آیت الله سید محسن خرازی، تغییر الجنس، فقه اهل البيت (علیه السلام)، ش ۲۳، ص ۲۶۳.

۲- (۲) قانون مدنی ایران، ماده ۸۶۲.

در واقع، پرسش فوق به این پرسش برمی گردد که هرگاه وراثت میت، از طبقه اول نبودند، بلکه افرادی از طبقه دوم یا طبقه سوم از میت ارث می برند، و یکی از این افراد (مانند پدر بزرگ یا برادر یا عمو یا عمه یا خاله یا دایی) تغییر جنسیت داده، باشند، سهم الارث وی بر اساس جنسیت فعلی وی است یا جنسیت سابق؟

در پاسخ می گوئیم: اگر افرادی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله و دیگر اقارب و خویشاوندان که در طبقه دوم و سوم ارث، قبل از فوت مؤثر تغییر جنسیت دهند، جنسیت فعلی آنان ملاک تعلق سهم الارث آنان می باشد. توضیح این بحث در «عناوین نسبی» گذشت و آن این که اگر برادر تغییر جنسیت دهد به خواهر تبدیل می شود و بر عکس، نیز همین «تبدل عنوان» در عناوین «عمو، عمه» و «دایی، خاله» وجود دارد؛ یعنی هر عنوان، به قرینه آن تبدیل می گردد. در تمام این عناوین، ملاک جنسیت فعلی است و در هر دو صورت، وارث بودن و مورث بودن صادق است.

در پایان نگارش رساله «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، این مباحث مورد توجه قرار می گیرد:

۱. نتیجه گیری

۲. پاسخ به پرسش های اصلی تحقیق

۳. مشکلات تحقیق

۴. پیشنهادات

۱. نتیجه گیری

الف) توجه فقیهان شیعه به بحث تغییر جنسیت

اولین شخصیت علمی در جهان که به مباحث فقهی و حقوقی تغییر جنسیت توجه کرده است، مرحوم امام خمینی است که در سال ۱۳۴۳ ش. (۱۹۶۴ م.) در تحریر الوسیله، در ضمن ده مسأله، عمده ترین مباحث مربوط به این موضوع را بیان داشته است. پس از وی، بیش از بیست تن از مراجع تقلید و فقیهان شیعه این موضوع را مورد کنکاش قرار داده اند. تقریباً در تمام کتاب های موسوم به «رساله استفتاءات»، کم و بیش این بحث مطرح شده و ابعاد مختلف آن مورد توجه قرار گرفته است، مانند: جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت، تأثیر

ص: ۳۵۷

تغییر جنسیت زن و شوهر بر ازدواج آنان، مسأله ولایت و سرپرستی کودکان پس از تغییر جنسیت پدر یا مادر، تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه و نفقه و مانند آن.

البته این سخن بدان معنا نیست که همه فقیهان شیعه به جواز تغییر جنسیت معتقد باشند، ولی به هر حال، عده قابل توجهی از آنان به جواز این عمل معتقد شده اند، مانند: امام خمینی، آیت الله سید علی خامنه ای، آیت الله محمد فاضل لنکرانی، آیت الله سید علی سیستانی، آیت الله محمد ابراهیم جتّاتی، آیت الله یوسف صانعی، آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله محمد مؤمن، آیت الله سید محسن خرازی و آیت الله حسین علی منتظری.

حتی برخی فقیهان شیعه که به حرمت تغییر جنسیت نظر داده اند، معتقدند در هنگام ضرورت و اضطرار، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت جایز است (آیت الله سید صادق شیرازی).

ب) اهمیت بحث مشروعیت و یا عدم مشروعیت تغییر جنسیت

مهم ترین پرسش در بحث تغییر جنسیت، مسأله «جواز و یا عدم جواز»، یا همان «مشروعیت و عدم مشروعیت» است. این پرسش نه تنها مورد توجه فقیهان شیعه بوده است، بلکه فقیهان اهل سنت و کلیسای مسیحی نیز آن را مورد توجه قرار داده اند. از این رو، امام خمینی در اولین مسأله ای که در این رابطه مطرح کرده اند، می فرمایند: ظاهر آن است که تغییر جنسیت مرد به زن یا زن به مرد، و نیز تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن حرام نیست.

ج) اهمیت بحث تغییر در خلقت خدا

عده ای از صاحب نظران به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده اند. یکی از مهم ترین دلیل های مطرح شده برای عدم مشروعیت تغییر جنسیت، پدید آمدن «تغییر در خلقت خدا» است. جالب آن که، این دلیل مورد استناد یکی از فقیهان شیعه (آیت الله میرزا جواد تبریزی) و برخی فقیهان اهل سنت (شیخ یوسف قرضاوی) و نیز کلیسای مسیحی قرار گرفته است. عده ای به آیه ۱۱۹ سوره نساء استناد کرده اند، که به نظر ما این آیه

شریفه ناظر به این نکته است که هر نوع تغییر و تبدیل به منظور تشریح و بدعت گذاری در دین و شریعت صورت گیرد، حرام و مصداق کار شیطانی و به عنوان تغییر در خلقت الهی محسوب می شود. از این رو، آیه فوق، به بحث مورد نظر، یعنی تبدیل مرد به زن و یا تبدیل زن به مرد مربوط نمی شود و استناد به این آیه، برای اثبات حرمت تغییر جنسیت ناصواب است و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده اند، از این آیه شریفه، حرمت تغییر جنسیت استفاده نکرده اند.

د) جایگاه ویژه تغییر جنسیت در حقوق ایران

امام خمینی به عنوان بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران و به عنوان مبتکر مباحث فقهی تغییر جنسیت، به جواز تغییر جنسیت معتقد شده اند، که دیدگاه ایشان در کتاب تحریرالوسیله بیان شده است. علاوه بر این، ایشان با صدور فتوایی ویژه، در مورد یک بیمار ترانس سکشوال (خنثای روانی) به مریم مُلک آرا (فریدون سابق)، تحول مهمی در روند فقهی و حقوقی این مسأله به وجود آوردند.

آیت الله سید علی خامنه ای و حدود ده تن از فقیهان شیعه نیز به جواز و مشروعیت تغییر جنسیت نظر داده اند. بر این اساس، یک پشتوانه شرعی و فقهی بسیار مهمی برای روند حقوقی این مسأله، در ایران به وجود آمد. به عبارت دیگر، از نظر قانونی، انجام این عمل در ایران مجاز اعلام شد و در طی پانزده سال گذشته، حدود پانصد عمل جراحی تغییر جنسیت انجام شد که حتی در کشورهای اروپایی سابقه نداشت و از آن جایی که تغییر جنسیت در کشورهای عربی، غیر قانونی است، بندرت این عمل در کشورهایمانند: کویت، مصر و امارات گزارش شده است.

ه) ارتباط تغییر جنسیت با بیماران جسمی و روحی

تغییر جنسیت، ارتباط تنگاتنگی با بیماران جسمی و بیماران روحی دارد. منظور از بیماران جسمی، افرادی مانند خنثی ها یا دو جنسی ها هستند و منظور از بیماران روحی، ترانس سکشوال (خنثای روانی) است. در مورد مشروعیت یا جواز تغییر جنسیت خنثی ها، تقریباً دیدگاه مخالفی وجود ندارد و فقیهان شیعه و سنی در مشروعیت عمل

جراحی این عده متفق القولند.

اما در مورد تغییر جنسیت افرادی که در ظاهر، سالم هستند، ولی از نظر روحی، دچار اختلال هویت جنسی هستند، اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. اکثریت فقیهان شیعه با عمل جراحی این عده موافق و همه صاحب نظران اهل سنت با آن مخالفند. به نظر می‌رسد با توجه به «اضطرار» و «عسر و حرج» که این بیماران با آن مواجهند، و از آن جایی که راه درمان دیگری در حال حاضر برای آنان، جز تغییر جنسیت وجود ندارد، عمل جراحی تغییر جنسیت مجاز است.

در هر حال، عمل جراحی تغییر جنسیت، با بقیه عمل‌های جراحی تفاوت ماهوی و اساسی دارد. دلیل این امر، آن است که در مورد عمل‌های جراحی دیگر، مانند: عمل قلب، کلیه، چشم و مانند آن، هیچ اختلاف نظری وجود ندارد. به عبارت دیگر، همه صاحب نظران و حقوق دانان، اعم از شیعه و سنی و اعم از مسلمان و غیرمسلمان، معتقدند چنانچه عمل جراحی، ضرورت داشته باشد و بیمار راهی دیگر جز آن نداشته باشد، هیچ‌گونه ممنوعیتی در انجام عمل جراحی وجود ندارد؛ در حالی که در عمل جراحی تغییر جنسیت، مخالفان و موافقان زیادی وجود دارد؛ چه این که شخص با تغییر جنسیت، از جنسیت مردانه خارج و وارد جنسیت زنانه، و یا برعکس می‌شود. به دنبال این تبدل و تغییر، آثار اجتماعی، حقوقی و فقهی، متناسب با جنسیت جدید شخص نیز تغییر می‌کند. از این رو، لازم است این عمل جراحی، با دقت و کنترل ویژه همراه باشد تا عوارض منفی به دنبال نداشته باشد.

۲. پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق

در ابتدای این رساله، چندین پرسش به عنوان «سوالات اصلی تحقیق» مطرح شد. اینک بار دیگر، آن پرسش همراه با پاسخ مختصر آن بیان می‌شود:

سؤال اول: آیا تغییر جنسیت، تغییر در خلقت خداوند محسوب نمی‌شود؟

پاسخ: همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، یکی از اشکالات اصلی که در بحث تغییر جنسیت مطرح شده است، این است که تبدیل پسر به دختر و یا برعکس، تغییر در

ص: ۳۶۰

خلقت خداوند متعال است. به عبارت دیگر، این خدای بزرگ است که برخی را پسر و برخی را دختر می آفریند، آیا تغییر جنسیت، به معنای دست کاری در کار خداوند متعال محسوب نمی شود؟ برخی فقیهان شیعه و سنی به آیه ۱۱۹ سوره نساء استناد کرده اند (فلیغیرنَّ خلق الله).

به نظر ما، این آیه شریفه نمی تواند ناظر به بحث تغییر جنسیت باشد، بلکه با توجه به شأن نزول آیه، تفسیر این آیه از سوی ائمه علیهم السلام و کلام جمعی از مفسرین شیعه و سنی، خداوند متعال از کار گروهی از افراد مذمت و نهی می کند که برخی نعمت های حلال خداوند را بر خود حرام می کردند. برای مثال، هرگاه شتر ماده چند بچه می زائید، پس از به دنیا آمدن بچه پنجم، گوش شتر مادر را می بریدند یا چشم آن را در می آوردند و آن را در راه خداوند قرار می دادند! و آن گاه از سوار شدن بر آن و یا استفاده از گوشت شتر، خودداری می کردند. به عبارت دیگر، با این کار خویش، حلال خداوند را بر خود حرام می کردند. خداوند متعال از تشریح و بدعت گذاری آنان نهی شدید کرده و این کار آنان را یک عمل شیطانی و تغییر در خلق الله معرفی می کند.

مضافاً به این که اگر تبدیل و ایجاد دگرگونی در خلق خداوند متعال حرام باشد، لازم می آید که تمام تغییراتی که ابنای بشر در اشیای دنیا به وجود می آورند حرام و مصداق کار شیطانی باشد، در حالی که بطلان این سخن واضح بوده و هیچ کس بدان اعتقاد ندارد.

جمع کثیری از فقیهان شیعه معتقدند که تغییر جنسیت فی حد نفسه حرام نیست. تنها اگر حرمتی در میان باشد، به دلیل ملازمات حرام، مانند لمس حرام و نظر حرام است. در نتیجه، اگر بیمار، که خواهان تغییر جنسیت است به این عمل، اضطراب داشته باشد، به گونه ای که راه دیگری برای درمان وی، جز عمل جراحی تغییر جنسیت وجود نداشته باشد، تغییر جنسیت برای وی مجاز بوده و از جهت ملازمات حرام، برای وی منعی وجود ندارد.

سؤال دوم: وضعیت ازدواج پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین چگونه خواهد شد؟

پاسخ: از ارکان ازدواج آن است که دو نفر از جنس مخالف با یکدیگر پیمان نکاح ببندند. بنابراین، ازدواج «دو مرد» یا «دو زن» غیر شرعی و حرام است. به عنوان یک «قاعده کلی» می توان گفت: هرگاه پس از تغییر جنسیت، و در وضعیت جدید، موضوع ازدواج «مرد و زن» تغییر کند و به موضوع جدید «دو مرد» یا «دو زن» تبدیل شود، ازدواج سابق باطل و منحل خواهد شد و روابط زناشویی آن دو، مصداق هم جنس بازی (لواط یا مساحقه) خواهد بود.

پس اگر مرد به تنهایی، یا زن به تنهایی تغییر جنسیت دهد، ازدواج سابق باطل خواهد بود. نیز اگر هر دو تغییر جنسیت دهند، ازدواج سابق باطل خواهد بود و فرقی نمی کند که تغییر جنسیت آن دو، به صورت همزمان باشد یا غیر همزمان؛ اگر چه برخی فقیهان شیعه احتمال داده اند که چنان چه زوجین به صورت همزمان تغییر جنسیت دهند، ازدواج سابق هم چنان برقرار خواهد بود.

اما در برخی موارد، تغییر جنسیت یکی از زوجین، تأثیری در ازدواج ندارد. به عبارت دیگر، ازدواج سابق هم چنان دارای بقا و استمرار است. برای مثال، اگر شوهر که خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب مردانه) است تغییر جنسیت دهد و علائم و آثار جنس زن را حذف نماید، به مرد کامل تبدیل می شود. نیز اگر زوجه که خنثای غیر مشکل (با جنسیت غالب زنانه) است، تغییر جنسیت دهد و آثار و علائم جنس مرد را حذف نماید، به زن کامل تبدیل می شود. در این دو حالت اخیر، ازدواج سابق هم چنان برقرار است.

سؤال سوم: وضعیت مهریه، پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟ آیا زوجه می تواند مهریه خویش را مطالبه کند؟

پاسخ: گاه تغییر جنسیت در عقد دائم اتفاق می افتد و در مواردی ممکن است در عقد موقت، تغییر جنسیت روی دهد. در مورد تأثیر تغییر جنسیت در عقد دائم چهار احتمال بیان شد. یک احتمال که به نظر قوی تر می آید این است که چنان چه تغییر جنسیت یکی از زوجین، پس از دخول صورت گرفته باشد، تمام مهریه به نفع زوجه

ثابت است و چنان چه قبل از دخول، تغییر واقع شود، تنها پرداخت نصف مهریه لازم خواهد بود. این دیدگاه، متقن تر و موافق نظر مشهور فقیهان اسلامی و روایات کثیره است. البته دیدگاه دیگر که خالی از قوت و اتفاق نیست آن است که پرداخت کل مهریه مطلقاً واجب است، چه تغییر جنسیت قبل از دخول باشد و چه پس از آن.

مهریه در عقد موقت، برخلاف عقد دائم از ارکان مهم عقد است که براساس آن، مهریه در عوض «تمکین زوجه» است. اگر زوجه در بخشی از مدت عقد موقت، تمکین نکند، به همان میزان از مهریه کاسته می شود، ولی اگر زوج در عقد موقت، بقیه مدت را بذل کند، باید تمام مهریه را پرداخت کند. بر این اساس، اگر زوج در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، بایستی تمام مهریه را پرداخت کند؛ گویا که مدت را بذل کرده و از ادامه زندگی منصرف شده است و اگر زوجه در عقد موقت، تغییر جنسیت دهد، به مقدار زمان تخلف از میزان مهریه کاسته می شود.

سؤال چهارم: وضعیت نفقه زوجه پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین چگونه خواهد شد؟

پاسخ: هرگاه زوج یا زوجه تغییر جنسیت دهد و این تغییر جنسیت، واقعی باشد، طبیعی است که ازدواج سابق باطل می شود. احکام زوجیت، مانند نفقه به تبع موضوع (ازدواج سابق) از بین می رود؛ چه این که احکام، دائر مدار موضوعات هستند و با انتفای موضوع، حکم آن نیز از بین می رود. بنابراین، به عنوان یک «قاعدۀ کلی» می توان گفت: هرگاه «نکاح دائم» وجود داشت و علاوه بر آن، تمکین (عدم نشوز) نیز موجود باشد، «وجوب نفقه» به عنوان یک حکم شرعی ثابت است و هرگاه یکی از آن دو شرط از بین رود، وجوب اعطای نفقه نیز نفی می شود.

طبیعی است که پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، یکی از آن دو شرط، یعنی «ازدواج دائم» از بین می رود. بنابراین، نفقه نیز از بین خواهد رفت. مسأله «سقوط نفقه» به دلیل «تغییر جنسیت»، آن قدر بدیهی و روشن است که فقیهان شیعه از آن ذکری به میان نیاورده اند.

اما در برخی موارد، تغییر جنسیت، تغییری در مسأله نفقه به وجود نمی آورد، و آن در وقتی است که تغییر جنسیت، در استمرار و بقای ازدواج، تأثیری نداشته باشد. به عبارت دیگر، هرگاه پس از تغییر جنسیت یکی از زوجین، ازدواج سابق هم چنان استمرار داشته باشد. نفقه که یکی از آثار ازدواج دائم است نیز استمرار خواهد داشت. برای مثال، هرگاه زن پس از تغییر جنسیت به خنثای غیر مشکل با جنسیت غالب زنانه تبدیل گردد، ازدواج سابق و در نتیجه، نفقه نیز استمرار خواهد داشت.

سؤال پنجم: چنان چه مرد تغییر جنسیت دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست خواهد داد؟ چنان چه زن تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود آیا می تواند ولایت کودکان را به دست آورد؟

هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد، هیچ گاه بر کودکان ولایت پیدا نمی کند، بلکه با نبود پدر، ولایت برای جد پدری و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان بر عهده حاکم شرع خواهد بود.

اما هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد، عده ای معتقدند: ولایت وی بر کودکان ساقط خواهد شد، ولی به نظر می رسد تغییر جنسیت پدر، تأثیری در ولایت وی ندارد.

هم چنین تغییر جنسیت مادر، تأثیری در حق حضانت وی بر کودکان خردسالش ندارد. چون عنوان مادری از وی زایل نشده است اگرچه انوئیت (زن بودن) وی از بین رفته است و به مرد تبدیل شده است.

نیز عنوان پدر، پس از تغییر جنسیت عوض نمی شود و عرفاً شخص می تواند بگوید: این شخص پدر من است که تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است و فرض آن است که حضانت کودک به پدر از آن جهت که پدر است واگذار شده است. علاوه بر این، پدر از نظر شرعی، کسی است که فرزند از اسپرم وی به وجود آمده باشد و این امر با تغییر جنسیت، تغییر نمی کند؛ اگر چه از مفهوم ماده ۱۱۷۰ و ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران می توان استفاده کرد که پدر پس از تغییر جنسیت فاقد صلاحیت خواهد شد، مخصوصاً از آن جهت که پس از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، با مرد دیگری ازدواج کند.

سؤال ششم: عناوین نسبی پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد شد؟

پاسخ: منظور از «عناوین نسبی»، عناوینی مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و نیز پدر و مادر است. هرگاه برادر یا خواهر، عمو یا عمه، دایی یا خاله تغییر جنسیت دهد، انتساب یا «قربان نسبی» از بین نمی رود، بلکه نسبت میان آن دو عوض می شود و هر عنوان خانوادگی، به قرینه خودش تبدیل می شود؛ یعنی عنوان برادر به عنوان خواهر تبدیل می شود و برعکس. نیز عمو به عمه یا برعکس تبدیل می شود. نیز دایی به خاله یا برعکس تبدیل می شود.

اما تغییر جنسیت، تغییری در عنوان «فرزند» به وجود نمی آورد. چنانچه فرزند، تغییر جنسیت دهد، وی هم چنان فرزند همان پدر و مادر است. به عبارت دیگر، رابطه یا نسبت «پدر و فرزند» و نیز نسبت و رابطه «مادر و فرزند» در پیش و پس از تغییر جنسیت، تغییر نمی کند.

تغییر جنسیت پدر، وی را به عنوان «مادر» تبدیل نمی کند. نیز پس از تغییر جنسیت مادر، وی به عنوان «پدر» شناخته نمی شود، بلکه می توان گفت: پدر پس از تغییر جنسیت، عرفاً و شرعاً هم چنان پدر است، اگر چه به زن تبدیل شده است. نیز مادر پس از تغییر جنسیت، هم چنان مادر است، اگر چه به زن تبدیل شده است.

سؤال هفتم: وضعیت ارث پس از تغییر جنسیت چگونه خواهد بود؟

پاسخ: هرگاه فردی، جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا براساس جنسیت فعلی ارث می برد یا براساس جنسیت سابق؟ برای مثال، اگر پسری به دختر تبدیل شود، آیا سهم الارث وی به اندازه پسر است یا به اندازه دختر؟

همه فقیهان شیعه متفق القولند که ملاک ارث در این گونه موارد، جنسیت فعلی فرزندان است. بنابراین، دختر فعلی، نصف پسر فعلی ارث می برد.

هرگاه پدر تغییر جنسیت دهد و به زن تبدیل شود، زن فعلی چه میزان سهم الارث می برد، آیا براساس جنسیت فعلی یا براساس جنسیت سابق خویش. نیز هرگاه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل گردد، مرد فعلی چه مقدار سهم الارث از فرزند (میت) دریافت می کند؟

در مجموع سه احتمال داده شد. احتمال قوی آن است که اولاً: پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده، از فرزند (فوت شده) ارث می برد و رابطه توارث میان والدین و فرزندان قطع نمی شود. ثانیاً: میزان ارث پدر یا مادری که تغییر جنسیت داده است، براساس «زمان انعقاد نطفه» است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، دو سوم () است، هر چند بعداً به زن تبدیل شود و نیز برای مادر در حال انعقاد نطفه، یک سوم () است، هر چند بعداً به مرد تبدیل شود.

۳. مشکلات تحقیق

اشاره

هر تحقیق و پژوهش، مخصوصاً در سطح چهار (دکتری) مشکلات خاص خودش را دارد. در ذیل به مهم ترین مشکلات این رساله اشاره می شود:

الف) کمبود منابع

اگرچه فقیهان شیعه، بسیار بیش تر از فقیهان اهل سنت، درباره تغییر جنسیت اظهار نظر کرده اند، ولی مطالبی که از فقیهان شیعه در دست است، بیش تر به صورت استفتا یا «پرسش و پاسخ» است و تنها شش تن از فقیهان شیعه به صورت مبسوطتر درباره آن، مطالبی را به رشته تحریر در آورده اند، مانند: آیت الله سید محمد صدر، آیت الله محمد مؤمن، آیت الله سید محسن خرازی، آیت الله علی مشکینی و آیت الله محمد آصف محسنی و حجه الاسلام محمد قاننی.

طبیعی است موضوعی با این اهمیت، که از جمله مسائل مستحدثه (موضوعات نوپیدا) محسوب می شود، منابع بیش تری را می طلبد. امید است با توجه به زحمات و تلاش های گران سنگ فقیهان اسلام، توانسته باشم از عهده تحریر و تحقیق این رساله برآمده باشم.

ب) تغییر جنسیت به عنوان موضوع نوپیدا

اگرچه تغییر جنسیت، مباحث بسیاری از نظر فقهی و یا حقوقی در خود نهفته دارد، ولی از جهت دیگر، یک موضوع پزشکی محسوب می شود و پیشرفت های علم

جراحی، تأثیرات شگرفی در این زمینه به وجود آورده است. بنابراین، برای «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، موضوع شناسی یا تحریر موضوع، از اهمیت زیادی برخوردار است. به این منظور، با پزشکان، روان پزشکان، بیماران و خانواده های آن ها گفت و گو داشته، و در این باره گزارش ها و عکس هایی را تهیه کرده ام. برای پرهیز از اطاله کلام، تنها بخشی از گزارش ها و عکس ها در رساله آورده شد (به بخش ضمائم مراجعه فرمایید).

۴. پیشنهادات

الف) ضرورت شناخت ابعاد مختلف تغییر جنسیت

تغییر جنسیت، تنها در قالب مباحث فقهی و حقوقی، خلاصه نمی شود، اگرچه این رساله، بیش تر به این امر توجه داشت. به عبارت دیگر، این مسأله دارای ابعاد گوناگون دیگری مانند: جامعه شناسی، روان شناسی و پزشکی نیز هست. بنابراین، برای تبیین هر چه بیش تر این مسأله، لازم است به ابعاد مختلف آن توجه داشت، در غیر این صورت، نمی توان درک درستی از این پدیده داشته باشیم. از این رو، پیشنهاد می شود یک سازمان دولتی ویژه، به این امر اختصاص داده شود و عده ای از صاحب نظران در رشته های گوناگون، عضو آن باشند. وظیفه این نهاد قانونی، تدوین قوانین، آیین نامه و دستورالعمل های مربوط به تغییر جنسیت است. علاوه بر این، این نهاد رسمی مسئولیت نظارت و کنترل را نیز به عهده خواهد داشت.

اگرچه گفته می شود در پانزده سال گذشته حدود ۵۰۰ تغییر جنسیت در ایران صورت گرفته است، ولی هیچ آمار رسمی و دقیقی در این باره وجود ندارد. نیز هیچ آماری درباره تعداد بیماران دو جنسی و ترانس ها وجود ندارد. علاوه بر این، بیماران پس از تغییر جنسیت، به حال خود رها شده اند، و هیچ کنترل، نظارت و حمایتی در مورد آنان وجود ندارد. همه این نابسامانی ها با تعیین یک سازمان دولتی و قانونی، کاهش خواهد یافت.

ب) ضرورت تدوین قانون یا آیین نامه مربوط به تغییر جنسیت

فقیهان شیعه در رأس آنان مرحوم امام خمینی، مباحث فقهی مسأله تغییر جنسیت را از قبیل: جواز یا عدم جواز، تأثیر آن بر ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت و سرپرستی کودکان و عناوین خانوادگی بیان داشته اند. همین امر، پشتوانه شرعی و فقهی مهمی برای انجام عمل های جراحی تغییر جنسیت به وجود آورده است. با این وجود، مباحث فقهی فقیهان شیعه، در قالب مواد قانونی یا آیین نامه ویژه تنظیم نشده است.

تنها یک رویه قضایی در قانونی بودن این گونه عمل های جراحی، به وجود آمده است که بر اساس آن، افرادی که خواهان تغییر جنسیت هستند، پس از مراجعه به دادگستری تهران و سپس ارجاع آنان به پزشکی قانونی، چنان چه ضرورت این عمل برای آنان احراز شد، به پزشک جراح برای انجام عمل جراحی تغییر جنسیت ارجاع داده می شوند. پس از تغییر جنسیت، مدارک رسمی آنان مانند: شناسنامه، گواهی نامه راهنمایی و رانندگی و مدارک تحصیلی تعویض شده، و مدارک جدید با نام جدید شخص صادر می شود.

به نظر می رسد تنها رویه فوق، برای حل مشکلات حقوقی و اجتماعی افراد تغییر جنسیت یافته کافی نیست، بلکه با تدوین قانونی جامع، باید وضعیت حقوقی آنان را نظام مند ساخت.

ج) ضرورت پیشنهاد عناوین و موضوعات مرتبط

تغییر جنسیت از مسائل نو پیدا و جدید است که در قرن بیستم به وجود آمده هر روز بر ابعاد آن افزوده می شود. عنوان «تغییر جنسیت» یک عنوان عام و کلی است که ریز موضوع های گوناگون و متعددی را در بر می گیرد که در این رساله به مهم ترین آن توجه شده است. به نظر می رسد مجامع علمی حوزوی و دانشگاه ها، مخصوصاً واحد تدوین رساله، باید به عناوین جزئی تر این قضیه توجه کرده و از طریق واگذاری موضوعات و عناوین، در شکوفایی هر چه بیش تر این بحث کمک نمایند. البته منظور نگارنده، تنها بررسی فقهی یا حقوقی این مسأله نیست، بلکه لازم

است استادان و دانشجویان رشته های پزشکی، روان پزشکی و جامعه شناسی، به آن توجه خاص مبذول دارند.

(د) تشکیل نشست های علمی ویژه

تاکنون چندین سمینار در بحث دو جنسی ها، ترانس ها و تغییر جنسیت در شهرهای تهران، مشهد، گرگان برگزار شده است، ولی به دلیل ابعاد متنوع و گوناگون این موضوع، لازم است این گونه نشست ها و سمینارهای علمی، با حضور اساتید و صاحب نظران، از رشته های گوناگون و با حمایت های ویژه تشکیل شده و نتایج آن در قالب کتاب، مجموعه مقالات و گزارش در اختیار عموم قرار گیرد. تا کنون هیچ کتاب مستقل در بحث تغییر جنسیت نوشته نشده است. از این رو، اطلاعات عموم مردم و حتی افراد تحصیل کرده در این باره کم و ناچیز است.

(ه) ضرورت کار میدانی

پژوهش های مربوط به تغییر جنسیت، به دلیل ویژگی خاص آن، نیازمند کار میدانی است، در غیر این صورت، ابعاد گوناگون آن ناشناخته باقی خواهد ماند. برای این منظور، طلاب حوزه های علمیه و دانشجویان که در این زمینه تحقیق و پژوهش می کنند، لازم است از نزدیک با بیماران دو جنسی، ترانس ها و نیز پزشکان و روان پزشکان تعامل و گفت و گو داشته باشند.

ص: ۳۶۹

ضمائم

اشاره

ص: ۳۷۱

ضمیمه ۱: گفت و گو با برخی بیماران اختلال هویت جنسی

گزارش میدانی اول: گزارشی از یک مطب تغییر جنسیت

برای به دست آوردن اطلاعات کافی و لازم از افرادی که در ایران تغییر جنسیت می دهند، تصمیم گرفتم با تنی چند از این بیماران گفت و گو داشته باشم. برای این منظور از قبل با یکی از پزشکان جراح تغییر جنسیت هماهنگی کرده و از قم به تهران رفتم. یکی از بستگان نیز مرا در این سفر همراهی کرده و با یک دستگاه ضبط صوت کوچک و دوربین عکاسی وارد مطب شدم. قبل از من، مادر یکی از بیماران نیز وارد مطب شده بود. بتدریج بیماران اختلال هویت جنسی وارد سالن انتظار شده و تقریباً سالن از بیماران و همراهان پر شد.

افرادی که در سالن بودند، با قیافه و ظواهر گوناگون و گاه عجیب بودند. بعضی از آنان به درستی قابل تشخیص نبودند که آیا زن هستند یا مرد یا.....؟! نگاه های شک و تردید افراد حاضر نسبت به من، مرا زجر می داد تا این که دکتر جراح تغییر جنسیت وارد مطب شد و چون از قبل با من در یک همایش علمی آشنا شده بود، با من احوال پرسی گرمی داشت و ورود من را خوش آمد گفت. در واقع من اولین کسی بودم که وارد

مطب شدم و از فرصتی که به من داده بود تشکر کردم. او گفت: شما می توانید با تمامی بیماران من مصاحبه و گفت و گو داشته باشید. از مطب خارج شده و وارد سالن انتظار شدم. در این حالت، تقریباً نگاه های شک و تردید بیماران برطرف شده بود. با بیش تر افرادی که در سالن انتظار بودند، گفت و گو کردم که شرح آن را در ذیل می آورم.

مورد اول: برای شروع کار، کنار مرد جوانی نشستم که دفتری بزرگ در دست داشت و با قلمی که در دست داشت، مشغول نقاشی تصاویر زنان در حالت های مختلف بود. این مرد جوان، ریش و سبیل خود را از ته تراشیده، و موهای سر خود را همانند زنان بلند نموده، و نیز ابروهای خود را همانند زنان نازک کرده بود. به او سلام کردم و او با حجب و حیا جواب سلام مرا داد.

پرسیدم: چند سال داری؟

گفت: ۲۷ سال.

- اهل کجا هستی و وضعیت خانواده شما چگونه است؟

- اهل رشت هستم و ما مجموعاً ۱۲ خواهر و برادر هستیم؛ ۵ واهر و ۷ برادر، و من برادر سوم خانواده هستم.

- علت مراجعه شما به مطب جراح تغییر جنسیت چیست؟

- من اختلال جنسی دارم و برای تنوع هم که شده، می خواهم تغییر جنسیت بدهم.

- ممکن است بیش تر توضیح بدهی، آیا شما دو جنسی هستی؟!

- خیر؛ من دو جنسی (هرمافرودیت) نیستم. بلکه کاملاً پسر هستم، ولی هیچ علاقه ای به جنس مخالف (زن) ندارم، بلکه مرد را دوست دارم!

- آیا اعضای خانواده شما، مثل والدین و خواهر و برادر با تغییر جنسیت شما موافق هستند؟

- خیر، والدینم بشدت با من مخالفت می کنند. برادران و خواهرانم نیز مخالف تغییر جنسیت من بوده، و پیوسته مرا مسخره می کنند. آنان تهدید کرده اند اگر تغییر جنسیت

بدهم مرا خواهند زد! نیز هر گاه بخوام از شهرستان رشت به تهران، جهت معالجه بیایم، دندان درد و پر کردن دندان را بهانه می‌کنم. به هر حال، مصمم به تغییر جنسیت هستم.

- چرا به روان شناس جهت معالجه مراجعه نمی‌کنی؟

- به مدت ۲/۵ سال به روان پزشک مراجعه کرده‌ام، ولی هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ام.

- بعد از تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن، مشکلات روحی و روانی شما بیش از اکنون خواهد شد. آیا فکر می‌کنی که کار ما درست نباشد؟

- به هر حال، مشکلات روحی من بعد از تغییر جنسیت، کم‌تر از مشکلات روحی زمان فعلی خواهد بود.

این مرد در ادامه سخنانش گفت: همیشه مانتوی زنانه می‌پوشم و آرایش می‌کنم!!

مورد دوم: پسر جوانی بود که حدود ۲۵ سال سن داشت، موهای سر خود را همانند زنان بلند گذاشته و گردنبند طلایی نیز به گردن آویخته بود. او ریش و سیبیل خود را تراشیده و نیز مقداری آرایش کرده بود و کاملاً واضح بود که هنوز تغییر جنسیت نداده است. خواستم با او باب گفت و گو را باز کنم، بسیار عصبانی و ناراحت شد و با صدای بلند سخن می‌گفت، به گونه‌ای که توجه همه افرادی که در سالن انتظار نشسته بودند، به خود جلب کرد.

به او گفتم: من یک پژوهشگر هستم و درباره تغییر جنسیت تحقیق می‌کنم. شما اطمینان داشته باشید من مسؤول دولتی یا مأمور نیستم. بنابراین، می‌توانید با خیال راحت با من گفت و گو داشته باشید.

گفت: این گفت و گوها فایده‌ای به حال من ندارد. کسی مرا درک نمی‌کند و همه مرا مسخره می‌کنند. از درب منزل تا این جا، پیوسته مورد شتمات و مسخره مردم کوچه و بازار قرار گرفته‌ام.

در این حال، خانمی که خود از بیماران اختلال هویت جنسی بود به دفاع از من پرداخت و گفت: این آقا می‌خواهد به نفع شما کار کند، بنابراین، دلیلی ندارد که

عصبانی باشی! اما چیزی از عصبانیت این مرد کم نشد و در ادامه گفت:

همه پدرها و مادرها دوست دارند که فرزندشان مهندس و دکتر شوند، ولی من در ترم پنجم دانشگاه ترک تحصیل کرده ام. یک خانه اجاره ای تهیه کرده ام و اکنون تنها زندگی می کنم و بدون اطلاع پدر و مادرم می خواهم تغییر جنسیت بدهم.

به هر حال، گفت و گو با او به دلیل عصبانیت این شخص ادامه پیدا نکرد. در این هنگام خانمی که قبلاً از من دفاع کرده بود، خودش را به من رساند و گفت و گو با او را شروع کردم که در ادامه ملاحظه می کنید.

مورد سوم: این خانم که ل - ب نام دارد با روی گشاده به پرسش های ما پاسخ داد که خلاصه آن از این قرار است:

پرسیدم: مشکل شما چیست؟

گفت: من دو جنسی هستم.

- دقیقاً توضیح دهید.

- من دارای هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه بودم. البته آلت تناسلی مردانه کوچک بود که بیست سال پیش در لندن عمل کردم و بدین وسیله، آلت مردانه حذف شد و الان به عنوان یک زن هستم.

- سن شما چه قدر است؟

- ۴۵ سال دارم و دوبار ازدواج کردم. بار اول، شوهرم به دلیل عدم باروری بنده، مرا طلاق داد، در حالی که شدیداً به یکدیگر علاقه داشتیم. البته شوهر سابق من، از دو جنسی بودن من بی اطلاع بود. بعد از طلاق از شوهر سابقم، با مرد دیگری ازدواج کردم.

- آیا الان دارای فرزند هستی؟

- خیر، هنوز فرزند ندارم. اساساً دو جنسی ها یا کسانی که تغییر جنسیت می دهند، صاحب فرزند نمی شوند. جای نگرانی نیست. ما هم مثل خیلی از خانم هایی هستیم که بارور نمی شوند.

- آیا روند حقوقی یا قانونی برای تغییر جنسیت در ایران مورد تأیید شماست؟

- از نظر حقوقی هیچ مشکلی وجود ندارد. افرادی که دارای اختلال جنسی هستند، پس از کسب مجوز از پزشکی قانونی، می توانند تغییر جنسیت دهند.

وی در ادامه گفت و گو گفت: تنها تعداد کمی از کسانی که تغییر جنسیت می دهند، می توانند از نظر ازدواج، شغل، پذیرش اجتماعی و.... شانس داشته باشند. برخی از مردها، پس از تغییر جنسیت نمی توانند به عنوان یک زن ازدواج کنند، یا به عنوان یک زن پذیرش اجتماعی داشته باشند. یکی از دلایل این امر، آن است که هنوز حالت های مردانه در آن ها باقی مانده است.

مورد چهارم: خانمی با حجاب در گوشه ای از سالن نشسته بود. بعداً فهمیدم او یکی از مأموران زن زندان اوین است. پس از سلام و احوال پرسی از او پرسیدم:

ممکن است بفرمایید برای چه امری به مطب تغییر جنسیت آمده اید؟!

گفت: برای فردی به مطب مراجعه کرده ام که الان به جرم ولگردی دستگیر شده و مدت ۲ ماه است که در زندان اوین است.

- این شخص که دستگیر شده چه وضعیتی داشته است؟

این فرد قبلاً دوجنسی بوده، ولی ظاهری مردانه داشته و نامش حمید است. بعداً تغییر جنسیت داده و تبدیل به زن شده و اکنون نام شیوا را برای خود انتخاب کرده است.

- در چه سنی عمل تغییر جنسیت را انجام داده و دقیقاً بفرمایید از نظر جسمی چگونه بوده است؟

- در سن بلوغ، یعنی حدود ۱۵ سالگی، اختلال جنسی او بیش تر آشکار می شود از نظر جنسی، هم آلت مردانه و هم رحم داشته است، اما آلت مردانه او ضعیف و کوچک بوده و با عمل جراحی برداشته شده و الان جنسیت زنانگی او تقویت شده است و همان طور که عرض کردم نام جدید شیوا را برای خود انتخاب کرده است.

- علت دستگیری او چیست؟

- چون هنوز ظاهر مردانه دارد، با تعدادی از دخترها در خیابان حرکات نامناسبی از

خود نشان می‌داده است. از این جهت، نیروی انتظامی به جرم ولگردی و رفتار خلاف عفت عمومی او را دستگیر کرده است. در واقع، ما الان برای گرفتن گواهی پزشک مراجعه کرده ایم تا برای قاضی ثابت کنیم که او مرد نیست، بلکه زن است، تا در نهایت بتوانیم او را از زندان آزاد کنیم.

مورد پنجم: در گوشه‌ای از سالن انتظار، مادری پیرنشسته بود که آثار غم و اندوه از چهره اش نمایان بود. در کنار او فرد جوانی با موهای بلند، ریش و سبیل تراشیده که حدوداً ۲۵ سال داشت، نشسته بود. وی حدود سه هفته قبل، عمل جراحی تغییر جنسیت را انجام داده بود. در وضعیت جدید و از نظر ظاهر نمی‌توان تشخیص داد که زن است یا مرد! ولی شباهت زیادی به زن داشت. نام فعلی او آیدین است و از نام قبلی او که پسر بوده، چیزی به دست نیاوردم. وی فعلاً دانشجوی است و از این که تغییر جنسیت داده خوشحال بود. او می‌گفت: برای این کار، یعنی تغییر جنسیت، پدر و مادرم رضایت داده‌اند و از نظر اجتماعی مشکل نخواهم داشت.

مورد ششم: پسری را دیدم که حدود ۲۲ سال سن داشت. ریش و سبیل خود را تراشیده و موهای سرش را بلند کرده بود. یکی از ویژگی‌های او این بود که همانند زنان دارای سینه بود. دلیل این امر، استفاده از هورمون‌های زنانه قبل از عمل جراحی است. از او خواستم که کنارم بیاید تا باب‌گفت و گو را باز کنیم. با خوش رویی پذیرفت که خلاصه آن را در زیر می‌آوریم:

پرسیدم: شغل شما چیست؟

گفت: من دانشجوی دانشگاه آزاد تهران هستم.

- برای چه به مطب تغییر جنسیت مراجعه کرده‌اید؟

- برای تغییر جنسیت، و تبدیل شدن به زن مراجعه کرده‌ام.

- در حال حاضر، روند کار شما چگونه است؟

- پس از چند سال تلاش و پی‌گیری موفق شدم موافقت پزشکی قانونی را به دست آورم.

حدوداً ده روز دیگر عمل خواهم کرد.

- آیا والدین شما با تغییر جنسیت شما موافق هستند؟

- والدینم موافق هستند. آن‌ها به خوبی مشکل اختلال هویت جنسی مرا درک کرده‌اند. بنابراین، مشکلات من نسبت به دیگران، که والدین آنان مخالف تغییر جنسیت هستند، کم‌تر است. حتی از نظر ادامهٔ تحصیل مشکل نخواهم داشت. نهایت این است که پس از تغییر جنسیت، از دانشگاه آزاد واحد برادران، به دانشگاه آزاد خواهران منتقل خواهم شد. فکر می‌کنم چون بدنم همانند زنان ظریف است، بعد از تغییر جنسیت می‌توانم به عنوان یک زن در جامعه زندگی کنم!

مورد هفتم: مردی ۶۰ ساله را دیدم، در کنار او نشستم و باب گفت و گو را باز کردم.

پرسیدم: ممکن است بفرمایید برای چه به مطب تغییر جنسیت مراجعه کرده‌اید؟

گفت: دختری از بستگان من، می‌خواهد تغییر جنسیت بدهد. برای مشاوره و تأیید نهایی، پیش پزشک جراح آمده‌ام.

- این دختر چند ساله است و از چه مدت متوجه شده‌اید که او تراجنسیتی (ترانس سکشوال) بوده و نیازمند تغییر جنسیت است؟ آیا این بیمار، دو جنسی (هرمافروdit) است؟

- خیر. از نظر جسمی و ظاهری کاملاً زن است، ولی از نظر روحی و فکری دچار اختلال هویت جنسی است. به عبارت دیگر، زن بودن خودش را قبول ندارد و مایل است هر چه زودتر، با عمل جراحی به مرد تبدیل شود.

آیا والدین او، با تغییر جنسیت وی موافق هستند؟

پدرش مرحوم شده، ولی مادرش با این عمل موافق است.

مراحل قانونی که شما طی کرده‌اید چگونه بوده است؟

- به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌ایم و در این باره ۱۰ جلسهٔ کمیسیون پزشکی منعقد شده است و در نهایت با تغییر جنسیت او موافقت شده است.

- آیا فکر می‌کنید از نظر اجتماعی، بیمار می‌تواند بعد از تغییر جنسیت جایگاه

- مطمئناً از نظر اجتماعی، فشارهای زیادی وجود دارد. به هر حال، به مدت ۲۰ سال به عنوان زن در جامعه شناخته شده است و الان به یک باره می خواهد به عنوان مرد وارد اجتماع شود. افراد جامعه گاه با تمسخر و انگشت نما کردن، با او برخورد می کنند، ولی این نکته را نباید از نظر دور داشت که برخی افراد که دچار اختلال هویت جنسی هستند، به اجبار به ازدواج تن می دهند، ولی این ازدواج ناکام است و به طلاق منجر می شود. بنابراین، لازم است با تبلیغات صحیح و با آزمایشات لازم قبل از ازدواج، جنسیت واقعی افراد را روشن ساخت.

مورد هشتم: خانمی ۵۰ ساله آخرین فردی است که در این جا از او یاد می کنیم. این خانم حدود یک ساعت و نیم با من گفت و گو و درد دل کرد. وی گاه گاهی به شدت گریه می کرد سخنان او از درد جانکاه حکایت می کرد. او از آزادی بی حد و حصر برای گرفتن مجوز تغییر جنسیت شکایت داشت. گوشه ای از سخنانش را در زیر می خوانید:

- من دارای دو فرزند پسر هستم. پسر بزرگم علی رضا، ۲۷ ساله و از نظر جسمی هیچ مشکلی نداشت. او کاملاً مرد و دارای ریش و سبیل بود. البته وقتی در سنین کودکی بود، بیش تر دوست داشت عروسک بازی کند. هم بازی های، بیش تر دخترها بودند. اما بتدریج این حالت از بین رفت و مشکل چندانی نداشتیم. اما در این چند ساله اخیر وضعیت او تغییر کرد. همیشه حالت های او را در نظر داشتم. در یک روز، حالت عجیبی از او دیدم. جریان از این قرار بود که در یک روز خواستم برای او حوله حمام ببرم، نگاهم به بدنش افتاد، دیدم همانند زنان، پستانش بزرگ شده است! پس از چندی، اتومبیل سواری خویش را فروخت و با پول آن، عمل جراحی کرد و تغییر جنسیت داد. او اکنون نام سپیده را برگزیده و حتی از طریق اداره ثبت احوال، شناسنامه خویش را عوض کرده است.

گزارش میدانی دوم: چند گفت و گوی دیگر

در ادامه، چند گزارش کوتاه از تعدادی از بیماران اختلال هویت جنسی یا تراجنسیتی می آورم که در زمان های مختلف و در طی سال های گذشته با آنان گفت و گو داشته ام.

مورد اول: جوانی حدود ۲۵ ساله تماس تلفنی گرفت و اصرار داشت که بنده را ملاقات کند تا بتواند پاسخی برای پرسش های خود بیابد. در قرار معین از تهران به قم به دیدنم آمد. وی که پسری بسیار مؤدب، خوش رو و منطقی بود، خود را دانشجوی زبان انگلیسی معرفی کرد.

گفت: من دانشجوی زبان هستم که تا چند ماه آینده مدرک کارشناسی ارشد خود را خواهم گرفت، اما یک بیماری جانکاه و سخت مرا رنج می دهد. این بیماری عبارت است از عدم تطابق جنسی. من میان زمین و آسمان قرار گرفته ام و آرزو می کنم سرطان مغز گرفته تا از این بیماری نجات پیدا کنم! اگر خودکشی از نظر اسلام جایز بود، مدت ها پیش خودکشی کرده بودم، اما می دانم خودکشی از گناهان کبیره است و من از عذاب آخرت بیمناکم. قرآن شریف می فرماید: ما برای شما جفت آفریدیم، به نظر شما جفت من کیست تا بتوانم با او ازدواج کنم!؟

گفتم: آیا شما دو جنسی هستی!؟

- خیر. من پسر هستم و از نظر ظاهر و جسمی هیچ فرقی با مردان دیگر ندارم، الا این که من زنی هستم در پیکر مرد! روح من در پیکر مردانه من اسیر شده است.

- آیا شما محتلم می شوی!؟

- آری.

- پس شما مرد هستی.

- خیر. من در نقش یک زن محتلم می شوم. گویا که با یک مرد ازدواج کرده ام....

- چرا از طریق روان پزشکی، به معالجه خویش نمی پردازی!؟

- یش از دو سال به مهم ترین روان شناسان مراجعه کرده ام، ولی وضعیت من بهتر نشده، بلکه بدتر شده و اعضای بدن من مثل کلیه آسیب دیده است. حتی برای معالجه خویش به هیپنوتیزم متوسل شده ام، ولی هنوز کوچک ترین درمان حاصل نشده است. آیا در چنین حالت، از نظر اسلام مجاز به تغییر جنسیت هستم؟

- برای شما چنین مجوزی از نظر امام خمینی و بسیاری از مراجع فعلی وجود دارد.

شرعاً تغییر جنسیت برای شما جایز است، اما باید توجه داشته باشی که بعد از تغییر جنسیت، یک سری مشکلات جدید برای شما ظاهر خواهد شد. مثل: مشکل ادامه تحصیل، شغل، ازدواج، عدم پذیرش اجتماعی و بالاخره این که بعد از تغییر جنسیت، عقیم خواهی شد و نمی توانی صاحب فرزند شوی.

- در هر حال، تمام مشکلاتی که شما بر شمردید، از مشکل فعلی من یعنی عدم تطابق جنسی کم تر است. حتی حاضرم پس از تغییر جنسیت به خارج کشور سفر کرده، تا از بسیاری از مشکلات و ناراحتی های پس از تغییر جنسیت نجات پیدا کنم.

این ملاقات به پایان رسید، ولی ارتباط دوستانه ما از طریق تلفن و نامه ادامه پیدا کرد و هر بار از بیماری جانکاه خویش یعنی عدم تطابق جنسی شکایت داشت. در ذیل بخشی از نامه این بیمار تراجنسیتی را می خوانیم:

از این حرف ها که بگذریم وضعیت خودم چندان تغییر نکرده. باز هم همان کلاف سردرگم ام که به هر جا می رود باز هم به سر خوان اول بر می گردد. هر چه می گذرد برایم بیش تر جا می افتد که من نباید تغییر جنسیت بدهم؛ آن هم به خاطر خانواده ام. چون باور کنید نه توان ایستادن در برابر آن ها را دارم و نمی توانم قلبشان را بشکنم، یا با آبرویشان بازی کنم، و گرنه تغییر جنسیت برای یک تراجنسیتی همیشه به نظرم منطقی ترین راه می آمده است.

اما مشکل من منطقی نیست. چیزی را که به دنبال دانستنش هستم منطقی و عقل نیست؛ چون عقل و منطق آدم محدود به تجربه و مکان و زمان است. جواب را از فقه هم نمی توانم بگیرم؛ چون فقه هم مبتنی بر عقل و منطق است. بگذارید مثالی بزنم. مثلاً اگر کسی از کسی طلبی داشته باشد، می تواند سر موعد مقرر، طلبش را از طرف بدهکار بگیرد، حتی اگر مرد بدهکار ناچار شود برای پرداخت این بدهی از شام شبش هم بگذرد. از نظر فقه این کار مرد طلب کار، اشکالی ندارد و کار او مصداق فعل حرام نیست، اما از دید معرفت چطور؟ آیا در حقیقت کار آن فرد، کار درستی بوده؟!

در مورد عمل تغییر جنسیت، افراد تراجنسیتی هم همین طور ممکن است فقه بگویند

عمل تغییر جنسیت برای این افراد مجاز است، اما آیا در حقیقت این کار، کار درستی است؟ و آیا دخالت در آفرینش و حکمت خداوندی به شمال نمی آید؟ چه تضمینی وجود دارد که نشان دهد خداوند از عمل تغییر جنسیت قهرش نمی گیرد؟ فقه حکم به عقل و ظاهر می دهد، اما معرفت الهی چطور؟ اگر خدا می خواست من زن باشم پس چرا مرا مرد خلق کرد؟! اگر مرا مرد خلق کرد، چرا تمام احساسات و افکار مرا زنانه قرار داد؟! مگر نه این که هیچ چیز از مشیت و اراده او خارج نیست؟ از یک سو می گوید: برای هر چیز جفتی خلق کردیم و از سویی برای خود هیچ جفت مشروعی نمی بینم. از یک سو تلاش می کنم که مرد باشم و از یک سو، آن کسی که در خانه دل و روحم ساکن است، زنی است اسیر شده در قالب جسم. از سوی دیگر، به من این همه نیروی جنسی داده و از یک سو مجبورم آن را تا آخر عمر سرکوب کنم و نادیده بگیرم. گاهی وقت ها این تناقض آن قدر زیاد می شود و گاهی وقت ها آن قدر احساس اسارت و سرکوفتگی و سرکوب شدگی می کنم که فکر می کنم به هر قیمتی شده باید خانواده ام را متقاعد کنم که به مشکل من تن بدهند و راضی شوند که من عمل تغییر جنسیت را انجام بدهم. اما دقیقاً در همان لحظه به خودم نهیب می زنم که مبادا انجام تغییر جنسیت موجب قهر الهی شود. از خودم می پرسم چرا خدا نخواسته که من زن خلق شوم. به خودم می گویم حکم فقه، ممکن است برای شرایط اضطرار ظاهراً صحیح باشد، اما آیا به حقیقت و ماورای این جریان نیز توجه کرده است. به همین خاطر فکر می کنم چقدر نیاز دارم از آن بالا مستقیماً به من وحی شود که چه کاری در حقیقت درست است و کدام راه به صراط مستقیم ختم می شود... بعضی وقت ها دوست دارم از زور خستگی به خواب ابدی فرو بروم..... امضاء

م - ش

مورد دوم: خانمی به بنده مراجعه کرد که می خواست برخی پرسش های شرعی خویش را با من در میان گذارد. وی که قبلاً تغییر جنسیت داده بود به من گفت: من قبلاً شما را در مطب تغییر جنسیت دیده ام و با شما گفت و گویی نیز داشته ام!

ص: ۳۸۳

هر چه فکر کردم، چیزی به خاطر نمی‌آمد. بعداً متوجه شدم این شخص، همان دانشجوی پسر دانشگاه آزاد است که پیش تر در گزارش میدانی اول، درباره اش توضیحاتی دادم. به راستی بعد از تغییر جنسیت چهره اش تغییر کرده و همانند یک زن شده بود، پس از طرح سؤالات خویش، و پاسخ آن‌ها از اینجانب، از او پرسیدم:

چرا تغییر جنسیت دادی؟

گفت: من دچار اختلال هویت جنسی بودم. برای مثال، وقتی به حرم امام رضا (علیه السلام) مشرف می‌شدم نمی‌دانستم به قسمت مردانه بروم یا قسمت زنانه؟! و یا وقتی به امام زاده یحیی (علیه السلام) می‌رفتم، کلاف سردرگم بودم، نمی‌دانستم به کدام قسمت بروم، قسمت مردانه یا زنانه؟! واقعاً کسی نمی‌تواند این بیماری، یعنی عدم تطابق جنسی را درک کند.

- در حال حاضر، و پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی داری؟

- واقعاً از آن بحران سابق نجات پیدا کردم. روح من زنانه است و جسم من پس تغییر جنسیت زنانه شده است و من از دردی جانکاه نجات پیدا کردم. اگر توانستم ازدواج می‌کنم، اگر نتوانم، لااقل زندگی راحت و آرامی خواهم داشت.

مورد سوم: مردی به اتفاق عده ای از همراهان خویش به ملاقاتم آمد. وی که دارای ریش و سیل بود، توسط یکی از همراهان به عنوان بیمار TS یا تراجنسیتی معرفی شد.

گفتم: پس ایشان خواهان تغییر جنسیت و تبدیل شدن به زن است؟!

گفت: خیر. ایشان زن بوده و پس از تغییر جنسیت، به مرد تبدیل شده است!!

واقعاً از این جریان تعجب کردم. از نظر ظاهری به هیچ وجه قابل تشخیص نبود. وی معتقد بود که از ابتدا دارای روحی مردانه در جسمی زنانه بوده است، و اکنون پس از تغییر جنسیت، از آن رنج جانکاه نجات پیدا کرده است. وی گفت: پس از تغییر جنسیت، با خانمی ازدواج کرده ام و حتی همسرم و خانواده ایشان از وضعیت من خبر داشته و با اراده کامل با ازدواج با من موافقت کرده اند!

مورد چهارم: خانمی که خود را بیمار تراجنسیتی معرفی کرد در مورد نحوه نماز و حجاب خویش پرسش‌هایی مطرح کرد. وی که حدود ۲۲ سال سن داشت، گفت:

ص: ۳۸۴

از کودکی خودم را پسر می دانستم و دچار عدم تطابق جنسی بودم. از ابتدا فکر نمی کردم که این امر، نوعی بیماری است، ولی بتدریج و با مطالعاتی که انجام دادم، متوجه بیماری روحی خویش شده، ولی هنوز معالجه نشده ام. با توجه به این که من از نظر روحی، مرد هستم و از آن جایی که اسلام به روح بیش از جسم اهمیت می دهد، آیا می توانم بدون حجاب و به عنوان مرد در انظار عمومی ظاهر شوم؟!

گفتم: احکام و مسایل شرعی براساس ظاهر جسمی افراد است. از آن جایی که شما از نظر جسمی، همانند زنان هستی، بنابراین، حکم زن را دارا بوده و باید مانند بقیه زنان پوشش اسلامی را رعایت کنی.

- پوشش اسلامی واقعاً برایم سخت است، البته نه از این نظر که با این حکم اسلامی مخالف باشم، بلکه از نظر روحی و به دلیل ابتلا به بیماری تراجنسیتی نمی توانم آن را بپذیرم. در هنگام خواندن نماز، چه روشی را اتخاذ کنم؟

- استفاده از چادر برای نماز ضرورت ندارد. در صورتی که بتوانید پوشش کامل را رعایت کنی، نماز خواندن شما بدون اشکال است.

- در هنگام خواندن دعا یا قرائت قرآن کریم چه طور؟ آیا حجاب ضرورت دارد؟

- در صورتی که نامحرم شما را نمی بیند و مثلاً در خانه هستی، در هنگام دعا خواندن و قرائت قرآن کریم، رعایت حجاب ضرورت ندارد.

مورد پنجم: خانمی به بنده زنگ زد و خواست که از نزدیک برخی مشکلات خویش را با من در میان گذارد. وی ۵۰ سال داشت که پیش تر مرد، راننده تریلی و صاحب همسر و دو فرزند دختر و یک فرزند پسر بوده است، و به دلیل بیماری تراجنسیتی تغییر جنسیت داده بود.

وی گفت: پس از تغییر جنسیت از همسرم جدا شدم، ولی مهریه او را پرداخت کردم. بعد از مدتی با مردی ازدواج کردم و زندگی آرامی داشتم و از این که به عنوان زن، زندگی جدیدی را شروع کرده بودم خوشحال بودم. اما این ازدواج پس از یازده ماه به جدایی انجامید. جریان از این قرار بود که شوهرم که تا این مدت از مسأله تغییر

جنسیت بنده بی خبر بود، از طریق یکی از همسایه ها از ماجرا آگاه شد. همین امر به جدایی ما انجامید.

او از تغییر جنسیت خویش و از راهی که انتخاب کرده بود ناراحت نبود. حتی دو بار ازدواج ناکام، او را افسرده نساخته بود. ناراحتی او از آن جهت بود که شغل خویش (رانندگی تریلی) را از دست داده بود. او می خواست همانند سابق، به عنوان راننده تریلی (ترانزیت) کار کند، اما هیچ شرکتی حاضر نبود او را به این کار گمارد. او می خواست در آمدی کسب نماید تا بتواند همانند گذشته، از فرزندان خویش حمایت مالی نماید.....

مورد ششم: خانمی انگلیسی از لندن و از طریق ایمیل تماس گرفت. او از این که می دید فقهای اسلام و در رأس آنان مرحوم امام خمینی با تغییر جنسیت مخالفتی ندارند، تعجب می کرد و از تئوری این جانب - حق تغییر جنسیت برای بیماران اختلال هویت جنسی به عنوان حقی از حقوق بشر - شدیداً جانبداری می کرد و خواهان ملاقات و مصاحبه با نگارنده بود. اگر چه هنوز به ایران نیامده است، ولی اطلاعات نسبتاً مفیدی از تغییر جنسیت و بیماران اختلال هویت جنسی از کشور انگلستان برایم ارسال داشت. از جمله این که از نظر کلیسای مسیحی، تغییر جنسیت حرام است؛ چون این کار از نظر کلیسا، تغییر در خلقت خدا محسوب می شود!

بعدها و از طریق برخی دوستان متوجه شدم این خانم که عکس خویش را نیز برایم فرستاده است و مدافع سرسخت تغییر جنسیت است، خود قبلاً مرد بوده و به زن تغییر جنسیت داده است!!

۱. اولین تغییر جنسیت در ایران

اولین تغییر جنسیت در ایران حدود سال ۱۳۰۹ شمسی اتفاق افتاد که براساس آن مردی به زن تبدیل شد. این مطلب را عیناً از یکی از روزنامه‌ها نقل می‌کنیم:

ورق زدن جراید مربوط به حوادث خارق العاده تهران قدیم، در اغلب موارد جالب و حیرت آور است. ۷۵ سال پیش را به خاطر آورید و پسرک روزنامه فروشی را که می‌دود و خاک و خل بلند می‌کند و فریاد می‌کشد: روزنامه، روزنامه.... آخرین خبر.... او با همهٔ توان و انرژی خبرهای دسته اول آن روز را فریاد می‌کشد و به دنبال مشتری است.

همین تک تصویر به اضافهٔ شور و هیجان آن پسرک در زمینه سیاه و سفید خیابان اصلی شهر می‌تواند انگیزهٔ مناسبی برای مرور اخبار گذشته یک پایتخت باشد، اما اگر هنوز متقاعد نشده‌اید که زحمت خواندن این ستون را به خود بدهید به این تک تصویر، یک جمله دیگر هم اضافه کنید. مثلاً این بار بشنوید که پسرک می‌دود و فریاد می‌کشد: «آخرین خبر... مردی که با عمل جراحی زن

شد.....» حالا اگر تمایل دارید، می توانید بروید و آن روزنامه را بخوانید.

در هفته اخیر یک عمل جراحی مهم در مریض خانه دولتی شده است که نه فقط در ایران بی نظیر است، شاید در نقاط دیگر دنیا هم به این ترتیب بی سابقه است. این عمل جراحی فصل جدیدی در تاریخ طبی و صحت مملکت باز و شایان دقت و توجه علما است. شایسته است که در کنفرانس ها و شوراها صحتی از نقطه نظر علمی مورد بحث قرار گیرد. عمل جراحی مزبور به وسیله آقای دکتر خلعتبری، جراح مریض خانه دولتی که تاکنون امتحانات خوبی در این کار داده اند به معرض عمل قرار گرفته و با موفقیت انجام یافته است.

جوانی ۱۸ ساله برای یک عمل جراحی عجیب یعنی تغییر جنسیت از رجلیت به انائیت [از مردی به زنی] به مریضخانه دولتی مراجعه کرده است. نه فقط فکر این جوان عجیب بوده، بلکه از حیث خلقت نیز عجیب و ناقص بوده است. او از حیث هیكل، قیافه و استخوان بندی یک مرد کامل العیاری است، اما احساسات و نشانه های انائیت [زن بودن] بیش تر بر او غلبه داشته است و به این جهت علاقه مند بوده است زن شود.

آقای دکتر خلعتبری چند روزی او را معطل نگاه می دارد تا این که مراسله ذیل را به مریضخانه نوشته و شخصاً حاضر می شود که جواب نفی و اثبات آن را گرفته و خیال خود را به اجرا بگذارد.

این جانب به طیب خاطر بدون این که دارای اختلال حواس باشم حاضریم که مرا عمل کرده و از حالت مردی مرا تبدیل به زن کنید و اگر هم مرا عمل نکنید، خودم را خواهم گشت. (۱) محل امضا: کبری

۲. اولین تغییر جنسیت در انگلستان

اولین عمل تغییر جنسیت در فاصله سال های ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸ میلادی در انگلستان انجام شد. «لورا دیلون» (۲) دختر یک اشراف زاده ایرلندی بود که از کودکی رفتارهای پسر مابانه

ص: ۳۸۸

۱- (۱) مردی که زن شد، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴.

۲- (۲) Laura Dillon.

شدیدی از خود بروز می داد. با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ م. از زنان برای شرکت در پشت جبهه دعوت به عمل آمد و «لورا» نیز برای کار به یک شرکت تعمیر خودرو رفت. در آن جا با او همانند یک مرد رفتار می شد و او نیز بدون هیچ مشکلی از پس نقش مردانه خود بر می آمد. در سال ۱۹۴۲ م. «لورا» مطلبی در مورد «آرکی بالدمکلندو»^(۱) که یک جراح پلاستیک بود مطالعه کرد. «مکلندو» در زمینه درمان خلبانان و خدمه هواپیماهایی که در حین نبرد دچار سوختگی های بسیار شدیدی شده بودند، روش های تحول آمیزی را ارایه کرده بود. «لورا» به او نامه نوشت و از او خواست در صورت امکان به او در تغییر جنسیتش کمک کند. «مکلندو» نیز پذیرفت، اما در عین حال به «لورا» گفت که چنین تغییری ممکن است مستلزم سال ها عمل جراحی های دردناک باشد. پیش از ساختن آلت مردانه برای «لورا» او اول تحت عمل پستان برداری و رحم برداری قرار گرفت. پس از اتمام این عمل ها «لورا» تقاضای تغییر شناسنامه کرد و نامش را به «مایکل دیلون» تغییر داد. مایکل پس از آن به کالج ترینیتی^(۲) دوبلیز رفت و در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد و سپس در یک کشتی به عنوان جراح مشغول به کار شد.

در انگلیس دو ناشر اقدام به چاپ کتابی با عنوان «کی چه کسی است؟» به زندگی لُردها و دوک های انگلیس پرداختند. در این میان، یک روزنامه نگار تیزبین متوجه شد که در سال ۱۹۴۰ م. در خاندان «دیلون» دختری به نام «لورا» وجود داشته که در سال ۱۹۵۰ م. کشتی مایکل به بندر نیویورک رفت در آن جا عکاسان و روزنامه نگاران فراوانی منتظر او بودند. بدین ترتیب، راز او برملا شده بود. اما ناخدای کشتی قول داد تا از او در برابر مطبوعات محافظت کند و به همین دلیل، او را به هند رساند. «مایکل» در هند به کوه های هیمالیا رفت و در آن جا به یک روحانی بودایی تبدیل شد و در سال ۱۹۶۹ م. در همان جا در گذشت.

در فاصله سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ م. افراد بیش تر برای تغییر جنسیت خود، به

ص: ۳۸۹

۱- (۱) . Archibald McIndoe

۲- (۲) . Trinity

پزشکان و جراحان مراجعه می کردند. در سال ۱۹۶۳ م. «اپریل اشلی»^(۱) که یک تراجنسیتی XY (خنثای روانی) بود با «آرتور کوربت»^(۲) ازدواج کرد. پس از این که خانواده آرتور متوجه شدند اپریل قبلاً مرد بوده خواستار فسخ ازدواج آن ها شدند. پرونده این دعوا توسط قاضی «اورمورد»^(۳) مورد قضاوت قرار گرفت و این قاضی با استناد به این که «اپریل» از لحاظ کروموزومی مرد است، حکم به فسخ پیوند زناشویی آن ها داد. این قاضی عنوان داشت که غدد جنسی «اپریل» توسط عمل جراحی زنانه شده اند و او از لحاظ روانی تراجنسیتی به شمار می آید. از زمان صدور این حکم به بعد تراجنسیتی های انگلیسی حقوق قانونی خود را از دست دادند. اگر در شناسنامه کسی قید شده بود که او مرد است آن فرد صرف نظر از ظاهرش، از لحاظ قانونی مرد به حساب می آمد و در این میان، خصوصیات روانی او نیز مورد توجه قرار نمی گرفت. همین حکم هم برای زنان صدق می کرد.

چنین وضعیتی گاهی به پیچیدگی های باور نکردنی و گاه تکان دهنده ای منجر می شد. وقتی یک فرد تراجنسیتی تقاضای کار می کرد، ناچار بود شناسنامه ای را نشان دهد که از جنسیتی مخالف آن چه که از او دیده می شد، گواهی می داد.

همین امر به طور اجتناب ناپذیری به تبعیض های شغلی منجر می شد. تراجنسیتی هایی که به زندان فرستاده می شدند، باید به زندان هایی می رفتند که مطابق با جنسیت شناسنامه ای آن ها بود. از این دست داستان های تکان دهنده ای در مورد فرستادن تراجنسیتی های XY به زندان های مردانه، وجود دارد. تراجنسیتی ها بر خلاف سایر هم وطنان شان از حقوق زندگی خصوصی قید شده در کنوانسیون حقوق بشر اروپا محروم شدند. این بدان معنا بود که هر رسانه ای می توانست بدون نیاز به جبران خسارت، اسرار زندگی خصوصی تراجنسیتی ها را برملا کند. هر گاه عکس یک فرد تراجنسیتی در صفحه اول روزنامه ای به

ص: ۳۹۰

۱- (۱) .April Ashley

۲- (۲) .Arthur Corbett

۳- (۳) .Ormord

چاپ می رسید، همسایه ها شروع به آزار و اذیت آن فرد می کردند.

در اواخر دهه هشتاد دولت انگلیس پی برده بود که باید در قبال مشکلات تراجنسیتی ها اقدام صورت گیرد، اما باز هم ترجیح داد این موضوع دست نخورده بماند. تا آن زمان تراجنسیتی ها به عنوان هم جنس گرا و یا افراد دارای انحراف جنسی تلقی می شدند، اما پس از آن کم کم معلوم شد که در پشت این اختلال هویت جنسی، دلایل علمی و بیولوژیکی نهفته است. پزشکان هلندی مغز یک تراجنسیتی متوفی XY را مورد بررسی قرار دادند و پی بردند که غده هیپوتالاموس مغز او شبیه غده هیپوتالاموس مغز یک زن است و از این لحاظ به مردان شباهتی ندارند. در همین حال، تلقی عموم مردم از افراد تراجنسیتی در حال تغییر بود و درک عمومی از این بیماری رو به ارتقا بود. یک سلسله پرونده ها در دادگاه حقوق بشر اروپا، بحث را به روزنامه های انگلیس گشاند. اگر چه در این دعوا، دولت انگلیس برنده شد، اما قضات بر این عقیده بودند که انگلستان باید به کلیت موضوع تراجنسیتی و قانون توجه کند. سپس در سال ۲۰۰۲ م. دولت انگلیس اعلام کرد که مشاوره هایی را به منظور به تصویب رساندن «قانون بازشناسی جنسیت» در دست انجام دارد.

در این میان، مخالفت های شدیدی از سوی جناح اقلیت محافظه کاران افراطی مسیحی صورت می گرفت و آن ها عنوان می کردند تنها خداست که در مورد جنسیت افراد تصمیم می گیرد و هیچ کس حق تغییر آن را ندارد. اما در مقابل، اکثریت مردم و نمایندگان مجلس معتقدند که قانون باید تغییر کند و بدین ترتیب، «قانون بازشناسی جنسیت» در ماه جولای سال ۲۰۰۴ م. به تصویب رسید. انتظار می رود در اوایل سال ۲۰۰۵ م. تراجنسیتی های انگلیس بتوانند تقاضای شناسنامه های جدید کنند.

هم اکنون برآورد می شود حدود ۵۰۰۰ تراجنسیتی در انگلیس زندگی می کنند که بیش تر آن ها XY (مردان تبدیل شده به زن) هستند. تقریباً همه آن ها از زندگی شان راضی اند و بدین ترتیب می توانند برای اولین بار با هر کس که می خواهند به صورت قانونی ازدواج کنند.

از طرفی، چه مجوز قانونی باشد یا نباشد، کل جریان تغییر جنسیت برای فرد و خانواده او روندی پر تنش است. خانواده ها اغلب، تراجنسیتی ها را طرد می کنند. موارد زیادی وجود دارد که در آن ها مردی که قبلاً ازدواج کرده و پدر چند فرزند است و سال ها احساس متولد شدن در جنسیت اشتباهی را در خود سرکوب کرده، پس از عمل تغییر جنسیت از دیدن فرزندان شان که همواره آن ها را دوست داشته اند، محروم شده اند. هم چنین بسیاری از افراد تراجنسیتی نیز وجود دارند که ترجیح می دهند به جای عمل کردن [تغییر جنسیت] و شرمنده شدن خانواده هایشان در نزد مردم، به زندگی سخت خود ادامه دهند.

اما با توجه به دیدگاه های پزشکی و حقوقی جدیدی که از این دسته افراد که با اختلال هویت جنسی درگیرند، حمایت به عمل می آورند، سایر دیدگاه ها نیز بتدریج در حال تغییرند و مردم وضعیت تراجنسیتی ها را بیش تر می پذیرند.

در فرآیند مورد نظر «قانون بازشناسی جنسیت» کسی که قصد عمل دارد، به مدت دو سال به صورت امتحانی «در شرایط واقعی زندگی» آزمایش می شود. در این مدت، این افراد تحت حمایت قانون، هورمون درمانی می شوند و در طول این مدت باید به خود و روان پزشکان ثابت کنند که در صورتی که در نقش جنس مخالف قرار گیرند می توانند زندگی خوبی داشته باشند. تنها در صورتی که این آزمایش ها موفقیت آن ها را در قالب جنس مخالف تأیید کنند، آن ها برای عمل تغییر جنسیت معرفی شده و می توانند تقاضای شناسنامه جدید بدهند. در طول مدت دو ساله هورمون درمانی، مواردی پیش می آید که بیمار پی می برد تغییر جنسیت راه درستی برای او نیست. در این صورت، هورمون درمانی متوقف می شود و فرد پس از مدتی به حالت اولیه خود بر می گردد. پیش از این، مواردی وجود داشته که افرادی پس از عمل تغییر جنسیت، از انجام این عمل پشیمان شده اند. من فکر می کنم دو مورد از این دست در انگلیس اتفاق افتاده باشد، اما انتظار می رود با پیش بینی خط و مشی های دقیق در قانون بازشناسی جنسیت، از بروز چنین اشتباهاتی جلوگیری شود.

در حال حاضر، مطالعات بیش تری بر روی بچه هایی که فکر می کنند با جنسیت اشتباه متولد شده اند در حال انجام است. این امر مباحث پیچیده تری را به میان کشیده است. مهم ترین این بحث ها این است که: «چطور یک بچه می تواند بفهمد به صورت تراجنسیتی به دنیا آمده است». امروزه والدین نگران، به دنبال توصیه های مناسب هستند. در حالی که هیچ عمل تغییر جنسیت بر روی بچه ها انجام نشده است، حرفه پزشکی می تواند با تجویز جنسیت بر روی بچه ها فرآیند بلوغ را در آن ها به تأخیر بیندازد تا این بچه ها مورد بررسی های پیش تری قرار گیرند. در این صورت، اگر تشخیص داده شد عمل تغییر جنسیت به صلاح است، دوره مداوا پیش از بروز علائم بلوغ آغاز می شود؛ یعنی در پسرها قبل از این که صدایشان تغییر کرده و اندام های جنسی شان رشد کند و در دخترها نیز پیش از آن که سینه هایشان بزرگ شده و عادت ماهانه شان آغاز شود.

از زمانی که «مایکل دیلون» در سال ۱۹۴۲ م. تغییر جنسیت داد، پیشرفت های بسیاری صورت گرفته و هم اکنون ۵۰۰۰ تراجنسیتی انگلیسی می توانند از کلیه حقوق قانونی بهره مند باشند؛ اما هنوز در جهان پزشکی جا برای پیشرفت های بسیاری وجود دارد. ممکن است روزی کسی در جایی پیدا شود که بتواند افراد تراجنسیتی عمل کرده را قادر به باروری کند، البته من فکر می کنم تا آن زمان راه بسیاری باقی است. (۱)

۳. اولین تغییر جنسیت در آمریکا

سابقه این امر در آمریکا، به عنوان یک موضوع پزشکی، به سال ۱۹۵۲ م. بر می گردد. در آن زمان شخصی اقدام به تغییر جنسیت خود نمود و روزنامه نیویورک تایمز با درج این تیترا جذاب، تغییر جنسیت او را به عنوان یک موضوع اجتماعی مطرح و توجه افکار عمومی را به آن جلب نمود. در این تاریخ، اولین عمل جراحی تغییر جنسیت صورت گرفته است. کم کم با شیوع و گسترش این عمل در جامعه، و رواج تشخیص های متفاوت از طرف پزشکان، متخصصان برای تبادل تجربه و جلوگیری از

ص: ۳۹۳

۱- (۱) پاملاهانت، تاریخچه کوتاه تغییر جنسیت در انگلستان، این مقاله کوتاه توسط خانم پاملاهانت از طریق ایمیل از لندن برای نگارنده ارسال شده و توسط آقای محمد جواد شمس علی ترجمه شد.

تفرق نظر و تشخیص و نیز ایجاد وحدت رویه پزشکی در هر سال اقدام به تشکیل سمپازيوم بين المللی می نمایند که اولین آن در سال ۱۹۹۶ م. در شهر لندن برگزار شد و هر سال مقررات نمونه و توصیه هایی را به پزشکان جهت رعایت مراقبت های ویژه قبل و بعد از عمل ارائه می نمایند. (۱)

۴. اولین تغییر جنسیت در مصر

پرونده ای که در عصر حاضر در حقوق اسلام بسیار پرسرو صدا بود، پرونده سید عبدالله در حقوق مصر است. در سال ۱۹۸۲ م. سید عبدالله که یک جوان ۱۹ ساله دانشجوی پزشکی دانشگاه الازهر مصر بود، با «سلوا جرجیس لیب» روان پزشک، تماس گرفت و اظهار نمود: او از افسردگی شدید و ناامیدی در رنج است. روان پزشک او را معاینه نمود و متوجه شد که او از بحران جنسیتی در رنج و عذاب است و یا به تعبیر دیگر، او خنثای روانی (الخنثی النفسیه) (۲) است. مدت سه سال او را هورمون درمانی جنسیت مردانه کرد تا شاید بتواند با تقویت گرایش جنس مردانگی او، روان او را با جسمش از بُعد جنسی هماهنگ نماید، ولی موفق نشد. زیرا پزشکان معتقدند این مریضی تا قبل از سن بلوغ با هورمون درمانی، درمان آن ممکن است، ولی بعد از رسیدن به بلوغ ممکن نیست. در نتیجه، جرجیس از هورمون درمانی او منصرف شد و او را جهت عمل جراحی تغییر جنسیت به جبرئیل، پزشک جراح، معرفی نمود. پزشک جراح برای حصول اطمینان بیش تر، مریض را به روان پزشک دیگری به نام هانی نجیب، معرفی کرد و نجیب نیز به همان نتیجه ای رسید که روان پزشک قبلی رسیده بود و عمل جراحی تغییر جنسیت از مذکر به مؤنث را تنها راه درمان مریض پیشنهاد نمود. جراح مدت یک سال مریض را هورمون درمانی جنسیت زنانه نمود و لباس زنانه بر او

ص: ۳۹۴

-
- ۱- (۱) ر. ک: علی رضا باریک لو، «وضعیت تغییر جنسیت»، اندیشه های حقوقی، ش ۵ (۱۳۸۲)، ص ۶۴-۶۵؛ دکتر حمیدرضا عطار و دکتر مریم رسولیان، «تشخیص اولیه هویت جنسی»، اندیشه و رفتار، ش ۳ (۱۳۸۲)، ص ۷.
- ۲- (۲) . Psychological Hermaproditism.

پوشاند تا رفتار روانی و اجتماعی او را آزمایش نماید. مریض این دوره را با موفقیت گذراند و مشکل خاصی به وجود نیامد.

در اول ژانویه ۱۹۸۸ م. سید عبدالله فرم درخواست تغییر جنسیت را امضا نمود و از جراح، انجام عمل جراحی تغییر جنسیت از مذکر به مؤنث را درخواست نمود. جراح با عمل جراحی، ممیز و علائم جنسیت مذکر را از او برداشت و برای او مجرای مصنوعی خروج ادرار و ممیز مصنوعی زنانه درست کرد که این عمل مطابق استانداردهای پزشکی روز بود. عمل جراحی با موفقیت انجام شد و مریض در جنسیت جدید احساس نشاط و امید نمود و به حالت معمولی یا طبیعی روانی برگشت. در این مرحله پرونده پزشکی مریض بسته شد و او برای قدردانی از زحمات روان پزشک اول، نام «سالی» را برای خود انتخاب نمود.

سالی به دانشگاه مراجعه کرد، ولی رئیس دانشکده از پذیرش او و اجازه دادن به وی، جهت شرکت در امتحانات خودداری نمود. از طرف دیگر، سازمان ثبت احوال مصر نیز از شناسایی او به عنوان یک جنس مؤنث و تغییر شناسنامه او خودداری کرد. در چهارم آوریل ۱۹۸۸ م. سالی طی مصاحبه ای با روزنامه الاهرام، ضمن انتقاد از مسئولان دانشگاه الازهر و سازمان ثبت احوال، موضوع خود را در معرض قضاوت افکار عمومی مصر گذاشت. در جواب این مصاحبه، الازهر با صدور بیانیه ای اعلام کرد: دو ماه قبل از انجام عمل جراحی، کمیته مخصوصی را جهت بررسی اظهارات وی تشکیل داده و این کمیته به این نتیجه رسید که این شخص صد در صد، ظاهراً و باطناً، مرد است و این کمیته آماده است که اظهارات او را مجدداً بررسی نماید.

«سالی» در پاسخ به این اظهارات اعلام نمود: دلیلی برای بررسی مجدد کمیته وجود ندارد و او یک دختر است که تصمیم به ازدواج با یک مرد گرفته است. رفتار تحریک آمیز «سالی» و مصاحبه های او با مطبوعات و عکس العمل الازهر به آن، حساسیت خاصی در مطبوعات و افکار عمومی مصر نسبت به این قضیه ایجاد نمود. با متهم شدن پزشک جراح به ارتکاب جرم در این پرونده توسط دانشگاه الازهر، نماینده سندیکای پزشکی نیز وارد پرونده شد و با سه پزشک دیگر منتخب سندیکا، پرونده را بررسی

نمود و به این نتیجه رسید که پزشک جراح مرتکب خطای فاحش پزشکی شده است. در ۱۴ می ۱۹۸۸ م. سندیکا با ارسال نامه ای به محضر مفتی مصر خواهان فتوا در مورد خنثای روانی شد و سؤال نمود که آیا از دیدگاه شرع مقدس اسلام خنثای روانی قابل قبول است. مفتی مصر، ضمن طفره رفتن از دادن پاسخ صریح و مستقیم سؤال، فتوا داد: اگر پزشک متخصص قابل اعتماد، تنها راه درمان مریض را عمل جراحی بداند، چنین عملی مجاز و مشروع است. این فتوا، علاوه بر این که پاسخ سؤال سندیکا را نداد، مشکل دیگری ایجاد نمود، زیرا هر کدام از طرفین پرونده، فتوا را به نفع خود تفسیر نموده و حق را به جانب خود می دادند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۸ م. الازهر پرونده را به دادگاه فرستاد و به استناد ماده ۲۴۰ قانون مجازات مصر، خواهان مجازات جراح به اتهام وارد کردن ناتوانی دایم در مریض و ارتکاب خطای فاحش پزشکی شد. دادستان مصر با مشورت پزشکان متخصص شروع به تحقیق نمود و به این نتیجه رسید که: از دیدگاه متخصصین، «سالی» از لحاظ بدنی یک مرد و از لحاظ روانی یک زن بوده است و پزشک جراح هیچ نوعی خطایی را مرتکب نشده است و تمام اقدامات او مطابق با استانداردهای روز علم پزشکی است و پزشک را از اتهام مذکور تبرئه نمود. سندیکای پزشکی ضمن رد این نتیجه، اقدام به لغو عضویت پزشک جراح از آن سندیکا و جریمه پزشک بیهوشی کننده نمود. در اکتبر ۱۹۸۹ م. «سالی» موفق به اصلاح شناسنامه و شناسایی جنسیت خود به دولت مصر شد. اخبار و گزارشات روزنامه، نشان می دهد که پرونده های دیگری در مصر در این زمینه وجود داشته، ولی این پرونده، چون با موضع گیری الازهر مواجه شد، مشهور و تاریخی شد. (۱)

ص: ۳۹۶

۱- (۱) علی رضا باریک لو، «وضعیت تغییر جنسیت»، اندیشه های حقوقی، سال اول، ش ۵، زمستان ۸۲؛ ص ۶۶-۶۸.

ضمیمه ۳: گفت و گو با اولین کسی که فتوای جواز تغییر جنسیت را از حضرت امام خمینی(ره) دریافت کرد

ضمیمه ۳ گفت و گو با اولین کسی که فتوای جواز تغییر جنسیت را از حضرت امام خمینی(ره) دریافت کرد(۱)

مریم خاتون ملک آرا اولین نفری است که بعد از انقلاب مجوز تغییر جنسیت گرفته است.

خانم ملک آرا! در این گونه مصاحبه ها، معمولاً رسم بر این است که مخاطب ابتدا از خودش می گوید. فکر می کنم همین سؤال بهانه خوبی باشد برای شروع گفت و گویمان. از خانواده تان بگویید و از این که اولین بار کی و چگونه به بیماری خود پی بردید؟

من در خانواده ای با سواد و اشرافی به دنیا آمدم، در سال ۱۳۲۹، پدرم چندین همسر داشت که من تنها فرزند یکی از آن ها بودم. اما در مورد قسمت دوم سؤالتان نمی توانم تاریخ مشخص و دقیقی را ذکر کنم. مادرم بارها تعریف می کرد که: تو از سن ۲ و ۳ سالگی، تمایل عجیبی به پوشیدن لباس های دخترانه، بازی با اسباب بازی های جنس

ص: ۳۹۷

۱- (۱) حمیدرضا خالدی، «گفتگو با خانم ملک آرا». اعتماد. (آذر ۱۳۸۴).

مخالف (مثل عروسک) و.... داشتی، اما در آن سنین کسی زیاد به این رفتار عجیب من شک نمی کرد. از همین سنین بود که تمایل من به جنس مخالف (دختران) و حضور در جمع آن ها و علاقه و کشش برای ریختن طرح دوستی با آن ها بود. این تمایل و احساس، همراه با برزگ شدن من، بیش تر و بیش تر می شد، تا اینکه به سن بلوغ رسیدم. دیگر تمام رفتار، لباس پوشیدن و حتی تفکرات و ذهنیت من دخترانه شده بود. حتی یادم هست زمانی که کودکستان می رفتم. یک مداد و رژلب از کیف مادرم برداشته بودم.

خانواده چطور؟ اولین بار کی والدین و سایر اعضای خانواده متوجه بیماری شدند؟

همیشه خانواده ام این احساس را داشتند که من با سایر پسرها متفاوت هستم، اما نمی دانستند چرا. وقتی می دیدند من آرایش می کنم و لباس های زنانه می پوشیدم. بیش تر این را به حساب نوگرا بودن یا به علاقه من به پیروی از مدهای عجیب و غریب روز تعبیر می کردند. اما اولین باری که خانواده متوجه موضوع شدند، من در سن ۱۴ سالگی بودم. آن هم از طریق خودم.

چطور؟ می شود بیش تر توضیح دهید؟

برای یک کار حقوقی، به عنوان وکیل خانواده به شمال رفته بودم. در آن جا عاشق شدم. دیگر حاضر نبودم به تهران برگردم.

او با چه دیدی به شما نگاه می کرد؟

او که من عاشقش شده بودم، وقتی حالت های احساسی و عاشقانه مرا نسبت به خود می دید متعجب می شد و حس می کردم به نوعی سعی دارد فاصله ها را حفظ کند. تا این که یک روز در دفترچه خاطراتش چنین عبارتی را خواندم: من در این جا با یک فرد سادیسمی مواجه شده ام که معلوم نیست چه کاره است؟! می دانم که منحرف است، اما با من کاری ندارد! راستش بدجوری به من بر خورد. کفش و کلاه کردم و برگشتم خانه. قبلاً هم ماجرا را از طریق برخی اقوام به گوش پدرم رسیده بود. به همین دلیل پدرم قضیه را پرسید، من هم صادقانه جواب دادم. در آن جا بود که برای اولین و آخرین مرتبه در طول عمرم از پدرم سیلی خوردم.

مادرتان وقتی از ماجرا مطلع شدند چه واکنشی داشتند؟

مادرم زیاد در جریان نبود. البته رفتارهای من تا حدود زیادی برایش سؤال برانگیز بود، اما زیاد جدی نمی گرفت. تا این که تقریباً در سن ۱۶ سالگی شبی خودم ماجرا را برایش تعریف کردم و گفتم: مادر، من حالت ها و احساسات زنانه خاصی دارم! یادم هست در حالی که شکلکی می آورد با لحنی تمسخر آمیز گفتم: من حالت زنانه دارم! یعنی چه؟! این چرت و پرت ها چیه که می گویی؟ خجالت هم نمی کشی! برو بگیر بتمرگ. بخواب! تا آن لحظه اعتقادی به نماز خواندن نداشتم. اما یادم هست آن شب و در آن لحظات چنان حال نزاری داشتم که بلند شدم وضو گرفتم، رو به ماه ایستادم و شروع کردم به نماز خواندن. اشک می ریختم و از خدا می خواستم که یا امشب من را بکشد یا فردا در هیبت یک مرد بیدار شوم.

یعنی بیش تر احساس مرد بودن می کردید، یا احساس زن بودن؟

من همیشه احساس می کردم زن هستم

در این مدت با افرادی مانند خود نیز در تماس بودید؟

یک شب در سن ۱۸ سالگی وقتی اواخر شب، از یک میهمانی که در آن با هیبت زنانه حاضر شده بودم برمی گشتم، ژیانی جلوی پایم ترمز کرد، که داخل آن سه مرد نشسته بودند که درست مانند من ترانس سکشوال بودند.

از کجا متوجه این مسأله شدید!

بینید، اصولاً ما خیلی راحت، همدیگر را پیدا می کنیم. یک جور احساس! یک جور تله پاتی. نمی دانم اسمش را چه می توان گذاشت. شاید به خاطر حالت های حرف زدن، رفتار و حرکات یا سایر علایم. بخصوص شیوه صحبت کردن.....

و همان کلمه معروف اوا خواهر و....!

بله. دقیقاً

اصلاً این کلمه از کجا آمده است؟

از یک فیلم ایتالیایی که چند دهه قبل در سینماها به نمایش در آمد. این فیلم شرح

حال دو مرد سربازی بود که دچار چنین عارضه ای بودند و در صحبت هایشان برای صدا کردن یکدیگر، همدیگر را با این کلمه صدا می کردند: اوا خواهر....

از سؤال قبل دور افتادیم. گفتید ژبانی جلوی پای شما ترمز کرد و...!

بله. آمدند پایین و شروع به صحبت کردند. صحبت هایشان به دلم نشست و سوار ماشین شدم. این لحظه در حقیقت لحظه ورود من به جمع و گروه افرادی بود که مانند خود من بودند. چیزی که برای خیلی ها رویایی است! ورود به چنین جمع هایی شاید اسرارآمیز باشد و درک رفتار و علایق و برخوردهای آن ها با یکدیگر. ما هر کجا در مجامع عمومی که ظاهر می شدیم. افراد حاضر برای ارتباط با ما بیش تر از ارتباط با تمام حاضران دیگر تلاش می کردند. آن روزها هنوز تفاوت بین گی، دو جنسی یا ترانسکشوال وجود نداشت. همه می دانستند که چنین افرادی وجود دارند اما دقیقاً نمی دانستند مشکل از کجاست. همان هایی که مردم به نام اوا خواهرها آن ها را می شناختند.

اسم این سه نفر را به خاطر دارید؟

اسم یکی از آنها کیوان بود که او را کتی صدا می کردند. دومی «امید» بود که بچه ها «شراره» صدایش می کردند و سومین نفر سیامک بود که به نام فیروزه مشهور بود.

شما هم اسم دومی داشتید؟

بله، از همان اول که سوار ماشین شدم اسمی برایم تعیین کردند. اسم من فریدون بود که قرار شد بچه ها فرانک صدایم کنند.

میهمانی ها و جمع هایی که خودتان با هم تشکیل می دادید، چه حال و هوایی داشت ؟

در آن جا همه زن بودند. یعنی با وجودی که عرف و جامعه، به عنوان مرد شناخته می شدند، اما زن بودند. فضا هم درست فضای جمع های زنانه بود، درباره مد، مسائل زنانه و.....

می دانید اولین کسی که به عنوان یک ترانسکشوال در ایران شناخته شده چه کسی بوده است ؟

تا آن جایی که من می دانم شخصی بوده به نام عباس ساکن قم. این فرد با شخص

دیگری به نام اصغر که درشکه چی بود جزو افرادی بودند که می توان به عنوان اولین ترانسکشوال های شناخته شده در ایران از آن ها یاد کرد. مثلاً نقل است که این دو، لباس های زنانه می پوشیدند و در عروسی ها و مجالس شادی حاضر می شدند.

برای سربازی چه کردید؟

کلی تلاش کردم تا به مسؤولان نظام وظیفه بقبولانم که آقا من زن هستم و نمی توانم بروم در یک پادگان نظامی خدمت کنم. هر چند به هر حال، بعد از تلاش و دوندگی های بسیار موفق شدم معافتم را بگیرم. اتفاقاً همان سال در امتحان ورودی صدا و سیما نیز قبول شدم و توانستم به صدا و سیما راه پیدا کنم.

در صدا و سیما چطور لباس می پوشیدید و رفتار می کردید؟

درست مثل یک زن، این برای ما طبیعی است. اگر من ادوکلن نمی زدم و آرایش نمی کردم، دایم فکر می کردم چیزی کم دارم. ببینید، یک ترانس محکوم به دنیا می آید! یک موجود محکوم و وحشتناک.

در صدا و سیما اعتنایی به مشکل شما نشد؟

چرا، سال ۵۳ گفتند برو خارج عمل کن، ما هم تمام هزینه هایت را می پردازیم. اما به هر حال نشد.

چرا خارج؟ مگر در ایران نمی شد این جراحی را انجام داد؟

این عمل در دنیا پنهانی انجام می شود. یعنی شیوه های خاصی دارد. وقتی تحقیق کردم، دیدم اولین بار این عمل را دکتری به نام «پروفسور کرین» در کازابلانکا انجام داده است. به دلیل مشکلات و پیچیدگی های آن، هیچ کدام از پزشکان ایرانی قادر به انجام آن نبودند. بلکه هر بیمار باید ۲۰ هزار تومان می پرداخت به این شهر و کلینیک مخصوص آن می رفت تا جراحی شود و باز گردد.

اطلاع دارید که این عمل در خارج چگونه انجام می گیرد؟

به زبان ساده، متخصصان این عمل، با یک جراحی پیچیده، عمل موفقیت آمیزی انجام می دهند. من برای پیدا کردن پاسخ هایی برای سؤال های خودم به اروپا رفتم و

تحقیقات گسترده ای در این زمینه کردم. ایتالیا، فرانسه و....!

آن زمان پزشکان برای انجام این عمل، مشکلی نداشتند؟

چرا، به هر حال سنت ما به گونه ای بود که متعصبانه با این بیماری برخورد می کردند. حتی تابلوی «دکتر تقوی»، اولین پزشکی که اقدام به انجام این عمل کرد را ریختند و پایین کشیدند. بعدها نیز «دکتر یاشار» اقدام به انجام این عمل کرد، که او هم چندان در کار خود موفق نبود. در لندن بود، که متوجه شدم یک مرد علاوه بر هورمون مردانگی، دارای یک هورمون مکمل است به نام چه پء. شروع کردم به استفاده از این هورمون ها. پس از برگشتن در حرکتی شروع کردم به رفتن پیش مسؤولان مختلف. حتی پیش همسر شاه وقت مملکت رفتم. اما او هم می گفت: فعلاً به دلیل دیدگاه و جو جامعه نمی شود کاری کرد. دیدم از لحاظ شرعی سرگردانم، رفتم پیش آیت الله بهبهانی؛ ایشان ابتدا استخاره ای کردند. زندگی حضرت مریم آمد.

گفتند: یک نامه بنویس برای امام خمینی. آن زمان امام در ترکیه بودند.

امام (ره) در فتوای خود این مسأله را چگونه عنوان کرده بودند؟

جزئیات را به خاطر ندارم. اما پس از خواندن زندگینامه ما در مجموع فرموده بودند: تغییر جنسیت بلامانع است و بعد از عمل، تکلیف یک زن بر شما واجب است.

در صدا و سیما به شما ایراد نمی گرفتند؟

اصلاً، خیلی های دیگر هم بودند که چنین مشکلی داشتند، اما هیچ کس کاری با آن ها نداشت. حتی کلیدی ترین پست ها را نیز داشتند!

پس چرا برای عمل اقدام نکردید؟

داشتم خودم را آمده می کردم که برای عمل به تایلند بروم که خوردم به انقلاب و این قضیه خود به خود منتفی شد.

خانواده شما موافق بودند؟

نه. ولی مخالف هم نبودند. می گفتند: به هر حال مشکلی است که باید حل شود.

بعد از انقلاب کار در صدا و سیما را ادامه دادید؟

خیر. بعد از انقلاب از من دعوت شد تا به صدا و سیما بروم. رفتم. غافل از این که تازه اول دردسر و مشکل‌ها است! و سؤال‌هایی که: تو کی هستی؟ چرا این جوری هستی و...؟ هر چه می‌گفتم: بابا من مریض هستم. فوراً برای من جلسه گذاشتند. گفتند: فردا باید بروید دی کلینک. رفتم. اما برخورد دکتر کاملاً زننده و غیر قابل تصور بود. همان طور که گفتم: این آغاز مشکلات بود. بگیر و ببندها، احضارهای مکرر و سؤال و جواب‌ها و...! حتی یک ستون در محوطه صدا و سیما بود. دکتر بحرالعلوم و سرکش مسؤول بهداری صدا و سیما می‌گفتند: ما تو را این جا آتش می‌زنیم! به هر حال کار به آن جایی کشید که به من هورمون مردانه زدند. مجبورم کردند لباس مردانه بپوشم و...! هیچ وقت یام نمی‌رود که من در آن روزها همیشه یک سری اسناد و مدارک زیر بغلم بود تا اگر زنگ زدند و خواستند برای جایی احضارم کنند. مدارکم همراهم باشد!

این رویه تا سال ۶۰-۶۱ ادامه داشت. در همین سال‌ها می‌شنیدم که عده‌ای از گی‌ها و دو جنسی‌ها را گرفته‌اند و در اوین زندانی کرده‌اند. در این گیر و دار در سال ۶۱، ۶۲ خبردار شدم که یکی از دوستانی را که زن بود، اما از لحاظ ظاهری مدل مردانه داشت را در سیستان و بلوچستان با مردی دستگیر کرده‌اند: زنگ زدیم به دفتر آقای هاشمی رفسنجانی و وقت ملاقات برایم تعیین کردند. رفتم به ملاقات ایشان و رودررو مشکلات خود و دوستانم را مطرح کردم. آقای هاشمی قول مساعد دادند. در آن روزها هنوز هویت مردانه داشتم.

نظر خودشان چه بود؟

موافق تغییر جنسیت در چنین شرایطی بودند.

بعداً هم شما را حمایت کردند؟

نه. فقط من را به دفتر آقای اردبیلی معرفی کردند.

پیش مرجع دیگری نرفتید؟

چرا، رفتم پیش آیت الله جنتی. ایشان هم نامه‌ای برای امام (ره) نوشتند و کسب تکلیف کردند. رهبر انقلاب هم جواب دادند که در صورت بروز اختلال فیزیولوژی

تغییر جنسیت مشکلی ندارد. اما این جواب فقط برای افرادی بود که از لحاظ ظاهری معلوم بود که مشکل دارند، نه تراجنسیتی ها که از لحاظ روحی مشکل دارند. دیدم این طوری نمی شود. یک روز با همان لباس مردانه بلند شدم و رفتم جماران، بیت رهبری. بگذریم که آن جا چه بر من گذشت تا توانستم امام (ره) را ملاقات کنم. مرحوم حاج احمد آقا نیز حضور داشتند. به اتفاق آیت الله هاشمی رفسنجانی و اردبیلی، البته صحبتیم با امام (ره) کوتاه بود، اما نتیجه آن واقعاً رضایتبخش بود. چرا که امام همان جا فتوایی صادر کردند که براساس آن تغییر جنسیت با تأیید پزشک بلامانع است. آن زمان دادستان، آقای میرعماد بودند. مرا سوار ماشین ایشان کردند و همراه دو محافظ به پزشکی قانونی آوردند. آن جا به من گفتند: خودت تنها برو تو. رفتم پیش رئیس مرکز. اما چنان واکنش تندی دیدم که همراهان و محافظان من مجبور به مداخله شدند. کم مانده بود با چوب و چماق بیفتند به جان من! به هر حال محافظان جلو آمدند، دستور امام را نشان دادند و.... همان جا اولین مجوز تغییر جنسیت از سوی پزشکی قانونی در دولت جمهوری اسلامی از سوی رئیس پزشکی قانونی برای من صادر شد.

وبعد؟

مرا دوباره سوار ماشین کردند و بردند در یکی از کاخ های مرمر. اگر درست یادم باشد کاخ ضلع شمال غربی بود. یک صندلی داخل سالن گذاشتند و گفتند: همین جا بنشینید. رفتم پیش آقای میرعماد. ایشان گفتند: هر چه می خواهی بگو. همان جا بود که دستور صدور شناسنامه برایم صادر شد، دو تا نامه برای بیمارستان سجاد به من دادند و....! اما دو خواسته را فراموش کردم که عنوان کنم: یکی این که این عمل در ایران موفق نیست و من باید به خارج بروم و برای این کار احتیاج به صرف هزینه گزافی است و یکی دیگر این که به من مجوز بدهند که تحت لوای آن بتوانم برای کمک به همتایان خودم فعالیت کنم.

یعنی در سال ۶۲ شما دوباره محجبه شدید؟

بله.

ص: ۴۰۴

رفتید به بیمارستان سجاد؟

بله. اما هیچ کدام کاری از دستشان ساخته نبود.

به صدا و سیما برگشتید؟

بارها در دوران ریاست هاشمی در صدا و سیما پشت در اتاقشان رفتم. اما به دلیل کارشکنی مسؤول اداری سازمان نتوانستم داخل شوم و با ایشان صحبت کنم. خلاصه مرا بازنشسته کردند.

پیش مسؤولان بهداشت وقت نرفتید؟

چرا، یک بار با نامه یکی دیگر از مسؤولان پیش دکتر منافی وزیر بهداشت و مرندی رفتم. منافی گفت: این حرف ها چیه؟ ما تا الان از این چیزها نداشته ایم....! بعد از کلی صحبت کردن و کمی آرام شدن بالاخره گفتند: بروید. فردا ساعت ۵ صبح این جا باشید.

خیلی خوشحال شدم فکر کردم حتماً می خواهند کمکی چیزی بکنند. فردا صبح رأس ساعت ۵ در وزارت بهداشت بودم. دکتر منافی آمد و مرا پایین آورد. کلنگی دست من داد و گفت: می روی جبهه، خط مقدم، شاید آن جا کشته شوی و گناہانت بخشیده شود و در آن دنیا عاقبت به خیر شوی!

مانده بودم که چه کار باید کنم. وانتی آمد و مرا سوار کرد تا ببرد خط مقدم جبهه! اما دیدم دارد من را به جای دیگر می برد! وسط راه شروع کردم به صحبت کردن و التماس کردن به راننده تا این که راضی شد مرا در میدان انقلاب پیاده کند.

پیش مسؤولان دیگری نرفتید؟

پیش خیلی ها رفتم. در طول این سال ها، به هر کجا و هر کس که فکر می کردم می تواند برای ما کاری کند سر زدم، البته تا جایی که می توانستم. حتی با پیگیری هایی که در زمان مهندس موسوی کردم. او دو نفر را برای صحبت با من به منزل فرستاد. بازدید آن ها مصادف بود با حضور یکی از ترانس ها در همین اتفاق. آقایان تا او را دیدند با لحن بسیار بدی از او کارت خواستند و وقتی فهمیدند کارت ندارد، به شیوه ای

بسیار نامناسب با او برخورد کردند. می گفتند تو آدم منحرفی هستی و....! من هم نمی دانستم چطور حقانیتیم را ثابت کنم.

گذرتان به نیروی انتظامی هم افتاده است ؟

بله، بارها و بارها. هر بار هم به دلیلی. بارها در خواست کردم با رئیس نیروی انتظامی، در جلسه ای گفت و گو کنم. امامتأسفانه هیچ ترتیب اثری داده نشد.

پیش خاتمی نرفتید؟

چرا با آقای ابطحی تماس گرفتم. ایشان هم واقعاً سنگ تمام گذاشتند. مرا پیش خانم شجاعی فرستادند. ایشان هم مرا پیش خانم دکتر کیهانی فر، معاونت وزیر و به اعتقاد من مادر ترانس های ایران، کسی که به خاطر حمایت از ترانس ها، حتی از سمت و پست دولتی خود نیز گذشت، بردند.

نظر وزیر بهداشت جدید، دکتر پزشکیان در این زمینه چیست ؟

البته آن زمان آقای پزشکیان معاون وزیر بودند. شاید باورتان نشود. اما ایشان نظر خوبی نسبت به ما ندارند و متأسفانه تاکنون از انجام هر گونه مساعدتی نیز طفره رفتند. به خانم دکتر کیهانی فر گفته بودند: این ها در اولویت نیستند و فعلاً نمی شود برایشان کاری کرد! حتی یک بار هم تحصن کردیم. ریاست مجلس و دکتر پزشکیان هم که در آن زمان معاون وزیر بهداشت بودند نیز حضور داشتند. دکتر پزشکیان شروع کردند به تکرار حرف های خود، البته با عصبانیت، اصلاً ترانس ها و این بیماری را قبول نداشت. من هم رفتم جلو، کارتم رانشانسان دادم و گفتم: آقای دکتر، اگر فکر می کنید ما کلاهداریم، می خواهید همین جا من را معاینه کنید؟! متأسفانه مشکل اصلی ما این بود که بسیاری از پزشکان ما حتی نمی دانستند مشکل ما چیست ؟ حتی یادم هست ۱۳ سال بعد از این که از صدا و سیما بیرون آمدم. یک روز خانم دکتری که مرا معاینه کرده و به رئیس بهداری گزارش داده بود مرا دید و گفت: خانم ملک آرا، مرا حلال کن، چون من آن روزها اصلاً نمی دانستم مریضی شما چیست! رئیس این مرکز هم که روزگاری مرا متهم به انحراف و سوء استفاده کرده بود گفت: ببخشید، به من گزارش غلط داده بودند!

نمی دانستم چه بگویم. فقط گفتم: دکتر یعنی شما ۱۳ سال از عمر مرا فقط به خاطر این که خودتان مریضی ام را تشخیص نمی دادید، تلف کردید!؟

یک بار دیگر هم، زمان انتخابات مجلس، رفتم پیش یک نماینده مجلس، ایشان جلوی مردم کلی از ما استقبال کردند و قول دادند در صورت انتخاب شدن حتماً برای طرح مشکلات ما در مجلس کمک کنند. اما وقتی بعد از راه یافتنشان به مجلس به ایشان تلفن کردم خیلی راحت گفتند: من شما را نمی شناسم.

بالاخره چطور شد که عمل کردید؟

دیگر نمی توانستم منتظر تحقق وعده های مسئولان باشم. هر طوری بود پول عمل جراحی و مسافرت به خارج را تهیه کردم و برای معالجه به تایلند رفتم. یکی از مجهزترین بیمارستان های این حوزه، در این کشور وجود دارد. حتی اروپائیان هم برای انجام این عمل به آن جا می روند. سال ۸۱ بود که بالاخره عازم تایلند شدم، در فرودگاه لباس مردانه پوشیده بودم. من از سال ۶۲ تا ۸۱ محجبه بودم. در فرودگاه مسئولان حراست با دیدن شناسنامه من گفتند: نه، تو پسر هستی که خودت را به شکل دختر در آورده ای، گفتم: باشه حالا که این طوری است من چادر و چارقدم را بر می دارم، اما گناهشان به پای شما!

همین کار را هم کردم. لباس عوض کردم و در هیأت یک مرد به تایلند رفتم. حتی در سفارت ایران در تایلند هم مرا پذیرفتند. می گفتند تو تروریستی! این بود که رفتم هتل و از آن جا به سفیر ایران در تایلند زنگ زدم. ایشان خودشان با من قرار ملاقاتی گذاشتند و پس از شنیدن حرف های من قول دادند از هر کاری که بتوانند مضایقه نکنند. به وعده شان هم عمل کردند و واقعاً تا برگشتن به ایران، سنگ تمام گذاشتند. یادم هست شبی که به تایلند پرواز می کردم. شب حمله آمریکا به افغانستان بود. اتفاقاً بازیکن های تیم تایلند هم پس از بازی با ایران با همان پرواز به کشورشان باز می گشتند.

از عملتان راضی بودید و هستید؟

بله، دکتر پیریجا از بهترین پزشکان دنیا در این زمینه است. واقعیت این است که

ایشان کارشان را بدون عیب و نقص خوب انجام دادند. اما به دلیل مشکلی، من مجبور شدم در دوران نقاهت به ایران باز
گردم که همین مسأله باعث ایجاد یکی دو عارضه در من شد.

چرا مجبور شدید برگردید؟

باید دو سه هفته در بیمارستان می ماندم، اما وقتی به مادرم زنگ زدم، مادرم گفت: فریدون مرده است. تو فریدون من نیستی!
به قدری دلشکسته شدم که پس از یک هفته، از بیمارستان فرار کردم و به ایران برگشتم.

مادرتان وقتی شما را دید چه حالی داشت؟

می گفت تو فریدون نیستی. تو دختر عمه کوچک فریدون هستی که من برای درمان او تو را به تهران آورده بودم و نگذاشتم
باز گردد! می گفت فریدون من برای کار به دویی رفته است!

نمی دانستم چه باید بکنم. کار به جایی رسید که مجبور شدم از یک نفر خواهش کنم نقش فریدون را بازی کند، تا مادرم
ساکت شود. تا این که بعد از دو سال دیدم این طور نمی شود. چند ماه پیش بالاخره به مادرم گفتم: فریدون مرده است! او مرا
قاتل فریدون می داند و حتی می خواهد از من شکایت کند! او هر روز مرا نفرین می کند و.....!

مادرتان الان در کجا زندگی می کند؟

در طبقه پایین!

من متوجه نشدم. مگر پیش از عمل، مادرتان شما را ندیده بود. بعد از عمل که مسلماً شما از نظر ظاهری تغییر نکرده بودید.
پس چطور مادرتان شما را نمی شناخت؟

واقعاً نمی دانم! هیچ وقت نتوانستم علتش را بفهمم.

در چند سالگی تغییر جنسیت دادید؟

۵۱ سالگی.

ص: ۴۰۸

ازدواج هم کرده اید؟

بله. دو بار.

چطور؟ شما که مرد بودید و....

ببینید حکم شرعی ما در این مورد، دقیقاً مشابه حکم زنی است که برای ازدواج با مشکل مواجه است، اما به نامزد یا همسرش تا شب عروسی چیزی نمی گوید. تا این که شوهرش شب عروسی متوجه ماجرا می شود. می توان او را طلاق دهد یا با پذیرش آن شرایط، به زندگی خود ادامه دهد. ما هم چنین شرایطی داشتیم. همسر اولم، از یک سال پیش از عمل من از ماجرا با خبر بود ما با هم عقدی خواندیم.

پس چرا جدا شدید؟

باز هم باید بگویم نمی دانم علتش را، چگونه عنوان کنم. شاید به این دلیل که این عشق این قدر واقعی بود که نمی توانستم آن را باور کنم. خودم هم اصرار به جدا شدن داشتم، گرچه بعد از جدایی تا ۴۸ ساعت تمام زندگی ام گریه بود و آه و اشک.

و همسر دومتان؟

ایشان بیش تر از این که همسرم باشند، همدمم، فرزندم و خلاصه همه چیزم هستند. پسر دایی ام هستند. از بیست سال پیش از فوت والدینشان پیش ما زندگی می کردند. تا این که به هر حال از یک سال پیش از عمل جراحی ام با هم عقد کردیم. او ۱۳ سال از من کوچک تر است. در واقع من یک زن ۵۴ ساله، با این وضعیت که هنوز هم زخمی در بدن دارم، نمی توانم مانند زنان دیگر همسری کنم. اما ایشان مرا با همین شرایط پذیرفته اند.

پیش از مصاحبه در مورد کمیته ای صحبت می کردید که در سال ۸۰ برای ساماندهی امور ترانس ها تشکیل شده بود. در این مورد بیش تر توضیح می دهید.

بله، این کمیته در سال ۸۰ با حضور جمع زیادی از کارشناسان و نمایندگان نهادهای مختلف به منظور رسیدگی به امور گوناگونی که ترانس ها با آن درگیر هستند تشکیل شده بود. هزینه های آن نیز از طریق کمک های مردم تأمین می شد.

ص: ۴۰۹

به چه نامی؟

کمیته کشوری ساماندهی اختلالات جنسیتی

اعضای این کمیته را چه کسانی تشکیل می دادند؟

وزیر بهداشت (رئیس)، مشاور وزیر و سرپرست امور زنان (دبیر شورا) و نمایندگان وزارت اطلاعات، دادگستری، دیوان عالی کشور، سازمان پزشکی قانونی و نیروی انتظامی، سازمان بهزیستی و... به عنوان اعضای این شوار فعال بودند.

مگر الان فعال نیستند؟

خیر، به دستور وزیر بهداشت این کمیته منحل شد. خیلی ها دوست دارند آقای وزیر بهداشت علت این انحلال را توضیح دهند.

و به دلیل همین مخالفت ها مجبور شدید برای تشکیل یک ان جی ا (N.G.O) درخواست بدهید؟

بله. از چند ماه پیش این مسأله در وزارت کشور مطرح است و تحت بررسی است. البته این مسأله عامل دیگری هم داشت. این که تأمین بودجه این کمیته از طریق غیر دولتی بود.

الان برخورد نیروی انتظامی با ترانس ها چگونه است؟

خیلی عالی، خصوصاً این که خبر دارم به مأموران دستور داده شده، کاری به کار این افراد نداشته باشند. مگر این که جرم مشهودی انجام دهند.

پس از عمل جراحی، پزشکان ایرانی نتوانستند جراحی را که داشتید درمان کنند؟

متأسفانه خیر. وقتی از تایلند بازگشتم به صورت داوطلبانه خودم را به عنوان یک نمونه در اختیار پزشکان قرار دادم اما...!

و باز متأسفانه به همین دلیل، چون هنوز دوران نقاهت بعد از عملم تمام نشده بود، دچار عارضه ای شده ام که هنوز پزشکان ایرانی نتوانسته اند آن را درمان کنند. البته این عارضه به هیچ وجه چیز مهمی نیست.

ص: ۴۱۰

یعنی شما الان به ترانس ها توصیه می کنید برای تغییر جنسیت به تایلند بروند؟

بله.

چقدر هزینه دارد؟

بین ۸ تا ۱۰ میلیون تومان که پرداخت آن بر عهده خودشان است.

حس مادری تان را چگونه ارضا می کنید؟

من از جوانی مادر بودم. همیشه برای همه احساس مادری می کردم.

در طول این چند سال اخیر، احساس می کنید نگاه و دیدگاه پزشکان، مسؤولان و کارشناسان تا چه حد تغییر کرده است؟

خیلی خیلی زیاد. دلیلش هم واضح است. میوه وقتی رسید، باید آن را چید و گرنه خراب می شود و به هرز می رود. باید فکر خوب را پرورش داد. باید از پتانسیل های موجود استفاده کرد، ما از ایدز، سارس و اعتیاد و..... فرار می کنیم. اما این ها وجود دارند، چه بخواهیم و چه نخواهیم. دست ما نیست. نتیجه این سهل انگاری ها را در مورد ایدز و اعتیاد دیده ایم. پس چرا باید دوباره آن تجارب تلخ را تکرار کنیم؟ اما جلوی فاجعه را هر وقت بگیرید منفعت است. خوشبختانه در طول چند سال اخیر، دیدگاه ها و نظرات کارشناسان و مسؤولان بسیار تغییر پیدا کرده و مثبت شده است.

گویا کمیته ای هم در این زمینه تشکیل شده است؟

بله. در سال ۱۳۸۰ کمیته ای با حضور جمعی از مسؤولان مطرح کشور و سازمان ها و نهادهای مختلف برای ساماندهی به وضعیت این قشر از اقشار جامعه تشکیل شد که هنوز هم به فعالیت خود ادامه می دهند.

بیمارستانی هم برای درمان ترانس ها وجود دارد؟

کسانی که مایل به درمان هستند، ابتدا به معاونت سرپرستی مددکاری قوه قضاییه می روند. آن جا آن ها را با یک نامه به پزشکی قانونی معرفی می کنند. پزشکی قانونی آن ها را به انستیتو روان پزشکی تهران، تحت مدیریت «دکتر بوالهیری» می فرستد.

ص: ۴۱۱

در یکی از مصاحبه های شما با یکی از خبرگزاری ها خوانده بودم که گویا شما در جبهه بوده اید؟

فکر نمی کنم چندان مهم باشد. چون در خط مقدم نبودم. بلکه به عنوان پرستار پشت جبهه، در بیمارستان رازی تهران از مجروحین جنگ پرستاری می کردم.

چی شد که به فکر جبهه و پرستاری از مجروحین افتادید؟

حس می کردم به این طریق ارضا می شوم. یک جور ارضای روحی. یک احساس مفید بودن. از طرفی دیگر، این فعالیت باعث می شد تا مدتی از اطرافیان و حرف و حدیث های آن ها دور باشم.

کمیته ای که در حال حاضر در وزارت کشور در حال شکل گیری است زیر نظر کجاست؟

زیر نظر رییس جمهور و وزیر کشور.

الان وقتی به گذشته و آینده خود نگاه می کنید، از آن احساس رضایت می کنید؟

احساس می کنم یک جورهایی حق مرا خورده اند.

لحظه ای که بعد از عمل به هوش آمدید چه احساسی داشتید؟

یادم می آید همیشه به هواپیماهایی که از بالای منزلمان عبور می کردند نگاه می کردم و می گفتم. خدایا، یعنی می شود یک روز من هم با یکی از این ها به تایلند بروم، جراحی کنم و سالم برگردم؟ لحظه ای که چشم باز کردم به این آرزو فکر می کردم.

بعد از شما هم افرادی بودند که به تایلند مسافرت کنند؟

بله. خیلی زیاد.

الان با ترانس ها جلسات مرتبی هم دارید؟

نه. ولی جوان ترها بعضی وقت ها دور هم جمع می شوند.

از سر کردن چادر و مقنعه چه احساسی دارید؟ چون خبرگزاری های خارجی

از قول شما عنوان کرده اند که به زور چادر سر شما کرده اند؟

نه، من خودم و با میل خودم چادر سر می کنم. چون اولاً جامعه ما در حال حاضر به گونه ای است که چادر و مقنعه پوشش اصلی زنان را تشکیل می دهد. ثانیاً احساس می کنم در این پوشش امنیت بیشتری دارم.

بزرگ ترین آرزویتان چیست؟

ساختن بیمارستانی با پزشکان دوره دیده برای انجام جراحی ها و درمان ترانس ها.

و به عنوان حسن ختام این گفت و گو....!

زندگی شخصی و آن چه بر من رفته چندان مهم نیست. مهم آن است که از آقای وزیر بهداشت پرسیده شود. آقای وزیر اگر این بیماران منحرف هستند چرا آن ها را از بین نمی برید؟ اگر هم قابل درمان هستند، چرا کاری برای معالجه شان نمی کنید؟ چرا آن ها را به امان خدا رها کرده اید؟! من یک بار با یکی از آقایان وزرا گفت و گویی داشتم. ایشان می فرمودند: شنیده ام که چنین بیماری و مشکلی وجود دارد، اما خودم هنوز باور ندارم. فکر می کنم شما مردی هستید در لباس زن. البته از انجام هر کمکی بتوانم مضایقه ندارم. می خواهیم پرسیم چرا از بیان چیزی که قانونی است ابا داریم؟ باور کنید ما هم انسان هستیم.

ص: ۴۱۳

اشاره

(۱)

الف) تحریر الوسیله

مسأله ۱ - الظاهر عدم حرمة تغییر جنس الرجل بالمرأه بالعمل و بالعکس، و کذا لا یحرم العمل فی الخنثی لیصیر ملحقاً بأحد الجنسین، و هل یجب ذلك لو رأت المرأه فی نفسها تماثلات من سنخ تماثلات الرجل أو بعض آثار الرجولیه أو رأى المرأه فی نفسه تماثلات الجنس المخالف أو بعض آثاره؟ الظاهر عدم وجوبه إذا كان الشخص حقیقه من جنس و لكن أمکن تغییر جنسیته بما یخالفه.

مسأله ۲ - لو فرض العلم بأنه داخل قبل العمل فی جنس مخالف و العملیه لا تبدل جنسه بأخر بل تکشف عما هو مستور، فلا شبهه فی وجوب ترتیب آثار الجنس الواقعی و حرمة آثار الجنس الظاهر، فلو علم بأنه رجل یجب علیه ما یجب علی الرجال و یحرم علیه ما یحرم علیهم و بالعکس، و أما وجوب تغییر صورته و کشف ما هو باطن فلا

ص: ۴۱۵

يجب إلا إذا توقف العمل بالتكاليف الشرعيه أو بعضها عليه و عدم إمكان الاحتراز عن المحرمات الإلهيه إلا به فيجب.

مسألة ٣: لو تزوج إمراه فتغير جنسها فصارت رجلاً بطل التزويج من حين التغيير و عليه المهر تماماً لو دخل بها قبل التغيير، فهل عليه نصفه مع عدم الدخول أو تمامه؟ فيه إشكال، و الأشبه التمام، و كذا لو تزوجت إمراه برجل فغير جنسه بطل التزويج من حين التغيير، و عليه المهر مع الدخول، و كذا مع عدمه على الأقوى.

مسألة ٤: لو تغير الزوجان جنسهما إلى المخالف فصار الرجل امراه و بالعكس، فإن كان التغيير غير مقارن فالحكم كما مر، و إن قارن التغير فهل يبطل النكاح أو بقيا على نكاحهما و إن اختلفت الأحكام، فيجب على الرجل الفعلى النفقه و على المرأة الإطاعه؟ الأحوط تجديد النكاح و عدم زواج المرأة الفعليه بغير الرجل الذى كان زوجته إلا بالطلاق بإذنهما و إن لا يبعد بقاء نكاحهما.

مسألة ٥: لو تغير جنس المرأة فى زمان عدتها سقطت العده حتى عده الوفاه.

مسألة ٦: لو تغير جنس الرجل إلى المخالف فالظاهر سقوط ولايته على صغاره، و لو تغير جنس المرأة لا يثبت لها الولايه على الصغاره، فولايتهم للجد للأب، و مع فقدته للحاكم.

مسألة ٧: لو تغير جنس كل من الأخت و الأخت بالمخالف لم ينقطع انتسابهما، بل يصير الأخت اختاً و بالعكس، و كذا فى تغيير الأختين أو الأختين، و لو تغير العم صار عمه و بالعكس، و الخال خاله و بالعكس و هكذا، فلو مات عن ابن جديد و بنت جديده للذكر الفعلى ضعف الأنثى الفعليه، و هكذا فى سائر طبقات الارث، لكن يبقى الإشكال فى إرث الأب و الأم و الجد و الجده، فلو تغير جنس الأب إلى المخالف لا يكون فعلاً أباً و لا أمماً، و كذا فى تغيير جنس الأم. فإن الرجل الفعلى لا يكون امماً و لا أباً، فهل يرثان بلحاظ حال التوليد أو لأجل الأقربيه و الأولويه أو لا يرثان؟ فيه تردد، و الأشبه الارث، و الظاهر أن اختلافهما فى الإرث بلحاظ حال انعقاد النطفه، فللأب حال الإنعقاد ثلثان، و للأم ثلث، و الأحوط التصالح.

مسألة ٨: لو تغير جنس الأم فهل تكون بعد الرجوليه محرماً لجليه ابنها كالأب أم لا؟

لا- یبعد علی إشکال، و لو تغیر جنس الأب فهل یكون فی حال أنوثته محرماً لابنه و إن لم یکن أمّاً له ؟ الظاهر ذلك، و لو تغیرت زوجته الإبن و صارت رجلاً فهل هی محرم علی أم زوجها السابق ؟ لا یبعد ذلك علی إشکال.

مسأله ۹: ما ذکرناه فی الأقرباء نسباً یأتی فی الأقرباء رضاعاً کالأم و الأب الرضا عین و الأخت و الأخ و هكذا.

مسأله ۱۰: یتبث ما ذکرناه فیما إذا غیر جنس بجنس واقعاً، و أما لو کان العمل کاشفاً عن واقع مستور و أنّ من صار رجلاً بعد العمل کان رجلاً من أول الأمر یتکشف منه أن ما رتب علی الرجل الصوری و المرأه الصوریه رتب علی غیر موضوعه فتحدث مسائل آخر.

ب) تغیر جنسیت (۱) (ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی (ره))

۱. آیا تغیر جنسیت جایز است ؟

تغیر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به جنس زن یا مرد با عمل جراحی حرام نیست.

۲. تبدیل جنس واقعی

آیا اگر زنی در خود تمایلاتی همچون تمایلات مردان یا برخی از آثار مردی ببیند، یا شخصی در خود تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، واجب است تغیر جنسیت دهد یا خیر؟

چنان چه شخص حقیقتاً از جنس مرد یا زن است، ولی می تواند جنس خود را تغیر دهد و تبدیل به جنس مخالف جنس واقعی خود بشود، واجب نیست.

۳. تبدیل جنس ظاهری

چنان چه شخصی قبل از عمل جراحی در جنس مخالف قرار دارد و عمل جراحی جنسیت وی را تغیر نمی دهد بلکه آن چه را پنهان است آشکار می سازد، در این

ص: ۴۱۷

صورت، بدون شبهه واجب است آثار جنس واقعی را رعایت نماید، و ترتیب آثار جنس ظاهری حرام است. بنابراین، اگر بدانند که در واقع مرد است، آن چه بر مردان واجب است، بر وی واجب است و آن چه بر مردان حرام است بر وی حرام می باشد. و اما تغییر شکل و کشف آن چه پنهان است، واجب نیست مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی با پاره ای از آن نیاز به عمل جراحی داشته و احتراز از محرمات الهی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت شکل با عمل جراحی واجب می شود.

۴. تغییر جنسیت پس از ازدواج

اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و تبدیل به مرد شود، ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود و شوهر در صورت آمیزش قبل از تغییر باید تمام مهریه زن را پردازد و در صورت عدم آمیزش، سقوط نصف مهر مشکل و قول به پرداخت تمام مهریه بهتر است.

هم چنین اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می شود و در صورت آمیزش، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش، بنابر اقوی باید پردازد.

۵. تغییر جنسیت زن و شوهر با هم

اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد، حکم آن مانند سابق است. اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احوط این است که مجدداً ازدواج کنند، و زن با دیگری ازدواج نکند مگر این که با اجازه هر دو طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آنها هم چنان برقرار باشد.

۶. سقوط عده

اگر زنی در زمان عده تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود حتی عده وفات.

۷. تغییر عناوین

اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهد و به جنس مخالف درآید، نسبت

آن دو به یکدیگر قطع نمی شود؛ بلکه برادر، خواهر می شود و خواهر، برادر، و نیز اگر دو برادر یا دو خواهر تغییر جنسیت دهند؛ و اگر عمومی تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمه و اگر عمه ای تغییر جنسیت دهد، تبدیل به عمو می شوند. هم چنین با تغییر جنسیت، دایی به خاله و خاله به دایی تبدیل می شود.

۸. اگر یکی از کسان پسر و دختری که تغییر جنسیت یافته است بمیرد، پسر فعلی دو برابر دختر فعلی ارث می برد همچنین در سایر طبقات ارث. لکن اشکال باقی می ماند در ارث پدر و مادر و جدّ و جدّه که اگر پدر تغییر جنسیت دهد، نه پدر فعلی محسوب می شود و نه مادر فعلی. و نیز اگر مادر تغییر جنسیت دهد، مرد فعلی نه مادر است و نه پدر. در این صورت، آیا از نظر تولید، ارث می برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا این که ارث نمی برند؟ در این مسأله تردید وجود دارد و بهتر این است که بگوییم ارث می برند و ارث آنها به لحاظ حال انعقاد نطفه است. بنابراین، برای پدر در حال انعقاد نطفه و برای مادر می باشد و احوط این است که با هم مصالحه کنند.

۹. محرمیت

اگر مادر تغییر جنسیت دهد، آیا بعد از مرد شدن، مانند پدر، کسانی که بر پسرش حلالند، بر وی محرمند یا نه؟ بعید نیست که محرم باشند، البته با اشکال.

اگر جنسیت پدر تغییر یابد، آیا اکنون که زن شده به پسرش محرم است هر چند که مادر وی محسوب نمی شود؟ ظاهر این است که نسبت به وی محرم است.

اگر عروس (همسر پسر) تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا به مادر شوهر سابقش محرم است؟ بعید نیست که محرم باشد، البته با اشکال.

۱۰. نسبت به نزدیکان رضاعی

آن چه در نزدیکان نسبی گفته شد، در نزدیکان رضاعی مانند پدر، مادر، برادر، خواهر و... رضاعی نیز جریان دارد.

۱۱. کشف جنس واقعی

آن چه ذکر شد در مواردی است که تغییر جنسیت واقعی شخص باشد؛ اما اگر عمل

جراحی کاشف از واقعیت پنهانی بوده و کسی که بعد از عمل، مرد شده از اول مرد بوده است، با این عمل کشف می شود که آنچه بر مرد یا زن صوری مترتب شده، برخلاف واقع بوده و در این صورت مسائل دیگری پیش خواهد آمد.

ج) استفتایی از امام خمینی (ره) درباره تغییر جنسیت

شخصی به نام فریدون که دچار اختلال هویت جنسی یا تراجنسیتی بود. وی - بنا به گفته خودش - در فرانسه خدمت امام خمینی رسید و خواستار فتوایی برای جواز تغییر جنسیت شد. بار دیگر، بعد از انقلاب در جماران خدمت امام خمینی رسید و از نزدیک مشکل خویش را برای امام خمینی مطرح ساخت. امام خمینی با تغییر جنسیت او موافقت کرد و وی تغییر جنسیت داده و به زن تبدیل شده است. هم اکنون ایشان به نام «مریم خاتو مُلک آرا» شناخته می شود که استفتا زیر را در اختیار این جانب قرار داد:

بسمه تعالی

تغییر جنسیت با تجویز طبیب مورد اعتماد اشکال شرعی ندارد. انشاء الله تعالی در امان بوده باشید و کسانی که شما ذکر کرده اید امید است مراعات حال شما را بکنند. دفتر امام خمینی

بخش استفتا

دیدگاه آیت الله شیخ محمد علی اراکی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: آیا تغییر جنسیت مرد به زن و بالعکس به وسیله عمل جراحی جایز است؟ و از نظر وظایف شرعی و احکام مختص به رجال و نساء، وظیفه چیست؟

جواب: اگر عمل جراحی، واقع مَقْدَر را کشف می کند، مانعی ندارد و ترتیب آثار و احکام شرعی مختص به زن و مرد، تابع جنس واقعی است. پس اگر علم دارد که در واقع مرد است، احکام مرد را دارد و بالعکس هر چند عمل جراحی نشده باشد.

سؤال ۲: آیا تغییر جنسیت با عمل جراحی جایز است؟ به این صورت که مرد واقعی با عمل جراحی زن گردد و بالعکس؟

ص: ۴۲۰

جواب: در غیر صورت کشف واقع، با عمل جراحی تغییر جنسیت، واقعاً محل اشکال است. (۱)

دیدگاه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱. هل يجوز تحويل الجنس من إمرأ إلى رجل أو بالعكس عن طريق عملي جراحی كما هو الحاصل في بعض الدول؟

جواب: بسمه تعالی - لایجوز ذلك والله العالم. (۲) سؤال ۲. حکم تغییر جنسیت خنثی به مرد یا زن چیست؟

جواب: ظاهراً جایز می باشد و بعد از تغییر جنسیت باید به وظایف جنسی که تغییر پیدا کرده عمل نماید. (۳)

دیدگاه آیت الله سید ابوالقاسم خوئی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: کسانی به وسیله جراحی اطبا این عصر تبدیل می کند مرد ذکر خود را به فرج انثی، و هم چنین زن تبدیل می نماید فرج خود را به ذکر مردی، اگر فرضاً این امر برای شهوت باشد حکم او چیست و اگر غرض او یک امر ایجابی باشد، مثلاً به وسیله این عمل عقم او شفا می یابد و برای حب بقای نسل اقدام به چنین امری می کند؟

جواب: این عمل جراحی در نهایت اشکال است. (۴) سؤال ۲: بالنسبه إلى الخنثی الکاذبه - أي أن الشخص فی خلایا جسمه من الناحیه الوراثیه ذکر مثلاً و لكن الآله الخارجیه تغایر ذلك أو العکس. فهل یجوز تغییر الشكل الخارجی بما یوافق واقع الأمر؟

ص: ۴۲۱

۱- (۱) سایت گروه فقه و احکام مدرسه علمیه نرجس (س)؛ و نیز محمدعلی اراکی، استفتاءات، ص ۲۸۴، سؤال ۲ و ۵.

۲- (۲) سید حسین حسینی، احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹.

۳- (۳) سایت گروه فقه و احکام مدرسه علمیه نرجس (س).

۴- (۴) ابوالقاسم موسوی خوئی؛ استفتاءات: پرسش و پاسخ، ص ۳۸۶؛ سید حسین حسینی؛ احکام المغتربین، وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹-۴۴۰.

جواب: لا مانع من ذلك. (۱) سؤال ۳: و إذا علم بالفحص أنه في الواقع ذكر مثلاً و إن كان الشكل شكلاً أنثوياً، فهل يجوز في هذه الحالة إزالة عوارض الذكوره مثلاً و صيرورته انثى خالصه باعتبار أنه رُبِّي و هو صغير على أنه انثى فإذا غير إلى ذكر قد يصيبه بعض الأزمات النفسيه فتلافياً لذلك تزال عنه عوارض الذكوره - مع أنه ذكر في الواقع - حتى يكون انثى خالصه أم لا يجوز ذلك ؟

جواب - لا مانع من ذلك. (۲)

دیدگاه آیت الله محمد فاضل لنکرانی درباره تغییر جنسیت

پرسش ۱: پسری هستم ۲۴ ساله که تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رسانیده و در حال حاضر آماده اعزام به خدمت مقدس سربازی هستم. حدود چند سالی است که متوجه وجود تفاوت شدیدی بین خود و همسن و سالانم شده ام. مشکل من این است که از لحاظ جنسی با هم جنسان خود تفاوت بسیار شدیدی دارم، به این معنا که از لحاظ جنسی به جای این که متمایل به غیر هم جنس باشم، تمایل شدیدی به هم جنسان خود دارم و از داشتن ارتباط با غیر هم جنس به شدت بی زارم. در واقع به جای داشتن احساسات مردانه، تمایل خصلت ها و خصوصیات و احساسات زنانه را در وجود خودم حس می کنم. به عبارت دیگر، از جنسیت خودم ناراضی هستم. و این مسأله برای من مشکل ساز شده است. در نتیجه نمی توانم به عنوان یک مرد نقش اجتماعی و جنسی خود را ایفا کنم و قادر به مسؤولیت هایی که شرع و قانون بر عهده مرد گذاشته است نمی باشم. لازم به ذکر است که این مسأله به عنوان یک بیماری شناخته شده و در علم روان شناسی به آن «اختلال هویت جنسی» (GenderIdentity) می گویند.

تا به حال چندین بار به روان پزشکان و روان شناسان مختلف مراجعه کرده ام ولی نتیجه ای عایدم نشده است. از لحاظ علم پزشکی این بیماری خوب شدنی نیست و تنها

ص: ۴۲۲

۱- (۱) ابوالقاسم خوئی، منیه السائل؛ استفتاءات هامه، جمع و تدوین از: موسی مفید الدین عاصی عاملی، چاپ سوم، ص ۱۲۰.

۲- (۲) همان، ص ۱۲۰.

راه حل آن تغییر جنسیت می باشد.

حال سؤال من این است که شرع مقدس برای افرادی همانند من با توجه به خصوصیات که در فوق ذکر کردم، یعنی داشتن عواطف و احساسات زنانه به جای احساسات مردانه، چه تکلیفی را معین کرده است؟ چون من نمی توانم ازدواج کنم و در صورت ازدواج مطمئناً زندگی ناموفقی خواهم داشت. آیا اجازه تغییر جنسیت می دهد؟ ما برای ادامه زندگی چه باید بکنیم؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید و تکلیف شرعی من را معین نمایید. قبلاً از همکاری شما متشکرم.

پاسخ - عمل جراحی برای تغییر جنسیت اگر ضرر نداشته باشد به خودی خود اشکال ندارد، لکن اگر به عنوان یک زن با ساختمان بدنی زن تغییر جنس دادید، باید به وظایف زنانه از حجاب و پوشش از نامحرم و احکام دیگر عمل کنید. (۱) پرسش ۲: افرادی که از نظر ظاهری کاملاً سالم هستند، ولی به دلیل ناراحتی شدید روحی به جنس مخالف تمایل دارند، آیا می توانند تغییر جنسیت بدهند؟ به طور کلی دیدگاه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی درباره تغییر جنسیت چیست؟

پاسخ - تغییر جنسیت اگر امکان هم داشته باشد فی حد نفسه حرام نیست، لکن مستلزم ارتکاب حرام، مثل: کشف عورت و لمس آن است که حرام است و موردی که نوشته اید، مجوز ارتکاب حرام نمی شود. به هر حال اگر کسی تغییر جنسیت داد باید به وظایف جنسی که تغییر یافته عمل کند، اگر زن شده وظایف زن، و اگر مرد شده وظایف مرد را انجام دهد. (۲) پرسش ۳: آیا تغییر جنسیت به عمل جراحی بدون هیچ آثار قبلی جایز است؟

پاسخ - مجرد تغییر جنسیت اشکال ندارد، لکن اگر بر فرض در صورت عمل مثلاً مردی تبدیل به زن شد، باید به تمام احکام مربوط به زنان از پوشش و غیر آن عمل

ص: ۴۲۳

۱- (۱) استفتاء از محمد فاضل لنکرانی، اخذ شده از مرکز رایانه دفتر ایشان، مستقر در مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، قم.

۲- (۲) استفتاء نگارنده از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، و پاسخ دفتر ایشان در تاریخ ۱۳۸۴/۱/۲۴.

کند، و همین طور در عکس آن. (۱) پرسش ۴: آیا افراد خنثی می توانند تغییر جنسیت بدهند؟ یعنی به زن یا مرد تبدیل شوند؟

پاسخ: بلی، این افراد می توانند با عمل جراحی خود را تبدیل به زن یا مرد کنند. و بعد از این که با عمل جراحی جنس معین شد، تمام احکام آن جنس را خواهند داشت و می توانند با دیگری ازدواج کنند. (۲) پرسش ۵: الف) آیا زنان بدون رحم فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی ها و مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند که همگی آن ها حامله شدنشان محال است. در نگه داشتن عده آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

ج) آیا نفق سپری شدن عده به آنها تعلق می گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن هایی باین است یا رجعی؟ و اصولاً بفرماید آیا اصل در طلاق باین است یا رجعی؟ یا این که اصلاً جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ الف) خیر، بلکه باید عده کامل نگه دارند.

ب) بعد از طلاق از شوهر اول و گذشت عده مانعی ندارد.

ج) بلی در طلاق رجعی استحقاق نفقه ایام عده را دارند. اصل در طلاق رجعی است. ۸۰/۵/۱۰. (۳) پرسش ۶: ما رأیکم فی تغییر الجنسی عند ما يحس الشخص احاسيس جنس المخالف مع أنه فی الحقیق تنقیص فی الجنسی؟

ص: ۴۲۴

۱- (۱) اخذ شده از مرکز رایانه دفتر ایشان.

۲- (۲) محمد فاضل لنگرانی، جامع المسائل، استفتاءات، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳- (۳) مرکز تحقیقات فقهی قو قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱)، ص ۵۰-۵۳؛ همو، گنجینه آرای فقهی قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

پاسخ: لا- مانع من التغيير في الصور المذكور بل ليس هو في التحقيق تغيير بل كشف عن الجنسي الواقعي المجهول. (۱) حکم
تغيير و مشخص کردن جنسیت

تغيير جنسیت دو صورت دارد:

الف) گاهی صرفاً ظاهری و صوری است؛ یعنی مثلاً طبیعت بدن مؤنث است و در واقع اثری از آلت انوئیت نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت مذکر ظاهر می‌گردد، این کار حرام است و باید به شدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی براساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است.

ب) و گاهی تغییر جنسیت واقعی است؛ یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی واقعی که بر اثر مانعی پوشیده شده، ظاهر می‌گردد. این کار ذاتاً جایز است، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در شخص باشد. اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در ضرورت جایز است. (۲) وجوب تغییر و مشخص کردن جنسیت

در موارد زیر تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسی واقعی، واجب می‌شود:

الف) اگر افراد دو جنسی در انجام اعمال و وظایف شرعی خود مانند: محرمیت، ازدواج، ارث، نماز و غیره دچار مشکل شوند و تنها راه خروج از این مشکل، تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی باشد؛

ب) اگر دو جنسی بودن موجب ابتلا به بیماری‌های شدید جسمی یا روانی و یا اختلال در زندگی خانوادگی شود و پزشک متخصص تنها راه علاج را در تغییر جنسیت و مشخص کردن جنسیت واقعی بداند؛

ج) اگر در شخص آثار و تمایلات جنس مخالف باشد و عدم تغییر جنسیت باعث

ص: ۴۲۵

۱- (۱) همان، پاسخ سؤال ۵۴۲۵.

۲- (۲) غلام حسین خدادادی، احکام پزشکان و بیماران (فتاوی‌ای آیت الله فاضل لنکرانی)، ص ۱۳۸.

ارتکاب حرام شرعی یا قبیح عرفی گردد.

البته در همه موارد سه گانه باید حتی المقدور از ارتکاب اعمال حرام خودداری شود و در صورت لزوم به مقدار ضرورت اکتفا گردد. (۱) اقدام به تغییر جنسیت توسط پزشک

چون انجام عمل جراحی برای تغییر دادن جنسیت مستلزم نگاه و لمس است، در صورتی پزشک می تواند به این کار اقدام نماید که تغییر جنسیت برای شخص ضرورت داشته باشد یا بدون ارتکاب نگاه و لمس حرام مثل تجویز دارو بتواند به این کار اقدام نماید. در این صورت، براساس آن چه که در بحث نگاه و لمس نامحرم گذشت، اقدام پزشک شرعاً اشکال ندارد. (۲) تغییر جنسیت دو جنسی حقیقی

دو جنسی حقیقی که آن را خنثی مشکل می نامند، اگر امکان داشته باشد با عمل جراحی از دو جنسی بودن خارج شود، اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد. و ضرورت معالجه دربار او در برخی از صورت ها محقق و ثابت است. (۳) اذن شوهر در تغییر جنسیت

اگر زن جزء کسانی باشد که تغییر جنسیت برای آنان واجب است، در این صورت، تغییر جنسیت زن نیاز به اذن شوهر ندارد. (۴) مواردی که موجب ضرورت اقدام به تغییر جنسیت نیست

مسائلی از قبیل وجود تمایلات و روحیات جنس مخالف و هم چنین تهدید به خودکشی و یا ترس از خودکشی در صورت عدم تغییر جنسیت، هیچ یک دلیل بر

ص: ۴۲۶

۱- (۱) همان، ص ۱۳۸.

۲- (۲) همان، ص ۱۳۹، مسأله ۳۴۵.

۳- (۳) همان، ص ۱۳۹، مسأله ۳۴۶.

۴- (۴) همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۷.

ضرورت تغییر جنسیت نمی باشد. (۱) احکام دو جنسی ها

دو جنسی کاذب که طبیعتش برخلاف ظاهر اوست، مکلف است براساس جنسیت ظاهری خویش عمل نماید، یعنی اگر ظاهرش زنانه است، خود را از نامحرم بپوشاند و می تواند شوهر نماید و اگر ظاهرش مردانه است به نامحرم نگاه نکند و می تواند با زن ازدواج نماید. (۲) احکام شرعی بعد از تغییر جنسیت

شخصی که تغییر جنسیت داد، همه احکام او تغییر می کند و باید احکام جنسیت پس از تغییر از قبیل محرمیت، ازدواج و... را مراعات نماید. (۳) تکلیف همسران بعد از تغییر جنسیت

تغییر جنسیت در دو همسر (زوجین) به چند صورت ممکن است:

الف) اگر تنها یکی از آنها تغییر جنسیت دهد، عقد زوجیت آن دو باطل می گردد؛

ب) اگر هر دو همسر تغییر جنسیت دهند، ولی یکی جلوتر و دیگری در زمان بعد، در این صورت نیز عقد نکاح باطل می شود؛

ج) اگر تغییر جنسیت در دو همسر همزمان صورت گیرد، زوجیت آن دو بلافاصله فسخ می گردد، ولی می توانند مجددا در شکل جدید بعد از تغییر جنسیت عقد ازدواج بخوانند و احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا زمان عدّه بگذرد. (۴) حکم مهریه بعد از تغییر جنسیت

اگر تغییر جنسیت از طرف زن و با اذن شوهر انجام شود، در صورت عدم

ص: ۴۲۷

۱- (۱) همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۸

۲- (۲) همان، ص ۱۴۰، مسأله ۳۴۹

۳- (۳) همان، مسأله ۳۵۰.

۴- (۴) همان، ص ۱۴۱، مسأله ۳۵۱.

آمیزش قبل از تغییر، مهریه زن باید به طور کامل پرداخت شود و احتیاط آن است که مصالحه کنند.

اگر زن بدون اجازه شوهر اقدام به تغییر جنسیت کرده باشد، در صورتی که باید با اذن شوهر اقدام به این کار می کرد، مرتکب گناه شده است، ولی از مهریه محروم نمی شود و طبق حکم شرعی، مهریه به او می رسد. (۱) تغییر جنسیت زن در زمان عدّه

اگر زن هنگامی که در عدّه است تغییر جنسیت دهد، باقی مانده عدّه اش ساقط می شود و دیگر لازم نیست بقیه عدّه را نگه دارد، حتی اگر در عدّه وفات باشد. (۲) حکم ولایت فرزندان، بعد از تغییر جنسیت

اگر مرد تغییر جنسیت داد و زن شد، دیگر بر کودکانش ولایت ندارد، همچنین اگر زن تغییر جنسیت داد مرد شد، بر کودکانش ولایت پیدا نمی کند، بلکه ولایت آنان با پدر، و در صورت نبودن او با جد پدری است و اگر او هم نباشد، ولایت اولاد به ولی امر می رسد. (۳) احکام ارث، بعد از تغییر جنسیت

فردی که تغییر جنسیت دهد، نسبتش با نزدیکان قطع نمی شود، بلکه عنوان نسبت عوض می شود، مثلاً برادر، خواهر می شود و..... و ارث بردن آنان نیز تابع جنسیت بعد از تغییر است.

پدر و مادر و جدّ و جدّه اگر تغییر جنسیت دهند، در ارث بردن ایشان حالت قبل از تغییر جنسیت لحاظ می شود هر چند احتیاط این است که در مقدار ارث با یکدیگر مصالحه نمایند. (۴)

ص: ۴۲۸

۱- (۱) همان، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۲- (۲) همان، ص ۱۴۱، مسأله ۳۵۴.

۳- (۳) همان، ص ۱۴۲، مسأله ۳۵۵.

۴- (۴) همان، مسأله ۳۵۶ و ۳۵۷.

همان طور که گذشت، تغییر جنسیت موجب از بین رفتن نسبت شخص با نزدیکان نمی شود و فقط عنوان نسبت عوض می شود، لذا حکم محرمیت با محارم نیز باقی است و تغییر نمی کند.

کسی که تغییر جنسیت بدهد، نسبت به هم جنسان پیشین خود نامحرم می شود، چه پسر باشد و چه دختر، چه از بستگان سببی یا نسبی باشد و تنها نسبت به محارم پیشین خود محرم است مگر زن و شوهر که با تغییر جنسیت یکی از آنان ازدواج آنها باطل می شود. (۱)

دیدگاه آیت الله محمدتقی بهجت درباره تغییر جنسیت

متن سؤال: به طور کلی دو جنسی ها (هرمافرودیت ها) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱. دو جنسی های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن که مشخصات مردانه در آن ها قوی تر باشد یا زنانه، با عمل جراحی به صورت مرد یا زن در خواهند آمد.

۲. شبه دو جنسی ها، با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

۳. شبه دو جنسی ها، با ظاهر مردانه که واقعاً زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی.

بفرمایید:

پرسش (۱) آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعاً جایز است؟

پرسش (۲) اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو

ص: ۴۲۹

جنسی بودن را بفهمد، وظیفه اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد، یا این که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به برهم زدن ازدواج شود، کتمان سرّ، بر پزشک لازم است؟

پرسش ۳) اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه اش چیست؟ کتمان سر یا افشای آن؟ (با توجه به این که هر شق مسأله، پیامد خاص خود را دارد).

پرسش ۴) در صورتی که غدد مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک، جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پرسش ۵) بر فرض جایز بودن عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن، صرف اعلام رضایت بیمار کافی است یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا... نیز کسب اجازه کرد؟

پرسش ۶) بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت یا مشخص کردن نوع جنسیت، آثار آن از قبیل طلاق نفقه، مهر، حضانت اولاد و... چیست؟

پاسخ: اگر هر یک از علایم مرد یا زن غلبه داشته باشد که همان حکم مرد یا زن را دارد، شرعاً بدون نیاز به عمل جراحی و این غیر از خنثای مشکل است که اگر پزشک تشخیص داد موظف است که حتماً آن را اخبار کند در جهت امر ازدواج که ازدواج خنثی اگر مشکله باشد صحیح نیست.» (۱)

دیدگاه آیت الله میرزا جواد تبریزی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱. الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی ها و مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند که همگی آن ها حامله شد نشان محال است، در نگه داشتن عده، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

ص: ۴۳۰

ج) آیا نفقه سپری شدن عده به آن ها تعلق می گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن هایی بائن است یا رجعی؟ و اصولاً بفرماید آیا اصل در طلاق بائن است یا رجعی؟ یا این که اصلاً جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ الف) تغییر جنسیت جایز نیست و عده زنان بدون رحم و فاقد تخمدان، مثل عده زنان مسترابه است، و الله العالم.

ب) تزویج زنان بدون رحم و فاقد تخمدان اشکال ندارد، و الله العالم.

ج) حکم زنان مذکور در طلاق و عده و نفقه، حکم زنان مسترابه را دارند، و الله العالم. (۱) سؤال ۲: ما حکم استبدال الرجل ذکره بفرج أنثی، أو استبدال الأنثی فرجها بذكر رجل، بالعمليات التي یجرها أطباء العصر؟ إذا كان هذا لغرض شهوانی فقط، أو كان لغرض الإنجاب كأن یكون المستبدل مصاباً بعقم لا یشفی، و لِحُبّه النسل استبدال فرجه؟

جواب: هذا غیر جائز، لانه من تغییر خلق الله سبحانه و تعالی. (۲)

دیدگاه آیت الله سید علی سیستانی درباره تغییر جنسیت

پرسش ۱: آیا تغییر جنسیت اشکال دارد؟

پاسخ: چون مستلزم نگاه به عورت است بدون ضرورت جایز نیست. (۳)

پرسش ۲: منقلب کردن زن به مرد و بالعکس چه حکمی دارد، و در صورت انقلاب مرد، حکم زن را می گیرد یا نه؟

پاسخ: بر فرض امکان اشکال ندارد [البته] اگر مستلزم کار حرامی نباشد، و بر فرض تحقق، احکام جنسی جدید را دارد. (۴)

ص: ۴۳۱

۱- (۱) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی، ج ۳ (نکاح ۱)، ص ۵۰-۵۱، از: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه؛ گنجینه آرای فقهی - قضایی، پاسخ سؤال ۵۷۵۱.

۲- (۲) سید حسین حسینی؛ احکام المغتربین وفقاً لفتاوی عشره من مراجع التقليد، ص ۴۳۹-۴۴۰.

۳- (۳) استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت الله سیستانی در قم، هم چنین می توانید به سایت ایشان به آدرس: www.sistani.org مراجعه کنید.

۴- (۴) همان.

پرسش ۳: هل يجوز لأحد الجنسين تغيير جنسه بأن يحول الرجل نفسه بالمرأة و بالعكس؟

پاسخ: لا مانع منه في حد ذاته على تقدير تحقق الفرض. (۱) پرسش ۴: افتنا في مسأله هامه جداً تتعلق بمصير و حياه شخص فاقد للهويه من حيث كونه ذكراً أو انثى، ما رأيكم بشأن إجراء عملية التحويل الجراحي لتغيير الجنس من انثى إلى ذكر علماً أنّ الشخصيه تعاني من اضطرابات نفسيه بسبب هذه الحاله و مصابه الآن باكتئاب نفسي حاد و قد تعرضت مسبقاً إلى انهيار عصبي حاد إضافة إلى أنّ صلتها الآن بالآخرين شبه منقطقه هذه الحاله المرضيه النفسيه علماً أنّها من حيث التكوين الفسيولوجي لا توجد مشكله و لكن المشكله نفسيه بالدرجه الأولى و لم تنفع أي معالجات نفسيه للمشكله و الوضع في تأزم مستمر بانتظار رأيكم السريع مع التقدير. نحيطكم علماً أنّ هناك فتوى للامام الخميني حول امكانيه إجراء جراحه لتغيير الجنس فما هو رأي سماحه السيد بذلك؟

پاسخ: إذا كان في واقعه يحمل جهاز معين و ان كان مضموراً فيجوز له إجراء عملية لإبرازه، و أما إذا كان يحمل الجهازين معارض و لم يتشخص هويته بالعلامات فإجراء العملية لتغيير الهويه لا مانع منها إن فرض تحقق ذلك بأن يتحول ذكراً حقيقه. (۲) پرسش: الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی ها و مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند که همگی آن ها حامله شدنشان محال است، در نگه داشتن عدّه، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

ج) آیا نفق سپری شدن عدّه به آن ها تعلق می گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن هایی باین

ص: ۴۳۲

۱- (۱) استفتاء اخذ شده از دفتر آیت الله سیستانی در قم.

۲- (۲) استفتاء اخذ شده از دفتر سایت اینترنتی آیت الله سیستانی در قم؛ و نیز به این آدرس مراجعه کنید: WWW.

است یا رجعی؟ و اصولاً بفرمایید آیا اصل در طلاق باین است یا رجعی؟ یا این که اصلاً جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ - الف) به آن ها ملحق نمی شوند و اگر ازدواج صحیح باشد و طلاق رجعی باشد، باید عده نگه بدارند.

ب) نمی توانند، مگر واقعاً تغییر جنسیت داده شده باشد که در زمان ما فعلاً محقق نشده است؛ بلی اگر واقعاً زن بوده و دارای رحم بوده و لکن گوشت زائدی هم داشته در این صورت می تواند ازدواج نماید.

ج) در صورتی که نکاح صحیح باشد و طلاق رجعی باشد، حق نفقه دارند و طلاق در ۶ مورد باین است: دختری که کم تر از ۹ سال دارد؛ یا نسه قبل از دخول؛ طلاق سوم با شرایط؛ طلاق خلع و (طلاق) مبارات و (و) طلاق حاکم در مورد امتناع زوج از نفقه و طلاق (در) غیر این موارد رجعی است. ۱۴ جمادی الثانی ۱۴۲۲ هـ - ق (۱)

دیدگاه آیت الله سید علی خامنه ای درباره تغییر جنسیت

«پرسش ۱ - تغییر جنسیت مرد به زن، و زن به مرد و ملحق کردن خنثی به زن یا مرد با عمل جراحی چه حکم دارد؟»

پاسخ: در مورد خنثی، نیز در موردی که فائده معتنی به عقلائی در تغییر جنسیت باشد اشکال ندارد. (۲) «پرسش ۲ - در مورد تغییر جنسیت با توجه به این که از نظر طبی این عمل (در غیر از خنثی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیت محسوب می شود، بعضاً با مواردی اطبا مواجه اند که شخص از نظر ظواهر بدن بدون هیچ شبهه ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد (و تا به حال این مسأله پیش آمده) و با

ص: ۴۳۳

۱- (۱) مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی؛ نکاح، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۲- (۲) ر. ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، گنجینه آرای فقهی و قضایی، پاسخ سؤال ۵۲۵۶.

توجه به این که آمارهای عملی نشان می دهد این گونه افراد ۶ الی ۱۶ ماه بعد از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد، آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدید انتحار مواجه اند، می توانند از باب این که حفظ نفس مقدم تر از حفظ عضو است این عمل را انجام دهند؟ و آیا اصولاً این عمل برای خود چنین شخصی حرام است یا جایز؟

پاسخ - تغییر جنسیت برای شخص و به درخواست شخص اشکال ندارد حتی اگر چه جلوگیری از اقدام بر انتحار متوقف بر آن نباشد و یا اصلاً خطر انتحاری در بین نباشد. (۱) پرسش ۳: ما هو حکم اجراء العمليه الجراحيه لإلحاق الختنی بالمرأه أو بالرجل؟

پاسخ: لا مانع من ذلك في نفسه، و لكن يجب التحرز عن المقدمات المحرمه.

پرسش ۴: اگر زن یا مرد پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج قبلی چگونه است؟ در صورت بطلان، آیا مرد باید مهریه زن را تماماً بپردازد؟

پاسخ: ازدواج از حال تغییر [جنسیت] باطل می شود، و اگر بعد از دخول بوده تمام مهر ثابت می شود، و چنان چه قبل از آن بوده حکم به تصیف مهر معلوم نیست.

«پرسش ۵: الف) آیا زنان بدون رحم، فاقد تخمدان یا با تخمدان معیوب یا دو جنسی ها و مردانی که قبلاً زن بوده اند و با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شده اند، که همگی آن ها حامله شدنشان محال است، در نگه داشتن عده، آیا به دختران قبل از بلوغ (غیر مدخوله) و یائسه ملحق می شوند؟

ب) آیا چنین زنانی می توانند به عقد نکاح کسی در آیند؟

ج) آیا نفقه سپری شدن عده به آن ها تعلق می گیرد؟ و آیا طلاق چنین زن هایی بائن است یا رجعی؟ و اصولاً بفرماید آیا اصل در طلاق، باین است یا رجعی؟ یا این که اصلاً جای تأسیس اصل نیست؟

پاسخ - الف) ملحق نیستند.

ب) اگر زن هستند با وجود سایر شرایط مانعی ندارد.

ص: ۴۳۴

ج) اگر طلاق آن ها رجعی است، نفقه به آن ها تعلق می گیرد و در رجعی یا باین بودن طلاق، اصل خاصی قابل تأسیس نیست و موارد مختلف است. انشاءالله موفق باشید.» (۱) پرسش - برخی از افراد در ظاهر مذکر هستند، ولی از جهات روحی و روانی ویژگی های جنس مؤنث را دارند و تمایلات جنسی زنانه در آنان به طور کامل وجود دارد و اگر مبادرت به تغییر جنسیت نکنند به فساد می افتند. آیا معالجه آنان از طریق انجام عمل جراحی جایز است؟

پاسخ - عمل جراحی مذکور برای کشف و آشکار کردن واقعیت جنسی آنان اشکال ندارد، به شرطی که این کار مستلزم فعل حرام و تربت مفسده ای نباشد. (۲) پرسش ۶: انجام عمل جراحی برای الحاق فرد خنثی به زن یا مرد چه حکمی دارد؟

پاسخ: این کار فی نفسه اشکال ندارد، ولی واجب است از مقدمات حرام پرهیز شود. (۳)

دیدگاه آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی درباره تغییر جنسیت

پرسش ۱. آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی (در مورد دو جنسی ها) شرعاً جایز است؟

پاسخ - عمل جراحی مذکور فی نفسه اشکال ندارد و الله العالم.

پرسش ۲. اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد یا این که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به برهم زدن ازدواج شود، کتمان ستر بر پزشک لازم است؟

پاسخ - در فرض سؤال که پزشک مورد مشورت است، اگر واقعاً دو جنسی بودن را بفهمد لازم است واقعیت را بگوید والله العالم.

ص: ۴۳۵

۱- (۱) همان، ش ۵۷۵۱.

۲- (۲) ر. ک: سید علی خامنه ای، رساله اجوبه الاستفتاءات، (تهران: الهدی، ۱۳۸۰)، ص ۷۰.

۳- (۳) همان.

پرسش ۳. اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه اش چیست؟ کتمان سِرّ یا افشای آن؟ (با توجه به این که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).

پاسخ - حکم سؤال قبل را دارد.

پرسش ۴. در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ - اگر منظور از تجویز پزشک تجویز عمل جراحی است و با عمل، جنسیت به طور قطع معلوم می شود اشکال ندارد. والله العالم.

پرسش ۵. بر فرض جایز بودن عمل جراحی تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن صرف اعلام رضایت کافی است، یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا.... نیز کسب اجازه کرد؟

پاسخ - در مواردی که عمل جراحی لازم یا بی اشکال باشد و بیمار بالغ باشد، رضایت او کافی است. والله العالم.

پرسش ۶. بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت یا مشخص کردن نوع جنسیت آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و.... چیست؟

پاسخ - در صورتی که جنس واقعاً تغییر کند، یعنی مرد زن و زن مرد شود، احکام آن بر حسب موارد متفاوت است. مثلاً اگر با عمل جراحی، زنی که شوهر دارد مرد شود، از همان لحظه نکاح آن ها باطل می گردد و اگر قبل از تغییر دخول واقع شده باشد تمام مهریه را طلب کار است و به هر حال احکام بسیاری مترتب می شود. والله العالم. ۱۳۸۱/۵/۸ (۱) «متن سؤال: دو جنسی های کاذب بر دو دسته از لحاظ پزشکی تقسیم می شوند:

دست اول: دو جنسی های کاذب مؤنث اند که از لحاظ کروموزومی مؤنث هستند، ولی ظاهری کاملاً مردانه دارند؛

ص: ۴۳۶

دست دوم: دو جنسی کاذب مذکر هستند که وضعیت کروموزومی آنان مذکر است، ولی دارای ظاهری کاملاً زنانه هستند. ضمناً دو جنسی های حقیقی (که در فقه به آن ها خنثای مشکل می گویند) افرادی اند که دارای دو گناد (بیضه و تخمدان) هستند و ممکن است هر دو فعال باشند، چه این که تخمدان ها در یک طرف و بیضه ها در طرف دیگر باشند و یا مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان در یک طرف یا هر دو طرف، باشد خلاصه دارای اندام تناسلی به اشکال گوناگونی هستند. بفرماید:

پرسش ۷: در دو جنسی کاذب مؤنث آیا پزشک از دیدگاه شرع مجاز است در صورت تمایل فرد، علی رغم ماهیت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟

پاسخ: در فرض سؤال که عمل پزشک متضمن تثبیت و حفظ ظاهر مردانه است جواز آن محل اشکال و تأمل است. والله العالم

پرسش ۸: اگر دو جنسی کاذب مؤنث - که ماهیتش زنانه است - با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه وی چیست؟

پاسخ: ازدواج مذکور صحیح نیست و پزشک هم مجاز به عمل مذکور نیست، والله العالم.

پرسش ۹: اگر دو جنسی کاذب مؤنث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجه به این که اگر ازدواج کند - هر چند ظاهرش بر اثر عمل جراحی باقی می ماند - دو زن با هم ازدواج کرده اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه چیست؟

پاسخ: در فرض سؤال ازدواج او، عمل پزشک هیچ یک جایز نیست. والله العالم.

پرسش ۱۰: در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنث با زن ازدواج کرده باشد و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی بشود، وظیفه اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سبب موجب ازدواج یا ادامه دو زن می شود و افشای سبب نیز منکر است چون صاحب آن راضی به افشا نیست).

پاسخ: در فرض سؤال اگر پزشک در تشخیص خود جازم باشد، باید حکم شرعی را که حرمت ازدواج با زن است برای خود آن ها بگوید. والله العالم.

پرسش ۱۱: دو جنسی کاذب مذکر که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیت مرد است، آیا پزشک مجاز است با تمایل وی، برای حفظ ظاهر زنانه عمل جراحی انجام دهد؟

پاسخ - حکم سؤال اول (سؤال ۷ در این جا) را دارد. والله العالم.

پرسش ۱۲: در مواردی که دو جنسی کاذب با مردی ازدواج کرده است و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی و مذکر بودن می شود، تکلیف نسبت به افشای سِرّ کتمان و سکوت چیست؟

پاسخ: حکم سؤال چهارم (سؤال ۱۰ در این جا) را دارد. والله العالم.

پرسش ۱۳: در صورتی که دو جنسی کاذب مذکر بخواهد ازدواج کند، پزشک متوجه بشود، با توجه به این که سکوت وی منجر به ازدواج دو مرد با هم می شود، تکلیف چیست؟

پاسخ: بر پزشک لازم است که بطلان ازدواج آن ها با یکدیگر به خود آن ها بگوید. والله العالم.

پرسش ۱۴: در دو جنسی حقیقی (ختنای مشکل) آیا مشخص کردن جنسیت شخص جایز است؟

پاسخ: اگر بتواند با معالجه ولو به صورت عمل (جراحی) جنس را به طور قطع مشخص نماید و او را مرد یا زن نماید، جواز بعید نیست. والله العالم.

پرسش ۱۵: آیا پزشک یا جامعه پزشکی به عنوان متصدی در امور پزشکی مسؤول و مکلف است ماهیت شخص را مشخص کند؟ آیا درخواست بیمار در چنین موردی مجوز تبدیل وضعیت (مشخص کردن وضعیت) به حساب می آید، یا باید علاوه بر آن، مراجع ذی صلاح نیز اجازه دهند؟

پاسخ: در این مورد، پزشک وظیفه ای ندارد و اجازه مراجع ذی صلاح - اگر منظور مقامات اداری و قضائی باشد - اثری در حکم مسأله ندارد و درخواست بیمار چنان چه با معالجه و لو عمل پزشک جنس او را کاملاً مشخص و معلوم گردد که زن است یا مرد، اشکال ندارد.

پرسش ۱۶: اگر پزشک فقط به درخواست بیمار، وضعیت وی را از لحاظ جنسیت مشخص کند، آیا از لحاظ شرعی فعل وی تحت چه عنوانی قرار می گیرد؟

پاسخ - اگر عمل او منتهی به مرد شدن یا زن شدن شود و از حالت ابهام بیرون بیاید، عمل پزشک عنوان «معالجه بیمار» دارد و بی اشکال است.

پرسش ۱۷: اگر خنثی (دو جنسی) ازدواج کرده باشد، اعم از این که وضعیت واقعی او چه بوده است و سپس وضعیتش مشخص و یا تبدیل شود، تکلیف عقد ازدواج چه می شود؟

پاسخ: اگر مشخص شود که مرد بوده و ازدواج او هم با زن بوده و هم چنین اگر مشخص شود که زن بوده و ازدواجش با مرد بوده، عقد نکاح صحیح واقع شده است، ولی اگر در صورت اول معلوم شود که زن بوده و در صورت دوم معلوم شود که مرد بوده، عقد نکاح باطل بوده است و در صورت تبدیل عقد باطل می شود. والله العالم.

پرسش ۱۸: در دو جنسی کاذب مؤنث که از لحاظ ماهیت زن است، پس از مشخص شدن وضعیت، تکلیف ارث و نفقه و... چه می شود؟

پاسخ: اگر به طور قطع معلوم شود که زن است احکام زن را دارد که برحسب فروع متعدده احکام مخصوصه خود را دارد از جهت ارث و نفقه و طلاق و غیرها که مجال تفصیل نیست. والله العالم لطف الله صافی، ۱۳۸۱/۴/۲۷. (۱)

دیدگاه آیت الله حسین علی منتظری درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: آیا تغییر جنسیت در محرمیت افراد بر یکدیگر تأثیر می گذارد یا نه؟

جواب: بعد از تغییر جنسیت هر نسبتی با خویشاوندان خود پیدا کند، آن نسبت ملاک است.

سؤال ۲: آیا کسی که جنسیتش محرز است، به هر دلیلی می تواند جنسیت خود را تغییر دهد؟ و چنان چه جایز باشد و این کار را انجام شود، روابط او با خویشان و

ص: ۴۳۹

محارم‌ها چگونه است؟

جواب: اگر مستلزم حرام شرعی نباشد دلیلی بر حرمت نداریم؛ و پس از تغییر جنسیت به نحو کامل، چون موضوع عوض می‌شود، احکام تابع موضوع جدید است. (۱) سؤال ۳: اگر در عمل جراحی، کشف از واقعیت پنهانی شده باشد، مثلاً کسی که در اثر عمل جراحی مرد شده، معلوم شود از اول مرد بوده آیا احکام تغییر جنسیت بر آن جاری می‌شود؟

جواب: ظاهراً در فرض سؤال تغییر جنسیت صادق نیست و باید آثار کشف خلاف مترتب شود. (۲) سؤال ۴: اگر مادر تغییر جنسیت دهد، آیا بعد از مرد شدن او، کسانی که بر پسرش حلالند بر او هم محرمند؟ و اگر عروس کسی تغییر جنسیت دهد و مرد شود، آیا بر مادر شوهر سابقش محرم خواهد بود؟ و یا اگر پدر تغییر جنسیت دهد و زن شود به پسر خود محرم خواهد بود، در حالی که فعلاً نه پدر اوست و نه مادر؟

جواب: اگر پدر و مادر تغییر جنسیت دهند، بر اولاد بلاواسطه و با واسطه و هم چنین بر آباء و اجداد و جده‌های خودشان محرم باشند، و در مسأله عروس احتیاط شود.

سؤال ۵: بعضی از زنان و مردان در خود احساس جنس مخالف می‌کنند و بعضاً اگر تغییر جنسیت ندهند، احتمال اقدام به خودکشی در آنان هست، آیا اصولاً تغییر جنسیت جایز است؟

جواب: به طور کلی دلیلی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم و اگر حال آن‌ها به نحوی باشد که تغییر جنسیت برای آن‌ها ضرورت داشته باشد، بعید نیست که واجب باشد.

سؤال ۶: اگر کسی که در خود تمایلات یا برخی آثار جنس مخالف را مشاهده می‌کند، آیا واجب است تغییر جنسیت دهد یا نه؟

جواب: واجب نیست. (۳)

ص: ۴۴۰

۱- (۱) حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲- (۲) همان، ص ۴۰۸، حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۶.

۳- (۳) حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸.

سؤال ۷: اگر زن یا شوهر تغییر جنسیت دهند عقد و مهریه و سایر احکام چه صورتی پیدا می کند؟

جواب: عقد باطل می شود، و در صورت تحقق دخول، مهر مستقر بر ذمه شوهر می باشد و در صورت عدم دخول احوط تصالح است. (۱) سؤال ۸: اگر هر یک از برادر و خواهر تغییر جنسیت دهند، آیا نسبت آن ها به یکدیگر قطع می شود یا نه؟ و همین طور در مورد دو برادر و خواهر و عمه و عمو و خاله؟

جواب: نسبت قطع نمی شود، ولی عنوان عوض می شود؛ مثلاً برادر خواهر می شود و هر کدام حکم خود را خواهد داشت. (۲) سؤال ۹: اگر یکی از بستگان کسی که تغییر جنسیت داده بمیرد، حکم ارث تابع بعد از تغییر جنسیت است یا قبل از آن؟ و اگر فردی که تغییر جنسیت داده، پدر یا مادر باشد، چه حکمی خواهد داشت؟ زیرا پس از تغییر فرد فعلی نه پدر خواهد بود و نه مادر.

جواب: در غیر پدر و مادر حکم عنوان حال فوت ملاحظه می شود، و در خصوص پدر و مادر احتیاط شود؛ یعنی پدر را پدر حساب کنند گر چه تغییر جنسیت داده و زن شده باشد و همچنین است مادر. (۳) سؤال ۱۰: هل يجوز تغيير الجنسیه مطلقاً أو لا يجوز مطلقاً أو يجوز مع صدق المعالجه عليه و لزومها عرفاً أو شرعاً؟

جواب: والظاهر أنه لا دليل على حرمة ذاتاً ولكن إذا كانت مقدماته محرماً شرعاً كنظر الأجنبي إلى عورته أو لمسها فلا يجوز إلا مع صدق الضرور كما إذا فرض

ص: ۴۴۱

۱- (۱) حسین علی منتظری، رساله استفتائات، ج ۲، ص ۴۰۸؛ حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

وجود تمایلات الجنس المخالف فيه شديداً و غلبت فيه مقتضيات طبعه بحيث يكون بحسب الطبع من مصاديقه أو قريباً منه و لم يكن إبرازه و علاجه إلاّ بالعملی، ففي هذه الصور لا مانع منه، لصدق العلاج و الضرور علیه، بل ربما يجب إذا توقف العمل بالوظائف الشرعی علی ذلك.

و كيف كان فأصل العمل لا دليل علی حرمة ذاتاً و إن حرم بعض مقدماته إذا لم تكن ضرور.

و أمّا فرض أنّ العملی لا- توجب تغيير الجنس من رأس بل توجب العملی أو تزریق بعض المواد تغيير الصور و القیاف فقط بحيث یصیر الرجل بصور المرأ أو بالعکس مع بقاء الجهاز الجنسي بحاله، فأخبار التشبه المنهی عنه تشمل مثل ذلك و هذا نوع من تأنث الرجل و تذکر الأنثی، و مقتضى تلك الأخبار كون ذلك مرغوباً عنه شرعاً فتدبر. (۱) ۱۱. تغيير جنسیت گاهی ضرورت پیدا می کند، مثلاً گاهی افراد دو جنسی دچار بیماری ها و اختلالات روانی و خانوادگی شدید می شوند، به طوری که پزشک متخصص تنها راه معالجه را در تغییر جنسیت می داند؛ و علاوه بر این، برای دو جنسی های حقیقی ضرورت دیگری نیز وجود دارد و آن این که دو جنسی های حقیقی نسبت به احکام و انجام وظایف شرعیه مشکلات بسیاری دارند. مثل احکام محرمیت، ازدواج، ارث، نماز، دیات، و... تنها راه خروج از این تنگناها تغییر دادن جنسیت آن هاست، تا این که به مردان ملحق شوند یا به زنان. (۲) ۱۲. تغییر جنسیت به خودی خود منع شرعی ندارد. بنابراین، کسانی که زن هستند و تمایلات شدید مردانه دارند یا برعکس، می توانند تغییر جنسیت دهند؛ ولی اگر عمل جراحی برای تغییر جنسیت با هر گونه اعمال دیگر مستلزم حرام، از قبیل لمس، نگاه به عورت، و..... باشد تغییر جایز نیست، مگر در موارد ضرورت. (۳)

ص: ۴۴۲

۱- (۱) حسین علی منتظری، دراسات فی المكاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۸، با تلخیص.

۲- (۲) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳.

۳- (۳) همان.

متن پرسش: دو جنسی ها به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند:

دوجنسی ها کاذب (ختنای غیر مشکل)

دوجنسی های حقیقی (ختنای مشکل)

دوجنسی های کاذب خود دو دسته هستند:

۱. دو جنسی های کاذب مؤنث: کسانی هستند که وضعیت کروموزومی آن ها مؤنث است (طبیعت زنانه دارند)، ولی ظاهری کاملاً مردانه دارند.

۲. دو جنسی های کاذب مذکر: کسانی هستند که وضعیت کروموزومی آن ها مذکر است (طبیعت مردانه دارند)، ولی ظاهری کاملاً زنانه دارند.

پرسش ۱۳: ازدواج دو جنسی های کاذب (چه مذکر و چه مؤنث) و مسایل محرمیت و غیره نسبت به آن ها چگونه است ؟

پاسخ: ازدواج آن ها و مقام احکام دیگری که مربوط به آن ها می شود، بر طبق ظاهر آن هاست. بنابراین، اگر ظاهری مردانه دارند، می توانند با زن ازدواج کنند و بقیه احکام نیز همین طور است، یا اگر ظاهری زنانه دارند می توانند با یک مرد ازدواج کنند و باید خود را از مردان نامحرم بپوشانند (گر چه طبیعت و ماهیت او مردانه باشد) و هم چنین است نسبت به بقیه احکام.

پرسش ۱۴: دو جنسی های کاذب مؤنث که دارای وضعیت کروموزومی مؤنث می باشند، ولی ظاهری کاملاً مردانه دارند؛ اقدام پزشکی و جراحی برای تغییر ظاهر مردانه در صورت تمایل فرد چه حکمی دارد؟ مسایل محرمیت و ازدواج او چگونه است ؟ هم چنین دو جنسی های کاذب مذکر که دارای وضعیت کروموزومی مردانه هستند، ولی ظاهری کاملاً زنانه دارند؛ آیا عمل جراحی برای تغییر ظاهر زنانه آن ها جایز است ؟ مسایل محرمیت و ازدواج آن ها و... چگونه است ؟

پاسخ: در صورت ضرورت معالجه، اقدام به عمل جراحی مانع ندارد، و در صورت تغییر جنسیت، تمام احکام بعد از تغییر از حیث محرمیت و ازدواج و غیر این ها جاری می شود.

پرسش ۱۵: دو جنسی های حقیقی (خنثای مشکل) از نظر کروموزومی هر دو گوناد را دارا می باشند (تخمدان و بیضه) تبدیل وضعیت فرد چه حکمی دارد؟ آیا شرعاً پزشک یا جامعه مسؤل مشخص نمودن ماهیت جنس بیمار می باشند؟ آیا خواست بیماران صرفاً می تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد؟

پاسخ: دو جنسی حقیقی که آن را «خنثای مشکل» می نامند، اگر امکان داشته باشد، با عمل جراحی از دو جنسی بودن خارج شود، اقدام به عمل جراحی اشکال ندارد؛ زیرا ضرورت معالجه دربار او محقق و ثابت است. (۱) پرسش ۱۶: اگر کسی در خود تمایلات یا برخی از آثار جنس مخالف را مشاهده کند، آیا تغییر جنسیت برای او واجب می شود؟

پاسخ: واجب نیست، مگر این که عدم تغییر جنسیت او باعث ارتکاب حرام شرعی یا قبیح عرفی گردد. (۲) پرسش ۱۷: دختری از کودکی لباس مردانه می پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را مرد می داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه پزشک، درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است؛ آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می باشد؟ هم چنین مردی که در اثر پوشیدن لباس مردانه از بچگی و مسایل دیگر تمایلات زنانه پیدا کرده، آیا می تواند تغییر جنسیت دهد؟

پاسخ: اگر زن تمایلات مردانه دارد، می تواند تغییر جنسیت دهد؛ هم چنین است مرد اگر تمایلات زنانه داشته باشد. (۳) پرسش ۱۸: با توجه به اینکه تغییر جنسیت در غیر خنثی از نظر طبی (به تعبیر اطبا) تنقیص جنسیت محسوب می شود، بعضی از پزشکان با مواردی که مواجهند که شخص از نظر ظاهری بدون هیچ شبهه ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات، و

ص: ۴۴۴

۱- (۱) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۳-۱۱۴.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۳- (۳) همان، ص ۱۱۵.

عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می گویند: اگر این تغییر و لو به طور صوری و ظاهری صورت نگیرد، انتحار خواهیم کرد. (تا به حال دو بار این مسأله پیش آمده) و با توجه به این که آمارهای علمی نشان می دهد که این گونه افراد شش الی شانزده ماه بعد از وضعیت جدید پیشیمان خواهند شد، آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدید انتحار مواجهند، می توانند از باب این که حفظ نفس مقدم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟

پاسخ: در فرض سؤال اشکال ندارد. (۱) پرسش ۱۹: کسانی را که از راه عوض کردن هورمون خون، تغییر جنسیت می دهند، مثلاً به زن هورمون مردانه تزریق می کنند، آیا حکم آن ها نیز عوض می شود یا خیر؟ و حکم آن ها در مورد ارث و غیره چگونه است؟

پاسخ: حکم دایر مدار ظاهر است. بنابراین، اگر به هر علت جنس زن یا مرد عوض شده و واقعا زن مرد یا مرد زن شود، حکم نیز عوض می شود. (۲) پرسش ۲۰: آشکار کردن جنس واقعی - اگر انجام تکلیف و وظایف شرعی بدون آشکار کردن جنس واقعی ممکن نیست - واجب است جنس واقعی را آشکار کنند؛ ولی اگر انجام تکلیف بدون آن ممکن باشد، واجب نیست، بلکه جایز است. (۳)

دیدگاه آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی درباره تغییر جنسیت

پرسش ۱: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی (در مورد دوجنسی ها یا افراد فاقد جنسیت) شرعاً جایز است؟

پاسخ: انجام عمل جراحی برای تعیین جنسیت واقعی یا تبدیل خنثی به مرد یا زن فی حد ذاته جایز است، مگر ملازم با حرام باشد که آن وقت مقید به حد ضرورت است.

پرسش ۲: اگر کسی که برای امر ازدواج با پزشک مشورت می کند و پزشک

ص: ۴۴۵

۱- (۱) حسین علی منتظری، احکام پزشکی، ص ۱۱۵.

۲- (۲) همان، ص ۱۱۶.

۳- (۳) همان، ص ۱۱۶.

مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد یا این که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به برهم زدن ازدواج شود، کتمان سر بر پزشک لازم است؟

پرسش ۳: اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه اش چیست؟ کتمان سر یا افشای آن؟ (با توجه به این که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).

پاسخ ۲ و ۳: اگر در مقام مشورت به پزشک رجوع شده باید واقع را بیان کند، چه موجب عدم وقوع ازدواج شود یا نشود، حتی در صورت وقوع ازدواج هم بنابر آن قولی که ازدواج او جایز است که به نظر ما درست نیست، باز پزشک باید واقع را بگوید، مگر در عیوبی که بدون اشکال زیاد رفع می شود و اگر از پزشک سؤال نشده، ولی از عیب اطلاع پیدا کرده و جایز است به طرف مقابل یا بزرگ تر او اطلاع دهد، هر چند واجب نیست.

پرسش ۴: در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پرسش ۵: بر فرض جایز بودن عمل جراحی برای تغییر جنسیت یا مشخص کردن آن، جنسیت بیمار مشخص می شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ ۴ و ۵: تغییر جنسیت واقعاً در آن مواردی که مقتضی دارد، شرعاً جایز است و اگر مکلف نباشد. نیاز به اذن ولی شرعی دارد و اگر خودش عاقل و بالغ باشد. احتیاج به اذن دیگران ندارد.

پرسش ۶: بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت با مشخص کردن نوع جنسیت آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و..... چیست؟

پاسخ: ازدواج خنثای مشکل به نظر ما شرعاً جایز نیست، فلذا احکام و آثار نکاح بر او مترتب نیست و پس از تغییر جنسیت عقد باید تجدید گردد، آن وقت آثار و احکام شرعی پس از علاج مترتب می گردد. (۱). ۱۳۸۳/۸/۲۶

ص: ۴۴۶

پرسش ۷: در دو جنسی کاذب مؤنث آیا پزشک از دیدگاه شرع مجاز است در صورت تمایل فرد، علی رغم ماهیت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟

پرسش ۸: اگر دو جنسی کاذب مؤنث - که ماهیتش زنانه است - با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه وی چیست؟

پرسش ۹: اگر دو جنسی کاذب مؤنث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجه به این که اگر ازدواج کند - هر چند ظاهرش بر اثر عمل جراحی باقی می ماند - دو زن با هم ازدواج کرده اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه چیست؟

پرسش ۱۰: در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنث با زن ازدواج کرده باشد و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی بشود، وظیفه اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سِرّ موجب ازدواج یا ادامه دو زن می شود و افشای سِرّ نیز منکر است؛ چون صاحب آن راضی به افشا نیست).

پرسش ۱۱: دو جنسی کاذب مذکر که علی رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیت مرد است، آیا پزشک مجاز است با تمایل وی، برای حفظ ظاهر زنانه عمل جراحی انجام دهد؟

پرسش ۱۲: در مواردی که دو جنسی کاذب با مردی ازدواج کرده است و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی و مذکر بودن می شود، تکلیف نسبت به افشای سِرّ کتمان و سکوت چیست؟

پرسش ۱۳: در صورتی که دو جنسی کاذب مذکر بخواهد ازدواج کند، پزشک متوجه بشود با توجه به این که سکوت وی منجر به ازدواج دو مرد با هم می شود، تکلیف چیست؟

پرسش ۱۴: در دو جنسی حقیقی (خنثای مشکل) آیا مشخص کردن جنسیت

شخص جایز است؟

پرسش ۱۵: آیا پزشک یا جامعه پزشکی به عنوان متصدی در امور پزشکی مسؤول و مکلف است ماهیت شخص را مشخص کند؟ آیا درخواست بیمار در چنین موردی مجوز تبدیل وضعیت (مشخص کردن وضعیت) به حساب می آید یا باید علاوه بر آن، مراجع ذی صلاح نیز اجازه دهند؟

پرسش ۱۶: اگر پزشک فقط به درخواست بیمار، وضعیت وی را از لحاظ جنسیت مشخص کند، آیا از لحاظ شرعی فعل وی تحت چه عنوانی قرار می گیرد؟

پرسش ۱۷: اگر خنثی (دو جنسی) ازدواج کرده باشد، اعم از این که وضعیت واقعی او چه بوده است و سپس وضعیتش مشخص و یا تبدیل شود، تکلیف عقد ازدواج چه می شود؟

پرسش ۱۸: در دو جنسی کاذب مؤنث که از لحاظ ماهیت زن است، پس از مشخص شدن وضعیت تکلیف ارث و نفقه و... چه می شود؟

پاسخ های پرسش های ۷ تا ۱۸: با کمال معذرت سؤال ها درست تنظیم نشده است. اگر مقصود سؤال از تغییر جنسیت است، به نظر این جانب جایز است اگر درست انجام شود و واقعاً تغییر جنسیت محقق شده باشد؛ یعنی زن، مرد شود یا مرد، زن شود، خواه کسی که تغییر جنسیت داده مرد باشد یا زن یا دو جنسی؛ یعنی خنثی و خواه خنثی مشکل باشد یا غیر مشکل. دکتر معالج هم اطلاعات خود را در صورتی که به او مراجعه شود، باید بگوید و مخفی نکند.

و اگر منظور این است خنثی می تواند زن بگیرد یا شوهر کند یا نه، اگر خنثی مشکل نباشد و بر حسب امارات شرعی معلوم باشد که زن است یا مرد، اولی به وظیفه زن و دومی به وظیفه مرد عمل می کند، مگر این که تغییر جنسیت داده باشد و اگر خنثی مشکل باشد و تغییر جنسیت هم واقعی نباشد، نمی تواند نه به وظایف مرد عمل کند و نه به وظایف زن و دکتر معالج هم اطلاعات خود را افشا می کند در حدی که دیگران فریب نخورند و اشکال شرعی هم ندارد. عبدالکریم موسوی اردبیلی، [۱۳/۴/۱۳۸۱\(۱\)](#).

ص: ۴۴۸

آن چه در شرع وارد شده است، احکام زن و مرد است و اما شناخت زن، مرد به عرف واگذار شده است و چیزی در این باره گفته نشده است، در عرف هم زن به کسانی گفته می شود که اندام های زنانه داشته باشد، مانند صورت و سینه و باسن و رحم و تخمدان و لوله؛ و مرد به کسانی گفته می شود که اندام و اعضاء مردانه داشته باشند، مانند ریش و سیل و سینه و بیضه و آلت تناسلی.

ولی علم برای زن و مرد خصوصیت دیگری بیان می دارد، کروموزومی ۴۶ XX را برای زن و کروموزومی ۴۶ XY را برای مرد مشخص می کند، خواه اندام زنانه داشته باشد یا به سبب بیماری فاقد بعضی از اعضا و اندام زنانه باشد و هم چنین مرد.

بحث در این است که آیا در شناخت زن و مرد باید تابع عرف شد - آن که ظاهر و اندام زنانه دارد زن و آن که ظاهر و اندام مردانه دارد مرد گفته شود - با تابع نظر علم، آن که کروموزوم مرد دارد مرد و آن که کروموزوم زن را دارد زن محسوب می شود. هر کدام باشد نظر شرع روشن است. حقیقت این است که باید نظریه علمی را پذیرفت و عرف را در تعیین مصداق تخطئه کرد. بنابراین، مبنا حکم ازدواج و حاملگی و حرمت نظر روشن می شود. برای مرد شوهر کردن حرام است و برای زن جایز. قرار دادن نطفه در رحم موجود در بدن این مرد مانند قرار دادن نطفه است در محفظه خارج، همان حکم را دارد و آن با ملاحظه شرایط جایز است، این هم طبعاً جایز است و این مرد نه پدر این بچه به حساب می آید و نه مادر او.

اگر تشخیص داده شد که زن است، ولی ظاهری مردانه دارد. حکم مرد را پیدا نمی کند و نمی تواند زن بگیرد. در حریمیت هم حکم زن را دارد. ولی کلام در تشخیص است؛ زیرا علم که نمی گوید: این زن است یا مرد. علم (همین) قدر می گوید: این شخص این کروموزوم را دارد و این غالباً در زن ها موجود است، ولی این که این شخص با وجود ظاهر کاملاً مردانه و داشتن زن و بچه، زن است یا مرد، از چهارچوب علم بیرون است؛ چون احتمال داده می شود آن کروموزوم که از مختصات مؤنث است ندرتاً در مرد هم وجود داشته باشد. به جای این که بگوییم: این ماهیتاً زن است و در

نتیجه اختلالات مادرزادی ظاهر مرد پیدا کرده، بگوییم: این مرد است و به جهت اختلالات کروموزوم مؤنث پیدا کرده. اگر این احتمال در نظریه علم به وجود آید و امکان داشته باشد باید گفت مرد است و احکام مرد را دارد. هم چنین است سؤال دوم.

توضیح بیش تر آن که این گونه اشخاص دچار یک نحوه تضاد در وجودشان هستند. ژن و کروموزوم این ها با اندام ظاهری شان توافق ندارد. اگر دلیل علمی داشته باشیم که ژن و کروموزوم خطا نمی رود، قطعاً اختلال ظاهری این ها در نتیجه اختلال تکاملی است. جواب همان است که گفته شد و اگر این احتمال از نظر علمی وجود داشته باشد، به ظاهر حکم می شود.

سؤالی در این جا هست و آن این که عمل جراحی برای حفظ ظاهر این ها برای چیست؟ اگر برای این است که ظاهر این ها در حال تغییر و موافقت با ژن و کروموزوم است، این خود دلیل می شود که ظاهر این ها در نتیجه اختلال بوده است. در هر حال، پاسخ قطعی مسأله احتیاج به توضیح بیش تر دارد که باید از نظر علمی داده شود.

در مورد دوجنسی حقیقی (خنثی مشکل) اگر از نظر علمی چاره ای باشد، این شخص ماهیتاً و حقیقتاً زن و یا مرد بشود اشکال ندارد و اگر برای فریب است که یک نحوی به نظر بیاید که این زن است یا مرد است و مشکل زندگی او حل شود، ولی واقعاً مشکل بماند و مشکل بیش تری ایجاد شود جایز نیست، پزشک و جامعه هم در تشخیص وضع او مسؤولیتی ندارد.

در دو جنسی حقیقی، خواست بیمار می تواند ملاک تبدیل وضعیت توسط پزشک معالج باشد و احتیاج به کسب اجازه از مراجع قانونی نیست مگر برای مراسم قانونی از نظر شرع همان است که گفته شد.

دیدگاه آیت الله ناصر مکارم شیرازی درباره تغییر جنسیت

به طور کلی دو جنسی ها (هرمافرودیت ها) به چهار دسته تقسیم می گردند:

۱. دو جنسی های حقیقی که هم بیضه و هم تخمدان دارند و بسته به آن که

مشخصات مردانه در آن ها قوی تر باشد یا زنانه با عمل جراحی به صورت مرد با زن در خواهند آمد.

۲. شبهه دو جنسی ها با ظاهر زنانه که در حقیقت مرد هستند و به آسانی درمان می شوند و جنس حقیقی خود را پیدا خواهند کرد.

۳. شبهه دو جنسی ها با ظاهر مردانه که واقعا زن هستند و با درمان به جنس واقعی خود دست خواهند یافت.

۴. عدم رشد غدد جنسی

بفرمایید:

سؤال ۱: آیا انجام عمل جراحی برای مشخص کردن جنسیت واقعی شرعا جایز است؟

پاسخ: انجام عمل جراحی در این فرض واجب است.

سؤال ۲: اگر کسی برای امر ازدواج با پزشک مشورت کند و پزشک مشکل دو جنسی بودن را بفهمد، وظیفه اش چیست؟ آیا باید واقعیت را بر زبان آورد، یا این که چون ممکن است گفتن واقعیت منجر به برهم زدن ازدواج شود، کتمان سِرِّ بر پزشک لازم است؟

پرسش ۳: اگر ازدواج صورت گرفته باشد و زن یا مرد دو جنسی باشند و پزشک از حقیقت امر آگاه شود وظیفه اش چیست؟ کتمان سِرِّ یا افشای آن؟ (با توجه به این که هر شق مسأله پیامد خاص خود را دارد).

پاسخ ۲ و ۳: بر پزشک لازم است که حقیقت را بیان کند تا ایشان مرتکب فعل حرام نشوند.

پرسش ۴: در صورتی که غدد جنسی مردانه یا زنانه رشد نکرده باشند و با تجویز پزشک جنسیت بیمار مشخص شود، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

پاسخ: تا جنسیت روشن نشود، ازدواج جایز نیست. البته پزشک اگر بتواند به معالجه، یکی از دو جنسیت را تقویت کند اشکالی ندارد.

پرسش ۵: بر فرض جایز بودن عمل جراحی تغییر جنسیت یا مشخص کردن، آن

صرف اعلام رضایت کافی است یا باید از مراجع قانونی و اولیای وی یا.... نیز کسب اجازه کرد؟

پاسخ: چنان چه در امثال این جراحی ها لزومی برای کسب اجازه نباشد اشکال ندارد.

پرسش ۶: بر فرض انجام عمل تغییر جنسیت با مشخص کردن نوع جنسیت، آثار آن از قبیل طلاق، نفقه، مهر، حضانت اولاد و..... چیست؟

پاسخ: همه این آثار بر آن شخص مترتب می شود و در صورت تغییر جنسیت طرفین، صیغه ازدواج مجدد لازم است. همیشه موفق باشید ۱۳۸۱/۴/۳۱. (۱) پرسش ۷: در مورد تغییر جنسیت با توجه به این که از نظر طبی این عمل (در غیر از خنثی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیت محسوب میشود، بعضاً با مواردی اطبا مواجه اند که شخص از نظر ظواهر بدون هیچ شبهه ای یا مرد یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات، و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می گویند: اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد (و تا به حال ۲ بار این مسأله پیش آمده) و با توجه به این که آمارهای علمی نشان می دهد این گونه افراد ۶ الی ۱۶ ماه بعد، از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد. آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدید انتحار مواجه اند، می توانند از باب این که حفظ نفس مقدم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟ و آیا اصولاً این عمل برای خود چنین شخص حرام است یا جایز؟

پاسخ: تغییر جنسیت دو صورت دارد: گاهی ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست، فقط یک جراحی صوری در او انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می گردد این کار جایز نمی باشد، و گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می شود. این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد. مخصوصاً در موردی که آثار جنس مخالف در او باشد، اما چون این جراحی نیاز به نظر و لمس دارد، تنها در موارد ضرورت، مانند آن چه ذکر کرده اید مجاز است. (۲)

ص: ۴۵۲

۱- (۱) مرکز تحقیقات فقهی و قضائیه، گنجینه سؤالات فقهی قضایی، سؤال شماره ۵۸۶۸.

۲- (۲) همان، سؤال شماره ۵۲۸۰.

پرسش ۸: اگر مردی در اثر عدم تربیت صحیح و عدم مراعات مسایل شرعی در خانواده، در کودکی لباس زنانه پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را زن می داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات زنانه در او تقویت شده و درخواست تغییر جنسیت می کند، آیا جایز است تغییر جنسیت بدهد؟

پاسخ: همان طور که در بالا گفته شد تغییر جنسیت صوری جایز نیست، ولی اگر جنسیت واقعی او خلاف آن است که در او ظاهر می باشد، تغییر آن جایز، بلکه گاه واجب است. (۱) پرسش ۹: تغییر جنسیت از نظر شرع چگونه است؟

پاسخ: تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود؛ یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید، مگر این که به حد ضرورت هم چون ضرورت مراجعه به طبیب رسیده باشد که در این صورت جایز است.

پرسش ۱۰: دختری از کودکی لباس مردانه می پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را مرد می داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است. آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می باشد؟

پاسخ: تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست، ولی اگر واقعی باشد (این امر در افراد دو جنسی واقع می شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است. (۲) پرسش ۱۱: مردی به علت این که در گذشته علاقه زیادی به بازی با دختران داشته و

ص: ۴۵۳

۱- (۱) همان، سؤال شماره ۶۲۹۳.

۲- (۲) ناصر مکارم شیرازی، مجموعه استفتاءات، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی، ج ۱، ص ۴۷۰-۴۷۲؛ همو، رسال احکام برای بانوان، تهیه و تنظیم علیان نژادی، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ سید حسین الحسینی، احکام المغتربین، ص ۴۴۹؛ و دکتر سید حسین فتاحی معصوم، مجموع مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۷۸۶.

به جهت این که صاحب فرزندی در زندگی مشترک خود نگردیده و به خاطر لجبازی در برخی مسایل با دوستانش تصمیم به تغییر جنسیت می گیرد. وی بدون اطلاع خانواده اش قریب به شش ماه داروهای هورمونی زنانه مصرف نموده و جهت محکم نمودن تصمیم خویش با روان شناسی مشاوره نموده است. ابتدا با طرح مسایلی دروغ در خانواده از قبیل این که به گفته پزشکان قلب من زنانه است و مانند آن، قصد آماده سازی زمینه کار را داشته است. پس از مدتی با اغفال خانواده اش موفق می شود خانمش را طلاق بدهد و در گام بعدی برای اولین بار لباس زنانه می پوشد و با آراستن شکل ظاهری خویش به شکل زنان به منزلشان می آید که با عکس العمل تند والدین روبه رو می شود، ولی نه تنها عقب نشینی نمی کند، بلکه تهدید می نماید که اگر به آرزویش نرسد انتحار خواهد کرد، بالاخره تغییر جنسیت داده و با تغییر نام خود با مردی ازدواج می کند. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ: چنان چه قبلاً هم گفته ایم، تغییر جنسیت دو صورت دارد:

گاهی صرفاً ظاهری و صورتی است، یعنی اثری از آلت جنس مخالف نیست، بلکه فقط یک جراحی صورتی انجام می گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می گردد، این کار حرام است و باید بشدت از آن پرهیز نمود و اگر ازدواجی براساس آن صورت بگیرد، حرام و باطل است و حد شرعی دارد.

ولی گاه واقعی است؛ یعنی با جراحی کردن، عضو تناسلی مخالف ظاهر می گردد. این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد. اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در ضرورت جایز است. (۱) پرسش ۱۲: اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

ص: ۴۵۴

پاسخ: اگر تغییر حقیقی باشد زوجیت بلافاصله فسخ می شود و می توانند مجددا عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند، ولی احتیاط آن است زمان عده بگذرد. (۱) کلامی دیگر از آیت الله مکارم شیرازی

آیت الله مکارم شیرازی، یکی از مفسد دنیای امروز را تغییر جنسیت های کاذب دانست و یادآور شد. عده ای به خاطر خوشگذرانی و از روی تفنن، تمایل به تغییر جنسیت خود یافته اند که این بلای دنیای امروز است.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از رسا، آیت الله ناصر مکارم شیرازی در ادامه سلسله بحث های خود در مدرسه حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) با انتقاد از گرایش برخی به تغییر جنسیت گفت: امروزه در غرب با استفاده از هورمون های جنس مخالف، امکان تغییر جنسیت براحتی فراهم آمده است. متأسفانه در میان جوانان ها نیز دیده می شود که عده ای محدود از نظر ظاهری تمایل به جنس مخالف پیدا می کنند، مثلاً برخی پسران با آرایش زنانه در جامعه حاضر می شوند و رفتار زنانه دارند.

وی با بیان این که در مورد این معضل پدران و مادران نیز مقصرند، افزود: زیرا از خردسالی، لباس دخترانه بر تن پسران می کنند. بی توجهی به نوع پوشش و لباس کودک در تربیت وی اثر گذار است و به مرور، این کودک تمایل به جنس مخالف خود پیدا می کند. پدران و مادران گاه پسر را نوازش های دخترانه می کنند. این پسر بر اثر پوشیدن لباس و این تربیت نادرست، به مرور زمان تمایلات دخترانه پیدا می کند و این مسأله بسیار خطرناک است.

این مرجع تقلید فتوای خود را در مورد تغییر جنسیت چنین اظهار داشت: تغییر جنسیت های حقیقی مربوط به افرادی است که دو جنسی هستند که پزشکان و کارشناسان یک جنس را حذف می کنند، جنس اصلی می ماند و جنس فرعی حذف می شود. اما دربار سایر افراد جامعه که دو جنسی نیستند، تبدیل مرد به زن و زن به مرد جایز نیست.

ص: ۴۵۵

وی ادامه داد: تغییر جنسیت های صوری امروز یک نوع بیماری خطرناک است و کار بسیار غلطی است. با این کار تغییر واقعی ایجاد نمی شود، بلکه فرد به یک آدم بی خاصیت و بی اثر تبدیل می شود. وی در باب پیشینه تاریخی این بحث به قضاوت های حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) اشاره کرد. (۱)

دیدگاه آیت الله شیخ یوسف صانعی درباره تغییر جنسیت

عمل جراحی در اعضای تناسلی به دو هدف انجام می شود:

الف) تغییر جنسیت فرد؛ مانند تبدیل مرد به زن و بالعکس؛

ب) آشکار نمودن جنس واقعی؛ یعنی کسی که در ظاهر ویژگی های جنسی مخالف را دارد، ولی متعلق به آن دسته و گروه جنسی نیست که در این صورت می توان، بلکه لازم است با جراحی، جنس واقعی او را آشکار کرد. انجام عمل جراحی برای آشکار نمودن جنس واقعی شخص جایز است، ولی باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم حرامی نباشد، والا عمل حرام به حرمتش باقی است.

پرسش ۱: برای زنان و مردان و اشخاص خنثی که تغییر جنسیت در عمل برای آنان ممکن است تا آن ها را به «احدی الجنسین» (یکی از دو جنس مرد و زن) ملحق کنند و هم چنین زنان و مردانی که آثار مرد یا زن بودن به روشنی در آن ها دیده می شود «لکن تمایل به تغییر جنسیت به عبارت روشن تر تشخیص جنسیت دارند، برای این که در خود بعضی از آثار جنس مخالف و از جمله حرکات و رفتار و سکانات جنس مخالف را مشاهده می کنند و با توجه به مطالب فوق آیا تغییر جنسیت جایز است یا نه؟ آیا تنقیص جنسیت جایز است یا نه؟ لطفاً جواب را مشروحاً بیان فرمایید.

پاسخ: تغییر جنسیت، فی حد نفسه، با قطع نظر از مفسد مترتبه را نمی توان گفت حرام است، و یک تکامل علمی، مانند بقیه تکامل های علمی می باشد و بعد از تغییر،

ص: ۴۵۶

۱- (۱) روزنامه رسالت، ۱۳۸۴/۸/۲، گزیده جراید (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) ش ۳۷۴، تاریخ ۱۳۸۴/۸/۴، ص ۲.

همه احکام و آثار و تکالیف و حقوق، تابع حالت بعدی می باشد، یعنی اگر قبل از تغییر مرد بوده و بعداً واقعا زن شده، آثار زن بودن بر او باز می شود، لکن قبل از عمل و اجرای آن به سایر جهات مسأله باید توجه داشت و از مسایل اخلاقی و شخصیت انسانی و حقوقی، چه حقوق خود شخص و چه حقوق دیگران و امور دیگر و معمولاً اگر نگوییم دایماً تغییر جنسیت به خاطر مسایل حقوقی و مفسدات خارجی حرام و موجب مشکلات و نابسامانی هایی از جهات مختلف می باشد. به هر حال، حکم قضیه از حیث خود مسأله و از حیث جهات دیگر آن باید مورد توجه قرار بگیرد که به حسب جهات و دلایل اولیه هر چند جایز و تصرف در مخلوق است نه در خلقت، لکن به دلیل تبعات و مفسدات عظیم آن نمی توان گفت جایز است.

و اما تغییر اثباتی - به این معنی که: شخصی ویژگی های مرد را دارد، ولی طبق تشخیص پزشکان واقعا زن است و یا بالعکس - مانعی ندارد و جایز است؛ بلکه برای حفظ حقوق و احکام و آثار، تغییر، لازم و واجب است که این کار را در حقیقت نمی توان دگرگونی نامید که اثبات یک واقعیت و یک امر حقیقی است. ناگفته نماند که این گونه تغییر جنسیت ها که به مشخص شدن جنس واقعی برای خنثی منجر می شود، چون ظاهراً مفسدات خارجی ندارد، نمی توان گفت حرام است. (۱) پرسش ۲: اگر زنی ازدواج کرده پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، تبدیل به مرد شود، حکم ازدواج آنها و پرداخت مهریه چگونه است؟

پاسخ: تغییر جنسیت واقعی بعد از ازدواج که باعث ضرر و اذیت دیگری می شود حرام است، لکن با فرض تحقق و تغییر جنسیت - ازدواج از هنگام تغییر باطل می شود و زوج بدهکار مهر، هر چند بعد از دخول نمی باشد و این خود زوجه است که سبب استدامه مهر را که همان استدامه عقد است، از بین برده و مورد مانند جایی است که

ص: ۴۵۷

۱- (۱) یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، ص ۹۲-۹۴؛ همو، مجمع المسائل، استفتائات، ج ۱، ص ۴۶۵؛ دکتر سید حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ص ۷۸۹-۷۸۸.

زوجه ای سبب حرمت خود بر شوهرش به وسیله رضاع گردد، و به هر حال بطلان هر عقدی مستلزم برگشت به حال سابق و قبل العقد می باشد و این گونه موارد غیر از باب طلاق و جدا شدن زن و مرد از حین طلاق است. (۱) پرسش ۳: زن و مردی با هم ازدواج کرده اند، اگر مرد تغییر جنسیت دهد حکم ازدواج آن ها چگونه است؟

پاسخ: اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگام تغییر باطل می شود. در صورت آمیزش قبل از تغییر، باید مهریه زن را بدهد و در صورت عدم آمیزش بنابر اقوی باید پردازد. (۲) پرسش ۴: اگر هر دو تغییر جنسیت دهند چگونه است؟

پاسخ: اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند، به این ترتیب که زن، مرد و مرد، زن شود، اگر تغییر جنسیت آن دو با هم در یک زمان نباشد، حکم آن مانند سابق است؛ اما اگر هر دو با هم تغییر جنسیت دهند، احوط آن است که مجدداً ازدواج کنند و زن با دیگری ازدواج نکند مگر این که با اجازه طرفین طلاق بگیرد، هر چند که بعید نیست ازدواج آن ها هم چنان برقرار باشد. (۳) پرسش ۴. عمل جراحی در اعضای تناسلی با دو هدف انجام می گیرد:

الف) تغییر جنسیت فرد مانند تبدیل کردن مرد به زن و بالعکس؛

ب) آشکار نمودن جنس واقعی

با این توضیح بفرمایید که کدام یک از آن ها جایز است؟

پاسخ: الف - جایز نیست.

ب - جایز است. (۴)

ص: ۴۵۸

۱- (۱) همان، و نیز یوسف صانعی، استفتاءات پزشکی، چ چهارم، ص ۱۰۵-۱۰۶.

۲- (۲) استفتاءات پزشکی، چ دوم، ص ۹۲-۹۴.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) آیت الله یوسف صانعی؛ استفتاءات پزشکی، چ چهارم، ص ۱۰۵.

دیدگاه آیت الله سید صادق شیرازی درباره تغییر جنسیت

سؤال ۱: بالنسب إلى الخنثى الكاذبه - أى أنّ الشخص في خلايا جسمه من الناحى الوارثى ذكر مثلاً ولكن الآل الخارجى غير ذلك اوالعكس ؟ فإذا علم بالفحص أنّه فى الواقع ذكر مثلاً- و إن كان الشكل شكلاً انثوياً فهل يجوز فى هذه الحال إزال عوارض الذكور مثلاً و صيرورته انثى خالص أم لايجوز ذلك، و كذا العكس ؟

جواب: تغيير الجنس لايجوز على الأقرب، والله العالم.(۱) سؤال ۲: هل يجوز تحويل الرجل إلى امرا و بالعكس ؟

جواب: لايجوز تحويل الرجل إلى امرا، ولا تحويل المرا الى رجل، و يجوز ذلك فى الحيوانات.(۲) سؤال ۳: ما حكم الخنثى و كيف يتعامل معها من حيث ما ينطبق على الانثى او الذكر؟

جواب: الأظهر أنّ للخنثى المشكل - التى لايتعين ذكوريته من انوثيتها - أن تختار الذكورى، فتعامل نفسها و يتعامل الآخرون معها معاملة الذكورى، أو تختار الأنثى، فتعامل نفسها و يتعامل الآخرون معها تعامل الأنثى.(۳) سؤال ۴: هل يجوز لصاحب العورتين إيلاج الذكر فى فرجه ؟

جواب: لايجوز(۴) سؤال ۵: لو أولج صاحب العورتين فى نفسه و حمل، فما حكم المولود بالنسب إليه ؟

جواب: المولود هو ابن لصاحب العورتين و هو أب و ام للولد فى وقت واحد.(۵)

دیدگاه آیت الله حسين نوری همدانى

پرسش ۱: آیا کسی که جنسیتش محرز است به هر دلیل می تواند جنسیت خود را

ص: ۴۵۹

۱- (۱) سید صادق شیرازی، المسائل الطبى، ص ۱۱۹ -.

۲- (۲) همان، ص ۱۲۴.

۳- (۳) همان، ص ۱۱۹.

۴- (۴) همان، ص ۱۲۰.

۵- (۵) همان.

تغییر دهد؟ و چنان چه جایز باشد و این کار انجام شود روابط او با خویشان و محارمش چگونه است؟

پاسخ: با نبودن زمینه خلقتی جایز نیست.

پرسش ۲: اگر زنی ازدواج کند و پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد، حکم ازدواج و مهریه او چگونه است؟

پاسخ: ازدواج به هم می خورد و تمام مهر را لازم است بپردازد.

پرسش ۳: اگر زنی با مردی ازدواج کند و مرد تغییر جنسیت بدهد، حکم ازدواج و مهریه همسر او چگونه است؟

پاسخ: ازدواج به هم می خورد و تمام مهریه به عهده اوست.

پرسش ۴: اگر زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند؛ اگر تغییر آن دو با هم و در یک زمان باشد، حکم ازدواجشان چگونه است؟

پاسخ: در فرض سؤال بعید نیست که ازدواج آن دو باقی باشد و در حال فعلی زوج، زوجه و زوجه، زوج می شود. (۱)

دیدگاه آیت الله سید یوسف مدنی تبریزی در احکام مربوط به تغییر جنسیت

سؤال ۱: حکم تغییر جنسیت از نظر اسلام در موارد زیر چیست؟

الف) دو جنس حقیقی، افرادی که از نظر ژنتیکی نه مرد است و نه زن؟

ب) فردی که اصالتاً مرد، ولی تا به حال در جامعه به عنوان زن زندگی و یا حتی چندین سال است که ازدواج کرده است، آیا می توان با عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی او را برداشت و برای او مهبل درست کرد؟ او از لحاظ روحی خود را زن حس می کند و حتی برخی با خوردن دارو پستان هایشان هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می کنند، آیا باز هم جواز آن وجود دارد؟

ج) در فردی که اصالتاً زن است، ولی آلت تناسلی کوچک مردانه دارد و به لحاظ

ص: ۴۶۰

فرهنگ اجتماعی که پسر را می‌خواهند نه دختر را، او را از کودکی به عنوان مرد بزرگ کرده‌اند، ولی بتدریج مشخص شده که او زن است، آیا می‌توان با عمل جراحی او را تبدیل به زن کامل نمود و اگر از لحاظ روحی خود را مرد حس می‌کند، تکلیف چیست؟ چون از لحاظ پزشکی امکان مرد کامل ساختن وی نیست.

پاسخ الف - ب - ج) تغییر جنسیت از طریق عمل جراحی در فردی که اصالتاً مرد یا زن است جایز نیست، و شرعاً درست نیست با عمل جراحی بیضه و آلت تناسلی مرد را بردارند و برای او مهبل درست کنند و لو این که او از لحاظ روحی خود را زن حس می‌کند و به وسیله خوردن دارو پستان‌هایشان هم بزرگ شده و ظاهر زنانه پیدا می‌کند.

و هکذا در فردی که اصالتاً زن است، جایز نیست با عمل جراحی برای او بیضه و آلت تناسلی درست کنند و لو این که او از لحاظ روحی خود را مرد حس می‌کند.

و اما خنثی، چون احتمال ذکوریت (مرد بودن) و انوئیت (زن بودن) در آن وجود دارد، لذا می‌تواند بلکه لازم است به پزشک متخصص رجوع کند تا با عمل جراحی مرد بودن یا زن بونش مشخص شود.

ملاک عدم جواز تغییر جنسیت به طریق اجمال

اولاً - لازم تغییر جنسیت این است که اعضای را چه از مرد، چه از زن از بین ببرند و عضای دیگر را جایگزین آن کنند و این عمل شرعاً جایز نیست. و به عبارت دیگر، از بین بردن اعضای اصلی و یا ایجاد نقص در آن مشروع نمی‌باشد.

ثانیاً - کسی که اصالتاً مرد یا زن خلق شده تغییر و تبدیل آن به جنس مخالف مثلاً تغییر و تبدیل مرد به زن به تمام معنی و بالعکس غیر ممکن و از توان علم بشر خارج است، زیرا این دو جنس مذکر و مؤنث در عالم انسان دگرگونی‌هایی از لحاظ انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌های هر یک از دو جنس به تناسب فعالیتشان دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است که همه از نشانه‌ها و آیات آفریدگار حکیم حکایت می‌کنند، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر بدهد.

خلاصه، پس به وسیله عمل جراحی و خوردن دارو اگر موی صورت مرد بریزد و پستان هایش بزرگ شود و برای او مهبل درست کنند، در واقع زن شده نشده است و هم چنین بالعکس، روئیدن مو در رخسار زن و کوچک شدن پستان ها و با درست شدن بیضه و آلت تناسل در وجود آن دلالت نمی کند که او واقعاً مرد شده است و اگر به این عمل غیر مشروع اقدام کرد، معصیت کرده و از نظر تکالیف شرعی حکم قبل از تغییر اعضای ظاهری را دارد.

و به عبارت دیگر، با تغییر بعضی از اعضا، موضوع مرد بودن یا زن بودن از بین نمی رود، تا گفته شود که حکم هم تغییر پیدا می کند و این موضوع غیر ممکن بودن تغییر جنسیت به معنی واقعی را فی الجمله می توان از بعضی از آیات قرآن هم استفاده کرد، مانند: آیه های ۴۹ و ۵۰ از سوره شوری که می فرماید:

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ اُنَاثًا وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا؛

یعنی: هر چه را بخواهد می آفریند و به هر کس اراده کند دختر می بخشد و به هر کس بخواهد پسر و هر کس را بخواهد عقیم می گذارد.

و همه می دانند و می بینند که علی رغم تمام تلاش ها و کوشش ها، هنوز کسی نتوانسته است عقیمان واقعی را ذات ولد نماید، یا مردی که به ظاهر تغییر جنسیت داده، همانند یک زن واقعی، فرزند زاید و فرزند دار نشدن این ها دلالت می کند که تغییر حقیقی صورت نگرفته است.

خلاصه با آن بیانی که اشاره گردید، این مسأله مهم، مختص علم لایتناهی قادر متعال است و در سیطره قدرت او می باشد و مخلوق چنین توانی را هرگز نخواهد داشت. (۱)

ص: ۴۶۲

بخش اول - تغییر جنسیت پیش از ازدواج

پرسش ۱: آیا تغییر جنسیت پیش از ازدواج جایز است یا خیر؟

پاسخ: تغییر در جنسیت به جنس مخالف در شخصی که واقعاً مرد یا زن باشد، هر گاه از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره ممکن باشد مانعی ندارد، ولی باید از مقدمات حرام که لمس و نظر باشد اجتناب شود و اگر از آن ها اجتناب نشود، از تغییر در جنسیت مانع نمی شود.

پرسش ۲: کسی که براساس موازین زن یا مرد است، ولی عضو جنس مخالف را هم دارد، آیا جایز است آن را از بین ببرد؟

پاسخ: شخصی که بر طبق موازین شرع زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنتای غیر مشکل)، می تواند عضو اضافی و ناقص خود را از بین ببرد و نیز می تواند با تقویت عضو اضافی و ناقص، تغییر جنسیت دهد، البته اگر با عمل جراحی امکان پذیر باشد.

پرسش ۳: آیا خنتای مشکل می تواند از راه عمل جراحی جنسیت خود را مشخص کند؟

پاسخ: شخصی که نه زن است و نه مرد (خنتای مشکل)، جایز است از راه عمل جراحی توسط پزشک خبره، زن بودن و یا مرد بودن خود را مشخص کند، ولی باید این کار مستلزم حرام نباشد و هرگاه مستلزم آن شود، مانع تشخیص که برای او از راه جراحی پدید آمده، نمی شود.

پرسش ۴: زنی که تمایلات مردی در خود احساس می کند، آیا می تواند در تغییر جنسیت خود اقدام نماید؟

پاسخ: زنی که در خود تمایلاتی هم چون تمایلات مردان احساس می کند یا برخی

ص: ۴۶۳

از آثار مردی را در خود می بیند، واجب نیست خود را تبدیل به جنس مخالف نماید، اگر چه بر آن تمکن و توانایی داشته باشد.

پرسش ۵: مردی که تمایلات زنی در خود ببیند، آیا می تواند جنس خود را تغییر دهد؟

پاسخ: مردی که خود تمایلات هم چون تمایلات زنان احساس می کند یا برخی از آثار زنی را در خود مشاهده می کند و می تواند جنس خود را تغییر و تبدیل به زن نماید، واجب نیست این کار را انجام دهد.

پرسش ۶: کسی که واقعاً مرد است، ولی ظاهراً در جنس زن قرار دارد، آیا جایز است اقدام به عمل جراحی نماید و واقع امر را آشکار سازد؟

پاسخ: اگر کسی ظاهراً در جنس مخالف قرار دارد، ولی واقعاً از آن جنس محسوب نیست و عمل جراحی جنسیت وی را واقعاً تغییر نمی دهد، بلکه آن چه را که پنهان است آشکار می نماید، در این فرض واجب است که آثار جنس واقعی را رعایت کند. بر این اساس، اگر بداند واقعاً مرد است، باید آن چه را که بر مردان واجب و حرام است رعایت کند؛ اما تغییر ظاهر و کشف آن چه که پنهان است با عمل جراحی واجب نیست، مگر در صورتی که عمل به تکالیف شرعی جز به آن امکان نداشته باشد، در این صورت باید آن را عملی کند.

بخش دوم - تغییر جنسیت پس از ازدواج

پرسش ۷: ازدواج زنی که تغییر جنسیت از راه عمل جراحی داده و مرد شده و احکام شرعی آن را بیان فرمایید؟

پاسخ: اگر زنی پس از ازدواج تغییر جنسیت دهد و مرد شود، ازدواج او از هنگامی که تغییر جنسیت برای او حاصل شد، باطل می شود و مرد باید نصف مهر را - در صورتی که با او آمیزش نکرده باشد - یا تمام مهر را - در صورتی که با او آمیزش کرده باشد - به وی بپردازد. هم چنین است حکم مردی که پس از ازدواج با زنی تغییر جنسیت دهد، ازدواجش از هنگامی که تغییر پدید آمد، باطل می شود و در صورت آمیزش تمام

مهر و در غیر این صورت، نصف مهر را باید به او بدهد.

پرسش ۸: زنی که در زمان عده تغییر جنسیت داده وظیفه اش چیست؟

پاسخ: اگر کسی در زمان عده تغییر جنسیت دهد، عده اش ساقط می شود حتی عده وفات.

پرسش ۹: حکم برادر و خواهری که از راه عمل جراحی تغییر جنسیت داده اند از نظر احکام شرعی چه می باشد؟

پاسخ: هرگاه برادر و خواهری تغییر جنسیت دهند، باعث قطع نسبت بین آن ها نمی شود، برادر خواهر و خواهر برادر می شود و اگر عمویی تغییر جنسیت دهد به عمه و عمه اگر تغییر جنسیت دهد به عمو و اگر دایی تغییر جنسیت دهد به خاله و اگر خاله تغییر جنسیت دهد به دایی تبدیل می شود.

دیدگاه آیت الله سید محسن خرازی درباره تغییر جنسیت

(۱)

۱. مسأله تغییر جنسیت از دیدگاه فقه بر لزوم مورد پزشکی آن وابسته است و احکام فقهی این مسأله با توجه به نوع و ضرورت آن تعیین می شود.

۲. تغییر جنسیت در زمانی که معالجه باشد، یا در آن مصلحت لزوم آور مهم تری باشد جایز است، و در غیر این صورت اشکال دارد.

۳. اگر تغییر جنسیت را جایز بدانیم با انجام آن برای زن، بدون اجازه شوهرش اگر مزاحم حق شوهر از قبیل لذت از او و مانند آن باشد حرام است. [این مورد، مصداق] خروج از اطاعت شوهر و دخول در عنوان «نشوز» است.

۴. در صورت جایز بودن تغییر جنسیت، برای بردگان و کنیزان بدون اجازه مولای خویش جایز نیست، و نیز در مواردی که در مدتی اجیر دیگری شده اند در مدت اجاره تغییر جنسیت بر آنان جایز نیست.

۵. اگر زنی تغییر جنسیت دهد و مرد شود ازدواج از زمان تغییر باطل می شود.

۶. اگر جنس زن در زمان عده او تغییر کند عده او ساقط می شود حتی اگر عده [وفات] باشد.

ص: ۴۶۵

۷. هرگاه مردی که ولی است با تغییر جنسیت به زن تبدیل شود، ظاهراً ولایت او بر فرزندان نابالغش ساقط می شود، و اگر زن با تغییر جنسیت به مرد تبدیل شود بر فرزندان نابالغ ولایت نمی کند، بلکه ولایت آن ها برای جدّ پدری و در صورت نبود آن برای حاکم ثابت است.

۸. با تغییر جنسیت، عنوان «پدر» یا «جد» تغییر می کند، اما این تغییر عنوان در دیگر خویشاوندان نسبی جاری نیست.

۹. حکم محرمیت در غیر پدر و مادر با تغییر جنسیت، تغییر نمی کند.

۱۰. اگر جنس مادر تغییر کرده و به مرد تبدیل شود، ازدواج او با دخترانش جایز نیست. هم چنین اگر جنس پدر تغییر کرده و به زن تبدیل شود ازدواج او با پسرانش حرام است.

۱۱. هرگاه جنسیت شوهر تغییر کند و به زن تبدیل شود علقه زوجیت بین او و همسرش از بین می رود.

دیدگاه آیت الله محمد مؤمن درباره تغییر جنسیت

۱. تغییر جنسیت حقیقی در مورد کسی که واقعا مرد و یا واقعا زن است و هیچ گونه نقص خلقتی ندارد و با عمل جراحی به جنس مخالف تغییر جنسیت می دهد - هرگاه ممکن باشد - به نفسه مانع شرعی ندارد، البته نظر و یا لمس عورت او از ناحیه نامحرم جایز نیست و باید عمل جراحی طوری انجام شود که مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد.

۲. فردی که به حسب موازین شرع، زن یا مرد است، ولی عضو اضافی و ناقص جنس مخالف را دارد (خنتای غیر مشکل) نیز می تواند اقدام به از بین بردن این عضو ناقص نماید و یا عضو اصلی خود را از بین برده و با تقویت عضو ناقص تغییر جنسیت دهد و در هر حال، این عمل جراحی باید طوری انجام گیرد که مستلزم هیچ گونه حرام نباشد.

۳. فردی که نه زن است و نه مرد (خنثای مشکل)، اصل اقدام به اصلاح و مشخص نمودن وضعیت خودش با عمل جراحی شرعاً جایز است، اما مشکل نظر و لمس نامحرم نسبت به عورت وی به قوت خود باقی است و باید عمل جراحی روی او مستلزم این حرام یا حرام دیگری نباشد. (۱)

ص: ۴۶۷

۱- (۱) ر. ک: دکتر حسین فتاحی معصوم، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه های اسلام در پزشکی، ج ۲، ص ۶۹۰-۶۹۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

